

دانشنامه امام محمدی علیه السلام

بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ

فارسی - عربی

محمدی

جلد پنجم

ترجم  
مجلس الهادی سعودی

با همکاری  
مؤسسه علم باطنی  
دینی از پرورشگران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



سرشناسه : محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۲۵  
عنوان و نام پدیدآور : دانشنامه امام مهدی (عج) بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ (فارسی - عربی)،  
محمدی ری شهری، باهکاری سید محمدکاظم طباطبایی؛ ترجمه عبدالهادی مسعودی .  
مشخصات نشر : قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۹۳-  
مشخصات ظاهری : ۱۰ ج .

ISBN( set): 978 - 964 - 493 - 754 - 5

ISBN: 978 - 964 - 493 - 763 - 7

وضیعت فهرست نویسی : فیبا

موضوع : امام مهدی (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق -

موضوع : امام مهدی (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق -- غیبت

شناسه افزوده : طباطبایی، سید محمدکاظم، ۱۳۴۴-

شناسه افزوده : مسعودی، عبدالهادی، ۱۳۴۳- مترجم.

رده بندی کنگره : ۱۳۹۳ ۳۳۲۵۲/م ۵۱/ BP

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵۹

شماره کتابشناسی ملی : ۳۴۴۳۷۷۱

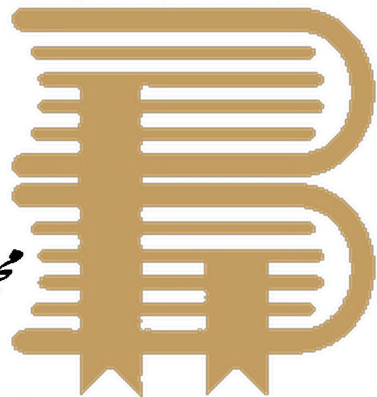
# دانشنامه امام مهدی عجل الله فرجه

بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ

شبكة كتب الشيعة

فارسی - عربی

محمد دگرگوش



shiabooks.net

رابطہ بدیل < mktba.net

جلد پنجم

ترجمہ

عبدالهادی مغودی

باہرکاری

محمد کاظم طباطبائی

و جمعاً از پژوهشگران



نقد علمی: رضا استادی و دیگران

آخذ روایات: محمود کریمیان، محمدرضا سجادی طلب، سید روح الله سید طباطبایی، احمد غلامعلی، غلامحسین مجیدی.

محمدرضا سبحانی، حیدر مسجدی، محمدحسین صالح آبادی

تحقیق و تکمیل مصدربیایی: محمود کریمیان، محمدرضا سجادی طلب

مقابله با مصادر: عبد الکریم مسجدی، عبد الکریم حلفی، رعد بهبهانی و دیگران

اعراب‌گذار: رسول آفقی

رجال و تراجم: محمدکاظم رحمان ستایش، محمد قنبری

اعتبارسنجی روایات: محمود کریمیان

همکاری در نگارش تحلیل و بیان: رضا برنجکار، رسول جعفریان، فاسم جوادی، سید حمید حسینی، علی راد، محمدکاظم

رحمان ستایش، علی اصغر رضوانی، احمد رنجبری، غلامحسن شانه‌چی، علی الشیخ، هادی صادقی، مصطفی صادقی، ضیاء الدین

مرتضوی، مهدی مهریزی

بازبین ترجمه: رسول آفقی

بازبینی: سید حسن فاطمی موحد، مرتضی خوش‌نصیب

پیگیری نهایی: سید روح الله سید طباطبایی، سید محمود طباطبایی نژاد

همکاران دیگر: محمد هادی خالقی، محمدحسین صالح آبادی

سرپرستار فارسی: محمد خنیفرزاده

ویراستار فارسی: محمدباقری زاده اشعری، حسین پورشریف، سید محمدعلی طباطبایی، سید محمد دلال موسوی

سرپرستار عربی: حسنین دباغ

شرح لغات و ویراستاری عربی: حسین انصاری (حمیدوی)

نمونه خوان عربی: محمدعلی دباغی، عبدالکریم حلفی، رعد بهبهانی

نمونه خوان فارسی: علینقی نگران، محمود سیاسی، سید هاشم شهرستانی

صفحه‌آرا: سید علی موسوی کیا

حروفچین: حسین افخمیان، علی اصغر ذریاب، علی اکبری

خوش‌نویس: حسن فرزادگان

مدیر آماده‌سازی: محمد باقر نجفی

ناشر: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث

چاپ: اول / ۱۳۹۳

چاپخانه: دارالحدیث

شمارگان: ۱۰۰۰

دفتر مرکزی: قم، میدان شهدا، خیابان معلم، پلاک ۱۲۵ / تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۰۵۲۳ / فاکس: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۰۵۷۱ / ص.ب

۳۷۱۸۵ / ۴۴۶۸

نمایشگاه دانمی علوم حدیث (قم، خیابان معلم) / تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۰۵۴۵ / فروشگاه شماره «۲» (قم، خیابان معلم، مجتمع

ناشران، طبقه همکف پلاک ۲۹) / تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۸۴۲۳۰۹ / ۰۲۵ - ۳۷۸۴۲۳۱۰

فروشگاه شماره «۳» (شهر ری، حرم حضرت عبدالعظیم حسنی ۷ درب شرقی ۷) / تلفن: ۰۲۱ - ۵۵۹۵۲۸۶۲

فروشگاه شماره «۴» (مشهد مقدس، چهار راه شهدا، ضلع شمالی باغ نادری، مجتمع فرهنگی تجاری گنجینه کتاب، طبقه هم‌کف:

۰۵۱۱ - ۲۲۴۰۰۶۲ - ۳

۹۶  
تاریخ ثبت: ۰۶



# فهرست اجمالی

۷	فصل پنجم: همیاری عیسی بن مریم <small>علیه السلام</small> .....
۱۰	تبیین روایات فرود آمدن عیسی <small>علیه السلام</small> از آسمان
۳۲	نقد روایت «لا مهدی الا عیسی <small>علیه السلام</small> » .....
۳۷	فصل ششم: پرچم امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۵۵	تبیین ویژگی های پرچم قیام از منظر احادیث .....
۶۱	فصل هفتم: گزارش هایی درباره سخنان امام <small>علیه السلام</small> در آغاز قیام
۷۹	فصل هشتم: رویارویی با دشمن .....
۹۲	تحلیلی بر احادیث کشتار در قیام امام مهدی <small>علیه السلام</small> .....
۱۱۹	فصل نهم: پاسخ به چند پرسش .....

## بخش دوازدهم: سیره حکومتی امام مهدی علیه السلام

۱۳۷	فصل یکم: بنیادهای سیره حکومتی امام مهدی <small>علیه السلام</small> .....
۱۵۸	تبیین برخی از تعبیرات درباره مبانی حکومتی امام مهدی <small>علیه السلام</small> .....
۱۶۹	فصل دوم: سرنوشت سازترین سیاست .....
۲۳۳	فصل سوم: سیاست های فرهنگی .....
۲۶۷	وحدت و یا کثرت ادیان در حکومت مهدوی .....
۳۱۷	فصل چهارم: سیاست های اجتماعی .....
۳۴۷	فصل پنجم: سیاست های اقتصادی .....
۳۸۵	فصل ششم: سیاست های قضایی .....
۳۹۲	تبیین شیوه داورى داوود و سلیمان <small>علیهم السلام</small> .....
۴۱۰	پژوهشی درباره سیره حکومتی امام مهدی <small>علیه السلام</small> .....

## الفصل الخامس

### مُعَاظِدَةُ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

١ / ٥

### نُزُولُ عِيسَى لِنَائِدِ الْأَمَامِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

١٦٣١ . صحيح البخاري : حَدَّثَنَا ابْنُ بُكَيْرٍ ، حَدَّثَنَا اللَّيْثُ ، عَنِ يُونُسَ ، عَنِ ابْنِ شِهَابٍ ، عَنْ نَافِعِ مَوْلَى أَبِي قَتَادَةَ الْأَنْصَارِيِّ : أَنَّ أَبَاهُ رُيْرَةَ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ :

كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا نَزَلَ ابْنُ مَرْيَمَ فِيكُمْ ، وَإِمَامُكُمْ مِنْكُمْ ؟

١٦٣٢ . مجمع البيان - في قوله تعالى : ﴿ وَمِنْ قَوْمٍ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ﴾<sup>١</sup> - قَالَ الرَّبِيعُ بْنُ أَنَسٍ : قَرَأَ النَّبِيُّ ﷺ هَذِهِ الْآيَةَ ، فَقَالَ :

إِنَّ مِنْ أُمَّتِي قَوْمًا عَلَى الْحَقِّ ، حَتَّى يَنْزَلَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ .

١٦٣٣ . تفسير القمي : في رواية أَبِي الْجَارُودِ ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام في قوله : ﴿ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يُنْزِلَ آيَةً ﴾<sup>٢</sup> : وَسَيُرِيكُمْ فِي آخِرِ الزَّمَانِ آيَاتٍ : مِنْهَا دَابَّةٌ فِي الْأَرْضِ<sup>٣</sup> ،

١ . الأعراف : ١٥٩ .

٢ . الأنعام : ٣٧ .

٣ . في بحار الأنوار : « دابة الأرض » بدل « دابة في الأرض » .

## فصل پنجم همیاری عیسی بن مریم علیهما السلام

۱ / ۵

### فروود آمدن عیسی علیهما السلام برای یاری امام علیهما السلام

۱۶۳۱. صحیح البخاری - با سندش به نقل از ابو هریره - : پیامبر خدا ﷺ فرمود: «چگونه هستید هنگامی که فرزند مریم ﷺ میانتان فرود می آید، در حالی که امامتان از خودتان است؟!»<sup>۱</sup>.

۱۶۳۲. مجمع البیان - به نقل از ربیع بن آنس، در باره این سخن خداوند متعال: «و از قوم موسی، امتی هستند که به حق راه می نمایند و دادگری می ورزند» - : پیامبر ﷺ این آیه را قرائت نمود و فرمود: «از امت من [نیز] گروهی بر حق هستند تا عیسی بن مریم ﷺ فرود آید».<sup>۲</sup>

۱۶۳۳. تفسیر القمی - به نقل از ابو جارود در باره سخن خداوند: «بی گمان، خداوند، قادر است که نشانه ای فرو فرستد» - : امام باقر ﷺ فرمود: «بی گمان، در آخر الزمان نشانه هایی

---

۱. صحیح البخاری: ج ۳ ص ۱۲۷۲ ح ۳۲۶۵، صحیح مسلم: ج ۱ ص ۱۳۶ ح ۲۴۴، المعجم الأوسط: ج ۹ ص ۸۶ ح ۹۲۰۳، کنز العمال: ج ۱۴ ص ۳۳۴ ح ۲۸۸۴۵، مجمع البیان: ج ۲ ص ۷۵۹، العمدة: ص ۴۳۱ ح ۹۰۳ و ص ۴۳۲ ح ۹۰۵، كشف الغمة: ج ۳ ص ۲۲۸، الصراط المستقیم: ج ۲ ص ۲۲۲، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۸۸، نیز، ر. ک. همین دانش نامه: ج ۸ ص ۲۱۸ ح ۲۹.

۲. مجمع البیان: ج ۴ ص ۷۷۳.

وَالدَّجَالُ، وَنُزُولُ عَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ عليه السلام، وَطُلُوعُ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا.

١٦٣٤. المعجم الكبير: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْمُعَلَّى الدَّمَشْقِيُّ الْقَاضِي، ثنا هِشَامُ بْنُ عُمَارَةَ،

وَحَدَّثَنَا عَبْدَانُ بْنُ أَحْمَدَ، ثنا هِشَامُ بْنُ خَالِدٍ، قَالَا: ثنا مُحَمَّدُ بْنُ شُعَيْبٍ، ثنا

يَزِيدُ بْنُ عُبَيْدَةَ، عَنْ أَبِي الْأَسْعَثِ الصَّنَاعِيِّ، عَنْ أَوْسِ بْنِ أَوْسٍ، عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله، قَالَ:

يَنْزِلُ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ عليه السلام عِنْدَ الْمَنَارَةِ الْبَيْضَاءِ شَرْقِيَّ دِمَشْقَ.

١٦٣٥. المعجم الأوسط: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُثْمَانَ بْنِ أَبِي شَيْبَةَ، قَالَ: نا عُبَيْدُ بْنُ مُكْرِمٍ، قَالَ:

نا يُونُسُ بْنُ بُكَيْرٍ، عَنْ هِشَامِ بْنِ عُرْوَةَ، عَنْ أَبِي الزِّنَادِ، عَنِ الْأَعْرَجِ، عَنْ

أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله:

لَا يَنْزِلُ الدَّجَالُ الْمَدِينَةَ وَلَكِنَّهُ يَنْزِلُ الْخَنْدَقَ، وَعَلَى كُلِّ نَقْبٍ مِنْهَا مَلَائِكَةٌ

يَحْرُسُونَهَا، فَأَوَّلُ مَنْ يَتَّبَعُهُ النِّسَاءُ وَالْإِمَاءُ، فَيَذَهُبُ فَيَتَّبَعُهُ النَّاسُ فَيَزُدُّونَهُ، فَيَرْجِعُ

عَضْبَانَ حَتَّى يَنْزِلَ الْخَنْدَقَ، فَيَنْزِلُ عِنْدَ ذَلِكَ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ.

به شما نشان می دهد، از جمله، جنبنده‌ای در زمین، دجال، فرود آمدن عیسی بن مریم علیه السلام و طلوع خورشید از مغرب آن.<sup>۱</sup>

۱۶۳۴. المعجم الكبير - با سندش به نقل از اوس بن اوس -: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «عیسی بن مریم علیه السلام کنار مناره سپید در شرق دمشق فرود می آید».<sup>۲</sup>

۱۶۳۵. المعجم الأوسط - با سندش به نقل از ابو هریره -: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «دجال در مدینه فرود نمی آید؛ بلکه در خندق فرود می آید و بر هر سوراخ آن، فرشتگانی به نگهبانی گمارده شده‌اند و نخستین کسانی که از او پیروی می کنند، زنان و کنیزان هستند. او می رود؛ اما مردم در پی او می روند و بازش می گردانند و او خشمگین باز می گردد تا در خندق فرود آید و این هنگام، عیسی بن مریم فرود می آید».<sup>۳</sup>

ر.ک: ج ۸ ص ۲۱۵ (فصل چهارم: پیامبران بنور امام).

۱. تفسیر الفقی: ج ۱ ص ۱۹۸، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۱۸۱ ح ۴.

۲. المعجم الكبير: ج ۱ ص ۲۱۷ ح ۵۹۰، کنز العمال: ج ۱۴ ص ۳۳۵ ح ۳۸۸۵۲.

۳. المعجم الأوسط: ج ۵ ص ۳۳۱ ح ۵۴۶۵.

## تیسین روایات فرود آمدن عیسی علیه السلام از آسمان<sup>۱</sup>

نزول عیسی علیه السلام و نماز گزاردن وی پشت سر امام مهدی علیه السلام در میان شیعه و سنی، اجماعی است.<sup>۲</sup> روایات مربوط به این ماجرا به لحاظ مضمونی تعارض آشکاری ندارند و هرچند برخی از آنها به لحاظ سندی ضعیف‌اند، می‌توان آنها را متواتر یا دست‌کم مستفیض دانست.

در پاره‌ای از این روایات به مضامین دیگری مانند قتل دجال و بقای ایشان به مدت چهل سال اشاره شده است که نمی‌توان هیچ یک را قطعی دانست.<sup>۳</sup> این عدم قطعیت در برخی مسائل مربوط به امام زمان علیه السلام نیز، مانند مدت توقف ایشان در دنیا پس از ظهور و جنگ‌ها و برخورد ایشان با پیروان دیگر ادیان، وجود دارد؛ اما عدم قطعیت در برخی جزئیات، خدشه‌ای به اصل آنها وارد نمی‌سازد.

آنچه از احادیث وارد در این فصل به طور یقینی استفاده می‌شود، این است که پس از ظهور امام زمان علیه السلام، عیسی علیه السلام از آسمان فرود می‌آید و در نماز به امام مهدی علیه السلام اقتدا می‌کند. از پاره‌ای روایات چنان برمی‌آید که امام علیه السلام، هدایت گروهی از

۱. به قلم پژوهشگر ارجمند، حجة الاسلام والمسلمین هادی صادقی.

۲. چنان‌که در احادیث این فصل مشاهده می‌شود، در کتاب‌های مهم شیعه و اهل سنت، احادیثی در این موضوع آمده است. کتاب‌های مهم اهل سنت مانند: صحیح البخاری، صحیح مسلم، سنن الترمذی، مسند ابن حنبل، السنن الکبری، سنن ابی داود، تاریخ دمشق، کنز العمال، و... و کتاب‌های مهم شیعه مانند: کمال الدین، کشف الغمّة، بحار الأنوار، الملاحم و الفتن، الغیبة طوسی، الأمالی صدوق، الاحتجاج، عیون أخبار الرضا علیه السلام و...  
۳. هر چند برخی علمای اهل سنت، مانند شوکانی، برخی از اینها را مانند احادیث مربوط به دجال، متواتر می‌دانند (رک: عون المعبود: ص ۴۵۸).

مردم جهان - که ظاهراً شامل کشورهای غربی می شود - و حکومت بر آنها را به عیسی علیه السلام می سپارد تا نایب حکومتش در آن مناطق باشد.

تنها نکته‌ای که شاید باورش برای برخی از مردم دشوار باشد، نزول عیسی علیه السلام از آسمان است. به هر روی، این امر نیز همچون اصل صعود ایشان به آسمان، جزو معجزات الهی است. به گزارش قرآن کریم، خداوند امر را بر دشمنان ایشان مشتبه کرد و آنان نتوانستند بر ایشان چیره شوند و وی را به صلیب کشند و بکشند؛ بلکه خداوند او را به سوی خود برد. چنان که این موضوع معجزه است و هیچ مؤمنی در آن تردید نمی کند، در بازگشت ایشان هم جای هیچ تردیدی نیست؛ زیرا قرآن کریم به ایمان مجدد اهل کتاب به عیسی علیه السلام پیش از مرگش تصریح می کند و می فرماید:

﴿وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا﴾<sup>۱</sup>

و هیچ یک از اهل کتاب نیست، مگر آن که پیش از مرگش به او ایمان آورد و عیسی در روز قیامت به ایمانشان گواهی خواهد داد.

این آیه نشان می دهد که عیسی علیه السلام را بازگشتی دوباره است که در آن بازگشت، ایمان آوردن اهل کتاب اتفاق می افتد؛ و گر نه به گواهی تاریخ که تاکنون ایمان همه اهل کتاب به ایشان، محقق نشده است. یهودیان که وضعشان روشن است. مسیحیان نیز با اعتقادات نادرستی که در باره ایشان دارند، ایمانشان به حضرت عیسی علیه السلام تاکنون ایمان درستی نبوده است. بنا بر این باید بازگشتی برای ایشان فرض شود که زمینه ایمان آنها را فراهم کند و این، همان چیزی است که بر اساس روایات پس از ظهور امام مهدی علیه السلام اتفاق خواهد افتاد.



## صَلَاتُهُ خَلْفَ إِمَامِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي تَالِبٍ

١٦٣٦. صحيح مسلم : حَدَّثَنَا الْوَلِيدُ بْنُ شُجَاعٍ وَهَارُونُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَحَجَّاجُ بْنُ الشَّاعِرِ، قَالُوا: حَدَّثَنَا حَجَّاجٌ وَهُوَ ابْنُ مُحَمَّدٍ، عَنِ ابْنِ جُرَيْجٍ، قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو الزُّبَيْرِ: أَنَّهُ سَمِعَ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ:

لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي يُقَاتِلُونَ عَلَى الْحَقِّ ظَاهِرِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

قال: فَيَنْزِلُ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ عليه السلام، فَيَقُولُ أَمِيرُهُمْ: تَعَالَ صَلِّ لَنَا، فَيَقُولُ: لَا، إِنَّ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ أَمْرَاءٌ، تَكْرِمَةً اللَّهُ هَذِهِ الْأُمَّةَ.

١٦٣٧. مسند أبي يعلى : حَدَّثَنَا حَفْصُ الْحُلَوَانِيُّ، حَدَّثَنَا بُهْلُولُ بْنُ مَرْزُوقِ الشَّامِيِّ، عَنِ مُوسَى بْنِ عُبَيْدَةَ، عَنْ أَخِيهِ، عَنْ جَابِرٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي يُقَاتِلُونَ عَلَى الْحَقِّ حَتَّى يَنْزِلَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ، فَيَقُولُ إِمَامُهُمْ: تَقَدَّمَ، فَيَقُولُ: أَنْتُمْ أَحَقُّ، بَعْضُكُمْ أَمْرَاءُ بَعْضٍ، أَمْرٌ أَكْرَمَ اللَّهُ بِهِ هَذِهِ الْأُمَّةَ.

١٦٣٨. المعجم الأوسط : حَدَّثَنَا الْمُقَدَّمُ، ثنا أسدُ بنُ موسى وسعيدُ بنُ أبي مريم، قالا: نا ابنُ لهيعة، عَنْ أَبِي الزُّبَيْرِ، عَنْ جَابِرٍ، أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ:

لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي يُقَاتِلُونَ عَلَى الْحَقِّ ظَاهِرِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، ثُمَّ يَنْزِلُ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ، فَيَقُولُ أَمِيرُهُمْ: تَقَدَّمَ فَصَلِّ لَنَا، فَيَقُولُ: لَا، إِنَّ بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ أَمِيرٌ، يُكْرِمُ اللَّهُ هَذِهِ الْأُمَّةَ.

١٦٣٩. بشارة المصطفى : عَنِ الْحَسَنِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

۲/۵

## نماز خواندن عیسی پشت سر امام علیه السلام

۱۶۳۶. صحیح مسلم - با سندش به نقل از جابر بن عبد الله - : شنیدم که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «همواره گروهی از امت من، حق مدارانه می جنگند و تا روز قیامت پیروزند» و فرمود: «و عیسی بن مریم فرود می آید و فرمانده آنان (سپاهیان مهدی علیه السلام) به او می گوید: پیش بیا و برایمان نماز بگذار. عیسی می گوید: نه، برخی از شما، امام برخی دیگر هستند [و این]، گرامیداشت خداوند برای این امت است»<sup>۱</sup>.
۱۶۳۷. مسند ابی یعلی - با سندش به نقل از جابر - : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «همواره امتم بر حق و پیروزند تا این که عیسی بن مریم فرود می آید. پس امام آنان می گوید: "جلو بایست" و او می گوید: شما شایسته ترید. برخی از شما امیر دیگران است؛ امری که خداوند، این امت را با آن، گرامی داشته است»<sup>۲</sup>.
۱۶۳۸. المعجم الأوسط - با سندش به نقل از جابر - : شنیدم [م] که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «همواره گروهی از امتم تا روز قیامت، حق مدارانه می جنگند و پیروزند، تا این که عیسی بن مریم فرود می آید و امامشان به او می گوید: "جلو بایست و برایمان نماز بخوان" و او می گوید: نه! برخی از شما، امام برخی دیگر قرار شده‌اید تا خداوند، این امت را گرامی بدارد»<sup>۳</sup>.
۱۶۳۹. بشارة المصطفی - به نقل از حسن - : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «همواره گروهی از امتم

۱. صحیح مسلم: ج ۱ ص ۱۲۷ ح ۲۴۷. مسند ابن حنبل: ج ۵ ص ۱۱۲ ح ۱۴۷۲۶. صحیح ابن حبان: ج ۱۵ ص ۲۳۱ ح ۶۸۱۹. السنن الکبری: ج ۹ ص ۳۰۴ ح ۱۸۶۱۵. کز العمال: ج ۱۴ ص ۳۳۴ ح ۳۸۸۴۶. مجمع البیان: ج ۹ ص ۸۲. کشف الغمّة: ج ۳ ص ۲۷۴. تأویل الآيات: ج ۲ ص ۵۷۰ ح ۴۴. بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۸۸.

۲. مسند ابی یعلی: ج ۲ ص ۴۰۸ ح ۲۰۷۴. تاریخ دمشق: ج ۴۷ ص ۵۰۱ ح ۱۰۳۲۰.

۳. المعجم الأوسط: ج ۹ ص ۳۹ ح ۹۰۷۸.

لا يَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي يُقَاتِلُونَ عَلَى الْحَقِّ ظَاهِرِينَ<sup>١</sup>، حَتَّى يَنْزِلَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ، فَيَقُولُونَ: تَقَدَّمَ فَصَلِّ بِنَا، فَيَقُولُ: يَتَقَدَّمُ إِمَامُكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ أُمَّةً، لِكِرَامَةِ هَذِهِ الْأُمَّةِ.

١٦٤٠. كشف الغمّة: بِإِسْنَادِهِ<sup>٢</sup> عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

مِنَّا الَّذِي يُصَلِّي عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ خَلْفَهُ.

١٦٤١. الصراط المستقيم عن حذيفة عن رسول الله ﷺ: يَلْتَفِتُ الْمَهْدِيُّ وَقَدْ نَزَلَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ كَأَنَّمَا يَقْفُزُ مِنْ شَعْرِهِ الْمَاءُ، يَقُولُ لَهُ الْمَهْدِيُّ: تَقَدَّمَ فَصَلِّ.

فَيَقُولُ: إِنَّمَا أُقِيمَتِ الصَّلَاةُ لَكَ، فَيُصَلِّي عِيسَى خَلْفَ رَجُلٍ مِنْ وُلْدِي.

١٦٤٢. كمال الدين: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَسْرُورٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَامِرٍ، عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَصْرِيِّ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سُلَيْمَانَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الْحَكَمِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

إِنَّ خُلَفَائِي وَأَوْصِيَائِي وَحُجَجَ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ: أَوْلُهُمْ أَخِي وَآخِرُهُمْ وَوَلَدِي.

قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ أَخْوَاكَ؟ قَالَ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، قِيلَ: فَمَنْ وَلَدُكَ؟ قَالَ: الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَمَلُوهَا قِسْطاً وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا، وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا! لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ وَوَلَدِي

١. في النسخة المعتمدة لدينا: «على طاهرين» بدل «على الحق طاهرين».

٢. أي الحافظ أبي نعيم أحمد بن عبد الله.

حق مدارانه و پیروزمندانه می‌جنگند، تا این که عیسی بن مریم فرود می‌آید. [به او] می‌گویند: جلو بایست و برای ما نماز بخوان. او می‌گوید: امامتان جلو می‌ایستند، که خداوند متعال، برای کرامت این امت، برخی از شما را امام برخی دیگر قرار داده است.<sup>۱</sup>

۱۶۴۰. كشف الغمة - با سندش به نقل از ابو سعید خدری - : پیامبر خدا فرمود ﷺ: «از ما کسی خواهد آمد که عیسی بن مریم، پشت سرش نماز می‌خواند».<sup>۲</sup>

۱۶۴۱. الصراط المستقیم - به نقل از حدیث - : پیامبر خدا ﷺ فرمود: «مهدی ﷺ رو به عیسی بن مریم می‌کند و به او - که از آسمان، فرود آمده و گویی از مویش آب می‌چکد - ، می‌گوید: جلو بایست و نماز بگزار. او می‌گوید: نماز برای امامت جماعت تو برپا شده است. و عیسی پشت سر مردی از نسل من نماز می‌گزارد».<sup>۳</sup>

۱۶۴۲. کمال الدین - با سندش به نقل از عبد الله بن عباس - : پیامبر خدا ﷺ فرمود: «پس از من، خلفا و اوصیای من و حجّت‌های الهی بر خلق، دوازده تن اند: اولین آنها، برادرم و آخرین آنها، فرزندم است».

گفته شد: برادرت کیست؟

فرمود: «علی بن ابی طالب».

گفته شد: فرزندت کیست؟

فرمود: «مهدی، که آن (زمین) را از عدل و داد پر می‌کند، همان گونه که از ظلم و ستم، پر شده است و سوگند به کسی که مرا به حق، پیامبر نمود، اگر جز یک روز از دنیا نمانده باشد، خداوند، آن روز را چندان طولانی می‌کند تا فرزندم مهدی در آن

۱. بشارة المصطفی (چاپ مؤسسه النشر الإسلامی): ص ۲۴۹؛ تاریخ دمشق: ج ۴۷ ص ۵۰۱ ح ۱۰۳۲۱.

۲. كشف الغمة: ج ۳ ص ۲۶۴، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۸۴؛ کنز العمال: ج ۱۴ ص ۲۶۶ ح ۲۸۶۷۳ (به نقل از ابو نعیم در کتاب المهدی).

۳. الصراط المستقیم: ج ۲ ص ۲۵۷.

المَهْدِيُّ، فَيَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ فَيُصَلِّي خَلْفَهُ، وَتُشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِهِ،  
وَيَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ.

١٦٤٣. الغيبة للطوسي: بِهَذَا الْإِسْنَادِ<sup>٢</sup> عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى،  
عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدِ الْأَهْوَازِيِّ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ، عَنْ أَبِي هَارُونَ الْعَبْدِيِّ،  
عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ فِي حَدِيثٍ لَهُ طَوِيلٍ اخْتَصَرْنَاهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ  
اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ:

يَا بُنَيَّةُ! إِنَّا أُعْطِينَا أَهْلَ الْبَيْتِ سَبْعًا لَمْ يُعْطَهَا أَحَدٌ قَبْلَنَا: نَبِيْنَا خَيْرُ الْأَنْبِيَاءِ وَهُوَ  
أَبُوكَ، وَوَصِيْنَا خَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ وَهُوَ بَعْلُكَ، وَشَهِدْنَا خَيْرَ الشُّهَدَاءِ وَهُوَ عَمُّ أَبِيكَ  
حَمْرَةٌ، وَمِنَّا مَنْ لَهُ جَنَاحَانِ خَضِيْبَانِ يَطِيرُ بِهِمَا فِي الْجَنَّةِ، وَهُوَ ابْنُ عَمِّكَ جَعْفَرُ،  
وَمِنَّا سِبْطَا هَذِهِ الْأُمَّةِ، وَهُمَا ابْنَاكَ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ، وَمِنَّا وَاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ  
مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ الَّذِي يُصَلِّي خَلْفَهُ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ.

ثُمَّ ضَرَبَ بِيَدِهِ عَلَى مَنْكِبِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: مِنْ هَذَا - ثَلَاثًا -.

١٦٤٤. الملاحم والفتن - فيما رواه السليبي في كتاب الفتن، قَالَ: - حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ،  
قَالَ: أَخْبَرَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ الْبَصْرِيُّ، قَالَ: أَخْبَرَنَا دَاوُدُ الْعَسْفَلَانِيُّ، قَالَ: أَخْبَرَنَا  
سُفْيَانُ بْنُ سَعِيدِ الثَّوْرِيِّ، عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْمُعْتَمِرِ، عَنْ رَبِيعِيِّ بْنِ جِرَاشٍ، قَالَ:  
سَمِعْتُ حُدَيْفَةَ بْنَ الْيَمَانَ، قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: ... قَدْ أَفْلَحَتْ أُمَّةٌ أَنَا أَوْلَاهَا وَعَيْسَى آخِرُهَا، فَيُصَلِّي خَلْفَ

١. في المصادر الأخرى: «بنور ربها».

٢. أي جماعة. عن التلعكبري، عن أحمد بن علي.

خروج کند، و روح الله، عیسی بن مریم، فرود می آید و پشت سر او نماز می خواند و زمین از نور او روشن می شود و حاکمیتش به شرق و غرب می رسد»<sup>۱</sup>.

۱۶۴۳. الغیبة، طوسی - با سندش به نقل از ابو سعید خُدَری، در حدیثی طولانی که مختصرش کرده است :- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام فرمود: «ای دختر عزیزم! به ما اهل بیت، هفت چیز داده شده که به کسی پیش از ما داده نشده است: پیامبران، بهترین پیامبر است که همان پدرت است، و وصیّمان، بهترین وصی است که همان همسرت است، و شهیدمان، بهترین شهید است که همان عموی پدرت حمزه است، و از ما اهل بیت است کسی که دو بال رنگین دارد و با آنها در بهشت پرواز می کند و او همان پسر عمویت جعفر است، و از ما دو سبط این امت اند که همان دو پسر ت حسن و حسین هستند، و سوگند به خداوندی که جز او معبودی نیست، مهدی این امت، از ماست؛ کسی که عیسی بن مریم، پشت سرش نماز می خواند».

سپس با دستش بر شانه حسین علیه السلام زد و سه بار فرمود: «از [نسل] این»<sup>۲</sup>.

۱۶۴۴. الملاحم والفتن - از آنچه سلیلی در کتاب الفتن آورده با سندش به نقل از حذیفه بن یمان :- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «امتی که من، اولین آنها و عیسی، آخرین آنها باشد، رستگار می شود. عیسی پشت سر مردی از نسل من نماز می خواند و چون نماز

۱. کمال الدین: ص ۲۸۰ ح ۲۷، إعلام الوری: ج ۲ ص ۱۷۳، کشف الغمّة: ج ۳ ص ۲۹۷، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۷۱ ح ۱۲.

۲. الغیبة، طوسی: ص ۱۹۱ ح ۱۵۴، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۷۶ ح ۳۲.

رَجُلٍ مِنْ وُلْدِي، فَإِذَا صَلَّيْتَ الْغَدَاةَ قَامَ عَيْسَى حَتَّى يَجْلِسَ فِي الْمَقَامِ.

١٦٤٥. الأُمَالِي لِلصَّدُوقِ : حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَا جِيلَوِيهِ عليه السلام ، قَالَ : حَدَّثَنِي عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هِلَالٍ ، عَنِ الْفَضْلِ بْنِ دُكَيْنٍ ، عَنْ مَعْمَرِ بْنِ رَاشِدٍ ، قَالَ : سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقَ عليه السلام يَقُولُ :

أَتَى يَهُودِيٌّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله فَقَامَ بَيْنَ يَدَيْهِ يَحُدُّ النَّظَرَ إِلَيْهِ ، فَقَالَ : يَا يَهُودِيُّ ، مَا حَاجَتُكَ ؟ قَالَ : أَنْتَ أَفْضَلُ أَمْ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ النَّبِيُّ الَّذِي كَلَّمَهُ اللَّهُ ، وَأَنْزَلَ عَلَيْهِ التَّوْرَةَ وَالْعَصَا ، وَفَلَقَ لَهُ الْبَحْرَ ، وَأَظْلَمَهُ بِالْعَمَامِ ؟

فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله : إِنَّهُ يُكْرَهُ لِلْعَبْدِ أَنْ يُرَكِّي نَفْسَهُ ، وَلِكِنِّي أَقُولُ : ... مِنْ ذُرِّيَّتِي الْمَهْدِيِّ ، إِذَا خَرَجَ نَزَلَ عَيْسَى بْنُ مَرِيَمَ لِنُصْرَتِهِ ، فَقَدَّمَهُ وَصَلَّى خَلْفَهُ .

١٦٤٦. الغيبة للنعماني : بهذا الإسناد<sup>١</sup> عَنْ عَبْدِ الرَّزَاقِ بْنِ هَمَّامٍ ، قَالَ : حَدَّثَنَا مَعْمَرُ بْنُ رَاشِدٍ ، عَنْ أَبَانَ بْنِ أَبِي عِيَّاشٍ ، عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ ، قَالَ :

لَمَّا أَقْبَلْنَا مِنْ صِفِّينَ مَعَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام ، نَزَلَ قَرِيبًا مِنْ دَيْرِ نَصْرَانِيٍّ ، إِذْ خَرَجَ عَلَيْنَا شَيْخٌ مِنَ الدَّيْرِ ، جَمِيلُ الْوَجْهِ حَسَنُ الْهَيْئَةِ وَالسَّمْتِ ، مَعَهُ كِتَابٌ ، حَتَّى أَتَى أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ ، ثُمَّ قَالَ :

إِنِّي مِنْ نَسْلِ حَوَارِيِّ عَيْسَى بْنِ مَرِيَمَ ، وَكَانَ أَفْضَلَ حَوَارِيِّ عَيْسَى - الْإِسْنِي عَشَرَ - وَأَحَبَّهُمْ إِلَيْهِ وَأَثَرُهُمْ عِنْدَهُ ، وَأَنَّ عَيْسَى أَوْصَى إِلَيْهِ وَدَفَعَ إِلَيْهِ كُتُبَهُ ، وَعَلَّمَهُ

١. أي أحمد بن مهد بن سعيد بن عقدة ومحمد بن همام بن سهيل وعبد العزيز وعبد الواحد ابنا عبد الله بن يونس الموصلي عن رجالهم .

صبح خوانده می شود، عیسی بر می خیزد تا در جایگاه بنشیند»<sup>۱</sup>.

۱۶۴۵. الأملی، صدوق - با سندش به نقل از معمر بن راشد -: شنیدم که امام صادق علیه السلام می فرماید: «یهودی ای خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و پیش روی ایشان ایستاد و به ایشان چشم دوخت. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: "حاجت چیست؟".

گفت: تو برتری، یا موسی بن عمران؛ پیامبری که خدا با او سخن گفت و تورات و عصا را بر او نازل کرد و دریا را برایش شکافت و با ابر بر او سایه گسترده؟  
پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: "ناپسند است که بنده از خودش تعریف کند؛ اما [برای روشن شدن حقیقت] می گویم: ... از نسل من، مهدی است که چون خروج کند، عیسی بن مریم برای یاری اش فرود می آید و او را پیش می اندازد و پشت سرش نماز می خواند"<sup>۲</sup>.

۱۶۴۶. الغیبة، نعمانی - با سندش به نقل از سلیم بن قیس هلالی -: هنگامی که همراه امیر مؤمنان علیه السلام از صفین باز می گشتیم، نزدیک صومعه یک مسیحی فرود آمد. پیرمردی زیبارو و خوش قد و بالا که کتابی همراه داشت، از صومعه بیرون و به سوی ما آمد تا نزد امیر مؤمنان علیه السلام رسید و بر ایشان سلام داد و سپس گفت: من از نسل یکی از حواریان عیسی بن مریم هستم که میان دوازده تن حواریان عیسی، برترین و از بقیه نزد او محبوب تر بود و او را بر دیگران مقدم می داشت و به او وصیت کرد و کتاب هایش را به وی سپرد و حکمتش را به او آموخت و اهل این خانه همواره بر دینش بوده اند و به آیینش چنگ زده و کفر نورزیده اند و از آن به سوی دین دیگری بیرون نرفته و آن را دگرگون نکرده اند، و آن کتاب ها به املای عیسی بن مریم و دست خط پدرمان، نزد من موجود است و همه کارهایی که مردم پس از او می کنند،

۱. الملاحم و الفتن: ص ۳۰۱ ح ۴۲۲.

۲. الأملی، صدوق: ص ۲۸۷ ح ۳۲۰. الاحتجاج: ج ۱ ص ۱۰۶، روضة الواعظین: ص ۲۹۹، تأویل الآیات: ج ۱

ص ۴۸ ح ۲۳، بحار الأنوار: ج ۱۶ ص ۳۶۶ ح ۷۲.



حِكْمَتُهُ، فَلَمْ يَزَلْ أَهْلُ هَذَا الْبَيْتِ عَلَى دِينِهِ، مُتَمَسِّكِينَ بِمِلَّتِهِ، لَمْ يَكْفُرُوا وَلَمْ يَرْتَدُّوا  
 وَلَمْ يُعَيَّرُوا، وَتِلْكَ الْكُتُبُ عِنْدِي إِمْلَاءُ عَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ وَخَطُّ أَبِيْنَا بِيَدِهِ، فِيهَا كُلُّ  
 شَيْءٍ يَفْعَلُ النَّاسُ مِنْ بَعْدِهِ، وَاسْمُ مَلِكٍ مَلِكٍ (مِنْ بَعْدِهِ) مِنْهُمْ. وَأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى  
 يَبْعَثُ رَجُلًا مِنَ الْعَرَبِ مِنْ وُلْدِ (إِسْمَاعِيلَ بْنِ) إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ مِنْ أَرْضِ (يُقَالُ  
 لَهَا:) يَهَامَّةُ، مِنْ قَرْيَةٍ يُقَالُ لَهَا: مَكَّةُ، يُقَالُ لَهُ: أَحْمَدُ، لَهُ اثْنَا عَشَرَ اسْمًا، وَذَكَرَ مَبْعُوثُهُ  
 وَمَوْلَدُهُ وَمُهَاجِرَتُهُ، وَمَنْ يُقَاتِلُهُ، وَمَنْ يَنْصُرُهُ، وَمَنْ يُعَادِيهِ، وَمَا يَعِيشُ، وَمَا تَلْقَى  
 أُمَّتُهُ بَعْدَهُ إِلَى أَنْ يَنْزَلَ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ مِنَ السَّمَاءِ.

وفي ذَلِكَ الْكِتَابِ ثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا مِنْ وُلْدِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ مِنْ  
 خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ، وَمِنْ أَحَبِّ خَلْقِ اللَّهِ إِلَيْهِ، وَاللَّهُ وَلِيُّ لِمَنْ وَالَاهُمْ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُمْ،  
 مَنْ أَطَاعَهُمْ اهْتَدَى، وَمَنْ عَصَاهُمْ ضَلَّ، طَاعَتُهُمْ لِلَّهِ طَاعَةٌ، وَمَعْصِيَتُهُمْ لِلَّهِ مَعْصِيَةٌ،  
 مَكْتُوبَةٌ أَسْمَاؤُهُمْ وَأَنْسَابُهُمْ وَنُعُوتُهُمْ، وَكَمْ يَعِيشُ كُلُّ رَجُلٍ مِنْهُمْ وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ،  
 وَكَمْ رَجُلٍ مِنْهُمْ يَسْتَبِرُّ بِدِينِهِ وَيَكْتُمُهُ مِنْ قَوْمِهِ، وَمَنْ الَّذِي يَظْهَرُ مِنْهُمْ وَيَنْقَادُ لَهُ  
 النَّاسُ حَتَّى يَنْزَلَ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ عج عَلَى آخِرِهِمْ، فَيُصَلِّيَ عَيْسَى خَلْفَهُ، وَيَقُولُ:  
 إِنَّكُمْ لِأَنَّمَةٌ لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ أَنْ يَتَقَدَّمَكُمْ، فَيَتَقَدَّمُ فَيُصَلِّيَ بِالنَّاسِ وَعَيْسَى خَلْفَهُ فِي  
 الصَّفِّ.

أَوْأُهُمْ وَخَيْرُهُمْ وَأَفْضَلُهُمْ - وَلَهُ مِثْلُ أُجُورِهِمْ وَأُجُورٍ مَنْ أَطَاعَهُمْ وَاهْتَدَى بِهِمْ -  
 رَسُولُ اللَّهِ ص اسْمُهُ: مُحَمَّدٌ، وَعَبْدُ اللَّهِ، وَيس، وَالْفَتْاحُ وَالْخَاتِمُ، وَالْحَاشِرُ، وَالْعَاقِبُ،

در آن موجود است و نیز نام یک یک حاکمان آنها پس از او، و خداوند - تبارک و تعالی - مردی از عرب را از فرزندان اسماعیل بن ابراهیم، خلیل و دوست خدا، از سرزمینی به نام تهامه و شهری به نام مکه بر می انگیزد، که نام [اصلی] او احمد است؛ ولی به دوازده نام خوانده می شود، و مکان و زمان بعثت و تولدش را ذکر کرده است و نیز کسانی را که با او می جنگند و کسانی که یاری اش می دهند و کسانی که با او دشمنی و یا با او زندگی می کنند و آنچه امتش پس از او می بیند، تا آن که عیسی بن مریم از آسمان فرود آید.

و در آن کتاب، نام و تبار و ویژگی های سیزده مرد<sup>۱</sup> از فرزندان اسماعیل بن ابراهیم، خلیل و دوست خدا، از بهترین خلق خدا و محبوب ترین آفریدگان نزد او آمده است و خداوند، دوستدار کسی است که آنان را دوست بدارد و دشمن کسی است که با آنان دشمنی کند. هر کس از آنان پیروی کند، به راه می آید و هر کس از آنان سرپیچی نماید، گمراه می شود. پیروی از آنان، پیروی از خداست و سرپیچی از آنان، سرپیچی از خداست. در آن کتاب، نامها، نَسَبها، ویژگیها و نیز عمر آنان، به ترتیب آمده است و این که چه تعداد از آنها دینش را پوشیده و از قومش پنهان می دارد و کدام یک از آنها ظهور می کند و مردم به فرمانش در می آیند، تا آن که عیسی بن مریم بر آخرین آنها فرود می آید و پشت سر او نماز می خواند و می گوید: شما امامانی هستید که هیچ کس حق ندارد بر شما مقدم شود. و آن امام جلو می رود و با مردم نماز جماعت می خواند و عیسی پشت سر او در صف می ایستد.

اولین، بهترین و برترین فرد آنان - که مانند پاداش آنان و کسانی که از آنها پیروی نموده و به وسیله ایشان راه یافته اند، پاداش دارد -، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است که او را به نام: محمد، عبد الله، یس، فتاح (گشاینده)، خاتم (مُهر پایان)، حاشر (گردآورنده)، عاقب (جانشین)، ماحی (محو کننده)، قائد (زامدار)، نبی الله، صفی الله (برگزیده

۱. مقصود، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و دوازده امام اهل بیت علیهم السلام است.

وَالْمَاحِي، وَالْقَائِدُ، وَنَبِيُّ اللَّهِ، وَصَفِيُّ اللَّهِ، وَحَبِيبُ اللَّهِ، وَأَنَّهُ يُذَكَّرُ إِذَا ذُكِرَ، مِنْ أَكْرَمِ خَلْقِ اللَّهِ عَلَى اللَّهِ، وَأَحَبِّهِمْ إِلَى اللَّهِ، لَمْ يَخْلُقِ اللَّهُ مَلَكًا مُكْرَمًا وَلَا نَبِيًّا مُرْسَلًا مِنْ آدَمَ فَمَنْ سِوَاهُ، خَيْرًا عِنْدَ اللَّهِ وَلَا أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْهُ، يُقَعِّدُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى عَرْشِهِ، وَيُشَفِّعُهُ فِي كُلِّ مَنْ يَشْفَعُ فِيهِ.

بِاسْمِهِ جَزَى الْقَلَمُ فِي اللُّوحِ الْمَحْفُوظِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ. وَبِصَاحِبِ اللُّوَاءِ يَوْمَ الْحَشْرِ الْأَكْبَرِ أَخِيهِ وَوَصِيِّهِ وَوَزِيرِهِ وَخَلِيفَتِهِ فِي أُمَّتِهِ. وَمِنْ أَحَبِّ خَلْقِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ بَعْدَهُ عَلِيُّ بْنُ عَمِّهِ لِأُمِّهِ وَأَبِيهِ، وَوَلِيِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدَهُ، ثُمَّ أَحَدَ عَشَرَ رَجُلًا مِنْ وُلْدِ مُحَمَّدٍ وَوُلْدِهِ، أَوْلَهُمْ يُسَمَّى بِاسْمِ ابْنِي هَارُونَ شَبَّرَ وَشَبِيرٍ، وَتِسْعَةٌ مِنْ وُلْدِ أَصْغَرِهِمَا وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ، آخِرُهُمُ الَّذِي يُصَلِّيَ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ خَلْفَهُ.

١٦٤٧. كمال الدين: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عِصَامٍ ع، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكَلْبِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ الْعَلَاءِ، قَالَ: حَدَّثَنِي إِسْمَاعِيلُ بْنُ عَلِيٍّ الْقَزْوِينِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ عَاصِمِ بْنِ حَمِيدِ الْحَنَاطِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمِ النَّخْفِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الْبَاقِرَ ع يَقُولُ:

القَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ، مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ، تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ وَتَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ، يَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ، وَيُظْهَرُ اللَّهُ عز وجل بِهِ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا قَدْ عُمِرَ، وَيَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ ع فَيُصَلِّيَ خَلْفَهُ.

١٦٤٨. تفسير القمي: حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُودَ الْمِنْقَرِيِّ،

خدا) و حبیب الله می خوانند، و او هنگامی که [خدا] یاد شود، یاد می شود، و از گرمی ترین خلق خدا و محبوب ترین آنها، نزد خداوند است. خداوند، فرشته ای گرمی داشته شده و پیامبری فرستاده شده را از آدم تا دیگران نیافریده است که نزد خدا از او بهتر و دوست داشتنی تر باشد. او را روز قیامت بر عرش خود می نشانند و او را در باره هر کس که شفاعت کند، شفیع می گرداند. قلم در لوح محفوظ، او را محمّد فرستاده خدا، و برادر، وصی، وزیر و جانشین او در امتش [علی] را پرچمدار بزرگ روز رستاخیز قرار داده است. از محبوب ترین خلق خدا نزد خداوند، پس از او، علی، پسر عموی تنی اش است که پس از او سرپرست هر مؤمن است. [بقیه این سیزده تن] یازده مرد از فرزندان محمّد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام هستند که نخستین آنها به نام دو فرزند هارون، شبر و شبیرند، و نه تن از فرزندان برادر کوچک تر (شبیر)، که یکی پس از دیگری می آیند و آخرین ایشان، کسی است که عیسی بن مریم پشت سرش نماز می خواند.<sup>۱</sup>

۱۶۴۷. کمال الدین - با سندش به نقل از محمّد بن مسلم :- شنیدم که امام باقر علیه السلام می فرماید: «قائم ما با هراس [افتادن در دل دشمنانش] یاری می شود و با یاری [خداوند] استوار می گردد، زمین زیر پایش در هم پیچیده [و حرکتش سریع] می گردد و گنج ها برایش آشکار می شوند و حاکمیتش به شرق و غرب می رسد و خداوند، دینش را به دست او بر همه دین ها غلبه می دهد، هر چند مشرکان را خوش نیاید، و در زمین، ویرانه ای نمی ماند، جز آن که آباد می شود و روح خدا، عیسی بن مریم، فرود می آید و پشت سر او نماز می گزارد».<sup>۲</sup>

۱۶۴۸. تفسیر القمی - با سندش به نقل از شهر بن حوشب :- حجّاج به من گفت: آیه ای در

۱. الغیبة، نعمانی: ص ۷۴ ح ۹، بحار الأنوار: ج ۳۶ ص ۲۱۰ ح ۱۳.

۲. کمال الدین: ص ۳۳۰ ح ۱۶، [علام الوری]: ج ۲ ص ۲۹۱، کشف الغمّة: ج ۳ ص ۲۲۴، بحار الأنوار: ج ۵۲

ص ۱۹۱ ح ۲۴. نیز، برای دیدن همه حدیث، ر. ک: همین دانش نامه: ج ۷ ص ۳۸۸ ح ۱۳۹۵.

عَنْ أَبِي حَمْرَةَ، عَنْ شَهْرٍ بْنِ حَوْشَبٍ، قَالَ:

قَالَ لِي الْحَجَّاجُ بَأَنَّ آيَةً فِي كِتَابِ اللَّهِ قَدْ أَعْيَنِي، فَقُلْتُ: أَيُّهَا الْأَمِيرُ آيَةُ آيَةٍ هِيَ؟  
فَقَالَ قَوْلُهُ: ﴿وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ﴾<sup>١</sup> وَاللَّهِ إِنِّي لَأَمُرُّ بِالْيَهُودِيِّ  
وَالنَّصْرَانِيِّ فَيُضْرَبُ عُنُقُهُ، ثُمَّ أَرْمُقُهُ بِعَيْنِي فَمَا أَرَاهُ يُحَرِّكُ شَفْتَيْهِ حَتَّى يَخْمَدَ.

فَقُلْتُ: أَصْلَحَ اللَّهُ الْأَمِيرَ لَيْسَ عَلَيَّ مَا تَأَوَّلْتَ! قَالَ: كَيْفَ هُوَ؟

قُلْتُ: إِنَّ عَيْسَى يَنْزِلُ قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِلَى الدُّنْيَا فَلَا يَبْقَى أَهْلُ مِلَّةِ يَهُودِيٍّ وَلَا  
نَصْرَانِيٍّ إِلَّا آمَنَ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ، وَيُصَلِّي خَلْفَ الْمَهْدِيِّ.

قَالَ: وَيَحْكُ أَتَى لَكَ هَذَا، وَمِنْ أَيْنَ جِئْتَ بِهِ؟

فَقُلْتُ: حَدَّثَنِي بِهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عج.

فَقَالَ: جِئْتَ بِهَا وَاللَّهِ مِنْ عَيْنِ صَافِيَةٍ.

١٦٤٩. عيون أخبار الرضا عج: حَدَّثَنَا تَمِيمُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ تَمِيمِ الْقُرَشِيِّ عج قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي،

قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيِّ الْأَنْصَارِيِّ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ، قَالَ:

حَضَرْتُ مَجْلِسَ الْمَأْمُونِ يَوْمًا وَعِنْدَهُ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَاءِيِّ عج، وَقَدْ اجْتَمَعَ

الْفُقَهَاءُ وَأَهْلُ الْكَلَامِ مِنَ الْفِرَقِ الْمُخْتَلِفَةِ...

فَقَالَ الْمَأْمُونُ: يَا أَبَا الْحَسَنِ، فَمَا تَقُولُ فِي الرَّجْعَةِ؟

فَقَالَ الرَّضَاءِيُّ عج: إِنَّهَا لِحَقٌّ، قَدْ كَانَتْ فِي الْأُمَمِ السَّالِفَةِ وَنَطَقَ بِهِ الْقُرْآنُ، وَقَدْ قَالَ

رَسُولُ اللَّهِ ص: يَكُونُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ كُلُّ مَا كَانَ فِي الْأُمَمِ السَّالِفَةِ حَذْوُ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ،

کتاب خدا مرا عاجز کرده است.

گفتم: ای امیر! کدام آیه؟

گفت: آیه: ﴿و هیچ یک از اهل کتاب نیست، مگر آن که پیش از مرگش به او (پیامبر خدا) ایمان می آورد﴾. به خدا سوگند، من فرمان می دهم که یهودی و مسیحی را گردن بزنند و سپس با چشم خودم به او می نگرم؛ اما نمی بینم که لبانش را [به شهادتین] تکان دهد تا آن که می میرد.

گفتم: خداوند، امیر را به سامان کند! آیه را درست تأویل نکردی.

گفت: تأویل آن چیست؟

گفتم: عیسی پیش از روز قیامت، به دنیا فرود می آید و هیچ کس از یهودیان و مسیحیان نمی مانند، جز آن که پیش از مرگش به او ایمان می آورند و او پشت سر مهدی، نماز می خواند.

گفت: وای بر تو! این تأویل را چگونه یافته و از کجا آورده‌ای؟

گفتم: محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب (امام باقر علیه السلام) برایم گفته است.

حجاج گفت: به خدا سوگند، آن را از چشمه‌ای زلال آورده‌ای.<sup>۱</sup>

۱۶۴۹. عیون أخبار الرضا علیه السلام - با سندش به نقل از حسن بن جهم - روزی در مجلس مأمون حاضر شدم. امام رضا علیه السلام نزدش بود و گروهی از فقیهان و متکلمان گروه‌های گوناگون، گرد آمده بودند.

مأمون گفت: ای ابو الحسن! در باره رجعت، چه می‌گویی؟

امام رضا علیه السلام فرمود: «آن حقیقت دارد و در امت‌های پیشین نیز بوده و قرآن از آن سخن گفته، و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: "هر چه در امت‌های پیشین بوده است، در این امت هم مو به مو و بدون تفاوت روی می‌دهد".

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: "هنگامی که مهدی از نسل من خروج کند، عیسی بن مریم فرود می‌آید و پشت سرش نماز می‌خواند" و فرمود: «اسلام، غریبانه شروع شد و دوباره غریب

۱. تفسیر القمی: ج ۱ ص ۱۵۸، مجمع البیان: ج ۳ ص ۲۱۱، بحار الأنوار: ج ۹ ص ۱۹۵ ح ۴۵.

وَالْقُدَّةُ بِالْقُدَّةِ، قَالَ عليه السلام:

إِذَا خَرَجَ الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي، نَزَلَ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ عليه السلام فَصَلَّى خَلْفَهُ. وَقَالَ عليه السلام: إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيباً وَسَيَعُودُ غَرِيباً فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ثُمَّ يَكُونُ مَاذَا؟ قَالَ: ثُمَّ يَرْجِعُ الْحَقُّ إِلَى أَهْلِهِ.

٣/٥

### مَدَلُّ الْمَكِّيَّةِ

١٦٥٠. سنن أبي داود: حَدَّثَنَا هُدْبَةُ بْنُ خَالِدٍ، ثنا هَمَّامُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ قَتَادَةَ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ آدَمَ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ:

لَيْسَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ نَبِيٌّ - يَعْنِي عَيْسَى - وَإِنَّهُ نَازِلٌ، فَإِذَا رَأَيْتُمُوهُ فَاعْرِفُوهُ: رَجُلٌ مَرْبُوعٌ، إِلَى الْحُمْرَةِ وَالْبِيَاضِ، بَيْنَ مُمْصَرَّتَيْنِ<sup>٢</sup>، كَأَنَّ رَأْسَهُ يَقَطُرُ وَإِنْ لَمْ يُصِبْهُ بَلَلٌ، فَيَقَاتِلُ النَّاسَ عَلَى الْإِسْلَامِ، فَيَدُقُّ الصَّلِيبَ، وَيَقْتُلُ الْخَنَزِيرَ، وَيَضَعُ الْجِزْيَةَ، وَيُهْلِكُ اللَّهُ فِي زَمَانِهِ الْمِلَلَ كُلَّهَا إِلَّا الْإِسْلَامَ، وَيُهْلِكُ الْمَسِيحُ الدَّجَالَ، فَيَمُكُّ فِي الْأَرْضِ أَرْبَعِينَ سَنَةً، ثُمَّ يَتَوَفَّى فَيُصَلِّي عَلَيْهِ الْمُسْلِمُونَ.

١٦٥١. صحيح ابن حبان: أَخْبَرَنَا عِمْرَانُ بْنُ مُوسَى بْنِ مُجَاشِعِ السَّخْتِيَانِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عُمَانُ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُوسَى الْأَشْجَبِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا شَيْبَانُ بْنُ

١. الْقُدَّةُ: ريش السهم، واحدها: قُدَّة، حذو القُدَّة بالقُدَّة: يضرب مثلاً للشئيين يستويان ولا يتفاوتان (النهاية: ج ٤ ص ٢٨ «قذذ»).

٢. الْمُصْرَةُ مِنَ الثِّيَابِ: التي فيها صفرة خفيفة (النهاية: ج ٤ ص ٢٣٦ «مصر»). والمراد أنه عليه السلام يلبس ثوبين لونهما مشوب بصفرة خفيفة.

می شود. پس خوشا به حال غریبان!

گفته شد: ای پیامبر خدا! سپس چه می شود؟ فرمود: "آن گاه حق به اهلش باز

می گردد".<sup>۱</sup>

۳/۵

### مَدَت ماندن عیسی علیه السلام

۱۶۵۰. سنن ابی داوود - با سندش به نقل از ابو هریره -: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «میان من و او - یعنی

عیسی - پیامبری نیست و او فرود می آید و چون او را دیدید، بشناسیدش: مردی

چهارشانه که سرخ و سفید می زند، دو تکه لباس طلایی رنگ به تن دارد، گویی از

سرش آب می چکد، بی آن که خیس باشد، با مردم می جنگد تا اسلام بیاورند و

صلیب را در هم می شکند و خوک را می کشد و مالیات می نهد و خداوند در روزگار

او، همه دین ها را بجز اسلام، نابود می کند، و دجال را هلاک می نماید و چهل سال

در زمین می ماند و آن گاه وفات می کند و مسلمانان بر او نماز می خوانند». <sup>۲</sup>

۱۶۵۱. صحیح ابن حبان - با سندش به نقل از عایشه -: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر من وارد شد و من

می گریستم. پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: «چرا می گریی؟».

گفتم: ای پیامبر خدا! دجال را یاد کردم.

۱. عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج ۲ ص ۲۰۰ ح ۱. بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۵۹ ح ۴۵.

۲. سنن ابی داوود: ج ۴ ص ۱۱۷ ح ۴۳۲۴. تاریخ دمشق: ج ۳۴ ص ۱۷۳. گز العمال: ج ۱۴ ص ۳۳۳



عَبْدِ الرَّحْمَنِ، عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي كَثِيرٍ، عَنْ الْحَضْرَمِيِّ بْنِ لَاحِقٍ، عَنْ أَبِي صَالِحٍ، عَنْ عَائِشَةَ، قَالَتْ:

دَخَلَ عَلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَأَنَا أَبْكِي، فَقَالَ: مَا يُبْكِيكِ؟ قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ذَكَرْتُ الدَّجَالَ. قَالَ: فَلَا تَبْكَيْنِ، فَإِنْ يَخْرُجُ وَأَنَا حَيٌّ أَكْفِيكُمْوَهُ، وَإِنْ مِتُّ فَإِنَّ رَبِّكُمْ لَيْسَ بِأَعْوَرَ، وَإِنَّهُ يَخْرُجُ مَعَهُ الْيَهُودُ، فَيَسِيرُ حَتَّى يَنْزِلَ بِنَاحِيَةِ الْمَدِينَةِ، وَهِيَ يَوْمَئِذٍ لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ، عَلَى كُلِّ بَابٍ مَلَكَانِ، فَيَخْرُجُ إِلَيْهِ شِرَازُ أَهْلِهَا، فَيَنْطَلِقُ حَتَّى يَأْتِيَ لُدًّا [١]، فَيَنْزِلُ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ فَيَقْتُلُهُ، ثُمَّ يَلْبِثُ عَيْسَى فِي الْأَرْضِ أَرْبَعِينَ سَنَةً أَوْ قَرِيبًا مِنْ أَرْبَعِينَ سَنَةً، إِمَامًا عَدْلًا وَحَكَمًا مُقْسِطًا.

١٦٥٢. صحيح ابن حبان: أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْمُثَنَّى، قَالَ: حَدَّثَنَا هُدْبَةُ بْنُ خَالِدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا هَمَامُ بْنُ يَحْيَى، قَالَ: حَدَّثَنَا قَتَادَةُ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ آدَمَ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

الْأَنْبِيَاءُ كُلُّهُمْ إِخْوَةٌ لِعَلَّاتٍ، أُمَّهَاتُهُمْ شَتَّى وَدِينُهُمْ وَاحِدٌ، وَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِعَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ، إِنَّهُ لَيْسَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ نَبِيٌّ، وَإِنَّهُ نَازِلٌ، إِذَا رَأَيْتُمُوهُ فَاعْرِفُوهُ، رَجُلٌ مَرْبُوعٌ إِلَى الْحُمْرَةِ وَالْبَيَاضِ بَيْنَ مُمَصَّرَيْنِ، كَأَنَّ رَأْسَهُ يَقْطُرُ وَإِنْ لَمْ يُصْبَهُ بَلَلٌ، فَيَقَاتِلُ النَّاسَ عَلَى الْإِسْلَامِ، فَيَدُقُّ الصَّلِيبَ، وَيَقْتُلُ الْخَنْزِيرَ، وَيَضَعُ الْجِزْيَةَ، وَيُهْلِكُ اللَّهُ فِي زَمَانِهِ الْمِلَلَ كُلَّهَا إِلَّا الْإِسْلَامَ، وَيُهْلِكُ الْمَسِيحَ الدَّجَالَ، وَتَقَعُ الْأَمْنَةُ فِي الْأَرْضِ، حَتَّى تَرْتَعَ الْأَسَدُ مَعَ الْإِبِلِ، وَالنَّمَارُ مَعَ الْبَقَرِ، وَالذَّنَابُ مَعَ الْغَنَمِ، وَيَلْعَبُ الصَّبِيَانُ

١. الزيادة منّا. وفي تاريخ دمشق: «حَتَّى يَأْتِيَ الشَّامَ مَدِينَةَ بَلْسَطِينَ بِبَابِ لُدٍّ». قَالَ ياقوت: لُدٌّ - بِالضَّمِّ وَالتَّشْدِيدِ -: قَرْيَةٌ قَرِبَ بَيْتِ الْمَقْدِسِ مِنْ نَوَاحِي فَلَسْطِينَ، بِبَابِهَا يَدْرِكُ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ الدَّجَالَ فَيَقْتُلُهُ (معجم البلدان: ج ٥ ص ١٥).

پیامبر فرمود: «هیچ گریه نکن که اگر خروج کند و من زنده باشم، برای شما در برابر او کافی هستم و اگر در گذشتم، خدایتان نابینا نیست. یهود، همراه او خارج می شوند و او حرکت می کند تا در اطراف مدینه - که در آن زمان، هفت دروازه دارد و بر هر یک، دو فرشته هستند - فرود می آید و اشرار مدینه به سوی او بیرون می آیند و او به راه می افتد تا به لُد (روستایی نزدیک بیت المقدس) برسد. پس عیسی بن مریم فرود می آید و او را می کشد و آن گاه چهل سال یا نزدیک به همین مقدار، به عنوان امامی عادل و حاکمی دادگر در زمین می ماند»<sup>۱</sup>.

۱۶۵۲. صحیح ابن حبان - با سندش به نقل از ابو هریره -: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «پیامبران همگی [به سان] برادرانی [از یک پدر و] از چند زن هستند: مادران آنها، متفاوت و دینشان، یک سان است و من، نزدیک ترین مردم به عیسی بن مریم هستم. میان من و او، پیامبری نیست. او فرود می آید و چون او را دیدید، بشناسیدش: مردی چهارشانه که سرخ و سفید می زند، دو تکه لباس طلایی رنگ به تن دارد، گویی از سرش آب می چکد، بی آن که خیس باشد، با مردم می جنگد تا اسلام بیاورند و صلیب را در هم می شکند و خوک را می کشد و مالیات می نهد و خداوند در روزگار او، همه دین ها را بجز اسلام، نابود می کند و دجال را هلاک می نماید و امنیت، در زمین برقرار می شود، تا آن جا که شیر و شتر و پلنگ و گاو و گرگ و گوسفند با هم می چرند و کودکان با مارها بازی می کنند، بی آن که گزندی به آنها برسد. مسیح،

۱. صحیح ابن حبان: ج ۱۵ ص ۲۳۴ ح ۶۸۲۲، مستد ابن حنبل: ج ۹ ص ۳۵۲ ح ۲۴۵۲۱، المصنف، ابن ابی شیبہ: ج ۸ ص ۶۴۹ ح ۲۰، تاریخ دمشق: ج ۴۷ ص ۴۹۷، کز العمال: ج ۱۴ ص ۳۱۳ ح ۳۸۷۸۹.

بِالْحَيَاتِ لَا تَضُرُّهُمْ، فَيَمَكْتُ فِي الْأَرْضِ أَرْبَعِينَ سَنَةً، ثُمَّ يُتَوَفَّى فَيُصَلِّي عَلَيْهِ  
الْمُسْلِمُونَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ.

۱۶۵۳. المعجم الأوسط: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَانَ بْنِ أَبِي شَيْبَةَ، قَالَ: حَدَّثَنِي عُقْبَةُ بْنُ مُكْرِمٍ،  
قَالَ: حَدَّثَنِي يُونُسُ بْنُ بُكَيْرٍ، عَنْ هِشَامِ بْنِ عُرْوَةَ، عَنْ أَبِي الزِّنَادِ، عَنِ الْأَعْرَجِ، عَنْ  
أَبِي هُرَيْرَةَ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ:

يَنْزِلُ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ فَيَمَكْتُ فِي النَّاسِ أَرْبَعِينَ سَنَةً.

چهل سال در زمین می ماند و سپس وفات می کند و مسلمانان بر او نماز می گزارند.  
درودهای خدا بر او باد! <sup>۱</sup>.

۱۶۵۳. المعجم الأوسط - باسندش به نقل از ابوهریره - : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «عیسی بن مریم،  
فرود می آید و چهل سال، میان مردم می ماند» <sup>۲</sup>.

---

۱. صحیح ابن حبان: ج ۱۵ ص ۲۳۳ ح ۶۸۲۱، مسند ابن حنبل: ج ۳ ص ۳۷۴ ح ۹۲۸۱، المصنّف، ابن ابی شیبّه:  
ج ۸ ص ۶۶۰ ح ۷۲، مسند ابی داوود الطیالسی: ص ۳۳۵ ح ۲۵۷۵، کنز العمال: ج ۱۴ ص ۳۳۶ ح ۳۸۸۵۶.  
۲. المعجم الأوسط: ج ۵ ص ۳۳۱ ح ۵۴۶۴، الفتن: ج ۲ ص ۵۸۰ ح ۱۶۲۲.

## نقدروایت «لامهدی الایسی علیته»<sup>۱</sup>

بر پایه روایاتی که در منابع شیعه و سنی آمده و در فصل پنجم ملاحظه شد، همزمان با قیام امام مهدی علیه السلام، عیسی از آسمان فرود می آید. برخی از این روایت ها نیز مقدار زمان زندگی ایشان را پس از فرود آمدن در زمین چهل سال تعیین کرده اند. همچنین در این احادیث، تصریح شده که عیسی پشت سر امامی از مسلمانان، نماز جماعت می خواند و در روایت های شیعی، تصریح شده که پشت سر مهدی نماز می گزارد.

بر پایه این احادیث فراوان و اطمینان آور، عقیده غالب مسلمانان اعم از شیعه و اهل سنت، این است که عیسی علیه السلام در آخر الزمان فرود می آید و همراه مهدی علیه السلام خواهد بود و عیسی، غیر از مهدی مسلمانان است که از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله است. لیکن در سنن ابن ماجه، حدیثی از انس بن مالک از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که خلاف این عقیده را نشان می دهد و مهدی را همان عیسی بن مریم معرفی می کند.

حدَّثنا یونس بن عبد الأعلى حدَّثنا محمد بن إدريس الشافعی، حدَّثنی محمد بن خالد الجندی، عن أبان بن صالح، عن الحسن، عن أنس بن مالک: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: لَا يَزِدَادُ الْأَمْرُ إِلَّا شِدَّةً وَلَا الدُّنْيَا إِلَّا إِدْبَارًا، وَلَا النَّاسُ إِلَّا سُخَاءً، وَلَا تَقُومُ السَّاعَةُ إِلَّا عَلَى شِرَارِ النَّاسِ، وَلَا الْمَهْدِيُّ إِلَّا عَيْسَىٰ بْنِ مَرْيَمَ.<sup>۲</sup>

۱. به قلم پژوهشگر ارجمند، حجة الاسلام و المسلمین مهدی مهریزی.

۲. سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۱۲۴۰ ح ۴۰۳۹.

پیامبر خدا ﷺ فرمود: کارها سخت تر می شوند، دنیا پشت می کند، مردم بخیل تر می شوند و قیامت بر مردمان شریر بر پا شود و مهدی جز عیسی بن مریم نیست.

همین حدیث را با همین سند حاکم نیشابوری در المستدرک علی الصحیحین آورده<sup>۱</sup> و بیهقی پس از نقل حدیث گفته است:

هذا الحدیث بهذا الإسناد مما أنکر علی الشافعی.<sup>۲</sup>

این حدیث با این سند، بر شافعی خُرده گرفته شده است.

بیهقی نیز همین متن را با سندی دیگر، نقل کرده است.

نتیجه این است که یک متن با دو طریق در منابع حدیثی اهل سنت روایت شده است. محدثان اهل سنت در مواجهه با این حدیث، به دو گروه تقسیم می شوند: یک. غالب آنان، این حدیث را جعلی و ساختگی و یا ضعیف می دانند و با استناد به ضعف سند و محتوا، بر بی پایه بودن آن تصریح کرده اند. ابن قیّم (۶۹۱ - ۷۵۱ ق) در کتاب المنار المنیف می گوید:

در سند این حدیث، محمد بن خالد جندی، مجهول و ابان بن ابی عیّاش متروک است، ضمن این که روایات متواتر و مستفیضی از پیامبر ﷺ دلالت دارد که مهدی، از اهل بیت اوست و جهان را پر از عدل و داد می کند و عیسی، او را در کشتن دجال، مساعدت می نماید و سپس مهدی امامت می کند و عیسی پشت سرش نماز می خواند.<sup>۳</sup>

در دوره معاصر نیز سید احمد بن الصدیق الغماری در کتاب ابراز الوهم المکنون می گوید:

این حدیث جعلی، و ساختگی است و ریشه و اساسی در کلام پیامبر ﷺ ندارد و هشت جهت برای نادرست بودن آن اقامه می کند:

۱. المستدرک علی الصحیحین: ج ۴ ص ۴۸۸ ح ۸۳۶۳.

۲. بیان الخطأ من الخطأ علی الشافعی: ص ۲۹۹.

۳. المنار المنیف، ص ۱۰۳.

۱. حاکم نیشابوری، آن را از روی تعجب آورده و نه احتجاج، و این، خود نقد است.
  ۲. محمد بن خالد، کذاب و وضاع است.
  ۳. ابتدای این حدیث به صورت قطعی، از آنس و دیگران نقل شده و این جمله «لا مهدی إلا عیسی» در آنها نیست.
  ۴. در سند روایت اضطراب است؛ گاه مرسل نقل شده و گاه مرفوع و گاه از ابان بن صالح و گاه از ابان بن ابی عیاش.
  ۵. حدیث منقطع است؛ زیرا ابان از حسن بصری نشنیده است.
  ۶. در سند حدیث، افتادگی میان یونس بن عبد الأعلى و شافعی وجود دارد.
  ۷. این حدیث، با اخبار متواتر، تعارض دارد.
  ۸. این حدیث، یک خبر است و احادیث مهدی، اخبار است.<sup>۱</sup>
- هم چنین ناصر الدین البانی از محدثان سلفی معاصر به سه دلیل آن را دارای آفت دانسته و در کتاب *سلسلة الأحادیث الضعیفة و الموضوعة* آورده است.
- یکی مجهول بودن محمد بن خالد، دیگری اختلاف در سند و سوم معنعن بودن سلسله روایت به حسن بصری (یعنی ابان از حسن بصری، سماع نکرده است که در سخن بن غماری نیز آمده بود).<sup>۲</sup>
- عبدالعظیم بستوی نیز گفته است که سند این حدیث، ضعیف و متن آن، منکر و ناشناخته است.<sup>۳</sup>
- دو. گروه اندکی با تصحیح سند روایت، آن را به گونه‌ای که با عقیده غالب و رایج سازگار شود، تأویل برده‌اند.

۱. ابراز الوهم المکنون.

۲. سلسلة الاحادیث الضعیفة و الموضوعة: ج ۱ ص ۱۷۵ ح ۷۷.

۳. الموسوعة فی أحادیث المهدی الضعیفة و الموضوعة، ج ۲، ص ۱۰۴.

ابن کثیر (۷۰۱-۷۷۴ق) در الملاحم و الفتن، پس از تصحیح اجمالی سند و این که محمد بن خالد جندی صنعانی، مجهول نیست، بلکه ثقه است و نیز یونس بن عبدالاعلی موثق است می گوید:

این حدیث، در نگاه نخست، مخالف روایاتی است که در آن ثابت شد مهدی، غیر از عیسی بن مریم است؛ ولی می توان آن را توجیه کرد که اگر مراد از یکی بودن، قبل از ظهور است، معنایش آن است که ظهور یک مهدی قبل از مسیح، منافات ندارد با ظهور مسیح که مهدی اعظم باشد و اگر مراد، وحدت و یکی بودن مهدی و عیسی پس از ظهور است، معنای روایت این است که عالی ترین مهدی، عیسی بن مریم است و در این صورت، نفی مهدی دیگر نمی کند.<sup>۱</sup>

همچنین ابن قیم این قول را از برخی بدون نام بردن از گوینده اش بازگو کرده است<sup>۲</sup> که گمان می رود همان ابن کثیر منظور باشد.

حاصل آن که این حدیث، بجز جمله پایانی آن یعنی «لا مهدی إلا عیسی بن مریم»، به اسناد مختلف و مضمون های متفاوت در مصادر حدیثی منقول است و این زیاده، تنها در سنن ابن ماجه به این حدیث اضافه شده و بیهقی نیز آن را با تفاوتی اندک، در سند آورده است و با توجه به ایرادهای سندی و ناسازگاری این فراز با اخبار متواتر و مستفیض، این زیاده، قابل اثبات نیست.

۱. نهاية البداية و النهاية: ج ۱ ص ۲۷.

۲. المنار المنيف، ص ۱۳۶.



## الفصل السادس

### رَايَةُ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

١ / ٦

#### رَايَةُ رَايَةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

١٦٥٢ . كمال الدين : بهذا الإسناد<sup>١</sup>، عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ، قَالَ : حَدَّثَنِي أَبُو حَمْرَةَ الثَّمَالِيُّ، قَالَ :  
قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ﷺ :

كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْقَائِمِ ﷺ قَدْ ظَهَرَ عَلَيَّ نَجْفِ الْكُوفَةِ، فَإِذَا ظَهَرَ عَلَيَّ النَّجْفِ نَسَرَ  
رَايَةَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، (و) عَمُودُهَا مِنْ عُمُدِ عَرْشِ اللَّهِ تَعَالَى، وَسَائِرُهَا مِنْ نَصْرِ اللَّهِ ﷻ،  
وَلَا تُهَوَّى بِهَا إِلَى أَحَدٍ إِلَّا أَهْلَكَهُ اللَّهُ تَعَالَى. قَالَ : قُلْتُ : أَوْ تَكُونُ مَعَهُ أَوْ يُوتَى بِهَا؟  
قَالَ : بَلَى يُوتَى بِهَا، يَأْتِيهِ بِهَا جَبْرَتِيلُ ﷺ.

١٦٥٥ . كمال الدين : بهذا الإسناد<sup>٢</sup>، عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ، قَالَ : قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ :

كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْقَائِمِ ﷺ عَلَيَّ ظَهَرَ النَّجْفِ، فَإِذَا اسْتَوَى عَلَيَّ ظَهَرَ النَّجْفِ رَكِبَ

١ و ٢ . أي محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد عن محمد بن الحسن الصفار عن يعقوب بن يزيد عن محمد بن أبي عمير عن أبان بن عثمان .

فصل ششم  
پرچم امام مهدی علیه السلام  
۱/۶  
پرچم پرچم پیامبر خدا

۱۶۵۴. کمال الدین - با سندش به نقل از ابو حمزه ثمالی - : امام باقر علیه السلام فرمود: «گویی قائم را می بینم که در بلندی کوفه (نجف) ظهور کرده است و چون در آن بلندی ظهور می کند، پرچم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را بر می افرازد که دسته آن، از عمودهای عرش خدای متعال و دیگر اجزای آن از یاری خدای جل جلاله است و آن را بر کسی فرود نمی آورند، جز آن که خدای متعال، او را هلاک می کند». گفتم: آن پرچم، همراه قائم است یا [هنگام ظهور] برایش می آورند؟

فرمود: «برایش می آورند. جبرئیل برایش می آورد».<sup>۱</sup>

۱۶۵۵. کمال الدین - با سندش به نقل از ابان بن تغلب - : امام صادق علیه السلام فرمود: «گویی قائم علیه السلام را بر نجف (بلندی کوفه) می بینم که چون در آن جا بر اسب سیاه و سفیدش - که سفیدی پیشانی اش تا نزدیک لبش کشیده شده - ، سوار گشته است و اسبش او

۱. کمال الدین: ص ۶۷۲ ح ۲۳ (با سند صحیح)، الغیبة، نعمانی: ص ۳۰۸ ح ۳ (با عبارت مشابه)، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۲۳۶ ح ۴۱.

فَرَسًا أَدَهَمَ<sup>١</sup> أَبْلَقَ<sup>٢</sup> بَيْنَ عَيْنَيْهِ شِمْرَاخُ<sup>٣</sup>، ثُمَّ يَنْتَفِضُ بِهِ فَرَسُهُ فَلَا يَبْقَى أَهْلُ بَلَدَةٍ إِلَّا وَهُمْ يَظُنُّونَ أَنَّهُ مَعَهُمْ فِي بِلَادِهِمْ، فَإِذَا نَشَرَ رَايَةَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، انْحَطَّ إِلَيْهِ ثَلَاثَةَ عَشَرَ أَلْفَ مَلَكٍ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ مَلَكًا، كُلُّهُمْ يَنْتَظِرُ الْقَائِمَ ﷺ.

١٦٥٦. كامل الزيارات: حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَامِرٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ سَعْدِ، عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانَ، عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: كَأَنِّي بِالْقَائِمِ ﷺ عَلَى نَجْفِ الْكُوفَةِ وَقَدْ لَيْسَ دِرْعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، فَيَنْتَفِضُ هُوَ بِهَا فَتَسْتَدِيرُ عَلَيْهِ فَيُعْشِيهَا بِخِدَاجَةٍ<sup>٤</sup> مِنْ إِسْتَبْرَقٍ، وَيَرْكَبُ فَرَسًا أَدَهَمَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ شِمْرَاخُ، فَيَنْتَفِضُ بِهِ انْتِفَاضَةً، لَا يَبْقَى أَهْلُ بَلَدٍ إِلَّا وَهُمْ يَرَوْنَ أَنَّهُ مَعَهُمْ فِي بِلَادِهِمْ، فَيَنْتَشِرُ<sup>٥</sup> رَايَةَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، عَمُودُهَا مِنْ عَمُودِ الْعَرْشِ، وَسَائِرُهَا مِنْ نَصْرِ اللَّهِ، لَا يَهْوِي بِهَا إِلَى شَيْءٍ أَبَدًا إِلَّا هَتَكَهُ اللَّهُ. فَإِذَا هَزَّهَا لَمْ يَبْقَ مُؤْمِنٌ إِلَّا صَارَ قَلْبُهُ كَزُبُرِ<sup>٦</sup> الْحَدِيدِ.

١٦٥٧. الغيبة للنعماني: أَخْبَرَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يُونُسَ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الْقُرَشِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ سَعْدَانَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الْقَاسِمِ الْحَضْرَمِيِّ، عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانَ الْكَلْبِيِّ، عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: كَأَنِّي بِالْقَائِمِ... يَنْشُرُ رَايَةَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، عَمُودُهَا مِنْ عُمُدِ

١. الأدهم: الذي يشتد سواده (مجمع البحرين: ج ١ ص ٦١٦ «دهم»).

٢. البلقة: سواد في بياض (مجمع البحرين: ج ١ ص ١٨٧ «بلق»).

٣. الشمرأخ: غرة الفرس إذا دقت وسالت (الصحاح: ج ١ ص ٤٢٤ «شرح»).

٤. كذا، ولم نجد لها معنى مناسباً.

٥. في العدد القوية وبحار الأنوار: «فينشر» بدل «فينتشر»، وهو الأنسب.

٦. الزبرة: القطعة من الحديد والجمع: زُبُر (المصباح المنير: ص ٢٥٠ «زبر»).

را حرکت می دهد و هیچ شهری نمی ماند، جز آن که اهلش گمان می کنند او همراه آنان و در شهرشان است و چون پرچم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را می گشاید، سیزده هزار و سیزده فرشته که همگی منتظر قائم بوده اند، به سوی او فرود می آیند.<sup>۱</sup>

۱۶۵۶. کامل الزیارات - با سندش به نقل از ابان بن تغلب - : امام صادق علیه السلام فرمود: «گویی قائم علیه السلام را بر بلندی کوفه می بینم که زره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را به تن کرده و آن را تکان می دهد تا همه پیکرش را بگیرد و بر روی آن، دیبای ستبری افکنده و بر اسبی سیاه - که باریکه سفیدی در میان چشمانش است - نشسته است و اسب، او را حرکت می دهد و هیچ شهری نمی ماند، جز آن که اهلش می بینند که او (مهدی علیه السلام) همراه آنان و در شهرشان است و او پرچم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را می گشاید که دستهای او از ستونهای عرش خدا و دیگر اجزای آن، از یاری خداست و آن را بر سر کسی فرود نمی آورد، جز آن که خداوند تگه تگه اش می کند و چون پرچم را به اهتزاز در می آورد، مؤمنی باقی نمی ماند، جز آن که دلش مانند پاره های آهن [محکم] می شود.»<sup>۲</sup>

۱۶۵۷. الغیبة، نعمانی - با سندش به نقل از ابان بن تغلب - : امام صادق علیه السلام فرمود: «گویی قائم را می بینم ... که پرچم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را - که دستهای او از ستونهای عرش خدا و دیگر اجزای آن، از یاری خداوند است - می گشاید و آن را بر کسی فرود نمی آورد، جز آن که خداوند، هلاکش می کند.»

گفتم: آیا آن [نزد شما] پنهان است، یا [هنگام قیام] برایش می آورند؟ فرمود:

۱. کمال الدین: ص ۶۷۱ ح ۲۲ (با سند صحیح)، تفسیر العیاشی: ج ۱ ص ۱۰۳ ح ۳۰۲ (به نقل از ابو حمزه از امام باقر علیه السلام با عبارت مشابه)، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۲۵ ح ۴۰. نیز، برای دیدن همه حدیث، ر.ک: همین دانش نامه: ج ۸ ص ۲۲۴ ح ۱۵۳۱.

۲. کامل الزیارات: ص ۲۳۳ ح ۳۴۸ (با سند معتبر)، العدد القویة: ص ۷۴ ح ۱۲۴ (با عبارت مشابه)، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۲۸ ح ۴۸. نیز، ر.ک: الغیبة، نعمانی: ص ۳۰۷ ح ۱ و تفسیر العیاشی: ج ۲ ص ۲۶۱ ح ۳۴ و الفتن: ج ۱ ص ۳۶۶ ح ۱۰۷۳.

عَرَشِ اللَّهِ، وَسَائِرُهَا مِنْ نَصْرِ اللَّهِ، مَا يَهْوِي بِهَا إِلَى شَيْءٍ إِلَّا أَهْلَكَهُ اللَّهُ.

قُلْتُ: أَمْخَبُؤَةٌ[١] هِيَ أَمْ يُؤْتَى بِهَا؟

قَالَ: بَلْ يَأْتِي بِهَا جَبْرئِيلُ عليه السلام، فَإِذَا هَزَّهَا لَمْ يَبْقَ مُؤْمِنٌ إِلَّا صَارَ قَلْبُهُ أَشَدَّ مِنْ زُبْرِ

الْحَدِيدِ.

راجع: ج ٧ ص ١٤٠ ح ١١٩٦.

ج ٨ ص ١٢٦ ح ١٢٨٥.

و ص ٢٢٦ ح ١٥٢٢.

و ص ٣٩٠ ح ١٦٢٨.

٢ / ٦

## شِعَارُ أَصْحَابِهِ

١٦٥٨. عيون أخبار الرضا عليه السلام عن الريان بن شبيب: دَخَلْتُ عَلَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أَوَّلِ

يَوْمٍ مِنَ الْمَحْرَمِ.... يَا بَنَ شَبِيبٍ! إِنْ كُنْتَ بَاكِياً لِشَيْءٍ فَأَبِكِ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي

طَالِبٍ عليه السلام،...، وَلَقَدْ بَكَتِ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُونَ لِقَتْلِهِ، وَلَقَدْ نَزَلَ إِلَى الْأَرْضِ

مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَرْبَعَةَ آفَافٍ لِنَصْرِهِ، فَلَمْ يُؤْذَنْ لَهُمْ، فَهَمَّ عِنْدَ قَبْرِهِ شُعْتُ غُبْرٍ إِلَى أَنْ

يَقُومَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَيَكُونُونَ مِنْ أَنْصَارِهِ وَشِعَارُهُمْ: يَا لَثَارَاتِ الْحُسَيْنِ عليه السلام.

١٦٥٩. بحار الأنوار: بِالْإِسْنَادِ<sup>٢</sup> يَرْفَعُهُ إِلَى الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - فِي

أَصْحَابِ الْقَائِمِ عليه السلام -، قَالَ: وَهُمْ مِنْ حَشِيَّةِ اللَّهِ مُشْفِقُونَ، يَدْعُونَ بِالشَّهَادَةِ، وَيَتَمَنُّونَ

أَنْ يُقْتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ، شِعَارُهُمْ: يَا لَثَارَاتِ الْحُسَيْنِ، إِذَا سَارُوا يَسِيرُ الرَّعْبُ أَمَامَهُمْ

مَسِيرَةَ شَهْرٍ، يَمْشُونَ إِلَى الْمَوْلَى إِرْسَالاً، بِهِمْ يَنْصُرُ اللَّهُ إِمَامَ الْحَقِّ.

١. زيادة منا يقتضيها السياق.

٢. أي السيد علي بن عبد الحميد في كتاب الغيبة.

«جبرئیل، آن را برایش می آورد، و چون آن را به اهتزاز در می آورد، مؤمنی باقی نمی ماند، جز آن که دلش از پاره های آهن محکم تر می شود»<sup>۱</sup>.

ر.ک: ج ۷ ص ۱۴۱ ح ۱۱۹۶

ج ۸ ص ۱۳۷ ح ۱۴۸۵

و ص ۲۲۷ ح ۱۵۳۳

و ص ۳۹۱ ح ۱۶۲۸.

## ۲ / ۶ شعار یاران امام علیه السلام

۱۶۵۸. عیون أخبار الرضا علیه السلام - به نقل از ریان بن شیب - در روز اول محرم، بر امام رضا علیه السلام وارد شدم. فرمود: «ای پسر شیب! اگر برای چیزی گریه می کنی، برای حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام گریه کن ... آسمان های هفتگانه و زمین ها، برای کشته شدنش گریستند و چهار هزار فرشته برای یاری اش به زمین فرود آمدند؛ اما به آنان اجازه داده نشد. آنان در کنار قبر حسین علیه السلام، آشفته و پریشان حال، به سر می برند تا قائم علیه السلام برخیزد. آنان از یاران او خواهند بود و شعارشان، این است: "یا لثارات الحسین؛ ای خونخواهان حسین!"<sup>۲</sup>.

۱۶۵۹. بحار الأنوار - با سندش که آن را به فضیل بن یسار می رساند - : امام صادق علیه السلام در باره یاران قائم علیه السلام فرمود: «آنان از بیم خدا بیمناک اند، شهادت را در دعایشان می طلبند و آرزو دارند که در راه خدا کشته شوند. شعارشان، «یا لثارات الحسین» است. هنگامی که حرکت می کنند، هراس از آنها به فاصله یک ماه راه، جلوی شان حرکت می کند. به سوی مولایشان تند روان می شوند و خداوند، امام حق را با ایشان یاری می دهد»<sup>۳</sup>.

۱. الغیبة، نعمانی: ص ۳۱۰ ح ۵، دلائل الإمامة: ص ۴۵۷ ح ۴۳۷ (با عبارت مشابه).

۲. عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج ۱ ص ۲۹۹ ح ۵۸، الأمالی، صدوق: ص ۱۹۲ ح ۲۰۲، الإقبال: ج ۳ ص ۲۹. بحار الأنوار: ج ۴۴ ص ۲۸۵ ح ۲۳.

۳. بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۰۷ ح ۸۲، سرور أهل الإیمان: ص ۹۶ ح ۷۳. نیز، برای دیدن همه حدیث. ر.ک: همین دانش نامه: ج ۸ ص ۲۴۸ ح ۱۵۵۶.

٣ / ٦

## شَعَارَاتِهِ

١٦٦٠. كمال الدين : حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رضي الله عنه قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى، عَنْ مَنْدَلٍ، عَنْ بَكَارِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَجَلَانَ، قَالَ: ذَكَرْنَا خُرُوجَ الْقَائِمِ عليه السلام عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقُلْتُ لَهُ: كَيْفَ لَنَا أَنْ نَعْلَمَ ذَلِكَ؟

فَقَالَ: يُصْبِحُ أَحَدُكُمْ وَتَحْتَ رَأْسِهِ صَحِيفَةٌ عَلَيْهَا مَكْتُوبٌ: طَاعَةٌ مَعْرُوفَةٌ.

رُوي أَنَّهُ يَكُونُ فِي رَايَةِ الْمَهْدِيِّ: الْبَيْعَةُ لِلَّهِ.

١٦٦١. بحار الأنوار : بِإِسْنَادِهِ<sup>١</sup> إِلَى كِتَابِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ قَالَ: رُوي أَنَّهُ يَكُونُ فِي رَايَةِ الْمَهْدِيِّ عليه السلام: «إِسْمَعُوا وَأَطِيعُوا».

٤ / ٦

## سَيْرُ الرَّعْبِ لِلْأَخْلِاءِ أَمَامَ رَايَتِهِ

١٦٦٢. الغيبة للنعماني : أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ يَحْيَى بْنُ زَكَرِيَّا بْنِ شَيْبَانَ، عَنْ يُونُسَ بْنِ كَلْبِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: لَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ عليه السلام حَتَّى يَكُونَ تَكْمِلَةَ الْحَلَقَةِ. قُلْتُ: وَكَمْ تَكْمِلَةُ الْحَلَقَةِ؟ قَالَ: عَشْرَةٌ آلافٍ، جَبْرَيْلُ عَنْ يَمِينِهِ، وَمِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِهِ، ثُمَّ

١. أي السيد علي بن عبد الحميد في كتاب الغيبة.

۳ / ۶

## نوشته‌های روی پرچم امام علیه السلام

۱۶۶۰. کمال الدین - با سندش به نقل از عبد الله بن عجلان -: نزد امام صادق علیه السلام از خروج

قائم علیه السلام یاد کردیم و به ایشان گفتم: ما چگونه این را بفهمیم؟

فرمود: «هر یک از شما چون صبح کند، نوشته‌ای زیر سرش می‌یابد که بر آن

نوشته است: "خوب پیروی کنید".»

روایت شده که بر پرچم مهدی علیه السلام، نوشته شده است: «بیعت، از آن خداوند

است». ۱.

۱۶۶۱. بحار الأنوار - با سندش به نقل از کتاب فضل بن شاذان -: روایت شده که در پرچم

مهدی علیه السلام، این عبارت است: «گوش به فرمان و فرمان‌بردار باشید». ۲.

۴ / ۶

## براس آفرینی پرچم امام علیه السلام برای دشمنان

۱۶۶۲. الغیبة، نعمانی - با سندش به نقل از ابو بصیر -: امام صادق علیه السلام فرمود: «قائم علیه السلام خروج

نمی‌کند تا حلقه یارانش کامل شود». ۱.

گفتم: با چه تعداد، کامل می‌شود؟

فرمود: «با ده هزار تن. جبرئیل از سمت راستش و میکائیل از سمت چپش.

[حرکت می‌کند]. سپس پرچم را به اهتزاز در می‌آورد و با آن به راه می‌افتد و هیچ در

شرق و غرب نمی‌ماند، جز آن که با آن آفت ۳ می‌یابد و آن، همان پرچم پیامبر

خدا صلی الله علیه و آله است که جبرئیل در جنگ بدر فرود آورد». ۲.

۱. کمال الدین: ص ۶۵۴ ح ۲۲. العدد القویة: ص ۶۶ ح ۹۴.

۲. بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۰۵ ح ۷۷. سرور أهل الإیمان: ص ۳۷ ح ۱۰.

۳. مطابق با نسخه بحار الأنوار ترجمه شد. (م)



يَهْرُ الزَّايَةَ وَيَسِيرُ بِهَا، فَلَا يَبْقَى أَحَدٌ فِي الْمَشْرِقِ وَلَا فِي الْمَغْرِبِ إِلَّا لَعْنَهَا، وَهِيَ رَايَةٌ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَزَلَتْ بِهَا جَبْرَائِيلُ يَوْمَ بَدْرٍ.

ثُمَّ قَالَ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ، مَا هِيَ وَاللَّهِ قُطْنٌ وَلَا كَتَانٌ وَلَا قَرْزٌ وَلَا حَرِيرٌ. قُلْتُ: فَمِنْ أَيِّ شَيْءٍ هِيَ؟ قَالَ: مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ، نَشَرَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ بَدْرٍ ثُمَّ لَفَّهَا وَدَفَعَهَا إِلَيَّ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَلَمْ تَزَلْ عِنْدَ عَلَيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، حَتَّى إِذَا كَانَ يَوْمَ الْبَصْرَةِ نَشَرَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَفَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ، ثُمَّ لَفَّهَا وَهِيَ عِنْدَنَا هُنَاكَ، لَا يَنْشُرُهَا أَحَدٌ حَتَّى يَقَوْمَ الْقَائِمُ، فَإِذَا هُوَ قَامَ نَشَرَهَا فَلَمْ يَبْقَ أَحَدٌ فِي الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ إِلَّا لَعْنَهَا، وَيَسِيرُ الرَّعْبُ قُدَامَهَا شَهْرًا، وَوَرَاءَهَا شَهْرًا، وَعَنْ يَمِينِهَا شَهْرًا، وَعَنْ يَسَارِهَا شَهْرًا.

١٦٦٣. كمال الدين: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عِصَامٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ (الْكَلْبِيِّ) قَالَ: حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ الْعَلَاءِ، قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ عَلِيٍّ الْقَزْوِينِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدِ الْحَنَاطِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمِ النَّقْفِيِّ الطَّحَّانِ، قَالَ:

دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَأَنَا أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَهُ عَنِ الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، فَقَالَ لِي مُبْتَدَأًا:

يَا مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ، إِنَّ فِي الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شَبَهَا مِنْ خَمْسَةِ مِنَ الرُّسُلِ... وَأَمَّا شَبَهُهُ مِنْ جَدِّهِ الْمُصْطَفَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَخُرُوجُهُ بِالسَّيْفِ، وَقَتْلُهُ أَعْدَاءَ اللَّهِ وَأَعْدَاءَ رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَالْجَبَّارِينَ وَالطَّوَاعِيَةَ، وَأَنَّهُ يُنْصَرُّ بِالسَّيْفِ وَالرُّعْبِ، وَأَنَّهُ لَا تُرَدُّ لَهُ رَايَةٌ.

سپس فرمود: «ای ابو محمد! به خدا سوگند، آن از پنبه و کتان و ابریشم و حریر نیست.»

گفتم: پس از چه چیز است؟

فرمود: «از برگ‌های بهشت است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آن را در جنگ بدر گشود و سپس در هم پیچید و آن را به علی رضی الله عنه سپرد و همواره نزد علی رضی الله عنه بود تا روز جنگ جمل در بصره، امیر مؤمنان رضی الله عنه آن را گشود و خداوند، پیروزش نمود و سپس آن را در هم پیچید و این جا نزد ماست. هیچ کس آن را نمی‌گشاید، تا آن که قائم قیام کند و چون قیام کند، آن را می‌گشاید و هیچ کس در مشرق و مغرب نمی‌ماند، جز آن که با آن اُلفت می‌گیرد و هراس [در دل دشمن] یک ماه پیش‌تر از او در جلو، پشت، راست و چپش حرکت می‌کند»<sup>۱</sup>.

۱۶۶۳. کمال الدین - با سندش به نقل از محمد بن مسلم -: بر امام باقر رضی الله عنه وارد شدم و می‌خواستم در بارهٔ قائم خاندان محمد صلی الله علیه و آله از او پرسم که ایشان، خود آغاز به سخن کرد و به من فرمود: «ای محمد بن مسلم! در قائم خاندان محمد صلی الله علیه و آله، شباهت‌هایی به پنج پیامبر است: ... و شباهتش به جدش، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله، قیام مسلحانه، کشتن دشمنان خدا و دشمنان پیامبرش و نیز جباران و طاغوت‌هاست و نیز یاری شدنش با شمشیر و هراسی که در دل دشمنانش می‌افتد و این که پرچمی از او باز نمی‌گردد (مغلوب نمی‌شود)»<sup>۲</sup>.

۱. الفیة، نعمانی: ص ۳۰۷ ح ۲، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۶۰ ح ۱۲۹.

۲. کمال الدین: ص ۳۲۷ ح ۷، إعلام الوری: ج ۲ ص ۲۳۳، کشف القمّة: ج ۳ ص ۳۱۳، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۲۱۷ ح ۶. نیز، برای دیدن همهٔ حدیث، ر.ک: همین دانش‌نامه: ج ۳ ص ۸ ح ۴۸۰.

١٦٦٤. الغيبة للنعماني: أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ زَكَرِيَّا بْنِ شَيْبَانَ، قَالَ: حَدَّثَنَا يَوْسُفُ بْنُ كَلَيْبٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ، عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدِ الْحَنَاطِ، عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ عليه السلام يَقُولُ:

لَوْ قَدْ خَرَجَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام لَنَصَرَهُ اللَّهُ بِالمَلَائِكَةِ المُسَوِّمِينَ وَالمُرَدِّفِينَ وَالمُنزِلِينَ وَالكُرُوبِيِّينَ، يَكُونُ جَبْرَائِيلُ أَمَامَهُ، وَمِيكَائِيلُ عَنْ يَمِينِهِ، وَإِسْرَافِيلُ عَنْ يَسَارِهِ، وَالرُّعْبُ يَسِيرُ مَسِيرَةَ شَهْرٍ أَمَامَهُ وَخَلْفَهُ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ، وَالمَلَائِكَةُ المُقَرَّبُونَ حِذَاهُ.

١٦٦٥. كمال الدين: حَدَّثَنَا أَبُو طَالِبِ المُظَفَّرُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ المُظَفَّرِ العَلَوِيُّ السَّمَرَقَنْدِيُّ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْعُودٍ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ نَصِيرٍ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى (عَنْ حَمَادِ بْنِ عَيْسَى) عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرِ، عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الجُعْفِيِّ، عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الأنصاريِّ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَقُولُ:

إِنَّ ذَا القَرْنَيْنِ كَانَ عَبْدًا صَالِحًا، جَعَلَهُ اللَّهُ صلى الله عليه وآله حُجَّةً عَلَى عِبَادِهِ، فَدَعَا قَوْمَهُ إِلَى اللَّهِ وَأَمَرَهُمْ بِتَقْوَاهُ، فَضَرَبُوهُ عَلَى قَرْنِهِ فَغَابَ عَنْهُمْ زَمَانًا حَتَّى قِيلَ: مَاتَ أَوْ هَلَكَ بِأَيِّ وادٍ سَلَكَ، ثُمَّ ظَهَرَ وَرَجَعَ إِلَى قَوْمِهِ فَضَرَبُوهُ عَلَى قَرْنِهِ الآخَرَ.

وَفِيكُمْ مَنْ هُوَ عَلَى سُنَّتِهِ، وَإِنَّ اللَّهَ صلى الله عليه وآله مَكَّنَ لِذِي القَرْنَيْنِ فِي الأَرْضِ، وَجَعَلَ لَهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا، وَبَلَغَ المَغْرِبَ وَالمَشْرِقَ، وَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى سَيُجْرِي سُنَّتَهُ فِي القَائِمِ مِنْ وُلْدِي، فَيَبْلُغُهُ شَرْقَ الأَرْضِ وَغَرْبَهَا، حَتَّى لَا يُبْقِيَ مِنْهَا وَلَا مَوْضِعًا مِنْ سَهْلٍ وَلَا جَبَلٍ وَطَنُهُ ذُو القَرْنَيْنِ إِلَّا وَطَنُهُ، وَيُظْهِرُ اللَّهُ صلى الله عليه وآله لَهُ كُنُوزَ الأَرْضِ وَمَعَادِنَهَا،

۱۶۶۴. الغیبة، نعمانی - با سندش به نقل از ابو حمزه ثمالی :- شنیدم که امام محمد باقر علیه السلام می فرماید: «اگر قائم خاندان محمد صلی الله علیه و آله خروج کند، خداوند، او را با فرشتگان نشان دار و پیایی و فرو فرستاده شده [به زمین] و دسته‌ای که در اوج ملکوت مانده‌اند، یاری می‌کند و جبرئیل پیش روی او، میکائیل سمت راست وی و اسرافیل سمت چپش است و هراس [در دل دشمن] به فاصله یک ماه راه، پیشاپیش او و پشت سرش و راست و چپ او می‌رود و فرشتگان مقرب، دوشادوش اویند»<sup>۱</sup>.

۱۶۶۵. کمال الدین - با سندش به نقل از جابر بن عبد الله انصاری :- شنیدم که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «ذو القرنین، بنده‌ای صالح بود که خداوند، او را حجّت بر بندگانش قرار داد و او قومش را به سوی خدا فرا خواند و به پروا نمودن از او فرمانشان داد؛ اما آنها بر شقیقه او زدند و او مدّتی ناپدید شد، به گونه‌ای که گفته شد: او مرده یا هلاک شده و معلوم نیست به کجا رفته است! سپس پدیدار شد و به سوی قومش باز گشت و آنان بر شقیقه دیگرش ضربه زدند.

و میان شما، کسی خواهد بود که مانند او می‌شود، و خدای تعالی در زمین به ذو القرنین، قدرت و سررشته هر کاری را به دستش داد و به شرق و غرب [زمین] رسید و خداوند - تبارک و تعالی - سنت او را در قائم از نسل من، جاری می‌کند و او را به شرق و غرب زمین می‌رساند، تا آن جا که هیچ آبشخور و جایی از کوه و صحرا را که ذو القرنین بر آن گام نهاده است، باقی نمی‌نهد، جز آن که به زیر پای قائم در می‌آورد و خداوند، گنج‌ها و معدن‌های زمین را برایش پدیدار می‌کند و او را با هراس افکندن [در دل دشمنانش] یاری می‌دهد و زمین را با دست او از عدل و داد پر می‌کند، آن گونه که از ظلم و ستم پر شده است»<sup>۲</sup>.

۱. الغیبة، نعمانی: ص ۲۳۴ ح ۲۲، مختصر بصائر الدرجات: ص ۲۱۲، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۴۸ ح ۹۹. نیز، برای دیدن همه حدیث، ر.ک: همین دانش‌نامه: ج ۷ ص ۳۹۰ ح ۱۳۹۶.

۲. کمال الدین: ص ۳۹۴ ح ۰۴، إعلام الوری: ج ۲ ص ۲۴۹، کشف الغمّة: ج ۳ ص ۳۱۷، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۲۲ ح ۳۱.

وَيَنْصُرُهُ بِالرُّعْبِ، فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ بِهِ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مُلِئْتَ جَوْرًا وَظُلْمًا.

١٦٦٦. الغيبة للنعماني: عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى الْعَلَوِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عج - فِي قَوْلِ اللَّهِ عج: ﴿أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ﴾<sup>١</sup> قَالَ :-

هُوَ أَمْرُنَا، أَمَرَ اللَّهُ عج أَنْ لَا يُسْتَعْجَلَ<sup>٢</sup> بِهِ حَتَّى يُؤَيِّدَهُ اللَّهُ بِثَلَاثَةِ أَجْنَادٍ: الْمَلَائِكَةَ، وَالْمُؤْمِنِينَ، وَالرُّعْبَ، وَخُرُوجَهُ عج كَخُرُوجِ رَسُولِ اللَّهِ ص، وَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ﴾<sup>٣</sup>.

١٦٦٧. جمال الأسبوع: أَبُو الْحُسَيْنِ زَيْدُ بْنُ جَعْفَرِ الْعَلَوِيِّ الْمُحَمَّديُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ إِسْحَاقُ بْنُ الْحَسَنِ الْعَفْرَانِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامِ بْنِ سُهَيْلِ الْكَاتِبِ وَمُحَمَّدُ بْنُ شُعَيْبِ بْنِ أَحْمَدَ الْمَالِكِيُّ، جَمِيعًا، عَنْ شُعَيْبِ بْنِ أَحْمَدَ الْمَالِكِيِّ، عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، عَنْ مَوْلَانَا أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عج: أَنَّهُ كَانَ يَأْمُرُ بِالِدُّعَاءِ لِلْحُجَّةِ صَاحِبِ الزَّمَانِ عج، فَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ لَهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا:

اللَّهُمَّ ... أَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ، وَزَيِّنْ بِطَوْلِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ، وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَأَنْصُرْهُ بِالرُّعْبِ، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا.

١٦٦٨. كمال الدين: حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ الْحُسَيْنِيُّ<sup>٢</sup> بْنُ أَحْمَدَ الْمُكْتَبِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيِّ بْنُ هَمَّامٍ بِهَذَا الدُّعَاءِ، وَذَكَرَ أَنَّ الشَّيْخَ الْعَمْرِيَّ قَدَسَ اللَّهُ رُوحَهُ أَمْلَأَهُ عَلَيْهِ وَأَمْرَهُ أَنْ

١. النحل: ١.

٢. في المصدر: «تستعجل»، والتصويب من بحار الأنوار. وفي موضع آخر من بحار الأنوار: «نستعجل».

٣. الأنفال: ٥.

٤. في بحار الأنوار: «الحسن».

۱۶۶۶. الغیبة، نعمانی - با سندش به نقل از عبد الرحمان بن کثیر :- امام صادق علیه السلام در باره سخن خدای تعالی : «امر خدا آمد. آن را با عجله نجوید» فرمود: «[یک مصداق] آن، امر ماست. خدای تعالی فرمان داده که در باره آن عجله نشود تا خداوند، او را به سه لشکر مؤید بدارد: فرشتگان، مؤمنان و هراس، و خروج او مانند خروج پیامبر خدای تعالی است و این، همان سخن خدای متعال است: «همان گونه که خدایت تو را از خانهات [برای جنگ بدر] به حق بیرون آورد»<sup>۱</sup>.

۱۶۶۷. جمال الأسبوع - با سندش به نقل از یونس بن عبد الرحمان :- امام رضا علیه السلام فرمان می داد که برای حجّت، صاحب الزمان علیه السلام، دعا کنید و [یکی] از دعاهای ایشان برای حجّت علیه السلام، این بود: «... خدایا! عدالت را با دست او پدیدار کن و با طولانی کردن بقایش، زمین را زینت ببخش و با یاریات، استوارش بدار و با هراس [در دل دشمنانش] یاری اش ده و پیروزی ای آسان، نصیبش کن»<sup>۲</sup>.

۱۶۶۸. کمال الدین - با سندش به نقل از حسین بن احمد مکتب :- ابو علی بن همام این دعا را برایمان نقل کرد و گفت: عمری [نایب امام علیه السلام] آن را بر او املا کرد و امر نمود که

---

۱. در جنگ بدر، فرشتگان به یاری مؤمنان آمدند و لشکر اسلام به دیده قریش، بسیار هراس آور جلوه کرد. (م)  
 ۲. الغیبة، نعمانی: ص ۱۹۸ ح ۹. بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۱۳۹ ح ۴۶.  
 ۳. جمال الأسبوع: ص ۳۱۰، بحار الأنوار: ج ۹۵ ص ۳۳۲ ح ۵. نیز، برای دیدن همه حدیث، ر. ک: همین دانش نامه: ج ۶ ص ۸۶ ح ۱۰۴۳.

يَدْعُو بِهِ، وَهُوَ الدُّعَاءُ فِي غَيْبَةِ الْقَائِمِ عليه السلام: ...

اللَّهُمَّ، اكْفِ وَلِيِّكَ وَحُجَّتَكَ فِي أَرْضِكَ هَوْلَ عَدُوِّهِ، وَكِدَ مَنْ كَادَهُ، وَامْكُرْ مَنْ مَكَّرَ بِهِ، وَاجْعَلْ دَائِرَةَ السَّوَاءِ عَلَيَّ مَنْ أَرَادَ بِهِ سُوءًا، وَاقْطَعْ عَنْهُ مَادَّتَهُمْ، وَأَرِيبْ لَهُ قُلُوبَهُمْ ۱.

۵ / ۶

## غَلْبَةُ رَأْيِهِ

۱۶۶۹. الغيبة للنعماني: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ أَبُو الْحَسَنِ الْجُعْفِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي إِسْمَاعِيلُ بْنُ مِهْرَانَ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ، عَنْ أَبِيهِ وَوَهَيْبٍ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

... فَوَاللَّهِ لَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ يُبَايِعُ النَّاسَ بِأَمْرِ جَدِيدٍ، وَكِتَابٍ جَدِيدٍ، وَسُلْطَانٍ جَدِيدٍ مِنَ السَّمَاءِ، أَمَا إِنَّهُ لَا يُرَدُّ لَهُ رَايَةٌ أَبَدًا حَتَّى يَمُوتَ.

۱۶۷۰. كمال الدين: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عِصَامٍ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكَلْبِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ الْعَلَاءِ، قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ عَلِيِّ الْقَزْوِينِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدِ الْحَنَاطِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمِ النَّقْفِيِّ الطَّحَّانِ، قَالَ:

۱. في البلد الأمين: «فادع بهذا الدعاء وهو مروى عن القائم عليه السلام».

آن را بخواند و آن دعا برای قائم در روزگار غیبتش است: «... خدایا! ولّیت و حجّتت در زمینت را از هراس دشمنش کفایت کن و با هر که با او حيله می‌کند، حيله کن و با هر که با او مکر می‌کند، مکر کن و پیشامدهای ناگوار را برای هر که قصد سویی به او دارد، قرار ده و یاران و پشتیبان‌هایشان را از آنها بگسل و هراس از او را در دل‌هایشان بینداز.»<sup>۱</sup>

۵/۶

### چیرگی پرچم امام علیه السلام

۱۶۶۹. الغیبة، نعمانی - با سندش به نقل از ابو بصیر - : امام باقر علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند، گویی به او می‌نگرم که میان رکن [حجر الأسود] و مقام [ابراهیم] با مردم بر سر امری نو، کتابی نو و فرمان‌روایی‌ای نو از آسمان، بیعت می‌کند. به هوش باشید که تا لحظه درگذشتش هیچ یک از پرچم‌های (لشکرهای) او شکست نمی‌خورد.»<sup>۲</sup>

۱۶۷۰. کمال‌الدین - با سندش به نقل از محمد بن مسلم - : بر امام باقر علیه السلام وارد شدم و می‌خواستم در باره قائم خاندان محمد علیه السلام از ایشان بپرسم که خود، آغاز به سخن نمود و به من فرمود: «ای محمد بن مسلم! در قائم خاندان محمد علیه السلام، شباهت‌هایی به پنج تن از پیامبران است:<sup>۳</sup> ... و شباهتش به جدّش، محمد مصطفی علیه السلام، قیام مسلحانه، کشتن دشمنان خدا و دشمنان پیامبرش علیه السلام و نیز جباران و طاغوت‌هاست و یاری شدنش با شمشیر و هراسی که در دل دشمنانش می‌افتد و این که هیچ

۱. (کمال‌الدین: ص ۵۱۲-۵۱۵ ح ۴۳، جمال‌الأسبوع: ص ۳۱۵، البلد‌الأمین: ص ۳۰۶، بحار‌الأنوار: ج ۵۳ ص ۱۸۷ ح ۱۸، نیز، ر.ک: همین دانش‌نامه: ج ۶ ص ۲۶۰ ح ۱۰۹۱.  
 ۲. الغیبة، نعمانی: ص ۲۶۲ ح ۲۲، بحار‌الأنوار: ج ۵۲ ص ۲۳۵ ح ۱۰۳.  
 ۳. برای دیدن همه حدیث، ر.ک: ج ۳ ص ۸ ح ۴۸۰.



دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عليه السلام، وَأَنَا أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَهُ عَنِ الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام، فَقَالَ لِي مُبْتَدئًا:

يَا مُحَمَّدَ بْنَ مُسْلِمٍ، إِنَّ فِي الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام شَبَهًا مِنْ خَمْسَةِ مِنَ الرُّسُلِ: ...  
وَأَمَّا شَبَهُهُ مِنْ جَدِّهِ الْمُصْطَفَى عليه السلام: فَخُرُوجُهُ بِالسَّيْفِ وَقَتْلُهُ أَعْدَاءَ اللَّهِ وَأَعْدَاءَ  
رَسُولِهِ عليه السلام وَالْجَبَّارِينَ وَالطَّوَاعِيَةَ، وَأَنَّهُ يُنْصَرُّ بِالسَّيْفِ وَالرُّعْبِ، وَأَنَّهُ لَا تُرَدُّ لَهُ رَايَةٌ.  
وَأَنَّ مِنْ عِلَامَاتِ خُرُوجِهِ: خُرُوجَ السُّفْيَانِيِّ مِنَ الشَّامِ، وَخُرُوجَ الْيَمَانِيِّ مِنَ  
الْيَمَنِ، وَصِيحَةَ مِنَ السَّمَاءِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، وَمُنَا<sup>١</sup> يُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِهِ وَاسْمِ  
أَبِيهِ.

١٦٧١. الصراط المستقيم: عَنْ حُذَيْفَةَ: يُبْنَى مَدِينَةٌ<sup>٢</sup> مِمَّا يَلِي الْمَشْرِقَ، يَكُونُ فِيهَا وَقْعَةٌ لَمْ  
يَسْمَعْ أَهْلُ ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمِثْلِهَا، ثُمَّ تَنْجَلِي هِيَ وَالْوَاقِعَةُ الَّتِي قَبْلَهَا فِي أَهْلِ الشَّامِ عَنْ  
أَرْبَعَةِ مِئَةِ أَلْفِ قَتِيلٍ، ثُمَّ يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ فِي أَثَرِ ذَلِكَ فِي ثَلَاثِمِئَةِ رَاكِبٍ مَنصُورًا لَا  
يُرَدُّ لَهُ رَايَةٌ.

١. كذا في المصدر، والصواب: «مُنَادِيًا»، لآته معطوف على اسم إن.

٢. ذُكِرَ فِي بَعْضِ الْأَخْبَارِ اسْمَ هَذِهِ الْمَدِينَةِ وَأَنَّهَا الزُّورَاءُ؛ وَهِيَ بَغْدَادُ الْحَالِيَّةُ.

پرچمی از او باز نمی‌گردد (مغلوب نمی‌شود).

و از نشانه‌های خروج او، خروج سفیانی از شام، خروج یمانی از یمن، بانگ آسمانی در ماه رمضان و منادی‌ای است که از آسمان، نام او و پدرش را ندا می‌دهد.<sup>۱</sup>

۱۶۷۱. الصراط المستقیم - به نقل از حدیث - : شهری<sup>۲</sup> در شرق ساخته می‌شود و جنگی در آن رخ می‌دهد که اهل آن روزگار، مانندش را [ندیده و] نشنیده‌اند و آن به همراه حادثه‌ای است که پیش از آن، میان شامیان روی می‌دهد و چهارصد هزار کشته بر جای می‌نهد. آن گاه مهدی علیه السلام در پی آنها با سیصد سوار، خروج می‌کند و همیشه پیروز است و هیچ پرچمی از او باز نمی‌گردد (مغلوب نمی‌شود).<sup>۳</sup>

---

۱. کمال الدین: ص ۳۲۷ ح ۷، إعلام الوری: ج ۲ ص ۲۳۳، کشف الغمّة: ج ۳ ص ۳۱۳، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۲۱۷ ح ۶.  
 ۲. برخی گزارش‌های دیگر، اسم این شهر را «زوراء» ذکر کرده‌اند که همان بغداد کنونی است.  
 ۳. الصراط المستقیم: ج ۲ ص ۲۵۷.



## تیسین و شکی های پرچم قیام از منظر احادیث<sup>۱</sup>

از دیرباز تا کنون، کشورها و نهضت‌ها از پرچم به عنوان نماد حرکت، مقاومت و قدرت استفاده کرده‌اند. پرچم اگر چه در روزگار صلح و آرامش نیز مظهر استقلال و عزت یک کشور است؛ اما نمود آن، بیشتر در جنگ‌ها جلوه می‌کند. پرچم به گونه‌ای کلی و عمومی، اقتدار و استقامت یک لشکر را در میدان نبرد نشان می‌دهد و نماد ایستایی، استقامت و برقراری خیمه فرماندهی و از هم نپاشیدن نظام سپاه است. رنگ‌ها و شعارهای نوشته شده بر پرچم نیز بخشی از اهداف، آرمان‌ها و پیوندهای صاحبان پرچم را نشان می‌دهند.

در اسلام نیز از پرچم استفاده شده و پیامبر خدا ﷺ در نبردهای خود و بویژه نخستین نبرد خود (بدر)، از پرچم استفاده نمود<sup>۲</sup> و امام علی علیه السلام نیز در نخستین نبرد داخلی (جمل) از همان پرچم سود برد<sup>۳</sup> و سپس نسل به نسل، میان اهل بیت علیهم السلام دست به دست شد تا به امام زمان علیه السلام رسید.

بر این پایه، احادیث متعددی به وجود پرچم در قیام امام مهدی علیه السلام تصریح کرده و اوصافی را برای آن برشمرده‌اند که عبارت‌اند از:

۱. به قلم پژوهشگر ارجمند، حجة الاسلام والمسلمین عبد الهادی مسعودی.
۲. ر.ک: المناقب، ابن شهر آشوب: ج ۳ ص ۱۱۹ و الصحیح من سیرة النبی الأعظم: ج ۷ ص ۹۹.
۳. ر.ک: ص ۴۳ ح ۱۶۶۲.

## ۱. مقدّس بودن و انتساب آن به خداوند

پرچم قیام، پرچمی الهی، نبوی و علوی است. این ویژگی از عبارت «يَأْتِيهِ بِهَا (جَبْرِيلُ) أَنْ رَأَىٰ مِائِدَةً»<sup>۱</sup> و توصیف مکرّر آن به «رَأَىٰ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» (پرچم پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ)<sup>۲</sup> و نیز یکسان بودن آن با پرچم امام علی علیه السلام در جنگ جمل<sup>۳</sup>، قابل استفاده است. همچنین توصیف زیبا و مجازگونه «عَمُودُهَا مِنْ عَمُودِ الْعَرْشِ»<sup>۴</sup> مؤید ارتباط مستقیم خیمه فرماندهی امام مهدی علیه السلام با عرش خداوند به عنوان مرکز فرماندهی نظام هستی است؛ معنایی که از عبارت «مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ»<sup>۵</sup> نیز قابل استفاده است و زمینه‌ساز این سخن است که پرچم امام مهدی علیه السلام، نه از جنس چوب و پارچه،<sup>۶</sup> بلکه نمادی از شوکت الهی و عظمت و قدرت سپاه قیام است؛ پرچمی که به هر جا روی کند، نصر و فتح الهی را به ارمغان می‌آورد و دشمنان را به هلاکت می‌رساند.<sup>۷</sup>

## ۲. شعار پرچم، نماد توحید

مطابق با تصریح حدیث، جمله «الْبَيْعَةُ لِلَّهِ»<sup>۸</sup> بر پرچم قیام، نقش بسته است که پیوند و وابستگی قیام را به خداوند نشان می‌دهد. این ویژگی، افزون بر تقویت ویژگی نخست، این پیام را فراز می‌آورد که امام مهدی علیه السلام در پی تشکیل حکومت فردی، قبیله‌ای و حزبی نیست و او به دور از فردگرایی و شخص‌پرستی، در پی چیره کردن

۱. ر.ک: ص ۳۷ ح ۱۶۵۴ و ص ۳۷ ح ۱۶۵۷.

۲. ر.ک: ص ۳۷ (پرچمش پرچم پیامبر خداست).

۳. ر.ک: ص ۴۲ ح ۱۶۶۲.

۴. ر.ک: ص ۳۸ ح ۱۶۵۶.

۵. ر.ک: ص ۴۲ ح ۱۶۶۲.

۶. ر.ک: همان.

۷. ر.ک: ص ۳۷ ح ۱۶۵۴ و ص ۳۷ ح ۱۶۵۶ و ص ۵۱ «چیرگی پرچم امام».

۸. ر.ک: ص ۴۳ ح ۱۶۶۰.

اراده خدا در زمین و به میراث بردن آن به نفع صالحان و مستضعفان خدا باور است.

گفتنی است که در گزارشی دیگر، جمله «اسمعوا و اطیعوا»<sup>۱</sup> نقش پرچم گفته شده که منافاتی با این سخن ندارد؛ زیرا می‌توان بر پرچم، جمله‌های متعددی نگاشت. این شعار نیز در راستای دعوت استوار و محکم جهانیان به قیام توحیدی مهدی علیه السلام است که پیروزی و چیرگی آن، حتمی است.

### ۳. ایجاد کننده هراس در دل دشمنان

مطابق با برخی احادیث،<sup>۲</sup> «هراس»، پیشاپیش پرچم قیام و به فاصله یک ماه جلوتر، حرکت می‌کند. این احادیث، هراس را در هر چهار جهت دانسته‌اند و حدیثی دیگر،<sup>۳</sup> آن را گونه‌ای همسانی با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خوانده است.<sup>۴</sup> در احادیث دیگر این باب، سخن از یاری شدن امام مهدی علیه السلام با رعب و هراس است. بر این پایه، حرکت رعب و هراس، بیانی مجازی برای نشان دادن هراس دشمنان قیام از امام مهدی علیه السلام و لشکر او دارد؛ امری که از نظر نظامی، زمینه‌ساز مهم شکست و هزیمت دشمنان و فراهم کننده پیروزی یاران قیام است.

۱. ر.ک: ص ۴۳ ح ۱۶۶۱.

۲. ر.ک: ص ۴۳ (هراس آفرینی پرچم امام علیه السلام).

۳. ر.ک: ص ۴۵ ح ۱۶۶۳.

۴. «أعطيت خمساً لم يعطهن أحد قبلي من الأنبياء جعلت لي الأرض طهوراً ومسجداً ولم يكن نبي من الأنبياء يصلني حتى يبلغ محرابه وأعطيت الرعب مسيرة شهر يكون بيني وبين المشركين مسيرة شهر فيقذف الله الرعب في قلوبهم؛ به من پنج چیز داده شده که به هیچ یک از پیامبران پیش از من داده نشده است: زمین برای من پاک و سجده‌گاه قرار داده شد، در حالی که هیچ یک از پیامبران، نماز خود را جز در محرابش نمی‌خواند. به من مرعوب بودن [دشمن] داده شده است و خداوند، در دل مشرکانی که با من فاصله راهی یک ماهه دارند، ترس و واهمه انداخته است» (السنن الكبرى، بیهقی: ج ۲ ص ۴۰۸ ح ۴۲۶۶).

#### ۴. استوار کردن دل مؤمنان

پرچم تا آن گاه که در اهتزاز است، به لشکریان قوت می‌بخشد و همان اندازه که در دل دشمن، هراس می‌افکند، دل دوستان و باورمندان را استوار و گام‌های آنان را در میدان جنگ، راسخ‌تر می‌گرداند. این ویژگی برای هر پرچمی و به گونه طبیعی وجود دارد:

إِذَا هَزَّهَا لَمْ يَبْقَ مُؤْمِنٌ إِلَّا صَارَ قَلْبُهُ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ.<sup>۱</sup>

چون پرچم را به اهتزاز در می‌آورد، مؤمنی باقی نمی‌ماند، جز آن که دلش مانند پاره‌های آهن [محکم] می‌شود.

#### ۵. همراهی فرشتگان و نصرت الهی

پرچم قیام مهدوی، از هنگام برافراشته شدن، دیگر جمع نمی‌شود و در هیچ جا متوقف نمی‌گردد و از هیچ نبردی عقب نمی‌نشیند و باز نمی‌گردد تا آن که سلطنت خداوند را بر همه کره خاکی بگسترده. این ویژگی که در واقع، نمایانگر غلبه قیام بر همه قدرت‌های معارض است، با عبارت «لَا تُؤَدُّ لَهُ رَايَةٌ»<sup>۲</sup> در احادیث باب «غلبه رایته، چیرگی پرچم امام (عج)» تکرار و مورد تأکید قرار گرفته است. افزون بر این، عبارت زیبا و مجازی «سَائِرُهُا مِنْ نَصْرِ اللَّهِ (عج)»<sup>۳</sup> بیان می‌کند که اهتزاز پارچه پرچم قیام، نه از باد و هوا و کار طبیعت است؛ بلکه نفخه نصر الهی، آن را به جنبش در می‌آورد و چه کسی می‌تواند چراغی را که ایزد برافروزد، خاموش سازد؟!

چه کسی را یارای ایستادگی در برابر پرچمی است که پارچه‌اش نه از جنس پنبه و کتان و ابریشم، بلکه از برگ‌های درختان بهشت است<sup>۴</sup> و دسته‌اش نه از چوب و

۱. ر.ک: ص ۳۸ ح ۱۶۵۶.

۲. ر.ک: ص ۴۴ ح ۱۶۶۲.

۳. ر.ک: ص ۳۶ ح ۱۶۵۴ و ص ۳۸ ح ۱۶۵۶ و ص ۳۸ ح ۱۶۵۷.

۴. ر.ک: ص ۴۲ ح ۱۶۶۲.

فلز که از عمود عرش بزرگ خداوند است<sup>۱</sup> و یاریگرانش نه تنها انسان‌ها، بلکه هزاران فرشته نشان‌دار و مقرب درگاه الهی اند؛<sup>۲</sup> همان فرشتگان فرود آمده و نشاندار (منزلین و مسومین) که به تصریح قرآن در جنگ بدر به یاری مؤمنان آمدند<sup>۳</sup> و در هر جای دیگری که خداپرستان استقامت بورزند، بر آنان فرود می‌آیند و آنان را دلداری می‌دهند و استوار دل می‌دارند و به بهشت بشارت می‌دهند.<sup>۴</sup>

۱. ر.ک: ص ۳۷ (پرچم پرچم پیامبر خداست).

۲. ر.ک: ص ۳۷ ح ۱۶۵۵ و ص ۴۳ ح ۱۶۶۲.

۳. ﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُشْكُرُونَ﴾ إِنَّ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُدْعِيَكُمْ رَبُّكُمْ بِظِلْفَةِ الْعَلْفِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنْزَلِينَ ﴿بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فُورِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ؛ و یقیناً خدا شما را در [جنگ] بدر، با آن که ناتوان بودید، یاری کرد. پس، از خدا پروا کنید، باشد که سپس گزاری نمایید. آن گاه که به مؤمنان می‌گفتی: «آیا شما را بس نیست که پروردگارتان، شما را با سه هزار فرشته فرود آمده، یاری کند؟». آری، اگر شکیبایی کنید و پرهیزگاری نمایید و با همین جوش [و خروش] بر شما بتازند، [همان گاه] پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشاندار، یاری خواهد کرد» (آل عمران: آیه ۱۲۳-۱۲۵).

۴. ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَفْهَمُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخْفُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ بِالْحِجَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ؛ در حقیقت، کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست»، سپس ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند [و می‌گویند: هان! بیم مدارید و غمگین مباشید، و به بهشتی که وعده یافته بودید، شاد باشید] (فصلت: آیه ۳۰).



## الفصل السابع ما ورد من كلمات الأمام علي عليه السلام في بدء القيام

١٦٧٢ . تفسير القمي : أبي عن ابن أبي عمير ، عن منصور بن يونس ، عن أبي خالد الكابلي ، قال : قال أبو جعفر عليه السلام : والله لكانني أنظر إلى القائم عليه السلام وقد أسند ظهره إلى الحجر ، ثم ينشد الله حقه ، ثم يقول :

يا أيها الناس ! من يُحاجني في الله فأنا أولى بالله . أيها الناس ! من يُحاجني في آدم فأنا أولى بآدم . أيها الناس ! من يُحاجني في نوح فأنا أولى بنوح . أيها الناس ! من يُحاجني في إبراهيم فأنا أولى بإبراهيم . أيها الناس ! من يُحاجني في موسى فأنا أولى بموسى . أيها الناس ! من يُحاجني في عيسى فأنا أولى بعيسى . أيها الناس ! من يُحاجني في مُحَمَّدٍ فَأنا أولى بِمُحَمَّدٍ ﷺ . أيها الناس ! من يُحاجني في كتاب الله فأنا أولى بِكِتَابِ اللَّهِ .

ثم ينتهي إلى المقام فيصلي ركعتين وينشد الله حقه .

ثم قال أبو جعفر عليه السلام : هو والله المضطر في كتاب الله في قوله : ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ﴾ ١ .

## فصل هفتم

# گزارش ثانی درباره سخنان امام علیؑ در آغاز قیام

۱۶۷۲ . تفسیر القمی - با سندش به نقل از ابو خالد کابلی :- امام باقرؑ فرمود: «به خدا سوگند، گویی به قائمؑ می نگرم که به حجر الأسود تکیه داده و خداوند را به حقش سوگند می دهد و سپس می فرماید: "ای مردم! هر که در باره خدا با من احتجاج می کند، [بداند که] من نزدیک ترین مردم به خدا هستم. ای مردم! هر که در باره آدمؑ با من احتجاج می کند، [بداند که] من نزدیک ترین مردم به آدم هستم. ای مردم! هر که با من در باره نوحؑ احتجاج می کند، من سزاوارترین مردم به نوح هستم. ای مردم! هر که با من در باره ابراهیمؑ احتجاج می کند، [بداند که] من سزاوارترین مردم به ابراهیم هستم. ای مردم! هر که با من در باره موسیؑ احتجاج می کند، [بداند که] من سزاوارترین مردم به موسی هستم. ای مردم! هر که با من در باره عیسیؑ احتجاج می کند، [بداند که] من سزاوارترین مردم به عیسی هستم. ای مردم! هر که با من در باره محمدؑ احتجاج می کند، [بداند که] من سزاوارترین مردم به محمدؑ هستم. ای مردم، هر که با من در باره کتاب خدا احتجاج می کند، [بداند که] من سزاوارترین مردم به کتاب خدا هستم."

سپس در پایان، نزد مقام ابراهیم می رود و دو رکعت نماز نزد آن می خواند و خدا را به حقش سوگند می دهد».

امام باقرؑ سپس فرمود: «به خدا سوگند، او همان در مانده یاد شده در کتاب

فَيَكُونُ أَوَّلَ مَنْ يُبَايِعُهُ جَبْرَيْلُ، ثُمَّ الثَّلَاثُمِئَةِ وَالثَّلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا.

١٦٧٣. الغيبة للنعماني: أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ هُوَلَاءِ الرِّجَالِ الأَرْبَعَةِ<sup>١</sup> عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ. وَأَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الكُلَيْنِيَّ أَبُو جَعْفَرٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ أَبِيهِ؛ قَالَ: وَحَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عِمْرَانَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، قَالَ: وَحَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَغَيْرُهُ، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعًا، عَنِ الحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ (قَالَ:): وَحَدَّثَنَا عَبْدُ الوَاحِدِ بْنُ عَبْدِ اللهِ المَوْصِلِيُّ، عَنِ أَبِي عَلِيٍّ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَاشِرٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هِلَالٍ، عَنِ الحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ عَمْرٍو بْنِ أَبِي المِقْدَامِ، عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الجُعْفِيِّ، قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ البَاقِرُ عليه السلام - فِي ذِكْرِ خُطْبَةِ الإِمَامِ المَهْدِيِّ فِي المَسْجِدِ الحَرَامِ وَقَدْ أَسَدَّ ظَهْرَهُ إِلَى الكَعْبَةِ -:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّا نَسْتَنْصِرُ اللهَ، فَمَنْ أَجَابَنَا مِنَ النَّاسِ فَإِنَّا أَهْلُ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ مُحَمَّدٍ، وَنَحْنُ أَوْلَى النَّاسِ بِاللهِ وَبِمُحَمَّدٍ عليه السلام، فَمَنْ حَاجَّني فِي آدَمَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِآدَمَ، وَمَنْ حَاجَّني فِي نُوحٍ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِنُوحٍ، وَمَنْ حَاجَّني فِي إِبْرَاهِيمَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ، وَمَنْ حَاجَّني فِي مُحَمَّدٍ عليه السلام فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِمُحَمَّدٍ عليه السلام، وَمَنْ حَاجَّني فِي النَّبِيِّينَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِالنَّبِيِّينَ، أَلَيْسَ اللهُ يَقُولُ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ: ﴿إِنَّ أَللهُ أَصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ \* ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ<sup>٢</sup> فَإِنَّا بَقِيَّةٌ مِنْ آدَمَ، وَذَخِيرَةٌ مِنْ نُوحٍ، وَمُصْطَفَى مِنْ إِبْرَاهِيمَ،

١. أي محمد بن المفضل وسعدان بن إسحاق بن سعيد وأحمد بن الحسين بن عبد الملك ومحمد بن أحمد بن

الحسن.

٢. آل عمران: ٣٣ و ٣٤.

خداست: ﴿یا [کیست] آن کس که در مانده را - چون وی را بخواند - اجابت می‌کند و گرفتاری را بر طرف می‌گرداند و شما را جانشینان این زمین قرار می‌دهد؟﴾. جبرئیل، نخستین کسی است که با او (قائم) بیعت می‌کند و سپس سیصد و سیزده نفر با او بیعت می‌کنند.<sup>۱</sup>

۱۶۷۳. الغیبة، نعمانی - با سندش به نقلی از جابر بن یزید جعفی - : امام باقر علیه السلام در بیان سخنرانی امام مهدی علیه السلام در مسجد الجبرام، هنگامی که پشتش را به کعبه تکیه می‌دهد، فرمود: «ای مردم! ما [شما را] به یاری خدا می‌خوانیم. هر کس از مردم به ما پاسخ گوید، [بداند که] ما اهل بیت پیامبرتان، محمد، و سزاوارترین مردم به خداوند و به محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستیم و هر که با من در باره آدم علیه السلام احتجاج کند، من سزاوارترین مردم به آدم علیه السلام هستم و هر که با من در باره نوح علیه السلام احتجاج کند، من سزاوارترین مردم به نوح هستم و هر که با من در باره ابراهیم علیه السلام احتجاج کند، من سزاوارترین مردم به ابراهیم هستم و هر کس با من در باره محمد صلی الله علیه و آله و سلم احتجاج کند، من سزاوارترین مردم به محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستم، و هر که با من در باره پیامبران احتجاج کند، من سزاوارترین مردم به پیامبران هستم. آیا خداوند در آیه‌های استوار کتابش نمی‌فرماید: ﴿خداوند، آدم، نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان، برتری داد. فرزندان که برخی‌شان از برخی [و در پاکی هسان]، و خداوند، شنوا و داناست؟﴾

و من، [امام] بر جای مانده از [نسل] آدم، ذخیره از [نسل] نوح، برگزیده از [نسل] ابراهیم و گزیده [نسل] محمد - که خداوند بر همه آنان درود فرستد - هستیم. هان! هر که با من در باره کتاب خدا احتجاج کند، من سزاوارترین مردم به کتاب خدا هستیم. هشیار باشید که هر که با من در باره سنت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم احتجاج کند، من

۱. تفسیر القمی: ج ۲ ص ۲۰۵ (با سند حسن مثل صحیح)، الغیبة، نعمانی: ص ۱۸۱ ح ۳۰ (با سند معتبر)، تأویل الآیات الظاهرة: ج ۱ ص ۴۰۲ ح ۵ (به نقل از ابراهیم بن عبد الحمید از امام صادق علیه السلام با عبارت مشابه)، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۱۵ ح ۱۰.

وَصَفْوَةٌ مِنْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

أَلَا فَمَنْ حَاجَّنِي فِي كِتَابِ اللَّهِ فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِكِتَابِ اللَّهِ، أَلَا وَمَنْ حَاجَّنِي فِي سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، فَأَنْشُدُ اللَّهَ مَنْ سَمِعَ كَلَامِي الْيَوْمَ لَمَّا بَلَغَ الشَّاهِدُ (مِنْكُمْ) الْغَائِبِ، وَأَسْأَلُكُمْ بِحَقِّ اللَّهِ، وَحَقِّ رَسُولِهِ ﷺ وَبِحَقِّي، فَإِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقَّ الْقُرْبَى مِنْ رَسُولِ اللَّهِ، إِلَّا أَعْتَمْتُمُونَا وَمَنْعَتُمُونَا مِمَّنْ يَظْلِمُنَا، فَقَدْ أُخِفْنَا وَظَلِمْنَا، وَطُرِدْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا، وَبُعِيَ عَلَيْنَا، وَدُفِعْنَا عَنْ حَقِّنَا، وَافْتَرَى أَهْلُ الْبَاطِلِ عَلَيْنَا، فَاللَّهُ اللَّهُ فِينَا، لَا تَخَذُلُونَا، وَانصُرُونَا يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ تَعَالَى.

١٦٧٤. تفسير العياشي: عَنْ جَابِرِ الْجَعْفِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) : يَقُومُ الْقَائِمُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ فَيَصَلِّي وَيَنْصَرِفُ وَمَعَهُ وَزِيرُهُ، فَيَقُولُ:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّا نَسْتَنْصِرُ اللَّهَ عَلَيَّ مَنْ ظَلَمْنَا وَسَلَبَ حَقَّنَا، مَنْ يُحَاجَّنَا فِي اللَّهِ فَإِنَّا أَوْلَى بِاللَّهِ، وَمَنْ يُحَاجَّنَا فِي آدَمَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِآدَمَ، وَمَنْ حَاجَّنَا فِي نُوحٍ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِنُوحٍ، وَمَنْ حَاجَّنَا فِي إِبْرَاهِيمَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ، وَمَنْ حَاجَّنَا بِمُحَمَّدٍ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِمُحَمَّدٍ ﷺ، وَمَنْ حَاجَّنَا فِي النَّبِيِّينَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِالنَّبِيِّينَ، وَمَنْ حَاجَّنَا فِي كِتَابِ اللَّهِ فَتَنْحُ أَوْلَى النَّاسِ بِكِتَابِ اللَّهِ، إِنَّا نَشْهَدُ وَكُلُّ مُسْلِمٍ الْيَوْمَ، أَنَا قَدْ ظَلِمْنَا وَطُرِدْنَا وَبُعِيَ عَلَيْنَا، وَأَخْرَجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَمْوَالِنَا وَأَهَالِينَا وَقَهْرِنَا، أَلَا إِنَّا نَسْتَنْصِرُ اللَّهَ الْيَوْمَ وَكُلَّ مُسْلِمٍ.

١٦٧٥. تفسير العياشي: عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى الْجَبَلِيِّ (الْحَلْبِيِّ خ ل) قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع) :

يَكُونُ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةٌ فِي بَعْضِ هَذِهِ الشُّعَابِ - ثُمَّ أَوْمَأَ يَبْدِيهِ إِلَى نَاحِيَةِ

سزاوارترین مردم به سنت پیامبر خدا هستیم. امروز هر کس که سخن مرا می‌شنود و در این جا حاضر است، به خدا سوگندش می‌دهم که پیامم را به غایبان برساند، و به حق خداوند و نیز حق پیامبرش و به حق خودم که بر شما حق خویشاوندی با پیامبر خدا علیه السلام را دارم، از شما می‌خواهم که ما را یاری دهید و ما را در برابر کسانی که به ما ستم می‌کنند، حمایت کنید، که ما را هراسان کرده و به ما ستم نموده و از شهر و دیار و فرزندانمان رانده‌اند و بر ما ظلم شده و از حَقمان باز داشته و اهل باطل بر ما دروغ بسته‌اند. پس خدا را، خدا را در حق ما! ما را و نگذارید و ما را یاری دهید تا خداوند متعال یاری‌تان دهد.<sup>۱</sup>

۱۶۷۴. تفسیر العیاشی - به نقل از جابر جعفی - : امام باقر علیه السلام فرمود: «قائم، میان رکن [حجر الأسود]

و مقام [ابراهیم] می‌ایستد و نماز می‌خواند و آن را به پایان می‌برد، در حالی که وزیرش همراه اوست. می‌گوید: "ای مردم! ما از خدا بر ضد کسانی که بر ما ستم کرده‌اند و حق ما را ربودند، یاری می‌طلبیم. هر که با ما در باره خدا احتجاج می‌کند، [بداند که] ما به خدا سزاوارتریم، و هر که با ما در باره آدم علیه السلام احتجاج کند، ما سزاوارترین مردم به آدم هستیم، و هر که با ما در باره نوح علیه السلام احتجاج کند، ما سزاوارترین مردم به نوح هستیم، و هر که با ما در باره ابراهیم علیه السلام احتجاج کند، ما سزاوارترین مردم به ابراهیم هستیم، و هر که با ما در باره محمد علیه السلام احتجاج کند، ما سزاوارترین مردم به محمد علیه السلام هستیم، و هر که با ما در باره پیامبران احتجاج کند، ما سزاوارترین مردم به پیامبران هستیم، و هر که با ما در باره کتاب خدا احتجاج کند، ما سزاوارترین مردم به کتاب خدا هستیم.

ما و هر مسلمانی، امروز گواهی می‌دهد که به ما ستم شد و ما را رانده شدیم و بر ما ظلم شد و از شهر و دیار و مال و اهلمان بیرونمان راندند و به ما زور گفتند. هان! ما امروز از خدا و هر مسلمانی یاری می‌جوییم.<sup>۲</sup>

۱۶۷۵. تفسیر العیاشی - به نقل از عبد الأعلى جبلی (/ حلی) - : امام باقر علیه السلام فرمود: «صاحب

۱. الفیة، نعمانی: ص ۲۷۹ - ۲۸۱ ح ۶۷ (با سندهای متعدّد که سه تایی آنها معتبرند)، الاختصاص: ص ۲۵۵، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۲۳۷ ح ۱۰۵. نیز، برای دیدن همه حدیث، ر.ک: همین دانش‌نامه: ج ۷ ص ۳۶۶ ح ۱۳۹۰.  
 ۲. تفسیر العیاشی: ج ۱ ص ۶۴ ح ۱۱۷، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۲۲۲ ح ۸۷. نیز، برای دیدن همه حدیث، ر.ک: همین دانش‌نامه: ج ۷ ص ۳۷۴ ح ۱۳۹۱.

ذِي طُوًى<sup>١</sup> - حَتَّىٰ إِذَا كَانَ قَبْلَ خُرُوجِهِ بَلِيلَتَيْنِ، انْتَهَى الْمَوْلَى الَّذِي يَكُونُ بَيْنَ يَدَيْهِ حَتَّىٰ يَلْقَى بَعْضَ أَصْحَابِهِ، فَيَقُولُ: كَمْ أَنْتُمْ هَاهُنَا؟ فَيَقُولُونَ: نَحْوُ مِنْ أَرْبَعِينَ رَجُلًا، فَيَقُولُ: كَيْفَ أَنْتُمْ لَوْ قَدْ رَأَيْتُمْ صَاحِبِكُمْ؟ فَيَقُولُونَ: وَاللَّهِ لَوْ يَاوِي<sup>٢</sup> بِنَا الْجِبَالَ لِأَوَيْنَاهَا مَعَهُ، ثُمَّ يَأْتِيهِمْ مِنَ الْقَابِلَةِ<sup>٣</sup> فَيَقُولُ لَهُمْ: أَشِيرُوا إِلَيَّ ذَوِي أَسْنَانِكُمْ وَأَخْيَارِكُمْ عَشْرَةَ<sup>٤</sup>، فَيُشِيرُونَ لَهُ إِلَيْهِمْ، فَيَنْطَلِقُ بِهِمْ حَتَّىٰ يَأْتُونَ صَاحِبَهُمْ، وَيَعِدُهُمْ إِلَى اللَّيْلَةِ الَّتِي تَلِيهَا.

ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ: وَاللَّهِ لَكَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَيْهِ وَقَدْ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْحَجْرِ، ثُمَّ يَنْشُدُ اللَّهَ حَقَّهُ، ثُمَّ يَقُولُ:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ! مَنْ يُحَاجِّنِي فِي اللَّهِ فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِاللَّهِ. وَمَنْ يُحَاجِّنِي فِي آدَمَ فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِآدَمَ. يَا أَيُّهَا النَّاسُ! مَنْ يُحَاجِّنِي فِي نُوحٍ فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِنُوحٍ.  
يَا أَيُّهَا النَّاسُ! مَنْ يُحَاجِّنِي فِي إِبْرَاهِيمَ فَأَنَا أَوْلَى بِإِبْرَاهِيمَ. يَا أَيُّهَا النَّاسُ! مَنْ يُحَاجِّنِي فِي مُوسَى فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِمُوسَى. يَا أَيُّهَا النَّاسُ! مَنْ يُحَاجِّنِي فِي عِيسَى فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِعِيسَى. يَا أَيُّهَا النَّاسُ! مَنْ يُحَاجِّنِي فِي مُحَمَّدٍ فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِمُحَمَّدٍ ﷺ. يَا أَيُّهَا النَّاسُ! مَنْ يُحَاجِّنِي فِي كِتَابِ اللَّهِ فَأَنَا أَوْلَى بِكِتَابِ اللَّهِ.

ثُمَّ يَنْتَهِي إِلَى الْمَقَامِ فَيُصَلِّي (عِنْدَهُ) رَكَعَتَيْنِ، ثُمَّ يَنْشُدُ اللَّهَ حَقَّهُ.

١. ذو طوى: موضع عند مكة (معجم البلدان: ج ٤ ص ٤٥).

٢. قد معنى في النقل عن الغيبة النعماني: «ناوى» بدل «ياووي» وهو الأنسب.

٣. القابل (خ ل).

٤. في المصدر: «عشيرة»، وما أثبتناه من بحار الأنوار.

٥. في بحار الأنوار: «يا أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ»، وهو الأنسب بالسياق.

این امر (قیام) غیبتی دارد که در برخی از این درّه‌هاست» و با دستش به منطقه ذی طوی<sup>۱</sup> اشاره کرد [و افزود: «تا آن که دو شب پیش از خروجش، یکی از اولیایش که پیشکار اوست، می‌آید و با برخی از یاران امام ملاقات می‌کند و می‌گوید: شما این جا چند تن هستید؟ و آنان می‌گویند: حدود چهل مرد. می‌گوید: اگر صاحب خود را می‌دیدید، چه می‌کردید؟ آنها می‌گویند: به خدا سوگند، اگر ما را در کوه‌ها اسکان دهد، با او همراه می‌شویم. سپس شب بعد هم نزد آنان می‌آید و می‌گوید: ده تن از سرکردگان و برگزیدگانان را نشان دهید. و آنان ده تن را به او نشان می‌دهند و او ایشان را می‌برد تا نزد صاحب خویش برسند و امام علیه السلام شب فردا را به ایشان وعده [ی قیام] می‌دهد».

امام باقر علیه السلام سپس فرمود: «به خدا سوگند، گویی به او می‌نگرم که به حجر الأسود تکیه داده و خداوند را به حقش سوگند می‌دهد و سپس می‌فرماید: "ای مردم! هر که در باره خدا با من احتجاج می‌کند، [بداند که] من نزدیک‌ترین مردم به خدا هستم و هر که در باره آدم علیه السلام با من احتجاج می‌کند، [بداند که] من نزدیک‌ترین مردم به آدم هستم. ای مردم! هر که با من در باره نوح علیه السلام احتجاج می‌کند، [بداند که] من سزاوارترین مردم به نوح هستم. ای مردم! هر که با من در باره ابراهیم علیه السلام احتجاج می‌کند، [بداند که] من سزاوارترین مردم به ابراهیم هستم. ای مردم! هر که با من در باره موسی علیه السلام احتجاج می‌کند، [بداند که] من سزاوارترین مردم به موسی هستم. ای مردم! هر که با من در باره عیسی علیه السلام احتجاج می‌کند، [بداند که] من سزاوارترین مردم به عیسی هستم. ای مردم! هر که با من در باره محمد صلی الله علیه و آله و سلم احتجاج می‌کند، [بداند که] من سزاوارترین مردم به محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستم. ای مردم! هر که با من در باره کتاب خدا احتجاج می‌کند، [بداند که] من سزاوارترین مردم به کتاب خدا هستم". سپس در پایان، نزد مقام ابراهیم می‌رود و دو رکعت نماز نزد آن می‌خواند و خدا را به

۱. کوهی در اطراف مکه است.



قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: هُوَ وَاللَّهُ الْمُضْطَرُّ فِي كِتَابِ اللَّهِ، وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ»، وَجَبْرَيْلُ عَلَى الْمِيزَابِ فِي صَوْرَةِ طَائِرٍ أبيض، فَيَكُونُ أَوَّلَ خَلْقِ اللَّهِ يُبَايِعُهُ جَبْرَيْلُ، وَيُبَايِعُهُ الثَّلَاثُمِئَةَ وَالْبِضْعَةَ الْعَشَرَ رَجُلًا.

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: فَمَنْ ابْتَلِيَ فِي الْمَسِيرِ وَاوَاهُ فِي تِلْكَ السَّاعَةِ، وَمَنْ لَمْ يُبْتَلْ بِالْمَسِيرِ فُقِدَ عَنْ فِرَاشِهِ، ثُمَّ قَالَ: هُوَ وَاللَّهُ قَوْلُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام: الْمَفْقُودُونَ عَنْ فُرُوشِهِمْ، وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ: «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا»<sup>١</sup> أَصْحَابُ الْقَائِمِ الثَّلَاثُمِئَةَ وَبِضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا، قَالَ: هُمْ وَاللَّهُ الْأُمَّةُ الْمَعْدُودَةُ الَّتِي قَالَ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ: «وَلَسِنَ أَخْرَجْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَّغْدُودَةٍ»<sup>٢</sup> قَالَ: يَجْتَمِعُونَ<sup>٣</sup> فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ فَرَعًا كَفَرَعَ الْخَرِيفِ، فَيُصْبِحُ بِمَكَّةَ فَيَدْعُو النَّاسَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ صلى الله عليه وآله، فَيُجِيبُهُ نَفَرٌ يَسِيرٌ وَيَسْتَعْمَلُ عَلَى مَكَّةَ، ثُمَّ يَسِيرُ فَيَبْلُغُهُ أَنْ قَدْ قُتِلَ عَامِلُهُ، فَيَرْجِعُ إِلَيْهِمْ فَيَقْتُلُ الْمُقَاتِلَةَ لَا يَزِيدُ عَلَى ذَلِكَ شَيْئًا؛ يَعْنِي السَّبِيَّ.

ثُمَّ يَنْطَلِقُ فَيَدْعُو النَّاسَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ عَلَيْهِ وَالِهِ السَّلَامُ، وَالْوِلَايَةَ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام وَالْبَرَاءَةَ مِنْ عَدُوِّهِ، وَلَا يُسَمِّي أَحَدًا حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى الْبَيْدَاءِ، فَيَخْرُجُ إِلَيْهِ جَيْشُ السُّفْيَانِيِّ فَيَأْمُرُ اللَّهُ الْأَرْضَ فَيَأْخُذُهُمْ مِنْ تَحْتِ أَقْدَامِهِمْ، وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ: «وَلَوْ تَرَى إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَأَخَذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ \* وَقَالُوا ءَأَمْنَا بِهِ»<sup>٤</sup> يَعْنِي

١. البقرة: ١٤٨.

٢. هود: ٨.

٣. في المصدر: «يَجْتَمِعُونَ»، وما أثبتناه من بحار الأنوار.

٤. سبأ: ٥١ و٥٢.

حَقَّش سوگند می‌دهد».

امام باقر علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند، او همان در مانده یاد شده در کتاب خداست: ﴿یا کیست﴾ آن که در مانده را - چون وی را بخواند - اجابت می‌کند و گرفتاری را بر طرف می‌گرداند و شما را جانشینان این زمین قرار می‌دهد؟﴾. جبرئیل به صورت پرنده‌ای سفید بر ناودان کعبه می‌نشیند و نخستین آفریده خداست که با او (قائم) بیعت می‌کند و سپس سیصد و ده و اندی نفر با او بیعت می‌کنند».

امام باقر علیه السلام فرمود: «پس هر که به راه افتاده باشد، در آن ساعت می‌رسد و هر کس راه نیفتاده باشد، از بسترش ناپدید می‌شود و این، همان سخن امیر مؤمنان علی علیه السلام است که فرمود: "ناپدیدشدگان از بسترهایشان هستند"، و آن، سخن خداوند است: ﴿به نیکی‌ها بشتابید. هر کجا باشید، خداوند، همه شما را [گرد] می‌آورد﴾. یاران قائم، سیصد و ده و اندی نفرند که به خدا سوگند، همان امت معدوده (کم‌شمار) هستند که خداوند در کتابش فرموده [و کافران را به آن تهدید نموده] است: ﴿اگر عذابشان را تا آمدن کسانی کم‌شمار به تأخیر اندازیم [به ریشخند کردن می‌پردازند]﴾. اینان، مانند ابرهای پاییزی به یک ساعت در مکه گرد هم می‌آیند، و امام علیه السلام در مکه وقتی صبح می‌شود، مردم را به کتاب خدا و سنت پیامبرش فرامی‌خواند و شمار اندکی به او می‌پیوندند. او کسی را بر شهر مکه او (قائم) می‌گمارد و سپس [به سوی مدینه] حرکت می‌کند، که به او خبر می‌رسد کارگزارش را کشته‌اند. پس باز می‌گردد و کشندگان را قصاص می‌کند و بیش از این نمی‌کند - یعنی کسی را به بند نمی‌کشد - و آن‌گاه به راه می‌افتد و مردم را به کتاب خدا و سنت پیامبرش - که بر او و خاندانش درود باد - و ولایت علی بن ابی طالب و بیزاری از دشمن او، فرامی‌خواند و کسی از دشمنانش را نام نمی‌برد تا به بیداء<sup>۱</sup> می‌رسد. لشکر سفیانی به سوی او بیرون می‌آیند و خداوند به زمین فرمان می‌دهد تا آنان را از زیر پایشان بگیرد و فرو ببرد و آن، همان سخن خداوند است: ﴿و کاش آن‌گاه را می‌دید که هراسان شده و راه‌گریزی ندارند و از جایی نزدیک، فرو گرفته می‌شوند و می‌گویند: به آن ایمان آوردیم!﴾،

بِقَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ ﴿وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ﴾ يَعْنِي بِقَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ إِلَى آخِرِ السَّوْرَةِ، وَلَا يَبْقَى مِنْهُمْ إِلَّا رَجُلَانِ يُقَالُ لَهُمَا وَتَرٌّ وَوَتِيرٌ مِنْ مُرَادٍ، وَجُوهُهُمَا فِي أَقْفَيْهِمَا يَمَشِيَانِ الْقَهْقَرَى، يُخْبِرَانِ النَّاسَ بِمَا فُعِلَ بِأَصْحَابَيْهِمَا.

ثُمَّ يَدْخُلُ الْمَدِينَةَ فَيَغِيبُ عَنْهُمْ عِنْدَ ذَلِكَ قُرَيْشٌ، وَهُوَ قَوْلُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع: «وَاللَّهِ لَوَدَّتْ قُرَيْشٌ - أَي عِنْدَهَا - مَوْقِفًا وَاحِدًا، جَزَرَ جَزورًا بِكُلِّ مَا مَلَكَتْ، وَكُلُّ مَا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ أَوْ غَرَبَتْ»...، ثُمَّ يَنْطَلِقُ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ، وَالْوِلَايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع وَالْبَرَاءَةِ مِنْ عَدُوِّهِ، حَتَّى إِذَا بَلَغَ إِلَى الشَّلَيْبِيَّةِ<sup>٢</sup> قَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ صُلْبِ أَبِيهِ، وَهُوَ مِنْ أَشَدِّ النَّاسِ بِدَنِيهِ وَأَشَجَعِهِمْ بِقَلْبِهِ، مَا خَلَا صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ، فَيَقُولُ: يَا هَذَا مَا تَصْنَعُ؟ فَوَاللَّهِ إِنَّكَ لَتُجْفِلُ النَّاسَ إِجْفَالَ النَّعَمِ، أَقْبِعْهُمْ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص أَمْ بِمَاذَا؟ فَيَقُولُ الْمَوْلَى الَّذِي وَلِيَ الْبَيْعَةَ: وَاللَّهِ لَتَسْكُنَنَّ أَوْ لِأَضْرِبَنَّ الَّذِي فِيهِ عَيْنَاكَ.

فَيَقُولُ لَهُ الْقَائِمُ ع: أَسْكُتْ يَا فُلَانُ، إِي وَاللَّهِ إِنْ مَعِيَ عَهْدًا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص، هَاتِ لِي يَا فُلَانُ الْعَيْبَةَ<sup>٣</sup> - أَوِ الطَّيْبَةَ<sup>٤</sup>، أَوِ الرَّنْفَلِيحَةَ<sup>٥</sup>، فَيَأْتِيهِ بِهَا، فَيَقْرئُهَا<sup>٥</sup> الْعَهْدَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص، فَيَقُولُ: جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ، أَعْطَنِي رَأْسَكَ أَقْبَلُهُ، فَيُعْطِيهِ رَأْسَهُ فَيُقْبَلُهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ، ثُمَّ يَقُولُ: جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ، جَدَّدْ لَنَا بَيْعَةَ، فَيَجِدُّ لَهُمْ بَيْعَةً.

١. قوله: «جزر جزور» أي تود قريش أن يعطوا كل ما ملكوا وكل ما طلعت عليه الشمس وأخذوا موقفاً يقفون فيه ويختفون منه ع قدر زمان ذبح بعير ويحتمل المكان أيضاً (بحار الأنوار: ج ٥٢ ص ٣٤٥).
٢. الشَّلَيْبِيَّةُ: من منازل طريق مكة من الكوفة (معجم البلدان: ج ٢ ص ١٧٨).
٣. الْعَيْبَةُ: مستودع الثياب (معجم البحرين: ج ٢ ص ١٢٩٦ «عيب»).
٤. ليس في بحار الأنوار وفي بعض النسخ «الطبيقة» بدل «الطيبة» (هامش المصدر).
٥. أَقْرَأَنِي فُلَانٌ: أي حَمَلَنِي عَلَى أَنْ أَقْرَأَهُ عَلَيْهِ (معجم البحرين: ج ١ ص ٣٤٠ «قرء»).

یعنی به قائم خاندان محمد صلی الله علیه و آله، «در حالی که به او کفر ورزیدند» (تا پایان سوره) و جز دو تن به نام‌های وَتَر و وَتیر (از قبیله مراد) از آنان باقی نمی‌ماند که سر و صورتشان وارونه می‌شود و عقب عقب راه می‌روند و مردم را از آنچه بر سر یارانشان آمده، باخبر می‌کنند.

سپس وارد مدینه می‌شود و این هنگام، قریش، خود را از او پنهان می‌کنند و آن، همان سخن علی بن ابی طالب علیه السلام است که فرمود: «به خدا سوگند، قریش دوست خواهد داشت که آن زمان، هر چه را دارد و هر چه را بر آن خورشید می‌تابد، بدهد، تا جایی و برای یک لحظه حتی به اندازه ذبح یک شتر، بیابد [و خود را از انتقام مهدی علیه السلام دور کند].»

سپس می‌رود و مردم را به کتاب خدا و سنت پیامبرش و ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام و بیزاری از دشمن او فرا می‌خواند. آن‌گاه که به ثعلبیه<sup>۱</sup> می‌رسد و مردی از تبار خودش [از اهل بیت] که قوی‌هیکل‌ترین و دلاورترین مردم پس از صاحب این امر (قیام) است، به سوی او بر می‌خیزد و می‌گوید: تو چه می‌کنی؟ به خدا سوگند که تو مردم را مانند شتران از خود، دور و پراکنده می‌کنی! آیا این به خاطر عهدی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله یا به خاطر چیز دیگری است؟ و آن که کار بیعت گرفتن را به دست دارد، می‌گوید: به خدا سوگند، آرام می‌گیری و یا بر آنچه دو چشمت در آن است (کاسه سرت)، می‌زنم.

قائم علیه السلام به او می‌گوید: ای فلانی! ساکت شو. آری، به خدا سوگند، عهدی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به همراه دارم. ای فلان! جامه‌دان (عطردان<sup>۲</sup> یا زنبیل) را بیاور. او آن را می‌آورد و عهد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را برای او می‌خواند. آن مرد قوی دلاور می‌گوید: خدا مرا فدایت کند! سرت را بده تا بیوسم. او سرش را جلو می‌آورد و آن مرد، میان

۱. ثعلبیه. نام جایی در راه مکه به کوفه است.

۲. در متن عربی، «الطیبة» آمده است که برای آن، معنای مناسبی جز آنچه آمد، به ذهن نرسید و در برخی نسخه‌ها «الطیقة» آمده و در برخی اساساً نیامده است (م).

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: لَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِمْ مُصْعِدِينَ مِنْ نَجْفِ الْكُوفَةِ ثَلَاثِمِئَةٍ وَبِضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا، كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ، جَبْرَيْلُ عَنْ يَمِينِهِ وَمِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِهِ، يَسِيرُ الرَّعْبُ أَمَامَهُ شَهْرًا وَخَلْفَهُ شَهْرًا، أَمَدَهُ اللَّهُ بِخَمْسَةِ أَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ، حَتَّى إِذَا صَعِدَ النَّجْفَ، قَالَ لِأَصْحَابِهِ: تَعَبَدُوا لَيْلَتَكُمْ هَذِهِ، فَيَبْتَغُونَ بَيْنَ رَاكِعٍ وَسَاجِدٍ، يَتَضَرَّعُونَ إِلَى اللَّهِ حَتَّى إِذَا أَصْبَحَ، قَالَ: خُذُوا بِنَا طَرِيقَ النَّخِيلَةِ<sup>١</sup>، وَعَلَى الْكُوفَةِ جُنْدٌ مُجَنَّدٌ، قُلْتُ: جُنْدٌ مُجَنَّدٌ؟<sup>٢</sup> قَالَ: إِي وَاللَّهِ، حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى مَسْجِدِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام بِالنُّخَيْلَةِ، فَيُصَلِّي فِيهِ رَكَعَتَيْنِ، فَيَخْرُجُ إِلَيْهِ مَنْ كَانَ بِالْكَوفَةِ مِنْ مُرْجِيهَا وَغَيْرِهِمْ مِنْ جَيْشِ السُّفْيَانِيِّ، فَيَقُولُ لِأَصْحَابِهِ: اسْتَطْرِدُوا لَهُمْ، ثُمَّ يَقُولُ: كَرُوا عَلَيْهِمْ.

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: وَلَا يَجُوزُ وَاللَّهِ الْخَنْدَقَ مِنْهُمْ مُخْبِرٌ، ثُمَّ يَدْخُلُ الْكُوفَةَ فَلَا يَبْقَى مُؤْمِنٌ إِلَّا كَانَ فِيهَا أَوْ حَنَّ إِلَيْهَا، وَهُوَ قَوْلُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عليه السلام، ثُمَّ يَقُولُ لِأَصْحَابِهِ: سِيرُوا إِلَى هَذِهِ الطَّاغِيَةِ، فَيَدْعُوهُ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ صلى الله عليه وآله، فَيُعْطِيهِ السُّفْيَانِيُّ مِنَ الْبَيْعَةِ سِلْمًا.

فَيَقُولُ لَهُ كَلْبٌ وَهُمْ أَخْوَالُهُ: (مَا) هَذَا مَا صَنَعْتَ؟ وَاللَّهِ مَا تُبَايِعُكَ عَلِيُّ هَذَا أَبَدًا، فَيَقُولُ: مَا أَصْنَعُ؟ فَيَقُولُونَ: اسْتَقْبِلْهُ! فَيَسْتَقْبِلُهُ، ثُمَّ يَقُولُ لَهُ الْقَائِمُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ: خُذْ حِذْرَكَ، فَإِنِّي أَدَيْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا مُقَاتِلُكَ، فَيُصْبِحُ فَيَقَاتِلُهُمْ، فَيَمْنَحُهُ اللَّهُ أَكْتَاْفَهُمْ. وَيَأْخُذُ السُّفْيَانِيُّ أَسِيرًا، فَيَنْطَلِقُ بِهِ وَيَذْبَحُهُ بِيَدِهِ.

١. النخيلة: موضع قرب الكوفة على سمت الشام. (معجم البلدان: ج ٥ ص ٢٧٨).

٢. في بحار الأنوار: «خندق مخندق» في كلا الموضعين.

دو چشمش را می‌بوسد و سپس می‌گوید: خدا مرا فدایت کند! دوباره از ما بیعت بگیر. و ایشان هم دوباره بیعت می‌گیرد».

امام باقر علیه السلام فرمود: «گویی سیصد و ده و اندی مرد را می‌بینم که از بلندی [پشت کوفه] بالا می‌روند و دل‌هایشان گویی پاره‌ای آهن است. جبرئیل، سمت راست و میکائیل، سمت چپش است و هراس [در دل دشمن] به فاصله یک ماه راه، جلو و پشت او حرکت می‌کند و خداوند با پنج هزار فرشته نشان‌دار او را یاری می‌دهد تا آن که بر بلندی کوفه (نجف) در می‌آید و به یارانش می‌فرماید: امشب‌تان را به عبادت بپردازید. آنها هم شب را تا به صبح به رکوع و سجود و تضرع به درگاه الهی می‌پردازند.

تا این که صبح می‌شود. [قائم علیه السلام] می‌فرماید: ما را از راه نُخَیله<sup>۱</sup> ببرید و گرداگرد کوفه خندق و سنگربندی کامل است».<sup>۲</sup>

پرسیدم: خندق و سنگربندی کامل؟

فرمود: «آری، به خدا سوگند. تا این که به مسجد ابراهیم در نخيله می‌رسد و دو رکعت نماز در آن جا می‌خواند و هر کس در کوفه است، از مرجئه و دیگران از لشکر سفیانی، به سوی او می‌آیند. امام به یارانش می‌فرماید: برای فریب دشمن، عقب‌نشینی تاکتیکی کنید و سپس می‌فرماید: باز گردید و حمله کنید».

امام باقر علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند، حتی یک نفر از آنان هم از خندق نمی‌گذرد تا خبری بیاورد. او سپس وارد کوفه می‌شود و هیچ مؤمنی نمی‌ماند، جز آن که به کوفه وارد می‌شود یا مشتاق کوفه می‌گردد و این، همان سخن امیر مؤمنان علی علیه السلام است [که قبلاً به آن خبر داده بود]. آن گاه قائم به یارانش می‌فرماید: به سوی این طفیانگر بروید. و او را به کتاب خدا و سنت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرا می‌خواند و سفیانی دست بیعت و تسلیم به او می‌دهد؛ ولی قبیلۀ کلب - که دایمی‌های او هستند -، به او اعتراض می‌کنند که: چه کردی؟ به خدا سوگند، ما هرگز بر این امر با تو بیعت نمی‌کنیم. سفیانی می‌گوید: چه

۱. نخيله، جایی نزدیک کوفه و در راه آن به شام، که پیش‌تر اردوگاه نظامی بوده است.

۲. در متن اصلی، «جند مجند» به معنای سپاهیان یک شکل آمده است؛ اما به دلیل نسخه‌های دیگر و بقیۀ متن و نیز شگفتی راوی، نسخه «خندق مخندق» که در بحار الأنوار آمده، ترجیح داده و ترجمه شد.

ثُمَّ يُرْسِلُ جَرِيدَةَ<sup>١</sup> خَيْلٍ إِلَى الرُّومِ، فَيَسْتَحْضِرُونَ<sup>٢</sup> بَقِيَّةَ بَنِي أُمَيَّةَ، فَإِذَا انْتَهَوْا إِلَى الرُّومِ قَالُوا: أَخْرِجُوا إِلَيْنَا أَهْلَ مِلَّتِنَا عِنْدَكُمْ، فَيَأْبُونَ وَيَقُولُونَ: وَاللَّهِ لَا نَفْعَلُ، فَيَقُولُ الْجَرِيدَةُ: وَاللَّهِ لَوْ أَمَرْنَا لَقَاتَلْنَاكُمْ، ثُمَّ يَنْطَلِقُونَ إِلَى صَاحِبِهِمْ فَيَعْرِضُونَ ذَلِكَ عَلَيْهِ، فَيَقُولُ: انْطَلِقُوا فَأَخْرِجُوا إِلَيْهِمْ أَصْحَابَهُمْ، فَإِنَّ هَؤُلَاءِ قَدْ أَتَوْا بِسُلْطَانٍ (عَظِيمٍ)، وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ: ﴿فَلَمَّا أَحْسَسُوا بِأَسَاسِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ \* لَا تَرَكَضُوا وَآرْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسْكِنِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَسْئَلُونَ﴾<sup>٣</sup> قَالَ: يَعْنِي الْكُنُوزَ الَّتِي كُنْتُمْ تَكْتَبُونَ، ﴿قَالُوا يَتَوَلَّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ \* فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَانَهُمْ حَتَّى جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَمِيدِينَ﴾<sup>٤</sup> لَا يَبْقَى مِنْهُمْ مُخْبِرٌ.

ثُمَّ يَرْجِعُ إِلَى الْكُوفَةِ فَيَبْعَثُ الثَّلَاثِمَةَ وَالْبِضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا إِلَى الْآفَاقِ كُلِّهَا، فَيَمَسْحُ بَيْنَ أَكْتافِهِمْ وَعَلَى صُدُورِهِمْ، فَلَا يَتَعَايُونَ فِي قَضَاءٍ، وَلَا تَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا: شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَهُوَ قَوْلُهُ: ﴿وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ﴾<sup>٥</sup> وَلَا يَقْبَلُ صَاحِبٌ هَذَا الْأَمْرَ الْجَزِيئَةَ كَمَا قَبِلَهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ، وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ: ﴿وَقَبِلْتَهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ آدِينَ لِلَّهِ﴾<sup>٦</sup>.

١٦٧٤. كمال الدين: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عِصَامٍ رضي الله عنه قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكَلْبِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ الْعَلَاءِ، قَالَ: حَدَّثَنِي إِسْمَاعِيلُ بْنُ عَلِيِّ الْقَزويني،

١. الْجَرِيدَةُ: الْجَمَاعَةُ مِنَ الْخَيْلِ (لسان العرب: ج ٣ ص ١١٨ «جردي»).

٢. فِي بَحَارِ الْأَنْبِيَاءِ: «لَيْسَتْ حَضْرَتُهُ»، وَهُوَ الْأَنْسَبُ بِالسِّيَاقِ.

٣. الْأَنْبِيَاءِ: ١٢ وَ ١٣.

٤. الْأَنْبِيَاءِ: ١٤ وَ ١٥.

٥. آل عمران: ٨٣.

٦. الْبَقَرَةُ: ١٩٣ وَالْأَنْفَالُ: ٣٩.

کار کنم؟ می‌گویند: با او رو به رو شو، و او با قائم علیه السلام رو به رو می‌شود و [قائم] به او می‌فرماید: "مراقب باش که من [آنچه را لازم بود]، به تو رساندم و من با تو می‌جنگم". صبح که می‌شود، با آنان می‌جنگد و خدا بر آنها مسلطشان می‌کند و سفیانی را اسیر می‌کند و او را می‌برد و با دستان خودش می‌کشد.

سپس دسته‌ای از سوارانش را به سوی روم می‌فرستد تا باقی‌مانده امویان را حاضر کند، و چون سواران به روم می‌رسند، می‌گویند: همکیشان ما را که نزد شماست، به سوی ما بفرستید؛ اما آنان خودداری می‌کنند و می‌گویند: به خدا سوگند، ما چنین نمی‌کنیم. سواران می‌گویند: به خدا سوگند، اگر به ما فرمان دهد، با شما می‌جنگیم. سپس رومیان نزد فرمان‌روایشان می‌آیند و موضوع را خبر می‌دهند. او می‌گوید: بروید و همکیشانان را به آنها بسپارید، که اینها با قدرتی بزرگ آمده‌اند و آن، همان سخن خداوند است: ﴿و چون عذاب ما را دریافتند، ناگاه از آن می‌گریختند. مگر یزید و به کامرانی و خانه‌هایتان باز گردید. باشد که بازخواست شوید﴾ یعنی در باره گنج‌هایی که می‌اندوختید. ﴿گفتند: وای بر ما! بی گمان، ما ستمکار بوده‌ایم. و هماره آن سخنشان بود، تا آن که آنان را [چون گیاه دروشده‌ای] خاموش و بی جان کردیم﴾. هیچ خبر آورنده‌ای از آنها باقی نمی‌ماند. سپس به کوفه باز می‌گردد و سیصد و ده و اندی مرد را به همه سو [برای اداره عالم] روانه می‌کند و بر شانه‌ها و سینه‌هایشان دست می‌کشد و در هیچ حکمی [و قضاوتی] در نمی‌مانند و زمینی باقی نمی‌ماند، جز آن که در آن، گواهی به یگانگی خداوند بی همتا و رسالت پیامبر خدا، محمد صلی الله علیه و آله، ندا داده می‌شود و آن، همان سخن خداوند است: ﴿و هر کس در آسمان و زمین است، خواه ناخواه فرمان او را گردن نهاده و به سوی او باز گردانده می‌شود﴾ و صاحب این امر (قیام) آن گونه که پیامبر خدا پذیرفت، از کسی جزیه نمی‌پذیرد و آن، همان سخن خداوند است: ﴿و با آنها پیکار کنید تا فتنه نباشد و دین و فرمانبری، تنها از آن خداست﴾.<sup>۱</sup>

۱۶۷۶. کمال الدین - با سندش به نقل از محمد بن مسلم ثقفی -: شنیدم که امام باقر علیه السلام



قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدِ الْحَنَاطِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمِ الثَّقَفِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الْبَاقِرَ عليه السلام يَقُولُ:

الْقَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ... فَإِذَا خَرَجَ أَسَدًا ظَهَرَهُ إِلَى الْكَعْبَةِ، وَاجْتَمَعَ إِلَيْهِ ثَلَاثُمِئَةٍ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا. وَأَوَّلُ مَا يَنْطِقُ بِهِ هَذِهِ الْآيَةُ «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» ثُمَّ يَقُولُ: أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَخَلِيفَتُهُ وَحُجَّتُهُ عَلَيْكُمْ.

١٦٧٧. الفتن لابن حماد: حَدَّثَنَا سَعِيدُ أَبُو عَثْمَانَ، عَنْ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ، قَالَ:

ثُمَّ يَظْهَرُ الْمَهْدِيُّ بِمَكَّةَ عِنْدَ الْعِشَاءِ، وَمَعَهُ رَايَةٌ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَقَمِيصُهُ وَسَيْفُهُ، وَعَلَامَاتُ وَنُورٌ وَبَيَانٌ، فَإِذَا صَلَّى الْعِشَاءَ نَادَى بِأَعْلَى صَوْتِهِ يَقُولُ: أَذْكَرُكُمْ اللَّهُ أَيُّهَا النَّاسُ، وَمَقَامَكُمْ بَيْنَ يَدَي رَبِّكُمْ، فَقَدْ اتَّخَذَ الْحُبَّةَ، وَبَعَثَ الْأَنْبِيَاءَ، وَأَنْزَلَ الْكِتَابَ، وَأَمَرَكُمْ أَنْ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا، وَأَنْ تُحَافِظُوا عَلَي طَاعَتِهِ وَطَاعَةِ رَسُولِهِ، وَأَنْ تُحْيُوا مَا أَحْيَا الْقُرْآنُ، وَتُمِيتُوا مَا أَمَاتَ، وَتَكُونُوا أَعْوَانًا عَلَى الْهُدَى وَوَزَرَءَ عَلَى التَّقْوَى، فَإِنَّ الدُّنْيَا قَدْ دَنَا فَنَاوُهَا وَزَوَّأَهَا، وَأَذْنَتْ بِالْوَدَاعِ، فَإِنِّي أَدْعُوكُمْ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ، وَالْعَمَلِ بِكِتَابِهِ، وَإِمَاتَةِ الْبَاطِلِ، وَإِحْيَاءِ سُنَّتِهِ، فَيَظْهَرُ فِي ثَلَاثُمِئَةٍ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةَ أَهْلِ بَدْرٍ، عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ، فَرَعَا كَفْرَ عِ الْخَرِيفِ، رُهْبَانًا بِاللَّيْلِ، أَسَدًا بِالنَّهَارِ.

می فرماید: «قائم ما با هراس افتادن [در دل دشمنانش] یاری می شود... و چون قیام کند، پشتش را به کعبه تکیه می دهد و سیصد و سیزده مرد به گرد او جمع می شوند و نخستین چیزی که سخن را با آن می آغازد، این آیه است: «باقی نهاده خداوند. برایتان بهتر است، اگر مؤمن باشید». سپس می فرماید: من باقی نهاده خداوند در زمین او و جانشین و حجت او بر شما هستم»<sup>۱</sup>.

۱۶۷۷. الفتن، ابن حمّاد - با سندش به نقل از جابر - : امام باقر علیه السلام فرمود: «سپس مهدی در مکه هنگام [نماز] عشا ظهور می کند. پرچم و پیراهن و شمشیر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به همراه نشانه‌ها و نور و بیان، با اوست و چون نماز عشا را می خواند، با بلندترین صدایش می فرماید: "ای مردم! خدا را به یاد شما می آورم و ایستادنتان را پیش روی پروردگارتان، که او حجت را برگرفته و پیامبران را روانه کرده و کتاب را فرو فرستاده و به شما فرمان داده است که هیچ چیز را شریک او نکنید و بر اطاعت او و اطاعت از فرستاده‌اش مواظبت کنید و آنچه را قرآن زنده کرده، زنده بدارید و آنچه را میرانده، بمیرانید و یاوران هدایت و پشتیبانان پرهیزگاری باشید، که فنا و زوال دنیا، نزدیک و وداعش را اطلاع داده است. من شما را به سوی خداوند و پیامبرش، عمل به کتابش، میراندن باطل و زنده کردن سنتش فرا می خوانم". و سپس همراه سیصد و سیزده مرد به تعداد جنگاوران بدر پدیدار می شود؛ کسانی که بدون قرار قبلی و مانند ابرهای پراکنده پاییزی، [یک‌باره] گرد آمده‌اند و عابدان شب و شیران روز هستند»<sup>۲</sup>.

۱. کمال الدین: ص ۳۳۰ ح ۱۶، اعلام الوری: ج ۲ ص ۲۹۱، کشف الغمّة: ج ۳ ص ۳۲۴، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۱۹۱ ح ۲۴، نیز، برای دیدن همه حدیث، ر. ک: همین دانش‌نامه: ج ۷ ص ۳۸۸ ح ۱۳۹۵.  
 ۲. الفتن: ج ۱ ص ۳۴۵ ح ۹۹۹، نیز، برای دیدن همه حدیث، ر. ک: همین دانش‌نامه: ج ۸ ص ۲۷۵ ح ۱۵۸۴.

## الفصل الثامن

### مُواجهَةُ الأعداءِ

١ / ٨

#### صَرَامَنَهُ فِي مُوَاجِهَةِ الْمُسْتَكْبِرِينَ

١٦٧٨. الكافي: الحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ، عَنِ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْوَشَاءِ، عَنِ أَحْمَدَ بْنِ عَائِدٍ، عَنِ أَبِي خَدِيجَةَ، عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الْقَائِمِ فَقَالَ:
- كُنَّا قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ، وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ حَتَّى يَجِيءَ صَاحِبُ السَّيْفِ، فَإِذَا جَاءَ صَاحِبُ السَّيْفِ جَاءَ بِأَمْرِ غَيْرِ الَّذِي كَانَ.
١٦٧٩. الكافي: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:
- إِنَّ عِنْدِي الْجَفْرَ الْأَبْيَضَ. قَالَ: قُلْتُ: فَأَيُّ شَيْءٍ فِيهِ؟

١. هناك أقوال مختلفة فيما يتعلق بالمراد من «الجفر»، لا نرى ضرورة في إيرادها (راجع: أعيان الشيعة: ج ١ ص ٩٥-٩٦، تدوين السنة الشريفة، الحسيني الجلالى: ج ١ ص ٦٢-٧٧، مكاتيب الرسول عليه السلام، الاحمدي الميانجي: ج ١ ص ٨٩، الإمامة واهل البيت، محمد بيومي مهران: ج ١ ص ٢٤٥-٢٤٨). والذي نتوصل اليه من خلال ملاحظة الروايات المختلفة والتي ذكرته باعتباره أحد مبادئ علوم أهل البيت وأوصياء نبي الله عليه السلام هو أن «الجفر» إشارة إلى صندوق من جلد يضم عددا من كتب الأنبياء السابقين وكتباً من رسول الله عليه السلام والإمام علي و فاطمة عليهما السلام وصلت إلى أهل البيت بالإرث، كما يحتوي على سلاح رسول الله عليه السلام. وبعبارة أخرى فإن «الجفر» و «الجفر الأبيض» و «الجفر الأحمر» إشارة إلى مكتبة و متحف متنقلين كانا عند أهل البيت عليهم السلام، و هما الآن عند الإمام صاحب الامر و الزمان عليه السلام.

## فصل هشتم

# رویارویی با دشمن

۱ / ۸

## قا طعیت امام علی<sup>علیه السلام</sup> در رویارویی با مستکبران

۱۶۷۸. الکافی - با سندش به نقل از ابو خدیجه - از امام صادق<sup>علیه السلام</sup> در باره قائم سؤال شد. فرمود: «همه ما، قائم به امر خداوند هستیم، یکی پس از دیگری، تا آن که صاحب شمشیر بیاید، که چون او بیاید، به گونه دیگری غیر از آنچه بوده، رفتار می کند»<sup>۱</sup>.

۱۶۷۹. الکافی - با سندش به نقل از حسین بن ابی العلاء - شنیدم که امام صادق<sup>علیه السلام</sup> می فرماید: «جَفر<sup>۲</sup> سفید، نزد من است».

۱. الکافی: ج ۱ ص ۵۳۶ ح ۲ (با سند معتبر). نیز، ر.ک: تأویل الآیات: ج ۱ ص ۴۳۲ ح ۱۳.  
۲. در باره این که «جَفر» چیست، آرای گوناگونی هست که پرداختن به آنها در این جا ضرورتی ندارد (ر.ک: أعیان الشیعة: ج ۱ ص ۹۵-۹۶، تدوین السَّنة الشریفه، جلالی حسینی: ج ۱ ص ۶۲-۷۷، مکانیب الرسول<sup>صلی الله علیه و آله</sup>، احمدی میانجی: ج ۱ ص ۸۹، الإمامة و أهل البیت، محمّد بیومی مهران: ج ۱ ص ۲۶۵-۲۶۸). آنچه از جمع بندی احادیث مختلف در باره آن به عنوان یکی از مبادی علوم اوصیای پیامبر خدا<sup>صلی الله علیه و آله</sup> به دست می آید، این است که: جَفر، اشاره به دو صندوق پوستی است که کتاب های مختلف پیامبران گذشته و کتاب هایی که از پیامبر<sup>صلی الله علیه و آله</sup> و امام علی<sup>علیه السلام</sup> و فاطمه<sup>علیها السلام</sup> به اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup> به ارث رسیده اند و نیز سلاح پیامبر خدا، در آنها نگهداری می شده اند. به دیگر سخن، «جَفر» و نیز «جَفر سفید» و «جَفر سرخ» (ر.ک: ح ۱۶۸۰، بحار الأنوار: ج ۲۶ ص ۱۸ ح ۱ و ص ۳۷ ح ۶۸ و ج ۴۷ ص ۲۶ ح ۲۶ و ج ۵۲ ص ۳۱۳ ح ۷) اشاره به کتاب خانه و موزه سیار اهل بیت است که نزد ائمه<sup>علیهم السلام</sup> دست به دست می گشته و هم اکنون نزد امام زمان<sup>علیه السلام</sup> است.

قَالَ: زَبُورُ دَاوُودَ، وَتَوْرَاةُ مُوسَى، وَإِنْجِيلُ عِيسَى، وَصُحُفُ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام، وَالْحَلَالُ وَالْحَرَامُ، وَمُصْحَفُ فَاطِمَةَ عليها السلام، مَا أَرَعُمْ أَنْ فِيهِ قُرْآنًا، وَفِيهِ مَا يَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَيْنَا وَلَا نَحْتَاجُ إِلَى أَحَدٍ، حَتَّى فِيهِ الْجِلْدَةُ، وَنِصْفُ الْجِلْدَةِ، وَرُبْعُ الْجِلْدَةِ، وَأَرْشُ الْخَدَشِ.

وَعِنْدِي الْجَفْرُ الْأَحْمَرُ. قَالَ: قُلْتُ: وَأَيُّ شَيْءٍ فِي الْجَفْرِ الْأَحْمَرِ؟

قَالَ: السَّلَاحُ، وَذَلِكَ إِنَّمَا يُفْتَحُ لِلدَّمِ، يَفْتَحُهُ صَاحِبُ السَّيْفِ لِلْقَتْلِ.

١٦٨٠. الأُصولُ السِّتَّةُ عَشْرَ: [جَعْفَرُ، عَن عَبْدِ اللَّهِ بْنِ طَلْحَةَ]، عَن أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي، فَإِنَّكُمْ إِنْ فَقَدْتُمُونِي لَمْ تَجِدُوا أَحَدًا يُحَدِّثُكُمْ مِثْلَ حَدِيثِي، حَتَّى يَقُومَ صَاحِبُ السَّيْفِ.

١٦٨١. كَمَالُ الدِّينِ: حَدَّثَنَا أَبِي، وَمُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَا: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ

جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ، عَن مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَن سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُودَ، عَن أَبِي بَصِيرٍ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ:

فِي صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ أَرْبَعُ سُنَنِ مِنْ أَرْبَعَةِ أَنْبِيَاءَ عليهم السلام: سُنَّةُ مِنْ مُوسَى، وَسُنَّةُ مِنْ عِيسَى، وَسُنَّةُ مِنْ يَوْسُفَ، وَسُنَّةُ مِنْ مُحَمَّدٍ عليه السلام؛ فَأَمَّا مِنْ مُوسَى فَخَائِفُ يَرْقَبُ، وَأَمَّا مِنْ يَوْسُفَ فَالْحَبْسُ، وَأَمَّا مِنْ عِيسَى فَيَقَالُ: إِنَّهُ مَاتَ، وَلَمْ يَمُتْ، وَأَمَّا مِنْ مُحَمَّدٍ عليه السلام فَالسَّيْفُ.

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادِ الْهَمْدَانِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَن مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَن سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُودَ، عَن أَبِي بَصِيرٍ، عَن أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام

گفتم: چه چیزی در آن است؟

فرمود: «زبور داوود، تورات موسی، انجیل عیسی، صحف ابراهیم، حلال و حرام، و مصحف فاطمه که نمی‌گویم در آن قرآن است؛ بلکه در آن، چیزهایی است که مردم را به ما نیازمند و ما را از آنها بی‌نیاز می‌کند، حتی حکم یک تازیانه زدن و نیم و یک چهارم تازیانه زدن و دیه خراشیدگی. جفر قرمز نیز نزد من است».

گفتم: چه چیزی در جفر قرمز است؟

فرمود: «سلاح و آن، تنها برای خونریزی گشوده می‌شود. صاحب شمشیر (فائم) [و نه ما] آن را برای کشتن [جباران] می‌گشاید».<sup>۱</sup>

۱۶۸۰. الأصول الستة عشر - با سندش به نقل از عبد الله بن طلحه - : امام صادق علیه السلام فرمود: «از من بپرسید، پیش از آن که مرا از دست بدهید، که اگر مرا از دست بدهید، کسی را نمی‌یابید که مانند من [بتواند] برای شما این سخنان را بگوید تا آن گاه که صاحب شمشیر، قیام کند».<sup>۲</sup>

۱۶۸۱. کمال الدین - با سندش به نقل از ابو بصیر - : شنیدم که امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «چهار سنت از چهار پیامبر در صاحب این امر (قیام) است: سنتی از موسی، سنتی از عیسی، سنتی از یوسف، سنتی از محمد صلی الله علیه و آله و سلم. از موسی، بیمناسکی و مراقبت [همیشگی در برابر دشمن]، از یوسف علیه السلام، در حصار [ناشناسی] بودن، از عیسی علیه السلام، این که گفته می‌شود: مرده است، در حالی که نمرده است، و از محمد صلی الله علیه و آله و سلم، شمشیر [و قیام مسلحانه]».<sup>۳</sup>

۱. الکافی: ج ۱ ص ۲۴۰ ح ۳ (با سند صحیح). بصائر الدرجات: ص ۱۵۰ ح ۱، بحار الأنوار: ج ۲۶ ص ۳۷ ح ۶۸.

۲. الأصول الستة عشر: ص ۲۴۲ ح ۳۰۰. نیز، ر.ک: الغيبة، نعمانی: ص ۲۴۱ ح ۳۸.

۳. کمال الدین: ص ۳۲۶ ح ۶ (با سند موثق)، الغيبة، طوسی: ص ۴۲۴ ح ۴۰۸ (با سند موثق)، الإمامة و البصرة: ص ۲۳۵ ح ۸۴، إعلام الوری: ج ۲ ص ۲۳۲، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۲۱۶ ح ۳.

بِمِثْلِ ذَلِكَ.

١٦٨٢. الغيبة للنعماني: به<sup>١</sup>، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا يُونُسُ بْنُ يَعْقُوبَ، عَنْ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ، قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَا عَلَامَةُ الْقَائِمِ؟ قَالَ: إِذَا اسْتَدَارَ الْفَلَكَ، فَقَبِلَ: مَاتَ أَوْ هَلَكَ، فِي أَيِّ وادٍ سَلَكَ!

قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، ثُمَّ يَكُونُ مَاذَا؟ قَالَ: لَا يَظْهَرُ إِلَّا بِالسَّيْفِ.

١٦٨٣. الغيبة للنعماني: أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عُقْدَةَ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ

الْحَسَنِ التَّمِيمِيُّ مِنْ كِنَانِهِ فِي صَفْرِ سَنَةِ أَرْبَعٍ وَسَبْعِينَ وَمِئَتَيْنِ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ عَامِرِ بْنِ رَبَاحِ الثَّقَفِيِّ، عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ، عَنْ بَشِيرِ النَّبَالِ؛ وَأَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ الْبَنْدَنِيجِيُّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى الْعَلَوِيِّ، عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى، عَنْ بَشِيرِ بْنِ أَبِي أَرَاكَةَ النَّبَالِ - وَلَفْظُ الْحَدِيثِ عَلَى رِوَايَةِ ابْنِ عُقْدَةَ - قَالَ:

لَمَّا قَدِمْتُ الْمَدِينَةَ انْتَهَيْتُ إِلَى مَنْزِلِ أَبِي جَعْفَرِ الْبَاقِرِ عليه السلام، فَإِذَا أَنَا بِبَغْلَتِهِ مُسْرَجَةً بِالْبَابِ، فَجَلَسْتُ حِيَالَ الدَّارِ، فَخَرَجَ فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ، فَنَزَلَ عَنِ الْبَغْلَةِ وَأَقْبَلَ نَحْوِي، فَقَالَ: مِمَّنِ الرَّجُلُ؟ فَقُلْتُ: مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ.

قَالَ: مِنْ أَيُّهَا؟ قُلْتُ: مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ. فَقَالَ: مَنْ صَحَبَكَ فِي هَذَا الطَّرِيقِ؟ قُلْتُ: قَوْمٌ مِنَ الْمُحَدِّثَةِ، فَقَالَ: وَمَا الْمُحَدِّثَةُ؟ قُلْتُ: الْمُرْجِئَةُ.

فَقَالَ: وَيْحَ هَذِهِ الْمُرْجِئَةُ<sup>٢</sup>! إِلَى مَنْ يَلْجَأُونَ عَدَا إِذَا قَامَ قَائِمُنَا؟ قُلْتُ: إِنَّهُمْ

١. أي علي بن الحسين، عن محمد بن يحيى، عن محمد بن الحسن الرازي.

٢. المرجئة: هم فرقة من فرق الإسلام يعتقدون أنه لا يضر مع الإيمان معصية، كما أنه لا ينفع مع الكفر طاعة. سموا مرجئة لاعتقادهم أن الله أرجأ تعذيبهم على المعاصي، أي أخره عنهم (النهاية: ج ٢ ص ٢٠٦ «رجا»).

۱۶۸۲. الغیبة، نعمانی - با سندش به نقل از فضل بن عمر -: به امام صادق علیه السلام گفتم: نشانهٔ قائم چیست؟

فرمود: «هنگامی که روزگار بچرخد و گفته شود: مرده یا هلاک شده و معلوم نیست که به کجا رفته است!».

گفتم: فدایت شوم! سپس چه روی می دهد؟

فرمود: «جز با شمشیر ظهور نمی کند»<sup>۱</sup>.

۱۶۸۳. الغیبة، نعمانی - با سندش به نقل از ابن عقده با سندش از بشیر بن ابی اراکه نبال -: هنگامی که به مدینه پا نهادم، به خانهٔ امام باقر علیه السلام رفتم و دیدم استرش را بر در خانه زین کرده است. رو به روی خانه نشستم تا بیرون آمد و به ایشان سلام دادم. از استر، پایین و به سویم آمد و فرمود: «اهل کجا هستی؟».

گفتم: از مردم عراق.

فرمود: «از کدام شهرش؟».

گفتم: از کوفه.

فرمود: «همسفرانت چه کسانی بودند؟».

گفتم: گروهی از محدثه.

فرمود: «محدثه کیان اند؟».

گفتم: مرجئه<sup>۲</sup>.

فرمود: «وای بر این مرجئه! فردا که قائم ما قیام کند، به چه کسی پناه می برند؟».

گفتم: آنان می گویند: اگر آن گونه که شما می گویند، باشد [و او قیام به عدل کند]،

ما و شما در عدالت او، یک سان هستیم.

۱. الغیبة، نعمانی: ص ۱۵۶ ح ۱۹، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۱۴۸ ح ۲۰.

۲. مرجئه، فرقه‌ای از مسلمانان اند که معتقدند با بودن ایمان، هیچ معصیتی زیان نمی‌رساند. همان طور که با کفر، طاعتی سود نمی‌دهد. وجه تسمیهٔ آنان نیز این است که به عقیدهٔ این گروه، خدا عذاب آنان را در برابر گناهان به تأخیر افکنده است.



يَقُولُونَ: لَوْ قَدْ كَانَ ذَلِكَ كُنَّا وَأَنْتُمْ فِي الْعَدْلِ سَوَاءً.

فَقَالَ: مَنْ تَابَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ، وَمَنْ أَسْرَ نَفَاقًا فَلَا يُبْعِدُ اللَّهُ غَيْرَهُ، وَمَنْ أَظْهَرَ شَيْئًا أَهْرَقَ اللَّهُ دَمَهُ. ثُمَّ قَالَ: يَذْبَحُهُمْ - وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ - كَمَا يَذْبَحُ الْقَضَابُ شَاتَهُ - وَأَوْمَأُ بِيَدِهِ إِلَى حَلْقِهِ -.

قُلْتُ: إِنَّهُمْ يَقُولُونَ: إِنَّهُ إِذَا كَانَ ذَلِكَ اسْتَفَامَتْ لَهُ الْأُمُورُ فَلَا يُهْرِقُ مِحْجَمَةَ دَمٍ. فَقَالَ: كَلَّا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، حَتَّى نَمْسَحَ وَأَنْتُمْ الْعَرَقَ وَالْعَلَقَ<sup>١</sup> - وَأَوْمَأُ بِيَدِهِ إِلَى جِبْهَتِهِ -.

١٦٨٤. تفسير العياشي: عَنِ عَبْدِ الْأَعْلَى الْجَبَلِيِّ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عج: ... لَا يَقْبَلُ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ الْجِزِيَّةَ كَمَا قَبِلَهَا رَسُولُ اللَّهِ ص، وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ: ﴿وَقَتْلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِئْتَةً وَيَكُونَ آلِدِينُ كَلَّةً لِلَّهِ﴾<sup>٢</sup>.

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عج: يُقَاتِلُونَ - وَاللَّهِ - حَتَّى يُوَحِّدَ اللَّهُ وَلَا يُشْرَكَ بِهِ شَيْئًا، وَحَتَّى تَخْرُجَ الْعَجُوزُ الضَّعِيفَةُ مِنَ الْمَشْرِقِ تُرِيدُ الْمَغْرِبَ وَلَا يَنْهَاهَا أَحَدٌ، وَيُخْرِجُ اللَّهُ مِنَ الْأَرْضِ بَذَرَهَا، وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ قَطْرَهَا، وَيُخْرِجُ النَّاسَ خَرَاجَهُمْ عَلَى رِقَابِهِمْ إِلَى الْمَهْدِيِّ عج، وَيُوسِّعُ اللَّهُ عَلَى شِيعَتِنَا، وَلَوْلَا<sup>٣</sup> مَا يُدْرِكُهُمْ<sup>٤</sup> مِنَ السَّعَادَةِ لَبَغَوْا، فَبَيْنَا

١. العَلَقُ: الدم الغليظ، وَمَسْحُ الْعَرَقِ وَالْعَلَقِ: كناية عن ملاقة الشدائد التي توجب سيلان العرق والجراحات المسيلة للدم (بحار الأنوار: ج ٥٢ ص ٣٥٨).

٢. الأنفال: ٣٩.

٣. في المصدر: «ولولاه»، والتصويب من بحار الأنوار.

٤. وينجز لهم (خ ل).

فرمود: «هر کس [از آنان] توبه کند، خداوند هم به او روی می آورد و هر کس ظاهرسازی و دورویی کند، خدا همو را [از رحمتش] دور می کند، و هر کس آشکارا مخالفت کند، خداوند، خونسش را می ریزد».

سپس فرمود: «سوگند به آن که جانم به دست اوست، آنها را سر می برد، همان گونه که قصاب، گوسفندش را سر می برد» و با دستش به گلویش اشاره فرمود.  
گفتم: آنان می گویند: هنگامی که قیام کند، کارها برایش درست می شود و به اندازه پیمانۀ حجامتی هم خون نمی ریزد.

فرمود: «سوگند به آن که جانم به دست اوست، هرگز چنین نیست، تا ما و شما عرقمان در آید» و به پیشانی اش اشاره کرد «و خونمان ریخته شود».<sup>۱</sup>

۱۶۸۴. تفسیر العیاشی - به نقل از عبد الأعلى جبلی - : امام باقر علیه السلام فرمود: «... صاحب این امر (قیام)، جزیه نمی پذیرد، آن گونه که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پذیرفت و این، همان سخن خداوند است: «و با آنان بجنگید تا فتنه ای نماند و دین، جملگی از آن خدا باشد»».

امام باقر علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند، می جنگند تا خدا یگانه شمرده شود و چیزی را همتای او نگیرند و تا آن جا که پیرزن ناتوان، آهنگ رفتن از شرق به غرب می کند و کسی او را باز نمی دارد و خداوند، بذره های [نهفته در] زمین را بیرون می آورد و باران آسمان را فرو می فرستد و مردم، مالیاتی را که به عهده شان است، به مهدی علیه السلام می دهند و خدا بر شیعیان ما گشایش می دهد، چندان که اگر سعادت الهی آنان را در نیابد، طغیان می کنند و در همان حال که صاحب این امر، برخی حکمها را صادر می کند و سخن از برخی سنتها می گوید، گروهی از مسجد [و پایگاه دینی] خروج می کنند و قصد شوریدن بر او دارند که او به یارانش می فرماید: "بروید و در بازارچه خرمافروشان<sup>۲</sup> به آنها برسید". آنان نیز می روند و شورشیان را به بند کشیده،

۱. النبیة، نعمانی: ص ۲۸۳ ح ۱ (با دو سند که یکی از آنها، معتبر است)، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۵۷ ح ۱۲۲.

۲. بازارچه خرمافروشان، جایی نزدیک به مسجد کوفه است.

صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ قَدْ حَكَمَ بِبَعْضِ الْأَحْكَامِ وَتَكَلَّمَ بِبَعْضِ السُّنَنِ، إِذْ خَرَجَتْ خَارِجَةً مِنَ الْمَسْجِدِ يُرِيدُونَ الْخُرُوجَ عَلَيْهِ، فَيَقُولُ لِأَصْحَابِهِ: انْطَلِقُوا فَتَلْحَقُوا بِهِمْ فِي التَّمَارِينِ، فَيَأْتُونَهُ بِهِمْ أَسْرَى لِيَأْمُرَ بِهِمْ، فَيَذَبِحُونَ، وَهِيَ آخِرُ خَارِجَةٍ تَخْرُجُ عَلَى قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام.

١٦٨٥. شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد عن الإمام علي عليه السلام: فَانْظُرُوا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ فَإِنْ لَبَدُوا فَالْبُدُوا<sup>٢</sup>، وَإِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فَانْصُرُوهُمْ، فَلْيُفَرِّجَنَّ اللَّهُ الْفِتْنَةَ بِرَجُلٍ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ. بِأَبِي ابْنِ خَيْرَةَ الْإِمَاءِ، لَا يُعْطِيهِمْ إِلَّا السَّيْفَ هَرَجاً هَرَجاً<sup>٣</sup>، مَوْضِعاً عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ حَتَّى تَقُولَ قُرَيْشٌ: لَوْ كَانَ هَذَا مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ لَرَحِمْنَا، يُغْرِيهِ اللَّهُ بِنْتِي أُمِّيَّةَ حَتَّى يَجْعَلَهُمْ حُطَاماً وَرُفَاتاً: «مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثَقِفُوا أُخِذُوا وَقَتْلُوا تَقْتِيلًا \* سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا»<sup>٤</sup>.

٢ / ٨

### صَرَامَنُهُ فِي مُوَاجِهَةِ مُنْذَخِلِي الْمَوَكَّلَاتِ وَالنَّشِيعِ لِأَهْلِ الْبَيْتِ عليهم السلام

١٦٨٦. رجال الكشي: حَمَدَوِيهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى، عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، عَنْ يَحْيَى الْحَلْبِيِّ، عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: لَوْ قَامَ قَائِمُنَا بَدَأَ بِكَذَابِي الشَّيْعَةِ فَقَتَلَهُمْ.

١. في بحار الأنوار: «فَيَلْحَقُونَهُمْ»، وهو الأنسب.

٢. البُدوا: أي الزموا الأرض واقعدوا في بيوتكم، لا تخرجوا منها فتهلكوا (النهاية: ج ٤ ص ٢٢٤ «بعد»).

٣. هَرَج: أي قتال واختلاط (النهاية: ج ٥ ص ٢٥٧ «هرج»).

٤. الأحزاب: ٦١ و ٦٢.

نزد ایشان می‌آوردند تا فرمان کشتن آنها را بدهد و این آخرین گروه شورشگر است که بر قائم خاندان محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خروج می‌کند.<sup>۱</sup>

۱۶۸۵. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید: علی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «به اهل بیت پیامبران بنگرید. اگر در خانه نشستند و قیام نکردند، شما هم قیام نکنید و اگر از شما کمک خواستند، کمک دهید، که خداوند، گره فتنه را با مردی از ما اهل بیت می‌گشاید. پدرم فدای فرزند گزیده کنیزان! جز با شمشیر و کشتار [با جباران] رفتار نمی‌کند و شمشیرش را هشت ماه بر دوش دارد، تا آن جا که قریش می‌گویند: اگر او از فرزندان فاطمه بود، به ما رحم می‌کرد. خداوند، او را بر بنی امیه چنان مسلط می‌نماید که آنها را خرد می‌کند و در هم می‌شکند: لعنت شده‌اند. هر جا یافته شوند [باید] دستگیر و به سختی کشته شوند. بنا به سنت خدا میان کسانی که پیش‌تر بوده‌اند، و در سنت خدا، هرگز دگرگونی نمی‌یابی»<sup>۲</sup>.

۲ / ۸

### فاطمیت امام عَلَيْهَا السَّلَام در رویارویی با دشمنان دروغین شیخ و محبت اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام

۱۶۸۶. رجال الکشی - با سندش به نقل از مفضل بن عمر -: شنیدم که امام صادق صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

«اگر قائم ما قیام کند، از دروغگویان شیعه می‌آغازد و آنها را می‌کشد»<sup>۳</sup>.

۱. تفسیر العیاشی: ج ۲ ص ۵۶ ح ۴۹، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۴۵ ح ۹۱. نیز، برای دیدن بخش آغازین حدیث، ر.ک: همین دانش‌نامه: ص ۶۴ ح ۱۶۷۵.
۲. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید: ج ۷ ص ۵۸؛ بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۱۲۱.
۳. رجال الکشی: ج ۲ ص ۵۸۹ ح ۵۳۳ (با سند معتبر).

١٦٨٧. تهذيب الأحكام: عنه<sup>١</sup>، عن يعقوب، عن الحسن بن علي بن فضال، عن شعيب العرقوفي، عن أبي حمزة الثمالي، قال: قال أبو عبد الله عليه السلام:

لَنْ تَبْقَى الْأَرْضُ إِلَّا فِيهَا مِنَّا عَالِمٌ يَعْرِفُ الْحَقَّ مِنَ الْبَاطِلِ.

قال: إنما جعلت التقيّة ليحقن بها الدّم، فإذا بلغت التقيّة الدّم فلا تقيّة، وإيم الله! لو دُعيتم لتنصرونا لقلتم لا نفعل إنما نتقي، ولكانت التقيّة أحبّ إليكم من آباءكم وأمهاتكم، ولو قد قام القائم عليه السلام ما احتاج إلى مسألتكم عن ذلك، ولأقام في كثير منكم من أهل التّفاق حدّ الله.

٣ / ٨

### اسْتِنْصَالُ الْفِتَنِ

١٦٨٨. الكافي: علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن عمر بن أذينة، عن محمد بن مسلم، قال: قلت لأبي جعفر عليه السلام: قول الله تعالى: ﴿وَقَتَلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ﴾<sup>٢</sup>، فقال: لم يجر تأويل هذه الآية بعد، إن رسول الله صلى الله عليه وآله رخص لهم لحاجته وحاجة أصحابه، فلو قد جاء تأويلها لم يقبل منهم، لكنهم يقتلون حتى يوحد الله تعالى، وحتى لا يكون شرك.

١٦٨٩. الفتن لابن حماد: حدّثنا أبو هارون، عن عمرو بن قيس الملائي، عن المنهال، عن زر بن حبيش: سمع علياً عليه السلام يقول:

١. أي محمد بن الحسن الصفار.

٢. الأنفال: ٣٩.

۱۶۸۷. تهذیب الأحکام - با سندش به نقل از ابو حمزه ثمالی - : امام صادق علیه السلام فرمود: «زمین باقی نمی ماند، جز آن که عالمی از ما در آن هست که حق را از باطل باز می شناسد. تقیه برای این وضع شد که خون، حفظ شود. پس چون تقیه به خونریزی بینجامد، دیگر روا نیست، و به خدا سوگند، اگر دعوت می شدید تا ما را یاری دهید، می گفتید: "ما کاری نمی کنیم. ما تقیه می کنیم". و تقیه از پدران و مادرانتان برایتان محبوب تر بود و اگر قائم قیام کند، به درخواست یاری از شما نیاز ندارد و حدّ الهی را بر بسیاری از منافقان شما جاری می کند»<sup>۱</sup>.

۳ / ۸

## برافکندن فتنه از پنج بون

۱۶۸۸. الکافی - با سندش به نقل از محمد بن مسلم - : به امام باقر علیه السلام گفتم : سخن خدای تعالی : ﴿با آنان بجنگید تا فتنه ای نماند و دین، جملگی از آن خداوند باشد﴾ چه معنایی دارد؟ فرمود: «تأویل این آیه هنوز نیامده است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله اجازه [ی جنگیدن] به یارانش داد؛ زیرا خود و آنها به آن نیاز داشتند و اگر تأویل آن فرارسیده بود، از آنها نمی پذیرفت [که نجنگند]؛ اما آنان (دشمنان خونخوار مهدی علیه السلام) کشته می شوند تا خداوند، یکتا شمرده شود و شرکی در میان نباشد»<sup>۲</sup>.

۱۶۸۹. الفتن، ابن حمّاد - به نقل از زر بن حبیش - : شنید [م] علی علیه السلام می فرماید: «خداوند، گره فتنه ها را با مردی از ما می گشاید که فتنه گران را خوار می دارد و جز با زبان

۱. تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۱۷۲ ح ۳۳۵ (با سند موثق).

۲. الکافی: ج ۸ ص ۲۰۱ ح ۲۴۳ (با سند حسن مثل صحیح). بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۷۸ ح ۱۸۱.

يُفَرِّجُ اللَّهُ الْفِتْنََ بِرَجُلٍ مِّنَّا يَسُومُهُمْ خَسْفًا، لَا يُعْطِيهِم إِلَّا السَّيْفَ، يَضَعُ السَّيْفَ  
عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ هَرَجًا، حَتَّى يَقُولُوا: وَاللَّهِ، مَا هَذَا مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ، لَوْ كَانَ  
مِنْ وُلْدِهَا لَرَحِمْنَا! يُغْرِبِهِ اللَّهُ بِبَنِي الْعَبَّاسِ وَبَنِي أُمَيَّةَ.

شمشیر با آنان سخن نمی‌گوید، شمشیر را هشت ماه بر دوشش می‌نهد و آنان را می‌کشد، تا آن جا که می‌گویند: به خدا سوگند، این از فرزندان فاطمه نیست. اگر از فرزندان او بود، به ما رحم می‌کرد! خداوند، او را بر ضدّ عباسیان و امویان بر می‌انگیزد»<sup>۱</sup>.



## تحلیلی بر احادیث کشتار در قیام امام مهدی علیه السلام<sup>۱</sup>

تبیین‌های سست و شبهه‌افکنی‌های مغرضانه علیه اصل امامت و به دنبال آن، قیام امام مهدی علیه السلام، در ذهن مخاطبان ناآگاه، چهره‌ای دهشتناک از آن، ترسیم و باورهای ناستواری را در باره اهداف و عملکرد امام نزد آنان شیوع داده است.<sup>۲</sup> از جمله آنها می‌توان به افراط برخی تحلیل‌گران در توصیف شدت و رحمت عملکرد امام مهدی علیه السلام با مخالفان در متون شیعی اشاره کرد. در بخشی از این متون، قیام مهدوی از نگاه برخی از نحله‌ها، چنان مسالمت‌آمیز توصیف شده که خونی در آن ریخته نخواهد شد.<sup>۳</sup> در برخی دیگر، شدت تعامل امام مهدی علیه السلام چنان تصویر شده که در مظهر رحمت بودن و نسبت ایشان با خاندان وحی، تردید خواهد شد<sup>۴</sup> یا همواره وی را همراه با شمشیر توصیف کرده‌اند.<sup>۵</sup>

با تکیه بر متون حدیثی نوع اخیر، وقوع کشتارهای انسانی، یکی از ویژگی‌های

۱. به قلم پژوهشگر ارجمند، حجة الاسلام والمسلمین علی راد.

۲. ر.ک: الزهر و الحجر التمرّد الشیعی فی الیمن، عادل الأحمدي، ص: ۱۵-۵۳.

۳. ابن پندار، به مرجعه نسبت داده شده که در باره چگونگی قیام مهدی، چنین اعتقاد داشتند: «إِنَّهُ إِذَا كَانَ ذَلِكَ اسْتَقَامَت لَه الْأُمُورُ فَلَا يُهْرَقُ مِحْجَمَةً دَمٍ» (ر.ک: ص ۸۲ ح ۱۶۸۳).

۴. حَتَّى تَقُولَ قُرَيْشٌ: لَوْ كَانَ هَذَا مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ لَرَجَمْنَا (ر.ک: ص ۸۶ ح ۱۶۸۵).

۵. ر.ک: بخش پایانی همین مقاله، احادیث دسته اول (همراهی با شمشیر).

قیام امام مهدی علیه السلام، پیش بینی و تصویری خشونت‌گرا از ظهور ایشان ادعا شده است که با الزام سیاسی و راهبرد نظامی، سعی در سلطه یافتن بر مخالفان خود دارد.<sup>۱</sup> مسئله اصلی در این پژوهش، بررسی و تحلیل این گونه متون حدیثی است. ضروری است که پیش از ورود به ارزیابی سندی و محتوایی این احادیث، به نکات ذیل به عنوان مبانی بحث، توجه داشته باشیم:

### الف - حکمت تأخیر در قیام امام مهدی علیه السلام

در ارتباط با فرآیند پدیداری قیام مهدوی باید به دو عنصر مهم و مؤثر در آن توجه داشت که بدون لحاظ هر یک، هر گونه تحلیلی، ناتمام خواهد بود:

یک. گستره وسیع انسانی و جغرافیایی. دامنه قیام امام مهدی علیه السلام، تمام مرزهای جغرافیایی کره زمین و همگی اقوام و ملل انسانی را شامل می‌شود. این گستردگی در قلمروی انسانی و جغرافیایی در چگونگی پیشبرد قیام، تأثیر جدی دارد و ضروری می‌سازد تا با پیش‌بینی‌های لازم و تمهید همه‌جانبه لوازم، قیام به گونه‌ای انجام پذیرد که به سلب اختیار از افراد انسانی نینجامد و پذیرش آن اجباری نبوده، از روی آگاهی و اختیار باشد.

دو. وجود زمینه فرهنگی و سیاسی. تحقق اهداف قیام امام مهدی علیه السلام در قلمرو انسانی و جغرافیایی آن، منوط به آگاهی پیشین مردمان از راهبردهای فرهنگی و سیاسی آن است و این، جز با آمادگی فکری و وجود زمینه‌های معرفتی در مخاطبان در باره این قیام، میسر نخواهد بود و بر فرض وقوع قیام، در تحقق اهداف، با دشواری‌ها و چالش‌های زیادی از جمله اجبار و کشتار فراوان رو به رو خواهد شد؛ زیرا بدون زمینه فرهنگی و سیاسی، بسیاری از مذاهب و مکاتب، به خاطر حفظ

۱. ر.ک: افعال المهدی الشنیعة، مجدی محمود المکی، فصل "کثرة سفکه للدماء"، ص ۲۵-۵۲.

موقعیت خود، با آن مخالفت خواهند کرد.

برای ردّ فرضیهٔ اخیر، افزون بر تعارض آن با فطرت و عقل، می‌توان به سیرهٔ امامان علیهم‌السلام استناد نمود که در صورت درستی فرضیهٔ یاد شده، امامان پیشین نیز می‌توانستند بدون توجه به زمینه‌های فرهنگی و سیاسی جامعهٔ اسلامی، با بهره‌گیری از اعجاز یا کشتار فراوان، مخالفان حکومت اهل بیت را تحقق بخشند. امام علی علیه‌السلام در خطاب به اهل کوفه، به این نکته به عنوان یکی از اصول راهبردی ائمه علیهم‌السلام اشاره دارد که هیچ‌گاه، امام معصوم برای اصلاح دیگران، مرتکب فساد نمی‌شود. امام علیه‌السلام تصریح می‌نماید که با علم به این که راه اصلاح کوفیان، تنها شمشیر است، به خاطر مستلزم بودن آن با فساد در شخص امام، بدان اقدام نمی‌کند:

إِنِّي لَعَالِمٌ بِمَا يُصْلِحُكُمْ وَ يُصْلِحُ أَوْ ذَكُمَ وَ لَكِنِّي لَا أُرَى إِصْلَاحَكُمْ بِإِفْسَادِ نَفْسِي.<sup>۱</sup>

به خدا سوگند که دانایم به چیزی که شما را رام می‌گرداند و کجی‌تان را راست می‌کند؛ لیکن نمی‌خواهم با رام کردن شما، خود را تباه سازم.

امام علی علیه‌السلام با این بیان، راهبرد امامت را در اصلاح دینی، کاملاً متمایز با کشتار و استبداد معرفی نموده است. از این رو، می‌توان اصلی‌ترین حکمت تأخیر در قیام مهدوی را فراهم نشدن زمینهٔ فرهنگی در سطح جهانی برای تحقق آن دانست.<sup>۲</sup> به سخن دیگر، مهم‌ترین عامل مؤثر انسانی در رخداد این قیام، آمادگی فکری و وحدت نگرش در بارهٔ مدیریت جهان از سوی انسان کامل است و تا زمانی که این محقق نگردد، قیام، به تأخیر خواهد افتاد و یا رخ نخواهد داد.

قرآن در آیهٔ زیر به اصل «ارادهٔ تغییرپذیری از سوی انسان» به عنوان یکی از سنت‌های الهی در تحولات فردی و اجتماعی اشاره دارد:

﴿لَهُ مَعْقِبَاتٌ مِّن بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ

۱. دانش‌نامهٔ امیرالمؤمنین علیه‌السلام: ج ۷ ص ۴۲ (اصلاح شما با خراب کردن خودم؟ هرگز!).

۲. ر.ک: ج ۳ ص ۱۷۴ (بخش سوم / فصل دوم / تبیین حکمت غیبت).

حَتَّى يُعْزِرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءَ فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ  
مِنْ وَالٍ<sup>۱</sup>.

او فرشتگانی دارد که پی در پی، او را به فرمان خدا از پیش رو و از پشت سرش پاسداری می‌کنند. در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا این که آنان حال خود را تغییر دهند. و چون خدا برای قومی آسیبی بخواهد، هیچ برگشتی برای آن نیست و غیر از او حمایتگری برای آنان نخواهد بود<sup>۲</sup>.

قیام امام مهدی علیه السلام نیز از مصادیق تامّ این تغییر است و در چارچوب سنت‌های الهی رخ خواهد داد. طبعاً با آماده شدن توده‌های مردم جهت پذیرش حکومت مهدوی، تنها سران استکبار و معاندان حواری که طعم مجازات و شمشیر امام علیه السلام را خواهند چشید.

### ب - شدت، معیار قرآنی در رفتار با مخالفان

ممکن است ظاهر احادیث مورد بحث، نوعی خشونت‌گرایی و تعاملی فاقد مهرورزی را برای امام مهدی علیه السلام تصویر کنند که با فلسفه امامت و رسالت هدایتگری امام، چندان قابل جمع به نظر نیاید و پذیرش مفهوم ظاهری آنها، تردید در صحت صدور این روایات را به دنبال داشته باشد. پرسش، این است که: بر فرض صحت صدور و سندی این متون، مفاد این گزاره‌ها مبتنی بر چه اصل اسلامی صادر شده است؟ بهترین منبع برای پاسخ دادن به این پرسش، آموزه‌های قرآنی اند که اساس سیره نبوی اند.

در آموزه‌های قرآنی، بر دو قاعده رفتاری در تعاملات انسانی، تأکید گردیده است. بر اساس قاعده اول، اختصاص کرامت الهی به انسان<sup>۲</sup> از میان موجودات

۱. رعد: آیه ۱۱.

۲. ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَخَلَقْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾ و

زمینی<sup>۱</sup>، اقتضا می‌کند که اصل اولیه در رفتار با وی رحمت و احترام باشد. فطرت انسانی نیز ضرورت این اصل رفتاری را تأیید می‌کند، چنان که به پیامبران، همواره توصیه شده است که با مخاطبان خود، کریمانه و از روی رأفت برخورد کنند.<sup>۲</sup> رفتارهای فاقد ویژگی رحمت، معلول واکنش منفی فرد در مقابل اراده الهی یا زیاده‌خواهی و زورگویی او در مقابل دیگران است که شرع و عقل، جواز چنین واکنشی را صادر نموده و در حقیقت، جنبه تقابلی با رفتار این گونه افراد دارد.

قاعده دوم بر تعامل متناسب با نگرش و عملکرد فرد در مناسبات اجتماعی تأکید دارد و خداوند در تعیین نوع تعامل پیامبران با افراد جامعه بدان استناد جسته است.

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾.<sup>۳</sup>

محمد، پیامبر خداست، و کسانی که با اویند، بر کافران، سختگیر [و] با همدیگر مهربان اند.

این آیه، بدون مردود اعلام کردن تضادهای نگرشی در جامعه دینی، به ارائه معیار و ضابطه در تعامل با مؤمنان و کافران پرداخته است که در رسالت نبوی به

به راستی، ما فرزندان آدم را گرمی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها] بر نشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم، و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم ﴿(اسرا: آیه ۷۰). نیز، برای دیدن وجوه تکریم انسان در این آیه، ر.ک: البرهان فی تفسیر القرآن: ج ۳ ص ۵۵۰؛ تفسیر نور الشقلین: ج ۳ ص ۱۸۷؛ الدر المنثور: ج ۵ ص ۳۱۵.

۱. التحریر و التئور، ابن عاشور: ج ۱۴ ص ۱۳۱.

۲. «فَقَوْلَانَهُ قَوْلَانِنَا لَعَلَّهُ يَنْذَكُرُ أَوْ يَخْشَى؛ با او سخنی نرم گویند. شاید که پند پذیرد یا بترسد» (طه: آیه ۴۴) و «فِيمَا رَحِمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِزْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ؛ پس به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرم خو [و پرمهر] شدی، و اگر تندخو و سخت‌دل بودی، قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند. پس، از آنان در گذر و برایشان آموزش بخواه، و در کار [ها] با آنان مشورت کن، و چون تصمیم گرفتی، بر خدا توکل کن، زیرا خداوند، توکل‌کنندگان را دوست می‌دارد» (آل عمران: آیه ۱۵۹).

۳. فتح: آیه ۲۸.

عنوان قاعده بنیادی، نقش جدی دارد.<sup>۱</sup> مؤمنان با کافران، با شدت و غلظت برخورد می‌کنند<sup>۲</sup> و آتشی سخت و سوزان، و سدّی محکم و پولادین در مقابل دشمنان می‌سازند؛<sup>۳</sup> ولی به همدیگر مهرورزی می‌کنند و از روی رحمت با یکدیگر تعامل می‌کنند و همواره همدیگر را دوست دارند.<sup>۴</sup> این نوع تعامل، سیره و عملکرد ثابت آنان است و شدت و غلظت آنان با کافران، موجب برخورد تند آنان با یکدیگر نیست. از این رو آیه برای دفع این توهم به دنبال آن شدت از رفتار توأم با رحمت مؤمنان با یکدیگر خبر داده است.<sup>۵</sup>

برخی از مفسران آیه: «أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ»<sup>۶</sup> [اینان] با مؤمنان، فروتن. [و] بر کافران، سرفرازند). را نظیر آیه: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ؛ مُحَمَّدٌ پیامبر خداست و کسانی که با اویند، بر کافران سخت‌گیر و میان خود مهربان‌اند» دانسته‌اند.<sup>۷</sup>

دلیل این شدت رفتار مؤمنان، به التزام آنان به ایمان و لوازم آن از جمله دفاع از ایمان در مقابل کفر، بر می‌گردد که با آنچه موجب تقویت کفر و تضعیف ایمان می‌گردد، به شدت برخورد می‌کنند. البته و این تقابل، در عرصه دعوت نیست؛ بلکه در هنگام درگیری و چالش، ظهور پیدا می‌کند.<sup>۸</sup> در اندیشه شیعی، قرآن و سیره نبوی، اساس نامه قیام امام مهدی علیه السلام اند و در احادیث نیز بدانها تأکید شده است.<sup>۹</sup> از

۱. تفسیر من وحی القرآن، محمد حسین فضل الله: ج ۲۱ ص ۱۲۷.

۲. التفسیر الکبیر، مقاتل بن سلیمان: ج ۴ ص ۷۸، تفسیر الطبری: ج ۱۳ ص ۱۰۹.

۳. تفسیر نمونه: ج ۲۲ ص ۱۱۳.

۴. التفسیر الکبیر، مقاتل بن سلیمان: ج ۴ ص ۷۸، التبیان فی تفسیر القرآن، طوسی: ج ۹ ص ۳۳۶.

۵. المیزان: ج ۱۸ ص ۲۹۹.

۶. مانده: آیه ۵۴.

۷. مجمع البیان: ج ۹ ص ۱۹۲.

۸. تفسیر من وحی القرآن: ج ۲۱ ص ۱۲۸.

۹. امام باقر علیه السلام فرمود: «إِذَا قَامَ سَازِ بَسِيْرَةَ رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَّا أَنَّهُ يُبَيِّنُ أَمَارَ مُحَمَّدٍ؛ چون قیام کند، همچون پیامبر خدا رفتار خواهد کرد، بجز آن که آثار محمد را بیان می‌کند» (الغیبة، نعمانی: ص ۱۶۴ ح ۵).

این رو، ظاهر احادیث یاد شده، عمومیت (فراگیری مطلق) ندارند و شدت یاد شده در تعامل مهدوی، در آنها به جریان معاندان و سران استکبار، اختصاص دارد. اینک در ادامه به نقد و بررسی احادیث کشتار در قیام امام مهدی علیه السلام می‌پردازیم.

### ۱. فضاشناسی صدور احادیث کشتار در قیام امام مهدی علیه السلام

توجه به گوینده و مخاطب، شرایط فرهنگی و سیاسی زمان صدور یا معیارها و زمینه‌های صدور احادیث مورد بحث، می‌توانند به فهم دقیق مقصود گویندگان حدیث کمک کنند. حدیث پژوهان در گفتار اسباب صدور حدیث، به نقش جدی «آگاهی فهمنده» از ملاسبات متن در فقه الحدیث تأکید و عدم توجه به آن را به عنوان یکی از قرینه‌های غیر کلامی از آسیب‌های فهم می‌دانند.<sup>۱</sup>

از لحاظ تاریخی، احادیث یاد شده به ترتیب از امام علی علیه السلام، امام باقر علیه السلام و صادق علیه السلام صادر شده‌اند. از لحاظ فراوانی نیز از امام علی علیه السلام، تنها یک حدیث یافت شد؛ لیکن احادیث امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام در مقایسه با احادیث دیگر، بیشترین فراوانی را دارند و نوع آنها پرسمانی و گفتمانی است. احادیث پرسمانی، در پاسخ پرسشی بوده‌اند که از امامان علیهم السلام در موضوع قیام امام مهدی علیه السلام، به عمل آمده و ایشان بدان پاسخ داده‌اند.

احادیث گفتمانی نیز از باب تبیین درست عقاید مذهب و تقویت گفتمان مهدویت در جامعه شیعی و اسلامی و اصلاح نگره‌های ناصواب، از امامان علیهم السلام صادر شده‌اند.

دوران امامت امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام و به طور خاص، بازه زمانی انتقال حکومت از بنی امیه به بنی عباس، از یک سو، فرصت مناسبی برای این دو امام،

۱. اللع فی أسباب ورود الحدیث، سیوطی، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۴ ق. اَوَّلُ البیان و التعریف فی أسباب ورود الحدیث الشریف، ابن حمزة دمشقی، بیروت: المکتبة العلمیة، ۱۴۰۲ ق.

پدید آورد تا معارف قرآنی و حدیثی را تبیین و ترویج نمایند که از جمله آنها مسئله مهدویت بوده است. از دیگر سو، این دوره بنا بر شرایط خاص فرهنگی و کلامی آن، همزمان با ظهور فرقه‌هایی چون غالیه و واقفه است که در اثر کج‌فهمی و کج‌نگری‌های خود، چهرهٔ برخی از معارف اسلامی از جمله آموزهٔ مهدویت را تیره‌ناک کرده بودند و در گزاره‌های نقلی آن، دست یازیده بودند. در مقابل، امامان علیهم السلام ضمن نقد این جریان‌ها به تبیین آموزهٔ اصیل ظهور مهدوی پرداختند. از این رو، احادیث مورد بحث می‌توانند نوعی اصلاح‌نگره‌ها و پندارهای ناصواب در باب مهدویت نیز تلقی گردند که فرقه‌هایی آن را به نفع خود، تغییر داده و یا مصادره کرده بودند که در برخی از احادیث نیز (همانند تردید در عدم تسامح امام مهدی علیه السلام و شبههٔ ترحم وی در صورت فاطمی بودنش)،<sup>۱</sup> بخشی از آن، انعکاس یافته است. از این رو، فضای کلی حاکم بر صدور احادیث مورد بحث، یک فضای خاص تاریخی و فرهنگی است که باید در تحلیل و تبیین آنها، مد نظر قرار بگیرد. در تک حدیث امام علی علیه السلام نیز هر چند مخاطب اصلی، طیف فکری و سیاسی بنی امیه است، لیکن می‌توان آن را از باب مصداق تاریخی عهد امام علیه السلام توجیه کرد و ضمن الغای خصوصیت تاریخی بنی امیه، مواجههٔ امام مهدی علیه السلام را با هر جریان مشابه بنی امیه، از همین نوع دانست.

## ۲. ارزیابی احادیث کشتار در قیام امام مهدی علیه السلام

در یک طبقه‌بندی کلی، احادیث مربوط به کشتار در قیام امام مهدی علیه السلام را می‌توان به سه دسته «جنگ»، «گردن زدن مخالفان» و «عدم ترحم» تقسیم کرد که البته میزان دلالت آنها بر کشتار در قیام مهدوی، متفاوت است.

۱. «... لا يُعطيهم إلا السيفَ هَرَجاً هَرَجاً. مَوْضوعاً عَلَيَّ عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ حَتَّى تَقُولَ قُرَيْشٌ: لَوْ كَانَ هَذَا مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ لَرَجِمْنَا» (ر. ک: ص ۸۶ ح ۱۶۸۵).



## دسته اول: جنگ با فتنه گران

در این دسته از احادیث، به نبرد مسلحانه امام مهدی علیه السلام اشاره شده است که در راستای تحقق اسلام و زدودن شرک و مظاهر آن انجام خواهد پذیرفت. این احادیث، به دو گونه «همراهی با شمشیر» و «نبرد مسلحانه» تقسیم می‌شود.

### ۱. همراهی با شمشیر

در شماری از احادیث، امام مهدی علیه السلام شخصیتی نظامی با تعبیر «شمشیر به دوش» معرفی شده است. تعبیر «صاحب السیف»، تعبیر مشترک این دسته از احادیث در بیان همراهی امام علیه السلام با شمشیر است. شمار این احادیث در مقایسه با گونه‌های دیگر این احادیث، از یک فراوانی برخوردار است. احادیث، بیشتر از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام اند و نوع آنها پرسمانی و گفتمانی است که هم از آنان پرسش شده و هم ایشان بر عنوان «صاحب سیف» برای امام مهدی علیه السلام تأکید داشته‌اند، به گونه‌ای که چنین به نظر می‌آید این دو امام، تلاش داشته‌اند که عنوان «صاحب سیف» را جزء القاب اختصاصی امام مهدی علیه السلام قلمداد نمایند. این دسته، خود به شش نوع ذیل، قابل تقسیم است:

#### ۱/۱. صاحب سیف

در حدیثی، امام صادق علیه السلام به یک تفاوت امام مهدی علیه السلام با دیگر امامان اشاره دارند. هر چند همه امامان، قائم به امر الهی هستند، ولی دارنده شمشیر (صاحب سیف) از میان آنان، تنها امام مهدی علیه السلام است. حدیث، چنین است که امام صادق علیه السلام در پاسخ سؤال از «قائم» فرمود:

كُنَّا قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ، وَاجِدُ بَعْدَ وَاجِدٍ حَتَّىٰ يَجِيءَ صَاحِبُ السَّيْفِ، فَإِذَا جَاءَ صَاحِبُ السَّيْفِ جَاءَ بِأَمْرِ غَيْرِ الَّذِي كَانَ. <sup>۱</sup>

همه ما، قائم به امر خداوند هستیم، یکی پس از دیگری، تا آن که صاحب شمشیر بیاید. چون او بیاید، به گونه دیگری غیر از آنچه بوده، رفتار می کند.

### ۲/۱. شمشیر، میراثی از محمد صلی الله علیه و آله

در حدیثی، شخصیت امام مهدی علیه السلام جامع اوصاف خاصّ برخی از انبیای پیشین دانسته شده است. مطابق این حدیث، شخصیت امام مهدی علیه السلام با گزاره هایی چون: ترس و نگرانی موسی علیه السلام، زندانی شدن یوسف علیه السلام، مرگ نمایی عیسی علیه السلام و شمشیر محمد صلی الله علیه و آله توصیف شده است. ابو بصیر نقل می کند که امام باقر علیه السلام فرمود:

فِي صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ أَرْبَعُ سُنَنِ مِنْ أَرْبَعَةِ أَنْبِيَاءَ عليهم السلام: سُنَّةُ مِنْ مُوسَى، وَ سُنَّةُ مِنْ عِيسَى، وَ سُنَّةُ مِنْ يُوسُفَ، وَ سُنَّةُ مِنْ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله؛ فَأَمَّا مِنْ مُوسَى فَخَائِفٌ يَتَرَقَّبُ، وَ أَمَّا مِنْ يُوسُفَ فَالْحَيْسُ، وَ أَمَّا مِنْ عِيسَى فَيُقَالُ: إِنَّهُ مَاتَ، وَ لَمْ يَمُتْ، وَ أَمَّا مِنْ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله فَالسَّيْفُ.<sup>۱</sup>

از چهار پیامبر، در صاحب این امر (قیام) است: سنتی از موسی، سنتی از عیسی، سنتی از یوسف، سنتی از محمد صلی الله علیه و آله. از موسی، بیمناکی و مراقبت [همیشگی در برابر دشمن] است و از یوسف علیه السلام، در حصار [ناشناس] بودن و از عیسی علیه السلام، این که گفته می شود: مرده است، در حالی که نمرده است، و از محمد صلی الله علیه و آله، شمشیر [و قیام مسلحانه].

### ۳/۱. شمشیر، از نشانه های ظهور

ظهور با شمشیر، یکی از نشانه های حتمی قیام امام مهدی علیه السلام است. مفضل بن عمر چنین نقل کرده است که:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَا عَلَامَةُ الْقَائِمِ؟ قَالَ: إِذَا اسْتَدَارَ الْفَلَكَ، فَقِيلَ: مَاتَ أَوْ هَلَكَ، فِي أَيِّ وَادٍ سَلَكَ! قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، ثُمَّ يَكُونُ مَاذَا؟ قَالَ: لَا يَظْهَرُ

### إِلَّا بِالسَّيْفِ<sup>۱</sup>.

به امام صادق علیه السلام گفتم: نشانه قائم چیست؟ فرمود: «هنگامی که روزگار بچرخد و گفته شود: مرده یا هلاک شده و معلوم نیست که به کجا رفته است». گفتم: فدایت شوم! سپس چه روی می‌دهد؟ فرمود: «جز با شمشیر، ظهور نمی‌کند».

افزون بر نشانه ظهور با شمشیر، به دلالت التزامی، مفهوم «صاحب سیف» نیز در این حدیث برای امام مهدی علیه السلام تضمین شده است.

### ۴/۱. هشت ماه با شمشیر

یکی از نکات جالبی که در احادیث بیان شده، مدت زمانی است که امام مهدی علیه السلام شمشیر را با خود همراه خواهد داشت. در حدیثی از امام علی علیه السلام، این مدت، هشت ماه تعیین شده است که شمشیر بر دوش نهاده، با دشمنان خود خواهد جنگید:

بِأَبِي ابْنِ خَيْرَةَ الْإِمَاءِ ، لَا يُعْطِيهِمْ إِلَّا السَّيْفَ هَرَجًا هَرَجًا ، مَوْضِعًا عَلَيَّ عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ<sup>۲</sup>.

پدرم فدای فرزند گزیده کنیزان! جز با شمشیر و کشتار، [با جباران] رفتار نمی‌کند و شمشیرش را هشت ماه بر دوش دارد.

### ۵/۱. صاحب سیف، میراث‌دار سنت

صاحب سیف، میراث‌دار احادیث معصومان است و کسی به سان وی، دانش نقل حدیث ایشان را ندارد. امام صادق علیه السلام در برخی از احادیث، به مرجعیت و آگاهی امام مهدی علیه السلام از احادیث اهل بیت علیهم السلام به عنوان تنها فرد مطلع از احادیث، اشاره و تأکید نموده است که در صورت عدم پرسش از ایشان، فردی دیگر تا قیام صاحب سیف را نخواهید یافت که احادیث وی را نقل کند. امام صادق علیه السلام در حدیثی

۱. ر.ک: ص ۸۲ ح ۱۶۸۲.

۲. ر.ک: ص ۸۶ ح ۱۶۸۵ (شرح نهج البلاغة).

می فرماید:

سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي ، فَإِنَّكُمْ إِنْ فَقَدْتُمُونِي لَمْ تَجِدُوا أَحَدًا يُحَدِّثُكُمْ مِثْلَ حَدِيثِي ، حَتَّى يَقُومَ صَاحِبُ السَّيْفِ .<sup>۱</sup>

از من بپرسید، پیش از آن که مرا از دست بدهید؛ چرا که اگر مرا از دست بدهید، کسی رانمی یابید که مانند من [بتواند] برای شما این سخنان را بگوید تا آن گاه که صاحب شمشیر قیام کند.

با توجه به قرائن درون متنی چون قیام به شمشیر و قرائن برون متنی از جمله احادیث هم مضمون دیگر، مقصود از صاحب سیف در این حدیث، همان شخص امام مهدی علیه السلام است.

#### ۶/۱. جفر سرخ، معیار داوری صاحب سیف

اقدام های دفاعی و نظامی امام مهدی علیه السلام، مطابق احکام اسلامی اند؛ زیرا ایشان برای داوری در باره احکام مربوط به قتل و جرح، از تعبیر «جفر احمر» به عنوان منبع قضاوت خویش بهره خواهد برد.

حسین بن ابی العلاء می گوید:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: إِنَّ عِنْدِي الْجَفْرَ الْأَبْيَضَ ... قَالَ: قُلْتُ: وَ أَيْ شَيْءٍ فِي الْجَفْرِ الْأَحْمَرِ؟ قَالَ: السَّلَاحُ، وَ ذَلِكَ إِنَّمَا يُفْتَحُ لِلدَّمِ، يَفْتَحُهُ صَاحِبُ السَّيْفِ لِيُقْتَلَ .<sup>۲</sup>

شنیدم که امام صادق علیه السلام می فرماید: «جفر سفید، نزد من است... و جفر قرمز نیز نزد من است». گفتم: چه چیزی در جفر قرمز است؟ فرمود: «سلاح و آن، تنها برای خونریزی گشوده می شود. صاحب شمشیر (قائم علیه السلام) آن را برای کشتن [جباران] می گشاید».

۱. ر.ک: ص ۸۰ ح ۱۶۸۰.

۲. ر.ک: ص ۷۸ ح ۱۶۷۹.

در حدیثی دیگر، رُفید، وابسته ابو هُبیره<sup>۱</sup> می‌گوید:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ! يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! يَسِيرُ الْقَائِمُ بِسِيرَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فِي أَهْلِ السَّوَادِ فَقَالَ: لَا يَا رُفَيْدُ إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ سَارَ فِي أَهْلِ السَّوَادِ بِمَا فِي الْجَفْرِ الْأَبْيَضِ وَإِنَّ الْقَائِمَ يَسِيرُ فِي الْعَرَبِ بِمَا فِي الْجَفْرِ الْأَحْمَرِ قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ مَا الْجَفْرُ الْأَحْمَرُ قَالَ: فَأَمَرَ إِصْبَعَهُ إِلَى خَلْقِهِ فَقَالَ هَكَذَا يَعْنِي الذَّبْحُ ثُمَّ قَالَ: يَا رُفَيْدُ إِنَّ لِكُلِّ أَهْلِ بَيْتٍ مُجِيباً شَاهِداً عَلَيْهِمْ شَافِعاً لِمِثْلِهِمْ<sup>۲</sup>.  
به امام صادق علیه السلام گفتم: ای پسر پیامبر خدا! قربانت گردم! آیا قائم به روش علی بن ابی طالب علیه السلام در میان اهل عراق رفتار می‌کند؟ فرمود: «ای رفیدا! علی بن ابی طالب علیه السلام مطابق آنچه در جفر سفید بود، عمل می‌نمود؛ ولی قائم در میان عرب، طبق آنچه در جفر سرخ است، عمل می‌نماید». گفتم: قربانت گردم! جفر سرخ چیست؟ ایشان انگشت خود را به دهان خود کشید؛ یعنی با خونریزی و کشتن دشمنان دین خدا، حکومت خواهد کرد. سپس فرمود: «ای رفیدا! هر خانواده‌ای، نجیبی دارد که شاهد بر آنهاست و برای امثال آنها شفاعت می‌کند».

در حدیثی دیگر، رُفید می‌گوید:

قَالَ لِي يَا رُفَيْدُ كَيْفَ أَنْتَ إِذَا رَأَيْتَ أَصْحَابَ الْقَائِمِ قَدْ ضَرَبُوا فِئَاطِطَهُمْ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ ثُمَّ أَخْرَجَ الْمِثَالِ الْجَدِيدَ عَلَى الْعَرَبِ الشَّدِيدِ؟ قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا هُوَ؟ قَالَ: الذَّبْحُ. قَالَ: قُلْتُ: بِأَيِّ شَيْءٍ يَسِيرُ فِيهِمْ بِمَا سَارَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ فِي أَهْلِ السَّوَادِ قَالَ: لَا يَا رُفَيْدُ إِنَّ عَلِيّاً عليه السلام سَارَ بِمَا فِي الْجَفْرِ الْأَبْيَضِ وَ هُوَ الْكُفَّ وَ هُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ سَيَظْهَرُ عَلَى شِيعَتِهِ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَنَّ الْقَائِمَ يَسِيرُ بِمَا فِي الْجَفْرِ الْأَحْمَرِ وَ هُوَ الذَّبْحُ وَ هُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَظْهَرُ عَلَى شِيعَتِهِ<sup>۳</sup>.

امام صادق علیه السلام به من فرمود: ای رفیدا! چگونه خواهی بود هنگامی که ببینی باران

۱. صحیح، «ابن هبیره» است.

۲. بصائر الدرجات: ص ۱۵۲ ح ۴.

۳. بصائر الدرجات: ص ۱۵۵ ح ۱۳، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۱۸ ح ۱۸.

قائم، خیمه‌هایشان را در مسجد کوفه به پا کرده‌اند و سپس مثال جدید را که بر عرب گران است، بیرون آورده است؟». پرسیدم: فدایت شوم! مثال جدید چیست؟ فرمود: «کشتن». پرسیدم: قائم عج در میان آنها چگونه رفتار خواهد کرد؟ آیا سیره علی بن ابی طالب عج در مواجهه با اهل بصره را خواهد داشت؟ فرمود: «خیر. ای رفید! همانا علی عج با آنها به آنچه در جفر سفید بود - یعنی خویشتن داری -، رفتار نمود؛ زیرا می‌دانست به زودی پس از خودش، شیعیانش مغلوب می‌شوند؛ ولی قائم عج به آنچه در جفر سرخ است - یعنی کشتن -، رفتار خواهد نمود؛ زیرا می‌داند که پس از آن، هیچ‌گاه شیعیانش مغلوب نخواهند شد».

جفر سرخ، از منابع علمی معصومان به شمار می‌آید که در اختیار همه امامان عج بوده و با رحلت هر یک به دیگری سپرده شده است. مطابق دلالت ظاهری این حدیث، ویژگی کلی محتوای جفر احمر، اشتغال آن بر احکام جنگ و مسائل نظامی و امور دفاعی است و کلمه سلاح می‌تواند عنوانی مشیر به این مقوله باشد. در این حدیث نیز از عنوان صاحب سیف در معرفی امام مهدی عج استفاده شده است.

### ارزیابی

احادیث پنجگانه «صاحب سیف» در منابع روایی کهن شیعه چون: الکافی، أصل جعفر بن محمد حضرمی (یکی از مؤلفان اصول أربعمأة)، کمال الدین شیخ صدوق و الغیبی نعمانی گزارش شده‌اند. منابع احادیث «صاحب سیف»، از اعتبار خوبی برخوردارند و اسناد آنها نیز قابل اعتمادند. تنها حدیث امام علی عج در منبع غیر شیعی یعنی شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید آمده است که البته در نسخه‌های نهج البلاغه فعلی موجود نیست.

### معنا و مقصود

احادیث این دسته در این که مقصود از «السیف»، شمشیر خاصی همانند ذو الفقار است یا شمشیر معمولی و یا نمادی از قدرت نظامی و ابزار دفاعی، ساکت هستند.

مضمون مشترک احادیث «صاحب سیف»، بر خشونت‌گرایی یا کشتار به معنای خونریزی دلالت ندارند و اساساً از مفهوم لغوی و حتی عرفی صاحب سیف، نمی‌توان رویکرد خشونت‌گرایی و کشتار استفاده کرد؛ بلکه نمادی از قدرت نظامی یا ابزار دفاعی است که در عصر صدور حدیث، کاربرد خاص در این معنا داشته است، و گرنه باید هر صاحب شمشیری را بتوان قاتل و خشونت‌گرا توصیف کرد. از این رو به نظر می‌آید «صاحب سیف» تعبیری کنایی از مجهز بودن ایشان به نیروی نظامی است برای دفاع و سرکوب افراد و گروه‌های آشوب‌طلب - که از روی عناد و لجاجت، امنیت جامعه را بر هم می‌زنند - .

همه احادیث، کدهای مختلفی را در تبیین شخصیت دفاعی و نظامی امام مهدی علیه السلام ارائه می‌کنند و در مجموع، نکات ذیل از آنها قابل استنباط است:

یک. امام مهدی علیه السلام در هنگام ظهور، مسلح به ابزار نظامی و دفاعی است و لفظ «شمشیر»، نماد و کنایه‌ای از ابزار جنگی دوره ظهور است. مقصود از شمشیر، نیروی اسلحه مناسب با دوران ظهور است، با این که مردم زمان صدور، از این احادیث، از این کلمه جز همان شمشیر نمی‌فهمیده‌اند و شاید در وهم و خیال خود، زره و نیزه را نیز بدان می‌افزوده‌اند.

در این نوع احادیث، مفاهیم ویژه‌ای به کار گرفته شده که مصادیق معین و مخصوصی دارند که در زمان صدور، مردم با آن سر و کار داشته‌اند و از آن الفاظ، جز همان مصادیق زمان خود را نمی‌فهمیده‌اند، در صورتی که پیامبر صلی الله علیه و آله یا ائمه علیهم السلام مصادیق دیگری را در نظر داشته‌اند که در زمان وقوع حادثه پدید خواهد آمد. نمونه این اشتباه مفهوم به مصداق، همین مفهوم «شمشیر» در احادیث سیف است.<sup>۱</sup> مبتنی بر همین تحلیل، محمد صدر در تحلیل احادیث پیش‌بینی آینده، بر این باور است که

لفظ را نباید بر آن مصادیق قدیمی که به هنگام صدور حدیث وجود داشته است، حمل کنیم؛ بلکه باید از نص و ظاهر حدیث، مصادیقی در نظر بگیریم که در زمان آینده - که زمان وقوع حادثه است -، وجود دارد؛ زیرا گذشت زمان، موجب تغییر مصادیق در هر دوره و قرنی است. بر همین اساس، شایسته نیست که احادیث را طبق مفاهیم قرن حاضر نیز فهم نماییم؛ بلکه باید برای آنها مفاهیم و مصادیقی را مناسب زمان تحقق رویداد - که ممکن است صدها سال بعد باشد - تصوّر نماییم.<sup>۱</sup>

دو. امام مهدی علیه السلام همانند امامان پیشین، با مخالفان و معاندان، مدارا و تسامح نخواهد داشت و در صورت عناد آنان، برخورد دفاعی با ایشان خواهد داشت. در حدیث ۱/۱، عبارت «جاءَ بِأَمْرٍ غَيْرِ الَّذِي كَانَ» که نقش توصیفی و تبیینی برای عنوان «صاحب سیف» است، می‌تواند به این معنا باشد که نوع تعامل ایشان با مخالفان و معاندان، بر خلاف دیگر امامان پیشین، از موضع قدرت سیاسی و حکومت خواهد بود نه از روی خوف و تقیه، یا نشانه‌ای است بر این که در هنگام ظهور، دوران مدارا و تسامح در مقابل معاندان و مخالفان به پایان خواهد رسید. امامان پیش از ظهور امام مهدی علیه السلام، بنا به شرایط فرهنگی و سیاسی، از اقدام مسلحانه در هر شرایطی خودداری کرده و تنها به تبلیغ و اتمام حجت می‌پرداختند؛ ولی امام مهدی علیه السلام افزون بر این، از توان نظامی یا سلاح نیز در سرکوب مخالفان و دفاع از کیان اسلام، بهره خواهد جست. این مهم می‌تواند به اقتضای حکم الهی یا شرایط سیاسی و فرهنگی پیش از ظهور، تحلیل شود.

همچنین حدیث ۱/۱ (ص ۱۰۰) می‌تواند نقد و نفی نگره زیدیه و گروه‌های مسلحانه دوره امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نیز باشد که در آن شرایط نامناسب تاریخی، جهاد و قیام مسلحانه را برای امام، واجب می‌دانستند. امامان علیهم السلام در حقیقت، ضمن اشاره به عدم مهیا بودن شرایط چنین قیامی، آن را منوط به فراهم



آمدن مجموعه شرایطی خاص می‌دانستند که در هنگام ظهور امام مهدی عج مهیا خواهد شد.

سه. حدیث به ارث بردن شمشیر از محمد ص، اشاره‌ای است به امتداد سیره نبوی و تبلور آن در قیام امام مهدی عج و به پیوندی میان ایشان با پیامبران آسمانی پیشین تأکید دارد. جمله پایانی این حدیث در برخی از متون دیگر با عباراتی چون «و سنّة من محمد ص فی السیف یظهر به؛ و سنّت محمد در شمشیر که با آن قیام می‌کند»،<sup>۱</sup> «فالخروج بالسیف؛ قیام با شمشیر»،<sup>۲</sup> آمده است. نظر به تعدّد این تعبیر می‌توان احتمال نقل به معنا، تحریف و تصحیف این بخش از روایت را داد. البتّه متن منتخب محدثانی چون شیخ صدوق، «القیام بسیره»<sup>۳</sup> است و نظر به وثاقت و آگاهی گسترده وی از متون می‌تواند متن معیار برای تشخیص در این مورد باشد. در غیر این تعبیر، هر چند شیخ طوسی بعد از نقل این حدیث در تعلیقه خود تصریح دارد که مضمون همه این خبر در شأن امام مهدی عج تحقق یافته است، لیکن امثال تستری با آن مخالفت کرده‌اند. شیخ طوسی، از باب نمونه به معناسناسی مفهوم حبس امام مهدی عج پرداخته و گفته است که وی هر چند در زندان نیست، لیکن در حکم زندانی است؛<sup>۴</sup> زیرا کسی به وی دسترس ندارد و شخص ایشان را نمی‌شناسد و گویی زندانی است. البتّه تستری، مراد حدیث از «حبس یوسف ع» را غیبت و انقطاع خبر از وی دانسته است و تعبیر «أما یوسف فالسجن»<sup>۵</sup> که در احادیث دیگری آمده است، از تصرّفات و تحریفات واقفیه دانسته است که در اخبار، خلط کرده‌اند،<sup>۶</sup>

۱. إنبات الوصیة: ص ۲۸۰.

۲. کمال الدین: ص ۳۲۲ ح ۳.

۳. کمال الدین: ص ۳۲۹ ح ۱۱.

۴. الغیبة، طوسی: ص ۶۰.

۵. کمال الدین: ص ۱۵۳ ح ۱۶.

۶. قاموس الرجال: ج ۱۱ ص ۲۳.

از این رو قول به تأویل آن به «سجن معنوی» را چندان دقیق ندانسته است.<sup>۱</sup>  
 از این تحلیل‌ها چنین به دست می‌آید که احادیث ظهور با شمشیر یا خروج با سیف، از نگاه برخی از حدیث‌پژوهان شیعه، چندان قابل اعتماد نیستند.  
 چهار احادیث میراث‌دار سنت و جفر احمر، هیچ‌گونه دلالتی بر خشونت‌گرایی ندارند؛ بلکه به منابع علمی امام مهدی علیه السلام و آگاهی ایشان از احکام شریعت اسلامی دلالت می‌کنند و خود این، معیاری است برای اقدام‌های ایشان که خارج از موازین اسلامی نخواهد بود.

## ۲. نبرد مسلحانه

وجه اشتراک این احادیث که به طرق متعدد از امام باقر علیه السلام گزارش شده‌اند، تطبیق این آیه بر قیام امام مهدی علیه السلام است:

﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِئْتَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنَّ لَنتَهُوًا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾<sup>۲</sup>

و با آنان بجنگید تا فتنه‌ای بر جای نماند و دین، جملگی از آن خدا گردد. پس اگر [از کفر] باز ایستند، قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهند، بیناست.

مفسران امامیه، تطبیقی بودن احادیث این دسته را پذیرفته و مطابق آن، مفاد آیه را بر قیام امام مهدی علیه السلام تطبیق داده‌اند. برخی از مفسران اهل سنت، این آیه را به نزول عیسی علیه السلام در آخر الزمان تطبیق کرده‌اند<sup>۳</sup> که با نظر شیعی نیز قابل جمع است. دیگر مفسران اهل سنت نیز مخالفی با تطبیق آیه بر ظهور امام مهدی علیه السلام نداشته‌اند.<sup>۴</sup>  
 مطابق این احادیث، زمان تحقق این آیه، ظهور امام مهدی علیه السلام خواهد بود که با

۱. قاموس الرجال: ج ۱۲ ص ۴۷۷.

۲. انفال: آیه ۳۹.

۳. أحكام القرآن، ابن عربی: ج ۲ ص ۸۵۴.

۴. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم: ج ۹ ص ۲۰۷.

ریشه‌کن ساختن بنیان شرک، توحید را در روی زمین، فراگیر و تثبیت خواهد نمود. با توجه به ظاهر تعبیر «وَقَاتِلُوهُمْ» با آنان بجنگید در آیه یاد شده، فرآیند این توسعه و تثبیت دین اسلام در میان انسان‌ها در سراسر کره زمین، اقدام مسلحانه ایشان با فتنه‌گران و مخالفان خواهد بود. احادیث این دسته عبارت‌اند از:

در حدیثی، محمد بن مسلم نقل می‌کند که: چون از آیه: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ»<sup>۱</sup> پرسیدم، امام باقر (عج) فرمود:

لَمْ يَجِ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ بَعْدَ، إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ رَخَّصَ لَهُمْ لِحَاجَتِهِ وَ حَاجَةِ أَصْحَابِهِ، فَلَوْ قَدْ جَاءَ تَأْوِيلُهَا لَمْ يَقْبَلْ مِنْهُمْ، لَكِنَّهُمْ يَقْتُلُونَ حَتَّى يُوحِدَ اللَّهُ ﷻ، وَ حَتَّى لَا يَكُونَ شِرْكٌ<sup>۲</sup>.

تأویل این آیه هنوز نیامده است. پیامبر خدا ﷺ اجازه [ی جنگیدن] به یارانش داد؛ زیرا خود و آنها به آن نیاز داشتند و اگر تأویل آن رسیده بود، از آنها نمی‌پذیرفت [که بجنگند]؛ اما آنان (دشمنان خونخوار مهدی (عج)) کشته می‌شوند تا خداوند، یکتا شمرده شود و شرکی در میان نباشد.

عبد الأعلی جلی می‌گوید که امام باقر (عج) فرمود:

لَا يَقْبَلُ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ الْجِزِيَّةَ كَمَا قَبِلَهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ، وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ»<sup>۳</sup>.

صاحب این امر (قیام) جزیه نمی‌پذیرد، آن گونه که پیامبر خدا ۹۱ پذیرفت و این همان سخن خداوند است: (و با آنان بجنگید تا فتنه‌ای نماند و دین، جملگی از آن خدا باشد).

و در ادامه از امام باقر (عج) آمده است که:

۱. انفال: آیه ۳۹.

۲. ر.ک: ص ۸۸ ح ۱۶۸۸.

۳. انفال: آیه ۳۹.

يُقَاتِلُونَ - وَاللَّهِ - حَتَّى يُوْحَدَّ اللَّهُ وَلَا يُشْرَكَ بِهِ شَيْئًا، وَحَتَّى تَخْرُجَ الْعَجُوزُ الضَّعِيفَةُ  
مِنَ الْمَشْرِقِ تُرِيدُ الْمَغْرِبَ وَلَا يَنْهَاهَا أَحَدٌ.<sup>۱</sup>

به خدا سوگند، می‌جنگند تا خدا، یگانه شمرده شود و چیزی را همتای او نگیرد و تا آن‌جا که پیرزن ناتوان، آهنگ رفتن از شرق به غرب کند و کسی او را باز ندارد. این دو متن در حقیقت، یک حدیث اند که به دو نقل از امام باقر ع در کتاب الکافی و تفسیر العیاشی گزارش شده‌اند و سند کلینی از اعتبار بالایی برخوردار است.

### مفهوم و مقصود

#### دفع فتنه، راهبرد قرآنی

مفسران مراد از «فتنه» در آیه ۳۹ از سوره انفال را کفر،<sup>۲</sup> شرک<sup>۳</sup> و برخی افزون بر کفر، هر گونه فساد و بغی<sup>۴</sup> دانسته‌اند. علامه طباطبایی نیز فتنه را به چیزی که باعث مشقت انسان می‌گردد، معنا کرده است که در جنگ، رفع امنیت و نقض صلح، غلبه استعمالی پیدا کرده است.<sup>۵</sup> مفسرانی نیز با اشاره به اختلاف نظر در مصداق‌یابی فتنه در این آیه، فتنه در زبان قرآن را تسلط غیر مشروع دانسته و آشکارترین معانی شرک را تسلط نامشروع یا خضوع در برابر چنین تسلطی گفته‌اند. خاستگاه سلطه شرعی، ایمان به خداست و از حق یاری می‌جوید و به آزادی انسان می‌اندیشد.<sup>۶</sup> مطابق دلالت این آیه، اصل مقابله مسلحانه با فتنه و مظاهر آن، دستور الهی است و قطعیت این حکم، آن‌چنان استوار است که مفسرانی، آن را ناسخ آیات: ﴿كُفُّوا

۱. رک: ص ۸۴ ح ۱۶۸۴.

۲. تفسیر القمی: ج ۱ ص ۲۷۸. احکام القرآن: ج ۲ ص ۸۵۴.

۳. التفسیر الکبیر، مقاتل بن سلیمان: ج ۲ ص ۱۱۵؛ الصافی: ج ۲ ص ۳۰۳.

۴. احکام القرآن، جصاص: ج ۴ ص ۲۲۹.

۵. میزان: ج ۹ ص ۷۵.

۶. تفسیر هدایت، مدرسی یزدی: ج ۴ ص ۵۲.

أَيُّدِيكُمْ؟<sup>۱</sup> [فعلاً] دست [از جنگ] بدارید و ﴿وَدَعُ أَدَاهُمْ﴾<sup>۲</sup> و از آزارشان بگذرد. دانسته‌اند.<sup>۳</sup> در نتیجه دوران سازش و تسامح با جریان کفر، به پایان رسیده و خداوند به مؤمنان دستور داده تا ادیان باطل و مظاهر آنها را از بین ببرند و این تکلیفی الهی بر عهده هر مسلمان است.

شایان ذکر است که می‌توان از امر به «قتال» در این آیه، هر نوع رویایی و مواجهه با جریان فتنه را نیز برداشت کرد، به گونه‌ای که اقدام نظامی، یکی از مصادیق ملموس آن است. با توجه به این نکته، امر به قتل در ﴿وَقَاتِلُوهُمْ﴾ دامنه گسترده‌ای داشته و صرفاً مسئله جنگ را شامل نمی‌شود؛ بلکه در اکثر مواقع، مواجهه‌های تبلیغی، فرهنگی و اقتصادی با مظاهر فتنه، نسبت به اقدام نظامی، از ضرورت و اولویت بیشتری برخوردارند.

#### شرط مقابله مسلحانه با فتنه

علامه طباطبایی با اشاره به نظیر بودن آیه ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ﴾<sup>۴</sup> با آنان بجنگید تا فتنه‌ای نماند، و دین، جملگی از آن خدا باشد. پس اگر دست برداشتند، تجاوز جز بر ستمکاران، روا نیست. برای آیه مورد بحث در سوره انفال، از مفاد آن دو برای مقابله مسلحانه، شرایطی را استنباط کرده است. در نگاه ایشان، آیات این موضوع، به مقابله مسلحانه پس از دعوت و اتمام حجّت اشاره دارند و جنگ بدون دعوت پیشین و گفتگو با جریان فتنه و کفر، جایز نیست و آیه: ﴿فَإِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوُا الزَّكَاةَ فَأِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ﴾<sup>۵</sup> پس اگر توبه کنند و نماز

۱. نساء: آیه ۷۷.

۲. احزاب: آیه ۴۸.

۳. تفسیر القمی: ج ۱ ص ۲۷۸.

۴. بقره: آیه ۱۹۳.

۵. توبه: آیه ۱۱.

برپا دارند و زکات دهند، در این صورت، برادران دینی شما بندگانند<sup>۱</sup> نظیر آن است. <sup>۱</sup> در نتیجه اقدام مسلحانه، مشروط به تبلیغ قبلی و عدم ایمان آوردن فتنه‌گران از روی عناد و لجاجت است.

در جمع‌بندی احادیث دسته اول، با توجه به ضرورت مقابله با فتنه و شرایط آن از منظر قرآنی، می‌توان چنین گفت که احادیث یاد شده به معنای کشتار بی‌رویه و بدون منطق نیستند؛ بلکه آن نیز برای خود، معیاری و حیانی دارد. از سوی دیگر، این اقدام، گام به گام و در سه مرحله: مناظره، مباحله و مقاتله انجام خواهد پذیرفت. به سخن دیگر، جنگ با فتنه‌گران و پیروان آنها، مشروط به گفتگوها و احتجاج‌های قبلی با آنها و مجاب نشدن و در مقابل، عناد ورزیدن آنان است؛ چرا که در این صورت، راهکار و چاره‌ای جز جنگ با آنان باقی نمی‌ماند. البته این نکته را باید افزود که حکم این آیه، به سردمداران فتنه، اختصاص دارد و کسانی که فریب فتنه‌گران را خورده و از روی جهل، تطمیع یا زور در جبهه فتنه قرار گرفته‌اند، معذور و از موضوع این آیه خارج‌اند، البته در صورتی که بعد از روشن شدن حق از جبهه فتنه اعراض عملی نمایند.

### دسته دوم: گردن زدن مخالفان

در برخی از متون حدیثی، پیش‌بینی شده است که آغاز اقدام مسلحانه امام مهدی علیه السلام، گردن زدن افرادی است که از روی نفاق، دوستداری اهل بیت را ادعا می‌کنند؛ ولی بر خلاف آن عمل می‌نمایند.

در حدیثی، امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا بَدَأَ بِالَّذِينَ يَنْتَجِلُونَ حُبَّنَا، فَيُضْرَبُ أَعْنَاقَهُمْ.<sup>۲</sup>

آن‌گاه که قائم ما قیام کند، از کسانی که مدعی ولایت و دوستی ما هستند، شروع

۱. المیزان: ج ۲ ص ۶۳.

۲. رک: الايضاح، ابن‌شاذان: ص ۴۷۵.

می‌کند و گردن‌هاشان را می‌زند.

ذبح مخالفان، اقدام دیگری است که در حدیث ذیل، بدان اشاره شده است:

عن أبي جعفر الباقر عليه السلام: قَالَ: وَيَحْ هَذِهِ الْمُرْجِيَّةُ! إِلَى مَنْ يَلْجَوْنَ غَدًا إِذَا قَامَ قَائِمُنَا؟ قُلْتُ: إِنَّهُمْ يَقُولُونَ: لَوْ قَدْ كَانَ ذَلِكَ كُنَّا وَ أَنْتُمْ فِي الْعَدْلِ سَوَاءً. فَقَالَ: مَنْ تَابَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ، وَمَنْ أَسَرَ نِفَاقًا فَلَا يُبْعَدُ اللَّهُ غَيْرَهُ، وَمَنْ أَظْهَرَ شَيْئًا أَهْرَقَ اللَّهُ دَمَهُ. ثُمَّ قَالَ: يَذْبَحُهُمْ - وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ - كَمَا يَذْبَحُ الْقَصَابُ شَاتَهُ - وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى خَلْقِهِ - . قُلْتُ: إِنَّهُمْ يَقُولُونَ: إِنَّهُ إِذَا كَانَ ذَلِكَ اسْتَقَامَتَ لَهُ الْأُمُورُ فَلَا يُهْرِيْقُ مِحْجَمَةَ دَمٍ. فَقَالَ: كَلَّا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، حَتَّى نَمْسَحَ وَأَنْتُمْ الْعَرَقُ وَالْعَلَقُ - وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى جَبْهَتِهِ - ۱.

امام باقر علیه السلام فرمود: «وای بر این مرجئه! فردا که قائم ما قیام کند، به چه کسی پناه می‌برند؟». گفتم: آنان می‌گویند: اگر آن‌گونه که شما می‌گویید، باشد [او او به عدل قیام کند]، ما و شما در عدالت او یک‌سان هستیم. فرمود: «هر که [از آنان] توبه کند، خداوند هم به او روی می‌آورد و هر که دورویی کند، خدا هم او را [از رحمتش] دور می‌کند، و هر که آشکارا مخالفت کند، خداوند، خونش را می‌ریزد». سپس فرمود: «سوگند به آن که جانم به دست اوست، آنها را سر می‌برد، همان‌گونه که قصاب، گوسفندش را سر می‌برد» و با دستش به گلویش اشاره نمود. گفتم: آنان می‌گویند: هنگامی که قیام کند، کارها برایش درست می‌شود و به اندازه پیمانۀ حجامتی هم خون نمی‌ریزد. فرمود: «سوگند به آن که جانم به دست اوست، هرگز چنین نیست، تا ما و شما عرقمان در آید» و اشاره به پیشانی‌اش کرد «و خونمان ریخته شود».

از لحاظ سندی، در اصل حدیث اول، تردید وجود دارد؛ زیرا در منابع حدیثی کهن و اصیل امامیه گزارش نشده و تنها در کتاب الإيضاح آمده است. متن

حدیث دوم نیز تنها در الغیبه‌ی نعمانی گزارش شده و تنها یکی از اسناد آن، قابل قبول است.

### مفهوم و مقصود

از نظر دلالتی، احتمال قوی می‌رود که تعبیر امام علیه السلام در تعابیر: «ضرب أعناق» و «ذبح» در احادیث دسته دوم، در اثر نقل به معنا توسط راوی، تغییر یافته باشد و اشاره‌ای به نوع قتل رایج در عرف عرب باشد که معمولاً در هنگام کشتن فردی، سر وی را از تن او جدا می‌کردند. بر فرض عدم پذیرش نقل به معنا نیز تعابیر یاد شده، مفاهیمی کنایی برای اشاره به عمل کشتن اند و بر اصل کشته شدن این افراد تأکید دارند و الزاماً این گونه نیست که افراد معاند حتماً به این گونه، کشته شوند.

همچنین اقدامات یاد شده در این دو حدیث، فارغ از صحّت سندی و صدور، قابل توجیه به نظر می‌رسند. مفاد روایت اول، ناظر به افراد منافق و نفوذی است که یکی از تهدیدهای جدی برای هر حرکت انقلابی به شمار می‌رود و می‌تواند به تضعیف یا شکست آن منجر شود. کاملاً طبیعی و معقول به نظر می‌آید که از همان ابتدا با چنین جریانی، برخوردی جدی به عمل آید تا برای مخالفان و معاندان، آینه عبرتی باشد و این، نشانه تدبیر هوشمندانه در قیام امام مهدی علیه السلام است. بدین ترتیب، از این حدیث نمی‌توان کشتار فراگیر یا شدت و خشونت استنباط کرد؛ بلکه باید آن را راهبردی نظامی و امنیتی برای موفقیت قیام دانست که امری منطقی و طبیعی است. یادکرد این مهم در احادیث از این رو بوده است که امامان علیهم السلام قصد داشته‌اند مخاطبان را به این نکته توجه دهند که در دوره ظهور، راه هر گونه نفاق در سوء استفاده از مهرورزی ظاهری به اهل بیت علیهم السلام، مسدود خواهد شد و همانند دوره‌های قبلی نیست که افرادی در پوشش محبت اهل بیت، بتوانند ضربات سختی بر پیکره فرهنگ و معارف عترت وارد کنند.



حدیث دوم نیز لحنی انتقادی در نفی تسامح و آهنگی ایجابی در اثبات دشواری‌های فراروی قیام امام مهدی علیه السلام دارد و پیام آن، این است که این قیام، با دشواری‌های جدی و سختی رو به رو خواهد بود که جز با ایثارگری و جانبازی، به سامان نخواهد رسید. بخش پایانی این حدیث بر دشواری امر قیام و عدم تسامح و تساهل در آن، تصریح دارد و این پندار را که در قیام امام مهدی علیه السلام، خونی از فردی ریخته نخواهد شد و مخالفان نیز همچنان آسوده خواهند بود، مردود اعلام می‌کند.

#### دسته سوم: عدم ترحم امام مهدی علیه السلام

در برخی از احادیث، شدت تعامل امام مهدی علیه السلام، چنان تصویر شده که در جلوه رحمت بودن ایشان و نیز نسبت داشتن ایشان با خاندان وحی، تردید خواهد شد. در حدیثی گزارش شده است که ایشان به قریش، یعنی نسل و تبار خویش، آن چنان سخت خواهد گرفت که در فرزند فاطمه علیه السلام بودن وی، تردید خواهد شد؛ چرا که ادعای قریشیان این است که: اگر او فاطمی بود، به ما رحم می‌کرد! متن حدیث منسوب به امام علی علیه السلام چنین است:

بِأَبِي ابْنِ خَيْرَةَ الْإِمَاءِ، لَا يُعْطِيهِمْ إِلَّا السَّيْفَ هَرَجاً هَرَجاً، مَوْضِعاً عَلِيٌّ عَاتِقِهِ  
ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ حَتَّى تَقُولَ قُرَيْشٌ: لَوْ كَانَ هَذَا مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ لَرَجِمْنَا.<sup>۱</sup>

پدرم فدای فرزند برگزیده کنیزان! جز با شمشیر و کشتار، [با جباران] رفتار نمی‌کند و شمشیرش را هشت ماه بر دوش دارد تا آن جا که قریش می‌گویند: اگر او از فرزندان فاطمه بود، به ما رحم می‌کرد.

در نسخه دیگر از این حدیث، به صراحت، فاطمی بودن امام علیه السلام نفی شده است؛ لیکن به قریش استناد نشده است:

حَتَّى يَقُولُوا: وَ اللهُ، ما هذا مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ، لَوْ كَانَ مِنْ وُلْدِهَا لَرَجِمْنَا! يُغْرِبِهِ اللهُ  
بِبَنِي الْعَبَّاسِ وَ بَنِي أُمَيَّةَ.<sup>۱</sup>

تا آن جا که می‌گویند: «به خدا سوگند، این، از فرزندان فاطمه نیست. اگر از فرزندان او بود، به ما رحم می‌کرد!». خداوند، او را بر ضدّ عبّاسیان و امویان بر می‌انگیزد.

در نقلی دیگر از این متن، در قریشی بودن امام علیه السلام نیز تردید شده است:

حَتَّى يَقُولُوا مَا هَذَا مِنْ قُرَيْشٍ لَوْ كَانَ هَذَا مِنْ قُرَيْشٍ وَ مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ لَرَجِمْنَا.<sup>۲</sup>

این از قریش نیست؛ چرا که اگر از قریش و از فرزندان فاطمه بود، به ما رحم می‌کرد!

با چشم‌پوشی از ضعف‌های سندی و مصدری این احادیث، در تبیین مقصود از آنها می‌توان چنین گفت که همواره وابستگان نسبی و نژادی، با تمسک به حلقه مشترک خود، سعی در نوعی برخورد متفاوت و مدارا و تسامح دارند. در این متون نیز قریش از فاطمه علیها السلام به عنوان حلقه ارتباطی خود با امام مهدی علیه السلام بهره جسته است. به نظر می‌آید که این حدیث در صدد بیان این اصل در قیام مهدوی است که صرف داشتن رابطه نسبی با امام علیه السلام، مانع اجرای عدالت از سوی ایشان نخواهد بود و اگر مخالفان ایشان، از میان قریش نیز باشند، ایشان با آنان مثل دیگر مخالفان و معاندان برخورد خواهد کرد. از این رو، از این حدیث هم نمی‌توان خشونت یا کشتار را استنباط کرد؛ بلکه بر فرض پذیرش صحّت سندی، به بیان اصل مدیریتی قیام امام مهدی علیه السلام در برخورد با مخالفان از قریش اشاره دارد.

۱. ر.ک: ص ۸۸ ح ۱۶۸۹ (الفتن، ابن حمّاد).

۲. کتاب سلیم بن قیس الهلالی: ج ۲ ص ۷۱۵ ح ۱۷.



# فصل نهم

## پانچ بر چند پرش

۱ / ۹

### مدت حکومت امام مهدی علیه السلام

در اخبار و احادیث اسلامی، زمان‌های متفاوتی در مورد مدت حکومت مهدوی، بیان شده است. دانشمندان مسلمان به گونه‌های مختلف با این موضوع، رو به رو شده‌اند. برخی به یکی از زمان‌های ذکر شده گرایش پیدا کرده‌اند و برخی دیگر تلاش کرده‌اند که وجهی برای جمع میان احادیث پیدا کنند. در این نوشتار، ابتدا زمان‌های ذکر شده با اشاره به حدیثی که آن زمان را بیان کرده، می‌آوریم، سپس به بیان دیدگاه‌های ارائه شده و ارزیابی آنها می‌پردازیم.

#### زمان‌های ذکر شده

پنج، شش، هفت، هشت، نه، ده، چهارده، نوزده، نوزده و اندی، بیست، سی، چهل، هفتاد، یک‌صد و چهل و نهایتاً سیصد و نه سال، زمان‌هایی هستند که در احادیث، از آنها به عنوان مدت حکومت یا زندگی امام زمان علیه السلام پس از ظهور یاد شده است. برخی احادیث نیز از هفت سال و دو ماه و چند روز سخن گفته‌اند.<sup>۲</sup> در برخی

۱. به قلم پژوهشگر ارجمند، حجة الاسلام والمسلمین دکتر هادی صادقی.

۲. الفتن: ج ۱ ص ۳۷۸ ح ۱۱۳۰: الملاحم و الفتن: ص ۱۶۷.

احادیث نیز مدّتی ذکر نشده و گفته شده که مهدی علیه السلام هر اندازه که خدا بخواهد، باقی خواهد ماند. مستند زمان‌های یاد شده، هر چند از نظر تعداد و اعتبار یکسان نیستند، ولی برای هر یک از آنها می‌توان حدیث یا احادیثی را نقل کرد.

احادیثی از شیعه و اهل سنت، مدت حکومت مهدی علیه السلام را هفت سال ذکر کرده‌اند. نمونه‌اش از طبری است که از ابو سعید خدری نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «قیامت به پانمی‌شود، مگر این که مردی از اهل بیت من حکومت می‌کند و زمین را پر از عدل می‌کند، چنان که پر از ظلم شده است. و این، هفت سال طول می‌کشد».<sup>۱</sup>

ابن ماجه از ابو سعید خدری نقل می‌کند که از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده است که: «مهدی در امتم خواهد بود، اگر کم باشد هفت سال و اگر زیاد بماند، نه سال».<sup>۲</sup> احمد بن حنبل، ابن ابی شیبه، طبرانی و دیگران، احادیثی را می‌آورند که افزون بر آن، هشت سال را نیز ذکر می‌کنند.<sup>۳</sup>

علامه سید محسن امین با سندش از ابو سعید خدری به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین می‌آورد: «مهدی، هفت یا ده سال حاکم بر امور مردم می‌شود...».<sup>۴</sup>

۱. عَنْ أَبِي سَعِيدٍ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، أَجْلِي، أَقْنِي، يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ قَبْلَهُ ظُلْمًا، يَكُونُ سَبْعَ سِنِينَ ر.ك. ص: ۱۸۴ ح ۱۷۳۹. منابع اهل سنت نیز بیشترین نقل را در باره مدّت حکومت امام علیه السلام بر اساس هفت سال دارند، از جمله: ر.ك. ج ۲ ص ۱۲۶ ح ۲۶۸، مسند ابن حنبل: ج ۳ ص ۳۶ ح ۱۱۱۳۰. ذکر اخبار اصهبان: ج ۱ ص ۸۴ و نیز، پانوش ۲ و ۳ همین صفحه.

در یافتن این موارد از کتاب اثبات الهداة بالخصوص و المعجزات، شیخ حر آملی استفاده شده است.

۲. أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: يَكُونُ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ، إِنْ قَصُرَ فَسَبْعٌ وَإِلَّا فَتَسْبَعٌ (ر.ك. ص: ۳۶۸ ح ۱۸۹۴، و ص ۱۷۲ ح ۱۷۲۴).

۳. عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: يَكُونُ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ إِنْ قَصُرَ فَسَبْعٌ وَإِلَّا فَتَسْبَعٌ... (ر.ك. ص: ۲۸۳ ح ۱۹۱۲ و ص ۳۷۲ ح ۱۸۹۹ و ص ۳۳۲ ح ۱۸۴۹ و ص ۳۳۴ ح ۱۸۵۰ و ص ۳۷۲ ح ۱۹۰۰ و ص ۳۷۰ ح ۱۸۹۸ و ص ۳۷۶ ح ۱۹۰۵).

۴. أعيان الشيعة: ج ۲ ص ۶۹۸. نیز، ر.ك. ينابيع المودة: ص ۴۹۲، غاية المرام: ص ۷۰۴.

سلیمان بن عیسی - که به گفته ابن طاووس در باب فتن، علامه است - می‌گوید: روایت شده که مهدی علیه السلام چهارده سال حکومت می‌کند؛<sup>۱</sup> اما معلوم نمی‌کند که حدیث از کیست و از چه طریقی به او رسیده است.

برخی محدثان، از نوزده سال، نقل روایت کرده‌اند.<sup>۲</sup> نعمانی در آخرین باب کتاب الغیبة، روایاتی در زمینه مدت زمان حکومت امام مهدی علیه السلام نقل کرده که در همه آنها از نوزده سال یا نوزده سال و چند ماه سخن به بیان آمده است.<sup>۳</sup>

از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است که: «مهدی، فرزند من است ... بیست سال حکومت می‌کند».<sup>۴</sup> حدیثی از امام علی علیه السلام نقل شده که مدت حکومت امام مهدی علیه السلام را سی یا چهل سال بیان کرده است.<sup>۵</sup>

برخی احادیث نیز مدت حکومت امام مهدی علیه السلام را چهل سال ذکر کرده‌اند. از جمله در حدیثی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده، آمده است: «او چهل سال در روی زمین فرمان‌روایی می‌کند».<sup>۶</sup>

امام حسن مجتبی علیه السلام نیز از پدر بزرگوارش نقل می‌کند که فرمود: «خداوند در

۱. عبارت سید ابن طاووس این است: و فی روایة عن سلیمان بن عیسی - وکان علامة فی الفتن - قال: بلغنی أن المهدي یملک أربع عشرة سنة (الملاحم و الفتن: ص ۱۶۷؛ الفتن: ج ۱ ص ۳۹۲-۳۹۳ ح ۱۱۸۱).

۲. مانند این حدیث: ابن ابی یغفور از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «قائم، نوزده سال حکومت می‌کند» (إثبات الهداة: ج ۳ ص ۵۴۷ ح ۵۴۲).

۳. الغیبة: ص ۳۳۱-۳۳۲. برای نمونه در حدیثی از امام صادق علیه السلام چنین نقل کرده است: «همانا قائم علیه السلام نوزده سال و چند ماه حکومت خواهد کرد».

۴. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: المهدي من ولدی ... یملک عشرين سنة (ر.ک: ص ۱۸۷ ح ۱۷۴۲، الصواعق المحرقة: ص ۹۸). این حدیث در دیگر کتاب‌های اهل سنت نیز روایت شده است (ر.ک: الأربعین حدیثاً فی ذکر المهدي: حدیث نهم، الفصول المهمة: ص ۲۷۵، الحاوی للفتاوی: ص ۶۶، ذخائر العقبی: ص ۱۳۶، الأربعین: ص ۳۰۰، البیان فی أخبار صاحب الزمان: ص ۸۰، جواهر العقدین: ص ۴۳۳، مشارق الأنوار: ص ۱۵۲، نور الأبصار: ص ۲۲۹).

۵. یلی المهدي أمر الناس ثلاثین أو اربعین سنة (الفتن: ص ۲۰۱).

۶. الزام الناصب: ص ۳۰۴.

آخر زمان، مردی را بر می‌انگیزد... او زمین را از عدل، داد، برابری، نور و برهان پر می‌کند... او چهل سال بر شرق و غرب عالم فرمان‌روایی می‌کند. پس خوشا به حال کسی که زمان او را درک کند و سخن او را بشنود».<sup>۱</sup>

احادیث با مضامین دیگری نیز هستند که بر چهل سال حکومت امام علیه السلام تأکید دارند.<sup>۲</sup>

عبد الکریم خنعمی می‌گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: «قائم علیه السلام چند سال حکومت می‌کند؟». امام علیه السلام فرمود: «هفت سال، روزها و شب‌ها طولانی می‌شوند تا آن جا که هر سال از سال‌های او با ده سال از سال‌های شما برابری می‌کند و بدین گونه، مدت حکومت او با هفتاد سال از سال‌های شما برابر می‌شود».<sup>۳</sup>

بزرگ‌ترین عددی که در باره مدت حکومت مهدی علیه السلام ذکر شده است، سیصد و نه سال است. طبری از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: «قائم علیه السلام سیصد و نه سال، به اندازه توقف اصحاب کهف در غارشان، حکومت خواهد کرد».<sup>۴</sup>

نعمانی، از جابر جعفی، از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: «مردی از ما اهل بیت، سیصد و سیزده سال حکومت می‌کند، افزون بر نه سال». جابر می‌پرسد: چه زمانی این امر واقع می‌گردد؟ امام علیه السلام می‌فرماید: «بعد از مرگ قائم علیه السلام». می‌گوید: از امام پرسیدم: قائم علیه السلام چه قدر توقف دارد. امام علیه السلام می‌فرماید: «از روز قیامت تا مرگش نوزده سال».<sup>۵</sup>

۱. ر.ک: ص ۱۹۶ ح ۱۷۵۵، اثبات الهداة: ج ۷ ص ۴۹، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۲۸۰.

۲. ر.ک: عقد الدرر: ص ۲۴۰.

۳. ر.ک: ج ۸ ص ۲۴ ح ۱۴۳۲.

۴. إِنْ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَيَمْلِكُ ثَلَاثِمِائَةً وَ تِسْعَ سِتِّينَ. كَمَا نَبِئَتْ أَصْحَابُ الْكَهْفِ فِي كِتَابِهِمْ. ر.ک: ص ۲۵۸ ح ۱۸۲۳.

دیگران نیز این حدیث یا مشابه آن را آورده‌اند. برای نمونه. ر.ک: ص ۲۰۰ ح ۱۷۶۰، تاج العوالید: ص ۱۱۶.

إعلام الوری: ج ۲ ص ۲۹۳.

۵. جَابِرُ بْنُ بَرِيذٍ الْجُعْفِيُّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ وَ اللَّهُ لَيَمْلِكَنَّ رَجُلٌ مِّنْ أَهْلِ النَّبِئِ ثَلَاثِمِائَةً.

بر اساس این حدیث، دوران حکومت و حضور امام مهدی علیه السلام پس از قیام، کوتاه (۱۹ سال) است؛ اما دوران بقای نظامی که مهدی علیه السلام بر پایه عدل بنا نهادند، بلند (۳۲۲ سال)<sup>۱</sup> است.

البته برخی احادیث نیز از احتمال یک روز بلند نیز سخن گفته‌اند؛ اما این بدان معنا نیست که خواسته باشند مقدار حکومت امام علیه السلام را تعیین کنند؛ بلکه می‌خواهند حتمی بودن آن حکومت و رسیدن امام علیه السلام به اهدافش را در زمان بسیار کوتاه، بیان کنند. مثلاً در برخی از آنها می‌خوانیم که حتی اگر یک روز از دنیا باقی مانده باشد، خداوند، کسی از اهل بیت را برمی‌انگیزاند تا زمین را پر از عدل کند.<sup>۲</sup> در پاره‌ای احادیث از طولانی بودن آن روز، سخن به میان آمده است.<sup>۳</sup>

حدیث دیگری وجود دارد که کمتر در باره آن بحث شده است؛ اما وجهی دیگر از موضوع را پیشاروی ما می‌گشاید. در این حدیث، مدت خاصی برای حکومت امام زمان علیه السلام ذکر نشده و تلاشی عامدانه و آشکار بر مخفی ماندن آن، صورت گرفته است. حدیث چنین است: ابن عباس از پدرش نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ای

سَنَةِ وَ ثَلَاثَ عَشْرَةَ سَنَةً وَ يَزَادُ تِسْعًا قَالَ فَقُلْتُ لَهُ وَ مَتَى يَكُونُ ذَلِكَ قَالَ بَعْدَ مَوْتِ الْقَائِمِ ع قُلْتُ لَهُ وَ كَمْ يَقُومُ الْقَائِمُ علیه السلام فِي عَالَمِهِ حَتَّى يَمُوتَ فَقَالَ تِسْعَ عَشْرَةَ سَنَةً مِنْ يَوْمٍ قِيَامِهِ إِلَى يَوْمٍ مَوْتِهِ (ر.ک: الغيبة، نعمانی: ص ۳۳۱ ح ۱۳).

۱. احتمالاً مقصود ۳۱۳ سال شمسی، معادل ۳۲۲ سال قمری است.

۲. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: يخرج في آخر الزمان رجل من ولدي اسمه كاسمي و كنيته ككنيتي يملأ الأرض عدلاً كما ملئت جوراً فذلک هو المهدی علیه السلام، (ر.ک: تذکرة الخواص: ص ۲۰۴. و نیز، همین دانش‌نامه: ص ۱۷۶ ح ۱۷۳۰)، این حدیث، مشهور است و ابو داوود و زهری همین معنا را آورده‌اند و اضافهای دارد که فرموده: لو لم یبق من الدهر إلا یوم واحد لبعث الله من اهل بیتی من یملأ الأرض عدلاً (ر.ک: ص ۱۷۰ ح ۱۷۱۹ و ۱۷۲۰، دیگر کتاب‌های اهل سنت نیز این حدیث را آورده‌اند (ر.ک: الأربعین حدیثاً فی ذکر المهدی: حدیث نوزدهم، عقد الدرر: ص ۲۷۴. الفصول المهمة: ص ۲۷۴).

۳. وَ لَوْ لَمْ یَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا یَوْمٌ وَ اَجِدُ لَطَوَّلَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ ذَلِكَ حَتَّى یَخْرُجَ قَائِمُنَا فَيَمْلَأُهَا قِسْطاً وَ عَدْلًا كَمَا مِلْنَا جَوْرًا وَ ظُلْمًا (کتابة الأثر: ص ۱۶۵). به گفته محدثان، این حدیث، مشهور و متواتر است. شبیه این احادیث از بعضی امامان معصوم علیهم السلام همچون امام صادق علیه السلام، امام رضا علیه السلام و امام جواد علیهم السلام نقل شده است (ر.ک: ص ۱۸۰ ح ۱۷۳۴ و ۱۷۳۵ و ص ۲۰۰ ح ۱۷۵۹ و ص ۲۵۴ ح ۱۸۱۹ و کفایة الأثر: ص ۲۶۶ و ۲۷۷ و ۲۸۱).



عمو! دوازده جانشین از فرزندان من ولایت پیدا می‌کنند. سپس امور زشت و شدید و بزرگی واقع می‌گردد. سپس مهدی علیه السلام از فرزندانم خارج می‌شود. خداوند، کارش را در یک شب درست می‌کند. پس از آن، زمین را پر از عدل می‌کند چنان که پر از ظلم شده است و باقی می‌ماند در زمین، هر چه خدا بخواهد. سپس دجال، خارج می‌شود»<sup>۱</sup>.

این حدیث را ابتدا اهل سنت نقل کرده‌اند. سپس علمای شیعه نیز در مقام احتجاج برای اثبات تعداد امامان جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله به آن استناد کرده‌اند. در هر حال، آنچه به بحث جاری مربوط می‌شود، زمان حکومت امام زمان علیه السلام است که در این جا به گونه‌ای مخفی مانده و به خواست خداوند، واگذار شده است.

### تعبیر به کار رفته

مفاهیمی که در احادیث اسلامی برای بیان زمان حکومت مهدوی یا اقامت مهدی علیه السلام در این جهان مورد استفاده قرار گرفته، متفاوت است و توجه به آنها می‌تواند تا حدی ما را در جمع‌بندی موضوع، یاری دهد. برخی احادیث از تعبیر «یکون»<sup>۲</sup> به معنای بودن و شاید در این جا به معنای زیستن، استفاده کرده‌اند. دو تعبیر دیگر نیز در احادیث وجود دارد که به همین معنا، یعنی زیستن است: «عاش»<sup>۳</sup>

۱. يَمْلِكُ مِنْ وُلْدِي اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً ثُمَّ تَكُونُ أُمُورٌ كَرِيهَةٌ شَدِيدَةٌ عَظِيمَةٌ ثُمَّ يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي يُضَلِّحُ اللَّهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ فَيَبْلُغُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مِلْنَا جَوْرًا وَ تَمُوتُ فِي الْأَرْضِ مَا شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ يَخْرُجُ الدَّجَالُ. (ر.ک: ص ۱۸۶ ح ۱۷۴۴).

۲. عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: يَكُونُ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ، إِنْ قَصُرَ فَسَبْعٌ وَإِلَّا فَتَسَعٌ، فَتَسْتَعْمُ فِيهِ أُمَّتِي نِعْمَةً لَمْ يَنْعَمُوا بِمِثْلِهَا قَطُّ، تَوْتِي أَكْلُهَا وَلَا تَدْخُرُ مِنْهُمْ شَيْئًا، وَالْمَالُ يَوْمُنَا كُدُوسٌ، فَيَقُومُ الرَّجُلُ فَيَقُولُ: يَا مَهْدِيُّ، أَعْطِنِي، فَيَقُولُ: خُذْ. (ر.ک: ص ۳۶۹ ح ۱۸۹۴ و ص ۳۷۰ ح ۱۸۹۸ و ص ۳۸۲ ح ۱۹۱۲ و ص ۳۷۶ ح ۱۹۰۵).

۳. أَبَا سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ، قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: يَكُونُ مِنْ أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ، فَإِنْ طَالَ عُمُرُهُ أَوْ قَصُرَ عُمُرُهُ عَاشَ سَبْعَ سِنِينَ، أَوْ ثَمَانَ سِنِينَ، أَوْ تِسْعَ سِنِينَ، يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، وَتَخْرُجُ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا، وَتَمَطِّرُ السَّمَاءُ قَطْرَهَا. (ر.ک: ص ۳۷۲ ح ۱۸۹۹).

و «یعیش»<sup>۱</sup> ظاهر این تعابیر، از مقدار زمان زندگی ایشان پس از ظهور حکایت دارد. احادیثی که واجد این تعابیر هستند، مقدار زمان زیستن ایشان را هفت، هشت یا نه سال بیان کرده‌اند. در مجموعه احادیث این باب، تنها یک مورد است که زندگی مهدی علیه السلام را پس از ظهور، بیش از نه سال بیان کرده، و آن، حدیث امام باقر علیه السلام است که زندگی امام پس از ظهور را از روز قیامت تا روز مرگش نوزده سال،<sup>۲</sup> بیان کرد. در این حدیث، از تعبیر «یقوم»<sup>۳</sup> استفاده شده و تصریح دارد به این که مورد سؤال، از روز قیامت تا روز مرگ است و دال بر مقدار زندگی ایشان پس از ظهور است.

تعبیر دیگری در حدیث پیش گفته ابن عباس به نقل از پدرش از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وجود دارد که ظاهرش از مقدار زندگی ایشان حکایت دارد: «وَيَمُكْتُ فِي الْأَرْضِ مَا شَاءَ اللَّهُ؛ و باقی می ماند در زمین هر چه خدا بخواهد». اما اولاً، این حدیث، زمان خاصی را تعیین نمی کند و ثانیاً، برخی قرائن دیگر حاکی از این است که مراد از توقّف ایشان بر روی زمین، اصل زندگی ایشان نیست؛ بلکه سلطه ایشان بر زمین است؛ زیرا تعبیر «یَمُكْتُ فِي الْأَرْضِ» پس از آن آمده است که فرمود: «خداوند، کارش را در یک شب درست می کند. پس از آن زمین را پر از عدل می کند چنان که پر از ظلم شده است و باقی می ماند در زمین هر چه خدا بخواهد». یعنی پس از آن که خداوند، کارش را درست کرد و او زمین را پر از عدل و داد کرد، آن گاه هر قدر

۱. أبا سعيد الخدری، قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: يَنْزِلُ بِأَمْنِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ بَلَاءٌ شَدِيدٌ مِنْ سُلْطَانِهِمْ... فَيَبْعَثُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ رَجُلًا مِنْ عِتْرَتِي، فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا... يَعِيشُ فِيهَا سَبْعَ سِنِينَ أَوْ ثَمَانٍ أَوْ تِسْعٍ... (ر.ك: ص ۳۶۸ ح ۱۸۹۵ و ص ۳۳۴ ح ۱۸۵۰ و ص ۳۳۲ ح ۱۸۴۹).

۲. ر.ك: ص ۱۲۲ پانوشت ۵: الغيبة، طوسی: ص ۴۷۸ ح ۵۰۵: الاختصاص: ص ۲۵۷، مختصر بصائر الدرجات: ص ۲۱۴، بحار الأنوار: ج ۵۳ ص ۱۰۰ ح ۱۲۱ و ۱۲۲.

۳. یقوم... مِنْ يَوْمٍ قِيَامِهِ إِلَى يَوْمٍ مَوْتِهِ.

خدا بخواند، بر زمین توقّف خواهد داشت.

دو تعبیر دیگر، یعنی «ملک»<sup>۱</sup> و «یملک»،<sup>۲</sup> ناظر به مقدار حکومت و سلطه ایشان است. این دو مفهوم، بیشترین کاربرد را در احادیث این باب دارند و اغلب زمان‌های ذکر شده با یکی از این دو تعبیر آمده‌اند. برخی احادیث، هفت سال، هشت سال و نه سال - که با مفهوم «یعیش» آمده بودند -، با همان مضمون با تعبیر «یملک»<sup>۳</sup> نیز آمده است. شاید بتوان این را قرینه‌ای گرفت که احتمال کاربرد «عاش» و «یعیش» را به معنای حکومت تا حدی تقویت کند؛ گو این که چنین قرینه‌ای نمی‌تواند ظهور این تعبیر را در زیستن از میان ببرد و آن را به معنای حکومت بگیرد.

سید ابن طاووس، حدیثی را از ابو سعید خدری از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که در آن، گفته شده مهدی عج در آن وضع، یعنی پس از آن که حاکم شد، هفت، هشت یا نه سال زندگی می‌کند.<sup>۴</sup> در این عبارت، میان حکومت و زندگی، جمع شده است و هر دو تعبیر «یعیش» و «یملک» را دارد. بر این اساس، می‌توان گفت که احادیث دارای تعبیر عاش و یعیش، احتمالاً ناظر به زندگی امام پس از حاکم شدنش است. طبعاً مقدار حکومت ایشان از مقدار زمان زندگی ایشان کمتر است؛ زیرا پس از ظهور، مدتی طول می‌کشد تا حکومت ایشان مستقر شود. مبارزات ایشان برای

۱. الغيبة، نعمانی: ص ۳۳۱ ح ۲ و ۱، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۲۹۸ ح ۵۹ و ۶۰.

۲. ر.ک: ص ۱۹۶ ح ۱۷۵۵ و ص ۱۸۶ ح ۱۷۴۲ و ص ۲۰۰ ح ۱۷۶۰ و ص ۲۵۸ ح ۱۸۲۳ و ص ۳۷۰ ح ۱۸۹۸ و ص ۲۵۴ ح ۱۸۱۷ و ج ۷ ص ۱۱۲ ح ۱۱۷۶. از جمله: ثُمَّ يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ عِبْرَتِي يَمْلِكُ سَبْعًا أَوْ تِسْعًا، فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا. (ر.ک ص ۱۷۲ ح ۱۷۲۴). وَلَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، أَجَلِي. أَقْنَى، يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ قَبْلَهُ ظُلْمًا، يَكُونُ سَبْعَ سِنِينَ. (ر.ک: ص ۱۸۰ ح ۱۷۳۹).

۳. پیش‌تر در باره این احادیث، سخن گفتیم.

۴. عبارت این است: «المهدی یعیش فی ذلک - یعنی بعد ما یملک - سبع سنین أو ثمان أو تسع» (الملاحم و الفتن: ص ۱۶۵). نیز، ر.ک: الفتن: ج ۱ ص ۳۷۶ ح ۱۱۲۱، عقد الدرر: ص ۲۳۸.

برپایی حکومت و استقرار در منطقه‌ای از زمین، هر چند کوتاه باشد، زمانی را به خود اختصاص می‌دهد که خارج از زمان حکومت ایشان است. در نتیجه، هر اندازه مقدار حکومت ایشان در نظر گرفته شود، باید زندگی ایشان طولانی‌تر باشد.

### نظریه‌ها

وجوه مختلفی برای جمع میان احادیث ذکر شده بیان شده است. علامه مجلسی برای جمع احادیث چنین می‌گوید:

اخبار متفاوت وارد شده در زمینه مدّت حکومت امام مهدی عجله الله تعالی فرجه، برخی بر همه مدّت فرمانروایی ایشان، برخی بر زمان استقرار دولت او، برخی بر سال‌ها و ماه‌ها به حساب ما و برخی هم بر سال‌ها و ماه‌های طولانی زمان ایشان حمل می‌شود.<sup>۱</sup>

ایشان در انتها از عبارت «والله اعلم» استفاده می‌کند که گویای تردید خود وی در این جمع‌بندی است.

ابن حجر عسقلانی معتقد است که آنچه احادیث بر آن اتفاق دارند، این است که او بی‌تردید هفت سال حکومت می‌کند. از ابن‌الحسین ابری هم نقل شده است که اخبار مستفیض و متواتر، دلالت دارند که او هفت سال حکومت می‌کند.<sup>۲</sup>

آیه الله سید صدر الدین صدر می‌گوید که بیشتر احادیث این باب بر این موضوع اتفاق دارند که مدّت حکومت او هفت سال است و تردید در زیادتر از این مقدار تا تمام شدن، نه سال است. به گفته ایشان این قول، ظاهرتر و مشهورتر است و این، خود فضیلتی بزرگ برای مهدی عجله الله تعالی فرجه است که قیام او برای اصلاح دین و دنیایی وعده داده شده که در این مدّت کوتاه رخ می‌دهد. چنان که قیام جدّ بزرگوار او نیز در مدّت هشت سال، یعنی از سال دوم هجری به بعد، به ثمر نشست.

۱. بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۲۸۰.

۲. تهذیب التهذیب: ج ۵ ص ۸۷ ش ۶۸۹۴.

وی سرانجام این احتمال را مطرح می‌کند که ممکن است دلیل اختلاف احادیث این باشد که اساساً نمی‌خواسته‌اند حقیقت را در مورد مدّت زمان زندگی مهدی علیه السلام بیان کنند تا شنونده، خود هر یک از اقوال را که مایل بود برگزیند و طولانی‌ترین زمان را برای بقای مهدی آرزو کند. اگر چه ترجیح با قول هفت سال است و همین هم اقواست.<sup>۱</sup>

به نظر آیه الله مکارم شیرازی، اختلافات موجود در احادیث مربوط به مقدار زمان حکومت امام زمان علیه السلام، در واقع، ممکن است به مراحل و دوران‌های آن حکومت اشاره داشته باشد؛ یعنی آغاز شکل گرفتن و پیاده شدنش پنج یا هفت سال، دوران تکاملش چهل سال و دوران نهایی‌اش بیش از سیصد سال.

ولی قطع نظر از احادیث اسلامی، مسلم است که این آوازه‌ها و مقدمات برای یک دوران کوتاه مدّت نیست؛ بلکه قطعاً برای مدّتی طولانی است که ارزش این همه تحمّل زحمت و تلاش و کوشش را داشته باشد.<sup>۲</sup>

### بررسی

احادیث این باب، بسیار متنوع و بعضاً متعارض است. همه احادیث ناظر به زمان حکومت امام مهدی علیه السلام یا مقدار بقای ایشان بر روی زمین پس از قیام، به لحاظ سندی، ضعیف اند. تنها برخی موارد که از هفت سال و نه سال سخن گفته‌اند، نزد برخی از اهل سنت، صحیح به حساب می‌آیند؛ اما دیگران، آنها را ضعیف می‌دانند. افزون بر این، در مسائل تاریخی و اعتقادی نمی‌توان به استناد یک حدیث، هر چند از نظر سند معتبر باشد، چیزی را اثبات کرد. در این موضوعات باید قرائن دیگری

۱. المهدی علیه السلام، سید صدر الدین صدر: ص ۲۳۹-۲۳۸.

۲. ر.ک: حکومت جهانی مهدی علیه السلام، ناصر مکارم شیرازی: ص ۲۸۱.

نیز در کار باشد تا بتوان به درستی مضمون نقل شده، اعتماد کرد.<sup>۱</sup> اینک با صرف نظر از موضوع یاد شده و با فرض صحت احادیث، به جمع‌بندی می‌پردازیم و تلاش می‌کنیم که معقول‌ترین وجه ممکن در فهم این دسته از احادیث ارائه شود. بدیهی است که هر گونه اظهار نظر در این باره نمی‌تواند از حدّ فرضیه‌های محتمل، بالاتر رود.

مأموریت و رسالت مهدی عج تحقق ارزش‌های الهی و قرآنی و تأسیس جامعه توحیدی به معنای کامل آن است به گونه‌ای که هیچ گونه اثری از شرک در آن دوره مشاهده نشود: «يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئاً؛ تنها مرا پرستند و چیزی را شریک من قرار ندهند».<sup>۲</sup> مسلم است که تأسیس چنین بنای عظیم، آن هم با آن عمق و گستردگی غیر قابل توصیف، کاری است که با توجه به روند طبیعی امور و عدم استفاده از قدرت اعجاز (مگر در موارد ضرورت)، نیاز به گذشت زمان دارد.

### اختلاف زمان به دلیل تنوع موضوعات

می‌توان برخی اختلاف تعبیر احادیث را مربوط به این دانست که موضوع، متفاوت است؛ زیرا پس از ظهور امام زمان عج بلافاصله حکومت ایشان برپا نمی‌شود و مدّتی مشغول مبارزه با ظالمان خواهند بود. در طول دوران ظهور ایشان مراحل متفاوتی طی خواهد شد و فراز و نشیب‌هایی در برپایی حکومت مهدوی وجود خواهد داشت. همچنین پس از وفات یا شهادت ایشان نیز آن حکومت از میان نمی‌رود و به واسطه رجعت پیامبر ص و امامان دیگر ع استمرار می‌یابد.

یک احتمال این است که حکومت خود مهدی عج کوتاه‌تر باشد و حکومت سایر

۱. در مسائل عملی دین، سختگیری کمتری به کار می‌رود؛ زیرا آن‌جا ناظر به کشف واقع نیستیم؛ بلکه در صدد یافتن وظیفه در مقام عمل هستیم. این موضوع حتی با اصول عملیه - که صرفاً راهی برای خروج از حیرت در مقام عمل است - حل و فصل می‌گردد؛ اما در مسائلی که ناظر به کشف واقعیت است، نمی‌توان صرفاً تعبّدی عمل کرد و باید قرآنی در کار باشد که متناسب با اهمیت موضوع، به واقع، اطمینان بیاورد.

اهل بیت (ع) پس از رجعت آنان استمرار یابد و تحقق اهداف این حکومت در درازمدت و به دست دیگر امامان (ع) باشد. بر این اساس، زمان‌های طولانی‌تر را باید ناظر به نظام حکومت مهدوی دانست، نه حکومت شخص امام مهدی (ع). در حدیث پیش گفته امام باقر (ع): زندگی امام مهدی (ع) از روز قیام تا روز مرگ، نوزده سال و حکومت دیگر اهل بیت (ع)، سیصد و بیست و دو سال بیان گردید.<sup>۱</sup>

احتمال دیگر این است که برخی از توفیقات این حکومت در دوره رجعت امام زمان (ع) اتفاق بیفتد.<sup>۲</sup> بخشی از موفقیت‌ها در دوره اول - که می‌تواند کوتاه باشد -، واقع می‌گردد و بخشی دیگر در دوره رجعت.

در این صورت، احادیثی که از عبارت «یعیش» و «عاش» و «یکون» استفاده کرده‌اند، باید مدّت زمان طولانی‌تری را گفته باشند و روایت‌هایی که ناظر به زمان حکومت امام (ع) هستند، زمان کوتاه‌تری را ذکر کرده باشند؛ اما چنین نیست. همان‌طور که گذشت، احادیثی از زندگی هفت، هشت یا نه ساله امام زمان (ع) پس از ظهور سخن گفته‌اند و از تعبیر «یکون»، «عاش» یا «یعیش» استفاده کرده‌اند. در عین حال، برخی نیز از حکومت هفت ساله گفتگو کرده‌اند. تعدادی نیز زمان حکومت ایشان را بیشتر، یعنی چهارده، نوزده، بیست، چهل و بیشتر از آن گفته‌اند.

بنا بر این، نمی‌توان بر اساس معیاری معین و واحد در این زمینه حکم کرد و قاطعانه، این زمان‌های مختلف را به صورت یاد شده، تطبیق کرد.

### گسترش ظرف زمان (هر سال، معادل ۱۰ یا ۲۰ سال)

احادیثی که ناظر به گسترش زمانی اند و می‌گویند هر سال آن حکومت، معادل ده سال و برخی آن را معادل بیست سال عادی به حساب می‌آورند، ممکن است بیانگر

۱. الغیبة، نعمانی: ص ۲۳۲ ح ۳.

۲. بنا بر برخی احادیث، امام زمان (ع) نیز پس از ظهور و تشکیل حکومت از دنیا می‌روند و مجدداً به دنیا می‌آیند و زندگی می‌کنند. در این باره، ر. ک: ج ۸ ص ۲۶ (بخش دهم / فصل سوم / پژوهشی درباره بازگشت شماری از وفات یافتگان. هنگام قیام امام مهدی (ع)).

سرعت تحولات بر اثر رشد علم و فناوری باشند. با این حال نمی توان مقدار کم ذکر شده در برخی احادیث را با این توجیه، به طور عادی فهم کرد. اگر امری معجزه آسا رخ دهد و هفت سال حکومت ایشان در واقع مطابق هفتاد یا یکصد و چهل سال شود،<sup>۱</sup> می توان درک کرد که در چنین زمانی، آن تحولات عظیم در کل جهان رخ دهد. اما اگر انتظار باشد که صرفاً در همان هفت سال همه این تحولات واقع گردد، به طور عادی، قابل فهم نیست. افزون بر این که در این احادیث، راویان ضعیفی<sup>۲</sup> وجود دارند که اعتماد به صحّت حدیث را بسیار کم می کنند.

### مخفی نگاه داشتن

روایت ابن عباس از پدرش از پیامبر ﷺ که می گفت پس از برپایی حکومت عدل مهدوی، هر قدر خدا بخواهد در زمین باقی می ماند، گویای تعمّدی بر مخفی ماندن مقدار حکومت امام زمان ﷺ است. این حدیث، نظر آیه الله صدر را در مورد تعمّد در مخفی نگاه داشتن مقدار زمان حکومت مهدی ﷺ تقویت می کند؛ اما نمی توان این نظر را پذیرفته شده تلقی نمود؛ زیرا اگر چنین بود، جا داشت که همه احادیث، این گونه عمل کنند، نه این که در برخی سالیانی را مشخص کنند و در برخی دیگر، سالیانی دیگر. اگر پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ می خواستند چیزی را مخفی نگاه دارند، علی القاعده، آن را با کلمات مبهم بیان می کردند و سالیان مشخصی را ذکر نمی کردند. همچنین اجباری در ذکر این سالیان مشخص در کار نبوده که بخواهیم آنها را بر تقیّه حمل کنیم. شاید به همین دلیل است که مرحوم صدر این قول را قوی نمی داند و آن را فقط در حدّ یک احتمال، مطرح می کند.<sup>۳</sup>

۱. بدین معنا که زمان تغییر نکند؛ اما تحولاتی که در آن زمان کوتاه صورت می پذیرد، معادل هفتاد یا یکصد و چهل سال باشد.

۲. عبد الله بن قاسم حضرمی و عبد الکریم بن عمرو خثعمی.

۳. المهدی ﷺ، سید صدر الدین صدر: ص ۲۳۹-۲۳۸.



### مقدار حکومت: کوتاه یا بلند

با توجه به ضعف بیشتر احادیث این باب و ضرورت وجود ادله اطمینان‌آور در مسائل اعتقادی و تاریخی، نمی‌توان در باره مقدار حکومت مهدی علیه السلام نظری قاطع داد. کسانی که از طریق مقایسه با حکومت پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه (هشت تا ده سال)، مقدار حکومت امام مهدی علیه السلام را کوتاه (هفت سال) می‌دانند، به تفاوت‌های این دو حکومت توجه نکرده‌اند؛ زیرا جامعه اسلامی صدر اسلام، بسیار محدود بود و در گستره شبه جزیره عربستان واقع شد، نه در سراسر زمین. حکومت جهانی مهدی علیه السلام قرار است که کل جهان را زیر پوشش خود قرار دهد و همه مردم عالم را به راه راست هدایت کند و به سوی اسلام بکشانند و چنین کاری با هر سرعتی هم که فرض شود، نمی‌تواند به طور عادی در هفت، هشت یا نه سال اتفاق بیفتد. بنا بر این، نمی‌توان نظر ایشان را در این زمینه پذیرفت.

دیدگاه‌های دیگر نیز استدلال قوی و قابل اعتمادی ندارند. علی‌الخصوص اگر به تعارض احادیث این باب توجه کنیم، از دادن حکمی قاطع، پرهیز خواهیم کرد. در عین حال باید توجه داشت که استقرار حکومت عادلانه در سراسر زمین پس از قرن‌ها حاکمیت کفر و ظلم، به مجاهدتی طولانی و گسترده نیازمند است و قطعاً مهدی علیه السلام یا جانشینان ایشان، باید سال‌ها در جهان حضور داشته باشند تا بتوانند به همه اهداف خود جامعه عمل ببوشانند. پذیرش این مطلب که مردم، قرن‌ها برای تحقق عدل مهدوی در انتظار باشند و سختی‌ها و مشکلات بسیاری را در این راه تحمل کنند، ولی این حکومت، چند سالی بیشتر به طول نینجامد و بساط جهان در هم پیچیده شود، بسیار دور از ذهن است و باید دست‌کم نظام حکومت مهدوی، زمان درازی پابرجا بماند.

البته تصور این که در آن نظام مهدوی - که پس از قرن‌ها انتظار تشکیل شده

است، خود امام مهدی علیه السلام حضور نداشته باشند و تنها پس از هفت سال از دنیا بروند نیز دشوار است. قرن‌ها بشر در انتظار اوست و برایش دعا می‌کند. دستور اهل بیت علیهم السلام این است که برای بقای او بر روی زمین و تمتع طولانی او دعا کنیم: «اللهم کن لولیک الحجة بن الحسن...». تمتع طولانی ایشان پس از استقرار حکومتشان خواسته می‌شود: «حتی تُسکنه أرضک طوعاً و تمتعه فیها طویلاً»<sup>۱</sup>. اگر مقرر باشد که دوران زندگی ایشان پس از استقرار حکومتشان کوتاه باشد، وجهی برای آموزش این دعا و خواندن آن وجود ندارد.

۱. این دعا، در اعمال شب بیست و سوم ماه رمضان از معصومان علیهم السلام رسیده است (ر.ک: الکافی: ج ۶ ص ۱۹۰ ح ۱۰۶۶).



## سیره حکومتی امام مهدی علیه السلام

بنیاد های سیره حکومتی امام مهدی علیه السلام	فصل یکم
سرنوشت سازترین سیاست	فصل دوم
سیاست های فرهنگی	فصل سوم
سیاست های اجتماعی	فصل چهارم
سیاست های اقتصادی	فصل پنجم
سیاست های قضایی	فصل ششم

## الفصل الأول

# مَبَادِي سَيْرَةِ الْإِمَامِ الْجُكُومِيِّ

١ / ١

## الْعَمَلُ بِكِتَابِ اللَّهِ

١٦٩٠. الكافي: الحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ، عَنِ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْوَشَاءِ، عَنِ أَبِي بصيرٍ، عَنِ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ، قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام - وَأَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ: إِنَّكُمْ أَهْلُ بَيْتِ رَحْمَةِ اخْتَصَّكُمْ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِهَا، فَقَالَ لَهُ:-

كَذَلِكَ نَحْنُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، لَا نُدْخِلُ أَحَدًا فِي ضَلَالَةٍ وَلَا نُخْرِجُهُ مِنْ هُدًى، إِنَّ الدُّنْيَا لَا تَذْهَبُ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ رَجُلًا مِّنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ، يَعْمَلُ بِكِتَابِ اللَّهِ، لَا يَرَى فِيكُمْ مُنْكَرًا إِلَّا أَنْكَرَهُ.

١٦٩١. قرب الإسناد: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى، عَنِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَاءِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ الدُّنْيَا لَا تَذْهَبُ<sup>١</sup> حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ مِنَّا - أَهْلَ الْبَيْتِ - رَجُلًا يَعْمَلُ بِكِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، لَا يَرَى مُنْكَرًا إِلَّا أَنْكَرَهُ.

١. في الأصول الستة عشر: «وَاللَّهِ، لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا...».

## فصل یکم

# بنیادهای سیره حکومتی امام مهدی علیه السلام

۱/۱

## عمل بر کتاب خدا

۱۶۹۰. الکافی - با سندش به نقل از احمد بن عمر - : مردی نزد امام باقر علیه السلام آمد و به ایشان گفت: شما خاندانی هستید که خداوند - تبارک و تعالی - رحمتی ویژه را مختص شما کرده است.

امام علیه السلام به او فرمود: «ما همین گونه‌ایم و ستایش، ویژه خداست. نه کسی را به گمراهی در می‌آوریم و نه کسی را از هدایت بیرون می‌بریم. دنیا از میان نمی‌رود تا آن که خدای تعالی مردی از ما اهل بیت را برانگیزد که به کتاب خدا عمل می‌کند، او هیچ [کار زشتی را میان شما نمی‌بیند، جز آن که انکارش می‌کند].<sup>۱</sup>

۱۶۹۱. قرب الإسناد - با سندش به نقل از احمد بن ابی نصر - : امام رضا علیه السلام فرمود: «دنیا از میان نمی‌رود تا آن که خداوند، مردی از ما اهل بیت را برانگیزد که به کتاب خدای تعالی عمل می‌کند. او [هیچ] کار زشتی را نمی‌بیند، جز آن که انکارش می‌کند». <sup>۲</sup>

۱. الکافی: ج ۸ ص ۳۹۶ ح ۵۹۷ (با سند معتبر)، قرب الإسناد: ص ۳۵۰ ح ۱۲۶۰ (با سند با عبارت مشابه)، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۷۸ ح ۱۸۲.

۲. قرب الإسناد: ص ۳۴۸ ح ۱۲۶۰ (با سند صحیح)، الأصول الستة عشر: ص ۲۱۸ ح ۲۲۰ (به نقل از جابر، از امام باقر علیه السلام)، بحار الأنوار: ج ۴۹ ص ۲۶۶ ح ۸.

١٦٩٢. نهج البلاغه: مِنْ حُطْبَةٍ لَهُ ﷺ يَوْمِي فِيهَا إِلَى ذِكْرِ الْمَلَا حِمِ:

يَعْطِفُ الْهَوَى عَلَى الْهُدَى إِذَا عَطَفُوا الْهُدَى عَلَى الْهَوَى، وَيَعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ.

راجع: ج ٨ ص ٢٧٤ ح ١٥٨٤.

٢ / ١

### إِحْيَاءُ سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَسَيْرَتِهِ

١٦٩٣. كمال الدين: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ وَسِ النَّيْسَابُورِيِّ الْعَطَّارُ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ قُتَيْبَةَ النَّيْسَابُورِيِّ، عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سُلَيْمَانَ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيِّ، عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ ﷺ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِي اسْمُهُ اسْمِي، وَكُنْيَتُهُ كُنْيَتِي، وَشَمَائِلُهُ شَمَائِلِي، وَسُنَّتُهُ سُنَّتِي، يُقِيمُ النَّاسَ عَلَى مِلَّتِي وَشَرِيعَتِي، وَيَدْعُوهُمْ إِلَى كِتَابِ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ، مَنْ أَطَاعَهُ فَقَدْ أَطَاعَنِي، وَمَنْ عَصَاهُ فَقَدْ عَصَانِي، وَمَنْ أَنْكَرَهُ فِي غَيْبَتِي فَقَدْ أَنْكَرَنِي، وَمَنْ كَذَّبَهُ فَقَدْ كَذَّبَنِي، وَمَنْ صَدَّقَهُ فَقَدْ صَدَّقَنِي، إِلَى اللَّهِ أَشْكُو الْمُكَذِّبِينَ لِي فِي أَمْرِهِ، وَالْجَاهِدِينَ لِقَوْلِي فِي شَأْنِهِ، وَالْمُضِلِّينَ لِأَمْنِي عَنْ طَرِيقَتِهِ، «وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ»<sup>١</sup>.

١٦٩٤. نهج البلاغه: مِنْ حُطْبَةٍ لَهُ ﷺ يَوْمِي فِيهَا إِلَى ذِكْرِ الْمَلَا حِمِ: ... وَيُحْيِي مِثَّ الْكِتَابِ

۱۶۹۲. نهج البلاغه - در خطبه‌ای از امیر مؤمنان علیه السلام که در آن به وقایع [آخر الزمان] اشاره می‌کند: - هوس را دنباله‌رو هدایت می‌گرداند، هنگامی که [مردم]، هدایت را دنباله‌رو هوس کرده‌اند، و رأی (نظر) را پیرو قرآن می‌کند، آن گاه که قرآن را پیرو رأی خویش کردند.<sup>۱</sup>

ر.ک: ج ۸ ص ۲۷۵ ح ۱۵۸۴.

۲/۱

## اجرای سنت و سیره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

۱۶۹۳. کمال الدین - با سندش از هشام بن سالم، از امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام: - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «قائم، از فرزندان من است. نام او، نام من، کنیه او کنیه من، اخلاق او اخلاق من، و شیوه او شیوه من است. مردم را به دین و آیین من و امی دارد و آنها را به کتاب خدایم تبارک و تعالی فرا می‌خواند. هر کس از او اطاعت کند، از من اطاعت کرده و هر کس او را معصیت کند، مرا معصیت کرده است و هر کس او را در روزگار غیبتش انکار کند، مرا انکار کرده است و هر کس او را تکذیب کند، مرا تکذیب کرده و هر کس او را تصدیق کند، مرا تصدیق کرده است. از تکذیب کنندگانم در کار او و انکار کنندگان سخنم در باره او و گمراه کنندگان امّتم از راه او، به خداوند، شکایت می‌کنم» و به زودی، ستمکاران خواهند دانست که به چه بازگشتگاهی باز خواهند گشت! <sup>۲</sup>.

۱۶۹۴. نهج البلاغه - در خطبه امیر مؤمنان علیه السلام که در آن به ذکر وقایع [آخر الزمان] اشاره

۱. نهج البلاغه: خطبه ۱۳۸، بحار الأنوار: ج ۳۱ ص ۵۴۹ ح ۵۱.

۲. کمال الدین: ص ۴۱۱ ح ۶، إعلام الوری: ج ۲ ص ۲۲۷، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۷۳ ح ۱۹.



وَالسَّنَّةِ .

١٦٩٥ . الغيبة للنعماني : حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ ، قَالَ : حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكٍ ، قَالَ : حَدَّثَنَا عَبَادُ بْنُ يَعْقُوبَ ، عَنْ يَحْيَى بْنِ يَعْلَى ، عَنْ أَبِي مَرِيَمِ الْأَنْصَارِيِّ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَطَاءٍ ، قَالَ : قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ عليه السلام : أَخْبِرْنِي عَنِ الْقَائِمِ عليه السلام .

فَقَالَ : وَاللَّهِ ، مَا هُوَ أَنَا وَلَا الَّذِي تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْنَاقَكُمْ ، وَلَا يُعْرَفُ وَلَا ذُنُّهُ .

قُلْتُ : بِمَا يَسِيرُ ؟

قَالَ : بِمَا سَارَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله ، هَدَرَ مَا قَبْلَهُ وَاسْتَقْبَلَ .

١٦٩٦ . تهذيب الأحكام : مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ ، عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينِ الْقَلَاءِ ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ ، قَالَ : سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنِ الْقَائِمِ عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ إِذَا قَامَ ، بِأَيِّ سِيرَةٍ يَسِيرُ فِي النَّاسِ ؟

فَقَالَ : بِسِيرَةِ مَا سَارَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله حَتَّى يُظْهَرَ الْإِسْلَامَ .

قُلْتُ : وَمَا كَانَتْ سِيرَةُ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله ؟

قَالَ : أَبْطَلَ مَا كَانَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَاسْتَقْبَلَ النَّاسَ بِالْعَدْلِ ، وَكَذَلِكَ الْقَائِمُ عليه السلام إِذَا قَامَ يُبْطِلُ مَا كَانَ فِي الْهُدْنَةِ مِمَّا كَانَ فِي أَيْدِي النَّاسِ وَيَسْتَقْبِلُ بِهِمُ الْعَدْلَ .

١٦٩٧ . كمال الدين : حَدَّثَنَا الْمُظْفَرُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ الْمُظْفَرِ الْعَلَوِيِّ قَالَ : حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْعُودٍ ، عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْعُودِ الْعِيَّاشِيِّ ، قَالَ : حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ شُجَاعٍ ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى ، عَنْ يُونُسَ ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ ،

می کند - : و آنچه را از قرآن و سنت مرده است، زنده می کند.<sup>۱</sup>

۱۶۹۵. الغیبة، نعمانی - با سندش از عبد الله بن عطا - : به امام باقر علیه السلام گفتم: از قائم به من خبر بده.

فرمود: «به خدا سوگند، من او نیستم و نه کسی که برایش گردن های تان را می کشید. ولادت او [هنوز محقق و] معلوم نیست».

گفتم: شیوه او چیست؟

فرمود: «همان شیوه ای که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رفتار کرد. پیش از خود را دور می افکند و از نو می آغازد».<sup>۲</sup>

۱۶۹۶. تهذیب الأحکام - با سندش به نقل از محمد بن مسلم - : از امام باقر علیه السلام پرسیدم: قائم - که خداوند در فرجش تعجیل کند - هنگامی که قیام می کند، چگونه میان مردم رفتار می نماید؟

فرمود: «همان رفتاری که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله کرد تا اسلام را چیره نماید».

گفتم: رفتار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چه بود؟

فرمود: «آنچه را در جاهلیت بود، باطل کرد و با عدالت ورزی میان مردم، از نو آغاز نمود. قائم علیه السلام نیز همین گونه است. چون قیام کرد، آنچه را به روزگار سازش [با دشمنان] در دست مردم بوده، باطل می کند و با عدالت ورزی میان آنان، از نو آغاز می نماید».<sup>۳</sup>

۱۶۹۷. کمال الدین - با سندش به نقل از ابو بصیر - : امام صادق علیه السلام فرمود: «در صاحب این امر، سنت هایی از پیامبران است: سنتی از موسی بن عمران، سنتی از عیسی، سنتی

۱. نهج البلاغة: خطبة ۱۳۸. بحار الأنوار: ج ۳۱ ص ۵۴۹ ح ۵۱.

۲. الغیبة، نعمانی: ص ۱۶۹ ح ۱۰. بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۱۳۸ ح ۹.

۳. تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۱۵۴ ح ۲۷۰ (با دوسند، یکی صحیح و دیگری موثق). بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۸۱ ح ۱۹۲.

قال: قال أبو عبد الله عليه السلام:

إن في صاحب هذا الأمر سنناً من الأنبياء عليهم السلام: سنّة من موسى بن عمران، وسنّة من عيسى، وسنّة من يوسف، وسنّة من محمد صلوات الله عليهم.

فأما سنّته من موسى بن عمران فخائف يترقّب، وأما سنّته من عيسى فيقال فيه ما قيل في عيسى، وأما سنّته من يوسف فالستّر، يجعل الله بينه وبين الخلق حجاباً، يرونه ولا يعرفونه، وأما سنّته من محمد عليه السلام فيهندي يهداه ويسير بسيرته.

١٦٩٨. الإرشاد: المفضّل بن عمر الجعفي، قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول:

إذا أذن الله عزّ اسمه للقائم في الخروج، صعد المنبر، فدعا الناس إلى نفسه، وناشدهم بالله، ودعاهم إلى حقّه، وأن يسير فيهم بسيرة رسول الله عليه السلام، ويعمل فيهم بعمله.

١٦٩٩. الغيبة للنعماني: أخبرنا عبد الواحد بن عبد الله بن يونس، قال: حدّثنا أحمد بن محمد بن رباح، قال: حدّثنا أحمد بن عليّ الحميري، قال: حدّثني الحسن بن أيوب، عن عبد الكريم بن عمرو، قال: حدّثنا أحمد بن الحسن بن أبان، قال: حدّثنا عبد الله بن عطاء المكي، عن شيخ من الفقهاء - يعني أبا عبد الله عليه السلام - قال: سألته عن سيرة المهديّ كيف سيرته؟

فقال: يصنع كما صنع رسول الله عليه السلام؛ يهدم ما كان قبله كما هدم رسول الله عليه السلام أمر الجاهليّة، ويستأنف الإسلام جديداً.

١٧٠٠. علل الشرائع: حدّثنا أبي رحمة الله قال: حدّثنا سعد بن عبد الله، عن الحسن بن عليّ الكوفي، عن عبد الله بن المغيرة، عن سفيان بن عبد المؤمن الأنصاري، عن

از موسی، و سنتی از محمد. درودهای خدا بر آنان باد!

اما سنتش از موسی بن عمران: بیمناک و همواره چشم انتظار است، و سنتش از عیسی: آنچه در باره عیسی گفته شد، در باره او نیز گفته می شود، و اما سنتش از یوسف: در پشت پرده بودن است که خداوند، میان او و خلقت حجاب می افکند، او را می بینند؛ ولی نمی شناسند، و اما سنت او از پیامبر صلی الله علیه و آله: راه او را می پوید و همان گونه رفتار می کند.<sup>۱</sup>

۱۶۹۸. الإرشاد - به نقل از مفضل بن عمر جعفی -: شنیدم که امام صادق علیه السلام می فرماید: «هنگامی که خداوند - که نامش عزیز باد - به قائم علیه السلام اجازه قیام می دهد، او بر منبر می رود و مردم را به سوی خود می خواند و آنها را به خداوند سوگند می دهد و به سوی حقش فرامی خواند، و میان آنها به سیره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رفتار می کند و به همان شیوه، عمل می نماید».<sup>۲</sup>

۱۶۹۹. الغیبة، نعمانی - با سندش به نقل از عبد الله بن عطاء مکی -: از یکی از بزرگان فقها یعنی امام صادق علیه السلام پرسیدم: سیره امام مهدی علیه السلام چگونه است؟ فرمود: «همان می کند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله کرد. پیش از خود را منهدم می کند، همان گونه که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله کارهای جاهلی را منهدم کرد و او اسلام را از نو جان می بخشد».<sup>۳</sup>

۱۷۰۰. علل الشرائع - با سندش به نقل از جابر، از امام باقر علیه السلام -: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «او او مردی از [خاندان] من است. نام او، نام من است و خداوند، [دین] مرا با او حفظ

۱. کمال الدین: ص ۳۵۰ ح ۴۶، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۲۲۳ ح ۱۰. نیز، ر.ک: کمال الدین: ص ۳۲۹ ح ۱۱ و ص ۴۰۸ ح ۷، الغیبة، نعمانی: ص ۱۶۴ ح ۵.

۲. الإرشاد: ج ۲ ص ۳۸۲، روضة الواعظین: ص ۲۹۰، کشف الغمة: ج ۳ ص ۲۵۴، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۳۷ ح ۷۸. نیز، برای دیدن همه حدیث، ر.ک: همین دانش نامه: ج ۸ ص ۲۹۲ ح ۱۵۹۹.

۳. الغیبة، نعمانی: ۲۳۰ ح ۱۳، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۵۲ ح ۱۰۸.

عَمْرُو بِنِ شِمْرِ، عَن جَابِرٍ، عَن أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: وَهُوَ رَجُلٌ مِنِّي اسْمُهُ كَاسِمِي، يَحْفَظُنِي اللَّهُ فِيهِ وَيَعْمَلُ بِسُنَّتِي، يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا وَنورًا بَعْدَمَا تَمْتَلِي ظُلْمًا وَجورًا وَسوءًا.

١٧٠١. المعجم الأوسط: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سَلَمَةَ، عَن أَبِي الوَاصِلِ، عَن أَبِي الصُّدَيْقِ النَّاجِي، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ يَزِيدَ السَّعْدِيِّ أَحَدِ بَنِي بَهْدَلَةَ، عَن أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ:

يَخْرُجُ رَجُلٌ مِن أُمَّتِي، يَقُولُ بِسُنَّتِي، يُنْزِلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ الْقَطْرَ مِنَ السَّمَاءِ، وَتُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضُ مِنْ بَرَكَتِهَا، تُمَلَأُ الْأَرْضُ مِنْهُ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا، يَعْمَلُ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ سَبْعَ سِنِينَ، وَيُنْزِلُ بَيْتَ الْمَقْدِسِ.

١٧٠٢. الفتن: حَدَّثَنَا الْوَلِيدُ، عَن شَيْخٍ، عَنِ الزُّهْرِيِّ، عَن عُرْوَةَ، عَن عَائِشَةَ، عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ - فِي الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ -: هُوَ رَجُلٌ مِن عِترَتِي، يُقَاتِلُ عَلِيَّ سُنَّتِي كَمَا قَاتَلْتُ أَنَا عَلِيَّ الْوَحِي.

١٧٠٣. الغيبة للطوسي: عَنْهُ<sup>١</sup> عَن أَبِي الْحُسَيْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ الْأَسَدِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرِ الْأَشْعَرِيِّ الْقُمِّيِّ، قَالَ: حَدَّثَنِي يَعْقُوبُ بْنُ يَوْسُفَ الضَّرَابِ الْعَسَائِيُّ - عِنْدَ نَقْلِ مَا فِي الدَّفْتَرِ الَّذِي وَصَلَ إِلَيْهِ مِنَ النَّاحِيَةِ الْمُقَدَّسَةِ -: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ...

وَصَلِّ عَلَى الْخَلْفِ الصَّالِحِ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ الْمُحْيِي سُنَّتِكَ، الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ، الدَّاعِي

می‌کند و او به سنت من، عمل می‌نماید. زمین را از عدل و داد و نور پر می‌کند، پس از آن که از ظلم و ستم و زشتی پر شده است»<sup>۱</sup>.

۱۷۰۱. المعجم الأوسط - با سندش به نقل از ابو سعید خُدَری - : شنیدم که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مردی از اُمَّتِ قیام می‌کند که به سنت من سخن می‌گوید، خداوند، برایش از آسمان، باران فرو می‌فرستد، و زمین، برکت‌هایش را برایش بیرون می‌آورد. زمین از او از عدل و داد پُر می‌شود، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است. هفت سال بر این اُمَّت حکومت می‌کند و در بیت المقدّس فرود می‌آید»<sup>۲</sup>.

۱۷۰۲. الفتن، ابن حمّاد - با سندش به نقل از عایشه - : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله [در باره مهدی علیه السلام] فرمود: «او مردی از خاندان من است. برای سنت من می‌جنگد، همان گونه که من برای وحی جنگیدم»<sup>۳</sup>.

۱۷۰۳. الغیبة، طوسی - با سندش به نقل از یعقوب بن یوسف ضربّاب غسانی، به هنگام نقل از دفتری که از ناحیه مقدّسه به او رسیده بود - : خدایا! بر محمّد، سرور فرستادگان و خاتم پیامبران و حجّت خدای جهانیان، درود فرست ...، و بر جانشین شایسته، راهنمای راه یافته، امام مؤمنان، وارث فرستادگان و حجّت خدای جهانیان، درود فرست ....

خدایا! بر ولّیت، زنده کننده سنتت، قیام کننده به امرت، دعوتگر به سویت، راه‌نما به وجودت، حجّت تو بر مردم، جانشینت در زمینت و گواهدت بر بندگانت، درود فرست.

۱. علل الشرائع: ص ۱۶۱ ح ۲، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۲۹ ح ۲.

۲. المعجم الأوسط: ج ۲ ص ۱۵ ح ۱۰۷۵.

۳. الفتن، ابن حمّاد: ج ۱ ص ۳۷۱ ح ۱۰۹۲، الملاحم و الفتن: ص ۱۷۸ ح ۲۴۱.

إِلَيْكَ، الدَّلِيلَ عَلَيَّكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَيَّ خَلْقِكَ، وَخَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ، وَشَاهِدِكَ عَلَيَّ عِبَادِكَ.

اللَّهُمَّ أَعِزَّنَا نَصْرَهُ، وَمُدِّ فِي عُمُرِهِ، وَزَيَّنِ الْأَرْضَ بِطَوْلِ بَقَائِهِ.

اللَّهُمَّ اكْفِهِ بَغْيَ الْحَاسِدِينَ، وَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ الْكَائِدِينَ، وَادْحَرْ عَنْهُ إِرَادَةَ الظَّالِمِينَ، وَتَخَلَّصْهُ مِنْ أَيْدِي الْجَبَّارِينَ.

اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ، وَذُرِّيَّتِهِ، وَشِعْبَتِهِ، وَرَعِيَّتِهِ، وَخَاصَّتِهِ، وَعَامَّتِهِ، وَعَدُوَّهُ، وَجَمِيعِ أَهْلِ الدُّنْيَا، مَا تَقَرَّرَ بِهِ عَيْنُهُ، وَتَسَرَّرَ بِهِ نَفْسُهُ، وَبَلَغَهُ أَفْضَلَ أَمَلِهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اللَّهُمَّ جَدِّدْ بِهِ مَا مُجِيَ مِنْ دِينِكَ، وَأَحْيِ بِهِ مَا بُدِّلَ مِنْ كِتَابِكَ، وَأَظْهِرْ بِهِ مَا غُيِّرَ مِنْ حُكْمِكَ، حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ غَضًّا جَدِيدًا، خَالِصًا مُخْلِصًا، لَا شَكَّ فِيهِ وَلَا شُبُهَةَ مَعَهُ، وَلَا بَاطِلَ عِنْدَهُ، وَلَا بَدْعَةَ لَدَيْهِ.

اللَّهُمَّ نَوِّرْ بِنُورِهِ كُلَّ ظُلْمَةٍ، وَهُدِّ بِرُكْنِهِ كُلَّ بَدْعَةٍ، وَاهْدِمْ بِعِزَّتِهِ كُلَّ ضَلَالَةٍ، وَاقْصِمْ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ، وَأَخْمِدْ بِسَيْفِهِ كُلَّ نَارٍ، وَأَهْلِكْ بِعَدْلِهِ كُلَّ جَبَّارٍ، وَأَجْرِ حُكْمَهُ عَلَيَّ كُلِّ حُكْمٍ، وَأَذِلَّ لِسُلْطَانِهِ كُلَّ سُلْطَانٍ.

اللَّهُمَّ أَذِلَّ كُلَّ مَنْ نَاوَاهُ، وَأَهْلِكْ كُلَّ مَنْ عَادَاهُ، وَامْكُرْ بِمَنْ كَادَهُ، وَاسْتَأْصِلْ مَنْ جَحَدَ حَقَّهُ وَاسْتَهَانَ بِأَمْرِهِ، وَسَعَى فِي إِطْفَاءِ نُورِهِ، وَأَرَادَ إِخْمَادَ ذِكْرِهِ.<sup>١</sup>

١٧٠٤. الملاحم لابن المنادي: في رواية الأعمش، عن حُثَيْمَةَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، أَنَّ عَلِيَّ بْنَ

١. قال في مصباح المهجد: «دعاء آخر مروى عن صاحب الزمان عليه السلام خرج إلى أبي الحسن الضراب الأصفهاني بمكة، بإسناد لم تذكره اختصاراً».

خدایا! یاری اش را پیروزمندان و عمرش را طولانی قرار ده و زمین را با طول بقایش زینت بخش.

خدایا! از ستم حسودانش [آسوده و] کفایتش کن و از گزند حيله گران پناهش ده و خواسته ستمکاران را [در آزار و کشتن او] از وی دور کن و او را از دست جباران برهان.

خدایا! چیزی در جان و فرزندان و پیروان و مردمان و خاص و عامش و در باره دشمنان و همه اهل دنیا، به او عطا نما که چشمش را روشن و جانش را شادمان کند و او را به برترین آرزویش در دنیا و آخرت برسان؛ که تو بر هر کاری توانایی.

خدایا! آنچه را که از دینت محو شده، به دست او احیا کن و آنچه را که از کتابت تبدیل شده است، به دست او زنده کن و آنچه را که از حکمت دگرگون شده، به دست او آشکار کن تا دینت به وسیله و دست او، نو و تازه، خالص و ناب، بی شک و شبهه و بدون هیچ باطل و بدعتی گردد.

خدایا! هر ظلمتی را با نورش نورانی کن و هر بدعتی را با شوکتش در هم بکوب و هر گمراهی ای را با عزتتش فرو ریز و هر جباری را به دست او در هم شکن و هر آتشی را با شمشیرش خاموش کن و هر جباری را با عدالتش هلاک کن و حکمش را بر هر حکومتی جاری (نافذ) کن و هر سلطانی را در برابر سیطره او خوار کن.

خدایا! هر که را با او رو در رو می شود، خوار بدار و هر که را با او دشمنی می کند، هلاک کن و با هر که با او حيله می کند، حيله کن و هر که حَقش را انکار می کند و امرش را سبک می شمرد و در پی خاموش کردن نور اوست و می خواهد یاد او را فرو بنشانند، از بیخ و بن بر کن.<sup>۱</sup>

۱۷۰۴. الملاحم، ابن منادی - با سندش به نقل از خيشمة بن عبد الرحمان -: امام علی علیه السلام

۱. الثبیتة، طوسی: ص ۲۷۳-۲۷۷ ح ۲۲۸، مصباح المتجهذ: ص ۴۰۶ ح ۵۲۴، جمال الأسبوع: ص ۳۰۴، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۱۷-۲۱ ح ۱۴، نیز، برای دیدن همه حدیث، ر.ک: همین دانش نامه: ج ۶ ص ۲۷۱ ح ۱۰۹۲.



أبي طالب عليه السلام قال:

لِيُخْرِجَنَّ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي، عِنْدَ اقْتِرَابِ السَّاعَةِ، حَتَّى تَمُوتَ قُلُوبُ الْمُؤْمِنِينَ كَمَا تَمُوتُ الْأَبْدَانُ، لِمَا لَحِقَهُمْ مِنَ الضَّرِّ وَالشُّدَّةِ فِي الْجُوعِ وَالْقَتْلِ، وَتَوَاتُرِ الْفِتَنِ وَالْمَلَاجِمِ الْعِظَامِ، وَإِمَاتَةِ السُّنَنِ، وَإِحْيَاءِ الْبَدَعِ، وَتَرْكِ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ. فَيُحْيِي اللَّهُ بِالْمَهْدِيِّ - مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ - السُّنَنَ الَّتِي قَدْ أُمِيتَتْ، وَيَسُرُّ بِعَدْلِهِ وَبِرُكْنِهِ قُلُوبَ الْمُؤْمِنِينَ، وَتَتَأَلَّفُ إِلَيْهِ عُصَبٌ مِنَ الْعَجَمِ وَقَبَائِلٌ مِنَ الْعَرَبِ، فَيَقْبَلُنِي عَلَى ذَلِكَ سِنِينَ لَيْسَتْ بِالكَثِيرَةِ، دُونَ الْعَشْرَةِ ثُمَّ يَمُوتُ.

١٧٠٥. مسند أبي يعلى: حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي النَّضْرِ، حَدَّثَنَا أَبُو النَّضْرِ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْمَرْجِيُّ بْنُ رَجَاءِ الْيَشْكُرِيُّ، حَدَّثَنَا عَيْسَى بْنُ هِلَالٍ، عَنْ بَشِيرِ بْنِ نَهْيِكٍ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا هُرَيْرَةَ يَقُولُ: حَدَّثَنِي حَلِيلِي أَبُو الْقَاسِمِ عليه السلام قَالَ:

لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَخْرُجَ عَلَيْهِمْ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، فَيَضْرِبُهُمْ حَتَّى يَرْجِعُوا إِلَى الْحَقِّ.

١٧٠٦. الكافي: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ حَمَادِ بْنِ عَيْسَى، عَنْ حَرِيزٍ، عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: ...

يَا بُرَيْدُ وَاللَّهِ، مَا بَقِيَتْ لِي حُرْمَةٌ إِلَّا انْتَهَكْتُ، وَلَا عَمَلٌ بِكِتَابِ اللَّهِ وَلَا سُنَّةِ نَبِيِّهِ فِي هَذَا الْعَالَمِ، وَلَا أُقِيمَ فِي هَذَا الْخَلْقِ حَدٌّ مُنْذُ قَبَضَ اللَّهُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ، وَلَا عَمَلٌ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ إِلَى يَوْمِ النَّاسِ هَذَا، ثُمَّ قَالَ: أَمَا وَاللَّهِ، لَا تَذْهَبُ الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِي حَتَّى يُحْيِيَ اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُؤْمِتَ الْأَحْيَاءَ، وَيَزِدَّ اللَّهُ الْحَقَّ إِلَى أَهْلِهِ، وَيُقِيمَ دِينَهُ الَّذِي ارْتَضَاهُ لِنَفْسِهِ وَنَبِيِّهِ، فَأَبْشِرُوا ثُمَّ أَبْشِرُوا ثُمَّ أَبْشِرُوا، فَوَاللَّهِ، مَا

فرمود: «در نزدیکی قیامت، مردی از نسل من خروج می‌کند، آن‌گاه که دل‌های مؤمنان، مانند پیکر آدمیان، از زیان و صدمه و سختی گرسنگی و کشتار و فتنه‌های پیاپی و جنگ‌های بزرگی که ایشان را فرا می‌گیرد و نیز میراندن سنت‌ها و زنده کردن بدعت‌ها و رها کردن امر به معروف و نهی از منکر، می‌میرند. پس خداوند با مهدی، محمد بن عبد الله، سنت‌های مرده را زنده و دل‌های مؤمنان را به عدل و برکت او، شادمان می‌کند و گروه‌هایی از غیر عرب‌ها و برخی قبیله‌های عرب به او می‌پیوندند و او به همین گونه، کمتر از ده سال و نه سال‌های چندان فراوان باقی می‌ماند و سپس رحلت می‌کند».<sup>۱</sup>

۱۷۰۵. مسند ابی یعلی - با سندش به نقل از ابو هریره - : شنیدم دوستم ابو القاسم علیه السلام می‌فرماید: «قیامت برپا نمی‌شود تا آن‌که مردی از خاندانم بر آنها می‌شورد و آنها را می‌زند تا به حق باز گردند».<sup>۲</sup>

۱۷۰۶. الکافی - با سندش به نقل از برید بن معاویه - : شنیدم که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «... ای برید! به خدا سوگند، هیچ حرمتی برای خدا نم‌اند، مگر آن‌که هتک شد و به کتاب خدا و سنت پیامبرش در این دنیا عمل نشد و از روزی که امیر مؤمنان - که درودها و سلام خدا بر او باد - رحلت کرد، هیچ حدی میان این مردم جاری نگردید و تا روزگار مردم کنونی، به چیزی از حق عمل نشد».

سپس فرمود: «به خدا سوگند، روزها و شب‌ها سپری نمی‌شوند تا این‌که خداوند، مردگان را زنده می‌کند و زندگان را می‌میراند و خداوند، حق را به اهلش باز می‌گرداند و دینی را که برای خود و پیامبرش پسندیده است، برپا می‌کند. پس مژده

۱. الملاحم، ابن منادی: ص ۲۱۱، کنز العمال: ج ۱۴ ص ۵۹۱ ح ۳۹۶۷.

۲. مسند ابی یعلی: ج ۶ ص ۱۲۹ ح ۶۶۳۵، تاریخ ابن خلدون: ج ۱ ص ۳۲۱.

الْحَقُّ إِلَّا فِي أَيْدِيكُمْ.

راجع: ج ٢ ص ١٦ ح ١٧٢ و ص ١٢٨ ح ٢٧٠  
ج ٩ ص ٢٦ ح ١٦٥٠.

٣ / ١

## إِحْيَاءُ الْفِيهِ الْإِسْلَامِيَّةِ

الكتاب

«الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَإِلَيْهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»<sup>١</sup>.

الحديث

١٧٠٧. الكافي: الحسين بن محمد الأشعري، عن مَعْلَى بن مُحَمَّدٍ، عَنِ الْوَشَاءِ، عَنِ أَحْمَدَ بنِ

عَائِدٍ، عَنِ أَبِي خَدِجَةَ، عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الْقَائِمِ، فَقَالَ -:

كُنَّا قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ، حَتَّى يَجِيءَ صَاحِبُ السَّيْفِ، فَإِذَا جَاءَ صَاحِبُ السَّيْفِ جَاءَ بِأَمْرِ غَيْرِ الَّذِي كَانَ.

١٧٠٨. رجال الكشي: حَدَّثَنِي حَمْدَوِيهِ بنُ نَصِيرٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بنُ عَيْسَى بنِ عُبَيْدٍ،

قَالَ: حَدَّثَنِي يُونُسُ بنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بنِ زُرَّارَةَ وَمُحَمَّدِ بنِ قَوْلُوِيهِ

وَالْحُسَيْنِ بنِ الْحَسَنِ، قَالُوا: حَدَّثَنَا سَعْدُ بنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنِي هَارُونُ بنُ الْحَسَنِ

بنِ مَجْبُوبٍ، عَنِ مُحَمَّدِ بنِ عَبْدِ اللَّهِ بنِ زُرَّارَةَ وَابْنَيْهِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، عَنِ

دهید، مژده دهید و باز مژده دهید که به خدا سوگند، حق جز در دستان شما نیست»<sup>۱</sup>.

ر.ک: ج ۲ ص ۱۷ ح ۱۷۲ و ص ۱۲۹ ح ۲۷۰

و ج ۹ ص ۲۷ ح ۱۶۵۰.

۳/۱

## احیای ارزش های اسلامی

### قرآن

«کسانی که چون در زمین، توانایی به ایشان دادیم، نماز را برپا داشتند و زکات دادند و به نیکوکاری فرمان دادند و از زشتکاری باز داشتند و فرجام همه کارها، از آن خداوند است».

### حدیث

۱۷۰۷. الکافی - با سندش به نقل از ابو خدیجه - : از امام صادق علیه السلام در باره «قائم» سؤال شد.

فرمود: همه ما، یکی از پی دیگری، قائم به امر خداوندیم، تا این که صاحب

شمشیر بیاید، و چون صاحب شمشیر بیاید، چیزی می آورد که غیر از گذشته

است»<sup>۲</sup>.

۱۷۰۸. رجال الکشی - با سندش به نقل از عبد الله بن زراره - : امام صادق علیه السلام به من فرمود: «...

خدایت رحمت کند! از جایی که فرا خوانده می شوی، به آن جا که فرا خوانده

۱. الکافی: ج ۳ ص ۵۲۸-۵۲۶ ح ۱ (با سند معتبر)، تهذیب الأحکام: ج ۴ ص ۹۷ ح ۲۷۴، بحار الأنوار: ج ۴۱

ص ۱۲۷ ح ۳۶.

۲. الکافی: ج ۱ ص ۵۳۶ ح ۲ (با سند معتبر)، الغنیة، طوسی: ص ۴۷۳ ح ۴۹۴، تأویل الآیات الظاهرة: ج ۱

ص ۴۲۲ ح ۱۳، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۳۲ ح ۵۹.

عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زُرَّارَةَ، قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: ...

أَجِب - رَحِمَكَ اللَّهُ - مِنْ حَيْثُ تُدْعَى إِلَى حَيْثُ تُدْعَى، حَتَّى يَأْتِيَ مَنْ يَسْتَأْنِفُ بِكُمْ دِينَ اللَّهِ اسْتِئْثَانًا.

۱۷۰۹. الإرشاد: رَوَى أَبُو خَدِيجَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عليه السلام جَاءَ بِأَمْرٍ جَدِيدٍ، كَمَا دَعَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فِي بَدْوِ الْإِسْلَامِ إِلَى أَمْرٍ جَدِيدٍ.

۱۷۱۰. الغيبة للنعماني: أَخْبَرَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يُونُسَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ

مُحَمَّدِ بْنِ رِبَاحٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيِّ الْحِمَيْرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ

أَبُوبَ، عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ، قَالَ:

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَطَاءِ الْمَكِّيُّ، عَنْ شَيْخٍ مِنَ الْفُقَهَاءِ - يَعْنِي أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ سِيرَةِ الْمَهْدِيِّ كَيْفَ سِيرَتُهُ؟

فَقَالَ: يَصْنَعُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله، يَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَمْرَ

الْجَاهِلِيَّةِ، وَيَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيدًا.

۱۷۱۱. كفاية الأثر: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ وَهْبَانَ بْنِ مُحَمَّدِ الْبَصْرِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيِّ

الْبَرْزَوَرِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ يَحْيَى الْجَلُودِيُّ بِالْبَصْرَةِ، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ

بْنُ زَكَرِيَّا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَيْسَى بْنِ زَيْدٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي عُمَرُ بْنُ عَبْدِ الْعَفَّارِ، عَنْ أَبِي

بَصِيرٍ، عَنْ حَكِيمِ بْنِ جُبَيْرٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ زَيْدِ بْنِ جِدْعَانَ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ،

عَنْ سَعِيدِ بْنِ مَالِكٍ: أَنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله قَالَ:

يَا عَلِيُّ، أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي، تَقْضِي دِينِي،

وَتُنَجِّزُ عِدَاتِي، وَتُقَاتِلُ بَعْدِي عَلَى التَّوَابِلِ كَمَا قَاتَلْتُ عَلَى التَّنْزِيلِ.

می شوی، برو تا آن که کسی بیاید که دین خدا را دوباره برایتان [بازخوانی و] آغاز کند»<sup>۱</sup>.

۱۷۰۹. الإرشاد - به نقل از ابو خدیجه - : امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که قائم قیام کند، امری نو می آورد، همان گونه که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در آغاز پیدایش اسلام، به امری نو، فرا خواند»<sup>۲</sup>.

۱۷۱۰. الغیبة، نعمانی - با سندش به نقل از عبد الله بن عطاء مکی - : از یکی از بزرگان فقها یعنی امام صادق علیه السلام پرسیدم: سیره مهدی علیه السلام چگونه است؟

فرمود: «همان می کند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله کرد. پیش از خود را منهدم می کند، همان گونه که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله کارهای جاهلی را منهدم کرد و او اسلام را از نو جان می بخشد»<sup>۳</sup>.

۱۷۱۱. کفایة الأثر - با سندش به نقل از سعد بن مالک - : پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ای علی! تو برای من، مانند هارون برای موسی هستی، جز آن که هیچ پیامبری پس از من نیست، بدهی مرا ادا می کنی، وعده های مرا وفا می کنی و پس از من بر تأویل می جنگی، همان گونه که من بر تنزیل [قرآن] جنگیدم.

ای علی! محبت تو، ایمان، و دشمنی تو، نفاق است، و خداوند لطیف خبیر، مرا

۱. رجال الکنتی: ج ۱ ص ۳۴۹-۳۵۲ ح ۲۲۱ (با سندهای فراوان که دو تای آنها صحیح است). بحار الأنوار: ج ۲ ص ۲۴۸ ح ۵۹.

۲. الإرشاد: ج ۲ ص ۳۸۴، کشف الغمّة: ج ۳ ص ۲۵۵، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۳۸ ح ۸۲.

۳. الغیبة، نعمانی: ص ۲۳۰ ح ۱۳ و ص ۲۳۲ ح ۱۷ (به نقل از امام باقر علیه السلام). بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۵۲ ح ۱۰۸.

يا عليُّ، حُبُّكَ إيمانٌ وُبُغْضُكَ نِفاقٌ، وَلَقَدْ تَبَّأَنِي اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ، أَنَّهُ يَخْرُجُ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ تِسْعَةً مِنَ الْأَيْمَةِ مَعْصُومُونَ مُطَهَّرُونَ، وَمِنْهُمْ مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ، الَّذِي يَقُومُ بِالَّذِينَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ كَمَا قُتِمْتُ فِي أَوْلِهِ.

١٧١٢. الغيبة للنعماني: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عُقْدَةَ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ التَّمِيمِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَحْوَايَ مُحَمَّدٌ وَأَحْمَدُ ابْنَا الْحَسَنِ، عَنْ أَبِيهِمَا، عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ، وَعَنْ جَمِيعِ الْكُنَاسِيِّ جَمِيعاً عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ كَامِلٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ دَعَا النَّاسَ إِلَى أَمْرٍ جَدِيدٍ كَمَا دَعَا إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله، وَإِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيباً وَسَيَعُودُ غَرِيباً كَمَا بَدَأَ، فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ.

١٧١٣. الغيبة للنعماني: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يُونُسَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ رَبَاحِ الزُّهْرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ بْنِ عَيْسَى الْحَسَنِيُّ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْبَطَّائِنِيِّ، عَنْ شُعَيْبِ الْحَدَّادِ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: «إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيباً وَسَيَعُودُ كَمَا بَدَأَ، فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ».

فَقَالَ: يَا أبا مُحَمَّدٍ، إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عليه السلام اسْتَأْنَفَ دُعَاءَ جَدِيداً كَمَا دَعَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله. قَالَ: فَقُتِمْتُ إِلَيْهِ وَقَبِلْتُ رَأْسَهُ، وَقُلْتُ: أَشْهَدُ أَنَّكَ إِمَامِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، أُوَالِي وَلِيِّكَ وَأُعَادِي عَدُوَّكَ، وَأَنَّكَ وَلِيُّ اللَّهِ، فَقَالَ: رَحِمَكَ اللَّهُ.

١٧١٤. العدد القوية: رَوَاهُ عَنْ أَبِي هَاشِمٍ، عَنْ مُجَاهِدٍ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَدِمَ يَهُودِيٌّ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يُقَالُ لَهُ: نَعْتَلُ... فَقَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: يَا أبا عُمَارَةَ، أَتَعْرِفُ الْأَسْبَاطَ؟ قَالَ: نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّهُمْ كَانُوا اثْنَيْ عَشْرَةَ. قَالَ: فَمِنْهُمْ لَأَبِي بَنْ أَرْحِيَا، قَالَ: أَعْرِفُهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَهُوَ الَّذِي غَابَ عَنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ سِنِينَ، ثُمَّ عَادَ فَأَظْهَرَ شَرِيعَتَهُ

آگاه کرد که از صلب حسین، نه امام معصوم پاک بیرون می آیند که مهدی این امت، از آنهاست؛ کسی که در آخر الزمان، کار دین را به عهده می گیرد، همان گونه که من در ابتدایش، آن را به عهده گرفتم»<sup>۱</sup>.

۱۷۱۲. الغیبة، نعمانی - با سندش به نقل از کامل -: امام باقر علیه السلام فرمود: «بی تردید، قائم ما چون قیام کند، مردم را به امری نو فرا می خواند، همان گونه که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به سوی آن فرا خواند. اسلام، غریبانه آغاز شد و به زودی نیز غریب می شود، همان گونه که در آغاز بود. پس خوشا به حال غریبان!»<sup>۲</sup>.

۱۷۱۳. الغیبة، نعمانی - با سندش به نقل از ابو بصیر -: به امام صادق علیه السلام گفتم: به من از سخن امیر مؤمنان علیه السلام خبر بده که فرمود: «اسلام، غریبانه آغاز شد و به زودی همان گونه که آغاز شد، [غریب] می شود. پس خوشا به حال غریبان!».

امام علیه السلام فرمود: «ای ابو محمد (ابو بصیر)! هنگامی که قائم قیام کند، دعوت جدیدی می آورد، همان گونه که پیامبر خدا دعوت کرد».

من برخاستم و سر ایشان را بوسیدم و گفتم: گواهی می دهم که تو امام من در دنیا و آخرت هستی. با دوستدار تو، دوستی می ورزم و با دشمنت، دشمنی می کنم و تو ولی خدا هستی.

امام علیه السلام فرمود: «خداوند، رحمت کند!»<sup>۳</sup>.

۱۷۱۴. العدد القویة - با سندش به نقل از ابن عباس -: شخصی یهودی به نام نعتل بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وارد شد.... پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ای ابو عماره! آیا اسباط [بنی اسرائیل] را می شناسی؟».

گفت: آری، ای پیامبر خدا! آنها دوازده تن بودند.

۱. کفایة الأثر: ص ۱۳۴. الصراط المستقیم: ج ۲ ص ۱۱۷، بحار الأنوار: ج ۳۶ ص ۳۳۱ ح ۱۹۰.

۲. الغیبة، نعمانی: ص ۳۲۰ ح ۱، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۶۶ ح ۱۴۷.

۳. الغیبة، نعمانی: ص ۳۲۲ ح ۵ و ص ۳۲۱ ح ۲ (با عبارت مشابه)، تفسیر العیاشی: ج ۲ ص ۲۰۳ ح ۱۱۸، بحار

الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۶۷ ح ۱۵۰.



بَعَدَ دِرَاسَتِهَا، وَقَاتَلَ مَعَ قَرَشِيطَا الْمَلِكِ حَتَّى قَتَلَهُ.

قَالَ عليه السلام: كَائِنٌ فِي أُمَّتِي مَا كَانَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ، حَذَوُ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ وَالْقُدَّةَ بِالْقُدَّةِ<sup>١</sup>، فَإِنَّ الثَّانِيَّ عَشَرَ مِنْ وُلْدِي يَغِيبُ حَتَّى لَا يُرَى، وَيَأْتِي عَلَيَّ أُمَّتِي زَمَنٌ لَا يَبْقَى مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ، وَمِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ، فَحِينَئِذٍ يَأْذَنُ اللَّهُ لَهُ بِالْخُرُوجِ فَيُظْهِرُ الْإِسْلَامَ، وَيُجَدِّدُ الدِّينَ.

ثُمَّ قَالَ عليه السلام: طُوبَى لِمَنْ أَحَبَّهُمْ، وَطُوبَى لِمَنْ تَمَسَّكَ بِهِمْ، فَالْوَيْلُ لِمُبْغِضِهِمْ.

١٧١٥. الغيبة للنعماني: أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ الْبَنْدَنِيحِيُّ، عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى الْعَلَوِيِّ، عَمَّنْ رَوَاهُ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:

كَيْفَ أَنْتُمْ لَوْ ضَرَبَ أَصْحَابُ الْقَائِمِ عليه السلام الْفَسَاطِيطَ<sup>٢</sup> فِي مَسْجِدِ كُوفَانَ، ثُمَّ يَخْرُجُ إِلَيْهِمُ الْمِثَالُ الْمُسْتَأْنَفُ، أَمْرٌ جَدِيدٌ، عَلَى الْعَرَبِ شَدِيدٌ؟!!

١٧١٦. تأويل الآيات الظاهرة: رَوَى عَلِيُّ بْنُ أُسْبَاطٍ، عَنْ أَبِي حَمزَةَ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ﴾<sup>٣</sup>، قَالَ -: إِنَّمَا هُوَ ذَلِكَ دِينُ الْقَائِمِ عليه السلام.

راجع: ص ١٣٨ (إحياء سنة رسول الله عليه السلام وسيرته).

١. القُدَّةُ بِالْقُدَّةِ: أَي كَمَا تَقْدَرُ كُلُّ وَاحِدَةٍ مِنْهُمَا عَلَى قَدْرِ صَاحِبَتِهَا وَتَقَطَعُ، يَضْرِبُ مِثْلًا لِلشَّيْئِينَ يَسْتَوِيَانِ وَلَا يَتَفَاوَتَانِ (النهاية: ج ٤ ص ٢٨ «قذذ»).

٢. الفسائط: ضرب من الأبنية في السفر دون السرادق (النهاية: ج ٣ ص ٤٤٥ «فسط»).

٣. البيئته: ٥.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «لاوی بن ارحیا هم از ایشان بود».

گفت: ای پیامبر خدا! او را می شناسم. او کسی است که چندین سال از میان بنی اسرائیل ناپدید شد و سپس بازگشت و آیین او را پس از کهنه شدنش، پدیدار کرد و با قرشیطای پادشاه جنگید تا او را کشت.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آنچه در بنی اسرائیل روی داده است، در امت من هم روی می دهد، قدم به قدم و مو به مو. [از جمله] دوازدهمین نفر از نسل من، غایب و از دیده ها پنهان می شود و روزگاری بر امتم می آید که از اسلام، جز نامی و از قرآن، جز نشانی باقی نمی ماند. در این هنگام است که خداوند، به او اذن خروج می دهد تا اسلام را آشکار و دین را تجدید کند».

سپس فرمود: «خوشا به حال کسی که آنان را دوست داشته باشد و خوشا به حال کسی که به آنان پیوندد و وای بر دشمنانشان!»<sup>۱</sup>

۱۷۱۵. الغیبة، نعمانی - با سندش به نقل از جعفر بن یحیی، از پدرش - : امام صادق علیه السلام فرمود: «چگونه هستید، آن گاه که یاران قائم، خیمه هایی در مسجد کوفه و نجف بزنند و سیمای جدید [دین] را ارائه دهند؛ کاری نوپدید و بر عرب، سخت و شدید؟!»<sup>۲</sup>

۱۷۱۶. تأویل الآیات الظاهرة - با سندش به نقل از ابو بصیر، در باره سخن خدای صلی الله علیه و آله: «و آن، دین استوار است» - : امام صادق علیه السلام فرمود: «آن، تنها دین قائم علیه السلام است»<sup>۳</sup>.

ر.ک: ص ۱۳۹ (احیای سنت و سیره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله).

۱. العدد القویة: ص ۸۱ ح ۱۴۳، کفایة الأثر: ص ۱۴، بحار الأنوار: ج ۳۶ ص ۲۸۴ ح ۱۰۶.

۲. الغیبة، نعمانی: ص ۳۱۹ ح ۶، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۶۵ ح ۱۴۲.

۳. تأویل الآیات الظاهرة: ج ۲ ص ۸۳۱ ح ۰۲، بحار الأنوار: ج ۲۳ ص ۳۷۰ ح ۴۴.

## تیین برخی از تعبیرات درباره مسابانی حکومتی امام مهدی علیه السلام<sup>۱</sup>

روایات فصل یکم به روشنی نشان می دهند که اساس حکومت امام مهدی علیه السلام عمل به کتاب خدا و سنت پیامبر خدا ﷺ است؛ لیکن در برخی از روایات، گاه تعبیرهایی دیده می شود که ممکن است چیزی غیر این معنا تداعی نماید، مانند: «کتاب جدید»، «سنت جدید»، «امر جدید»، «دعوت جدید» و حتی «اسلام جدید».

این احادیث در این منابع مذکور است:

۱. کتاب الغیبة، نعمانی (م ح ۳۴۰ ق) دوازده حدیث.<sup>۲</sup>

۲. الإرشاد، شیخ مفید (م ۴۱۳ ق) دو حدیث.<sup>۳</sup>

۳. کتاب الغیبة، شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) یک حدیث.<sup>۴</sup>

این احادیث در مصادر دیگر مانند مختصر بصائر الدرجات، کشف النعمة و بحار الأنوار به نقل از منابع بالا آمده اند.

چنان که دیده می شود، بیشتر این احادیث در الغیبة نعمانی روایت شده اند و همه آنها از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نقل شده اند. در مصادر اهل سنت نیز این مضامین دیده نمی شود.

۱. به قلم پژوهشگر ارجمند، حجة الاسلام والمسلمین مهدی مهریزی.

۲. ر.ک: الغیبة، نعمانی: ص ۱۹۴ ح ۱۴ و ص ۲۳۰ ح ۱۳ و ص ۲۳۲ ح ۱۷ و ص ۲۳۳ ح ۱۹ و ص ۲۳۴ ح ۲۲ و ص ۲۶۲ ح ۲۲ و ص ۲۴ و ص ۲۵۵ ح ۱۳ و ص ۳۱۹ ح ۶ و ص ۳۲۰ ح ۱ و ص ۳۲۱ ح ۲ و ص ۳۲۲ ح ۵.

۳. ر.ک: ص ۱۵۳ ح ۱۷۰۹ و ص ۲۴۵ ح ۱۸۰۸.

۴. ر.ک: ص ۱۴۵ ح ۱۷۰۳.

احتمال نقل به معنا در تعدادی از این احادیث، بسیار قوی است و در نتیجه، تعداد این روایت‌ها زیاد نیستند؛ گرچه به جهت کثرت اسناد و طرق و نیز تکثر و تعدد مصادر اولیه، اطمینان به صدور اجمالی این مضامین، حاصل است.

بحث اصلی در باره این احادیث جنبه فقه الحدیثی آنهاست؛ یعنی منظور و مراد از این امور جدید چیست؟ نخست احتمالات مطرح شده در باره این عناوین هفت‌گانه را می‌آوریم و سپس به تحلیل و جمع‌بندی می‌پردازیم.

قابل توجه است که تعبیر «امر جدید»<sup>۱</sup> در هفت حدیث، «کتاب جدید»<sup>۲</sup> در سه حدیث، «قضای جدید»<sup>۳</sup> در دو حدیث، «سنت جدید»<sup>۴</sup> در یک حدیث، «دعای جدید»<sup>۵</sup> در دو حدیث، «استیناف الإسلام جدیداً»<sup>۶</sup> در چهار حدیث، «استیناف»<sup>۷</sup> در یک حدیث، «سلطان جدید»<sup>۸</sup> در یک حدیث و «غضاً جدید»<sup>۹</sup> در یک حدیث آمده است. این نکته نیز گفتنی است که تعبیر «دین جدید» در هیچ حدیثی نیامده است.

#### ۱. امر جدید

در باره این که منظور از «امر جدید» چیست، چند احتمال وجود دارد:

الف - مقصود از «امر جدید» طلب جدید است که شامل طلب فعل و طلب ترک

۱. ر.ک: ص ۱۵۳ ح ۱۷۰۹ و ص ۱۵۵ ح ۱۷۱۲ و ص ۱۵۷ ح ۱۷۱۵ و ص ۲۵۷ ح ۱۸۲۰ و ص ۳۸۵ ح ۱۹۱۳ و ح ۱۹۱۴ و الغیبة، نعمانی: ص ۳۱۹ ح ۶.

۲. ر.ک: ص ۲۵۷ ح ۱۸۲۰ و ص ۳۸۵ ح ۱۹۱۴. الغیبة، نعمانی: ص ۱۹۴ ح ۱۴.

۳. ر.ک: ص ۳۸۵ ح ۱۹۱۴ و ص ۳۸۵ ح ۱۹۱۴.

۴. ر.ک: ص ۳۸۵ ح ۱۹۱۳.

۵. ر.ک: ص ۱۵۵ ح ۱۷۱۳.

۶. ر.ک: ص ۱۴۳ ح ۱۶۹۹ و ص ۲۴۵ ح ۱۸۰۸ و ص ۱۵۳ ح ۱۷۱۰. الغیبة، نعمانی: ص ۳۲۱ ح ۲.

۷. ر.ک: ص ۱۵۱ ح ۱۷۰۸.

۸. ر.ک: ص ۲۵۷ ح ۱۸۲۰.

۹. ر.ک: ص ۱۴۵ ح ۱۷۰۳.

فعل می‌شود؛ یعنی امام زمان علیه السلام مجموعه‌ای از احکام جدید خواهد آورد؛ پس در حقیقت به امر جدید قیام می‌کند.

ب. مقصود از «امر جدید» برنامه فکری و عقیدتی جدید با روش‌های نوین است که در برخی از احادیث به آن اشاره شده است.

ج. مقصود از «امر جدید» امارت، خلافت و امامت است؛ همان‌گونه که در آیه «اولی الامر» به آن اشاره شده است. از آن جا که امارت و خلافت قائم علیه السلام با سایر خلافت‌ها متفاوت است، نسبت به آنها جدید به حساب می‌آید.

د. «امر جدید» اشاره دارد به امور دیگر، یعنی سنت، کتاب، قضا و سلطان که در احادیث آمده و قهراً معنایش نیز معنای همان عناوین است.

ه. مراد از این امر، دانش‌ها و فناوری‌های نوین است که امام مهدی علیه السلام به تمدن بشری اضافه می‌کند.

## ۲. کتاب جدید

در باره منظور از «کتاب جدید» نیز چند احتمال مطرح است:

الف. مقصود، آوردن قرآن جدید باشد، که قطعاً این احتمال باطل است؛ زیرا امت اسلامی اتفاق دارند بر این که در قرآن، نقصان و زیادتی ایجاد نشده و نخواهد شد.

ب. منظور این باشد که امام عصر علیه السلام قرآن را آن‌گونه که در عصر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بوده است می‌آورد؛ یعنی آن را با تقدیم و تأخیر در آیات می‌آورد. این احتمال با قول به این که قرآن به امر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله تدوین شده است، سازگاری ندارد؛ ولی با احادیث دیگری که می‌گویند امام زمان علیه السلام قرآن را به ترتیب نزول تعلیم می‌دهد، هماهنگ است.

ج. ممکن است مراد همان قرآنی باشد که علی بن ابی طالب علیه السلام تدوین کرده

است؛ قرآنی که متنش همین قرآن موجود است؛ ولی در آن، شأن نزول و تفسیر برخی آیات آمده و ناسخ و منسوخ، عام و خاص، مطلق و مقید و برخی امور دیگر مشخص شده است.

د - شاید مقصود از «کتاب جدید» معارف و مفاهیم بلند و والایی است که امام از آیات برداشت می‌کند و به مردم یاد می‌دهد؛ معانی‌ای که آن قدر برای مردم تازه‌گی دارند که گویا او کتابی با مفاهیمی جدید آورده است.

ه - ممکن است مراد احیای بخش‌های مهجور و بدفهمیده‌شدهٔ کتاب باشد؛ بدان معنا که مهدي علیه السلام این موارد مهجور را احیا، و موارد بدفهمیده شده را اصلاح می‌کند و این همه از نظر کمیت و اهمیت به حدی است که می‌توان آن را آوردن کتاب جدید قلمداد کرد.

### ۳. قضای جدید

دربارهٔ قضای جدید نیز چند احتمال به ذهن می‌رسد:

الف - مقصود، برنامه‌های متنوع و پیشرفته برای بشر در عصر ظهور است.

ب - مقصود، داشتن اسلوب جدید در قضاوت و فصل خصومت بین مردم است؛ همان گونه که در احادیث گفته شده که قائم علیه السلام به حکم داوود عمل می‌کند و بی‌نه و دو شاهد عادل نمی‌طلبد.

ج - این که امام برخی از احکام مربوط به قضا و حدود را که قبل از آن و در دورهٔ قبل از ظهور انجام نمی‌شده است، اجرا می‌کند؛ چنان که در برخی احادیث آمده است که مهدي علیه السلام قتل را بر زانی محصن و مانع زکات اجرا می‌کند<sup>۱</sup> و بدون نسب حکم به ارث‌بری می‌دهد.<sup>۲</sup>

۱. ر.ک: ص ۳۵۸ ح ۱۹۱۷ (الکافی).

۲. ر.ک: ص ۳۱۹ ح ۱۸۳۰ و ص ۳۸۷ ح ۱۹۱۵ (الخصال).

#### ۴. سنّت جدید

درباره سنّت جدید نیز می‌توان احتمالاتی در نظر گرفت:

الف - ممکن است مراد از آن احیای سنّت پیامبر باشد، به این معنا که همه سنّت پیامبر در آن روزگار احیا می‌شود؛ چرا که تا آن زمان، برخی احکام همواره مهجور و مطرود مانده‌اند یا همراه با پیرایه‌هایی به آنها عمل می‌شده است.

ب - مراد از سنّت جدید تغییر برخی از آموزه‌ها متناسب با تحولات زندگی بشر در آن دوره، یا تغییر برخی از احکام است؛ مانند احکام ارث که در برخی روایت‌ها نیز به این موضوع اشاره شده است.

ج - مراد از سنّت جدید، اصلاح در فهم آموزه‌های دینی است. روشن است که در دوره‌های مختلف تاریخ اسلام، عالمان دینی تلاش علمی بسیاری برای فهم حقایق دینی به کار بسته‌اند؛ ولی این فهم‌ها همیشه مصاب نبوده است. شاهد این مدعا اختلاف‌نظرهای موجود میان فرقه‌های مختلف اسلام، و حتی اختلافات درون فرقه‌ای میان عالمان هر فرقه است. فتاوی مختلف فقیهان شیعه در مسائل فقهی، نمونه بارز این اختلاف‌هاست.

#### ۵. دعای جدید

تعبیر «دعای جدید» در دو روایت آمده است و احتمال دارد به یکی از معانی زیر باشد:

الف - روش نوین در دعوت؛ یعنی به امر جدیدی دعوت نمی‌شود؛ بلکه چگونگی دعوت، جدید است.

ب - این احتمال نیز هست که منظور دعوت، محتوایی جدید باشد و در این صورت، آن محتوای جدید می‌تواند همان احتمالات ذکر شده در عناوین قبلی باشد؛ یعنی: احکام مهجور مانده دین؛ اصلاح برداشت‌های غلط؛ و تغییر برخی از

احکام متناسب با تحولات زندگی.

### ۶. استیناف الإسلام جدیداً

در بارهٔ این تعبیر نیز دو احتمال قابل طرح است:

الف. این که امام علیه السلام را پس از مهجور ماندن و کنار گذاشته شدن، دوباره زنده می‌کند.

ب. این که ناظر به محتوا باشد؛ یعنی امام عصر علیه السلام، اسلامی نو و مطابق با نیازهای روز ارائه می‌کند.

### ۷. سلطان جدید

در بارهٔ این تعبیر نیز دو احتمال می‌توان طرح کرد:

الف. این که مقصود از سلطان جدید، روش جدیدی در ادارهٔ حکومت و شئون اجتماع باشد که بشر هیچ‌گاه نظیر آن را در هیچ‌گونه‌ای از حکومت‌ها و دولت‌ها ندیده است؛ حکومتی در سطح کل جامعهٔ بشری که به تمام معنا، اسلامی و مطابق با تمدن و پیشرفت بشری است.

ب. این که مقصود، سلطنتی باشد که نسبت به سلطنت‌ها و حکومت‌های پیش از خود جدید است، و در عین حال، تجدیدکنندهٔ حکومت و سلطنت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیز هست.

اینک پس از بیان احتمالات مطرح در معنای تعبیر هشت‌گانه، بر اساس دو اصل مسلم به تحلیل و جمع‌بندی می‌پردازیم.

### اصل اول: توجّه به محکّمات و مسلّمات کتاب و سنت

آیات قرآن و سنت مسلم پیشوایان معصوم دلالت دارد که پیامبر خاتم، و کتاب او آخرین کتاب، و شریعت او تا قیامت پابرجا است؛ برای مثال:



﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ﴾<sup>۱</sup>

از پیش روی و از پشت سرش باطل به سویش نمی‌آید.

بنا بر این آیه، پس از قرآن، کتاب دیگری که آن را از بین ببرد یا کنار بزند، نخواهد آمد.

﴿وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ﴾<sup>۲</sup>

لکن فرستاده خدا و خاتم پیامبران است.

حَلَالٌ مُحَمَّدٍ حَلَالٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَحَرَامُهُ حَرَامٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ<sup>۳</sup>.

حلال محمد ص برای همیشه تا روز قیامت حلال است و حرام او برای همیشه تا روز قیامت حرام است.

### اصل دوم: واقعیت‌های تاریخی جهان اسلام

می‌دانیم در دوره‌های مختلف تاریخ اسلام، همه احکام الهی، آن گونه که تشریح شده، به اجرا در نیامده‌اند. این واقعیت، علت‌های گوناگونی دارد، از قبیل:

الف - مطابق برخی احادیث، بخشی از احکام به سبب نبود شرایط و مقتضیات در عصر معصومان بیان نشده و دانش آنها تنها نزد اهل بیت ع باقی مانده است؛ اما در عصر ظهور همه آن احکام بیان خواهد شد.

ب. بخشی از احکام، به دلیل ضایع شدن کتاب‌ها و احادیث به دست ما نرسیده است؛ اما دانش آنها نزد امام زمان ع موجود است و در عصر ظهور، همه آنها اجرا خواهد شد.

ج - در عصر غیبت، به علت دوری مردم از امام معصوم، عالمان و فقیهان مأمور به استنباط احکام عملی از ادله‌ای هستند که بیشترشان از نظر سند یا دلالت ظنی اند

۱. فصلت: آیه ۴۲.

۲. احزاب: آیه ۴۰.

۳- الکافی: ج ۱ ص ۵۸ ح ۱۹.

خواهند آمد.

هـ - سطح فکر و تعقل مردم در عصر ظهور، بسیار بالاست، از این رو مردمان آن روزگار، آمادگی و قابلیت‌های فوق‌العاده‌ای برای فهم معارف دینی خواهند داشت. در نتیجه، لازم است به انحای مختلف به این خواسته‌های سطح بالا پاسخ داده شود.

بنا بر اصول یاد شده، برداشت‌هایی که با اطمینان می‌توان به این احادیث نسبت داد، چنین است:

۱. شیوه‌هایی نوین در دعوت به دین و دینداری.
۲. احیای اصول، احکام و معارف مهجور و معطل مانده.
۳. تصحیح برداشت‌های ناصواب از کتاب و سنت.
۴. تطبیق برخی از احکام و مقررات با شرایط و تحولات رخ داده در زندگی نوین بشر.

۵. آشنا ساختن بشر با دانش‌ها و اسرار هستی.
- همه این احتمالات با مضامین احادیث مذکور سازگار است و با هیچ اصلی از اصول مسلم و محکم کتاب و سنت در تناقض نیست.
- با این حال، برخی فرقه‌های اسلامی و انحرافی با برداشت‌هایی اشتباه از این احادیث، بر آموزه‌ها و عقاید شیعی خرده گرفته‌اند.
- برای مثال برخی از فرقه‌های اسلامی، بویژه وهابیان، با استناد به این احادیث،

شیعه را متهم کرده‌اند که در انتظار دین جدیدی غیر از اسلام هستند. به این عبارت بنگرید:<sup>۱</sup>

نوشته‌ها و تصریحاتی که در کتب امامیه در مورد این افسانه ساختگی وجود دارد، دلیل بر انسلاخ این امام ساختگی از اسلام می‌باشد؛ چون با دین تازه‌ای خواهد آمد و کتاب دیگری غیر از قرآن خواهد آورد که شاید این خود آرزوی دیرینه بافندگان این جعلیات می‌باشد تا شاید بتوانند مردم را فریفته و اسلام را به نام اسلام و آل بیت ویران کنند.

نعمانی از ابو جعفر جعل می‌کند که: «قائم قیام می‌کند به دستوری نو و کتابی جدید و حکمی جدید که بر اعراب بسی سختگیر است و با آنها جز شمشیر نمی‌شناسد و توبه نمی‌پذیرد».<sup>۲</sup>

و طوسی با تأیید این مطلب از ابو عبد الله جعل می‌کند که: «قائم به امری غیر از آنچه بوده است قیام می‌کند».<sup>۳</sup>

از سوی دیگر، بهایبان بر این باورند که اسلام، دین حق و از جانب خدا بود؛ اما بابی‌گری آن را نسخ کرد. آنان برای اثبات این ادعا به فرازهایی از قرآن و احادیث هم استناد می‌کنند. احادیث دعوت به امر جدید و کتاب جدید، در زمره مستندات آنان برای اثبات این دعوی است.<sup>۴</sup>

میرزا ابوالفضل گلپایگانی در کتاب فرائد خود به این مسئله پرداخته است:

اهل بهاء را عقیدت این است که جمیع صحف الهیه و کتب سماویه که در عالم موجود است بر این بشارت عظیمه ناطق و متفق است که در آخرالزمان، به سبب طلوع دو نثر اعظم در سماء امر الله، عالم رتبه بلوغ یابد و دوره اوهام و خرافات طی شود و ظلمت اختلافات دینیه و مذهبیّه از عالم زایل گردد و جهان بر کلمه

۱. مولود مسعود یا مهدی موعود، ص ۲۳ به نقل از عبد الرحیم ملازاده.

۲. ر.ک: ص ۳۸۵ ح ۱۹۱۴ و ۱۹۱۳.

۳. «إذا قام القائم جاء بأمر غیر الذی کان» (ر.ک: الغیبه، طوسی: ص ۴۷۳ ح ۴۹۴، همین دانش‌نامه: ج ۷ ص ۷۸ ح ۱۶۷۸).

۴. ر.ک: ص ۱۵۶ - ۱۵۰.

واحد و دین واحد استقرار یابد... در تورات مقدس از این یوم عظیم و قرن فخیم «یوم الرّب» و «یوم الله» و از این دو ظهور کریم به «نزول ایلای نبی» یعنی الیاس و «ظهور الله» تعبیر یافته و در انجیل جلیل به «یوم الرب» و «یوم الملکوت» و از دو ظهور به «رجعت یحیی» و «نزول ثانی حضرت روح الله از سماء» و در قرآن مجید «یوم الله» و «یوم الجزاء» و «یوم الحسرة» و «یوم التلاق» و «قیامت» و «ساعة» و امثالها و در احادیث نبویه که مبین آیات قرآنی است از ظهور اول، «ظهور مهدی» و از ظهور ثانی، «قیام روح الله» و در احادیث ائمه هدی از ظهور اول، «ظهور قائم» و از ظهور ثانی، «ظهور حسینی» معبر گشته... مقصود کل، اخبار از ورود دو یوم عظیم است و دو ظهور کریم. «عباراتنا شتی و حُشْنُک واحد».<sup>۱</sup>

اکنون از احادیث وارده از طرق اهل تسنن و اهل تشیع سخن گوئیم و ببینیم که آیا قائم موعود به اقتضای ربوبیتی که حقّ جلّ جلاله در کتب سماویّه حضرتش را به آن وصف فرموده قادر بر تشریح شریعت جدیده هست و یا آن که به اقتضای منصب نیابت و امامتی که علمای اسلام به آن حضرت بخشیده‌اند قادر بر ایجاد دین تازه و تشریح شریعت جدیده نیست.<sup>۲</sup>

با توجه به اصول مسلم و محکّمات کتاب و سنّت، و تفسیری که از احادیث صورت گرفت، هر دو ادّعا باطل است. نه شیعیان ادّعای دین جدید و کتاب جدید دارند، و نه دعوای بهاییان از این احادیث برمی آید.

۱. فرائد: ص ۸.

۲. همان: ص ۲۸۹.

## الفصل الثاني

# أَهْمُ السِّيَاسَاتِ الْمَصْبُورَةِ

١ / ٢

## مُكَافَأَةُ الْجَبَّارِ

١٧١٧. الاختصاص : حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ مَعْقِلٍ ، قَالَ : حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَاصِمٍ ، قَالَ : حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْزُوقٍ ، عَنْ عَامِرِ السَّرَّاجِ ، عَنْ سُفْيَانَ الثَّوْرِيِّ ، عَنْ قَيْسِ بْنِ مُسْلِمٍ ، عَنْ طَارِقِ بْنِ شِهَابٍ : سَمِعْتُ حُذَيْفَةَ يَقُولُ : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ : إِذَا كَانَ عِنْدَ خُرُوجِ الْقَائِمِ ، يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ : أَيُّهَا النَّاسُ ! قَطَعَ عَنكُمْ مِدَّةَ الْجَبَّارِينَ ، وَوَلِيَ الْأَمْرَ خَيْرُ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ فَالْحَقُوا بِمَكَّةَ .

١٧١٨. عقد الدرر : عَنْ حُذَيْفَةَ ، قَالَ : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ : وَيَحْ هَذِهِ الْأُمَّةُ مِنْ مُلُوكِ جَبَابِرَةٍ ، كَيْفَ يَقْتُلُونَ وَيُخَيِّفُونَ الْمُطِيعِينَ إِلَّا مَنْ أَظْهَرَ طَاعَتَهُمْ ! فَالْمُؤْمِنُ التَّقِيُّ يُصَانِعُهُمْ بِلِسَانِهِ وَيَفْرِئُ مِنْهُمْ بِقَلْبِهِ . فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُعِيدَ الْإِسْلَامَ عَزِيزًا ، فَصَمَّ كُلَّ جَبَّارٍ ، وَهُوَ الْقَادِرُ عَلَى مَا يَشَاءُ أَنْ يُصْلِحَ أُمَّةً بَعْدَ فُسَادِهَا .

فَقَالَ ﷺ : يَا حُذَيْفَةَ ، لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ ، لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى

## فصل دوم

# سرنوشت سازترین سیاست

۱ / ۲

### مبارزه با متکبران

۱۷۱۷. الاختصاص - با سندش به نقل از حذیفه - شنیدم که پیامبر خدا ﷺ می فرماید: «آن گاه که وقت خروج قائم می شود، منادی ای از آسمان ندا می دهد: "ای مردم! مدت حکومت جبّاران بر شما، به پایان رسید و بهترین فرد امت محمد، حکومت را به دست گرفته است. پس به مکه بروید"»<sup>۱</sup>.

۱۷۱۸. عقد الدرر - به نقل از حذیفه - شنیدم که پیامبر خدا ﷺ می فرماید: «وای بر این امت از پادشاهان متکبر، که چگونه می کشند و مطیعان را می ترسانند، جز آن را که اطاعت از ایشان را آشکار کرده باشد! مؤمن در تقیه با آنها، به زبان می سازد و به دل می گریزد. هنگامی که خدای ﷻ بخواهد اسلام را دوباره عزت دهد، هر [پادشاه] متکبری را در هم می کوبد و او بر آنچه بخواهد، تواناست و می تواند امت را از پس تباهی، به سامان آورد.

ای حذیفه! اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند، آن روز را چنان

۱. الاختصاص: ص ۲۰۸، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۰۴ ح ۷۳. نیز، برای دیدن همه حدیث، رک: همین دانش نامه: ص ۳۷۷ ح ۱۹۰۶.

يَمْلِكُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، تَجْرِي الْمَلَا حِمٌ<sup>١</sup> عَلَى يَدَيْهِ، وَيُظْهِرُ الْإِسْلَامَ، لَا يُخْلِفُ وَعْدَهُ، وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ.

٢ / ٢

## إِحْيَاءُ الْأَرْضِ بِالْعَدْلِ

أ - مَا رَوَى عَنِ النَّبِيِّ ص

١٧١٩. سنن أبي داود: حَدَّثَنَا عُثْمَانُ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ، ثنا الْفَضْلُ بْنُ دُكَيْنٍ، ثنا فِطْرٌ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ أَبِي بَرَّةَ، عَنْ أَبِي الطُّفَيْلِ، عَنْ عَلِيِّ ع، عَنِ النَّبِيِّ ص، قَالَ: لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدَّهْرِ إِلَّا يَوْمٌ، لَبَعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي<sup>٢</sup> يَمْلُؤُهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا.

١٧٢٠. سنن أبي داود: حَدَّثَنَا مُسَدَّدٌ، أَنْ عُمَرَ بْنَ عُبَيْدٍ حَدَّثَهُمْ [ح]، وَحَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْعَلَاءِ، حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ - يَعْنِي ابْنَ عَيَّاشٍ - [ح]، وَحَدَّثَنَا مُسَدَّدٌ، حَدَّثَنَا يَحْيَى، عَنْ سُفْيَانَ [ح]، وَحَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، حَدَّثَنَا عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى، أَخْبَرَنَا زَائِدَةُ، [ح]، وَحَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، حَدَّثَنِي عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى عَنْ فِطْرِ، الْمَعْنَى وَاحِدٌ، كُلُّهُمْ عَنْ عَاصِمٍ، عَنْ زُرِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ النَّبِيِّ ص، قَالَ: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ» قَالَ زَائِدَةُ فِي حَدِيثِهِ: «لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ» - ثُمَّ اتَّفَقُوا: - «حَتَّى يَبْعَثَ فِيهِ رَجُلًا مِثِّي»... زَادَ فِي حَدِيثِ فِطْرِ: «يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا».

وَقَالَ فِي حَدِيثِ سُفْيَانَ: «لَا تَذْهَبُ - أَوْ لَا تَنْقُضِي - الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِكَ الْعَرَبَ

١. الملاحم: جمع ملحمة: وهي الحرب وموضع القتال (النهاية: ج ٤ ص ٢٣٩ «لحم»).

٢. في مسند ابن حنبل: «رجلاً منا» بدل «رجلاً من أهل بيتي».

طولانی می‌کند تا مردی از خاندان من به حکومت رسد و جنگ‌ها به دست او اتفاق می‌افتند و اسلام، چیره می‌شود. [خداوند] خلف وعده نمی‌کند و او حسابرسی سریع است»<sup>۱</sup>.

۲ / ۲

## زنده کردن زمین با عدالت

### الف - احادیث پیامبر ﷺ

۱۷۱۹. سنن ابی داوود - با سندش به نقل از ابو الطفیل از امام علی علیه السلام :- پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر از روزگار، جز یک روز نمانده باشد، خداوند، مردی از خاندان مرا بر می‌انگیزد تا زمین را از عدل پر کند، همان‌گونه که از ستم پر شده است»<sup>۲</sup>.

۱۷۲۰. سنن ابی داوود - با چند طریق، به نقل از عبدالله :- پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر جز یک روز از دنیا باقی نمانده باشد، خداوند، آن روز را چنان طولانی می‌کند تا<sup>۳</sup> مردی را از من می‌انگیزد...، که زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همان‌گونه که از ظلم و ستم پر شده است»<sup>۴</sup>.

۱. عقد الدرر: ص ۶۲، کنف الغمّة: ج ۳ ص ۲۶۲، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۸۳.

۲. سنن ابی داوود: ج ۴ ص ۱۰۷ ح ۴۲۸۳، مسند ابن حنبل: ج ۱ ص ۲۱۳ ح ۷۷۳ (به نقل از حجاج)، المصنّف، ابن ابی شیبیه: ج ۸ ص ۶۷۸ ح ۱۹۴، کنز العمال: ج ۱۴ ص ۲۶۷ ح ۳۸۶۷۵، المهدي المنتظر فی ضوء الأحادیث و الآثار الصحیحة: ص ۲۳۳، العمدة: ص ۴۳۳ ح ۹۰۸، کنف الغمّة: ج ۳ ص ۲۲۷، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۱۰۲ ح ۳۹.

۳. عبارت: «خداوند، آن روز را چنان طولانی می‌کند تا»، تنها در نقل زائد یکی از روایان حدیث، آمده است.

۴. عبارت اخیر: «که زمین را از عدل...»، تنها در نقل فطر، یکی دیگر از روایان حدیث، آمده است.

۵. سنن ابی داوود: ج ۴ ص ۱۰۶ ح ۴۲۸۲، المعجم الأوسط: ج ۲ ص ۵۵ ح ۱۲۳۳ و لیس فی ذیل من «حدیث سفیان»، کنز العمال: ج ۱۴ ص ۲۶۷ ح ۳۸۶۷۶، المهدي المنتظر فی ضوء الأحادیث و الآثار الصحیحة: ص ۲۶۲.



رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يُوَاطِئُ اسْمَهُ اسْمِي».

١٧٢١. صحیح ابن حبان: أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْمُثَنَّى، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو خَيْمَةَ، قَالَ: حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ سَعِيدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَوْفٌ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الصَّدِّيقِ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ، عَنِ النَّبِيِّ ﷺ: قَالَ: لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَمْتَلِئُ الْأَرْضُ ظُلْمًا وَعُدْوَانًا، ثُمَّ يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي - أَوْ عِترَتِي - فَيَمْلُؤُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَعُدْوَانًا.

١٧٢٢. صحیح ابن حبان: أَخْبَرَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ بَسْطَامٍ بِالْأَبْلَةِ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ عَلِيٍّ بْنِ بَحْرِ، قَالَ: حَدَّثَنَا ابْنُ مَهْدِيٍّ، عَنْ سُفْيَانَ، عَنْ عَاصِمٍ، عَنْ زُرَّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَمْلِكَ النَّاسَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي... فَيَمْلُؤُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا.

١٧٢٣. صحیح ابن حبان: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْعَبَّاسِ الْمَرْوَزِيُّ بِالْبَصْرَةِ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَرْفَةَ، قَالَ: حَدَّثَنَا هَاشِمُ بْنُ الْقَاسِمِ، قَالَ: حَدَّثَنَا شَيْبَانُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ مَطْرِ الْوَرَّاقِ، عَنْ أَبِي الصَّدِّيقِ النَّاجِي، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ، قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي أَقْنَى، ١ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ قَبْلَهُ ظُلْمًا.

١٧٢٤. مسند ابن حنبل: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ، حَدَّثَنِي أَبِي، ثنا عَبْدُ الصَّمَدِ، ثنا حَمَّادُ بْنُ سَلَمَةَ، أَنَا مُطْرِفُ الْمُعَلِّي، عَنْ أَبِي الصَّدِّيقِ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

تَمْلَأُ الْأَرْضَ ظُلْمًا وَجَوْرًا، ثُمَّ يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ عِترَتِي يَمْلِكُ سَبْعًا أَوْ تِسْعًا،

۱۷۲۱. صحیح ابن حبان - با سندش به نقل از ابو سعید خدری - : پیامبر ﷺ فرمود: «قیامت برپا نمی‌شود تا آن که زمین از ظلم و عدوان پر شود و سپس مردی از خاندانم - یا عترتم - قیام کند و آن را از عدل و داد پر کند، همان گونه که از ظلم و عدوان پر شده است»<sup>۱</sup>.

۱۷۲۲. صحیح ابن حبان - با سندش به نقل از عبد الله - پیامبر خدا ﷺ فرمود: «قیامت برپا نمی‌شود تا آن که مردی از خاندانم فرمان‌روای مردم شود ... و او زمین را از عدل و داد پر کند»<sup>۲</sup>.

۱۷۲۳. صحیح ابن حبان - با سندش به نقل از ابو سعید - : پیامبر خدا ﷺ فرمود: «قیامت برپا نمی‌شود تا آن که مردی با بینی کشیده از خاندانم فرمان‌روا شود. او زمین را از عدل پر کند، همان گونه که پیش از آن، از ظلم پر شده است»<sup>۳</sup>.

۱۷۲۴. مسند ابن حنبل - با سندش به نقل از ابو سعید - : پیامبر خدا ﷺ فرمود: «زمین از ظلم و ستم پر می‌شود و سپس مردی از خاندانم قیام می‌کند که هفت یا نه سال فرمان‌روایی می‌کند و زمین را از عدل و داد پر می‌نماید»<sup>۴</sup>.

۱. صحیح ابن حبان: ج ۱۵ ص ۲۳۶ ح ۶۸۲۳، المستدرک علی الصحیحین: ج ۴ ص ۶۰۰ ح ۸۶۶۹، مسند ابن حنبل: ج ۴ ص ۷۳ ح ۱۱۳۱۳، مسند ابی یعلی: ج ۱ ص ۴۶۳ ح ۹۸۳، کنز العمال: ج ۱۴ ص ۲۷۱ ح ۳۸۶۹۱، المهدی المنتظر فی ضوء الأحادیث و الآثار الصحیحة: ص ۳۱۲، دلائل الإمامة: ص ۴۶۷ ح ۴۵۳.

۲. صحیح ابن حبان: ج ۱۵ ص ۲۳۶ ح ۶۸۲۴، المهدی المنتظر فی ضوء الأحادیث و الآثار الصحیحة: ص ۲۶۹.

۳. صحیح ابن حبان: ج ۱۵ ص ۲۳۸ ح ۶۸۲۶، مسند ابن حنبل: ج ۴ ص ۳۶ ح ۱۱۱۳۰، کنز العمال: ج ۱۴ ص ۲۷۰ ح ۳۸۶۹۰، المهدی المنتظر فی ضوء الأحادیث و الآثار الصحیحة: ص ۲۹۷.

۴. مسند ابن حنبل: ج ۴ ص ۵۶ ح ۱۱۲۲۳، المهدی المنتظر فی ضوء الأحادیث و الآثار الصحیحة: ص ۳۰۲.

فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا.

١٧٢٥. المستدرک علی الصحیحین : حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، ثنا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ الصَّغَانِيُّ، ثنا عَمْرُو بْنُ عَاصِمٍ الْكِلَابِيُّ، ثنا عِمْرَانُ الْقَطَّانُ، ثنا قَتَادَةُ عَنْ أَبِي نَضْرَةَ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ، قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْمَهْدِيُّ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ؛ أَشْمُ الْأَنْفِ، أَقْنَى أَجْلَى، يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا، يَعِيشُ هَكَذَا - وَبَسَطَ يَسَارَهُ وَإِصْبَعَيْنِ مِنْ يَمِينِهِ الْمُسَبَّحَةَ وَالْإِبْهَامَ وَعَقَدَ ثَلَاثَةً -.

١٧٢٦. المستدرک علی الصحیحین : سُفْيَانُ الثَّوْرِيُّ وَشُعْبَةُ وَزَائِدَةُ وَغَيْرُهُمْ مِنْ أَيْمَةِ الْمُسْلِمِينَ، عَنْ عَاصِمِ بْنِ بَهْدَلَةَ، عَنْ زُرَّارِ بْنِ حُبَيْشٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ، عَنْ النَّبِيِّ ﷺ، أَنَّهُ قَالَ:

لَا تَذْهَبُ الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِي حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي... فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا.

١٧٢٧. حلیة الأولیاء : حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ خَلَادٍ، قَالَ: ثنا الحارثُ بْنُ أَبِي أُسَامَةَ، قَالَ: ثنا هُوْدَةُ، قَالَ: ثنا عَوْفُ الْأَعْرَابِيِّ، عَنْ أَبِي الصِّدِّيقِ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ، قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَتَمْلَأَنَّ الْأَرْضُ ظُلْمًا وَعُدْوَانًا، ثُمَّ لِيُخْرِجَنَّ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي - أَوْ قَالَ: مِنْ عِتْرَتِي - مَنْ يَمْلُؤُهَا قِسْطاً وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَعُدْوَانًا.

مشهور من حدیثِ اَبی الصِّدِّیقِ، عَنْ اَبی سعید، ورواه من التابعین عَنْ اَبی الصِّدِّیقِ مطر الوَرَّاق، و عنه حمَّاد بن زید.

١٧٢٨. المعجم الكبير : حَدَّثَنَا أَبُو عَامِرٍ النَّحْوِيُّ، ثنا سُلَيْمَانُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الدَّمَشْقِيُّ، ثنا

۱۷۲۵. المستدرک علی الصحیحین - با سندش به نقل از ابو سعید - : پیامبر خدا ﷺ فرمود:

«مهدی از ما اهل بیت است، با بینی کشیده، بلند و خوش سیما. او زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است و این مدت زندگی [و فرمان‌روایی] می‌کند» و دست چپش و نیز دو انگشت شست و اشاره دست راست را گشود و سه انگشت دیگر را بسته نگاه داشت [و عدد هفت را نشان داد].<sup>۱</sup>

۱۷۲۶. المستدرک علی الصحیحین - با چند طریق، به نقل از عبد الله بن مسعود - : پیامبر ﷺ

فرمود: «شب‌ها و روزها نمی‌روند تا آن که مردی از خاندانم فرمان‌روا شود... او زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است».<sup>۲</sup>

۱۷۲۷. حلیة الأولیاء - با سندش به نقل از ابو سعید - : پیامبر خدا ﷺ فرمود: «زمین از ظلم و

عدوان، پر خواهد شد و سپس مردی از خاندانم - یا عترتم - قیام خواهد کرد که آن را از عدل و داد پر می‌کند، همان گونه که از ظلم و عدوان پر شده است».

این حدیث به چند طریق به ابو الصدیق (راوی از ابو سعید) می‌رسد و از این نظر، مشهور است و از تابعیان، مطر و راق و حماد بن زید، آن را از ابو الصدیق روایت کرده‌اند.<sup>۳</sup>

۱۷۲۸. المعجم الکبیر - با سندش به نقل از جد قیس بن جابر صدقی - : پیامبر خدا ﷺ فرمود:

«پس از من خلفایی و پس از آنها امیرانی و پس از امیران، پادشاهانی و پس از

۱. المستدرک علی الصحیحین: ج ۴ ص ۶۰۰ ح ۸۶۷۰، المهدی المنتظر فی ضوء الأحادیث و الآثار الصحیحة: ص ۱۶۶.

۲. المستدرک علی الصحیحین: ج ۴ ص ۴۸۹ ذیل ح ۸۳۶۴، المعجم الکبیر: ج ۱۰ ص ۱۳۶ ح ۱۰۲۲۷ و ص ۱۳۵ ح ۱۰۲۲۵، المهدی المنتظر فی ضوء الأحادیث و الآثار الصحیحة: ص ۲۶۹.

۳. حلیة الأولیاء: ج ۳ ص ۱۰۱ الرقم ۲۲۲، کنز العمال: ج ۱۴ ص ۲۶۶ ح ۳۸۶۷۰، المهدی المنتظر فی ضوء الأحادیث و الآثار الصحیحة: ص ۲۰۶، کشف الغمّة: ج ۳ ص ۲۶۱، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۸۲ ح ۲۷.

حُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ الْكِنْدِيُّ مَوْلَى جَرِيرٍ، عَنِ الْأَوْزَاعِيِّ، عَنِ قَيْسِ بْنِ جَابِرِ الصَّدْفِيِّ، عَنِ أَبِيهِ، عَنِ جَدِّهِ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي خُلَفَاءُ، وَمِنْ بَعْدِ الْخُلَفَاءِ أُمَرَاءُ، وَمِنْ بَعْدِ الْأُمَرَاءِ مُلُوكٌ، وَمِنْ بَعْدِ الْمُلُوكِ جَبَابِرَةٌ، ثُمَّ يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا، ثُمَّ يُؤَمِّرُ الْفَحْطَانِيَّ، فَوَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ مَا هُوَ دُونَهُ.

١٧٢٩. المعجم الأوسط: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُثْمَانَ بْنِ أَبِي شَيْبَةَ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عِمْرَانَ بْنِ أَبِي كَيْلِيٍّ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْمُطَّلِبُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ لَيْثٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ حُسَيْنٍ، عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ، قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

يَسِيرُ مَلِكُ الْمَشْرِقِ إِلَى مَلِكِ الْمَغْرِبِ فَيَقْتُلُهُ، ثُمَّ يَسِيرُ مَلِكُ الْمَغْرِبِ إِلَى مَلِكِ الْمَشْرِقِ فَيَقْتُلُهُ، فَيَبْعَثُ جَيْشًا إِلَى الْمَدِينَةِ فَيُخَسَفُ بِهِمْ، ثُمَّ يَبْعَثُ جَيْشًا فَيُسَبِي نَاسًا مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ، فَيَعُوذُ عَائِدٌ بِالْحَرَمِ، فَيَجْتَمِعُ النَّاسُ إِلَيْهِ كَالطَّائِرِ الْوَارِدَةِ الْمُتَفَرِّقَةِ، حَتَّى تَجْمَعَ إِلَيْهِ ثَلَاثُمِئَةٌ وَأَرْبَعٌ عَشَرَ، فِيهِمْ نِسْوَةٌ، فَيُظْهَرُ عَلَى كُلِّ جَبَّارٍ وَابْنِ جَبَّارٍ، وَيُظْهَرُ مِنَ الْعَدْلِ مَا يَتَمَنَّى لَهُ الْأَحْيَاءُ أَمْوَاتِهِمْ، فَيَحْيَا سَبْعَ سِنِينَ، فَإِنْ زَادَ سَاعَةً فَأَرْبَعٌ عَشْرَةَ، ثُمَّ مَا تَحْتَ الْأَرْضِ خَيْرٌ مِمَّا فَوْقَهَا.

١٧٣٠. عقد الدرر: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي، اسْمُهُ كَاسِمِي وَكُنْيَتُهُ كَكْنِيَّتِي، يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا<sup>٢</sup>.

١. كذا في المصدر، ولعلّ الصواب: «كالطير».

٢. قال في تذكرة الخواص بعد نقل الحديث: فذلك هو المهدي وهذا حديث مشهور.

پادشاهان، جبارانی روی کار می آیند و سپس مردی از اهل بیتم قیام می کند و زمین را از عدالت پر می کند، همان گونه که از ستم پر شده است. سپس قحطانی به حکومت می رسد، که سوگند به آن که مرا به حق مبعوث کرد، بعد از او چیزی نیست [و قیامت فرا می رسد].<sup>۱</sup>

۱۷۲۹. المعجم الأوسط - با سندش به نقل از ام سلمه -: پیامبر خدا ﷺ فرمود: «فرمانروای شرق به سوی فرمانروای غرب می رود و او را می کشد. سپس فرمانروای غرب به سوی فرمانروای شرق رفته، او را می کشد و لشکری را به مدینه روانه می کند که به زمین فرو می روند. آن گاه لشکری را روانه می کند که گروهی از اهل مدینه را اسیر می کنند و پناهنده ای بر حرم [مکه] پناه می برد و مردم مانند پرنندگان پراکنده از هر سو آمده، به گرد او جمع می شوند تا آن که سیصد و چهار ده تن به گردش فرا هم می آیند که زنانی هم میان آنان هستند و بر هر گردنکشی و فرزند گردنکشی چیره می شود و چنان عدالتی از خود نشان می دهد که زندگان آرزو می کنند مردگانشان بیایند و آن را ببینند، و او هفت سال زنده می ماند و اگر بیشتر شود، چهارده سال [زنده می ماند] و آن گاه زیر زمین بودن، بهتر از روی آن بودن است».<sup>۲</sup>

۱۷۳۰. عقد الدرر - به نقل از عبد الله بن عمر -: پیامبر خدا ﷺ فرمود: «در آخر الزمان، مردی از فرزندانم قیام می کند که نامش، مانند نام من و کنیه اش مانند کنیه من است. زمین را از عدالت پر می کند، همان گونه که از ظلم پر شده است».<sup>۳</sup>

۱. المعجم الكبير: ج ۲۲ ص ۲۷۴ ح ۹۳۷، تاریخ دمشق: ج ۶۱ ص ۱۹۵ ح ۱۲۵۹۹، کنز العمال: ج ۱۴ ص ۲۴۵ ح ۳۸۶۶۷، المهدي المنتظر في ضوء الأحاديث والآثار الصحيحة: ص ۳۳۷.  
 ۲. المعجم الأوسط: ج ۵ ص ۳۳۴ ح ۵۴۷۳.  
 ۳. عقد الدرر: ص ۳۲، تذكرة الخواص: ص ۳۶۳.

١٧٣١. کمال الدین : حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ أَحْمَدُ بْنُ ثَابِتٍ الدَّوَالِبِيُّ بِمَدِينَةِ السَّلَامِ، قَالَ : حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْفَضْلِ التَّحَوِيُّ، قَالَ : حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الصَّمَدِ الْكُوفِيُّ، قَالَ : حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَاصِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى، عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ<sup>١</sup>، عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام، قَالَ :

دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَعِنْدَهُ أَبِي بْنُ كَعْبٍ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله : ... إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ رَكَّبَ فِي صُلْبِ الْحَسَنِ [أَيِ الْعَسْكَرِيِّ عليه السلام] نُطْفَةً مُبَارَكَةً زَكِيَّةً طَيِّبَةً طَاهِرَةً مُطَهَّرَةً، يَرْضَى بِهَا كُلُّ مُؤْمِنٍ مِمَّنْ أَخَذَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِيثَاقَهُ فِي الْوِلَايَةِ، وَيَكْفُرُ بِهَا كُلُّ جَاحِدٍ، فَهُوَ إِمَامٌ تَقِيٌّ نَقِيٌّ بَارٌّ مَرْضِيٌّ هَادٍ مَهْدِيٌّ، أَوَّلُ الْعَدْلِ وَآخِرُهُ، يُصَدِّقُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَيُصَدِّقُهُ اللَّهُ فِي قَوْلِهِ .

١٧٣٢. کمال الدین : حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ، قَالَ : أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْهَمْدَانِيُّ، قَالَ : حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هِشَامٍ، قَالَ : حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ السَّائِحِ، قَالَ : سَمِعْتُ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيَّ يَقُولُ : حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ عليه السلام، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله : عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ إِمَامُكُمْ بَعْدِي وَخَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ، فَإِذَا مَضَى فَابْنِي الْحَسَنُ إِمَامُكُمْ بَعْدَهُ وَخَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ، فَإِذَا مَضَى فَابْنِي الْحُسَيْنُ إِمَامُكُمْ بَعْدَهُ وَخَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ، ثُمَّ تَسَعَةٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ أُنِمْتُكُمْ وَخُلْفَانِي عَلَيْكُمْ، تَأْسِعُهُمْ قَائِمٌ أُمَّتِي، يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَظُلْمًا، لَا يُحِبُّهُمْ إِلَّا مَنْ طَابَتْ وِلَادَتُهُ .

١. الظاهر أنه سقط من السند هنا: عن أبيه موسى بن جعفر.

۱۷۳۱. کمال الدین - با سندش به نقل از علی بن عاصم، از امام جواد علیه السلام، از پدرانش، از امام حسین علیه السلام :- بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وارد شدم و اُبی بن کعب نزد ایشان بود. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله [در تصریح به امامان دوازده‌گانه] فرمود: «... و خداوند، نطفه‌ای مبارک، پاک، پاکیزه، و به دور از هر گونه آلودگی در صلب حسن عسکری نهاد که هر مؤمنی که خداوند از او پیمان ولایت گرفته باشد، به او خشنود است و هر منگری به او کفر می‌ورزد. او امامی باتقوا، پاک، نیکوکار، مورد رضایت [خدا و مردم]، راه‌نما و راه‌یافته، و آغاز و انجام عدالت است. خداوند تعالی را تصدیق می‌کند و خداوند [نیز] او را در سخنش تصدیق می‌کند.<sup>۱</sup>

۱۷۳۲. کمال الدین - با سندش به نقل از علی بن حسن سائح :- شنیدم که امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید: «پدرم از پدرش از جدش نقل کرد که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: علی بن ابی طالب، امام شما پس از من و جانشینم بر شماست و چون در گذشت، پسر من حسن، امام شما پس از او و جانشینم بر شماست و چون در گذشت، پسر من حسین، امام شما، پس از او و جانشینم بر شماست. سپس نه تن از فرزندان حسین، یکی از بی دیگری، امامان شما و جانشینان من بر شما هستند که نهمین آنها قائم امتم است. زمین را از عدالت و داد پر می‌کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است. کسی جز آن که حلال‌زاده است، آنها را دوست نمی‌دارد».<sup>۲</sup>

۱. کمال الدین: ص ۲۶۴ - ۲۶۷ ح ۱۱.

۲. کمال الدین: ص ۲۶۱ ح ۸، الاحتجاج: ج ۱ ص ۱۶۹ ح ۳۵، بحار الأنوار: ج ۳۶ ص ۲۴۶ ح ۵۹.



١٧٣٣. كمال الدين : حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ، قَالَ : حَدَّثَنِي عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الصَّرْفِيِّ الكُوفِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ، عَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ عَمْرٍ، عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الجُعْفِيِّ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ المُسَيَّبِ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَمُرَةَ، قَالَ :

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ : ... يَا بَنَ سَمُرَةَ، إِنَّ عَلِيًّا مِنِّي، رُوحُهُ مِنْ رُوحِي، وَطِينَتُهُ مِنْ طِينَتِي، وَهُوَ أَخِي وَأَنَا أُخُوهُ، وَهُوَ زَوْجُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَإِنَّ مِنْهُ إِمَامِي أُمَّتِي وَسَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، وَتِسْعَةٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ تَأْسِعُهُمْ قَائِمُ أُمَّتِي، يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا.

١٧٣٤. الغيبة للطوسي : عَنْهُ<sup>١</sup>، عَنْ عَلِيٍّ، عَنْ بَكَّارٍ، عَنْ عَلِيٍّ بْنِ قَادِمٍ، عَنْ فِطْرِ، عَنْ عَاصِمِ، عَنْ زُرِّ بْنِ حُبَيْشٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ، قَالَ :

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ : لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ، لَطَوَّلَ اللَّهُ تَعَالَى ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ رَجُلًا مِنِّي ... يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا.

١٧٣٥. الغيبة للطوسي : عَنْهُ<sup>٢</sup>، عَنْ عَلِيٍّ بْنِ الْعَبَّاسِ الْمُقَانِعِيِّ، عَنْ بَكَّارِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنْ مُصْبِحٍ، عَنْ قَيْسِ، عَنْ أَبِي حُصَيْنٍ، عَنْ أَبِي صَالِحٍ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ :

لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ، حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا.

١. أي محمد بن إسحاق المقرئ.  
٢. أي محمد بن إسحاق المقرئ.

۱۷۳۳. کمال الدین - باسندش به نقل از عبد الرحمان بن سمره - : پیامبر خدا ﷺ فرمود: «... ای ابو سمره! علی از من است و روحش از من، سرشتش از من و برادر من است و من برادر او هستم. همسر دخترم، فاطمه، سرور زنان جهانیان، از ابتدا تا انتهاست و امامان امت از نسل اویند و نیز دو سرور جوانان بهشت، حسن و حسین، و نه تن از فرزندان حسین، که نهمین آنها، قائم امت است. او زمین را از عدل پر می‌کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است»<sup>۱</sup>.

۱۷۳۴. الغیبة، طوسی - باسندش به نقل از عبد الله بن مسعود - : پیامبر خدا ﷺ فرمود: «اگر جز یک روز از دنیا باقی نمانده باشد، خداوند متعال، آن روز را چنان طولانی می‌کند که مردی را از نسل من برانگیزد ... [که] زمین را از عدل پر کند، همان گونه که از ظلم پر شده است»<sup>۲</sup>.

۱۷۳۵. الغیبة، طوسی - باسندش به نقل از ابو هریره - : پیامبر خدا ﷺ فرمود: «اگر جز یک روز از دنیا باقی نمانده باشد، خداوند متعال، آن روز را چنان طولانی می‌کند که مردی را از نسل من برانگیزد .... او زمین را از عدل پر کند، همان گونه که از ظلم پر شده است»<sup>۳</sup>.

۱. کمال الدین: ص ۲۵۶ ح ۱، الأملی، صدوق: ص ۷۸ ح ۴۵.

۲. الغیبة، طوسی: ص ۱۸۰ ح ۱۴۰، الإرشاد: ج ۲ ص ۳۴۰، روضة الواعظین: ص ۲۸۶، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۷۴ ح ۲۷.

۳. الغیبة، طوسی: ص ۱۸۰ ح ۱۳۹ و ص ۴۲۵ ح ۴۱۰، شرح الأخبار: ج ۳ ص ۳۵۵ ح ۱۲۱۲ (با عبارت مشابه). بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۷۴ ح ۲۶.

١٧٣٦. الغيبة للطوسي : عَنْهُ<sup>١</sup>، عَنِ الْمُقَانِعِيِّ، عَنِ بَكَّارِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنِ تَلِيدٍ، عَنِ أَبِي الْجَحَّافِ (عَنْ خَالِدِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ، عَنِ مَطْرِ بْنِ الْوَرَّاقِ، عَنِ النَّاجِيِّ - يَعْنِي أَبَا الصَّدِّيقِ - عَنْ أَبِي سَعِيدٍ)، قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَبَشِّرُوا بِالْمَهْدِيِّ - قَالَ ثَلَاثًا - يَخْرُجُ عَلَيَّ حِينَ اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَزِلْزَالٍ شَدِيدٍ، يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا، يَمَلَأُ (قُلُوبَ) عِبَادِهِ عِبَادَةً، وَيَسْعُهُمْ عَدْلُهُ.

١٧٣٧. الغيبة للطوسي : مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ الْمُقْرِي، عَنِ الْمُقَانِعِيِّ، عَنِ بَكَّارِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ زِيَادٍ، عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ بَشِيرِ الْمُرَادِيِّ، عَنِ أَبِي الصَّدِّيقِ النَّاجِيِّ، عَنِ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ، قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ، يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَيَّ اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَزِلْزَالٍ، يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا، يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَسَاكِنُ الْأَرْضِ.

١٧٣٨. دلائل الإمامة: عَنْ أَبِي عَلِيٍّ النَّهَائِنْدِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْفَاسِمِ بْنِ أَبِي حَيْثَةَ، قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ أَبِي إِسْرَائِيلَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عُبَيْدَةَ الْحَدَّادُ عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ وَاصِلِ السَّدُوسِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَوْفٌ عَنْ أَبِي الصَّدِّيقِ النَّاجِيِّ، عَنِ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ، قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَمَلَأَ الْأَرْضُ ظُلْمًا وَعُدْوَانًا، ثُمَّ يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ عِزَّتِي - أَوْ قَالَ: مِنْ أَهْلِ بَيْتِي - يَمَلؤها قِسْطًا وَعَدْلًا، كَمَا مُلِئْتُ

۱۷۳۶. الغیبة، طوسی - با سندش به نقل از ابو سعید - : پیامبر خدا ﷺ فرمود: «بشارتتان باد به مهدی!» (سه بار فرمود) «او به هنگام اختلاف میان مردم و بلاها و زلزله های شدید، قیام می کند. زمین را از عدل و داد پر می کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است. دل های بندگان خدا را از عبادت پر می کند و عدالت، همه آنها را فرا می گیرد»<sup>۱</sup>.

۱۷۳۷. الغیبة، طوسی - با سندش به نقل از ابو سعید خدری - : پیامبر خدا ﷺ فرمود: «به مهدی بشارتتان می دهم! به گاه اختلاف و زلزله، میان امتم برانگیخته می شود، زمین را از عدل و داد پر می کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است، ساکنان آسمان و زمین از او راضی می شوند»<sup>۲</sup>.

۱۷۳۸. دلائل الإمامة - با سندش به نقل از ابو سعید خدری - : پیامبر خدا ﷺ فرمود: «قیامت برپا نمی شود تا زمین از ظلم و عدوان پر شود و سپس مردی از عترتم - یا اهل بیتم - قیام می کند و آن را از عدل و داد پر می نماید، همان گونه که از ظلم و عدوان پر شده است»<sup>۳</sup>.

۱. الغیبة، طوسی: ص ۱۷۹ ح ۱۲۷، دلائل الإمامة: ص ۴۸۲ ح ۴۷۶، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۷۴ ح ۲۴.

۲. الغیبة، طوسی: ص ۱۷۸ ح ۱۳۶، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۷۴ ح ۲۳. نیز، ر.ک: الأمالی، طوسی: ص ۴۹۹ ح ۱۰۹۵.

۳. دلائل الإمامة: ص ۴۶۷ ح ۴۵۳.

ظُلماً وَعُدواناً.

١٧٣٩. دلائل الإمامة: أَخْبَرَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ خَالِدِ الْكَاتِبِ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو الْحَسَنِ أَحْمَدُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ الْخَلَّالِ، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ إِسْكَابٍ وَالْحَسَنُ بْنُ مَنْصُورِ الْجِصَّاصِ، قَالَا: حَدَّثَنَا أَبُو النَّضْرِ، قَالَ: حَدَّثَنَا شَيْبَانُ عَنْ مَطَرِ الْوَرَّاقِ، عَنْ أَبِي الصِّدِّيقِ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، أَجْلِي، أَقْنِي، يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ قَبْلَهُ ظُلْمًا، يَكُونُ سَبْعَ سِنِينَ.

١٧٤٠. كفاية الأثر: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَقُولٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الْقَاضِي الْجَعَالِي، قَالَ: حَدَّثَنِي نَصْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَشَّاءُ، قَالَ: حَدَّثَنِي زَيْدُ بْنُ الْحَسَنِ الْأَنْمَاطِيُّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ، قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي بَيْتِ أُمِّ سَلَمَةَ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ هَذِهِ الْآيَةَ ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾<sup>١</sup>.

فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ: وَأَنَا مَعَهُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ لَهَا: إِنَّكَ إِلَى خَيْرٍ.

فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، لَقَدْ أَكْرَمَ اللَّهُ هَذِهِ الْعِتْرَةَ الطَّاهِرَةَ وَالذَّرِّيَّةَ الْمُبَارَكَةَ بِذَهَابِ الرَّجْسِ عَنْهُمْ.

قَالَ: يَا جَابِرُ لِأَنَّهُمْ عِتْرَتِي مِنْ لَحْمِي وَدَمِي، فَأَخِي سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ، وَابْنِي<sup>٢</sup> خَيْرُ الْأَسْبَاطِ<sup>٣</sup>، وَابْنَتِي سَيِّدَةُ النَّسْوَانِ، وَمِنَّا الْمَهْدِيُّ.

١. الاحزاب: ٣٣.

٢. في بحار الأنوار: «ابناني».

٣. الأسباط: خاصة الأولاد، وقيل: أولاد الأولاد، وقيل: أولاد البنات (النهاية: ج ٢ ص ٣٣٤ «سبط»).

۱۷۳۹. دلایل الإمامة - با سندش به نقل از ابو سعید -: پیامبر خدا ﷺ فرمود: «قیامت برپا نمی‌شود تا مردی از اهل بیت من - که بینی کشیده دارد و خوش سیماست -، فرمان‌روایی بیابد و زمین را از عدالت پر کند، همان گونه که پیش از آن از ظلم پر شده است، و هفت سال می‌پاید»<sup>۱</sup>.

۱۷۴۰. کفایة الأثر - با سندش به نقل از جابر بن عبد الله انصاری -: نزد پیامبر ﷺ در خانهٔ اُم سلمه بودم که خداوند، این آیه: ﴿خداوند می‌خواهد که پلیدی را از شما اهل بیت دور می‌کند و شما را پاک و پاکیزه کند﴾ را نازل کرد.

اُم سلمه گفت: من هم با آنهایم، ای پیامبر خدا؟

پیامبر ﷺ به او فرمود: «توره سپار خیر هستی».

گفتم: ای پیامبر خدا! خداوند، این عترت پاک و نسل مبارک را با دور کردن پلیدی از ایشان، گرامی داشت!

پیامبر ﷺ فرمود: «ای جابر؛ زیرا آنها [گل سرسبد] خاندان من و از گوشت و خون من هستند. برادرم، سرور وصیّان است و [دو] پسر، گزیدهٔ نوادگان، و دختر، سرور زنان و مهدی از ماست».

گفتم: ای پیامبر خدا! مهدی کیست؟

فرمود: «نه تن از صلب حسین و امامان نیکوکارند و نهمین، قائم ایشان است که زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همان گونه که از ستم پر شده است، و بر تأویل

قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنِ الْمَهْدِيِّ؟

قَالَ: تِسْعَةٌ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ أَيْمَةً أَبْرَارٌ، وَالتَّاسِعُ قَائِمُهُمْ يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا (كَمَا مِلْتَّ جَوْرًا)، يُقَاتِلُ عَلَى التَّوِيلِ كَمَا قَاتَلْتُ عَلَى التَّنْزِيلِ.

١٧٤١. كشف الغمة: عَنِ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي وَيَعْمَلُ بِسُنَّتِي، وَيُنْزِلُ اللَّهُ لَهُ الْبَرَكَاتَ مِنَ السَّمَاءِ، وَتُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضُ بَرَكَاتَهَا، وَتَمَلَأُ بِهِ الْأَرْضُ عَدْلًا كَمَا مِلْتَّ ظُلْمًا، وَجَوْرًا، وَيَعْمَلُ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ سَبْعَ سِنِينَ، وَيُنْزِلُ بَيْتَ الْمَقْدِسِ.

١٧٤٢. العمدة: عَنِ حُدَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانِ، عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ:

الْمَهْدِيُّ ﷺ مِنْ وُلْدِي، وَجَهُهُ كَالْقَمَرِ الدُّرِيِّ، اللَّوْنُ لَوْنُ عَرَبِيٍّ، وَالْجِسْمُ جِسْمُ إِسْرَائِيلِيِّ، يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مِلْتَّ جَوْرًا، يَرْضَى بِخِلَافَتِهِ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَالطَّيْرُ فِي الْجَوِّ، يَمْلِكُ عِشْرِينَ سَنَةً.

١٧٤٣. الصراط المستقيم: أَسَدُ بْنُ النَّجَّارِ النَّحْوِيُّ إِلَى أَبِي هُرَيْرَةَ قَوْلَ النَّبِيِّ ﷺ فِي عَلِيٍّ:

أَلَا إِنَّهُ الْمُبْلَغُ عَنِّي، وَالْإِمَامُ بَعْدِي، وَأَبُو الْأَيْمَةِ الزَّهْرِ الْإِثْنِي عَشْرِي، وَمِنْهَا مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ، الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتَّ ظُلْمًا وَجَوْرًا، لَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَلَوْ حَلَّتْ لَسَاخَتْ<sup>١</sup> بِأَهْلِهَا.

١٧٤٤. قصص الأنبياء للراوندي: عَنِ ابْنِ بَابُوَيْهِ، حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ وَهْبَانَ، حَدَّثَنَا

أَبُو بَشِيرٍ أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ الْعَمِّيِّ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا بْنِ دِينَارٍ

١. ساخت: أي غاصت في الأرض (النهاية: ج ٢ ص ٤١٦ «سوخ»).

[قرآن] می‌جنگد، همان گونه که من بر تنزیل [آن] جنگیدم»<sup>۱</sup>.

۱۷۴۱. **كشف الغمة** - به نقل از ابو سعید خدری -: پیامبر خدا ﷺ فرمود: «مردی از خاندانم قیام می‌کند و به ستم عمل می‌کند و خداوند، برکت را از آسمان برایش فرو می‌فرستد و زمین برکتش را برایش بیرون می‌دهد و زمین به دست او از عدالت پر می‌شود، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است، و هفت سال برای این امت، کار [و فرمان‌روایی] می‌کند و در بیت المقدس فرود می‌آید»<sup>۲</sup>.

۱۷۴۲. **العمدة** - به نقل از حذیفه بن یمان -: پیامبر خدا ﷺ فرمود: «مهدی از نسل من است. صورتش مانند ستاره‌ای فروزان، رنگش مانند عرب‌ها و پیکرش مانند قوم بنی اسرائیل [، مدیترانه‌ای] است. او زمین را از عدالت پر می‌کند، همان گونه که از ستم پر شده است. اهل آسمان‌ها و زمین و نیز پرندگان آسمان به حکومتش رضایت دارند و بیست سال فرمان‌روایی می‌کند»<sup>۳</sup>.

۱۷۴۳. **الصراط المستقیم** - ابن نجار نحوی، این سخن پیامبر ﷺ در باره علی علیه السلام را با اسنادش از ابو هریره نقل کرده است -: هان که او پیام‌رسان از سوی من، امام پس از من، و پدر امامان دوازده‌گانه فروزان است که مهدی این امت، از آنهاست؛ کسی که زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است. زمین از آنها تهی نمی‌ماند و اگر تهی بماند، اهلش را فرو می‌برد»<sup>۴</sup>.

۱۷۴۴. **قصص الأنبياء**، راوندی - با سندش به نقل از اسحاق بن سلیمان -: روزی نزد

۱. **كفاية الأثر**: ص ۶۵. **الصراط المستقیم**: ج ۲ ص ۱۲۰ (با عبارت مشابه)، **بحار الأنوار**: ج ۳۶ ص ۳۰۸ ح ۱۴۷.

۲. **كشف الغمة**: ج ۳ ص ۲۶۲، **بحار الأنوار**: ج ۵۱ ص ۸۲ ح ۲۷.

۳. **العمدة**: ص ۴۳۹ ح ۹۲۲. **كشف الغمة**: ج ۳ ص ۲۷۱، **الصراط المستقیم**: ج ۲ ص ۲۴۱ (با عبارت مشابه)، **بحار الأنوار**: ج ۵۱ ص ۹۱.

۴. **الصراط المستقیم**: ج ۲ ص ۱۱۴. نیز، ر.ک: **كفاية الأثر**: ص ۸۸.



الغلابيُّ، حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ سُلَيْمَانَ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَبَّاسِ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي، قَالَ: كُنْتُ يَوْمًا عِنْدَ الرَّشِيدِ، فَذَكَرَ الْمَهْدِيَّ وَعَدْلَهُ فَأُطِنَبَ فِي ذَلِكَ، ثُمَّ قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبِي الْمَهْدِيُّ، حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، عَنْ أَبِيهِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ:

يَا عَمُّ، يَمْلِكُ مِنْ وُلْدِي اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً، ثُمَّ تَكُونُ أُمُورٌ كَرِيهَةٌ وَشِدَّةٌ عَظِيمَةٌ، ثُمَّ يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي يَصْلُحُ اللَّهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ، يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا، وَيَمَكْتُ فِي الْأَرْضِ مَا شَاءَ اللَّهُ، ثُمَّ يَخْرُجُ الدَّجَالُ.

١٧٤٥. الفتن لابن حماد: قَالَ الْوَلِيدُ عَنْ أَبِي رَافِعٍ إِسْمَاعِيلَ بْنِ رَافِعٍ، عَمَّنْ حَدَّثَهُ، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ:

تَأْوِي إِلَيْهِ أُمَّتُهُ كَمَا تَأْوِي النَّحْلَةُ [إِلَى] الْعَسْوِيهَا، يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا، حَتَّى يَكُونَ النَّاسُ عَلَى مِثْلِ أَمْرِهِمُ الْأَوَّلِ.

راجع: ج ١ ص ٣٦٢ ح ١٣١ و ج ٢ ص ١٢٦ ح ٢٦٨ و ج ٣ ص ٢٢ ح ٢٨٥

و ص ٩٨ ح ٥٠١ و ص ١٥٠ ح ٥٢٦ و ج ٦ ص ٢٨ ح ١٠٢٣

### ب - مَا رَوَى عَنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ ع

١٧٤٦. كمال الدين: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنِ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبُدٍ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا، عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ أَبِيهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ

هارون الرشید بودم که از مهدی و عدالتش سخن به میان آوردم و آن را به درازا کشاندم. سپس گفت: پدرم مهدی، از پدرش، از جدش، از ابن عباس، از عباس بن عبدالمطلب برآیم گفت که پیامبر ﷺ فرمود: «ای عموی من! دوازده تن از فرزندانم خلیفه می‌شوند. سپس کارهایی زشت و بلایی بزرگ خواهد بود و سپس مهدی از فرزندانم قیام می‌کند که خداوند، کارش را در یک شب سامان می‌دهد. او زمین را از عدالت می‌آکند، همان گونه که از ستم آکنده شده است و آن اندازه که خدا می‌خواهد، در زمین درنگ می‌کند و سپس دجال خروج می‌کند».<sup>۱</sup>

۱۷۴۵. الفتن، ابن حمّاد - با سندش به نقل از ابو سعید خدری - : پیامبر خدا ﷺ فرمود: «امتش به او پناه می‌برند همان گونه که زنبورها به ملکه خود پناه می‌برند. زمین را از عدالت پر می‌کند همان گونه که از ستم پر شده است تا آن که مردم، وضعیتی همانند وضع اول خود بیابند».<sup>۲</sup>

ر.ک: ج ۱ ص ۲۶۲ ح ۱۳۱ و ج ۲ ص ۱۲۷ ح ۲۶۸ و ج ۳ ص ۲۳ ح ۴۸۵  
و ص ۹۹ ح ۵۰۱ و ص ۱۵۱ ح ۵۲۶ و ج ۶ ص ۴۹ ح ۱۰۲۳.

### ب - احادیث امام علی علیه السلام

۱۷۴۶. کمال الدین - با سندش به نقل از حسین بن خالد، از امام رضا علیه السلام، از پدرانش - : علی علیه السلام فرمود: «ای حسین! نهمین فرزندت، قائم به حق و حاکم کننده دین و گستراننده عدالت است».<sup>۳</sup>

- 
۱. قصص الأنبياء، راوندی: ص ۳۶۹ ح ۴۴۱، العدد القویة: ص ۸۹ ح ۱۵۴، إعلام الوری: ج ۲ ص ۱۶۴، کشف الغمّة: ج ۳ ص ۲۹۵، بحار الأنوار: ج ۳۶ ص ۳۰۰ ح ۱۳۸.
  ۲. الفتن: ج ۱ ص ۳۵۸ ح ۱۰۴۰، الملاحم والفتن: ص ۱۴۷ ح ۱۸.
  ۳. کمال الدین: ص ۳۰۴ ح ۱۶ (با سند معتبر)، بحار الأنوار: ج ۵ ص ۱۱۰ ح ۲، نیز، برای دیدن همه حدیث، ر.ک: همین دانش‌نامه: ج ۵ ص ۳۹۱ ح ۹۸۱.

أبي طالب عليه السلام، أَنَّهُ قَالَ:

التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِكَ يَا حُسَيْنُ هُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ، الْمُظْهِرُ لِلدِّينِ، وَالْبَاسِطُ لِلْعَدْلِ.  
 ١٧٤٧. الغيبة للنعماني: أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ، قَالَ: حَدَّثَنَا عُبيدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى الْعَلَوِيُّ عَنْ  
 بَعْضِ رِجَالِهِ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ الْحَكَمِ بْنِ ظَهيرِ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَيَّاشِ، عَنْ  
 الْأَعْمَشِ، عَنْ أَبِي وَائِلٍ، قَالَ:

نَظَرَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عليه السلام إِلَى الْحُسَيْنِ عليه السلام فَقَالَ: إِنَّ ابْنِي هَذَا سَيِّدٌ كَمَا سَمَّاهُ  
 رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله سَيِّدًا، وَسَيُخْرِجُ اللَّهُ مِنْ صُلْبِهِ رَجُلًا بِاسْمِ نَبِيِّكُمْ، يُشَبِّهُهُ فِي الْخَلْقِ  
 وَالْخُلُقِ، يَخْرُجُ عَلَى حِينِ غَفْلَةٍ مِنَ النَّاسِ، وَإِمَاتَةٍ لِلْحَقِّ وَإِظْهَارٍ لِلْجَوْرِ، وَاللَّهُ لَوْ لَمْ  
 يَخْرُجْ لَضُرِبَتْ عُنُقُهُ، يَفْرَحُ بِخُرُوجِهِ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ وَسُكَّانُهَا، وَهُوَ رَجُلٌ أَجْلَى  
 الْجَبِينِ، أَقْنَى الْأَنْفِ، ضَخْمُ الْبَطْنِ، أُرَيْلُ الْفَخِذَيْنِ، بِفَخِذِهِ الْيَمْنَى شَامَةٌ، أَفْلَحُ  
 النَّبَايَا، وَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا.

١٧٤٨. الغيبة للنعماني: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عَقْدَةَ وَمُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامِ بْنِ سَهْلٍ وَعَبْدُ  
 الْعَزِيزِ وَعَبْدُ الْوَاحِدِ ابْنَا عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يُونُسَ الْمَوْصِلِيِّ، عَنْ رِجَالِهِمْ، عَنْ عَبْدِ الرَّزَّاقِ،  
 عَنْ مَعْمَرِ بْنِ رَاشِدٍ، عَنْ أَبَانَ، عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ، عَنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عليه السلام - فِي  
 خَبَرٍ طَوِيلٍ -:

مِنْهُمْ [أَي مِنَ الْأَيْمَّةِ] وَاللَّهُ يَا أَخَا بَنِي هَلَالٍ، مَهْدِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةَ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ  
 قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا.

١٧٤٩. الغيبة للطوسي: بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ الرَّازِيِّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ،

۱۷۴۷. الغیبة، نعمانی - با سندش به نقل از ابو وائل -: امیر مؤمنان علی علیه السلام به حسین علیه السلام نگریست و فرمود: «این پسرم سرور است، همان گونه که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله او را سرور نامید و خداوند به زودی، مردی را از صلب او بیرون می‌آورد که همنام پیامبرتان و در خلُق و خلقت، شبیه اوست و به هنگام غفلت مردم و میراندن حق و آشکار کردن ستم، خروج می‌کند. به خدا سوگند، اگر قیام نکند، گردنش زده می‌شود و اهل آسمان‌ها و ساکنان آنها از قیامش خوش حال می‌شوند. او مردی است با پیشانی بلند، بینی کشیده، شکم ستبر، ران‌های باز و با خالی روی ران راست و دندان‌های پیش از هم جدا. زمین را پر از عدل می‌کند، همان گونه که از ظلم و جور پر شده است.»<sup>۱</sup>

۱۷۴۸. الغیبة، نعمانی - با سندش به نقل از سلیم بن قیس هلالی، در خبری طولانی -: امام علی علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند - ای برادر هلالی - مهدی این امت، از آنان (امامان دوازده‌گانه) است؛ کسی که زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است.»<sup>۲</sup>

۱۷۴۹. الغیبة، طوسی - با سندش به نقل از ابو وائل -: امیر مؤمنان علی علیه السلام به حسین علیه السلام نگریست و فرمود: «این پسرم، سرور است. همان گونه که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله او را سرور نامید و خداوند به زودی، مردی را از صلب او بیرون می‌آورد که همنام پیامبرتان و

۱. الغیبة، نعمانی: ص ۲۱۴ ح ۲، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۳۹ ح ۱۹.

۲. الغیبة، نعمانی: ص ۷۵ و ۸۱ ح ۱۰، کمال الدین: ص ۲۸۵ ح ۳۷، کتاب سلیم بن قیس: ج ۲ ص ۶۲۸، بحار الأنوار: ج ۳۶ ص ۲۵۷ ح ۷۵.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ قُتَيْبَةَ، عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ الْحَكَمِ بْنِ ظَهْرٍ،  
عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عِيَّاشٍ، عَنِ الْأَعْمَشِ، عَنْ أَبِي وَائِلٍ، قَالَ: نَظَرَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام  
إِلَى ابْنِهِ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَقَالَ:

إِنَّ ابْنِي هَذَا سَيِّدٌ كَمَا سَمَّاهُ رَسُولُ اللَّهِ سَيِّدًا، وَسَيُخْرِجُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ صُلْبِهِ رَجُلًا  
بِاسْمِ نَبِيِّكُمْ، فَيُشَبِّهُهُ فِي الْخَلْقِ وَالْخُلُقِ، يَخْرُجُ عَلَيَّ حِينَ غَفَلْتَهُ مِنَ النَّاسِ، وَإِمَاتَةٍ  
مِنَ الْحَقِّ، وَإِظْهَارٍ مِنَ الْجَوْرِ، وَاللَّهُ لَوْ لَمْ يَخْرُجْ لَضُرِبَتْ عُنُقُهُ، يَفْرَحُ لِخُرُوجِهِ أَهْلُ  
السَّمَاءِ وَسُكَّانُهَا، يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلِئْتَ جَوْرًا وَظُلْمًا.

١٧٥٠. الاحتجاج: قَالَ عَلِيُّ عليه السلام: الَّذِي بِهِ تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ فِي اللَّيْلَةِ الَّتِي يُفْرَقُ فِيهَا كُلُّ أَمْرٍ  
حَكِيمٍ، مِنْ خَلْقٍ، وَرِزْقٍ، وَأَجَلٍ، وَعَمَلٍ، وَحَيَاةٍ، وَمَوْتٍ، وَعِلْمٍ غَيْبِ السَّمَاوَاتِ  
وَالْأَرْضِ، وَالْمُعْجَزَاتِ الَّتِي لَا تَنْبَغِي إِلَّا لِلَّهِ وَأَصْفِيَاءِهِ وَالسَّفَرَةَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ خَلْقِهِ، وَهُمْ  
وَجْهَ اللَّهِ الَّذِي قَالَ: ﴿فَأَيْنَمَا تُولُوْا فَنَمَّ وَجْهَ اللَّهِ﴾<sup>١</sup>، هُمْ بَقِيَّةُ اللَّهِ، يَعْنِي الْمَهْدِيِّ يَأْتِي عِنْدَ  
انْقِضَاءِ هَذِهِ النَّظَرَةِ، فَيَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلِئْتَ ظُلْمًا وَجَوْرًا.

١٧٥١. الأمالي للشجري: أَخْبَرَنَا الْقَاضِي أَبُو الْقَاسِمِ عَلِيُّ بْنُ الْمُحْسِنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ  
أَبِي الْفَهْمِ التَّنُوخِيُّ بِقِرَاءَتِي عَلَيْهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ  
جَعْفَرِ بْنِ الْعَطَّارِ الْبَرَّارِ قِرَاءَةً عَلَيْهِ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِيِّ  
الْحَثَمِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبَادُ بْنُ يَعْقُوبَ، قَالَ: أَخْبَرَنَا عُمَرُ بْنُ شَبِيبٍ الْمُسْلِيُّ عَنْ  
مُحَمَّدِ بْنِ سَلَمَةَ، عَنْ كُهَيْلٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي إِدْرِيسَ، عَنْ مُسَبِّبِ بْنِ خَيْمَةَ، عَنْ  
عَلِيِّ عليه السلام قَالَ: ...

در خُلُق و خِلَقَت، شبیه اوست و به هنگام غفلت مردم و میراندن حق و آشکار کردن ستم، خروج می‌کند. به خدا سوگند، اگر قیام نکند، گردنش زده می‌شود، و اهل آسمان‌ها و ساکنان آنها از قیامش خوش حال می‌شوند. زمین را پر از عدل می‌کند، همان گونه که از ظلم و جور پر شده است.<sup>۱</sup>

۱۷۵۰. الاحتجاج: امام علی علیه السلام [در پاسخ به معنای «امر» در اولوا الأمر] فرمود: «همان چیزی است که فرشتگان، آن را در شبی که هر امر محکمی، از هم باز [و به مجریان ابلاغ] می‌شود، فرود می‌آورند: آفرینشی و یاروزی و اجل و عمل و زندگی و مرگی و نیز آگاهی از غیب آسمان‌ها و زمین و معجزه‌هایی که جز برای خداوند، برگزیدگانش و سفیران میان او و خلقش، روا نیست، و آنان، سیمای خدا هستند. [خداوند] فرمود: ﴿هر کجا رو کنید، آن جا سیمای خداوند است﴾. آنان باقی گذارده خداوندند؛ یعنی مهدی، که هنگام پایان یافتن این مهلت [خدا به ستمکاران] می‌آید و زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است.»<sup>۲</sup>

۱۷۵۱. الامالی، شجری - با سندش از مسیب بن خيثمه -: امام علی علیه السلام فرمود: «... به خدا سوگند، اینان با اجتماعشان بر باطل خویش و شما با وانهادن حَقَّتَان، بر شما چیره می‌شوند تا آن که شما را به بندگی درآورند، همان گونه که مرد، بنده‌ای را به بردگی می‌گیرد و هنگامی که حاضر شود، کار را تمام می‌کند و چون غایب شود، دشنامش می‌دهد تا دو گریان به پا خیزند: گریان برای دینش و گریان برای دنیایش، و سوگند به خدا، اگر هر یک از شما را زیر سنگی بگذارند، در بدترین روزشان، شما را گرد می‌آورند. سوگند به آن که دانه را آفرید و انسان را پدید آورد، اگر جز یک روز از

۱. النبیة، طوسی: ص ۱۸۹ ح ۱۵۲، النبیة، نعمانی: ص ۲۲۲ ح ۲، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۳۹ ح ۱۹.

۲. الاحتجاج: ج ۱ ص ۵۹۴، بحار الأنوار: ج ۲۴ ص ۲۱۱.

وَاللَّهُ لَيُظْهِرَنَّ عَلَيْكُمْ هُؤُلَاءِ بِاجْتِمَاعِهِمْ عَلَىٰ بَاطِلِهِمْ، وَتَخَادُلِكُمْ عَنْ حَقِّكُمْ، حَتَّىٰ يَسْتَعْبِدُونَكُمْ كَمَا يَسْتَعْبِدُ الرَّجُلُ عَبْدًا، إِذَا شَهِدَ جَزَمَهُ<sup>١</sup>، وَإِذَا غَابَ سَبَّهُ، حَتَّىٰ يَقُومَ الْبَاكِيَانِ، الْبَاكِي لِدِينِهِ وَالْبَاكِي لِذُنُوبِهِ، وَإِيمُ اللَّهِ لَوْ فَرَّقَ قَوْمُكُمْ تَحْتَ كُلِّ حَجَرٍ لَجَمَعْتَكُمْ بِشَرِّ يَوْمٍ لَهُمْ، وَالَّذِي خَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ، لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ، يُطَوَّلُ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّىٰ يَمْلِكَ الْأَرْضَ رَجُلٌ مِنِّي، يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا.

١٧٥٢. شرح نهج البلاغة لابن میثم: قَالَ عَلِيُّ (ع): اَعْلَمُوا عَلِمًا يَقِينًا، أَنَّ الَّذِي يَسْتَقْبِلُ قَائِمَنَا مِنْ أَمْرِ جَاهِلِيَّتِكُمْ لَيْسَ بَدُونَ مَا اسْتَقْبَلَ الرَّسُولَ مِنْ أَمْرِ جَاهِلِيَّتِكُمْ - وَذَلِكَ أَنَّ الْأُمَّةَ كُلَّهَا يَوْمَئِذٍ جَاهِلِيَّةٌ - إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ، فَلَا تَعَجَلُوا فَيَعْجَلَ الْخَوْفُ بِكُمْ، وَاعْلَمُوا أَنَّ الرَّفْقَ يُمْنٌ وَفِي الْأَنَاءِ بَقَاءٌ وَرَاحَةٌ، وَالْإِمَامَ أَعْلَمُ بِمَا يُنْكَرُ، وَلِعَمْرِي لَيَنْزِعَنَّ عَنْكُمْ قُضَاءَ السَّوِّءِ، وَلَيَقْبِضَنَّ عَنْكُمْ الْمُرَاضِينَ، وَلَيَعَزِّلَنَّ عَنْكُمْ أُمَرَاءَ الْجَوْرِ، وَلَيُطَهِّرَنَّ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ غَاشٍ، وَلَيَعْمَلَنَّ فِيكُمْ بِالْعَدْلِ، وَلَيَقُومَنَّ فِيكُمْ بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ، وَلَيَتَمَيَّنَّ أَحْيَاؤُكُمْ لِأَمَوَاتِكُمْ رَجْعَةَ الْكَرَّةِ عَمَّا قَلِيلٍ فَيَعِيْشُوا إِذْنًا، فَإِنَّ ذَلِكَ كَائِنٌ.

١٧٥٣. نهج البلاغة: مِنْ خُطْبَةٍ لَهُ (ع) يَوْمَئِذٍ فِيهَا إِلَىٰ ذِكْرِ الْمَلَاحِمِ: يَعْطِفُ الْهُوَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ إِذَا عَطَفُوا الْهُدَىٰ عَلَى الْهُوَىٰ، وَيَعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ... فَتُورِكُمْ كَيْفَ عَدَلُ السَّيْرَةِ، وَبُحْيِي مِثَّ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ.

راجع: ص ٢٥٨ ح ١٨٨١

و ج ٣ ص ١٠٢ (اخبار الإمام علی عن غيبة المهدي (عج))

و ج ٧ ص ١٤٠ ح ١١٩٦.

دنیا نمانده باشد، خداوند، آن روز را طولانی می‌کند تا مردی از [نسل] من، فرمان‌روای زمین شود. او زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همان‌گونه که از ظلم و ستم پر شده است»<sup>۱</sup>.

۱۷۵۲. شرح نهج البلاغه، ابن میثم: امام علی علیه السلام فرمود: «به یقین بدانید که آنچه از کارهای جاهلی تان که قائم ما با آن روبه‌رو می‌شود، از آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله با آن روبه‌رو شد، کمتر نیست، و این از آن روست که امت، همگی در آن روز، بر امر جاهلیت اند، جز آن که خداوند رحم کند. پس عجله نکنید که اگر عجله کنید، بیم و هراس به سویتان می‌شتابد و بدانید که [نرمی و] همراهی، برکت است و در درنگ کردن، بقا و آسایش است و امام به آنچه انکار می‌شود، داناتر است و به جانم سوگند، [مهدی علیه السلام] قاضیان بدکار را از گردن شما باز می‌کند و آفت‌ها را برایتان از میان می‌برد و پیشوایان ستمگر را برکنار می‌کند و زمین را از هر فریبکاری پاک می‌نماید و میان شما به عدالت رفتار می‌کند و با ترازوی عدل، میانتان قیام می‌کند و زندگانتان آرزو می‌کنند که کاش مردگانتان باز گردند و اندکی از آن زندگی بهره ببرند، و اینها رخ خواهد داد»<sup>۲</sup>.

۱۷۵۳. نهج البلاغه - در سخنرانی‌اش که در آن به وقایع [آخر الزمان] اشاره می‌کند - هوس را پیرو هدایت می‌کند، هنگامی که [مردم] هدایت را پیرو هوس کرده‌اند، و رأی (نظر) را پیرو قرآن می‌کند، هنگامی که قرآن را پیرو رأی خویش کرده‌اند... و به شما سیره (رفتار) عادلانه را ارائه می‌دهد و آنچه را که از قرآن و سنت از میان رفته است، زنده می‌کند»<sup>۳</sup>.

ر.ک: ص ۳۵۹ ح ۱۸۸۱.

و ج ۳ ص ۱۰۳ (خبر دادن امام علی از غیبت امام مهدی علیه السلام).

و ج ۷ ص ۱۴۱ ح ۱۱۹۷.

۱. الأملی، شجری: ج ۲ ص ۸۴.

۲. شرح نهج البلاغه، ابن میثم: ج ۳ ص ۹، خطبة ۹۹، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۱۲۰ ح ۲۳.

۳. نهج البلاغه: خطبة ۱۲۸، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۱۳۰ ح ۲۵.



ج - ما زوِي عَنْ فَاطِمَةَ الرَّهَاءِ عليها السلام

١٧٥٢. الأما لي للطوسي : أبو مُحَمَّدٍ الفَحَّامُ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَمِّي، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو العَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيِّ الرَّاسِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ العَمْرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو سَلَمَةَ يَحْيَى بْنُ الْمُغِيرَةِ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَخِي مُحَمَّدُ بْنُ الْمُغِيرَةِ، عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ، عَنِ سَيِّدِنَا أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليهما السلام، عَنِ جَابِرِ - فِي حَدِيثِ اللُّوحِ -:

الْخَلْفُ مُحَمَّدٌ يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ، عَلَى رَأْسِهِ عِمَامَةٌ بَيْضَاءُ تُظِلُّهُ مِنَ الشَّمْسِ، يُنَادِي بِلِسَانٍ فَصِيحٍ يَسْمَعُهُ الثَّقَلَيْنِ<sup>١</sup> وَالْخَافِقِينَ<sup>٢</sup>، وَهُوَ المَهْدِيُّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ، يَمَلَأُ الأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا.

د - ما زوِي عَنِ الإِمَامِ الحَسَنِ عليه السلام

١٧٥٥. الاحتجاج : عَنِ زَيْدِ بْنِ وَهَبٍ الجُهَنِيِّ عَنِ الإِمَامِ الحَسَنِ عَنِ الإِمَامِ عَلِيِّ عليه السلام :

يَبْعَثُ اللَّهُ رَجُلًا فِي آخِرِ الزَّمَانِ، وَكَلْبٍ مِنَ الدَّهْرِ، وَجَهْلٍ مِنَ النَّاسِ، يُؤَيِّدُهُ اللَّهُ بِمَلَائِكَتِهِ، وَيَعْصِمُ أَنْصَارَهُ، وَيَنْصُرُهُ بِآيَاتِهِ، وَيُظَهِّرُهُ عَلَى أَهْلِ الأَرْضِ حَتَّى يَدِينُوا طَوْعًا وَكَرْهًا، يَمَلَأُ الأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، وَنورًا وَبُرْهَانًا، يَدِينُ لَهُ عَرْضُ البِلَادِ وَطُولُهَا، لَا يَبْقَى كَافِرٌ إِلَّا آمَنَ بِهِ، وَلَا طَالِحٌ إِلَّا صَلَحَ، وَتَصْطَلِحُ فِي مُلْكِهِ السَّبَاعُ، وَتُخْرَجُ الأَرْضُ نَبْتًا، وَتَنْزِلُ السَّمَاءُ بَرَكَاتِهَا، وَتَظْهَرُ لَهُ الكُنُوزُ، يَمْلِكُ مَا بَيْنَ الخَافِقِينَ<sup>٢</sup> أَرْبَعِينَ عَامًا، فَطُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ أَيَّامَهُ، وَسَمِعَ كَلَامَهُ.

١. الثقلان : هما الجن والإنس (النهاية : ج ١ ص ٢١٧ «نقل»).

٢. الخافقان : أي المغرب والمشرق (النهاية : ج ٢ ص ٥٦ «خفق»).

ج - احادیث فاطمه علیها السلام

۱۷۵۴. الأُمالی، طوسی - با سندش به نقل از محمد بن سنان، از امام صادق علیه السلام، از جابر، در حدیث لوح :- جانشین، محمد است که در آخر الزمان قیام می کند و بر سرش ابری سپید است که سایه بانی برای او در برابر خورشید است. بازبانی شیواندا می دهد، به گونه ای که چنّ و انس و شرق و غرب، ندایش را می شنوند. مهدی، از خاندان محمد است، زمین را از عدالت پر می کند، همان گونه که از ستم پر شده است.<sup>۱</sup>

د - احادیث امام حسن علیه السلام

۱۷۵۵. الاحتجاج - به نقل از زید بن وهب جُهَنی از امام حسن علیه السلام :- [بدرم] علی علیه السلام فرمود: «خداوند، مردی را در آخر الزمان و در روزگار سخت و جهالت مردم، برمی انگیزد. خداوند، او را با فرشتگانش استوار می دارد و یارانش را محفوظ می دارد و با نشانه هایش یاری اش می دهد و او را بر زمینیان، چیره می کند تا خواه ناخواه به اطاعت او گردن نهند. او زمین را از عدل و داد و نور و برهان پر می کند. سرزمین ها در طول و عرض جغرافیایی به حکم او در می آیند و کافری نمی ماند، جز آن که به او ایمان می آورد و نه بدکاری، جز آن که صالح می شود. در فرمانروایی او، درندگان با هم در صلح و صفا به سر می برند و زمین، گیاهش را بیرون می دهد و آسمان برکتش را فرو می فرستد و گنج های نهان برایش پدیدار می شوند. او میانه دو افق [شرق و غرب] را چهل سال در اختیار دارد. خوشا به حال کسی که روزگار او را در می یابد و سخن او را می شنود!».<sup>۲</sup>

۱. الأُمالی، طوسی: ص ۲۹۱ و ۲۹۲ ح ۵۶۶، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۷۸ ح ۱۸۳.

۲. الاحتجاج: ج ۲ ص ۶۹، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۲۸۰ ح ۶.

هـ - ما زوي عن الإمام الحسين (ع)

١٧٥٤. كمال الدين : حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحَسَنِ الْفَرَوِينِيُّ، قَالَ : حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَضْرَمِيُّ، قَالَ : حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى الْأَحْوَلُ، قَالَ : حَدَّثَنَا خَلَادُ الْمُقْرِي، عَنْ قَيْسِ بْنِ أَبِي حُصَيْنٍ، عَنْ يَحْيَى بْنِ وَثَّابٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ، قَالَ : سَمِعْتُ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ (ع) يَقُولُ :

لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ، لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ وَادِي، فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا. كَذَلِكَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ .

١٧٥٧. تفسير فرات الكوفي : فَرَاتُ قَالَ : حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عُمَرَ الزُّهْرِيُّ مُعْنِعًا، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع)، قَالَ : قَالَ الْحَارِثُ (بْنُ عَبْدِ اللَّهِ) الْأَعْوَزُ لِلْحُسَيْنِ (ع) : يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ جُعِلَتْ فِدَاكَ، أَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ فِي كِتَابِهِ : ﴿وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا﴾ قَالَ : وَيَحْكُ يَا حَارِثُ ! ذَلِكَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ (ص). قَالَ : قُلْتُ : جُعِلَتْ فِدَاكَ، قَوْلُهُ : ﴿وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَّسَّهَا﴾ ؟ قَالَ : ذَلِكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (ع) يَتْلُو مُحَمَّدًا (ص). قَالَ : قُلْتُ : ﴿وَالنَّهَارُ إِذَا جَلَّسَهَا﴾ ؟ قَالَ : ذَلِكَ الْقَائِمُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (ص)، يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا.

و - ما زوي عن الإمام زين العابدين (ع)

١٧٥٨. مصباح المتهدّد - في دعاء الموقف لعليّ بن الحسين (ع) - :

## هـ - احادیث امام حسین علیه السلام

۱۷۵۶. کمال الدین - با سندش به نقل از عبد الله بن عمر - شنیدم که امام حسین علیه السلام می فرماید: «اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند تعالی آن روز را چنان طولانی می کند که مردی از فرزندانم قیام کند و آن را از عدل و داد پر نماید، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است. شنیدم که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله این گونه می فرمود»<sup>۱</sup>.

۱۷۵۷. تفسیر فرات، کوفی - با سندش به نقل از امام باقر علیه السلام - : حارث اعور به امام حسین علیه السلام گفت: ای فرزند پیامبر خدا! فدایت شوم! به من از سخن خدا در کتابش: «سوگند به خورشید و نور گسترده آن» بگو.

فرمود: «وای بر تو، ای حارث! [مصدق بارز] آن، محمد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است».

گفتم: فدایت شوم! سخنش: «و سوگند به ماه، هنگامی که در پی آن می آید»؟

فرمود: «[مصدق بارز] آن، امیر مؤمنان علیه السلام است که در پی محمد می آید».

گفتم: «و سوگند به روز، هنگامی که آن (زمین) را روشن می کند».

فرمود: «آن، قائم از خاندان محمد است که زمین را از عدل و داد پر می کند»<sup>۲</sup>.

## و - احادیث امام زین العابدین علیه السلام

۱۷۵۸. مصباح المنتهجد - در دعای موقف [عرفات]، از زین العابدین علیه السلام - : خدایا! بر محمد و

۱. کمال الدین: ص ۳۱۷، ح ۴، اعلام الوری: ج ۲ ص ۲۳۱، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۱۳۳ ح ۵.

۲. تفسیر فرات: ص ۵۶۳ ح ۷۲۱.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَصْلِحْ لَنَا إِمَانَنَا وَاسْتَصْلِحْهُ، وَأَصْلِحْ عَلَى يَدَيْهِ وَآمِنِ خَوْفَهُ وَخَوْفَنَا عَلَيْهِ، وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ الَّذِي تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ، اللَّهُمَّ اَمَلًا الْأَرْضَ بِهِ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مُلِئْتَ ظُلْمًا وَجَوْرًا، وَآمِنُ بِهِ عَلَى فُقَرَاءِ الْمُسْلِمِينَ وَأَرَامِلِهِمْ وَمَسَاكِينِهِمْ، وَاجْعَلْنِي مِنْ خِيَارِ مَوَالِيهِ وَشِيَعَتِهِ، أَشَدَّهُمْ لَهُ حُبًّا، وَأَطْوَعَهُمْ لَهُ طَوْعًا، وَأَنْفَذِهِمْ لِأَمْرِهِ، وَأَسْرَعَهُمْ إِلَى مَرْضَاتِهِ، وَأَقْبَلِهِمْ لِقَوْلِهِ، وَأَقْوَمِهِمْ بِأَمْرِهِ، وَارْزُقْنِي الشَّهَادَةَ بَيْنَ يَدَيْهِ حَتَّى أَلْقَاكَ وَأَنْتَ عَنِّي رَاضٍ.

١٧٥٩. مجمع البيان: رَوَى الْعَيْشِيُّ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع أَنَّهُ قَرَأَ الْآيَةَ<sup>١</sup> وَقَالَ:

هُمُ وَاللَّهِ شِيعَتُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، يَفْعَلُ اللَّهُ ذَلِكَ بِهِمْ عَلَى يَدَيِ رَجُلٍ مِنَّا، وَهُوَ مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ، وَهُوَ الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص:

لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ، حَتَّى يَلِيَّيَ رَجُلٌ مِنْ عِتْرَتِي، اسْمُهُ اسْمِي، يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مُلِئْتَ ظُلْمًا وَجَوْرًا.

وَرُوِيَ مِثْلَ ذَلِكَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع وَأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع.

ز - مَا رُوِيَ عَنِ الْإِمَامِ الْبَاقِرِ ع

١٧٦٠. الغيبة للطوسي: عَنْهُ<sup>٢</sup>، عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ

أَبِي الْجَارُودِ، قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع:

إِنَّ الْقَائِمَ يَمْلِكُ ثَلَاثِمِئَةً وَتِسْعَ سِنِينَ كَمَا لَبِثَ أَهْلُ الْكَهْفِ فِي كَهْفِهِمْ، يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مُلِئْتَ ظُلْمًا وَجَوْرًا، وَيَفْتَحُ اللَّهُ لَهُ شَرْقَ الْأَرْضِ وَغَرْبَهَا،

١. سورة نور آية ٥٥.

٢. أي الفضل بن شاذان.

خاندان محمد، درود فرست و امام ما را برای ما و اوضاع را برای او به سامان بیاور، و به دست او اصلاح کن و بیم خودش و بیم ما بر او را به آسودگی تبدیل کن و - خدایا - او را همان کسی قرار ده که دینت را با او یاری می‌دهی.

خدایا! زمین را با او از عدل و داد پر کن، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است و با او بر فقیران و بیوه‌زنان و بینوایان مسلمان، منت بگذار و مرا از برگزیدگان و ابستگان و پیروان او - که بیشترین محبت را به او دارند و مطیع‌ترین اند و بهترین فرمان‌برداری را دارند و در پی رضایت او سریع‌ترین اند و بیشترین پذیرش سخن او را دارند و بیش از بقیه به کار او قیام می‌کنند -، قرار بده و شهادت در پیش روی او را روزی‌ام کن تا تو را در حالی دیدار کنم که از من خوشنودی.<sup>۱</sup>

۱۷۵۹. مجمع البیان - به نقل از عیاشی، با سندش -: چون [امام زین العابدین علیه السلام] آیه<sup>۲</sup> را خواند، فرمود: «به خدا سوگند، آنان شیعیان ما اهل بیت هستند. خداوند، آن را به دست مردی از ما برایشان به انجام می‌رساند و او مهدی این امت و همان کسی است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر جز یک روز از دنیا نمانده باشد، خدا آن روز را طولانی می‌کند تا مردی از خاندان من و همنام من حاکمیت یابد و زمین را از عدل و داد پر کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است». مانند همین، از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام هم روایت شده است.<sup>۳</sup>

### ز - احادیث امام باقر علیه السلام

۱۷۶۰. الغیبة، طوسی - با سندش به نقل از ابو جارود -: امام باقر علیه السلام فرمود: «قائم علیه السلام سیصد و نه سال حکومت دارد؛ همان اندازه که اصحاب کهف در غارشان ماندند. زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است، و خداوند، شرق و غرب را به روی او می‌گشاید، مردم [معاند] را می‌کشد تا جز دین محمد صلی الله علیه و آله دیده

۱. مصباح المنهج: ص ۶۹۷ - ۷۷۱، اقبال الأعمال: ج ۲ ص ۱۱۰، المزار، مفید: ص ۱۶۳، بحار الأنوار: ج ۹۸ ص ۲۳۴. نیز، برای دیدن همه حدیث، ر.ک: همین دانش‌نامه: ج ۶ ص ۲۱۳ ح ۱۰۷۵.

۲. مقصود، آیه ۵۵ از سوره نور است که در ابتدای این عنوان گذشت.

۳. مجمع البیان: ج ۷ ص ۲۳۹، تأویل الآیات الظاهرة: ج ۱ ص ۳۶۹ ح ۲۳.

وَيَقْتُلُ النَّاسَ حَتَّى لَا يَبْقَى إِلَّا دَيْنُ مُحَمَّدٍ ﷺ، يَسِيرُ بِسِيرَةِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ.

١٧٤١. تفسیر العیاشی: عَنْ سَلَامِ بْنِ الْمُسْتَنِيرِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) فِي قَوْلِهِ: ﴿وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا﴾<sup>١</sup>، قَالَ:

هُوَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ (ع)، قُتِلَ مَظْلُومًا وَنَحْنُ أَوْلِيَاؤُهُ، وَالْقَائِمُ مِنَّا إِذَا قَامَ مِنَّا طَلَبَ بِثَارِ الْحُسَيْنِ... إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا، فَإِنَّهُ لَا يَذْهَبُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يُنْتَصَرَ بِرَجُلٍ مِنْ آلِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا.

١٧٤٢. تفسیر العیاشی: عَنْ جَابِرِ الْجَعْفِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) - فِي ذِكْرِ مَا يَفْعُ بَعْدَ قَتْلِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ (ع) السُّفْيَانِيَّ -: ... ثُمَّ يُقْبَلُ إِلَى الْكُوفَةِ فَيَكُونُ مَنْزِلُهُ بِهَا، فَلَا يَتْرُكُ... غَارِمًا إِلَّا قَضَى دَيْنَهُ، وَلَا مَظْلَمَةً لِأَحَدٍ مِنَ النَّاسِ إِلَّا رَدَّهَا، وَلَا يُقْتَلُ مِنْهُمْ عَبْدٌ إِلَّا أَدَّى ثَمَنَهُ دِيَّةً مُسَلَّمَةً إِلَى أَهْلِهَا، وَلَا يُقْتَلُ قَتِيلٌ إِلَّا قَضَى عَنْهُ دَيْنَهُ وَالْحَقَّ عِيَالَهُ فِي الْعَطَاءِ، حَتَّى يَمَلَأَ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا وَعُدْوَانًا.

راجع: ص ١٢٠ ح ١٦٩٦

وص ٢٠٨ ح ١٩٣٢.

ح - مَا رُوِيَ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ (ع)

١٧٤٣. الغيبة للنعماني: فَإِنَّهُ رُوِيَ عَنْهُمْ (ع) مَا حَدَّثَنَا بِهِ مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا حَمِيدُ بْنُ زِيَادٍ الْكُوفِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْمَيْمَنِيُّ، عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (ع) أَنَّهُ قَالَ:

نشود. او به سیره سلیمان بن داود علیه السلام رفتار می‌کند.<sup>۱</sup>

۱۷۶۱. تفسیر العیاشی - به نقل از سلّام بن مستنیر - : امام باقر علیه السلام در باره این سخن خدا: ﴿و هر کس مظلومانه کشته شود، برای ولی او، حَقّ تسلط [بر قاتل] نهاده ایم. پس در کشتن و قصاص، زیاده روی نکنند که او یاری شده است﴾ فرمود: «او حسین بن علی علیه السلام است که مظلومانه کشته شد و ما اولیای او هستیم، و قائم ما هنگامی که از میان ما قیام می‌کند، انتقام خون حسین را می‌طلبد... او یاری شده است، و دنیا از بین نمی‌رود تا انتقامش به دست مردی از خاندان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گرفته شود، زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است.»<sup>۲</sup>

۱۷۶۲. تفسیر العیاشی - به نقل از جابر جعفی، در یادکرد آنچه پس از کشتن سفیانی به دست امام مهدی علیه السلام روی می‌دهد :- امام باقر علیه السلام فرمود: «سپس به کوفه روی می‌آورد و در آن جا منزل می‌کند و بدهکاری را... باقی نمی‌نهد، جز آن که بدهی اش را می‌پردازد و چیز به ستم برده شده‌ای را [باقی نمی‌گذارد] جز آن که به صاحبش باز می‌گرداند، و از سپاهش بنده‌ای کشته نمی‌شود، جز آن که خون‌بهای او را به صاحبانش تسلیم می‌کند و کسی کشته نمی‌شود، جز آن که بدهی اش را ادا می‌کند و نانخوران او را به حقوق‌بگیران از بیت المال ملحق می‌کند تا آن که زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همان گونه که از جور و تجاوز پر شده است.»<sup>۳</sup>

ر.ک: ص ۱۴۱ ح ۱۶۹۶

و ص ۴۰۹ ح ۱۹۳۴.

### ح - احادیث امام صادق علیه السلام

۱۷۶۳. الغیبة، نعمانی - باسندش به نقل از احمد بن حسین میثمی، از مردی از یاران امام صادق علیه السلام - : شنیدم که می‌فرمود: «... «بدانید که خداوند، زمین را پس از مرگش زنده می‌کند. نشانه‌ها را برایتان بیان کرده‌ایم؛ شاید که دریابید»؛ یعنی پس از آن که زمین به خاطر ستم پیشوایان

۱. الغیبة، طوسی: ص ۴۷۴ ح ۴۹۶، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۲۹۱ ح ۳۴.

۲. تفسیر العیاشی: ج ۲ ص ۲۹۰ ح ۶۷، بحار الأنوار: ج ۴۴ ص ۲۱۸ ح ۷.

۳. تفسیر العیاشی: ج ۱ ص ۶۴ ح ۱۱۷، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۲۲۲ ح ۸۷. نیز، برای دیدن همه حدیث، ر.ک:

همین دانش‌نامه: ج ۷ ص ۱۴۳ ح ۱۱۹۶.



سَمِعْتُهُ يَقُولُ: ... ﴿اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُخِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾<sup>١</sup>  
 أي يُحييها الله بِعَدْلِ الْقَائِمِ عِنْدَ ظُهُورِهِ، بَعْدَ مَوْتِهَا بِجَوْرِ أَيْمَةِ الضَّلَالِ.

١٧٦٤. الكافي: الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ، عَنِ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ عَلِيِّ بْنِ مِرْدَاسٍ، عَنِ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَالْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنِ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ، عَنِ عَمَّارِ السَّابِاطِيِّ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَيُّمَا أَفْضَلُ: الْعِبَادَةُ فِي السَّرِّ مَعَ الْإِمَامِ مِنْكُمُ الْمُسْتَتِرِ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ، أَوِ الْعِبَادَةُ فِي ظُهُورِ الْحَقِّ وَدَوْلَتِهِ مَعَ الْإِمَامِ مِنْكُمُ الظَّاهِرِ؟

فَقَالَ: يَا عَمَّارُ، الصَّدَقَةُ فِي السَّرِّ وَاللَّهُ أَفْضَلُ مِنَ الصَّدَقَةِ فِي الْعَلَانِيَةِ، وَكَذَلِكَ وَاللَّهُ عِبَادَتُكُمْ فِي السَّرِّ مَعَ إِمَامِكُمُ الْمُسْتَتِرِ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ، وَتَخَوُّفُكُمْ مِنْ عَدُوِّكُمْ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ، وَحَالِ الْهُدْيَةِ أَفْضَلُ مِمَّنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ ذِكْرُهُ، فِي ظُهُورِ الْحَقِّ مَعَ إِمَامِ الْحَقِّ الظَّاهِرِ فِي دَوْلَةِ الْحَقِّ، وَلَيْسَتْ الْعِبَادَةُ مَعَ الْخَوْفِ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ، مِثْلُ الْعِبَادَةِ وَالْأَمَنِ فِي دَوْلَةِ الْحَقِّ، وَاعْلَمُوا أَنَّ مَنْ صَلَّى مِنْكُمُ الْيَوْمَ صَلَاةً فَرِيضَةً فِي جَمَاعَةٍ، مُسْتَتِرًا بِهَا مِنْ عَدُوِّهِ فِي وَقْتِهَا فَأَتَمَّهَا، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ خَمْسِينَ صَلَاةً فَرِيضَةً فِي جَمَاعَةٍ، وَمَنْ صَلَّى مِنْكُمُ صَلَاةً فَرِيضَةً وَحَدَهُ مُسْتَتِرًا بِهَا مِنْ عَدُوِّهِ فِي وَقْتِهَا فَأَتَمَّهَا، كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهَا لَهُ خَمْسًا وَعِشْرِينَ صَلَاةً فَرِيضَةً وَحَدَانِيَّةً، وَمَنْ صَلَّى مِنْكُمُ صَلَاةً نَافِلَةً لَوْقْتِهَا فَأَتَمَّهَا، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا عَشْرَ صَلَوَاتٍ نَوَافِلَ، وَمَنْ عَمِلَ مِنْكُمُ حَسَنَةً، كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ بِهَا عِشْرِينَ حَسَنَةً، وَيُضَاعَفُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حَسَنَاتِ الْمُؤْمِنِ مِنْكُمُ إِذَا أَحْسَنَ أَعْمَالَهُ، وَدَانَ بِالتَّوْبَةِ عَلَى دِينِهِ وَإِمَامِهِ وَنَفْسِهِ، وَأَمْسَكَ مِنْ لِسَانِهِ أضعافاً مُضَاعَفَةً، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ كَرِيمٌ.

گمراهی می‌میرد، خداوند، آن را با عدالت قائم به گاه ظهورش، زنده می‌کند»<sup>۱</sup>.

۱۷۶۴. الکافی - به نقل از عمّار ساباطی -: به امام صادق علیه السلام گفتم: کدام یک برتر است: عبادت نهانی همراه با امامی پنهان از خاندان شما در زمان دولت باطل، یا عبادت در زمانی که حق، آشکار و دولت حق بر سر کار و امام شما خاندان آشکار باشد؟

فرمود: «ای عمّار! به خدا سوگند که صدقه دادن نهانی، برتر از صدقه دادن آشکار است. همچنین به خدا سوگند که عبادت شما در نهان همراه با امام پنهان و در دولت باطل و ترس شما از دشمنان و در زمان صلح [و تقیّه مانند دوران بعد از امام حسین علیه السلام]، برتر است از کسی که در هنگام آشکار بودن حق و زمانی که امام بر حق، آشکار و دولت حق بر سر کار است، به عبادت خداوند تعالی می‌پردازد. عبادت همراه با ترس در دولت باطل، با عبادت همراه با امنیت در دولت حق، یکسان نیست.

بدانید که هر کس از شما در این زمان، نماز واجبی را در وقتش با جماعت و پنهان از چشم دشمنش بخواند و آن را کامل به جا آورد، خداوند تعالی برایش پنجاه نماز واجب گزارده به جماعت می‌نویسد، و هر کس از شما نماز واجبی را در وقتش به صورت فرادا و پنهان از دشمنش بخواند و آن را کامل به جا آورد، خداوند تعالی به ازای آن برایش بیست و پنج نماز فرادا می‌نویسد و هر کس از شما نماز نافله‌ای را در وقتش بخواند و آن را کامل به جا آورد، خداوند تعالی به ازای آن برایش ده نماز نافله می‌نویسد، و هر کس از شما یک کار نیک انجام دهد، خداوند تعالی به ازای آن برایش بیست کار نیک می‌نویسد. خدای تعالی کارهای نیک مؤمن شما را چنانچه درست عمل کند و در باره دینش و امامش و خودش به تقیّه پایبند باشد و زبانش را نگه

۱. الغیبة، نعمانی: ص ۲۴ و ۲۵، تأویل الآیات الظاهرة: ج ۲ ص ۶۶۲ ح ۱۴.

قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، قَدْ وَاللَّهِ رَغَبْتَنِي فِي الْعَمَلِ، وَحَسَبْتَنِي عَلَيْهِ، وَلَكِنْ أَحِبُّ أَنْ أَعْلَمَ كَيْفَ صِرْنَا نَحْنُ الْيَوْمَ أَفْضَلُ أَعْمَالًا مِنْ أَصْحَابِ الْإِمَامِ الظَّاهِرِ مِنْكُمْ فِي دَوْلَةِ الْحَقِّ، وَنَحْنُ عَلَى دِينٍ وَاحِدٍ؟

فَقَالَ: إِنَّكُمْ سَبَقْتُمُوهُمْ إِلَى الدُّخُولِ فِي دِينِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَإِلَى الصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَإِلَى كُلِّ خَيْرٍ وَقَفَّه، وَإِلَى عِبَادَةِ اللَّهِ عَزَّ ذِكْرُهُ سِرًّا مِنْ عَدُوِّكُمْ مَعَ إِمَامِكُمْ الْمُسْتَبَرِّ، مُطِيعِينَ لَهُ، صَابِرِينَ مَعَهُ، مُنْتَظِرِينَ لِدَوْلَةِ الْحَقِّ، خَائِفِينَ عَلَى إِمَامِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ مِنَ الْمُلُوكِ الظَّالِمَةِ، تَنْظُرُونَ<sup>١</sup> إِلَى حَقِّ إِمَامِكُمْ وَحُقُوقِكُمْ فِي أَيْدِي الظَّالِمَةِ، قَدْ مَنَعُوكُمْ ذَلِكَ، وَاضْطَرَّوْكُمْ إِلَى حَرْثِ الدُّنْيَا وَطَلَبِ الْمَعَاشِ، مَعَ الصَّبْرِ عَلَى دِينِكُمْ وَعِبَادَتِكُمْ وَطَاعَةِ إِمَامِكُمْ وَالْخَوْفِ مَعَ عَدُوِّكُمْ، فَبِذَلِكَ ضَاعَفَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَكُمْ الْأَعْمَالَ، فَهَيْئًا لَكُمْ.

قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، فَمَا تَرَى إِذَا أَنْ نَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ، وَيُظَهِّرُ الْحَقُّ وَنَحْنُ الْيَوْمَ فِي إِمَامَتِكَ وَطَاعَتِكَ، أَفْضَلُ أَعْمَالًا مِنْ أَصْحَابِ دَوْلَةِ الْحَقِّ وَالْعَدْلِ؟

فَقَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ، أَمَا تُحِبُّونَ أَنْ يُظَهِّرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْحَقَّ وَالْعَدْلَ فِي الْبِلَادِ، وَيَجْمَعَ اللَّهُ الْكَلِمَةَ وَيُوَلِّفَ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبٍ مُخْتَلِفَةٍ، وَلَا يَعْصُونَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي أَرْضِهِ، وَتُقَامُ حُدُودُهُ فِي خَلْقِهِ، وَيَرُدُّ اللَّهُ الْحَقَّ إِلَى أَهْلِهِ فَيُظَهِّرُ، حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ، أَمَا وَاللَّهِ يَا عَمَّارُ، لَا يَمُوتُ مِنْكُمْ مَيِّتٌ عَلَى الْحَالِ الَّتِي أَنْتُمْ عَلَيْهَا، إِلَّا كَانَ أَفْضَلَ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ كَثِيرٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَأُحُدٍ، فَابْشِرُوا.

١. في الطبعة المعتمدة: «تنتظرون»، والتصويب من طبعة دار الحديث (ص ٢ ح ١٤٠).

دارد، چندین و چند برابر می کند. خداوند ﷻ کریم است.»

گفتم: فدایت گردم! به خدا سوگند که مرا به عمل، راغب نمودی و بدان تشویق فرمودی؛ اما دوست دارم بدانم که چرا امروز اعمال ما، با ارزش تر از اعمال یاران امام آشکار شما در دولت حق است، در حالی که همه بر یک دین [و مذهب] هستیم؟ فرمود: «شما در پذیرفتن دین خدای ﷻ و گزاردن نماز و روزه و حج و در هر گونه نیکی ای که خدا توفیقتان داده، و در عبادت خداوند متعال به دور از چشم دشمنان و همراه با پیشوای پنهانان، بر آنان پیشی گرفته اید، در حالی که فرمان بردار پیشوایتان هستید و پا به پای او شکیب می ورزید و چشم به راه دولت حق هستید و از شاهان ستمگر در باره پیشوایتان و خودتان، بیمناک هستید و شاهد آنید که ستمگران حق پیشوایتان و حقوق خودتان را گرفته اند و شما را از آن محروم ساخته اند و به کشت و کار در دنیا و طلب معاش، ناچاران کرده اند، به علاوه صبر در دین و عبادتتان و فرمان برداری از پیشوایتان و تحمل ترس و نگرانی از دشمنان. به این دلایل است که خداوند ﷻ اعمال شما را چند برابر قرار داده است. گوارایتان باد!»

گفتم: فدایت گردم! پس چه نیازی می بینید که ما از یاران قائم ﷻ باشیم و دولت حق روی کار آید، در حالی که امروزه اعمال ما زیر نظر امامت و اطاعت شما، با ارزش تر از اعمال کسانی است که در دولت حق و عدالت به سر می برند؟!»

فرمود: «شگفتا! مگر شما دوست ندارید که خداوند - تبارک و تعالی - حق و عدالت را در جهان برقرار سازد و همه را به کلمه [ی توحید] فرا خواند و میان دل های پریشان، آفت و همدلی پدید آورد و در زمینش نافرمانی نشود و احکام او در میان آفریدگانش اجرا شود و حق را به صاحبش باز گرداند (تا حق چنان آشکار [و حاکم] گردد که از ترس هیچ یک از مردمان، کمترین چیزی از حق پنهان دانسته نشود؟ آری! به خدا سوگند - ای عمار - که هر یک از شما در این وضعیتی که دارید، از دنیا برود، نزد خداوند از بسیاری از شهیدان بدر و اُحد برتر است. پس شادمان باشید!»<sup>۱</sup>

۱. الکافی: ج ۱ ص ۲۳۳ ح ۲، کمال الدین: ص ۶۴۵ ح ۷، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۱۲۷ ح ۲۰.

١٧٦٥. الغيبة للنعماني: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:

مَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى لَا يَبْقَى صِنْفٌ مِنَ النَّاسِ إِلَّا وَقَدَ وُلُوا عَلَى النَّاسِ، حَتَّى لَا يَقُولَ قَائِلٌ: «إِنَّا لَوِ وُلِينَا لَعَدَلْنَا» ثُمَّ يَقُومُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ وَالْعَدْلِ.

١٧٦٦. الكافي: أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ الْقَاسِمِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ الْخَرَّازِ، عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ عُقْبَةَ، عَنِ الْحَارِثِ بْنِ زِيَادٍ، عَنْ شُعَيْبٍ، عَنْ أَبِي حَمْرَةَ، قَالَ:

دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقُلْتُ لَهُ: أَنْتَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ؟ فَقَالَ: لَا، فَقُلْتُ: فَوَلَدُكَ؟ فَقَالَ: لَا، فَقُلْتُ: فَوَلَدُ وَلَدِكَ هُوَ؟ قَالَ: لَا، فَقُلْتُ: فَوَلَدُ وَلَدِ وَلَدِكَ؟ فَقَالَ: لَا، قُلْتُ: مَنْ هُوَ؟

قَالَ: الَّذِي يَمَلُؤُهَا عَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَجَوْرًا، عَلَى فِتْرَةٍ مِنَ الْأَيَّامِ، كَمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله بَعَثَ عَلَيَّ فِتْرَةَ مِنَ الرُّسُلِ.

١٧٦٧. الغيبة للنعماني: مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي عُمَرُ بْنُ طَرْخَانَ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُمَرَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:

الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِي يَعْمُرُ عُمَرَ الْخَلِيلِ عَشْرِينَ وَمِئَةَ سَنَةٍ يُدْرِي بِهِ، ثُمَّ يَغِيبُ غَيْبَةً فِي الدَّهْرِ، وَيُظْهَرُ فِي صَوْرَةِ شَابٍّ مُوَفَّقٍ ابْنِ اثْنَيْنِ وَثَلَاثِينَ سَنَةً، حَتَّى تَرْجِعَ عَنْهُ طَائِفَةٌ مِنَ النَّاسِ، يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَجَوْرًا.

۱۷۶۵. الغیبة، نعمانی - باسندش به نقل از هشام بن سالم - : امام صادق علیه السلام فرمود: «این امر (قیام) رخ نمی دهد تا آن گاه که هیچ دسته ای از مردم نماند، مگر آن که به حکومت بر مردم دست یافته باشد، تا کسی نگوید: اگر ما حکومت می یافتیم، عدالت می ورزیدیم. سپس قائم به حق و عدالت، قیام می کند»<sup>۱</sup>.

۱۷۶۶. الکافی - باسندش به نقل از ابو حمزه - : بر امام صادق علیه السلام وارد شدم و به ایشان گفتم: تو صاحب این امر (قیام) هستی؟

فرمود: «نه».

گفتم: فرزندان؟

فرمود: «نه».

گفتم: فرزندی فرزندان؟

فرمود: «نه».

گفتم: فرزندی فرزندی فرزندان؟

فرمود: «نه».

گفتم: پس کیست؟

فرمود: «کسی که زمین را از عدالت پر می کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است، پس از گسستی طولانی [و ظاهری] میان امامان، همان گونه که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پس از گسستی طولانی از پیامبران مبعوث شد»<sup>۲</sup>.

۱۷۶۷. الغیبة، نعمانی - باسندش به نقل از علی بن عمر - : امام صادق علیه السلام فرمود: «قائم از نسل من، عمری مانند عمر [ابراهیم] خلیل علیه السلام دارد، صد و بیست سال که از او آگاهی دارند. سپس روزگار درازی غایب می شود و سپس به سیمای جوانی استوار و سی و دو ساله ظاهر می شود، تا آن جا که گروهی از مردم [به خاطر غیبت طولانی اش] از اعتقاد به او باز می گردند. او زمین را از عدل و داد پر می کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است»<sup>۳</sup>.

۱. الغیبة، نعمانی: ص ۲۷۴ ح ۵۳ (باسند موثق)، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۲۴۴ ح ۱۱۹.

۲. الکافی: ج ۱ ص ۳۴۱ ح ۲۱، الغیبة، نعمانی: ص ۱۸۶ ح ۳۸، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۳۹ ح ۱۸.

۳. الغیبة، نعمانی: ص ۱۸۹ ح ۴۴، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۲۸۷ ح ۲۲.

١٧٦٨. الغيبة للنعماني: أَخْبَرَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عَفْذَةَ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْمُفَضَّلِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زُرَّارَةَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرَّانَ، عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ اسْتَقْبَلَ مِنْ جَهْلِ النَّاسِ أَشَدَّ مِمَّا اسْتَقْبَلَهُ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مِنْ جُهَالِ الْجَاهِلِيَّةِ، قُلْتُ: وَكَيْفَ ذَلِكَ؟

قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَتَى النَّاسَ وَهُمْ يَعْبُدُونَ الْحِجَارَةَ وَالصُّخُورَ وَالْعِيدَانَ وَالْخَشَبَ الْمَنْحُوتَةَ، وَإِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَتَى النَّاسَ وَكُلُّهُمْ يَتَأَوَّلُ عَلَيْهِ كِتَابَ اللَّهِ، يَحْتَجُّ عَلَيْهِ بِهِ، ثُمَّ قَالَ: أَمَا وَاللَّهِ لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَدْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرُّ وَالْقُرْأُ.

١٧٦٩. الغيبة للطوسي: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ -: يَظْهَرُ صَاحِبُنَا وَهُوَ مِنْ صُلْبِ هَذَا - وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام - فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَظُلْمًا، وَتَصْفُو لَهُ الدُّنْيَا.

١٧٧٠. كامل الزيارات: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحِمَيْرِيِّ عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَادِ الْبَصْرِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ، عَنْ حَمَادِ بْنِ عُثْمَانَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ:

لَمَّا أُسْرِيَ بِالنَّبِيِّ صلى الله عليه وآله إِلَى السَّمَاءِ، قِيلَ لَهُ - فِي وَصْفِ الْقَائِمِ عليه السلام -: يَمْلَأُ الْأَرْضَ بِالْعَدْلِ وَيُطَبِّقُهَا بِالْقِسْطِ.

١٧٧١. كمال الدين: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ

۱۷۶۸. الغیبة، نعمانی - با سندش به نقل از فضیل بن یسار - : شنیدم که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «قائم ما چون قیام کند، با جهالتی روبه‌رو می‌شود که سخت‌تر از چیزی است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با آن از جاهلان روزگار جاهلیت روبه‌رو شد».

گفتم: چگونه؟

فرمود: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نزد مردم آمد، در حالی که آنان سنگ و صخره و درخت خرما و چوب‌های تراشیده [به دست خودشان] را می‌پرستیدند و قائم ما چون قیام کند، نزد مردم می‌آید، در حالی که همگی کتاب خدا را در برابر او به تأویل می‌برند و با قرآن، علیه او احتجاج می‌کنند». سپس فرمود: «هان! به خدا سوگند، عدالت او تادل خانه‌هایشان راه می‌یابد، همان‌گونه که گرما و سرما راه می‌یابد».<sup>۱</sup>

۱۷۶۹. الغیبة، طوسی - در حدیثی طولانی -: امام صادق علیه السلام فرمود: «صاحب ما که از صُلب این است (با دستش به موسی بن جعفر اشاره کرد)، ظهور می‌کند و زمین را از عدل پر می‌کند، همان‌گونه که از ظلم و ستم پر شده است و دنیا برایش گوارا [و رام] می‌شود».<sup>۲</sup>

۱۷۷۰. کامل‌الزیارات - با سندش به نقل از حماد بن عثمان -: امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله را به آسمان بردند، در توصیف قائم به او گفته شد: زمین را با عدالت پر می‌کند و با برابری می‌پوشاند».<sup>۳</sup>

۱۷۷۱. کمال‌الدین - با سندش به نقل از مفضل بن عمر -: امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند

۱. الغیبة، نعمانی: ص ۲۹۶ ح ۱، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۶۲ ح ۱۳۱.

۲. الغیبة، طوسی: ص ۴۲ ح ۲۳، بحار الأنوار: ج ۴۹ ص ۲۶ ح ۴۴.

۳. کامل‌الزیارات: ص ۵۴۷ و ۵۴۹ ح ۸۴۰، تأویل الآیات الظاهرة: ج ۲ ص ۸۸۱ ح ۱۱، بحار الأنوار: ج ۲۸



الحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ الزِّيَّاتِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْحَشَّابِ، عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ، عَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ رَبَاطٍ، عَنِ أَبِيهِ، عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ، قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عليه السلام:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ أَرْبَعَةَ عَشَرَ نَوْرًا قَبْلَ خَلْقِ الْخَلْقِ بِأَرْبَعَةِ عَشَرَ أَلْفَ عَامٍ، فَهِيَ أَرْوَاحُنَا.

فَقِيلَ لَهُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، وَمَنِ الْأَرْبَعَةُ عَشَرَ؟ فَقَالَ: مُحَمَّدٌ، وَعَلِيٌّ، وَفَاطِمَةُ، وَالْحَسَنُ، وَالْحُسَيْنُ، وَالْأَيُّمَةُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ، آخِرُهُمُ الْقَائِمُ الَّذِي يَقُومُ بَعْدَ غَيْبَتِهِ، فَيَقْتُلُ الدَّجَالَ، وَيُطَهِّرُ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ وَظُلْمٍ.

١٧٧٢. كمال الدين: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ وَسِّ الْعَطَّارُ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ قُتَيْبَةَ النَّيْسَابُورِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا حَمْدَانُ بْنُ سُلَيْمَانَ، عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيْعٍ، عَنِ حَبَّانَ السَّرَّاجِ، عَنِ السَّيِّدِ بْنِ مُحَمَّدِ الْجَمِيرِيِّ، فِي حَدِيثِ طَوِيلٍ يَقُولُ فِيهِ: قُلْتُ لِلصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، قَدْ رُوِيَ لَنَا أَخْبَارٌ عَنِ آبَائِكَ عليهم السلام فِي الْغَيْبَةِ وَصِحَّةِ كَوْنِهَا، فَأَخْبِرْنِي بِمَنْ تَفَعُّ؟

فَقَالَ عليه السلام: إِنَّ الْغَيْبَةَ سَتَفَعُّ بِالسَّادِسِ مِنْ وُلْدِي، وَهُوَ الثَّانِي عَشَرَ مِنَ الْأَيُّمَةِ الْهُدَاةِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله، أَوْلَاهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَصَاحِبُ الزَّمَانِ، وَاللَّهُ لَوْ بَقِيَ فِي غَيْبَتِهِ مَا بَقِيَ نَوْحٌ فِي قَوْمِهِ: لَمْ يَخْرُجْ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَظْهَرَ فَيَمْلَأَ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَظُلْمًا.

- تبارک و تعالی -، چهارده نور را چهارده هزار سال قبل از خلقت مردم آفرید، که همان روح‌های ما هستند».

گفته شد: ای فرزند پیامبر خدا! چهارده تن، چه کسانی اند؟

فرمود: «محمد، علی، فاطمه، حسن، حسین و امامان از نسل حسین. آخرین ایشان، قائمی است که پس از غیبتش قیام می‌کند و دجال را می‌کشد و زمین را از هر ظلم و ستمی پاک می‌کند».<sup>۱</sup>

۱۷۷۲. کمال‌الدین - با سندش به نقل از سید بن محمد حمیری، در حدیثی طولانی - : به امام صادق علیه السلام گفتم: ای فرزند پیامبر خدا! احادیثی از پدرانت علیهم السلام در باره غیبت و راست بودن وقوع آن، به ما رسیده است. به من بگو که برای چه کسی رخ می‌دهد؟

امام علیه السلام فرمود: «غیبت برای ششمین فرزند من رخ می‌دهد که دوازدهمین امام هدایت پس از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است که نخستین آنها، امیر مؤمنان، علی بن ابی طالب، و آخرینشان، قائم به حق، باقی گذارده شده خدا در زمین و صاحب زمان است. به خدا سوگند اگر حتی به آن اندازه که نوح میان قومش ماند، در پرده غیبت بماند، از دنیا بیرون نمی‌رود تا آن که ظهور کند و زمین را از عدل و داد پر کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است».<sup>۲</sup>

ر.ک: ص ۳۲۵ ح ۱۸۲۷.

۱. کمال‌الدین: ص ۳۲۵ ح ۷، إعلام‌الوری: ج ۲ ص ۱۹۶، الصراط‌المستقیم: ج ۲ ص ۱۳۴ (با عبارت مشابه)، بحار‌الأنوار: ج ۵۱ ص ۱۴۴ ح ۸.  
۲. کمال‌الدین: ص ۳۴۲ ح ۲۳، بحار‌الأنوار: ج ۵۱ ص ۱۴۵ ح ۱۲.

ط - ما رَوَى عَنِ الْإِمَامِ الْكَاسِمِ عج

١٧٧٣. كمال الدين : حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنِ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيِّ، قَالَ : حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ، عَنْ صَالِحِ بْنِ السَّنْدِيِّ، عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، قَالَ : دَخَلْتُ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عج فَقُلْتُ لَهُ : يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، أَنْتَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ؟

فَقَالَ : أَنَا الْقَائِمُ بِالْحَقِّ، وَلَكِنَّ الْقَائِمَ الَّذِي يُطَهِّرُ الْأَرْضَ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَيَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا، هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِي، لَهُ غَيْبَةٌ يَطْوُلُ أَمَدُهَا؛ خَوْفًا عَلَى نَفْسِهِ، يَرْتَدُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَيَنْبُتُ فِيهَا آخَرُونَ.

١٧٧٤. كمال الدين : حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنِ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيِّ، قَالَ : حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي أَحْمَدَ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادِ الْأَرْدِيِّ : سَأَلْتُ سَيِّدِي مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عج عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ : ﴿وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ وَظَهَرَ أَوَّلَ نِعْمَتِهِ إِلَيْكُمْ﴾<sup>١</sup>.

فَقَالَ عج : النَّعْمَةُ الظَّاهِرَةُ الْإِمَامُ الظَّاهِرُ، وَالْبَاطِنَةُ الْإِمَامُ الْغَائِبُ.

فَقُلْتُ لَهُ : وَيَكُونُ فِي الْأَيَّامِ مَنْ يَغِيبُ؟

قَالَ : نَعَمْ، يَغِيبُ عَنْ أَبْصَارِ النَّاسِ شَخْصُهُ، وَلَا يَغِيبُ عَنْ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ ذِكْرُهُ، وَهُوَ الثَّانِي عَشَرَ مِنَّا، يُسَهِّلُ اللَّهُ لَهُ كُلَّ عَسِيرٍ، وَيُذَلِّلُ لَهُ كُلَّ صَعْبٍ، وَيُظَهِّرُ لَهُ كُنُوزَ الْأَرْضِ، وَيُقَرِّبُ لَهُ كُلَّ بَعِيدٍ، وَيَبِيرُ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَيَهْلِكُ عَلَى يَدِهِ كُلُّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ، ذَلِكَ ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ الَّذِي تَخْفَى عَلَى النَّاسِ وَلَا دَنَتْهُ، وَلَا يَحِلُّ لَهُمْ تَسْمِيَّتُهُ حَتَّى يُظَهِّرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، فَيَمْلَأَ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا

ط - احادیث امام کاظم علیه السلام

۱۷۷۳. کمال الدین - به نقل از یونس بن عبد الرحمان - : بر امام موسی کاظم علیه السلام وارد شدم و به ایشان گفتم: ای فرزند پیامبر خدا! تو قائم به حق هستی؟

امام کاظم علیه السلام فرمود: «من قائم به حق هستم؛ اما آن قائم که زمین را از دشمنان خدای تعالی پاک و از عدالت، پر می کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است، پنجمین نسل من است، او را از بیم جانش، غیبتی است که به درازا می کشد و گروه هایی در آن دوران، از دین باز می گردند و گروه هایی دیگر، استوار می مانند»<sup>۱</sup>.

۱۷۷۴. کمال الدین - با سندش به نقل از ابو احمد محمد بن زیاد ازدی - : از سرورم امام موسی کاظم علیه السلام در باره سخن خدای تعالی : «نعمت های ظاهری و باطنی اش را بر شما به وفور، ارزانی داشت» پرسیدم.

فرمود: «نعمت ظاهری، امام آشکار است و نعمت باطنی، امام ناپیدا».

به ایشان گفتم: آیا میان امامان، کسی ناپیدا می شود؟

فرمود: «آری، وجودش از دیدگان مردم ناپیدا می شود؛ اما یادش از دل های مؤمنان نمی رود و او دوازدهمین امام از ما اهل بیت است. خدا هر سختی ای را برایش آسان می کند و هر مانعی را در برابرش رام می کند، و گنج های زمین را برایش آشکار می سازد، و هر دوری را برایش نزدیک می آورد، و هر جبار سرکشی را نابود می کند، و هر شیطان رانده شده ای را به دست او هلاک می نماید. او فرزند سرور کنیزان است که ولادتش بر مردم، پنهان می ماند و نام بردن او برایشان روا نیست تا آن که خدای تعالی او را آشکار سازد و زمین را از عدل و داد پر کند، همان گونه که از

۱. کمال الدین: ص ۳۶۱ ح ۵ (با سند معتبر)، کفایة الأثر: ص ۲۶۹، إعلام الوری: ج ۲ ص ۲۳۹، کشف الغمّة: ج ۳ ص ۳۱۳، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۱۵۱ ح ۶.

وظُلماً.<sup>١</sup>

ي - ما رُوِيَ عَنِ الْإِمَامِ الرَّضَاءِ ع

١٧٧٥. كمال الدين : حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادِ بْنِ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيِّ، قَالَ : حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ

عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الرَّيَّانِ بْنِ الصَّلْتِ، قَالَ : قُلْتُ لِلرَّضَاءِ ع : أَنْتَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ؟

ذَاكَ الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي، يُعَيِّئُهُ اللَّهُ فِي سِتْرِهِ مَا شَاءَ، ثُمَّ يُظْهِرُهُ فَيَمْلَأُ (بِهِ) الْأَرْضَ

قِسْطاً وَعَدْلًا كَمَا مِلْتِ جَوْرًا وَظُلْمًا.

١٧٧٦. كمال الدين : حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادِ بْنِ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيِّ، قَالَ : حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ

إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبُدٍ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الْإِمَامِ

الرَّضَاءِ ع :

الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي، ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ، يُظْهِرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ، وَيُقَدِّسُهَا

مِنْ كُلِّ ظُلْمٍ، وَهُوَ الَّذِي يَشْكُ النَّاسُ فِي وِلَادَتِهِ، وَهُوَ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ قَبْلَ خُرُوجِهِ،

فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِهِ، وَوَضَعَ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ

أَحَدًا.

راجع: ج ٨ ص ٩٠ ح ١٤٢٧.

ك - ما رُوِيَ عَنِ الْإِمَامِ الْجَوَادِ ع

١٧٧٧. كمال الدين : حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الشَّيْبَانِيِّ، قَالَ : حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

١. قال مصنف هذا الكتاب: لم أسمع هذا الحديث إلا من أحمد بن زياد بن جعفر الهمداني ع بهمدان، عند

منصرفي من حج بيت الله الحرام، وكان رجلاً ثقة ديناً فاضلاً رحمة الله عليه ورضوانه.

جور و ستم پر شده است»<sup>۱</sup>.

### ی - احادیث امام رضا علیه السلام

۱۷۷۵. کمال الدین - به نقل از ربیان بن صلت -: به امام رضا علیه السلام گفتم: تو صاحب این امر (ولایت) هستی؟

فرمود: «... او از چهارمین نسل من است. خدا او را در پرده خود، تا آن گاه که بخواهد، پنهان می کند و سپس او را ظاهر می کند و زمین را با او از عدل و داد پر می کند، همان گونه که از جور و ستم پر شده است»<sup>۲</sup>.

۱۷۷۶. کمال الدین - با سندش به نقل از حسین بن خالد -: امام رضا علیه السلام فرمود: «چهارمین نسل من، فرزند سرور کنیزان است که خداوند زمین را با دستان او از هر ستمی پاک می کند و از هر ظلمی منزّه می دارد و او همان کسی است که مردم در ولادتش شک می کنند و او همان است که پیش از خروجش غایب می شود و چون خروج می کند، زمین از نورش درخشان می شود و ترازوی عدل را میان مردم می نهد تا کسی به کسی ستم نکند»<sup>۳</sup>.

ر.ک: ج ۸ ص ۹۱ ح ۱۴۴۷.

### ک - احادیث امام جواد علیه السلام

۱۷۷۷. کمال الدین - با سندش به نقل از عبد العظیم بن عبد الله حسنی -: به امام محمد

۱. کمال الدین: ص ۳۶۸ ح ۶ (با سند حسن کالصحیح)، الخرائج و الجرائع: ج ۳ ص ۱۱۶۵ ح ۶۴، کفایة الأثر: ص ۲۶۶، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۱۵۰ ح ۲.

۲. کمال الدین: ص ۳۷۶ ح ۷ (با سند حسن کالصحیح)، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۲۲ ح ۳۰، نیز، برای دیدن همه حدیث، ر.ک: همین دانش نامه: ج ۳ ص ۱۱۹ ح ۵۱۹.

۳. کمال الدین: ص ۳۷۱ ح ۵ (با سند معتبر)، کفایة الأثر: ص ۲۷۰، إعلام الوری: ج ۲ ص ۲۴۱، کشف الغمّة: ج ۳ ص ۳۱۴، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۲۱ ح ۲۹، نیز، برای دیدن همه حدیث، ر.ک: ص ۲۲۹ ح ۱۷۸۹.

الْكُوفِيُّ، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادِ الْأَدْمِيِّ، عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيِّ، قَالَ: قُلْتُ لِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى ع: إِنِّي لِأَرْجُو أَنْ تَكُونَ الْقَائِمَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئْتَ جَوْرًا وَظُلْمًا؟

فَقَالَ ع: يَا أَبَا الْقَاسِمِ، مَا مِنَّا إِلَّا وَهُوَ قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَهَادٍ إِلَى دِينِ اللَّهِ، وَلَكِنَّ الْقَائِمَ الَّذِي يُطَهِّرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ الْأَرْضَ مِنَ أَهْلِ الْكُفْرِ وَالْجُحُودِ، وَيَمَلؤها عَدْلًا وَقِسْطًا هُوَ الَّذِي تَخْفَى عَلَى النَّاسِ وَلَا دَنَتُهُ، وَيَغِيبُ عَنْهُمْ شَخْصُهُ، وَيَحْرُمُ عَلَيْهِمْ تَسْمِيَتُهُ، وَهُوَ سَمِيَّ رَسُولِ اللَّهِ ص وَكِنْيَتُهُ، وَهُوَ الَّذِي تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ، وَيَذَلُّ لَهُ كُلُّ صَعْبٍ، وَيَجْتَمِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَصْحَابِهِ عِدَّةٌ أَهْلِ بَدْرِ، ثَلَاثُمِئَةٍ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا مِنْ أَقَاصِي الْأَرْضِ، وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «أَيُّنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» .

١٧٧٨. الغيبة للطوسي: الفضل، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ حَيِّ بْنِ مَرَوَانَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزَبَارٍ، قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع:

كَأَنِّي بِالْقَائِمِ يَوْمَ عَاشُورَاءَ - يَوْمَ السَّبْتِ - قَائِمًا بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، بَيْنَ يَدَيْهِ جَبْرِئِيلُ ع يُنَادِي: الَّتِيَعَةُ لِلَّهِ. فَيَمَلؤها عَدْلًا كَمَا مُلِئْتَ ظُلْمًا وَجَوْرًا.

ل - مَا زَوَى عَنِ الْإِمَامِ الْهَادِي ع

١٧٧٩. كمال الدين: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادِ بْنِ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ،

جواد علیه السلام گفتیم: من امیدوارم که شما قائم خاندان محمد باشی؛ کسی که زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همان گونه که از ستم و بیداد پر شده است.

فرمود: «ای ابو القاسم! هیچ یک از ما امامان نیست، جز آن که به کار خدای تعالی قیام می‌کند و به دین خدا هدایت می‌نماید؛ اما قائمی که خدای تعالی زمین را با او از کافران و منکران پاک می‌کند و آن را از عدل و داد پر می‌کند، کسی است که ولادتش بر مردم، پنهان و پیکرش از دید مردم، غایب می‌ماند و نام بردنش بر آنان حرام می‌شود و او همانم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و هم‌کنیه اوست، و او کسی است که زمین برایش در هم پیچیده می‌شود و هر دشواری برایش رام می‌شود و سیصد و سیزده مرد از یارانش و به شمار مجاهدان بدر، از همه سوی زمین به گردش جمع می‌شوند و آن، همان سخن خدای تعالی است که: ﴿هر کجا باشید، خداوند، همه شما را می‌آورد خداوند بر هر کاری تواناست﴾.<sup>۱</sup>

۱۷۷۸. الغیبة، طوسی - با سندش به نقل از علی بن مهزیار -: امام جواد علیه السلام فرمود: «گویی قائم علیه السلام را می‌بینم که روز عاشورا، شنبه میان رکن [حجر الأسود] و مقام [ابراهیم] ایستاده و جبرئیل پیش رویش ندا می‌دهد: بیعت، از آن خداوند است، و او آن [زمین] را از عدالت پر می‌کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است».<sup>۲</sup>

#### ل - احادیث امام هادی علیه السلام

۱۷۷۹. کمال الدین - با سندش به نقل از صقر بن ابی ذکف -: شنیدم که امام هادی علیه السلام می‌فرماید: «امام پس از من، حسن، پسر است و پس از حسن، قائم است که زمین

۱. کمال الدین: ص ۳۷۷ ح ۲ (با سند معتبر)، الاحتجاج: ج ۲ ص ۴۸۱ ح ۳۲۴، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۲۸۳

ح ۱۰.

۲. الغیبة، طوسی: ص ۴۵۳ ح ۴۵۹، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۲۹۰ ح ۳۰.



قال: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ الْمُوصِلِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا الصَّقَرِيُّ بْنُ أَبِي دُلْفٍ، قَالَ: سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ الرَّضَائِيَّ يَقُولُ:

إِنَّ الْإِمَامَ بَعْدِي الْحَسَنُ ابْنِي، وَبَعْدَ الْحَسَنِ ابْنُهُ الْقَائِمُ الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْماً.

١٧٨٠. كمال الدين: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى الدَّقَاقُ، وَعَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقُ، قَالَا: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَارُونَ الصَّوْفِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو تُرَابٍ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى الرَّوْيَانِيُّ، عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيِّ [عَنِ الْإِمَامِ الْهَادِي عليه السلام فِي حَدِيثِ عَرْضِ الدِّينِ]، فَقَالَ عليه السلام:

وَمِنْ بَعْدِي الْحَسَنُ ابْنِي، فَكَيْفَ لِلنَّاسِ بِالْخَلْفِ مِنْ بَعْدِهِ؟ قَالَ: قُلْتُ: وَكَيْفَ ذَلِكَ يَا مَوْلَايَ؟ قَالَ: لِأَنَّهُ لَا يُرَى شَخْصُهُ، وَلَا يَحِلُّ ذِكْرُهُ بِاسْمِهِ حَتَّى يَخْرُجَ، فَيَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْماً. قَالَ: قُلْتُ: أَقَرَّرْتُ وَأَقُولُ: إِنَّ وَلِيَّهُمْ وَلِيُّ اللَّهِ، وَعَدْوُهُمْ عَدْوُ اللَّهِ، وَطَاعَتُهُمْ طَاعَةُ اللَّهِ، وَمَعْصِيَتُهُمْ مَعْصِيَةُ اللَّهِ.

#### م - ما رَوِيَ عَنِ الْإِمَامِ الْعَسْكَرِيِّ عليه السلام

١٧٨١. مصباح المتعجب: أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ الشَّيْبَانِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَابِدُ بِالْذَّالِيَةِ لَفْظاً، قَالَ: سَأَلْتُ مَوْلَايَ أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ عليه السلام فِي مَنْزِلِهِ بِسَرٍّ مَنْ رَأَى سَنَةَ خَمْسٍ وَخَمْسِينَ وَمِئَتَيْنِ، أَنْ يُعَلِّمَنِي عَلَيَّ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ وَأَوْصِيَائِهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَأَحْضَرْتُ مَعِيَ قِرْطَاساً كَثِيراً، فَأَمَلَنِي عَلَيَّ لَفْظاً مِنْ غَيْرِ كِتَابٍ: ...

را از عدل و داد پر می‌کند، همان‌گونه که از ظلم و ستم پر شده است».<sup>۱</sup>

۱۷۸۰. کمال‌الدین - به نقل از عبدالعظیم بن عبدالله حسنی - : امام هادی علیه السلام فرمود: «پس از من فرزندانم، حسن جانشین من خواهد بود؛ ولی مردم [در باره] جانشین او چگونه خواهند بود!».

گفتم: چگونه خواهد بود سرورم؟

فرمود: «شخصی او دیده نمی‌شود و روا نیست نامش برده شود تا خروج کند و زمین را همان‌گونه که از ظلم و ستم آکنده بود، از داد و عدل بیاکند».

گفتم: بدان اقرار می‌کنم. من معترفم و معتقدم که دوستدار آنها، دوستدار خدا و دشمن آنها، دشمن خداست. فرمانبری از آنها، فرمانبری از خدا و سرکشی از آنها، سرکشی از خداست».<sup>۲</sup>

#### م - احادیث امام حسن عسکری علیه السلام

۱۷۸۱. مصباح‌المتجهّد - به نقل از ابو محمد عبد الله بن محمد عابد - : از آقایم امام عسکری علیه السلام در منزلش در سامرا به سال دویست و پنجاه و پنج [قمری] خواستم که چگونه صلوات بر پیامبر و اوصیایش - بر او و بر ایشان سلام باد - را بر من املا کند، و کاغذهای فراوانی آماده کرده بودم. اما از حفظ و بی آن که از روی نوشته‌ای بخواند، چنین املا کرد:

خدایا! بر ولایت و فرزند اولیایت درود فرست؛ آنان که اطاعتشان را واجب و حقشان را لازم ساختی و آلودگی را از آنان بردی و پاک و پاکیزه‌شان نمودی.

۱. کمال‌الدین: ص ۳۸۳ ح ۱۰، کفایة الأثر: ص ۲۸۸، إعلام الوری: ج ۲ ص ۲۴۷، بحار الأنوار: ج ۵۰ ص ۲۳۹ ح ۳.

۲. کمال‌الدین: ص ۳۷۹ و ۳۸۰ ح ۱، التوحید: ص ۸۱ ح ۳۷، الأملی، صدوق: ص ۴۱۹ ح ۵۵۷، کفایة الأثر: ص ۲۸۲، روضة الواعظین: ص ۴۰، بحار الأنوار: ج ۶۹ ص ۱ ح ۱.

الصَّلَاةُ عَلَيَّ وَوَلِيِّ الْأَمْرِ الْمُنتَظَرِ عليه السلام: اللَّهُمَّ! صَلِّ عَلَيَّ وَلِيَّتِكَ وَابْنِ أَوْلِيَانِكَ، الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَأَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ، وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرْتَ تَهُمْ تَطْهِيراً. اللَّهُمَّ انْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ، وَانصُرْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَأَوْلِيَاءَهُ وَشِيعَتَهُ وَأَنْصَارَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ.

اللَّهُمَّ! أَعِزَّهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ، وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ، وَاحْرُسْهُ وَأَمْنَعُهُ أَنْ يُوَصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَآلَ رَسُولِكَ، وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَانصُرْ نَاصِرِيهِ وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ، وَأَقْصِمْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرَةِ، وَاقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ، وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا وَأَيْنَ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا. وَأَمْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا، وَأَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ، وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَأَتْبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ، وَأَرِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ مَا يَأْمَلُونَ وَفِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ.

١٧٨٢. كمال الدين: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الْعَلَوِيِّ، عَنْ أَبِي غَانِمِ الْخَادِمِ، قَالَ: وُلِدَ لِأَبِي مُحَمَّدٍ عليه السلام وَلَدٌ فَسَمَاهُ مُحَمَّدًا، فَعَرَضَهُ عَلَيَّ أَصْحَابِهِ يَوْمَ الثَّلَاثِ، وَقَالَ:

هَذَا صَاحِبُكُمْ مِنْ بَعْدِي، وَخَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ، وَهُوَ الْقَائِمُ الَّذِي تَمْتَدُّ إِلَيْهِ الْأَعْنَاقُ بِالِانْتِظَارِ، فَإِذَا امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ جَوْرًا وَظُلْمًا خَرَجَ فَمَلَأَهَا قِسْطًا وَعَدْلًا.

١٧٨٣. المناقب لابن شهر آشوب: مِمَّا كَتَبَ [الإمام العسكري] عليه السلام إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ

الْحُسَيْنِ بْنِ بَابُوَيْهٍ<sup>١</sup>:

خدایا! دینت را با او یاری ده و اولیای خود و اولیای او و پیروان و یاورانش را با او یاری ده و ما را جزو آنان قرار ده.

خدایا! او را از گزند هر ستمکار و سرکش و از گزند همهٔ مردمانت در پناه خود بگیر و او را از پیش رو و پشت سر و راست و چپش حفظ و از او حراست کن و از رسیدن بدی به او مانع شو و پیامبر و خاندان پیامبرت را با [حفظ] او حفظ کن و عدالت را با او پدیدار کن و او را با یاریات استوار بدار و یاورانش را یاری ده و واگذارندگانش را وا بگذار و جباران کافر را با او در هم کوب و کافران، منافقان و همهٔ کژروان را در هر زمان و در هر گوشه از شرق و غرب زمین و در خشکی و دریا به دست او هلاک کن و زمین را به دست او از عدالت، آکنده کن و دین پیامبرت - که بر او و بر خاندانش سلام باد - را به دست او آشکار بنما و - خدایا - مرا از یاوران و یاران و دنباله‌روان و پیروان او قرار بده و آنچه را خاندان محمد آرزو دارند و دشمنشان از آن بیم دارند، به من نشان بده، ای خدای حق! دعایم را اجابت کن»<sup>۱</sup>.

۱۷۸۲. کمال‌الدین - با سندش به نقل از ابو‌غانم خادم - : فرزندی برای ابو محمد (امام عسکری علیه السلام) به دنیا آمد که نامش را محمد نهاد و او را روز سوم به یارانش نشان داد و فرمود: «این، صاحب شما پس از من و جانشینم بر شماست، و قائمی است که گردن‌ها در انتظارش به سوی او کشیده می‌شوند، و چون زمین از ظلم و ستم پر شود، قیام می‌کند و آن را از عدل و داد پر می‌کند»<sup>۲</sup>.

۱۷۸۳. المناقب، ابن شهر آشوب: از نوشته‌های امام عسکری علیه السلام به ابو الحسن علی بن بابویه<sup>۳</sup>

۱. مصباح‌المهجد: ص ۳۹۹ و ۴۰۵ ح ۵۳۳. جمال‌الأسبوع: ص ۳۰۰. الاحتجاج: ج ۲ ص ۵۹۵ ح ۳۵۸. بحار الأنوار: ج ۵۳ ص ۱۷۲ ح ۵.

۲. کمال‌الدین: ص ۴۳۱ ح ۸. الصراط‌المستقیم: ج ۲ ص ۲۳۳ (با عبارت مشابه). بحار الأنوار: ج ۵ ص ۵۱ ح ۱۱.

۳. پدر شیخ صدوق.

... عَلَيْكَ بِالصَّبْرِ وَانْتَظَارِ الْفَرَجِ، قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي انْتِظَارُ الْفَرَجِ، وَلَا يَزَالُ شِيعَتُنَا فِي حُزْنٍ حَتَّى يَظْهَرَ وَلَدِي الَّذِي بَشَّرَ بِهِ النَّبِيُّ، يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْماً.

راجع: ج ٣ ص ١٢٨ ح ٥٢٥

٣ / ٢

## الْخَطُّ الْبَيِّنَاتِي عَدْلَةَ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَام

أ - أَوَّلُ مَا يَظْهَرُ مِنْ عَدْلِهِ

١٧٨٤ . الكافي: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَغَيْرُهُ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ (مُحَمَّدِ بْنِ) هِلَالٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ رَجُلٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام، قَالَ:

أَوَّلُ مَا يَظْهَرُ الْقَائِمُ مِنَ الْعَدْلِ أَنْ يُنَادِيَ مُنَادِيَهُ، أَنْ يُسَلِّمَ صَاحِبُ التَّافِلَةِ لِصَاحِبِ الْفَرِيضَةِ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ وَالطَّوَافَ.

ب - يسع عدله البر والفاجر

١٧٨٥ . المحاسن: عَنْهُ<sup>١</sup>، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ، عَنْ جَمَاعَةٍ، عَنْ بِشْرِ بْنِ غَالِبٍ الْأَسَدِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَام، قَالَ: قَالَ لِي:

يَا بِشْرَ بْنَ غَالِبٍ، مَنْ أَحَبَّنَا لَا يُحِبُّنَا إِلَّا لِلَّهِ، جِئْنَا نَحْنُ وَهُوَ كَهَاتَيْنِ - وَقَدَّرَ بَيْنَ سَبَابَتَيْهِ -، وَمَنْ أَحَبَّنَا لَا يُحِبُّنَا إِلَّا لِلدُّنْيَا، فَإِنَّهُ إِذَا قَامَ قَائِمُ الْعَدْلِ وَسِعَ

١ . أي محمد بن خالد البرقي .

[این است که]: «... همواره شکیباً باش و فرَج را انتظار بکش. پیامبر ﷺ فرمود: «برترین عمل اَمّت من، انتظار کشیدن فرَج است». شیعیان ما همواره در اندوه اند تا این که فرزندانم - که پیامبر ﷺ بشارت او را داده است -، ظهور کند و زمین را از عدل و داد پر کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است»<sup>۱</sup>.

ر.ک: ج ۳ ص ۱۴۹ ح ۵۳۵

۳ / ۲

## چشمگیرترین نمودهای عدالت امام مهدی علیه السلام

### الف - نخستین پرتو عدالت

۱۷۸۴. الکافی - با سندش به نقل از احمد بن محمد، از مردی :- امام صادق ﷺ فرمود: «نخستین پرتو عدالت قائم ﷺ، آن است که منادی اش ندا می دهد، آن کس که طواف مستحبی می کند، حجر الأسود و طواف را [رها کند] و آن جا را به کسی که طواف واجب دارد بسپارد»<sup>۲</sup>.

### ب - عدالت با نیکوکار بدکار

۱۷۸۵. المحاسن - با سندش به نقل از بشر بن غالب اسدی :- امام حسین ﷺ به من فرمود: «ای بشر بن غالب! هر کس ما را دوست بدارد و تنها به خاطر خدا دوست داشته باشد، ما و او [روز قیامت بدون تفاوتی] مانند این دو می آییم» و دو انگشت اشاره اش را کنار هم گذاشت [و افزود]: «هر کس ما را فقط به خاطر دنیا دوست داشته باشد، وقتی قیام کننده به عدل، قیام کند، عدالتش نیکوکار و بدکار را فرا می گیرد»<sup>۳</sup>.

۱. المناقب، ابن شهر آشوب: ج ۴ ص ۴۲۵. بحار الأنوار: ج ۵۰ ص ۳۱۸ ح ۱۴. نیز، برای دیدن همه حدیث، ر.ک: همین دانش نامه: ج ۵ ص ۳۷۵ ح ۹۶۷.

۲. الکافی: ج ۴ ص ۴۲۷ ح ۱. کتاب من لایحضره الفقیه: ج ۲ ص ۵۲۵ ح ۳۱۳۲. بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۷۴ ح ۱۶۹.

۳. المحاسن: ج ۱ ص ۱۳۴ ح ۱۶۸، بحار الأنوار: ج ۲۷ ص ۹۰ ح ۴۴.

عَدْلُهُ الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ.

١٧٨٤. علل الشرائع : حَدَّثَنَا أَبِي، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْكُوفِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغْبِرَةِ، عَنْ سُفْيَانَ بْنِ عَبْدِ الْمُؤْمِنِ الْأَنْصَارِيِّ، عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرِ، عَنْ جَابِرٍ، قَالَ: أَقْبَلَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام وَأَنَا حَاضِرٌ، فَقَالَ: رَحِمَكَ اللَّهُ، اقْبِضْ هَذِهِ الْخَمْسِمِئَةَ دِرْهَمٍ فَضَعَهَا فِي مَوْضِعِهَا، فَإِنَّهَا زَكَاةٌ مَالِي.

فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: بَلْ خُذْهَا أَنْتَ فَضَعَهَا فِي جِيرَانِكَ وَالْأَيْتَامِ وَالْمَسَاكِينِ، وَفِي إِخْوَانِكَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ، إِنَّمَا يَكُونُ هَذَا إِذَا قَامَ قَائِمُنَا فَإِنَّهُ يَقْسِمُ بِالسُّوْبَةِ وَيَعْدِلُ فِي خَلْقِ الرَّحْمَانِ، الْبَرِّ مِنْهُمْ وَالْفَاجِرِ.

### ج - مُحَارَبَةُ التَّمْيِيزِ وَالْإِسْتِثْنَاءِ

١٧٨٧. قرب الاسناد : عَنْهُ<sup>١</sup>، عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ زِيَادٍ، عَنْ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَمَرَ بِالنُّزُولِ عَلَى أَهْلِ الذَّمِّ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ، وَقَالَ: إِذَا قَامَ قَائِمُنَا اضْمَحَلَّتِ الْقَطَائِعُ<sup>٢</sup> فَلَا قَطَائِعَ.

١٧٨٨. تهذيب الأحكام : عَنْهُ<sup>٣</sup>، عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ لِي أَرْضَ خَرَاجٍ وَقَدْ ضِغْتُ بِهَا، أَفَأَدْعُهَا، قَالَ: فَسَكَتَ عَنِّي هُنَيْئَةً ثُمَّ قَالَ:

١. أي هارون بن مسلم.

٢. القطائع: جمع القطيعة: وهي طائفة من أرض الخراج يعطيها الإمام من يشاء (المكاسب، ج ٤ ص ٣٩٥) وفي

هامش بحار الأنوار: وهي ما يقطع من أرض الخراج لواحد يسكنها ويعمرها.

٣. أي الحسين بن سعيد.

۱۷۸۶. **علل الشرائع** - با سندش به نقل از جابر - : مردی نزد امام باقر علیه السلام آمد و من حاضر بودم. گفت: خدا رحمت کند! این پانصد درهم را بگیر و در جای خودش مصرف کن، که آن، زکات مالم است.

امام باقر علیه السلام به او فرمود: «بلکه تو آن را بگیر و به مصرف همسایگان، یتیمان، بینوایان و برادران مسلمانان برسان که این [دادن زکات به امام] تنها هنگامی است که قائم ما قیام کند که او یکسان تقسیم می‌کند و میان آفریدگان خدای رحمان نیک و بدشان عدالت می‌ورزد...»<sup>۱</sup>

### ج - مبارزه با تصرف‌های نامشروع زمین‌خواری

۱۷۸۷. **قرب الاسناد** - با سندش به نقل از مسعدة بن زیاد، از امام صادق علیه السلام، از امام باقر علیه السلام - : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمان داد [تنها] تا سه روز بر کافران ذمی وارد شوند و فرمود: «هنگامی که قائم ما قیام کند، آنچه به تیول داده شده،<sup>۲</sup> از میان می‌رود و تیولداری نخواهد بود».<sup>۳</sup>

۱۷۸۸. **تهذیب الأحكام** - با سندش به نقل از عبد الله بن سنان، از پدرش - : به امام صادق علیه السلام گفتم: من زمینی از زمین‌های تصرف شده به دست سپاه اسلام را که مالیات دارند، در دست دارم و از آن به تنگ آمده‌ام. آیا آن را وانهم؟

۱. **علل الشرائع**: ص ۱۶۱ ح ۲، شرح الأخبار: ج ۳ ص ۳۹۷ ح ۱۲۷۸، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۲۹ ح ۲. نیز، برای دیدن همه حدیث، ر.ک: همین دانش‌نامه: ص ۴۰۸ ح ۱۹۳۴.  
 ۲. زمین‌های واگذار شده به افراد.  
 ۳. **قرب الاسناد**: ص ۸۰ ح ۲۶۰ (با سند صحیح)، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۲۰۹ ح ۱.



إِنَّ قَائِمَنَا عليه السلام لَوْ قَدَّ قَامَ كَانَ يُصِيبُكَ مِنَ الْأَرْضِ أَكْثَرُ مِنْهَا.

وَقَالَ: وَلَوْ قَدَّ قَامَ قَائِمَنَا عليه السلام كَانَ لِلْإِنْسَانِ أَفْضَلُ<sup>١</sup> مِنْ قَطَائِعِهِمْ.

#### د - الْعَدَالَةُ الْفَرْدِيَّةُ وَالْإِجْتِمَاعِيَّةُ

١٧٨٩. كمال الدين: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنِ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ

بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبُدٍ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ، قَالَ:

قَالَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرُّضَائِيِّ: لَا دِينَ لِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ، وَلَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ،

إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَعْمَلُكُمْ بِالتَّقِيَّةِ.

فَقِيلَ لَهُ: يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ، إِلَى مَتَى؟

قَالَ: إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ، وَهُوَ يَوْمُ خُرُوجِ قَائِمِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، فَمَنْ تَرَكَ التَّقِيَّةَ

قَبْلَ خُرُوجِ قَائِمِنَا فَلَيْسَ مِنَّا.

فَقِيلَ لَهُ: يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ، وَمَنْ الْقَائِمُ مِنْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ؟

قَالَ: الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ، يُطَهِّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ،

وَيُقَدِّسُهَا مِنْ كُلِّ ظُلْمٍ، (وَهُوَ) الَّذِي يَشْكُ النَّاسُ فِي وَلَاذَتِهِ، وَهُوَ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ قَبْلَ

خُرُوجِهِ، فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِهِ، وَوَضَعَ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلِمُ

أَحَدًا أَحَدًا، وَهُوَ الَّذِي تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ وَلَا يَكُونُ لَهُ ظِلٌّ، وَهُوَ الَّذِي يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ

السَّمَاءِ يَسْمَعُهُ جَمِيعُ أَهْلِ الْأَرْضِ بِالدُّعَاءِ إِلَيْهِ، يَقُولُ: أَلَا إِنَّ حُجَّةَ اللَّهِ قَدْ ظَهَرَ عِنْدَ

بَيْتِ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ، فَإِنَّ الْحَقَّ مَعَهُ وَفِيهِ، وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ

١. وفي الكافي «الاستان أمثل» بدل «للإنسان أفضل».

امام علیه السلام لختی خاموش ماند و سپس فرمود: «قائم ما اگر قیام کند، مقدار زمینی که سهم تو می‌شود، بیش از آن است». و فرمود: «اگر قائم ما قیام کند، حق هر انسان، بیشتر از قطعه زمین‌هایی است که این حاکمان ستمگر می‌دهند».<sup>۱</sup>

### د - عدالت فردی و اجتماعی

۱۷۸۹. کمال‌الدین - با سندش به نقل از حسین بن خالد - : امام علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود: «دین ندارد کسی که پارسایی ندارد، و ایمان ندارد کسی که تقیه ندارد. گرامی‌ترین شما نزد خداوند، عامل‌ترین شما به تقیه است».

به امام علیه السلام گفته شد: ای فرزند پیامبر خدا! تا چه هنگام؟

فرمود: «تا روز معین معلوم که همان روز قیام قائم ما اهل بیت است. پس هر کس تقیه را پیش از قیام قائم ما کنار بگذارد، از ما نیست».

به امام علیه السلام گفته شد: ای فرزند پیامبر خدا! قائم شما اهل بیت کیست؟

فرمود: «چهارمین نسل من، فرزند سرور کنیزان، که خداوند، زمین را با دستان او از هر ستمی پاک می‌کند و از هر ظلمی منزّه می‌دارد و او همان کسی است که مردم در ولادتش شک می‌کنند و او همان است که پیش از خروجش غایب می‌شود و چون خروج می‌کند، زمین از نورش درخشان می‌شود و ترازوی عدل را میان مردم می‌نهد تا کسی به کسی ستم نکند، و او همان کسی است که زمین، زیر پایش پیچیده [و سرعتش افزون] می‌شود و سایه ندارد و او همان کسی است که منادی آسمانی در فراخوان [مردم به سوی] او، چنان ندایی می‌دهد که همه زمینیان، آن را می‌شنوند و می‌گویند: "هان! حجت خدا نزد خانه خدا ظهور کرده است. از او پیروی کنید که حق با او و در اوست" و آن، همان سخن خدای تعالی است: ﴿اگر بخواهیم، چنان نشانه‌ای

۱. تهذیب الأحکام: ج ۷ ص ۱۴۹ ح ۶۶۰. الکافی: ج ۵ ص ۲۸۳ ح ۵. وسائل الشیعة: ج ۱۱ ص ۱۲۱

السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْتَقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ ﴿١﴾ .

### هـ- العَدَالَةُ فِي الْأَسْرَةِ

١٧٩٠ . الغيبة للنعماني : أَخْبَرَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عُفْدَةَ، قَالَ : حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْمُفْضِلِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، قَالَ : حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ، عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ، قَالَ : سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ :

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ اسْتَقْبَلَ مِنَ جَهْلِ النَّاسِ أَشَدَّ مِمَّا اسْتَقْبَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص مِنْ جُهَالِ الْجَاهِلِيَّةِ .

قُلْتُ : وَكَيْفَ ذَلِكَ ؟

قَالَ : إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص أَتَى النَّاسَ وَهُمْ يَعْبُدُونَ الْحِجَارَةَ وَالصُّخُورَ وَالْعِيدَانَ وَالْخَشَبَ الْمَنْحُوتَةَ، وَإِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَتَى النَّاسَ وَكُلُّهُمْ يَتَأَوَّلُ عَلَيْهِ كِتَابَ اللَّهِ، يَحْتَجُّ عَلَيْهِ بِهِ، ثُمَّ قَالَ : أَمَا وَاللَّهِ لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَدْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرُّ وَالْقَرُّ .

از آسمان فرود می‌آوریم که در برابرش گردن خم کنند»<sup>۱</sup>.

### هـ- عدالت در خانواده

۱۷۹۰. الغیبة، نعمانی - با سندش به نقل از فضیل بن یسار - شنیدم که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «قائم ما چون قیام کند، با جهالتی روبه‌رو می‌شود که سخت‌تر از چیزی است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با آن از سوی جاهلان روزگار جاهلیت روبه‌رو شد».  
گفتم: چگونه؟

فرمود: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حالی نزد مردم آمد که آنان سنگ و صخره و درخت خرما و چوب‌های تراشیده [به دست خودشان] را می‌پرستیدند، و قائم ما چون قیام کند، در حالی نزد مردم می‌آید که همگی کتاب خدا را در برابر او به تأویل می‌برند و با قرآن علیه او احتجاج می‌کنند». سپس فرمود: «هان! به خدا سوگند، عدالت او تا دل خانه‌هایشان راه می‌یابد، همان گونه که گرما و سرما راه می‌یابد»<sup>۲</sup>.

۱. کمال‌الدین: ص ۳۷۱ ح ۵ (با سند معتبر)، کفایه الأثر: ص ۲۷۰، إعلام الوری: ج ۲ ص ۲۴۱، کشف الغمّة: ج ۳ ص ۳۱۴، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۲۱ ح ۲۹.  
۲. الغیبة، نعمانی: ص ۲۹۶ ح ۱، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۶۲ ح ۱۳۱.

## الفصل الثالث

# السِّيَاسَاتُ الثَّقَافِيَّةُ

١ / ٣

## تَهْمِيَةُ الْعِلْمِ الْحِكْمَةِ

١٧٩١. الكافي: الحُسينُ بنُ مُحَمَّدٍ، عَن مُعَلَّى بنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الوَشاءِ، عَنِ المُثَنَّى الحَنَاطِ، عَنِ قُتَيْبَةَ الأَعشى، عَنِ ابنِ أَبِي يَعْفورَ، عَنِ مَوْلَى لِبَنِي شَيْبانَ، عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام، قَالَ:

إِذَا قامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللهُ يَدَهُ عَلَي رُؤُوسِ العِبَادِ، فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ، وَكَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامُهُمْ<sup>١</sup>.

١٧٩٢. تحف العقول عن الإمام علي عليه السلام: ما من عِلْمٍ إِلَّا وَأنا أَفْتَحُهُ، وما من سِرٍّ إِلَّا وَالقائِمُ عليه السلام يَخْتِمُهُ.

١٧٩٣. نهج البلاغة: قَدْ لَبَسَ لِلحِكْمَةِ جُنَّتَها<sup>٢</sup>، وَأَخَذَها بِجَمِيعِ أَدْبِها مِنَ الإِقْبالِ عَلَياها وَالْمَعْرِفَةِ بِها وَالتَّفَرُّغِ لَها، فَهِيَ عِنْدَ نَفْسِهِ ضالَّتُهُ الَّتِي يَطْلُبُها، وَحاجَّتُهُ الَّتِي يَسألُ

١. في الخرائج والجرائج: «أحلامهم» بدل «أحلامهم».

٢. الجَنَّةُ: الوقاية، وَتَجَنُّهُ: أَي تَغْطِيهِ وَتَسْتَرِهِ (النهاية: ج ١ ص ٣٠٨ «جنن»).

فصل سوم

## سیاست های فرهنگی

۱/۳

### کترش مرزهای دانش و خردورزی

۱۷۹۱. الکافی - با سندش به نقل از وابسته‌ای از بنی شیبیان -: امام باقر علیه السلام فرمود: «هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند، دستش را بر سر بندگان می‌نهد<sup>۱</sup> و عقل‌های ایشان را با آن، جمع می‌کند<sup>۲</sup> و خردهایشان با او کامل می‌شود».<sup>۳</sup>

۱۷۹۲. تحف العقول: امام علی علیه السلام فرمود: «هیچ علمی نیست، جز آن که من، آن را می‌گشایم و هیچ رازی نیست، جز این که قائم، آن را به نهایتش می‌رساند».<sup>۴</sup>

۱۷۹۳. نهج البلاغة: امام علی علیه السلام فرمود: «[مهدی علیه السلام] جامعه حکمت به تن کرده و همه آداب آن را از توجه به آن و شناختنش تا فارغ بودن خود برای [رسیدن به] آن، رعایت

۱. اشاره است به رحمت و ویژه الهی هنگام ظهور امام مهدی علیه السلام در رشد عقلی جامعه.

۲. مقصود از جمع کردن عقل‌های آنان، از بین رفتن اختلاف و اتفاق آنها بر پذیرش دین حق است (ر.ک: شرح مولی صالح مازندرانی: ج ۱ ص ۳۰۱).

۳. الکافی: ج ۱ ص ۲۵ ح ۲۱، کمال الدین: ص ۶۷۵ ح ۳۰، مختصر بصائر الدرجات: ص ۱۱۷ (به نقل از ابو خالد کابلی)، الخرائج و الجرائح: ج ۲ ص ۸۴۰ ح ۵۷، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۲۸ ح ۴۷.

۴. تحف العقول: ص ۱۷۱، بشارة المصطفی: ص ۲۵ (با سندش به نقل از کمیل بن زیاد)، بحار الأنوار: ج ۷۷ ص ۲۶۷ ح ۱.

عنها، فَهَوَ مُغْتَرَبٌ إِذَا اغْتَرَبَ الْإِسْلَامُ، وَضَرَبَ بِعَسِيبِ ذَنْبِهِ، وَالصَّقَ الْأَرْضَ بِجِرَانِهِ<sup>١</sup>، بَقِيَّةٌ مِنْ بَقَايَا حُجَّتِهِ، خَلِيفَةٌ مِنْ خَلَائِفِ أَنْبِيَائِهِ.

١٧٩٤. مختصر بصائر الدرجات: عَنْ مُوسَى بْنِ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ الصَّيْقَلِيِّ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ صَالِحِ بْنِ حَمَزَةَ، عَنْ أَبَانَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ:

الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ حَرْفًا، فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ، فَلَمْ يَعْرِفْ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ، فَإِذَا قَامَ الْقَائِمُ عليه السلام أَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ حَرْفًا فَبَثَّهَا فِي النَّاسِ، وَضَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّى يَبْنِيَهَا سَبْعَةً وَعِشْرِينَ حَرْفًا<sup>٢</sup>.

١٧٩٥. مختصر بصائر الدرجات: رَوَيْتُ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ، عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدِ الْبَصْرِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو الْفَضْلِ، عَنِ ابْنِ صَدَقَةَ، عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ، قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - فِي تَوْصِيفِ قِيَامِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ عليه السلام -: فَتَسْتَبِيرُ الْأَرْضُ بِالْعَدْلِ .. وَيَقْدُفُ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ الْعِلْمَ، فَلَا يَحْتَاجُ مُؤْمِنٌ إِلَى مَا عِنْدَ أَخِيهِ مِنَ الْعِلْمِ.

راجع: ص ٢٣٤ (دور البركات الالهية في التطور الاجتماعي).

٢ / ٣

## تَعْلِيمُ الْقُرْآنِ عَلَى مَا أَنْزَلَ

١٧٩٦. الغيبة للنعماني: أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ

١. الجران: باطن عنق البعير. أُلْفِيَ جِرَانُهُ: أَي اسْتَقَامَ وَقَرَّرَ قَرَارَهُ (لسان العرب: ج ١٣ ص ٨٦ «جرن»).

٢. الخرائج والجرائح: «جزءان» و «حرفان» بدل «جزأ» و «حرفاً».

نموده است و آن (حکمت)، گم‌گشته او و او پیجوی آن است و [آن،] نیاز اوست و او به دنبال آن، روان است. اوست که چون اسلام غریب گردد [و مانند شتر خسته] دُم بر زمین نهد و گردن به زمین بچسباند، با نشاط و تند و تیز می‌آید، و باقی مانده‌ای از حجت‌های خدا و جانشینی از جانشینان پیامبر اوست»<sup>۱</sup>.

۱۷۹۴. مختصر بصائر الدرجات - با سندش به نقل از ابان - : امام صادق علیه السلام فرمود: «علم، بیست و هفت حرف است و همه آنچه پیامبران آورده‌اند، دو حرف است و مردم تاکنون جز دو حرف را شناخته‌اند. چون قائم قیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را بیرون می‌آورد و میان مردم منتشر می‌کند و دو حرف [قبلی] را هم به آنها ضمیمه می‌کند تا همه بیست و هفت حرف را منتشر سازد»<sup>۲</sup>.

۱۷۹۵. مختصر بصائر الدرجات - با سندش به نقل از مفضل بن عمر، درباره توصیف قیام امام مهدی علیه السلام - : امام صادق علیه السلام فرمود: «زمین را به عدالت بشارت می‌دهد... و نور علم را در دل‌های مؤمنان می‌افکند و دیگر، مؤمن نیازمند علم برادرش نخواهد بود»<sup>۳</sup>.

و.ک. ص: ۳۳۷ (نقش برکات الهی در توسعه اجتماعی).

۲/۳

## آموزش قرآن بر اساس نزول آن

۱۷۹۶. الغیبة، نعمانی - با سندش به نقل از حبة عَرَنی - : امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «گویی شیعیانمان را در مسجد کوفه می‌نگرم که خیمه‌هایی را برپا کرده و قرآن را مطابق

۱. نهج البلاغة: خطبة ۱۸۲، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۱۱۳ ح ۱۰.

۲. مختصر بصائر الدرجات: ص ۱۱۷، الخرائج و الجرائح: ج ۲ ص ۸۴۱ ح ۵۹، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۳۶ ح ۷۳.

۳. مختصر بصائر الدرجات: ص ۱۹۳-۲۰۱، بحار الأنوار: ج ۵۳ ص ۸۵ ح ۸۶.



التَّيْمَلِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ وَمُحَمَّدُ ابْنَا عَلِيٍّ بِنِ يَوْسُفَ، عَنِ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنِ صَبَّاحِ الْمُزَنِيِّ، عَنِ الْحَارِثِ بْنِ حَصِيرَةَ، عَنِ حَبَّةَ الْعَرَنِيِّ، قَالَ:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى شِيعَتِنَا بِمَسْجِدِ الْكُوفَةِ، قَدْ ضَرَبُوا الْفَسَاطِيطَ يُعَلِّمُونَ النَّاسَ الْقُرْآنَ كَمَا أَنْزَلَ.

١٧٩٧. الإرشاد: رَوَى جَابِرٌ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ، ضَرَبَ فَسَاطِيطَ لِمَنْ يُعَلِّمُ النَّاسَ الْقُرْآنَ عَلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ، فَأَصْعَبُ مَا يَكُونُ عَلَى مَنْ حَفِظَهُ الْيَوْمَ؛ لِأَنَّهُ يُخَالِفُ فِيهِ التَّأْلِيفَ.

### ٣ / ٣

## بِنَاءُ الْمَسَاجِدِ الْوَاسِعَةِ

١٧٩٨. الغيبة للطوسي: أَخْبَرَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ الْمُحَمَّدِيُّ، عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْفَضْلِ، عَنِ أَبِيهِ، عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَالِكٍ، عَنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ بَنَانِ الْخَثْعَمِيِّ، عَنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ الْمُعْتَمِرِ، عَنِ عَمْرٍو بْنِ ثَابِتٍ، عَنِ أَبِيهِ، عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام - فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ - قَالَ:

يَدْخُلُ الْمَهْدِيُّ الْكُوفَةَ، وَبِهَا ثَلَاثُ رَايَاتٍ قَدْ اضْطَرَّتْ بَيْنَهَا، فَتَصْفُو لَهُ، فَيَدْخُلُ حَتَّى يَأْتِيَ الْمِنْبَرَ وَيَخْطُبُ، وَلَا يَدْرِي النَّاسُ مَا يَقُولُ مِنَ الْبُكَاءِ، وَهُوَ قَوْلُ رَسُولِ اللَّهِ عليه السلام: كَأَنِّي بِالْحُسَيْنِيِّ وَالْحُسَيْنِيِّ وَقَدْ قَادَاهَا، فَيَسَلُّمُهَا إِلَى الْحُسَيْنِيِّ فَيُبَايِعُونَهُ.

فَإِذَا كَانَتْ الْجُمُعَةُ الثَّانِيَةُ قَالَ النَّاسُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، الصَّلَاةُ خَلْفَكَ تُضَاهِي الصَّلَاةَ خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ عليه السلام وَالْمَسْجِدُ لَا يَسْعُنَا! فَيَقُولُ: أَنَا مُرْتَادُكُمْ، فَيَخْرُجُ إِلَى

آنچه نازل شده است، به مردم می‌آموزند»<sup>۱</sup>.

۱۷۹۷. الإرشاد - به نقل از جابر - : امام باقر علیه السلام فرمود: «هنگامی که قائم خاندان محمد صلی الله علیه و آله قیام کند، خیمه‌هایی برپا می‌کند تا افرادی، قرآن را مطابق آنچه خداوند - که جلالتش باشکوه باد - نازل کرده است، به مردم بیاموزند، و در آن روزگار، بیش از همه بر حافظان قرآن سخت می‌گذرد؛ زیرا متفاوت با ترتیب حفظ شده آنان است»<sup>۲</sup>.

۳/۳

## ساختن مسجد های بزرگ

۱۷۹۸. الغیبة، طوسی - با سندش به نقل از عمرو بن ثابت، از پدرش، در حدیثی طولانی :-  
 امام باقر علیه السلام فرمود: «مهدی علیه السلام وارد کوفه می‌شود و در آن، سه پرچم با هم زد و خورد دارند؛ ولی اوضاع برایش سامان می‌یابد و وارد [مسجد کوفه] می‌شود و بر منبر می‌رود و سخنرانی می‌کند و مردم چنان می‌گیرند که نمی‌فهمند چه می‌فرماید، و این، همان سخن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است که: "گویی [سید] حسنی و حسینی را می‌بینم که هر دو، زمام آن را می‌کشند، و آن را به [سید] حسینی تسلیم می‌کند و مردم با او بیعت می‌کنند".

و چون جمعه دوم می‌شود، مردم می‌گویند: ای فرزند پیامبر خدا! نماز پشت سر تو، مانند نماز پشت سر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است و مسجد، گنجایش ما را ندارد. او علیه السلام می‌فرماید: "من [جایی] را برایتان می‌جویم" و به سوی نجف می‌رود و مسجدی را نقشه‌ریزی می‌کند که هزار در و گنجایش آن مردم را دارد و همه درها به هم متصل و

۱. الغیبة، نعمانی: ص ۳۱۷ ح ۳، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۶۴ ح ۱۲۹.

۲. الإرشاد: ج ۲ ص ۳۸۶، روضة الواعظین: ص ۲۹۱، كشف الغمة: ج ۳ ص ۲۵۶، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۳۹

الْعَرِيِّ فَيَخُطُّ مَسْجِدًا لَهُ أَلْفُ بَابٍ يَسْعُ النَّاسُ، عَلَيْهِ أَصِيصٌ<sup>١</sup>، وَيَبْعَثُ فَيَحْفِرُ مِنْ خَلْفِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام لَهُمْ نَهْرًا يَجْرِي إِلَى الْعَرِيِّينَ، حَتَّى يَنْبُدَّ فِي النَّجْفِ، وَيَعْمَلُ عَلَى فَوْهَتِهِ قَنَاظِرَ وَأَرْحَاءَ<sup>٢</sup> فِي السَّبِيلِ.

١٧٩٩. الإرشاد: الْمُفْضَلُ بْنُ عُمَرَ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: إِذَا قَامَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام بَنَى فِي ظَهْرِ الْكُوفَةِ مَسْجِدًا لَهُ أَلْفُ بَابٍ، وَاتَّصَلَتْ بُيُوتُ أَهْلِ الْكُوفَةِ بِنَهْرِي كَرَبَلَاءَ.

١٨٠٠. الإرشاد: فِي رَوَايَةٍ عَمْرٍو بْنِ شَمْرِ، عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: ذَكَرَ الْمَهْدِيُّ فَقَالَ:

يَدْخُلُ الْكُوفَةَ وَبِهَا ثَلَاثُ رَايَاتٍ قَدْ اضْطَرَبَتْ فَتَصْغُو لَهُ، وَيَدْخُلُ حَتَّى يَأْتِيَ الْمِنْبَرَ فَيَخْطُبُ، فَلَا يَدْرِي النَّاسُ مَا يَقُولُ مِنَ الْبُكَاءِ، فَإِذَا كَانَتِ الْجُمُعَةُ الثَّانِيَةَ سَأَلَهُ النَّاسُ أَنْ يُصَلِّيَ بِهِمُ الْجُمُعَةَ، فَيَأْمُرُ أَنْ يُخَطَّ لَهُ مَسْجِدٌ عَلَى الْعَرِيِّ وَيُصَلِّيَ بِهِمْ هُنَاكَ...

١٨٠١. تهذيب الأحكام: عَنْهُ [أَبِي مُحَمَّدٍ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى]، عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنِ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ، عَنِ عَمْرٍو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ، عَنِ أَبِيهِ، عَنِ حَبَّةِ الْعَرْنِيِّ، قَالَ: خَرَجَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام إِلَى الْحَيْرَةِ، فَقَالَ: لَتَصِلَنَّ هَذِهِ بِهَذِهِ وَأَوْمَى بِيَدِهِ إِلَى الْكُوفَةِ وَالْحَيْرَةِ، حَتَّى يُبَاعَ الذَّرَاعُ فِيمَا بَيْنَهُمَا بَدَنَانِيرَ، وَلَيُبَيِّنَنَّ بِالْحَيْرَةِ مَسْجِدًا لَهُ خَمْسُمِئَةِ بَابٍ، يُصَلِّي فِيهِ خَلِيفَةُ الْقَائِمِ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ؛ لِأَنَّ

١. أص الشيء: برق، والأصيص - كأمير - الرعدة والذعر، والبناء المحكم، (القاموس المحيط: ج ٢ ص ٢٩٥ «أصص»).

٢. الرُحَى: التي يطحن بها (النهاية: ج ٢ ص ٢١١ «رحا»).

محکم شده‌اند، و کسی را روانه می‌کند تا پشت قبر حسین علیه السلام جوی آبی حفر کند تا آبش را به دو بنای بزرگ نزدیک نجف بیاورد و در انتها به نجف بریزد و بر دهانه آن، پل‌ها و آسیاب‌هایی در راه می‌سازد.<sup>۱</sup>

۱۷۹۹. الإبرشاد - به نقل از مفضل بن عمرو -: شنیدم که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که قائم خاندان محمد صلی الله علیه و آله قیام کند، در پشت کوفه، مسجدی با هزار در می‌سازد و خانه‌های کوفه به دو جوی کربلا متصل می‌شوند».<sup>۲</sup>

۱۸۰۰. الإبرشاد - به نقل از عمرو بن شمر -: امام باقر علیه السلام از مهدی علیه السلام یاد کرد و فرمود: «به کوفه وارد می‌شود و در آن، سه پرچم با هم زد و خورد دارند؛ ولی در برابرش سر فرود می‌آورند و او وارد می‌شود و بر منبر می‌رود و سخنرانی می‌کند و مردم از شدت گریه نمی‌فهمند که چه می‌فرماید، و هنگامی که جمعه دوم می‌رسد، مردم از او می‌خواهند که برایشان نماز جمعه بخواند، و او فرمان می‌دهد که مسجدی را برایش در نجف پی‌ریزی کنند و برای آنان در آن نماز می‌خواند».<sup>۳</sup>

۱۸۰۱. تهذیب الأحکام - با سندش به نقل از حبه عرنی -: امیر مؤمنان علیه السلام به حیره (نجف) رفت و فرمود: «این به این وصل خواهد شد» و با دستش به کوفه و حیره اشاره کرد [و فرمود] «تا آن جا که یک ذراع آن<sup>۴</sup> به دینارها فروخته خواهد شد و مسجدی در حیره بنا خواهد شد که پانصد در دارد و جانشین (نماینده) قائم - که خداوند در فرجش تعجیل بدارد -، در آن نماز می‌خواند؛ زیرا مسجد کوفه برایشان تنگ می‌شود، و دوازده امام عادل در آن نماز خواهند خواند».<sup>۵</sup>

۱. الغیبة، طوسی: ص ۴۶۸ ح ۴۸۵، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۳۰ ح ۵۳.

۲. الإبرشاد: ج ۲ ص ۳۸۰، کشف الغمّة: ج ۳ ص ۲۵۳.

۳. الإبرشاد: ج ۲ ص ۳۸۰، إعلام الوری: ج ۲ ص ۲۸۷، روضة الواعظین: ص ۲۸۹، کشف الغمّة: ج ۳ ص ۲۵۳.

۴. ذراع، کمتر از نیم متر را گویند.

۵. ظاهراً اشاره به رجعت است.

مَسْجِدَ الْكُوفَةِ لِيُضِيقَ عَنْهُمْ، وَيَصَلِّيَنَّ فِيهِ اثْنَا عَشَرَ إِمَاماً عَدْلًا.

قُلْتُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَيَسَعُ مَسْجِدُ الْكُوفَةِ هَذَا الَّذِي تَصِفُ النَّاسُ يَوْمَئِذٍ؟!  
 قَالَ: تُبْنَى لَهُ أَرْبَعُ مَسَاجِدَ، مَسْجِدُ الْكُوفَةِ أَصْغَرُهَا، وَهَذَا وَمَسْجِدَانِ فِي طَرْفَيْ  
 الْكُوفَةِ مِنْ هَذَا الْجَانِبِ وَهَذَا الْجَانِبِ - وَأَوْمَى بِيَدِهِ نَحْوَ الْبَصْرِيِّينَ وَالْفَرَجِيِّينَ -.

٤ / ٣

### مُكَافَأَةُ الْبِدْعِ

١٨٠٢. تَأْوِيلُ الْآيَاتِ الظَّاهِرَةِ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ حُمَيْدٍ، عَنِ جَعْفَرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ،  
 عَنْ كَثِيرِ بْنِ عَيْشٍ، عَنْ أَبِي الْجَارُودِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام - فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ:  
 ﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ  
 الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾، قَالَ -:

هَذِهِ الْآيَةُ لِأَلِ مُحَمَّدٍ الْمَهْدِيِّ وَأَصْحَابِهِ، يُمْلِكُهُمُ اللَّهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا،  
 وَيُظْهِرُ الدِّينَ، وَيُمِيتُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ وَأَصْحَابِهِ الْبِدْعَ وَالْبَاطِلَ، كَمَا أَمَاتَ السَّفَهَةَ  
 الْحَقَّ، حَتَّى لَا يُرَى أَثَرٌ مِنَ الظُّلْمِ، وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَلِلَّهِ  
 عَاقِبَةُ الْأُمُورِ.

١٨٠٣. جمال الاسبوع: حَدَّثَ أَبُو الْمُفَضَّلِ، قَالَ: حَدَّثَنَا حَمَزَةُ بْنُ الْقَاسِمِ الْعَلَوِيُّ، قَالَ:  
 حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهورٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْقَاسِمِ الْعَبَّاسِيِّ،  
 قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ مَوْسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام بِبَغْدَادَ وَهُوَ يُصَلِّي صَلَاةَ جَعْفَرٍ  
 عِنْدَ ارْتِفَاعِ النَّهَارِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، فَلَمْ أَصَلِّ خَلْفَهُ حَتَّى فَرَعْتُ، ثُمَّ رَفَعَ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ،  
 ثُمَّ قَالَ: ...

گفتم: ای امیر مؤمنان! مسجد کوفه‌ای که توصیف می‌کنی، گنجایش مردم آن روزگار را دارد؟

فرمود: «چهار مسجد برایش ساخته می‌شود: مسجد کوفه - که کوچک‌ترین آنهاست - و این و دو مسجد در دو سوی کوفه از این طرف و از آن طرف» و با دستش به سوی بصره و نجف اشاره کرد.<sup>۱</sup>

۴ / ۳

### روایروبی بابت

۱۸۰۲ . تأویل الآیات الظاهرة - با سندش به نقل از ابو جارد، در باره سخن خدای ﷻ: ﴿کسانی که اگر به آنها در زمین توانایی دهیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به نیکوکاری، فرمان می‌دهند و از زشتکاری، باز می‌دارند و فرجام همه کارها، از آن خداوند است﴾ - : امام باقر علیه السلام فرمود: «این آیه، برای خاندان محمد، [یعنی] مهدی و یارانش است. خداوند، مشرق و مغرب زمین را به تسلط آنها در می‌آورد و دین را چیره می‌کند و خداوند ﷻ به دست او و یارانش، بدعت‌گذاران و باطل‌پویان را می‌میراند، همان گونه که نابخردان، حق را می‌رانده‌اند، تا آن جا که اثری از ستم دیده نشود، و به نیکی فرمان می‌دهند و از زشتی باز می‌دارند و فرجام همه کارها، از آن خداوند است».<sup>۲</sup>

۱۸۰۳ . جمال الأسبوع - با سندش به نقل از حسن بن قاسم عباسی - : در بغداد بر امام موسی کاظم علیه السلام وارد شدم. او هنگام بالا آمدن خورشید در روز جمعه، نماز جعفر را می‌خواند، که [چون نماز مستحبی بود]، من پشت سرش نماز نخواندم تا نماز را تمام کرد و سپس دستانش را رو به آسمان بالا برد و فرمود: «...خدایا! فرج قائم به امرت را تعجیل بفرما و او را یاری ده و دینت را که تغییر و تبدیل یافته، با او یاری

۱. تهذیب الأحکام: ج ۳ ص ۲۵۳ ح ۶۹۹.

۲. تأویل الآیات الظاهرة: ج ۱ ص ۳۴۲ ح ۲۵. تفسیر القمی: ج ۲ ص ۸۷. بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۴۷ ح ۹.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ قَائِمِهِمْ بِأَمْرِكَ، وَانصُرْهُ وَانصُرْ بِهِ دِينَكَ الَّذِي غَيَّرَ وَبَدَّلَ، وَجُدِّ بِهِ مَا امْتَحَنِي مِنْهُ وَبَدَّلْ بَعْدَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

١٨٠٤. الإرشاد: رَوَى أَبُو بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَام - فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ، أَنَّهُ قَالَ :-

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَام سَارَ إِلَى الْكُوفَةِ فَهَدَمَ بِهَا أَرْبَعَةَ مَسَاجِدَ، فَلَمْ يَبْقَ مَسْجِدٌ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ لَهُ شَرْفٌ إِلَّا هَدَمَهَا وَجَعَلَهَا جَمَاءً، وَوَسَّعَ الطَّرِيقَ الْأَعْظَمَ، وَكَسَرَ كُلَّ جَنَاحٍ خَارِجٍ فِي الطَّرِيقِ، وَأَبْطَلَ الْكُنُفَ وَالْمَازِبِ إِلَى الطَّرِيقَاتِ، وَلَا يَتْرُكُ بِدَعَاةٍ إِلَّا أَرَاهَا وَلَا سُنَّةً إِلَّا أَقَامَهَا.

١٨٠٥. الغيبة للطوسي: سَعَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ دَاوُدَ بْنِ قَاسِمِ الْجَعْفَرِيِّ، قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَام فَقَالَ:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ يَهْدِمُ الْمَنَارَ وَالْمَقَاصِيرَ الَّتِي فِي الْمَسَاجِدِ، فَقُلْتُ فِي نَفْسِي: لِأَيِّ مَعْنَى هَذَا؟ فَأَقْبَلَ عَلَيَّ فَقَالَ: مَعْنَى هَذَا أَنَّهَا مُحَدَّثَةٌ مُبْتَدَعَةٌ، لَمْ يَبَيْنِهَا نَبِيٌّ وَلَا حُجَّةٌ.

٥ / ٣

### فَنَحْ حُصُونِ الضَّلَالَةِ

١٨٠٦. ذخائر العقبى: عَنْ عَلِيِّ بْنِ (عَلِيِّ) الْهَلَالِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - بَعْدَ ذِكْرِ بَعْضِ مَا يَفْعَلُ قَبْلَ ظُهُورِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَام :-

فَيَبْعَثُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْهُمَا [الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ عَلَيْهِمَا السَّلَام] مَنْ يَفْتَحُ حُصُونَ الضَّلَالَةِ وَقُلُوباً غُلْفًا، يَقُومُ بِالذِّينِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ، كَمَا قُمْتُ بِهِ فِي أَوَّلِ الزَّمَانِ، وَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مِلَّتُ جَوْرًا.

کن و از آن، آنچه را که پس از پیامبرت - که خدا بر او و خاندانش درود فرستد - محو و دگرگون شده، زنده کن»<sup>۱</sup>.

۱۸۰۴. الإبرشاد - به نقل از ابو بصیر، در حدیثی طولانی: - امام باقر علیه السلام فرمود: «هنگامی که قائم قیام کند، به کوفه می‌رود و چهار مسجد را در آن منهدم می‌نماید و هیچ مسجد کنگره‌داری<sup>۲</sup> روی زمین نمی‌ماند مگر آن که آن را ویران و با خاک یکسانش می‌نماید و راه [های] اصلی را توسعه می‌دهد و هر بخشی از بنا را که به درون راه آمده باشد، می‌شکند و سایه بان و ناودان‌هایی را که آبشان به راه‌ها می‌ریزد، بر می‌دارد و بدعتی باقی نمی‌گذارد، جز آن که از میانش می‌برد و [نیز] سنتی، جز آن که برپایش می‌دارد»<sup>۳</sup>.

۱۸۰۵. الغیبة، طوسی - با سندش به نقل از داوود بن قاسم جعفری: - نزد امام عسکری علیه السلام بودم که فرمود: «هنگامی که قائم قیام کند، مناره و محراب‌هایی را که در مساجد هستند، منهدم می‌کند».

با خودم گفتم: معنای این کار چیست؟ که امام علیه السلام رو به من کرد و فرمود: «معنایش این است که آنها اموری نوپدید و بدعت‌آمیزند و نه پیامبری آنها را ساخته است و نه حجتی»<sup>۴</sup>.

۵/۳

## فتح سکرهای کم‌راهی

۱۸۰۶. ذخائر العقبی - به نقل از علی بن علی هلالی، از پدرش، پس از ذکر برخی وقایع پیش از ظهور امام مهدی علیه السلام از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله: - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند تعالی

۱. جمال الأسبوع: ص ۱۸۳ - ۱۸۶، مصباح المتهجد: ص ۳۰۹ ح ۴۱۷ (بدون اسناد به اهل بیت علیهم السلام)، بحار الأنوار: ج ۹۱ ص ۱۹۸ ح ۳، نیز، برای دیدن همه حدیث، ر. ک: همین دانش‌نامه: ج ۶ ص ۱۹۴ ح ۱۰۶۷.
۲. لبه دنداندار بالای کاخ‌ها، دندان‌های مثلث یا نیم‌دایره که از گل یا سنگ یا آجر بر بالای دیوار یا برج و بارو می‌سازند (فرهنگ عمید: ج ۳ ص ۲۰۰۴).
۳. الإبرشاد: ج ۲ ص ۳۸۵، إعلام الوری: ج ۲ ص ۲۹۱، کشف الغمّة: ج ۳ ص ۲۵۶، روضة الواعظین: ص ۲۹۰، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۳۹ ح ۸۴.
۴. الغیبة، طوسی: ص ۲۰۶ ح ۱۷۵ (با سند صحیح، با اعتماد بر طریقش به روایات سعد بن عبد الله در الفهرست)، إعلام الوری: ج ۲ ص ۱۴۲، الخرائج و الجرائح: ج ۱ ص ۴۵۳ ح ۳۹، کشف الغمّة: ج ۳ ص ۲۰۸، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۲۳ ح ۳۲.



١٨٠٧. دلائل الامامة : حَدَّثَنِي أَبُو الْمُفَضَّلُ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ : حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ، قَالَ : أَخْبَرَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكِ الْكُوفِيِّ، عَنْ سُفْيَانَ بْنِ الْمَهْدِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، قَالَ : خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ذَاتَ يَوْمٍ، فَرَأَى عَلَيْنَا عج فَوَضَعَ يَدَهُ بَيْنَ كَتِفَيْهِ، ثُمَّ قَالَ :

يا عَلِيُّ، لو لم يبقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ، لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ عِتْرَتِكَ، يُقَالُ لَهُ : الْمَهْدِيُّ، يَهْدِي إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَيَهْتَدِي بِهِ الْعَرَبُ، كَمَا هَدَيْتِ أَنْتَ الْكُفَّارَ وَالْمُشْرِكِينَ مِنَ الضَّلَالَةِ.

ثُمَّ قَالَ : وَمَكْتُوبٌ عَلَيَّ رَاحَتِهِ : بَايِعُوهُ، فَإِنَّ الْبَيْعَةَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَزَّ وَجَلَّ.

١٨٠٨. الإرشاد : رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ عَجَلَانَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عج قَالَ :

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عج دَعَا النَّاسَ إِلَى الْإِسْلَامِ جَدِيداً، وَهَدَاهُمْ إِلَى أَمْرِ قَدْ دُثِرَ فَضْلُهُ عَنْهُ الْجُمْهُورُ، وَإِنَّمَا سُمِّيَ الْقَائِمُ مَهْدِيّاً لِأَنَّهُ يَهْدِي إِلَى أَمْرِ قَدْ ضَلُّوا عَنْهُ، وَسُمِّيَ بِالْقَائِمِ لِقِيَامِهِ بِالْحَقِّ.

٦ / ٣

## هُيَاةُ دَوْلَةِ الْجَبَابِلِ

١٨٠٩. تفسير العياشي : عَنْ زُرَّارَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عج - فِي قَوْلِ اللَّهِ : «وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ» - قَالَ :

مَا زَالَ مُذْ خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ دَوْلَةً لِلَّهِ وَدَوْلَةً لِإِبْلِيسَ، فَأَيْنَ دَوْلَةُ اللَّهِ؟ أَمَا هُوَ إِلَّا قَائِمٌ وَاحِدٌ<sup>٢</sup>.

١. آل عمران : ١٤٠.

٢. الظاهر أن الصحيح : «ما هو إلا قائم واحد»، وفي بحار الأنوار : «أما هو قائم واحد».

از نسل حسن و حسین، کسی را بر می‌انگیزد که دژهای گم‌راهی و دل‌های سربسته را می‌گشاید. او دین را در آخر الزمان برپا می‌دارد، همان گونه که من در اوّل زمان برپا داشتم، و زمین را از عدالت پر می‌کند، همان گونه که از ستم پر شده باشد.<sup>۱</sup>

۱۸۰۷. دلائل الإمامة - با سندش به نقل از آنس بن مالک - : روزی پیامبر خدا ﷺ به سوی ما بیرون آمد و علی ﷺ را دید. دستش را میان شانه‌های او نهاد و سپس فرمود: «ای علی! اگر از دنیا جز یک روز نمانده باشد، خداوند، آن روز را چنان طولانی می‌کند که مردی از خاندانت به حکومت رسد؛ کسی که به او مهدی گفته می‌شود و به سوی خدای ﷻ هدایت می‌نماید و عرب به وسیله او هدایت می‌شوند، همان گونه که تو، کافران و مشرکان را از گم‌راهی [به هدایت] ره نمودی».

سپس فرمود: «بر کف دست او نوشته شده است: با او بیعت کنید که بیعت خدای ﷻ است».<sup>۲</sup>

۱۸۰۸. الإرشاد - به نقل از محمد بن عجلان - : امام صادق ﷺ فرمود: «هنگامی که قائم ﷻ قیام کند، مردم را دوباره به اسلام فرامی‌خواند و آنها را به امری راه می‌نماید که پوشیده شده و توده مردم به آن راه نیافته‌اند، و قائم از آن رو "مهدی" نامیده شد که به امری راه‌نمایی می‌کند که به آن راه نیافته‌اند و قائم نامیده شد؛ زیرا به حق قیام می‌کند».<sup>۳</sup>

۶ / ۳

## پایان حکومت مستکبران

۱۸۰۹. تفسیر العیاشی - به نقل از زراره، در باره سخن خداوند: «و آن روزها را میان مردم،

۱. ذخائر العقبی: ص ۲۳۵.

۲. دلائل الإمامة: ص ۴۶۹ ح ۴۵۷.

۳. الإرشاد: ج ۲ ص ۳۸۳، إعلام الوری: ج ۲ ص ۲۸۸، روضة الواعظین: ص ۲۹۰، كشف القمّة: ج ۳ ص ۲۵۴.

بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۳۰ ح ۷.

١٨١٠. تفسير العياشي: عَن وَهَبِ بْنِ جَمِيعٍ مَوْلَى إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَن قَوْلِ إِبْلِيسَ: «رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ» \* قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ \* إِلَى يَوْمِ أَلْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»<sup>١</sup> قَالَ لَهُ وَهَبٌ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، أَيُّ يَوْمٍ هُوَ؟

قال: يا وهب، أتَحَسَبُ أَنَّهُ يَوْمٌ يَبْعَثُ اللَّهُ فِيهِ النَّاسَ، إِنَّ اللَّهَ أَنْظَرَهُ إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُ فِيهِ قَائِمُنَا، فَإِذَا بَعَثَ اللَّهُ قَائِمَنَا كَانَ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ، وَجَاءَ إِبْلِيسُ حَتَّى يَجْتُوَ بَيْنَ يَدَيْهِ عَلَى رُكْبَتَيْهِ، فَيَقُولُ: يَا وَيْلَهُ مِنْ هَذَا الْيَوْمِ، فَيَأْخُذُ بِنَاصِيئِهِ فَيَضْرِبُ عُنُقَهُ، فَذَلِكَ الْيَوْمُ هُوَ الْوَقْتُ الْمَعْلُومُ<sup>٢</sup>.

#### ملاحظة

هذه الرواية ضعيفة من الناحية السنية ، إلا أن مضمونها قابل للتوجيه ، فإبليس فرد من الجن ، وعلى الرغم من أنه لا يمكن رؤية الجن لعوام الناس ، إلا أن رؤيتهم وقتلهم ممكن لأولياء الله سبحانه .

ولعل المراد بقتل إبليس هو القضاء على الوسواس الشيطانية في ذلك المقطع التاريخي ، على الرغم من استمرارها في باطن الأفراد في المقاطع التاريخية التالية ، وإن على المؤمن محاربة نفسه الأمانة لنيل المقامات العليا.

١٨١١. معاني الأخبار: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الشَّيْبَانِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ، عَن عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيِّ عليه السلام يَقُولُ: مَعْنَى الرَّجِيمِ أَنَّهُ مَرْجُومٌ

١. ص: ٧٩-٨١.

٢. تفسير العياشي: ج ٢ ص ٢٤٢ ح ١٤، بحار الأنوار: ج ٦٣ ص ٢٥٤ ح ١١٩.

دست به دست می‌کنیم» :- امام صادق علیه السلام فرمود: «هماره و از روزگار آفرینش آدم، دولتی از آن خدا و دولتی از آن ابلیس بوده است. پس دولت خداوند کجاست؟! آن نیست جز [دولت] یگانه قائم [خانندان مبحمّد]»<sup>۱</sup>.

۱۸۱۰. تفسیر العیاشی - به نقل از وهب بن جمیع، وابسته اسحاق بن عمار :- از امام صادق علیه السلام در باره سخن ابلیس: «پروردگار من! مرا تا روزی که برانگیخته می‌شوند، مهلت بده. فرمود: تو از مهلت داده شدگانی [اِمانه تا قیامت؛ بلکه] تا روزِ زمانِ معلوم» پرسیدم و گفتم: فدایت شوم! آن، چه روزی است؟

فرمود: «ای وهب! آیا می‌پنداری که آن، روزی است که خدا مردم را محشور می‌کند؟! خداوند، او را تا روزی که قائم ما مبعوث می‌شود، مهلت داده است، و هنگامی که خداوند، قائم ما را مبعوث می‌کند، در مسجد کوفه است که ابلیس می‌آید و دو زانو پیش روی وی می‌نشیند - و وای بر او از این روز! - و قائم علیه السلام موی جلوی سرش را می‌گیرد و گردنش را می‌زند و آن روز، همان «وقتِ زمان معلوم» است».

### ملاحظه

این روایت از نظر سند، ضعیف، ولی محتوای آن قابل توجیه و تبیین است. ابلیس فردی از جنیان است که اگر چه برای مردم عادی قابل رؤیت نیست، با این حال، مشاهده و کشتن او به دست اولیای خدا ممکن است.

مراد از کشتن ابلیس ممکن است اشاره به این نکته باشد که وسوسه‌های شیطانی توسط عوامل بیرونی در آن دوران به پایان می‌رسد، اگر چه وسوسه‌های درونی و نفسانی افراد ادامه دارد و فرد مؤمن می‌باید با نفس اماره خود مبارزه کند تا به مقام عالی دست یابد.

۱۸۱۱. معانی الأخبار - با سندش به نقل از عبد العظیم حسنی - شنیدم که امام هادی علیه السلام می‌فرماید: «رجیم، یعنی بالعتبِ خدا طرد و از جایگاه‌های خیر و نیکی، رانده شده است. مؤمنی او

بِاللَّعْنِ، مَطْرُودٌ مِنْ مَوَاضِعِ الْخَيْرِ، لَا يَذْكُرُهُ مُؤْمِنٌ إِلَّا لَعْنَهُ، وَأَنَّ فِي عِلْمِ اللَّهِ السَّابِقِ أَنَّهُ إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ عج لَا يَبْقَى مُؤْمِنٌ فِي زَمَانِهِ إِلَّا رَجَمَهُ بِالْحِجَارَةِ، كَمَا كَانَ قَبْلَ ذَلِكَ مَرْجُومًا بِاللَّعْنِ.

٧ / ٣

### تَعْمِيقُ الْإِيمَانِ وَإِكْمَالُهُ

١٨١٢. الأصول الستة عشر: زَيْدٌ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عج: نَخْشَى أَنْ لَا نَكُونَ مُؤْمِنِينَ، قَالَ: وَلِمَ ذَلِكَ؟ فَقُلْتُ: وَذَلِكَ أَنَا لَا نَجِدُ فِيْنَا مَنْ يَكُونُ أَخُوهُ عِنْدَهُ آثَرٌ مِنْ دِرْهَمِهِ وَدِينَارِهِ، وَنَجِدُ الدِّينَارَ وَالدَّرْهَمَ آثَرٌ عِنْدَنَا مِنْ أَخٍ قَدْ جَمَعَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ مُوَالَاةٌ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عج!

فَقَالَ: كَلَّا، إِنَّكُمْ مُؤْمِنُونَ وَلَكِنْ لَا يَكْمُلُ إِيْمَانُكُمْ حَتَّى يَخْرُجَ قَائِمُنَا، فَعِنْدَهَا يَجْمَعُ اللَّهُ أَهْلَانَكُمْ فَتَكُونُونَ مُؤْمِنِينَ كَامِلِينَ، وَلَوْ لَمْ يَكُنْ فِي الْأَرْضِ مُؤْمِنِينَ كَامِلِينَ، إِذَا لَرَفَعْنَا اللَّهُ إِلَيْهِ وَأَنْكَرْتُمْ<sup>١</sup> الْأَرْضَ، وَأَنْكَرْتُمْ<sup>٢</sup> السَّمَاءَ، بَلْ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، إِنَّ فِي الْأَرْضِ فِي أَطْرَافِهَا مُؤْمِنِينَ، مَا قَدَرُ الدُّنْيَا كُلُّهَا عِنْدَهُمْ تَعْدِلُ جَنَاحَ بَعُوضَةٍ.

٨ / ٣

### إِحْيَاءُ الْأَرْضِ بِالْعَمَلِ وَالْإِيمَانِ الْعَدْلِ

الكتاب

﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا﴾<sup>٣</sup>

١. وَأَنْكَرْتُمْ (خ-ج).

٢. وَأَنْكَرْتُمْ (خ-ج).

٣. الحديد: ١٧.

را یاد نمی‌کند، جز آن که لعنتش می‌کند، و در علم پیشین الهی است که چون قائم قیام کند، هیچ مؤمنی در آن روزگار نمی‌ماند، جز آن که شیطان را با سنگ می‌زند و می‌راند، همان گونه که پیش‌تر با لعنت، زده و رانده می‌شد.<sup>۱</sup>

### ۷/۳ تعمیق و تکامل ایمان

۱۸۱۲. الأصول الستة عشر - به نقل از زید - به امام صادق علیه السلام گفتم: ما می‌ترسیم که مؤمن نباشیم. فرمود: «چرا این گونه فکر می‌کنید؟».

گفتم: چون میان خود، کسی را نمی‌یابیم که برادرش نزد او بر درهم و دینارش، مقدم باشد، و ما درهم و دینار را نزد خود بر برادر دینی مان - که دوستی امیر مؤمنان، ما را گرد هم آورده است -، مقدم می‌یابیم.

فرمود: «هرگز [این گونه نیندیش]! شما مؤمن هستید؛ اما ایمانتان کامل نمی‌شود تا قائم ما قیام کند. آن هنگام، خداوند، عقل‌هایتان را جمع می‌کند و مؤمنانی کامل می‌شوید، و اگر مؤمنان کامل در زمین نباشند، آن گاه خداوند، ما را به سوی خود بالا می‌برد و شما زمین را نمی‌شناسید و آسمان برایتان ناشناخته می‌شود؛ بلکه سوگند به آن که جانم در دست اوست، مؤمنانی در کرانه‌های زمین هستند که همه دنیا نزدشان به بال پشه‌ای نمی‌ارزد».<sup>۲</sup>

### ۸/۳ زنده کردن زمین با علم و ایمان و عدل

قرآن

﴿بدانید که خداوند، زمین را پس از مرگش، زنده می‌کند﴾.

۱. معانی الأخبار: ص ۱۳۹ ح ۱ (با سند معتبر). بحار الأنوار: ج ۶۳ ص ۲۴۲ ح ۹۱.

۲. الأصول الستة عشر: ص ۱۲۷ ح ۲۰ (با سند معتبر). بحار الأنوار: ج ۶۷ ص ۳۵۰ ح ۵۴.

## الحديث

١٨١٣. كمال الدين: بِهَذَا الْإِسْنَادِ<sup>١</sup> عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْمَيْمَنِيِّ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ مُؤْمِنِ الطَّاقِ، عَنْ سَلَامِ بْنِ الْمُسْتَنِيرِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿أَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا﴾<sup>٢</sup> قَالَ: يُحْيِيهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِالْقَائِمِ عليه السلام بَعْدَ مَوْتِهَا - بِمَوْتِهَا كَفَرُ أَهْلِهَا - وَالْكَافِرُ مَيِّتٌ.

١٨١٤. الأماشي للصدوق: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيِّ، عَنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ النَّخَعِيِّ، عَنْ عَمِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ النَّوْفَلِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الشُّمَالِيِّ، عَنْ سَعْدِ الْحَقَافِ، عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ السَّابِعَةِ وَمِنْهَا إِلَى سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى<sup>٣</sup>، وَمِنَ السِّدْرَةِ إِلَى حُجْبِ النَّوْرِ، نَادَانِي رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ: يَا مُحَمَّدُ، أَنْتَ عَبْدِي وَأَنَا رَبُّكَ، فَلِي فَاخْضَعْ، وَإِنِّي فَاعْبُدْ، وَعَلَيَّ فَتَوَكَّلْ، وَبِي فَتَقِ، فَإِنِّي قَدْ رَضَيْتُ بِكَ عَبْدًا وَحَبِيبًا وَرَسُولًا وَنَبِيًّا، وَإِبْرَاهِيمَ عَلَيَّ خَلِيفَةً وَبَابًا، فَهُوَ حُجَّتِي عَلَى عِبَادِي، وَإِمَامٌ لَخَلْقِي، بِهِ يَعْرِفُ أَوْلِيَائِي مِنْ أَعْدَائِي، وَبِهِ يُمَيِّزُ حِزْبَ الشَّيْطَانِ مِنْ حِزْبِي، وَبِهِ يُقَامُ دِينِي، وَتُحْفَظُ حُدُودِي، وَتُنْفَذُ أَحْكَامِي، وَبِكَ وَبِهِ وَبِالْأَيْمَةِ مِنْ وُلْدِهِ أَرْحَمُ عِبَادِي وَإِمَائِي، وَبِالْقَائِمِ مِنْكُمْ أَعْمُرُ أَرْضِي بِتَسْبِيحِي وَتَهْلِيلِي، وَتَقْدِيسِي وَتَكْبِيرِي وَتَمْجِيدِي، وَبِهِ أَطْهَرُ الْأَرْضَ مِنْ أَعْدَائِي وَأَوْرَثَهَا أَوْلِيَائِي، وَبِهِ أَجْعَلُ

١. أي علي بن حاتم، قال: حَدَّثَنَا حميد بن زياد، عن الحسن بن علي بن سماعه.

٢. الحديث: ١٧.

٣. سِدْرَةُ الْمُنْتَهَى: شجرة في أقصى الجنة إليها ينتهي علم الأولين والآخرين (النهاية: ج ٢ ص ٣٥٢ «سدر»).

## حدیث

۱۸۱۳. کمال الدین - با سندش به نقل از سلام بن مستنیر - : امام باقر علیه السلام در باره این سخن خدای تعالی : «بدانید که خداوند زمین را پس از مرگش، زنده می‌کند» فرمود: «خداوند تعالی آن را به دست قائم علیه السلام زنده می‌کند، پس از آن که مرده است و مرگش، کفر ورزیدن اهل آن است. کافر، مرده است»<sup>۱</sup>.

۱۸۱۴. الأمالی، صدوق - با سندش به نقل از عبد الله بن عباس - : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هنگامی که مراد در معراج به آسمان هفتم و از آن جا به سدره المنتهی<sup>۲</sup> و از سدره به حجاب‌های نور بردند، خدایم - که جلالتش باشکوه باد - مراندا داد: ای محمد! تو بنده منی و من خدای تو هستم. برایم خضوع کن و تنها مرا عبادت کن و تنها بر من توکل کن و تنها به من اعتماد کن، که من راضی ام که تو بنده، محبوب، فرستاده و پیامبر باشی و برادرت علی، خلیفه و درگاه تو باشد، که او حجّت من بر بندگانم و پیشوای مردمانم است و با اوست که اولیایم از دشمنانم شناسایی می‌شوند و با اوست که حزب شیطان از حزب من، تمیز داده می‌شوند و دینم با او برپا می‌شود و به دست او، حدودم حفظ می‌گردند و احکامم نافذ می‌شوند و به خاطر تو و او و امامان از نسل او، بر بندگان و کنیزانم رحم می‌کنم و با قائم شما، زمینم را با تسبیح و تهلیل و تقدیس و تکبیر و تمجیدم، آباد می‌کنم و به دست او، زمین را از دشمنانم پاک می‌کنم و آن را به اولیایم به ارث می‌رسانم، و به دست او، کلمه کسانى را که به من کفر ورزیده‌اند، فرو آورده و کلمه خود را بالا می‌برم و به دست او، بندگان و سرزمین‌هایم را با علم خود، زنده می‌کنم و گنج‌ها و اندوخته‌ها را با خواستم، برایش آشکار می‌کنم و با اراده‌ام او را بر رازها و درون‌ها آگاه می‌سازم و با

۱. کمال الدین: ص ۶۶۸ ح ۱۲، العدد القویة: ص ۶۹ ح ۱۰۲، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۵۴ ح ۳۷.

۲. آخرین درخت سدر. مقصود، درخت سدرِ خاصی است که در بالاترین جای بهشت، قرار دارد و منشأ همه علوم گذشتگان و آیندگان است.



كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِبِي السُّفْلَى وَكَلِمَتِي الْعُلْيَا، وَبِهِ أَحْيَىٰ عِبَادِي وَبِلَادِي بِلْعَمِي، وَلَهُ أَظْهَرَ الْكُنُوزَ وَالذَّخَائِرَ بِمَشِيئَتِي، وَإِيَّاهُ أَظْهَرُ عَلَى الْأَسْرَارِ وَالضَّمَائِرِ بِإِرَادَتِي، وَأَمَدُهُ بِمَلَأْتِكُنِي لِتُوَيْدَةِ عَلَىٰ إِنْغَاذِ أَمْرِي وَإِعْلَانِ دِينِي، ذَلِكَ وَلِيِّ حَقًّا، وَمَهْدِي عِبَادِي صِدْقًا.

١٨١٥. كمال الدين : حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنِ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيِّ، قَالَ : حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ، قَالَ : أَخْبَرَنَا وَكَيْعُ بْنُ الْجَرَّاحِ، عَنِ الرَّبِيعِ بْنِ سَعْدٍ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَلَيْطٍ، قَالَ :

قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام : مِثْنَا اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا، أَوْلَهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، وَآخِرُهُمُ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي، وَهُوَ الْإِمَامُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ، يُحْيِي اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا، وَيُظْهِرُ بِهِ دِينَ الْحَقِّ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.

راجع: ص ١٧٠ (الفصل الثاني: احياء الارض بعدل).

٩ / ٣

## امْتِدَادُ الْحُكُومَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ فِي نَحْوِ الْعَالَمِ

١٨١٦. كمال الدين : حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ، قَالَ : حَدَّثَنَا أَبِي، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادِ الْأَزْدِيِّ، عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ، عَنْ ثَابِتِ بْنِ دِينَارٍ، عَنْ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام قَالَ :

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله : الْأَيَّمَةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ، أَوْلَهُمْ أَنْتَ يَا عَلِيُّ، وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى يَدَيْهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا.

فرشتگانم یاری‌اش می‌دهم تا بر تحقق امرم و آشکار ساختن دینم، استوارش بدارند، و او ولی حقیقی من و مهدی راستین بندگانم است»<sup>۱</sup>.

۱۸۱۵. کمال الدین - با سندش به نقل از عبد الرحمان بن سلیط -: امام حسین علیه السلام فرمود: «دوازده مهدی (ره یافته) از ما هست که نخستین آنها، امیر مؤمنان علی بن ابی طالب است و آخرین ایشان، نهمین فرزند من است و او امام قیام کننده به حق است. خداوند، زمین را پس از مردن، با او زنده می‌کند و دین حق را با او به همه دین‌ها چیره می‌گرداند، هر چند که مشرکان را ناخوش آید»<sup>۲</sup>.

ر.ک: ص ۱۷۱ (فصل دوم / زنده کردن زمین با عدالت).

### ۹ / ۳

## فراگیر شدن حکومت اسلامی در تمام جهان

۱۸۱۶. کمال الدین - با سندش به نقل از ثابت بن دینار، از امام زین العابدین علیه السلام، از پدرش، از امیر مؤمنان علیه السلام -: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «امامان پس از من، دوازده نفرند. نخستین آنها، تو هستی - ای علی - و آخرین ایشان، قائمی است که خداوند تعالی مشرق و مغرب زمین را به دست او فتح می‌کند»<sup>۳</sup>.

۱. الأمالی، صدوق: ص ۷۳۱ ح ۱۰۰۲، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۶۵ ح ۳.

۲. کمال الدین: ص ۳۱۷ ح ۳، عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج ۱ ص ۶۸ ح ۳۶، إعلام الوری: ج ۲ ص ۱۹۴، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۱۳۳ ح ۴.

۳. کمال الدین: ص ۲۸۲ ح ۳۵ (با سند معتبر)، عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج ۱ ص ۶۵ ح ۳۴، الأمالی، صدوق: ص ۱۷۲ ح ۱۷۵، إعلام الوری: ج ۲ ص ۱۷۳، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۷۸ ح ۱۸۴.

١٨١٧. المعجم الكبير : حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ سَعِيدٍ الرَّازِيُّ، ثنا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، ثنا عَبَسَةَ بْنُ أَبِي صَغِيرَةَ، ثنا الْأَوْزَاعِيُّ، عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ حَبِيبٍ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا أَمَامَةَ يَقُولُ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: سَيَكُونُ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الرُّومِ أَرْبَعُ هَدَنَ، تَقُومُ الرَّابِعَةُ عَلَى يَدِ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ هِرَقْلَ يَدُومُ سَبْعَ سِنِينَ.

فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ مِنْ عَبْدِ الْقَيْسِ - يُقَالُ لَهُ الْمُسْتَوْرِدُ بْنُ خَيْلَانَ -: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَنْ إِمَامُ النَّاسِ يَوْمَئِذٍ؟

قَالَ: مِنْ وُلْدِ أَرْبَعِينَ سَنَةً، كَانَ وَجْهُهُ كَوَكْبِ دُرِّيٍّ، فِي خَدِّهِ الْأَيْمَنِ خَالٌ أَسْوَدٌ، عَلَيْهِ عَبَاءَتَانِ قَعَوَاتَانِ<sup>١</sup>، كَأَنَّهُ مِنْ رِجَالِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ، يَمْلِكُ عِشْرِينَ سَنَةً، يَسْتَخْرِجُ الْكُنُوزَ، وَيَفْتَحُ مَدَائِنَ الشُّرْكِ.

١٨١٨. عقد الدرر : عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّبِيعِيِّ الْمَالِكِيِّ، عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانِ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي قِصَّةِ الْمَهْدِيِّ ﷺ: يُبَايِعُ لَهُ النَّاسُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، يَرُدُّ اللَّهُ بِهِ الدِّينَ، وَيُفْتَحُ لَهُ فَتُوْحٌ، فَلَا يَبْقَى عَلَيَّ وَجْهَ الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ يَقُولُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ.

١٨١٩. كمال الدين : حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَسْرُورٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَامِرٍ، عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَصْرِيِّ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سُلَيْمَانَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الْحَكَمِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: ... وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا! لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ وَلَدِي الْمَهْدِيُّ، فَيَنْزِلُ رُوحَ اللَّهِ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ

١. في كشف الغمّة: «قطوانيتان» بدل «قعوأتان». والقطوانية: عباءة بيضاء قصيرة الخمل (النهاية: ج ٤ ص ٨٥ «قطا»).

۱۸۱۷. المعجم الكبير - با سندش به نقل از ابو امامه -: پیامبر خدا ﷺ فرمود: «میان شما و رومیان، چهار معاهده صلح خواهد بود که چهارمین آنها به دست مردی از خاندان هیرقل است و هفت سال تداوم می‌یابد».

مردی از عبد القیس به نام مُستورد بن خیلان پرسید: ای پیامبر خدا! پیشوای مردم [مسلمان] در روزگار آن معاهده کیست؟

فرمود: «کسی که چهل ساله به نظر می‌آید. چهره‌اش گویی ستاره‌ای درخشان است و در گونه راستش، خالی سیاه است. دو عبای سپید کم‌پرزا بر دوش دارد و گویی مردی از بنی اسرائیل است. بیست سال فرمان‌روایی می‌کند و گنج‌ها را بیرون می‌کشد و شهرهای مشرکان را فتح می‌نماید».<sup>۱</sup>

۱۸۱۸. عقد الدرر - با سندش به نقل از حذیفه بن یمان -: پیامبر خدا ﷺ در باره ماجرای مهدی عجل الله فرجه فرمود: «مردم با او میان رکن [حجر الأسود] و مقام [ابراهیم] بیعت می‌کنند. خداوند، دین را با او باز می‌گرداند و پیروزی‌هایی برایش پیش می‌آورد و بر روی زمین کسی نمی‌ماند، جز آن که می‌گوید: خدایی جز خداوند یگانه نیست».<sup>۲</sup>

۱۸۱۹. کمال الدین - با سندش به نقل از عبد الله بن عباس -: پیامبر خدا ﷺ فرمود: «سوگند به خدایی که پیامبر را به حق برانگیخت، اگر جز یک روز از دنیا نمانده باشد، خداوند، آن روز را طول می‌دهد تا فرزندم مهدی، در آن خروج کند و روح خدا، عیسی بن مریم، [از آسمان] فرود آید و پشت سرش نماز بخواند. زمین از نورش روشن می‌شود و حکومتش شرق و غرب را در بر می‌گیرد».<sup>۳</sup>

۱. المعجم الكبير: ج ۸ ص ۱۰۱ ح ۷۴۹۵، كشف الغمة: ج ۳ ص ۲۶۰، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۸۰.

۲. عقد الدرر: ص ۲۲۲.

۳. کمال الدین: ص ۲۸۰ ح ۲۷، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۷۱ ح ۱۲. نیز، برای دیدن همه حدیث، ر.ک: همین

دانش‌نامه: ص ۱۴ ح ۱۶۴۲.

فِيصَلِّي خَلْفَهُ، وَتُشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِهِ، وَيَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ.

١٨٢٠. الغيبة للنعماني: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ يَوْسُفَ بْنِ يَعْقُوبَ أَبُو الْحَسَنِ الْجُعْفِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي إِسْمَاعِيلُ بْنُ مِهْرَانَ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمزَةَ، عَنْ أَبِيهِ وَوَهَيْبٍ، عَنْ أَبِي بصيرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام، قَالَ: ... فَوَاللَّهِ، لَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ يُبَايِعُ النَّاسَ بِأَمْرِ جَدِيدٍ، وَكِتَابٍ جَدِيدٍ، وَسُلْطَانٍ جَدِيدٍ مِنَ السَّمَاءِ، أَمَا إِنَّهُ لَا يَرُدُّ لَهُ رَايَةٌ أَبَدًا حَتَّى يَمُوتَ.

١٨٢١. كمال الدين: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدِ الْهَاشِمِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا فُرَاتُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ فُرَاتِ الْكُوفِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ الْهَمْدَانِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو الْفَضْلِ الْعَبَّاسُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْبُخَارِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي بَكْرٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ السَّلَامِ بْنُ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عليه السلام، عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله - فِي حَدِيثِ الْمِعْرَاجِ -: ... فَظَنَرْتُ وَأَنَا بَيْنَ يَدَيِ رَبِّي إِلَى سَاقِ الْعَرْشِ، فَرَأَيْتُ اثْنَيْ عَشَرَ نُورًا، فِي كُلِّ نُورٍ سَطْرٌ أَخْضَرٌ مَكْتُوبٌ عَلَيْهِ اسْمٌ كُلُّ وَصِيٍّ مِنْ أَوْصِيَائِي، أَوْلَهُمْ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَآخِرُهُمْ مَهْدِيُّ أُمَّتِي، فَقُلْتُ: يَا رَبِّ، أَهَؤُلَاءِ أَوْصِيَائِي مِنْ بَعْدِي؟ فَنُودِيْتُ: يَا مُحَمَّدُ، هَؤُلَاءِ أَوْلِيَائِي ... وَعِزَّتِي وَجَلَالِي، لِأُظْهِرَنَّ بِهِمْ دِينِي، وَلَأَعْلِيَنَّ بِهِمْ كَلِمَتِي، وَلَأُظْهِرَنَّ الْأَرْضَ بِآخِرِهِمْ مِنْ أَعْدَائِي، وَلَأَمْلِكَنَّ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا، وَلَأَسْحَرَنَّ لَهُ الرِّيَّاحَ، وَلَأَذْلَلَنَّ لَهُ

۱۸۲۰. الغیبة، نعمانی - با سندش به نقل از ابو بصیر :- امام باقر علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند، گویی به او (قائم علیه السلام) می‌نگرم که میان رکن [حجر الأسود] و مقام [ابراهیم] با مردم بر سر امری نو، کتابی نو و فرمان‌روایی نوینی از آسمان بیعت می‌کند. به هوش باشید که تا لحظه درگذشتش، هیچ یک از پرچم‌های (لشکرهای) او شکست نمی‌خورد».<sup>۱</sup>

۱۸۲۱. کمال‌الدین - با سندش به نقل از عبد السلام بن صالح هروی، از امام رضا علیه السلام، از پدرانش، از امام علی علیه السلام :- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله [در ذکر وقایع معراج] فرمود: «... در پیشگاه خدایم، به پایه عرش نگرستم و دوازده نور دیدم که در هر نور با خطی سبز، اسم هر یک از اوصیای مرا نوشته بودند. اولین آنها، علی بن ابی طالب و آخرین ایشان، مهدی امّتم بود. گفتم: ای پروردگار من! اینها وصیانِ پس از من اند؟ ندا آمد: "ای محمد! اینها اولیای من اند.... به عزّت و جلالم سوگند، دینم را با اینها چیره می‌کنم و کلمه‌ام را با اینها فراز می‌آورم و با آخرین ایشان، زمین را از دشمنانم پاک می‌کنم و مشرق و مغرب زمین را به فرمان‌روایی او در می‌آورم و بادها را مستخر او می‌سازم و گردن‌های سرکش را برایش رام می‌کنم و ابزار و وسایل او را پیشرفته می‌کنم و با لشکر او را یاری می‌دهم و با فرشتگانم کمکش می‌کنم تا دعوت مرا

۱. الغیبة، نعمانی: ص ۲۶۲ ح ۲۲؛ بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۲۳۵ ح ۱۰۳.

الرِّقَابِ الصَّعَابِ، وَلَا رَقِيَّتَهُ فِي الْأَسْبَابِ، وَلَا نُصْرَتَهُ بِجُنْدِي، وَلَا مُدَنَّهُ بِمَلَائِكَتِي،  
حَتَّىٰ يُعْلِنَ دَعْوَتِي، وَيَجْمَعُ الْخَلْقَ عَلَىٰ تَوْحِيدِي، ثُمَّ لَا دِيْمَنَّ مُلْكُهُ، وَلَا دَاوِلَنَّ الْأَيَّامَ  
بَيْنَ أَوْلِيَائِي إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

١٨٢٢. الاحتجاج عن الإمام علي عليه السلام - لِبَعْضِ الزَّنَادِقَةِ بَعْدَ تَفْسِيرِ بَعْضِ الْآيَاتِ -: كُلُّ ذَلِكَ لِتَنَمِّ  
النَّظْرَةَ الَّتِي أَوْحَاهَا اللَّهُ تَعَالَىٰ لِعَدُوِّهِ إِبْلِيسَ، إِلَىٰ أَنْ يَبْلُغَ الْكِتَابَ أَجَلَهُ وَيَحَقِّقَ الْقَوْلَ  
عَلَىٰ الْكَافِرِينَ، وَيَقْتَرِبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ، الَّذِي بَيَّنَّهُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ بِقَوْلِهِ: ﴿وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ  
ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾<sup>١</sup>  
وَذَلِكَ: إِذَا لَمْ يَبْقَ مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ، وَمِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ، وَغَابَ صَاحِبُ الْأَمْرِ  
بِإِضَاحِ الْغَدْرِ لَهُ فِي ذَلِكَ؛ لِاسْتِمَالِ الْفِتْنَةِ عَلَى الْقُلُوبِ حَتَّىٰ يَكُونَ أَقْرَبَ النَّاسِ إِلَيْهِ  
أَشَدَّهُمْ عَدَاوَةً لَهُ، وَعِنْدَ ذَلِكَ يُؤَيِّدُهُ اللَّهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا، وَيُظَهِّرُ دِينَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - عَلَى  
يَدَيْهِ - عَلَى الَّذِينَ كُفَّوْا وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.

١٨٢٣. دلائل الإمامة: بِهَذَا الْإِسْنَادِ<sup>٢</sup> عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ<sup>٣</sup>، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ  
حُمَرَانَ الْمَدَائِنِيُّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ بَشِيرٍ، عَنْ أَبِي الْجَارُودِ، عَنْ  
أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام، قَالَ:

... إِنَّ الْقَائِمَ عليه السلام لَيَمْلِكُ ثَلَاثِمِئَةً وَتِسْعَ سِنِينَ، كَمَا لَبِثَ أَصْحَابُ الْكَهْفِ فِي  
كَهْفِهِمْ، يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلِئْتَ ظُلْمًا وَجَوْرًا، وَيَفْتَحُ اللَّهُ عَلَيْهِ شَرْقَ  
الْأَرْضِ وَغَرْبَهَا، يَقْتُلُ النَّاسَ حَتَّىٰ لَا يُرَىٰ إِلَّا دِينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، يَسِيرُ بِسِيرَةِ

١. النور: ٥٥.

٢. أي أبو الحسين محمد بن هارون بن موسى عن أبيه عن أبي علي محمد بن همام.

٣. يحتمل أنه تصحيف والمراد عبد الله بن جعفر بن محمد الحميري.

آشکار کند و مردم را بر یگانه دانستن من گرد آورد. سپس فرمان‌روایی‌اش را تداوم می‌بخشم و حکومت را تا روز قیامت، میان اولیایم دست به دست می‌چرخانم.<sup>۱</sup>

۱۸۲۲. الاحتجاج: امام علی علیه السلام خطاب به برخی زندیقان و پس از تفسیر برخی آیات فرمود: «همه اینها برای آن است تا مهلتی را که خداوند متعال به دشمنش ابلیس داده، به پایان برسد و آنچه نوشته [و مقرر] شده، به انجام رسد و با کافران، اتمام حجت و وعده حق نزدیک شود؛ وعده‌ای که خداوند، آن را در کتابش بیان نموده و فرموده است: ﴿خداوند به مؤمنان شایسته کار شما وعده داده است که آنان را در زمین به خلافت خواهد رساند. همان گونه که پیشینیان آنها را به خلافت رساند﴾ و آن، زمانی است که از اسلام، جز نام آن و از قرآن، جز کتابت آن نمانده و صاحب این امر (قیام)، به دلیل خیانت‌های روشن در حقیقت، از دیده‌ها نمانده گردیده است؛ زیرا فتنه چنان دل‌ها را گرفته که نزدیک‌ترین افراد به او، بیشترین دشمنی را با او دارند و این هنگام است که خداوند، او را با لشکریانی که آنها را ندیده‌اید، استوار می‌دارد و دین پیامبرش را به دست او بر همه دین‌ها چیره می‌کند، هر چند مشرکان را خوش نیاید.<sup>۲</sup>

۱۸۲۳. دلائل الإمامة - با سندش به نقل از ابو جارود -: امام باقر علیه السلام فرمود: «قائم علیه السلام، سیصد و نه سال حکومت دارد، همان اندازه که اصحاب کهف در غارشان ماندند. زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است، و خداوند، شرق و غرب را به روی او می‌گشاید. او مردم [معاند] را می‌کشد تا جز دین محمد صلی الله علیه و آله و سلم دیده نشود. به سیره سلیمان بن داوود علیه السلام رفتار می‌کند: خورشید و ماه را فرا می‌خواند و آن دو، اجابتش می‌کنند، و زمین برایش در هم پیچیده می‌شود، و

۱. کمال الدین: ص ۲۵۴ ح ۴. عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج ۱ ص ۲۶۲ ح ۲۲. علل الشرائع: ج ۵ ص ۱، بحار الأنوار:

ج ۵۲ ص ۳۱۲ ح ۵.

۲. الاحتجاج: ج ۱ ص ۶۰۵، بحار الأنوار: ج ۹۳ ص ۱۲۵.



سليمان بن داود عليه السلام، يَدْعُو الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ فَيُجِيبَانِهِ، وَتَطْوِي لَهُ الْأَرْضُ، فَيُوحِي اللَّهُ إِلَيْهِ، فَيَعْمَلُ بِأَمْرِ اللَّهِ.

١٨٢٣. كمال الدين : حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ، قَالَ : حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدِ أَبِي، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، قَالَ :

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ : ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾<sup>١</sup> فَقَالَ : وَاللَّهِ، مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا بَعْدُ، وَلَا يَنْزِلُ تَأْوِيلُهَا حَتَّىٰ يَخْرُجَ الْقَائِمُ عليه السلام، فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ عليه السلام لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَلَا مُشْرِكٌ بِالْإِمَامِ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ، حَتَّىٰ أَنْ لَوْ كَانَ كَافِرًا أَوْ مُشْرِكًا فِي بَطْنِ صَخْرَةٍ، لَقَالَتْ : يَا مُؤْمِنُ، فِي بَطْنِي كَافِرٌ فَاكْسِرْنِي وَاقْتُلْهُ.

١٠ / ٣

## إِتْحَادُ الْأَدْيَانِ

الكتاب

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾<sup>٢</sup>

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا﴾<sup>٣</sup>

﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾<sup>٤</sup>

١. الصف : ٩.

٢. التوبة : ٣٣.

٣. الفتح : ٢٨.

٤. الانفال : ٣٩.

خداوند به او وحی می‌کند و او به فرمان خدا عمل می‌نماید»<sup>۱</sup>.

۱۸۲۴. کمال‌الدین - با سندش به نقل از ابو بصیر - : امام صادق علیه السلام در باره سخن خدای تعالی:

«اوست کسی که پیامبرش را به هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه دین‌ها چیره کند، هر چند مشرکان را ناخوش آید» فرمود: «به خدا سوگند، تاویل آن هنوز نیامده است و تاویلش هم نخواهد آمد تا قائم قیام کند، و چون قائم قیام کند، هیچ کافری به خدای بزرگ و مشرکی به امام، باقی نمی‌ماند، جز آن که قیام او را ناخوش می‌دارد، تا آن جا که اگر کافری یا مشرکی در دل تخته‌سنگی [پنهان] باشد، آن سنگ می‌گوید: ای مؤمن! در دل من، کافری است، مرا بشکن و او را بکش»<sup>۲</sup>.

۱۰ / ۳

## وحدت ادیان

### قرآن

«او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست فرستاد تا آن را بر تمام دین‌ها، پیروز گرداند. هر چند مشرکان، خوش نداشته باشند».

«اوست کسی که پیامبر خود را به [قصد] هدایت، با آیین درست، روانه ساخت تا آن را بر تمام دین‌ها، پیروز گرداند و گواه بودن خدا کفایت می‌کند».

«و با آنان بجنگید تا فتنه‌ای بر جای نماند و دین، یکسره از آن خدا گردد. پس اگر [از کفر] باز ایستند، قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهند، بیناست».

۱. دلائل الإمامة: ص ۴۵۵ ح ۴۳۵. بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۹۰ ح ۲۱۳ (به نقل از سید علی بن عبد الحمید در

کتاب الغیبة)، سرور أهل ایمان: ص ۱۱۳ ح ۹۳.

۲. کمال‌الدین: ص ۶۷۰ ح ۱۶ (با سند معتبر)، المدد القویة: ص ۶۹ ح ۱۰۴. بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۲۴ ح ۳۶.

## الحديث

١٨٢٥. مجمع البيان: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: إِنَّ ذَلِكَ أَنْ يَكُونَ عِنْدَ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ، فَلَا يَبْقَى أَحَدٌ إِلَّا أَقْرَبَ بِمُحَمَّدٍ.

١٨٢٦. كمال الدين: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِمْرَانَ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ النَّخَعِيُّ، عَنْ عَمِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ النَّوْفَلِيِّ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ - فِي وَصْفِ دَوْلَةِ الْمَهْدِيِّ عليه السلام -: ... وَلَا تَبْقَى فِي الْأَرْضِ بَقْعَةٌ عَبْدٌ فِيهَا غَيْرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا عَبْدُ اللَّهِ فِيهَا، وَيَكُونُ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.

١٨٢٧. مختصر بصائر الدرجات: الْحُسَيْنُ بْنُ حَمْدَانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ وَعَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيِّينَ، عَنْ أَبِي شَعِيبٍ مُحَمَّدِ بْنِ نَصْرِ، عَنْ عُمَرَ بْنِ الْفَرَاتِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُفَضَّلِ، عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ، قَالَ: سَأَلْتُ سَيِّدِي الصَّادِقَ عليه السلام ...: يَا مَوْلَايَ، فَمَا تَأْوِيلُ قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾؟

قَالَ عليه السلام: هُوَ قَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ﴾<sup>١</sup>، فَوَاللَّهِ يَا مُفَضَّلُ لِيُرْفَعَنَّ عَنِ الْمَلِكِ وَالْأَدْيَانِ الْإِخْتِلَافُ، وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ وَاحِدًا، كَمَا قَالَ جَلَّ ذِكْرُهُ: ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾، وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْأَخِرَةِ مِنَ الْخَسِيرِينَ﴾<sup>٢</sup>.

قَالَ الْمُفَضَّلُ: قُلْتُ: يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ، وَالَّذِينَ الَّذِينَ فِي آبَائِهِ إِبْرَاهِيمَ وَنُوحَ وَمُوسَى وَعِيسَى وَمُحَمَّدٍ عليه السلام هُوَ الْإِسْلَامُ؟

١. إشارة إلى قوله تعالى: ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾.

٢. الأنفال: ٣٩.

٣. آل عمران: ٨٥.

## حدیث

۱۸۲۵. مجمع البیان: امام باقر علیه السلام فرمود: «آن به هنگام قیام مهدی خاندان محمد صلی الله علیه و آله است که کسی نمی ماند، جز آن که به [رسالت] محمد صلی الله علیه و آله اقرار می کند».<sup>۱</sup>

۱۸۲۶. کمال الدین - به نقل از ابو بصیر، در توصیف حکومت امام مهدی علیه السلام - : امام صادق علیه السلام فرمود: «... در زمین، هیچ جایی باقی نمی ماند که جز خدا را در آن می پرستند، مگر آن که به پرستش خداوند روی می آورند و دین به طور کامل، از آن خدا می شود، هر چند مشرکان را ناخوش آید».<sup>۲</sup>

۱۸۲۷. مختصر بصائر الدرجات - با سندش به نقل از مفضل بن عمر - : از سرورم امام صادق علیه السلام پرسیدم: ... مولای من! تاویل سخن خدای متعال: «تا آن را بر همه دین‌ها چیره کند، هر چند مشرکان را ناخوش آید» چیست؟

فرمود: «آن، همین سخن خدای متعال است که: ﴿و با آنها بجنگید تا فتنه‌ای نباشد و دین به کلی، از آن خداست﴾. به خدا سوگند - ای مفضل - اختلاف را از میان ملت‌ها و دین‌ها بر می دارد و همه دین‌ها یکی می شوند، همان گونه که خداوند - که یادش گرامی باد - فرمود: ﴿دین نزد خداوند، [فقط] اسلام است﴾ و خداوند متعال فرمود: ﴿و هر کس دینی غیر از اسلام بجوید، از او پذیرفته نخواهد شد و در آخرت، از زیانکاران است﴾».

گفتم: ای سرور و مولای من! دینی که پدرانش: ابراهیم، نوح، موسی و عیسی و محمد صلی الله علیه و آله داشتند، اسلام بود؟

۱. مجمع البیان: ج ۵ ص ۲۸ نیز، برای دیدن همه حدیث، ر. ک: همین دانش‌نامه: ج ۲ ص ۷۸ ح ۲۲۸.

۲. کمال الدین: ص ۳۴۵ ح ۳۱، الصراط المستقیم: ج ۲ ص ۲۲۷ (با عبارت مشابه)، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۱۴۶.

قَالَ: نَعَمْ يَا مُفَضَّلُ، هُوَ الْإِسْلَامُ لَا غَيْرَ.

قُلْتُ: يَا مَوْلَايَ، أَتَجِدُهُ فِي كِتَابِ اللَّهِ؟

قَالَ: نَعَمْ مِنْ أَوْلِهِ إِلَى آخِرِهِ، وَمِنْهُ هَذِهِ الْآيَةُ: ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾<sup>١</sup>، وَقَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّيْنَاكَ الْمُسْلِمِينَ﴾<sup>٢</sup>، وَمِنْهُ قَوْلُهُ تَعَالَى فِي قِصَّةِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام وَإِسْمَاعِيلَ: ﴿رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ﴾<sup>٣</sup>، وَقَوْلُهُ تَعَالَى فِي قِصَّةِ فِرْعَوْنَ: ﴿حَتَّى إِذَا أَذْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ ءَأَمِنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي ءَأَمِنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾<sup>٤</sup>، وَفِي قِصَّةِ سُلَيْمَانَ وَبَلْقَيْسَ: ﴿قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ﴾<sup>٥</sup>، وَقَوْلُهَا: ﴿أَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾<sup>٦</sup>، وَقَوْلُ عَيْسَى عليه السلام: ﴿مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْخَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ ءَأَمِنَّا بِاللَّهِ وَأَشْهَدُ بِأَنَّ مُسْلِمُونَ﴾<sup>٧</sup>، وَقَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا﴾<sup>٨</sup>، وَقَوْلُهُ فِي قِصَّةِ لُوطٍ عليه السلام: ﴿فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَنَاتٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾<sup>٩</sup>، وَلُوطٍ عليه السلام قَبْلَ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام، وَقَوْلُهُ: ﴿قُولُوا ءَأَمِنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا - إِلَى قَوْلِهِ - لَا تَفْرُقْ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾<sup>١٠</sup>، وَقَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ - إِلَى قَوْلِهِ - وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾<sup>١١</sup>.

١. آل عمران: ١٩.

٢. الحج: ٧٨.

٣. البقرة: ١٢٨.

٤. يونس: ٩٠.

٥. النمل: ٣٨.

٦. النمل: ٤٤.

٧. آل عمران: ٥٢.

٨. آل عمران: ٨٣.

٩. الذاريات: ٣٦.

١٠. البقرة: ١٣٦.

١١. البقرة: ١٣٣.

فرمود: «آری، ای مفضل! آن، اسلام است و نه دین دیگر».

گفتم: ای مولای من! آیا آن را در کتاب خدا می‌یابی؟

فرمود: «آری از ابتدا تا انتهایش هست، از جمله آیه: ﴿دین نزد خدا، [فقط] اسلام [و]

تسلیم در برابر حق] است﴾ و سخن خدای متعال: ﴿دین پدرتان ابراهیم که او شما را مسلمان

نامید﴾ و نیز سخن خدای متعال در داستان ابراهیم و اسماعیل: ﴿پروردگار ما! ما را

تسلیم خود و از نسل ما نیز امتی را تسلیم خودت قرار ده﴾ و سخن خدای متعال در داستان

فرعون: ﴿تا آن‌گاه که در حال غرق شدن بود، گفت: ایمان آوردم. خدایی جز همان که بنی اسرائیل

به او ایمان آورده‌اند، نیست و من از تسلیم شدگانم﴾، و در داستان سلیمان و بلقیس: ﴿پیش از

آن که تسلیم شده، نزد من آیند﴾ و سخن بلقیس: ﴿همراه سلیمان، تسلیم پروردگار جهانیان

شدم﴾، و سخن عیسی علیه السلام: ﴿چه کسانی یاوران من در راه خداوند؟ حواریان گفتند: ما یاران

خداییم. به خداوند، ایمان آوردیم و گواهی بده که ما تسلیم شدگانیم﴾، و سخن خدای تعالی: ﴿و هر

کس در آسمان‌ها و زمین است، خواه ناخواه تسلیم او (خدا) است﴾، و سخنش در داستان لوط:

﴿و در آن دیار، جز یک خانه از مسلمانان [که خانه لوط بود،] نیافتیم﴾، و لوط پیش از ابراهیم

بوده است، و سخن خدای متعال: ﴿بگو: به خداوند و آنچه به ما نازل شده است، ایمان

آوردیم﴾ تا آن‌جا که ﴿میان هیچ یک از آنان (پیامبران) تفاوتی نمی‌نهییم و ما تسلیم شده‌ایم او

هستیم﴾، و سخن خدای متعال: ﴿یا آن‌گاه که مرگ یعقوب در رسید، حاضر بودید﴾ تا آن‌جا

که ﴿و ما تسلیم شده‌ایم او هستیم﴾.<sup>۱</sup>



# وحدت و یکپارچگی ادیان در حکومت مهدوی<sup>۱</sup>

## چکیده

حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام بر پایه عقاید، آموزه‌ها و شریعت اسلامی شکل می‌گیرد. تردیدی نیست که ایشان برای برپایی نظامی عادلانه و پیراسته از ظلم و کژی، کفر و شرک، و نفاق و بدعت، ظهور می‌کند. بنا بر این، در حکومت ایشان، آثار امور یاد شده، پاک می‌شود و مردم از انحرافات بزرگ عقیدتی و رفتاری در امان خواهند بود.

همچنین بدیهی است که حکومت جهانی واحد، نیازمند قوانینی اساسی و وحدت‌آفرین است. هم‌اینک نیز که بشر در اندیشهٔ برساختن دهکدهٔ جهانی با حاکمیت واحد و زیر سلطهٔ سازمان‌های بین‌المللی است، برای دست‌یافتن به این منظور، به سوی ایجاد ساز و کارهای واحد جهانی حرکت می‌کند. در این راستا انواع اعلامیه‌ها، کنوانسیون‌ها و معاهده‌های جهانی ناظر به حقوق بشر، حقوق زنان، حقوق کودک، محیط زیست، تجارت، کشاورزی، جنگ و صلح، فناوری هسته‌ای، اخلاق، فرهنگ، ارتباطات و فناوری و ده‌ها موضوع دیگر، تأسیس شده است و در بسیاری از این موضوعات، قوانینی واحد و فراگیر وضع شده که به موجب آنها همه

۱. به قلم پژوهشگر ارجمند، حجة الاسلام والمسلمین، هادی صادقی.



کشورهای امضاکننده، ملزم می‌شوند در قوانین داخلی خود، تجدید نظر کرده، آنها را با قوانین بین‌المللی هماهنگ کنند. نتیجه این کارها، ایجاد یک پارچگی بیشتر و محدودیت در تنوع قوانین و تفاوت آنهاست.

حال این پرسش‌ها مطرح می‌شود که در حکومت جهانی امام مهدی عج، ادیان دیگر چه جایگاهی دارند؟ آیا با ظهور ایشان، همه ادیان و مذاهب، جز دین و مذهب حق، از بین می‌روند؟ آیا تفاوتی میان ادیان در این زمینه وجود دارد که مثلاً به دلیل توحیدی بودن، باقی بمانند و به دلیل شرک‌آلود بودن از میان بروند؟ آیا پیروان دیگر ادیان، ملزم به پیروی از اسلام می‌شوند؟ اگر امتناع کردند، چه سرنوشتی در انتظار آنان است؟ آیا کشته می‌شوند؟

با مراجعه به متون دینی، ابتدا با پاسخ‌های متفاوت و ظاهراً متعارضی مواجه می‌شویم. از متون دینی چنین که گویا ناظر به ادیان آسمانی ابراهیمی‌اند و کمتر به ادیان دیگر در این موضوع برخورد می‌کنیم؛ اما برخی بیان‌های عام، می‌تواند شامل دیگر ادیان نیز بشود و پرسش‌های مورد نظر این نوشتار، شامل آنها نیز می‌شود.

در این تحقیق، تلاش می‌شود ضمن بررسی ادله موجود در این باب، بهترین فرضیه را پیدا کنیم و تبیینی منطقی از موضوع، ارائه شود. برای این که نوشتار طولانی نشود، پاسخ به پرسش‌های یاد شده را به تفکیک نمی‌آوریم و در ضمن بررسی ادله، به میزان دلالت هر یک، اشاره می‌کنیم.

ظواهر متون دینی در این زمینه به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند. دسته اول با رویکردی ایجابی، بر وجود ادیان دیگر در زمان ظهور امام زمان عج دلالت دارند و الزامی در تغییر دین برای پیروان دیگر ادیان قائل نیستند.

دسته دوم با رویکردی سلبی، وجود دیگر ادیان را پس از ظهور نمی‌پذیرند و گویای تغییر دین همه مردم یا از میان رفتن آنها هستند.

در مجموع، سه فرضیه جدی و یک فرضیه ضعیف‌تر دیگر در این زمینه

قابل طرح است. دو فرضیه اول بر اساس ظواهر ادله دینی مطرح شده‌اند و هر کدام به یک دسته از ادله توجه کرده‌اند؛ اما فرضیه‌های سوم و چهارم با در نظر گرفتن هر دو دسته ادله، در پی یافتن راه فهم شرایط جامعه مهدوی از مجموع ادله و جمع میان ادله هستند. در فرضیه سوم، تعدد ادیان از ابتدا نفی می‌شود؛ اما گمان می‌رود که تعدد شرایع، باقی بماند. در فرضیه چهارم، ادعا می‌شود که در ابتدای حکومت مهدوی، ادیان دیگری حضور خواهند داشت؛ اما در یک سیر تدریجی و در طول زمان، از میان خواهند رفت و جز اسلام، دینی باقی نخواهد ماند.

در این جا فرضیه اول با عنوان «کثرت ادیان آسمانی در جامعه مهدوی»، فرضیه دوم با عنوان «وحدت دین در جامعه مهدوی»، فرضیه سوم با عنوان «وحدت دین و کثرت شرایع» و فرضیه چهارم با عنوان «محو تدریجی تعدد ادیان در جامعه مهدوی»، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### کثرت ادیان آسمانی در جامعه مهدوی

ادله وجود ادیان مختلف در کنار اسلام، متعدد است. برخی آیات قرآن، حکایت از آن دارد که یهودیان و مسیحیان تا قیامت، وجود خواهند داشت. برخی نیز به دلالت ضمنی و با نفی اجبار و اکراه، بر این دلالت دارند که ممکن است ادیانی جز اسلام نیز وجود داشته باشد. احادیثی نیز وجود دارند که بر همین امر، دلالت دارند. در ادامه به بررسی این متون می‌پردازیم. از ادله عام قرآنی می‌آغازیم و به دنبال آن، ادله خاص می‌آید.

### الف - ادله عام قرآنی

#### ۱. عدم اکراه در دین

آیات بسیاری از قرآن، دلالت دارند که در پذیرش دین، هیچ اکراه و اجباری

نیست. از جمله، آیه الکرسی، صریحاً هر گونه اکراه و اجبار در پذیرش دین را نفی می‌کند:

﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لِأَنَّفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾<sup>۱</sup>

در دین، هیچ اجباری نیست. هدایت از گم‌راهی مشخص شده است. پس هر کس که به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد، به چنان رشته استواری چنگ زده که گسستنش نباشد. خدا، شنوا و داناست.

مضمون ذکر شده در آیه الکرسی در آیات متعددی با بیان‌های متفاوت، آمده

است. جهت رعایت اختصار، در این جا تنها به شماری از آنها اشاره می‌کنیم:

﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾<sup>۲</sup>

راه را به او نشان داده‌ایم. یا سپاس‌گزار باشد یا ناسپاس.

﴿وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا وَلَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ﴾<sup>۳</sup>

اگر می‌خواستیم، هدایت هر کس را به او ارزانی می‌داشتیم، ولی وعده من که جهنم را از همه جنیان و آدمیان پر می‌کنم، حق است.

﴿إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾<sup>۴</sup>

اگر بخواهیم، از آسمان برایشان آیتی نازل می‌کنیم که در برابر آن به خضوع، سر فرود آورند.

﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَىٰ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ﴾<sup>۵</sup>

۱. بقره: آیه ۲۵۶.

۲. انسان: آیه ۳.

۳. سجده: آیه ۱۳.

۴. شعرا: آیه ۴.

۵. انعام: آیه ۳۵.

اگر خدا بخواهد، همه را به راه راست می‌برد. پس، از نادانان مباش\*.

«وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِظًا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ»<sup>۱</sup>

اگر خدا می‌خواست، آنان، شرک نمی‌آوردند، و ما تو را نگهدارنده نساخته‌ایم و تو، کارسازشان نیستی\*.

از آیات یاد شده، استفاده می‌شود که سنت الهی بر آن است که در مسائل اعتقادی و ایمانی، انسان را آزاد بگذارد تا خود، انتخاب کند. همچنین به دلیل استفاده از کلمه «لو»، یکی از ادات شرط در برخی آیات، فهمیده می‌شود که هیچ‌گاه مشیت الهی به این تعلق نمی‌گیرد که همه مردم روی زمین بر هدایت و ایمان، گرد آیند.<sup>۲</sup> در نتیجه، می‌توان استنتاج کرد که تا قیامت، کسانی خواهند بود که بر طریق هدایت نباشند.

حال اگر آیاتی را در نظر آوریم که وحدت‌امت‌ها را نفی می‌کنند، این استدلال، تقویت می‌شود و می‌توان از آنها نتیجه گرفت که ادیان دیگر، دست کم ادیان آسمانی، در جامعه مهدوی حضور خواهند داشت. در این باره، چهار آیه آمده است:

۱. «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَا جَا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعاً فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ»<sup>۳</sup>.

۱. انعام: آیه ۱۰۷.

۲. در زبان عربی، «لو» برای بیان شرطی است که تحقق آن، محال است. هر گاه بخواهند از شرط ممکن سخن بگویند، از سایر ادات شرط، مانند «إن» و «إذا» استفاده می‌کنند.

۳. مائده: آیه ۴۸.

و این کتاب را به راستی بر تو نازل کردیم. تصدیق کننده و حاکم بر کتاب‌هایی است که پیش از آن بوده‌اند. پس بر وفق آنچه خدا نازل کرده است. در میانشان حکم کن و از پی خواهش‌هاشان مرو تا آنچه را از حق بر تو نازل شده است، و اگذاری. برای هر گروهی از شما، شریعت و روشی نهادیم، و اگر خدا می‌خواست، همه شما را یک امت می‌ساخت؛ ولی خواست در آنچه به شما ارزانی داشته است، شما را بیازماید. پس در خیرات بر یکدیگر پیشی گیرید. همگی بازگشتان به خداست تا از آنچه در آن اختلاف می‌کردید، آگاهتان سازد.

۲. ﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَ لَتُسْئَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ<sup>۱</sup>﴾

اگر خدا می‌خواست، همه شما را یک امت کرده بود، ولی هر که را بخواهد، گمراه می‌سازد و هر که را بخواهد، هدایت می‌کند و از هر کاری که می‌کنید، بازخواست می‌شوید.

۳. ﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَ الظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وِلْيَةٍ وَلَا نَصِيرٍ<sup>۲</sup>﴾

اگر خدا می‌خواست، همه را یک امت کرده بود؛ ولی او هر که را که بخواهد، به رحمت خویش در می‌آورد، و ستم‌کاران را هیچ دوست و یابوری نیست.

۴. ﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ<sup>۳</sup>﴾

و اگر پروردگار تو می‌خواست، همه مردم را یک امت کرده بود؛ ولی همواره گونه‌گون خواهند بود.

در همه این آیات، مشیّت خداوند نسبت به وحدت امت، در ذیل ادات شرط

۱. نحل: آیه ۹۳.

۲. شورا: آیه ۸.

۳. هود: آیه ۱۱۸.

«لو» آمده که نشان دهنده آن است که خدا، چنین مشیّتی ندارد و در عمل، همه بر یک طریقت نخواهند بود و امت واحد را نمی سازند. در آیه چهارم، تصریح می شود که همواره «گوناگونی» وجود خواهد داشت. پُر واضح است که این مشیّت، تکوینی است؛ و گرنه به لحاظ تشریحی، مشیّت خداوند بر آن است که همه مردم، مسلمان شوند.

## ۲. دستور به جدال احسن با اهل کتاب

خداوند سبحان، مسلمانان را از این که با اهل کتاب، جز به شیوه نیکو گفتگو کنند، باز داشته و فرموده است:

﴿وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا

آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ إِلَيْكُمْ وَالْهَذَا وَهَذَا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ.<sup>۱</sup>

با اهل کتاب، جز به نیکوترین شیوه، مجادله (گفتگو) نکنید. مگر با آنها که ستم پیشه کردند، و بگویید: به آنچه بر ما نازل شده و آنچه بر شما نازل شده است، ایمان آورده ایم و خدای ما و خدای شما، یکی است و ما در برابر او گردن نهاده ایم.﴿

از این دستور کلی خداوند، می توان فهمید که اگر اهل کتاب در آن زمان باشند، اجبار و اکراهی در پذیرش اسلام نخواهند داشت. همچنین، در صورت امتناع از پذیرش اسلام، کشته نخواهند شد. بنا بر این، احتمال این که اهل کتاب بمانند و بتوانند در سایه حکومت اسلامی به کار خود ادامه دهند، کم نیست. البته این آیه، تنها در مورد اهل کتاب است و در باره ادیان غیر الهی دلالتی ندارد.

## ۳. همزیستی مسالمت آمیز در حاکمیت اسلام

تردید نیست که در جامعه مهدوی، حاکمیت از آن اسلام خواهد بود؛ اما می توان

شرایطی را فرض کرد که ضمن حاکم بودن اسلام و احکام آن، سایر ادیان الهی نیز بتوانند حضور داشته باشند. یکی از شرایط این امر، آن است که پلیدی شرک و پرستش غیر خدا از میان برود. قرآن کریم، خطاب به اهل کتاب می‌گوید:

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ.<sup>۱</sup>

بگو: ای اهل کتاب، بیایید از آن کلمه‌ای که پذیرفته ما و شماست، پیروی کنید: آن که جز خدا را نپرستیم و هیچ چیز را شریک او نسازیم و بعضی از ما بعضی دیگر جز خدا را، به پرستش نگیرد. اگر آنان روی گردان شدند بگو: شاهد باشید که ما مسلمان هستیم.﴾

در این آیه به نقاط مشترک میان اسلام و اهل کتاب، توجه شده است و به مسلمانان می‌آموزد که اگر کسانی حاضر نبودند همه حقیقت را بپذیرند و اسلام آورند، دست کم در اصل توحید با یکدیگر وحدت داشته باشید و آنها را به پرهیز از شرک بخوانید.

زبان به کار گرفته شده در آیه نیز به گونه‌ای است که گویا هر دو طرف به پرهیز از شرک، دعوت می‌شوند تا این احساس در اهل کتاب به وجود نیاید که مسلمانان، خود را برتر می‌پندارند. این رویکرد با توجه به اصل کرامت ذاتی انسان که در قرآن کریم مورد تأکید است،<sup>۲</sup> بیشتر تقویت می‌شود.

افزون بر این، قرآن کریم، سیاست کلی اسلام را در باره تعامل با پیروان دیگر

۱. آل عمران: آیه ۶۴.

۲. ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَزَوَّجْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلاً؛ ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم و بر دریا و خشکی، سوار کردیم و از چیزهای خوش و پاکیزه، روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خویش برتری‌شان دادیم﴾ (اسرا: آیه ۷۰).

ادیان، بیان می‌کند و می‌فرماید تا جایی که با شما سرِ جنگ ندارند و حقّ شما را از بین نمی‌برند، با آنها بسازید و حتّی به آنها نیکی کنید:

﴿لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾<sup>۱</sup>

خدا، شما را از نیکی کردن و عدالت‌ورزیدن با آنان که با شما در دین نجنگیده‌اند و از سرزمینتان بیرون نرانده‌اند، باز نمی‌دارد. خدا، کسانی را که به عدالت رفتار می‌کنند، دوست دارد. ﴿

#### ۴. قرآن کریم و استقبال از پیشنهاد صلح

خداوند متعال در قرآن کریم، اصل اولی را بر صلح‌طلبی قرار داده است و جنگ و جهاد را مخصوص جایی می‌داند که امکان صلح نباشد یا قصد فتنه‌گری یا ظلم و تعدّی باشد. صلح‌طلبی اسلام تا جایی پیش رفته که شامل مشرکان نیز شده است، گو این که در این مورد، شرایط سخت‌تری وجود دارد. برای نمونه در قرآن کریم آمده:

﴿إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ أَوْ جَاؤُكُمْ حَضِرَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ يُقَاتِلُوكُمْ أَوْ يُقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتَلُوكُمْ فَإِنْ اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَ أَلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلْمَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا﴾<sup>۲</sup>

مگر کسانی که به قومی که میان شما و ایشان پیمانی است، می‌پیوندند یا خود، نزد شما می‌آیند، در حالی که از جنگیدن با شما یا جنگیدن با قوم خود، ملول شده باشند؛ و اگر خدا می‌خواست، بر شما پیروزشان می‌ساخت و با شما به جنگ برمی‌خاستند. پس هرگاه کناره‌گرفتند و با شما نجنگیدند و به شما پیشنهاد صلح کردند، خدا هیچ راهی برای شما بر ضد آنان نگشوده است. ﴿

۱. ممتحنة: آیه ۸.

۲. نساء: آیه ۹۰.



این دسته را مفسران نام برده‌اند. برخی<sup>۱</sup> آنان را از طایفه خزاعه می‌دانند که از جمله آنها هلال بن عویمر أسلمی، و سراقه بن مالک بن جشم و بنو مدلیج و بنو جدیم هستند. برخی<sup>۲</sup> می‌گویند بنو مدلیج و برخی می‌گویند<sup>۳</sup> طایفه اشجع به سردگی مسعود بن دخیله - که هفتصد نفر بودند -، به نزدیکی مدینه آمدند و اظهار داشتند آمده‌ایم با محمد ﷺ قرارداد ترک مخاصمه ببندیم. پیامبر ﷺ از این پیشنهاد، شدیداً استقبال نمود و دستور داد مقدار زیادی خرما برای آنها هدیه بردند و آیه یاد شده در این باره نازل شد.<sup>۴</sup> از این برخوردار، روش قرآن در برابر مخالفان، روشن می‌شود که اصل را بر صلح طلبی گذاشته است.

به اعتقاد تعدادی از مفسران، از جمله ربیع، عکرمه، قتاده، ابن زید و حسن، این آیه با آیه پنجم از سوره توبه، نسخ شده است.<sup>۵</sup> در آن آیه، دستور کلی به گرفتن و زیر فشار قرار دادن مشرکان، داده شده است:

﴿فَإِذَا نَسَخَ الْأَشْهُرَ الْحُرُمَ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخَذُوهُمْ وَ  
 احْصُرُوهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ فَإِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ  
 فَخَلُّوا سَبِيلَهُم إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾<sup>۶</sup>

اما اگر به آیه قبل آن مراجعه شود، احتمال می‌رود که که نسخی در کار نباشد و همچنان صلح کردن با مخالفان، حتی با مشرکان، در دستور کار مسلمانان است و باید به

۱. مقاتل در تفسیر مقاتل بن سلیمان: ج ۱ ص ۳۹۶.

۲. عاملی در الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز: ج ۱ ص ۳۳۲.

۳. دخیل در الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز: ج ۱ ص ۱۲۱. هر دو تفسیر با یک نام و نویسندگانی شیعی دارد. دخیل الوجیز خود را در قرن چهاردهم نوشته و عاملی الوجیزش را در قرن یازدهم هجری به نگارش در آورده است.

۴. در برخی تفاسیر از گروه‌های دیگری نیز نام برده شده است.

۵. التبیان فی تفسیر القرآن: ج ۳ ص ۲۸۷. عاملی نیز در الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز (ج ۱ ص ۳۳۲) چنین نظری دارد.

۶. توبه: آیه ۵.

پیمان‌های صلح در این زمینه پایبند باشند».

﴿إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَ لَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ  
أَحَدًا فَأَتِمُّوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ﴾<sup>۱</sup>.

مگر آن مشرکانی که با آنان پیمان بسته‌اید، و چیزی از [تعهدات خود نسبت به] شما فروگذار نکرده، و کسی را بر ضد شما پشتیبانی ننموده‌اند. پس پیمان اینان را تا [پایان] مدتشان تمام کنید؛ چرا که خدا پرهیزگاران را دوست دارد.

جالب این است که به گفته مقاتل بن سلیمان بلخی، همین آیه چهار سوره توبه در شأن همین نه تنی نازل شده که در آیه مورد بحث ما به آن اشاره رفته است.<sup>۲</sup> در عین حال، قرآن کریم، بلافاصله هشدار می‌دهد که اگر در باره کسی یا گروهی احتمال فتنه‌گری یا حيله و مانند آن برود، مسلمانان باید به هوش باشند و فریب پیشنهاد صلح آنها را نخورند.<sup>۳</sup>

در سوره ممتحنه نیز به مسلمانان اجازه داده شده که با مخالفانی که سر جنگ و ستیز با مسلمانان ندارند و ظلمی به آنها نکرده‌اند، صلح و دوستی داشته باشند:

﴿لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾<sup>۴</sup>.

خدا شما را از نیکی کردن و عدالت ورزیدن با آنانی که با شما در دین نجنگیده‌اند و از سرزمینتان بیرون نرانده‌اند، باز نمی‌دارد. خدا، کسانی را که به عدالت رفتار می‌کنند،

۱. توبه: آیه ۴.

۲. تفسیر مقاتل بن سلیمان: ج ۱ ص ۳۹۵.

۳. ﴿سَتَجِدُونَ آخِرِينَ يُرِيدُونَ أَنْ يَأْمَنُوكُمْ وَ يَأْمَنُوا قَوْمَهُمْ كُلَّمَا رُزِّدُوا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكِسُوا فِيهَا فَإِنْ لَمْ يَعْتَرِلُوكُمْ وَ يَلْقُوا إِلَيْكُمْ السَّلَامَ وَ يَكْفُوا أَيْدِيَهُمْ فَخُذُوهُمْ وَ اقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَ أُولَئِكَ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُبِينًا؛ گروه دیگری را خواهید یافت که می‌خواهند از شما و قوم خود در امان باشند. اینان، هر گاه که به کفر دعوت شوند، بدان باز گردند. پس اگر خود را به کناری نکشند و صلح نکنند و از اعمال خویش، باز نایستند، آنان را هر جا که یافتید، بگیرید و بکشید که شما را بر آنان تسلطی آشکار داده‌ایم﴾ (نساء: آیه ۹۱).

۴. ممتحنه: آیه ۸.

دوست دارد.<sup>۱</sup>

سیره امیر مؤمنان علیه السلام نیز این شیوه برخورد را تأیید می‌کند. ایشان در بخشی از این فرمان به مالک اشتر، در استقبال از صلح می‌فرماید:

و از صلحی که دشمن، تو را بدان فرا خواند و رضای خداوند در آن بود، روی متاب که آشتی به سربازان تو آسایش رساند و از اندوه برهاند و شهرهای ایمن ماند.<sup>۲</sup>

## ب - ادلة خاص قرآنی

### ۱. حکایت قرآن از بقای دشمنی بین یهودیان و نیز بین نصارا تا روز قیامت

از برخی آیات قرآن بر می‌آید که شماری از یهودیان و مسیحیان، همچنان بر دین خود، باقی می‌مانند. در مورد مسیحیان می‌خوانیم:

﴿وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾<sup>۳</sup>

و از کسانی که گفتند که ما نصرانی هستیم، پیمان گرفتیم. پس قسمتی از اندرزهایی را که به آنها داده بودیم، فراموش کردند. ما نیز میان آنها تا روز قیامت، کینه و دشمنی افکندیم. به زودی خداوند، آنان را از کارهایی که می‌کنند، آگاه خواهد ساخت.<sup>۴</sup>

در باره یهودیان نیز چنین می‌خوانیم:

۱. به گفته طبرسی، برخی مفسران اهل سنت، همچون قتاده و ابن عباس، این آیه را به سبب آیه ۵ سوره توبه منسوخ می‌دانند؛ لیکن از طریق اهل بیت علیهم السلام چیزی در این خصوص نرسیده است. وانگهی، به اجماع علما و مفسران، نیکی کردن به کفار، حتی کسانی که در دار الحرب هستند، مانعی ندارد. آنچه منع شده است، دادن زکات و فطریه به آنهاست (التبیین فی تفسیر القرآن: ج ۳ ص ۵۸۳).

۲. «وَلَا تَدْفَعَنَّ صَلْحًا دَعَاكَ إِلَيْهِ عَدُوُّكَ وَلِلَّهِ فِيهِ رِضْوَانٌ، فَإِنَّ فِي الصَّلْحِ دَعَةً لِيَجُنُودَكَ، وَرَاحَةً مِنْ هُمُومِكَ، وَ أَمْنَا لِيَلَادِكَ» (نهج البلاغه: نامه ۵۲).

۳. مانده: آیه ۱۴.

﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا وَ أَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ.<sup>۱</sup>

یهود گفتند که دست خدا، بسته است. دست‌های خودشان بسته باد! و بدین سخن که گفتند، ملعون شدند. دست‌های خدا، گشاده است. به هر سان که بخواهد، روزی می‌دهد. و آنچه بر تو از جانب پروردگارت نازل شده است، به طغیان و کفر بیشترشان، خواهد افزود. ما تا روز قیامت، میانشان دشمنی و کینه افکنده‌ایم. هر گاه آتش جنگ را افروختند، خدا خاموش ساخت. آنان در روی زمین به فساد می‌کوشند، و خدا، مفسدان را دوست ندارد.﴿

از عبارت ﴿فَأَعْرَبْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾ در مورد مسیحیان و نیز از عبارت ﴿وَأَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾ در مورد یهودیان، استفاده می‌شود که شماری از آنان، تا روز قیامت خواهند بود؛ اگر چه به دلیل اعمالشان، میان خودشان تا روز قیامت، همواره دشمنی است.<sup>۲</sup>

## ۲. برتری پیروان واقعی عیسی علیه السلام بر کافران و یهودیان تا قیامت

قرآن کریم به توطئه یهودیان در کشتن عیسی علیه السلام اشاره می‌کند و خطاب به ایشان می‌گوید که خداوند، تو را از دست کافران، یعنی یهودیانی که نسبت به رسالت تو

۱. مانده: آیه ۶۴.

۲. در باره نوع دشمنی و چگونگی آن، اقوال مختلفی وجود دارد. مرحوم طبرسی از حسن، مجاهد و جمعی دیگر از مفسران نقل می‌کند که مراد، دشمنی میان یهودیان و نصاریست. همچنین گفته ربیع و زجاج و طبری را نیز آورده که گفته‌اند: مراد، دشمنی میان طوایف مسیحیان و نیز طوایف یهودیان است (مجمع البیان: ج ۳ ص ۲۶۸ و ۳۴۰). قول دوم، درست‌تر است؛ زیرا در این آیه، تنها نام مسیحیان آمده و گفته شده که بین آنها دشمنی است و در آیه دیگر، تنها نام یهودیان آمده و از دشمنی بین آنها خبر داده شده است. معلوم می‌شود که دشمنی بین طوایف هر یک از این دو دین، به طور جداگانه است، نه دشمنی بین پیروان یکی با پیروان دین دیگر. طبرسی نیز قول دوم را قوی‌تر می‌داند.

کفر می‌ورزند، نجات می‌دهد و پیروانت را تا روز قیامت، برتر از این کفار قرار می‌دهد:

﴿إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنِي مَتْوَفَيْكَ وَرَافِعَكَ إِلَيَّ وَ مُطَهِّرَكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ جَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ.<sup>۱</sup>

آن‌گاه خدا گفت: ای عیسی! من تو را می‌میرانم و به سوی خود بر می‌گزینم و از کافران، دور می‌سازم و تا روز قیامت، آنان را که از تو پیروی کنند، فراز کافران قرار خواهم داد. سپس بازگشت همه شما به سوی من است و من در آنچه اختلاف می‌کردید، میانتان حکم می‌کنم.

بسیاری از مفسران معتقدند که وعده خداوند نسبت به برتری پیروان عیسی عج بر منکران نبوتش تا پایان دنیا ادامه خواهد داشت؛<sup>۲</sup> یعنی باید کسانی دیگر تا روز قیامت باشند که منکر رسالت عیسی عج هستند و این، اثبات‌کننده وجود ادیان دیگر در جامعه مهدوی است. با توجه به این که تقریباً تمام مفسرانی که متعرض تعیین مصداق کافران به عیسی عج شده‌اند، آنها را تکذیب‌کنندگان یهود می‌دانند،<sup>۳</sup> ادیبانی که ممکن است باقی بمانند، از سنخ اهل کتاب اند و شامل ادیان غیر آسمانی نمی‌شوند.

در عین حال، باید توجه داشت که مراد از پیروان عیسی عج کسانی نیستند که صرفاً نام ایشان را بر خود نهاده‌اند و در عمل، تسلیم دستورهای وی نیستند؛ بلکه

۱. آل عمران: آیه ۵۵.

۲. مانند علامه طباطبایی در المیزان فی تفسیر القرآن: ج ۳ ص ۲۰۸، سمعانی در تفسیر المعانی: ج ۱ ص ۲۲۴، ابن تیمیه در دقائق التفسیر: ج ۱ ص ۳۱۱، ابن عطیة اندلسی در المحرز الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز: ج ۱ ص ۴۴۴، البغوی در معالم التنزیل فی تفسیر القرآن: ج ۱ ص ۴۴۸، مکارم شیرازی در تفسیر نمونه: ج ۲ ص ۴۳۲ و ....

۳. برای نمونه، ر. ک: المیزان فی تفسیر القرآن: ج ۳ ص ۲۱۰، الصافی: ج ۱ ص ۳۴۱، الثیبیان فی تفسیر القرآن: ج ۲ ص ۴۷۸، مجمع البیان: ج ۲ ص ۷۵۹.

کسانی هستند که واقعاً پیرو و تسلیم ایشان باشند و تنها گروهی از مسیحیان و نیز مسلمانان واقعی را در بر می‌گیرد.<sup>۱</sup>

### ۳. استمرار کیفر یهودیان تا قیامت

خدوآند متعال، در قرآن کریم اعلام می‌کند که کسی را بر یهودیان پیمان‌شکن بر می‌انگیزد که تا قیامت، عذابی سخت به آنان بچشانند:

﴿وَإِذْ تَأْتِيَنَّكَ رَبُّكَ لَيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ﴾<sup>۲</sup>

و پروردگار تو اعلام کرده که کسی را بر آنان بگمارد که تا روز قیامت، به عذابی ناگوار معذبشان گرداند. هرآینه پروردگار تو، زود عقوبت می‌کند و نیز آمرزنده و مهربان است. ﴿

برخی مفسران، این آیه را ناظر به عذاب دنیوی قوم یهود می‌دانند و از جمله در باره آن آمده است:

این آیات، در حقیقت، اشاره به قسمتی از کیفرهای دنیوی آن جمع از یهود است که در برابر فرمان‌های الهی، قد علم کردند و حق و عدالت و درستی را به زیر پا گذاردند.... از این آیه استفاده می‌شود که این گروه سرکش، هرگز روی آرامش کامل نخواهند دید و هر چند برای خود، حکومت و دولتی تأسیس کنند، باز تحت فشار و در ناراحتی مداوم خواهند بود، مگر این که به راستی، روش خود را تغییر

۱. عموم مفسران، چنین تفسیری دارند. شیخ طوسی در تفسیرش از حسن و قتاده و ربیع، همین معنا را نقل می‌کند و خود نیز آن را می‌پذیرد: (التبیان فی تفسیر القرآن: ج ۲ ص ۴۷). دیگران نیز چنین نظر می‌دهند: مانند: علامه طباطبایی در المیزان فی تفسیر القرآن: ج ۳ ص ۲۰، عاملی در الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز: ج ۱ ص ۲۴۱، موسوی سبزواری در مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن: ج ۵ ص ۳۲، طبرسی در مجمع البیان: ج ۲ ص ۷۵، فیض کاشانی در تفسیر الصافی: ج ۱ ص ۳۴، طبری در جامع البیان فی تفسیر القرآن: ج ۳ ص ۲۰، ابن ابی حاتم در تفسیر القرآن العظیم: ج ۲ ص ۶۶، فخر رازی در مفاتیح الغیب: ج ۸ ص ۲۳، مسیدی در کشف الأسرار و عذة الأبرار: ج ۲ ص ۱۳ و....

۲. اعراف: آیه ۱۶۷.

دهند و دست از ظلم و فساد بکشند.<sup>۱</sup>

نگاهی به آیه بعد، این احتمال را تا حدودی تقویت می‌کند:

﴿وَقَطَعْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَّمًا مِنْهُمْ الصَّالِحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذَلِكَ وَبَلَوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾<sup>۲</sup>

آنان را گروه گروه در زمین تقسیم کردیم؛ بعضی نیکوکار و بعضی جز آن، و آنان را به نیکی‌ها و بدی‌ها آزمودیم. شاید باز گردند.

این آیه، به روشنی در مورد وضعیّت دنیوی قوم یهود، سخن می‌گوید و می‌تواند قرینه‌ای باشد بر این که آیه پیشین که کیفر آنان را تا روز قیامت بیان می‌کند نیز ناظر به کیفر دنیوی است.

اما توجه به آیات پیشین، این احتمال را تضعیف می‌کند. در آیه ۱۶۶ همین سوره، چنین می‌خوانیم:

﴿فَلَمَّا عَتَا عَنْ مَا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ﴾

و چون از ترک چیزی که از آن منعشان کرده بودند، سرپیچی کردند، گفتیم: بوزیگانی مطرود شوید.

در این جا به مسخ شدن گروهی از یهودیان اشاره می‌شود که از فرمان خداوند، سرپیچی کردند و با حيله و نیرنگ، احکام خدا را به تمسخر گرفتند. پس از این است که به کیفر آنان تا روز قیامت، اشاره می‌شود.

احتمالی که در این جا مطرح می‌شود، این است که این کیفر استمرار، همان مسخ باشد یا همراه مسخ، کیفری مضاعف داشته باشند. البته این کیفر نیز دنیوی است؛ اما دیگر ضرورتی ندارد که کسانی یهودی باشند تا مورد عذاب قرار گیرند؛ زیرا وجود همان مسخ‌شدگان برای کیفر دیدن، کافی است.

۱. تفسیر نمونه: ج ۶ ص ۴۳۰ - ۴۳۱. این تفسیر، از مفسران گذشته نیز نقل شده است. برای نمونه، ر.ک: مجمع

البیان: ج ۴ ص ۷۶۰.

۲. اعراف: آیه ۱۶۸.

## ج - ادله روایی

۱. مشابهت روش امام زمان علیه السلام با سیره پیامبر صلی الله علیه و آله

در این جا دو مطلب باید به اثبات برسد: یکی، بیان سیره استدلالی و همراه با سماحت و مسالمت و عدم اجبار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در برخورد با مخالفان و پیروان دیگر ادیان؛ دیگری، شباهت سیره امام زمان علیه السلام به سیره پیامبر صلی الله علیه و آله.

در سوره یونس، آیه‌ای وجود دارد که ضمن بیان سنت الهی در نفی اجبار و اکراه بر مؤمن شدن انسان‌ها، سیره پیامبر صلی الله علیه و آله را هم تعیین می‌کند:

﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ﴾<sup>۱</sup>

اگر پروردگار تو بخواهد، همه کسانی که در روی زمین‌اند، ایمان می‌آورند. پس آیا تو مردم را به اجبار، و می‌داری که ایمان بیاورند؟

در انتهای آیه، خداوند متعال با لحنی که ظاهراً توبیخ‌آمیز است، پرسشی انکاری را مطرح می‌کند و به همه می‌فهماند که در کار خدا، اجبار و اکراه بر مؤمن شدن نیست و رسولش هم حق ندارد چنین کند. بدین سان، سیره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در این زمینه شکل می‌گیرد.

به همین دلیل است که در بیان رفتار اهل بیت علیهم السلام هیچ موردی از اجبار و اکراه بر مؤمن ساختن دیگران، مشاهده نمی‌شود. امام رضا علیه السلام در پاسخ به مأمون در فهم آیات یاد شده، بیان روشنگری در این مسئله دارند. ایشان به نقل از پدرانشان، از امیر مؤمنان علیه السلام درخواست مسلمانان را از پیامبر صلی الله علیه و آله بازگو می‌کنند که به ایشان گفتند: خوب است حال که بر مردم تسلط دارید، آنها را مجبور کنید اسلام بیاورند تا تعداد ما بیشتر شود. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ فرمود: «نمی‌خواهم خدا را به گونه‌ای ملاقات کنم که بدون داشتن دستوری الهی، بدعتی گذاشته باشم. من سختگیر نخواهم بود».



در ادامه حدیث، نازل شدن آیه یاد شده مورد اشاره قرار می‌گیرد و این که خدای متعال می‌فرماید:

«اگر با آنها چنین می‌کردی (سختگیری و اجبار به ایمان)، استحقاق هیچ پاداش و تشویقی نداشتند. لیکن من می‌خواهم اختیاراً و بی هیچ اضطراب و اجباری ایمان بیاورند تا از جانب من، استحقاق قرب و منزلت و کرامت و خلود در بهشت جاویدان پیدا کنند. پس آیا تو مردم را به اجبار وامی‌داری که ایمان بیاورند؟»<sup>۱</sup>

همچنین سیره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در برخورد با اهل کتاب، این بوده که به آنها رسیدگی کند و مورد اذیت و آزار قرار نگیرند. در جوامع روایی اهل سنت، احادیثی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در این زمینه نقل شده‌اند. در حدیثی از ایشان آمده:

مَنْ آذَى ذِمِّيًّا فَأَنَا حَصْمُهُ، وَ مَنْ كُنْتُ حَصْمَهُ حَصْمَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.<sup>۲</sup>

هر کس به اهل ذمه (یهودی، مسیحی و زرتشتی‌ای که در پناه اسلام است) آزار برساند، دشمن او خواهم بود و هر کس من دشمن او باشم، روز قیامت، دشمنی خود را نسبت به او آشکار خواهم نمود.

در حدیث دیگری از ابن عباس از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود:

تَصَدَّقُوا عَلَيَّ أَهْلَ الْأَدْيَانِ كُلِّهَا.

به [فقرا از] پیروان همه ادیان الهی صدقه بدهید.<sup>۳</sup>

اینک باید دانست که سیره امام زمان علیه السلام در حکومت، مشابه سیره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است و احادیث متعددی در این باره آمده که برخی از آنها صحیح‌اند.

در صحیح محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام می‌خوانیم که روش امام زمان علیه السلام مشابه روش پیامبر صلی الله علیه و آله است و همان‌طور که پیامبر صلی الله علیه و آله آنچه را در جاهلیت بود، باطل

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ج ۱ ص ۱۳۶، تفسیر نور الثقلین: ج ۲ ص ۳۳۱.

۲. تاریخ بغداد: ج ۸ ص ۳۷۰، ۴۴۷۳، کنز العمال: ج ۴ ص ۳۶۲ ح ۱۰۹۱۳.

۳. المصنّف، ابن ابی شیبہ: ج ۲ ص ۶۷ ح ۱، أحكام القرآن، جصاص: ج ۱ ص ۵۵۸، الدرّ المنثور: ج ۱ ص ۳۵۷.

کرد، ایشان نیز آنچه (یعنی بدعت‌هایی) را که پیش از ظهورشان است، باطل می‌کند و عدل را جاری می‌سازد.<sup>۱</sup>

نعمانی، حدیثی از امام باقر علیه السلام می‌آورد که در آن با تعبیر «کما صنع رسول الله صلی الله علیه و آله»، رفتار قائم علیه السلام را مشابه رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله در تخریب مظاهر شرک و کفر و بدعت‌ها بیان می‌کند.<sup>۲</sup> روایت ابو بصیر از امام صادق علیه السلام هم در بحث هم‌زیستی مسالمت‌آمیز گذشت که در آن از تعبیر «يُسَالِمُهُمْ كَمَا سَالَمَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله»<sup>۳</sup> استفاده شده بود.<sup>۴</sup> بنا بر این، امام زمان علیه السلام نیز مانند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، در زمینه دعوت به اسلام با استدلال و احتجاج نیکو و هدایتگری عمل می‌کند.

## ۲. گرفتن جزیه از اهل کتاب در جامعه مهدوی

جزیه، مالیات ویژه اهل کتاب است. مسلمانان، چند نوع مالیات دارند که به حاکم اسلامی پرداخت می‌کنند. خمس، زکات و فطریه، مالیات‌هایی است که مسلمانان، پرداخت می‌کنند. بدیهی است که هر کس در هر جامعه‌ای زندگی می‌کند، از امتیازاتی که آن جامعه برایش فراهم کرده، بهره‌مند می‌شود. این امتیازات، شامل امنیت، رفاه، برخورداری از خدمات حکومت و مانند آن است. نمی‌شود که در جامعه اسلامی، مسلمانان، هزینه‌های اداره جامعه را بدهند؛ اما اهل کتاب، چیزی پرداخت نکنند و از مواهب جامعه نیز بهره ببرند. جزیه، جبران‌کننده بخشی از هزینه‌های جامعه اسلامی برای اهل کتاب است. قرآن کریم، در این باره چنین حکم می‌کند:

۱. تہذیب الأحکام: ج ۶ ص ۱۵۴.

۲. ر.ک: ج ۴ ص ۲۶ ح ۱۷۰۳.

۳. المزار الکبیر: ص ۱۳۵ ح ۷.

۴. برای دیدن احادیث بیشتر در این بحث، ر.ک: همین دانش‌نامه: ص ۴۱۳ (شیوه زندگی شخصی اهل بیت علیهم السلام) و ص ۴۱۶ (شیوه زندگی پیشوایان عدل).

﴿قَتَلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ﴾<sup>۱</sup>

با کسانی از اهل کتاب که به خدا و روز قیامت، ایمان نمی‌آورند و چیزهایی را که خدا و پیامبرش حرام کرده است، بر خود حرام نمی‌کنند و دین حق را نمی‌پذیرند، بجنگید، تا آن‌گاه که به دست خود در عین مذلت، جزیه بدهند.

یعنی یا باید جزیه دهند یا برای نبرد، آماده شوند.

اینک جای این پرسش وجود دارد که: آیا در جامعه مهدوی نیز اهل کتاب می‌توانند با دادن جزیه در پناه حکومت اسلامی زندگی کنند؟ روایت ابو بصیر از امام صادق علیه السلام که پیش‌تر گذشت، پاسخ ما را می‌دهد. در انتهای همان حدیث، چنین می‌خوانیم:

يُودُونَ الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ.

[در حکومت قائم، اهل کتاب] به دست خود و با خواری، جزیه خواهند داد.<sup>۲</sup>

احادیث دیگری نیز نقل شده که دلالت بر گرفتن جزیه از اهل کتاب دارند. مثلاً آنچه از امیر مؤمنان علیه السلام نقل شده که پس از جنگ‌های خونین با رومیان (اروپاییان) حاکم آن جا طالب صلح می‌شود و امام زمان علیه السلام از او جزیه طلب می‌کند و او می‌پذیرد.<sup>۳</sup>

این حدیث، اگر چه از جهت سندی ضعیف است،<sup>۴</sup> با قواعد و اصول حاکم بر دین، موافق است و می‌تواند مؤیدی بر دیگر ادله باشد.

۱. توبه: آیه ۲۹.

۲. المزار الکبیر: ص ۱۳۵.

۳. عقد الدرر: ص ۱۹۰؛ إزمام الناصب: ج ۲ ص ۲۳۸.

۴. به این دلیل که یوسف بن یحیی مقدسی شافعی در عقد الدرر، آن را بدون ذکر سند از امیر مؤمنان علیه السلام نقل کرده است، دیگران نیز یا از او گرفته‌اند یا چیزی نگفته‌اند و بدون سند، روایت را آورده‌اند.

### ۳. داوری میان پیروان ادیان بر اساس کتاب خودشان

شیخ صدوق در علل الشرائع از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که یکی از کارهایی که امام زمان علیه السلام پس از ظهور انجام می‌دهد، آن است که به غاری در انطاکیه می‌رود و کتاب‌های آسمانی پیشین را به دست می‌آورد و براساس هر یک نسبت به اهل آن کتاب، حکم می‌کنند.<sup>۱</sup> این موضوع، بیانگر وجود ادیان دیگر در جامعه مهدوی است.

### وحدت دین در جامعه مهدوی

اینک نوبت آن است که ادله منکران وجود ادیان مختلف در جامعه مهدوی را بررسی کنیم. این گروه معتقدند که بر اساس آیات قرآن و احادیث معصومان علیهم السلام در دوران حکومت مهدوی، تنها اسلام باقی می‌ماند و همه ادیان دیگر از بین می‌روند؛ زیرا همه آنها انحرافی هستند و تنها دین صحیح، اسلام است. اگر دین‌های دیگر نیز در قالب اصلی‌شان در آیند، هر آینه، مشابه اسلام خواهند بود و تفاوت معناداری میان آنها دیده نمی‌شود. در ادامه، ادله این گروه، بررسی خواهد شد.

### الف - ادله قرآنی

#### ۱. اسلام، تنها دین مورد پذیرش خداوند متعال

بر اساس آموزه‌های قرآنی، اسلام، تنها دین مقبول نزد خداوند است:

﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ  
الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾.<sup>۲</sup>

۱. ر.ک: ص ۴۰۷ ح ۱۹۳۵. در سند این حدیث، هم افراد جلیل‌القدری مانند عبد الله بن مغیره، از اصحاب اجماع، وجود دارد، و هم افراد ضعیفی مانند عمرو بن شمر یا سفیان بن عبد المؤمن انصاری. که تنها همین یک حدیث از او نقل شده و مجهول است. لذا سند محکمی ندارد.

۲. آل عمران: آیه ۱۹.

هر آینه دین در نزد خدا، اسلام است. و اهل کتاب، راه خلاف نرفتند، مگر از آن پس که به حَقَانِیت آن دین، آگاه شدند، و نیز به سبب حسد. آنان که به آیات خدا کافر شوند، بدانند که او به زودی به حساب‌ها خواهد رسید.

در واقع، دین اصلی اهل کتاب نیز اسلام بوده که بعدها به بیراهه رفته‌اند. در جامعه مهدوی، تمام این بیراهه‌ها آشکار شده، پیروان ادیان مختلف به نادرستی راهشان پی می‌برند و یا به دین اسلام در می‌آیند یا از میان می‌روند؛ زیرا در آن دوران، قرار نیست طریقت‌های باطل، امکان بقا پیدا کنند. کسی که دینی غیر از اسلام داشته باشد، از وی پذیرفته نیست:

﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ.<sup>۱</sup>﴾

و هر کس که دینی جز اسلام اختیار کند، از او پذیرفته نخواهد شد و در آخرت، از زیان‌دیدگان خواهد بود.

البته این آیه، ناظر به پذیرش دین در آخرت است؛<sup>۲</sup> اما نشان‌دهنده حَقَانِیت انحصاری اسلام است و کثرت حَقَانِیت ادیان را رد می‌کند. نتیجه این می‌شود که پیروی از سایر ادیان به دلیل نامقبول بودن آن نزد خدای متعال، نمی‌تواند مقبول حَجَّت عج باشد.

## ۲. پیروزی اسلام بر همه ادیان

خداوند متعال در چند جای قرآن می‌گوید که رسولش را با هدایت و دین حق، فرستاده تا به رغم خواسته مشرکان، آن دین را بر همه ادیان، پیروز گرداند. این مضمون، در سه آیه و با الفاظی واحد، آمده است:

۱. آل عمران: آیه ۸۵.

۲. مفسران شیعه و سنی، این آیه را ناظر به پذیرش دین در آخرت می‌دانند. هم سیاق آیه، این را نشان می‌دهد و هم احادیثی دال بر این معنا وجود دارد. برای نمونه، ر.ک: تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر: ج ۲ ص ۶، فتح القدیر: ج ۱ ص ۴۱، المیزان فی تفسیر القرآن: ج ۳ ص ۳۳، التفسیر المنیر فی العقیة و الشریعة و المسنن: ج ۳ ص ۲۸، تفسیر سورآبادی: ج ۱ ص ۲۹، مجمع البیان: ج ۲ ص ۷۸.

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾<sup>۱</sup>

او کسی است که پیامبر خود را برای هدایت مردم فرستاد، با دینی درست و بر حق، تا او را بر همه دین‌ها پیروز گرداند، هر چند مشرکان را خوش نیاید.

در آیه قبل از آن نیز از خواست کافران برای خاموش ساختن نور الهی یاد شده و این که خداوند متعال، اراده کرده که نورش را کامل کند:

﴿يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّأ أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾<sup>۲</sup>

می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند، و خدا جز به کمال رساندن نور خود نمی‌خواهد، هر چند کافران را خوش نیاید.<sup>۳</sup>

تحقق وعده پیروزی اسلام و به کمال رساندن نور الهی، در انتظار جامعه مهدوی است. بنا بر این، انتظار به جایی است که با کامل شدن نور الهی در جامعه مهدوی و پیروز شدن اسلام، جایی برای دیگر ادیان باقی نماند و پیروان آن ادیان، یا همه مسلمان شده باشند و یا از بین رفته باشند.

در آیه‌ای دیگر، وعده حاکمیت بر زمین به مؤمنان صالح داده شده و این که دین مورد رضای خدا، غالب می‌شود و دیگر شرکی باقی نخواهد ماند:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ

۱. توبه: آیه ۳۳.

۲. توبه: آیه ۳۲.

۳. آیات ۸ و ۹ سورة صف نیز با تفاوتی بسیار جزئی در پاره‌ای الفاظ مشابه همین دو آیه هستند. آیه ۲۸ سورة فتح نیز دقیقاً مانند آیه ۳۳ توبه است.

### الفَاسِقُونَ<sup>۱</sup>.

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داد که در روی زمین، جانشین دیگرانشان کند، همچنان که مردمی را که پیش از آنها بودند، جانشین دیگران کرد. و دینشان را - که خود برایشان پسندیده است - استوار سازد و وحشتشان را به ایمنی بدل کند. مرا می‌پرستند و هیچ چیزی را با من شریک نمی‌کنند؛ و آنهایی که از این پس ناسپاسی کنند، نافرمان‌اند<sup>۲</sup>.

به اعتقاد طبرسی این آیه شریف، در باره امام مهدی علیه السلام است. او چند حدیث از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که در آن فرموده‌اند:

أَتَهَا فِي الْمَهْدِي مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ<sup>۲</sup>.

آن در باره مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله است.

در این جا باز هم وعده پیروزی اسلام داده شده است و تصریح نیز شده است که شرکی باقی نمی‌ماند.

### ۳. نزول عیسی علیه السلام و ایمان آوردن همه اهل کتاب

قرآن کریم از ایمان آوردن همه اهل کتاب به مسیح صلی الله علیه و آله سخن می‌گوید. در باره این که این ایمان، چگونه و در چه زمانی واقع می‌شود، میان مفسران، چند نظر وجود دارد. در آیه شریف مورد اشاره آمده است:

﴿وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا<sup>۲</sup>﴾

و هیچ یک از اهل کتاب نیست، مگر آن که پیش از مرگش به او ایمان آورد و عیسی در روز قیامت به ایمانشان گواهی خواهد داد<sup>۳</sup>.

۱. نور: آیه ۵۵.

۲. مجمع البیان: ج ۷ ص ۲۳۹ - ۲۴۰. نیز، ر.ک: همین دانش‌نامه ج ۲ ص ۹۳ (خلافت مؤمنان).

۳. نساء: آیه ۱۵۹.

طبرسی در تفسیر این آیه، سه احتمال را از مفسران می آورد: احتمال اول این که هر دو ضمیر «به... موته» به مسیح علیه السلام برگردد؛ یعنی همه یهودیان و مسیحیان، هنگامی که خداوند متعال در زمان ظهور مهدی موعود علیه السلام، مسیح علیه السلام را به زمین می فرستد و همه ملل جهان در زیر پرچم اتحاد و اتفاق در می آیند، اسلام را می پذیرند و پیش از مرگش به او ایمان خواهند آورد. این قول از ابن عباس، ابو مالک، حسن، قتاده، ابن زید، طبری و دیگران، نقل شده است.

در تفسیر علی بن ابراهیم، از شهر بن حوشب، چنین نقل شده که روزی حجاج به او گفت: آیه ای در قرآن است که مرا خسته کرده و در معنای آن، فرو مانده ام. شهر می گوید: کدام آیه ای امیر؟ حجاج گفت: آیه ﴿وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ...﴾؛ زیرا من یهودیان و نصرانیانی را اعدام می کنم که هیچ گونه نشانه ای از چنین ایمانی در آنها مشاهده نمی کنم. شهر بن حوشب به او می گوید: آیه را درست تفسیر نکرده ای. حجاج می پرسد: چرا؟ تفسیر آیه چیست؟ وی می گوید: منظور، این است که عیسی علیه السلام قبل از پایان جهان، فرود می آید و هیچ یهودی و غیر یهودی باقی نمی ماند، مگر این که قبل از مرگ عیسی علیه السلام به او ایمان می آورد. او پشت سر مهدی علیه السلام نماز می خواند.

هنگامی که حجاج این سخن را شنید گفت: وای بر تو! این تفسیر را از کجا آوردی؟ وی می گوید: از محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام شنیدم. حجاج می گوید: به خدا سوگند، آن را از سرچشمه زلال و صافی گرفته ای.<sup>۱</sup>

احتمال دوم، این است که ضمیر «به» به مسیح و ضمیر «موته» به کتابی (اهل کتاب) بر می گردد؛ یعنی هر یک از یهودیان و مسیحیانی که از دار دنیا می روند، پیش از مرگ خود به عیسی علیه السلام ایمان می آورند و آن، در هنگامی است که انسان در



آستانه مرگ قرار می‌گیرد و ارتباط او با این جهان، ضعیف شده، با جهان بعد از مرگ، قوی می‌گردد، پرده‌ها از برابر چشم او کنار می‌رود و بسیاری از حقایق را می‌بیند و نسبت به آن، آگاهی می‌یابد. در این موقع است که چشم حقیقت‌بین او، مقام مسیح علیه السلام را مشاهده می‌کند و در برابر او، تسلیم می‌گردد. آنهایی که منکر او شده‌اند، به او ایمان می‌آورند و آنهایی که او را خدا می‌دانستند، به اشتباه خود پی می‌برند.

در احتمال سوم، مقصود این است که اهل کتاب، پیش از مرگ خود به محمد صلی الله علیه و آله ایمان خواهند آورد. طبری این وجه را ضعیف شمرده، می‌گوید: اگر این مطلب، صحیح باشد، نباید بر مُردگان اهل کتاب، حکم کافر جاری گردد.<sup>۱</sup> لیکن ایراد طبری وارد نیست؛ زیرا ایمان آنان پس از زوال تکلیف، و موقعی است که برای آنها فایده‌ای ندارد. ضعف این قول، به این دلیل است که در این آیات، نامی از محمد صلی الله علیه و آله به میان نیامده تا ضمیر را به آن بزرگوار برگردانیم، اما نام عیسی علیه السلام به میان آمده و شایسته است که مقصود، آن بزرگوار باشد.<sup>۲</sup>

همان طور که طبری، احتمال سوم را تضعیف کرد، احتمال دوم را نیز باید ضعیف دانست؛ زیرا ایمان آوردن هنگام مرگ اهل کتاب برای آنان فایده‌ای ندارد و دلیلی برای این نیست که از چنین ایمانی یاد شود. بعلاوه، بر اساس احادیث اسلامی، کافران هنگام مشاهده مرگ، ایمان نمی‌آورند، بلکه با دیدن شرایط مرگ و کنار رفتن پرده‌ها از پیش چشمانشان، از وقایع جهان هستی آگاهی می‌یابند. این آگاهی، غیر از ایمان است. این آگاهی در قیامت هم وجود دارد؛ اما کافران به خدا ایمان ندارند.

۱. تفسیر الطبری: ج ۴ الجزء ۶ ص ۲۱.

۲. مجمع البیان: ج ۳ ص ۲۱۱-۲۱۲.

اگر قرآن کریم از ایمان فرعون سخن می‌گوید، اولاً تنها گفته او را نقل می‌کند و هیچ تأییدی بر ایمان وی نمی‌آورد. ثانیاً در چنان شرایط اضطرار و فشاری که فرعون درگیر آن بود (هنگامه غرق شدن)، جایی برای ایمان نیست. ایمان حقیقی در شرایط عدم اجبار و اکراه و اضطرار، تحقق می‌یابد. در چنین شرایطی، آنچه واقع می‌شود، نوعی تسلیم شرایط شدن است، نه پذیرش اختیاری خداوند متعال. وضعیت اهل کتاب و هر کافر دیگری نیز به هنگام مرگ، مانند شرایط فرعون در هنگام غرق شدن است.

بنا بر این، احتمال اول از همه قوی‌تر است و نشان‌دهنده آن است که همه اهل کتاب در جامعه مهدوی به عیسی علیه السلام ایمان می‌آورند؛ زیرا استثنای **﴿إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ﴾** پس از ادات نفی **﴿إِنَّ﴾** بر عمومیت دلالت می‌کند و فراگیر است.

عیسی علیه السلام نیز بنا بر احادیث متعدّد در نماز به امام مهدی علیه السلام اقتدا می‌کند و ایشان را امام خود می‌داند. در واقع، باید ایشان و همه پیامبران گذشته را نیز، آن گونه که قرآن می‌گوید، مسلمان دانست.

مؤید این برداشت، حدیثی از امام صادق علیه السلام است که در پاسخ به سؤال مفضل از دین پیامبران بزرگ، با استناد به یازده آیه،<sup>۱</sup> آنان را مسلمان و دینشان را تنها اسلام نامیده است.<sup>۲</sup>

## ب - احادیث اسلامی

### ۱. تجدید حیات اسلام و پیروی همه مردم از آن

حدیثی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که در جامعه مهدوی، اسلام، حیاتی دوباره

۱. این آیات عبارت‌اند از: بقره: آیه ۱۲۸ و ۱۳۳ و ۱۳۶؛ آل عمران: آیه ۱۹ و ۵۲ و ۸۳؛ حج: آیه ۷۸؛ یونس: آیه ۹۰؛ نمل: آیه ۳۸ و ذاریات: آیه ۳۶.

۲. ر.ک: ص ۲۶۰ ح ۱۸۲۸. گرچه رجالیان، مفضل بن عمر را تضعیف کرده‌اند، روایت او را صرفاً جهت تأیید آوردیم. اصل استناد به آیات قرآن کریم است.

پیدا می‌کند و عزیز می‌شود و همهٔ جباران، شکست می‌خورند.<sup>۱</sup> با تجدید حیات اسلام، حاکمیت دینی در همهٔ جهان برپا می‌گردد و راه‌های باطل، همه از بین می‌روند. در مضامین احادیث نیز به این موضوع، توجّه داده شده است. با این رویکرد، دیگر نمی‌توان به بقای ادیان دیگر - که آمیزه‌ای از حقّ و باطل، و سره و ناسره هستند، حکم کرد.<sup>۲</sup>

احادیث متعدّدی از پیروزی اسلام بر همهٔ ادیان، گرایش همهٔ مردم به اسلام و کلمهٔ توحید، با رغبت یا با اکراه، محو شرک و کفر، رواج شهادت به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله در همهٔ اطراف عالم، این که در هیچ جای جهان جز دین محمد صلی الله علیه و آله دیده نمی‌شود، این که همهٔ کفار، مؤمن می‌شوند و همهٔ ناصالحان، صالح می‌گردند و ... در حکومت امام مهدی علیه السلام حکایت می‌کنند که ذکر همهٔ آنها در این مجال نمی‌گنجد<sup>۳</sup> و برخی را از باب نمونه می‌آوریم.

در حدیثی صحیح از امیر مؤمنان علیه السلام در توضیح آیهٔ پیروزی اسلام بر همهٔ ادیان<sup>۴</sup> می‌فرماید:

هنوز این پیروزی فرانسیده است... تا آن‌گاه که هیچ قریه‌ای باقی نماند، مگر آن که صبح و شام در آن، شهادت «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ»، سر داده شود.<sup>۵</sup>

ابن عباس نیز شبیه همین تفسیر را از آیه دارد، جز این که تصریح می‌کند که هیچ

۱. عقد الذّور: ص ۶۲؛ کشف الغمّة: ج ۲ ص ۴۷۳، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۸۳.

۲. دربارهٔ این استدلال، جای درنگ وجود دارد. بعداً به آن خواهیم پرداخت.

۳. برای دیدن آنها، ر.ک: الکافی: ج ۱ ص ۴۳۲ و ۴۳۴، کمال الدین: ص ۳۴۵ و ۶۷۰، التبیان فی تفسیر القرآن: ج ۹ ص ۳۳۶، مجمع البیان: ج ۹ ص ۱۹۱ و ج ۵ ص ۲۸، الاحتجاج: ج ۱ ص ۶۰۵، تفسیر العیاشی: ج ۱ ص ۱۸۳، مختصر بصائر الدرجات: ص ۱۸۰، ینابيع المودة: ج ۳ ص ۲۴۰، کشف الغمّة: ج ۳ ص ۲۶۲، عقد الذّور: ص ۶۲، الصراط المستقیم: ج ۲ ص ۲۲۷، بحار الأنوار: ج ۹۳ ص ۱۲۵ و ج ۱۶ ص ۳۰۸ و ج ۵۲ ص ۳۲۴ و ۳۴۰ و ۳۹۰ و ۱۱۰ و ج ۵۱ ص ۱۴۶ و ۵۵ و ج ۵۳ ص ۴ و ج ۲۴ ص ۳۳۶.

۴. پیش‌تر گذشت.

۵. تأویل الآیات الظاهرة: ص ۶۶۳.

اهل ملت‌ی باقی نمی‌ماند، مگر این که داخل در اسلام می‌شود.<sup>۱</sup>  
 شیخ مفید نیز با عبارت «وَلَمْ يَبْقَ أَهْلُ دِينٍ حَتَّى يُظْهِرُوا الْإِسْلَامَ وَ يَغْتَرِفُوا بِالْإِيمَانِ»،  
 داخل شدن همه پیروان ادیان دیگر در اسلام را بیان می‌کند.<sup>۲</sup>  
 سید رضی از مسند ابن حنبل، این فرموده پیامبر ﷺ را می‌آورد که با بیانی زیبا و  
 استعاری می‌فرماید:

لَيَدْخُلَنَّ هَذَا الدِّينُ عَلَى مَا دَخَلَ عَلَيْهِ اللَّيْلُ؛<sup>۳</sup>

این دین (اسلام) به هر جا که شب [روز] دارد، وارد می‌شود.

عیاشی، شبیه همین تعبیر را به نقل زراره از امام صادق ﷺ می‌آورد که در آن، تنها  
 به جای «لَيَدْخُلَنَّ...»، تعبیر «لَيَبْلُغَنَّ دِينَ مُحَمَّدٍ ﷺ»<sup>۴</sup> به کار رفته است.

طبری، تعبیر «حَتَّى لَا يُرَى إِلَّا دِينَ مُحَمَّدٍ ﷺ»؛ تا آن که جز دین محمد ﷺ دیده نمی‌شود» را  
 از طریق ابو جارود از امام صادق ﷺ نقل می‌کند.<sup>۵</sup>

عیاشی هم شبیه همین تعبیر را نقل می‌کند و افزون بر اینها این فرموده امام  
 باقر ﷺ را نیز می‌آورد که:

يُقَاتِلُونَ وَاللَّهِ حَتَّى يُؤَخِّدَ اللَّهُ وَ لَا يُشْرَكَ بِهِ شَيْءٌ.<sup>۶</sup>

به خدا تا جایی می‌جنگند که خدا را یکی بدانند و هیچ شرکی به او نورزند.

طبرسی حدیثی را می‌آورد که گفتگوی یاران امام حسن ﷺ با ایشان پس از  
 زخمی شدن در آن نقل شده است. در آن جا به امام ﷺ اشکال می‌گیرند و از ایشان  
 می‌پرسند که: چرا مردم این قدر متحیرند؟ امام ﷺ در پاسخ، فرموده پدرش امیر

۱. بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۶۱.

۲. الإرشاد: ج ۲ ص ۲۸۴.

۳. المعجزة النبوية: ص ۳۷۴، مسند ابن حنبل: ج ۴ ص ۱۰۲، كنز العمال: ج ۱ ص ۲۶۷ ح ۱۳۴۵. در این دو  
 منبع، تعبیر: «لَيَبْلُغَنَّ هَذَا الْأَمْرَ» وجود دارد که با حدیث امام صادق ﷺ سازگارتر است.

۴. تفسیر العیاشی: ج ۲ ص ۵۶، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۵۵.

۵. دلائل الإمامة: ۴۵۶، الغیبة، طوسی: ص ۴۷۴.

۶. تفسیر العیاشی: ج ۲ ص ۶۱، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۴۵.

مؤمنان علیهم‌السلام را می‌آورد که این وضع تا جامعه مهدوی ادامه خواهد داشت تا این که در آن زمان جهالت و دیوانگی، خداوند، مردی را بر می‌انگیزاند و با فرشتگان و آیات الهی یاری‌اش می‌کند. تنها در این زمان است که اسلام، پیروز می‌شود و همه اهل زمین با رغبت یا با اکراه، به دین حق در می‌آیند و کافری نمی‌ماند، جز این که ایمان می‌آورد و ...<sup>۱</sup>

در حدیث پیش‌گفته نقل شده از مُفَضَّل، امام صادق علیه‌السلام با تعبیر «لَيُرْفَعُ عَنِ الْمَلَلِ وَالْأَذْيَانِ الْإِخْتِلَافُ وَ يَكُونُ الدِّينُ كَلَّةً وَاحِدًا» به برطرف شدن اختلافات و وحدت یافتن دین، اشاره می‌شود.<sup>۲</sup>

از مجموع این احادیث، چنین بر می‌آید که در حکومت مهدوی، اسلام، دین حاکم و مسلط در تمام دنیا شده، به چشم می‌آید و ندای آن، صبح و شام به گوش همه می‌رسد و مردم به این دین می‌گروند. همچنین نفی شرک و کفر نیز از آنها قابل استنباط است.

## ۲. تفاوت سیره امام زمان با سیره پیامبر

در مجموعه احادیثی که از سیره امام زمان علیه‌السلام یاد کرده‌اند، مواردی هست که بر سختگیری ایشان و تفاوت سیره امام با سیره اجداد بزرگوارش دلالت دارد. گزارش‌هایی که از سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امیر مؤمنان علیه‌السلام در جنگ به ما رسیده، حاکی از آن است که آن بزرگواران تا جایی که می‌شده، سعی می‌کرده‌اند با عفو و اغماض، برخورد کنند و کمتر به جنگ و خون‌ریزی می‌پرداختند؛ اما همان‌طور که میان عوام شهرت دارد، در برخی احادیث می‌خوانیم که امام زمان علیه‌السلام سیره‌ای متفاوت دارد و جنگ و خون‌ریزی به راه می‌اندازد.

۱. الاحتجاج: ج ۲ ص ۲۹۱.

۲. مختصر البصائر: ص ۴۳۶.

زُرارَه از امام صادق علیه السلام در باره سیره امام زمان علیه السلام می پرسد. ظاهراً او نیز شنیده است که سیره ایشان، مانند سیره پیامبر صلی الله علیه و آله است. این موضوع را با امام علیه السلام در میان می گذارد و با پاسخ محکم ایشان مواجه می شود که فرمود: «هیئات، هیئات! به سیره پیامبر صلی الله علیه و آله رفتار نمی کند». وی علت را می پرسد. امام علیه السلام پاسخ می دهد: «زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله در میان امتش با امتنان رفتار کرد و با آنان، الفت گرفت. قائم علیه السلام با قتل رفتار می کند. در دستور العملی که به همراه دارد، درج شده که بکشند و توبه کسی را نپذیرد. وای بر کسی که در برابر او بایستد!»<sup>۱</sup>

همچنین در سندی دیگر، محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام روایت می کند که ایشان فرمودند: «اگر مردم می دانستند که قائم علیه السلام هنگام خروجش چه می کند، بیشتر آنها دلشان می خواست که اصلاً او را نمی دیدند؛ زیرا بسیار می کشد».<sup>۲</sup>

با این اوصاف، نمی توان پذیرفت که امام زمان علیه السلام همان نرمش پیامبر صلی الله علیه و آله را دارد و اجازه می دهد مخالفانش در پرتو حکومتش به راحتی زندگی کنند و بر آیین خویش باشند. لازمه این برخورد، این است که هر کس به ایشان ایمان نیاورد، نابود می شود و این، به معنای وحدت انحصاری دین اسلام و از بین رفتن همه ادیان دیگر، اعم از ادیان آسمانی و ادیان غیر آسمانی است.

### ۳. الزام و اجبار به تغییر دین

برخی بر این باورند که بر اساس احادیث، در جامعه مهدوی، دین، اجباری می شود؛ یعنی اگر کسی با رغبت ایمان آورد، بهتر است؛ اما اگر چنین نشد، به زور شمشیر باید اسلام بیاورد؛ وگرنه مجازات شده و گردن زده می شود.

این گروه، نظر خود را مستند به حدیثی می کنند که در تفسیر العیاشی، از طریق

۱. الغیبة، نعمانی: ۲۳۱.

۲. همان: ص ۲۳۳.

ابن بکیر<sup>۱</sup> از امام کاظم علیه السلام نقل شده است. حدیث یاد شده در تفسیر این آیه است:

﴿أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ﴾<sup>۲</sup>

آیا دینی جز دین خدا می‌جویند، حال آن که آنچه در آسمان‌ها و زمین است، خواه ناخواه، تسلیم فرمان او هستند و به نزد او باز گردانده می‌شوید.

طبق این نقل، امام کاظم علیه السلام می‌فرماید:

اسلام، بر همه یهودیان و نصارا و صابئیان و زندیقان و کفار و مرتدان در شرق و غرب عالم، عرضه می‌شود. هر کس به میل و رغبت مسلمان شد، باید نماز بگزارد و زکات بدهد، و هر کس مسلمان نشود، گردنش را می‌زنند تا این که در تمام شرق و غرب عالم، کسی نمی‌ماند، جز این که وحدانیت خدا را می‌پذیرد.<sup>۳</sup>

در ادامه، راوی تعجب می‌کند و می‌گوید: خلاق، بیش از آن‌اند که بتوان چنین کرد. امام علیه السلام پاسخ می‌دهد که خداوند، کم را زیاد و زیاد را کم می‌کند. این پاسخ، کنایه از این است در آن زمان، بیشتر مردم، مسلمان می‌شوند.

این حدیث، نشان می‌دهد که در جامعه مهدوی، الزام و اجبار برای مسلمان شدن گروه‌هایی از مردم است و نمی‌توان گفت که ادیان دیگر، وجود خواهند داشت. پیروان ادیان دیگر نیز آزادی عمل ندارند و باید براساس احکام اسلامی عمل کنند.

#### ۴. برداشته شدن جزیه

یکی از مباحثی که در احادیث مورد توجه قرار گرفته، نوع رفتار امام زمان علیه السلام با اهل کتاب است. برخی احادیث، گویای آن‌اند که ایشان از اهل کتاب، جزیه قبول

۱. ابن بکیر، فتّحی مذهب است؛ اما اصحاب رجال، وی را توثیق کرده‌اند.

۲. آل عمران: آیه ۸۳.

۳. تفسیر العیاشی: ج ۱ ص ۱۸۲، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۴۱.

نمی‌کند.<sup>۱</sup> از جمله اینها حدیث معروف به «هفتاد فضیلت امیر مؤمنان علیه السلام» است که در فضیلت پنجاه و سوم آمده که قائم، از اهل بیت است و قیام می‌کند و صلیب و بت را می‌شکند و جنگ، آغاز می‌شود و از کسی جزیه نمی‌پذیرد.<sup>۲</sup>

عیاشی نیز در تفسیرش، در حدیثی به نقل از امام باقر علیه السلام آورده است که امام زمان علیه السلام جزیه قبول نمی‌کند. ایشان، این کار را تفسیر آیه‌ای از کلام الهی می‌دانند که در آن فرموده است:

﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلَّهُ لِلَّهِ﴾<sup>۳</sup>

با آنان، نبرد کنید تا دیگر فتنه‌ای نباشد و دین، همه دین خدا گردد. پس اگر باز

ایستادند، خدا، کردارشان را می‌بیند.<sup>۴</sup>

امام علیه السلام می‌فرماید که قائم علیه السلام آن قدر می‌جنگد که هیچ شرکی باقی نماند و همه به وحدانیت خدا اعتراف کنند.<sup>۵</sup>

در کتاب‌های حدیثی، روایتی از کتاب فتوحات المکیة ابن عربی نقل شده که در آن از مهدی آل محمد علیهم السلام و نسب و کارهای او سخن می‌رود. در آن جا آمده که ایشان، جزیه را «وضع» می‌کند.<sup>۶</sup> در این که «یضع الجزیه» چگونه معنا شود، اختلاف نظر وجود دارد. برخی آن را به معنای برداشته شدن حکم جزیه می‌دانند و برخی برعکس به معنای مقرر شدن حکم جزیه.

ابن طاووس نیز در الملاحم، حدیثی را به نقل از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آورده که از نزول عیسی علیه السلام و حاکم شدن وی در میان بخشی از امت، سخن می‌گوید. در آن جا گفته

۱. اینها برخلاف احادیثی است که پیش از این، در باره پذیرش جزیه از اهل کتاب گذشت.

۲. الخصال: ج ۲ ص ۵۷۹، بحار الأنوار: ج ۳۱ ص ۴۴۳.

۳. انفال: آیه ۳۹.

۴. شبیه همین آیه در سوره بقره: آیه ۱۹۳ آمده است. در آیه سوره بقره، لفظ «کله» وجود ندارد.

۵. تفسیر العیاشی: ج ۲ ص ۶۰، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۴۵.

۶. إلزام الناصب: ج ۱ ص ۲۹۵، شرح أصول الکافی (ملأ صدرها): ج ۱ ص ۵۶۰، الوافی: ج ۲ ص ۴۷۱.



شده که:

عیسی علیه السلام در میان امت من، حاکم و امام عادل است. عیسی علیه السلام صلیب (چوبه دار) را می‌کوبد و نابود می‌کند، خوک را می‌کشد، جزیه را از بین می‌برد و صدقه را ترک خواهد کرد.<sup>۱</sup> در متن این حدیث نیز عبارت «یضع الجزیه» آمده که آن را به از بین بردن جزیه معنا کرده‌اند.

### وحدت دین و کثرت شرایع

بر اساس آنچه در کتب لغت آمده، تفاوتی میان «دین» و «شریعت» قائل شده‌اند. به نظر لغت‌دانان، دین، موضوعی عام‌تر و شریعت، خاص‌تر است.<sup>۲</sup> دین مانند دریاست و شرایع، آبراهه‌هایی هستند که از آن دریا منشعب می‌شوند. مفسران نیز به این تفاوت اشاره کرده‌اند. از باب نمونه، گفتار علامه طباطبایی در تفسیر گران‌سنگ المیزان را می‌آوریم:

از ظاهر قرآن کریم، چنین بر می‌آید که کلمه «شریعت» در معنایی خاص‌تر از معنای دین، استعمال می‌شود، چنان‌که آیات زیر بر آن دلالت دارد: ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾<sup>۳</sup> دین نزد خدا [و مقبول درگاه او] تنها اسلام است، ﴿وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ، وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾<sup>۴</sup> و کسی که غیر از اسلام، دینی دیگر بپذیرد، از او قبول نمی‌شود و او در آخرت، از زیان‌کاران است.

از این دو آیه به خوبی بر می‌آید که هر طریقه و مسلکی در پرستش خدای متعال، دین هست، ولی دین مقبول درگاه خدا، تنها اسلام است. پس دین از نظر قرآن، معنایی عام و وسیع دارد. حال اگر آن دو آیه را به آیه: ﴿لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَ

۱. الملاحم و الفتن: ص ۱۷۳. نیز ر. ک: همین دانش‌نامه: ص ۳۲۷ ح ۱۸۴۰.

۲. لسان العرب: ج ۸ ص ۱۷۵، مجمع البحرین: ج ۴ ص ۳۵۲، مفردات الفاظ القرآن: ص ۴۵۰.

۳. آل عمران: آیه ۱۹.

۴. آل عمران: آیه ۸۵.

مِنْهَا جَاءَ<sup>۱</sup> برای هر یک از شما پیامبران، شرعه و منهای قرار دادیم و نیز به آیه «ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأُمْرِ فَاتَّبِعْهَا»<sup>۲</sup> و سپس، تو را بر شریعتی از امر دین، قرار دادیم. پس از همان شریعت، پیروی کن، ضمیمه کنیم، این معنا به دست می‌آید که شریعت، عبارت است از طریقه‌ای خاص، یعنی طریقه‌ای که برای امتی از امت‌ها و یا پیامبری از پیامبران مبعوث به شریعت، تعیین و آماده شده است؛ مانند شریعت نوح علیه السلام، شریعت ابراهیم علیه السلام، شریعت موسی علیه السلام، شریعت عیسی علیه السلام و شریعت محمد صلی الله علیه و آله و سلم. اما دین، عبارت است از سنت و طریقه الهی. پس کلمه دین، معنایی عام‌تر از کلمه شریعت دارد و به همین جهت است که شریعت، نسخ می‌پذیرد؛ ولی دین به معنای وسیعش قابل نسخ نیست.<sup>۳</sup>

بر این اساس، فرض دیگری در فهم آیات و احادیث مربوط، قابل طرح است. می‌توان چنین در نظر گرفت که بخشی از اهل کتاب، ضمن این که در مسائل اصلی دین با مسلمانان به وحدت می‌رسند، به نوعی مجاز شوند که به بخشی از آداب و شعائر خویش، باقی بمانند و آیین خود را تا حدی حفظ کنند. البته این کار، مشروط به اصلاح اصول عقیدتی و نفی شرک و هر گونه مظاهر شیطانی از آیین آنهاست. اگر این فرض قابل پذیرش باشد، دیگر نمی‌توان قاطعانه حکم کرد که در جامعه مهدوی، هیچ دینی جز اسلام، باقی نمی‌ماند.

تعبیر برخی احادیث، از ایمان آوردن مردم و شهادت دادن آنها به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم حکایت دارد؛ اما این به معنای آن نیست که همه پیرو شریعت اسلام می‌شوند؛ زیرا چنان که هم‌اینک گروهی از مسیحیان بر این اعتقادند که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از جانب خدا برگزیده شده و فرستاده اوست و در عین حال،

۱. مائده: آیه ۴۸.

۲. جاثیه: آیه ۱۸.

۳. المیزان فی تفسیر القرآن: ج ۵ ص ۳۵۱.

ضرورتی در پیروی از ایشان نمی‌بینند، ممکن است با اصلاحاتی در بنیادهای عقیدتی و اعمالشان، امکان و اجازه عمل به شریعت اهل کتاب به آنها داده شود. نسبت شرایع خاص به دین، که واحد است، مانند نسبت احکام جزئی به احکام کلی است. در احکام جزئی، امکان نسخ وجود دارد؛ ولی اصل احکام الهی نسخ نمی‌شود. همین طور، اصل دین نسخ نمی‌شود، اما شرایع، نسخ پذیرند. آیه شریف زیر نیز دلیلی بر همین معناست:

﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَ مُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَأَحْكُم بِنُورِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ.<sup>۱</sup>

و این کتاب را به راستی بر تو نازل کردیم که تصدیق‌کننده و حاکم بر کتاب‌هایی است که پیش از آن بوده‌اند. پس بر وفق آنچه خدا نازل کرده است، در میانشان حکم کن و از پی خواهش‌هاشان مرو تا آنچه را از حق بر تو نازل شده است، واگذاری. برای هر گروهی از شما، شریعت و روشی نهادیم. اگر خدا می‌خواست، همه شما را یک امت می‌ساخت؛ ولی خواست در آنچه به شما ارزانی داشته است، شما را بیازماید. پس در خیرات بر یکدیگر، پیشی گیرید. همگی بازگشتتان به خداست تا از آنچه در آن اختلاف می‌کردید، آگاهتان سازد.

در این جا اراده خدا به این تعلق گرفته که شرایع مختلف باشند تا آزموده شویم.

محو تدریجی تعدد ادیان در جامعه مهدوی

ادله این فرضیه، ترکیبی از ادله پیش‌گفته در دو فرضیه اول و دوم است. این دیدگاه

بر آن است که با توجه به ادله‌ای که گذشت، نه می‌توان به طور مطلق، وجود ادیان دیگر در حکومت مهدوی را نفی کرد و نه می‌توان گفت که این ادیان تا آخر باقی می‌مانند.

#### ۱. مفروضات بحث

برای روشن شدن موضوع، لازم است ابتدا مفروضات و مسلمات بحث را مرور کنیم:

یک. این جا بهشت نیست؛ بلکه دنیاست، با همه قوانینش. پس همچنان دار تکلیف، ابتلا و آزمایش و خیر و شرّ است.

دو. سنّت‌های الهی تغییر نمی‌کنند. پس سنّت هدایت و آزادی انسان در انتخاب، یا بر جا خواهد بود و ارزش دین و دینداری به اختیاری بودن و آزادی در انتخاب، خواهد بود.

سه. انسانیت انسان به چیزی دیگر تبدیل نمی‌شود. انسان، اختیار دارد، نفس دارد و خواهش‌های آن نیز ادامه دارد. پس هنوز هم جا برای پیروی از هوا و هوس هست. پس «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»<sup>۱</sup> هنوز مصداق دارد.

چهار. اختلاف طبایع و اختلاف سلیق آدمیان از میان نمی‌رود. بنا بر این، فرهنگ‌های مختلف، با تفاوت در زبان، آداب و رسوم، سنّت‌ها، نمادها و ... همچنان خواهند بود.

پنج. معجزه جای کار و تلاش را نمی‌گیرد. بنا بر این، کارها به تدریج و با مجاهدت، پیش می‌رود. البته نصرت الهی در کار است، اما یاری خدا در جایی تحقق خواهد یافت که کار و تلاش انسانی وجود داشته باشد.

در عین حال، این تغییرات به وجود می‌آید:

۱. حکومت جهانی واحد مبتنی بر احکام اسلامی بر پا می‌شود؛
۲. پلیدی‌های بزرگ، مانند شرک و کفر و سایر انحرافات عقیدتی و بدعت‌ها، از میان می‌روند؛
۳. ظالمان و اشرار از میان می‌روند؛
۴. زمین پُر از عدل و داد می‌شود؛
۵. اسباب گسترش علم و معرفت و تربیت صحیح انسان، فراهم می‌گردند؛
۶. رفاه عمومی برقرار می‌شود.

## ۲. سیر از کثرت به وحدت

به نظر می‌رسد در نهضت مهدوی، یک سیر تدریجی به سوی توحید ناب وجود دارد. ابتدای حرکت امام زمان علیه السلام صرفاً دعوت به اسلام و قرآن است و به تدریج که نهضت جلو می‌رود، جنگ‌ها آغاز می‌شود. از آن جا که امام علیه السلام به طور عادی نمی‌تواند در آن واحد با همه حکومت‌ها بجنگد، طبیعی است که در ابتدا با بسیاری از آنها پیمان صلح ببندد. پس از پیشرفت کار و افزایش روشنگری‌ها و بالا رفتن آگاهی و معرفت مردم، اثری از شرک و کفر، باقی نمی‌ماند.

بر اساس احادیث اسلامی، ظهور امام زمان علیه السلام در منطقه حجاز و استقرار ایشان در منطقه عراق خواهد بود و جنگ‌های اولیه ایشان در همان مناطق، به اضافه منطقه شامات و احیاناً ترکیه و روسیه است. بنا بر این، دشمنان اولیه یا از مسلمانان معاند اهل حجاز و دیگر مناطق اند یا از اهل کتاب. بر این پایه، چنین به نظر می‌رسد که در ابتدای نهضت ایشان، درگیری خاصی با پیروان دیگر ادیان، مانند ادیان هندی و چینی و ژاپنی، نداشته باشند.

در این دوره، ممکن است گروهی از اهل کتاب، خواهان مصالحه با امام علیه السلام باشند و حاضر به پرداخت جزیه شوند. امام علیه السلام از پیشنهادهای صلح، مشروط به

اصلاح برخی عقاید باطل<sup>۱</sup> و دست برداشتن از برخی اعمال ناشایست، استقبال می‌کند.<sup>۲</sup>

هم‌زمان با این اصلاحات، پیروان امام مهدی علیه السلام فرهنگ اسلامی و توحیدی را در همه جهان، تبلیغ می‌کنند و با جدال احسن، بسیاری را از گمراهی و نادانی بیرون می‌آورند و روز به روز، از جمعیت کفار، کاسته شده، به جمع موحدان، افزوده می‌گردد تا این که بنا بر مضمون بسیاری از احادیث، دیگر در هیچ جای زمین، جز بانگ اذان و شهادت به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله به گوش نرسد.

اگر هم در گوشه و کنار زمین تا آن زمان کسانی بر طریقت‌های دیگر باشند، با قدرت استدلالی امام علیه السلام و یارانش حقیقت را یافته، به دین اسلام متمایل می‌شوند. این کار، اگر در نسل اول اتفاق نیفتند، بی‌تردید در نسل‌های بعد که تحت تعالیم حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام قرار می‌گیرند، تحقق خواهد یافت.

با توجه به آنچه در متون دینی آمده است، شاید بتوان گفت که میان امام زمان علیه السلام و بوداییان و هندوان و پیروان تائو و شینتو، درگیری و جنگی به وقوع نخواهد پیوست و آنان با دیدن شرایط حاکمیت اسلام و پیشرفت آن و نیز روشنگری‌هایی که صورت می‌گیرد، به تدریج با حقیقت اسلام، بیشتر آشنا می‌شوند و کم‌کم به توحید، رو می‌آورند. به هر حال، مسلم آن است که در جامعه مهدوی، اثری از شرک و مظاهر آن، یعنی پرستش بت‌ها و بتواره‌ها دیده نمی‌شود. این موضوع در خود آن ادیان نیز زمینه دارد؛ زیرا ادیان شرقی، با وجود ظواهر نامناسب و

۱. مانند تثلیث، فرزند خدا دانستن مسیح علیه السلام، عزیر یا قوم برتر دانستن بنی اسرائیل و .... این موضوع، مضمون تعدادی از احادیث این باب است که در آنها پرستش خدا و گسترش توحید در سراسر زمین، گوشزد شده است.  
 ۲. مانند شراب‌خواری، خوردن گوشت خوک، قداست دادن به صلیب و .... این موضوعات نیز مضمون تعدادی از احادیث باب است.

شرک‌آلود، هسته‌ای از توحید را با خود دارند.<sup>۱</sup> همین امر، سبب می‌شود که زمینه برچیده شدن آن ظواهر، فراهم باشد.

### ۳. چگونگی پیروزی اسلام بر سایر ادیان

در مورد آیات مربوط به پیروزی اسلام بر همه ادیان، باید پذیرفت که ادیان در نهایت، فروغی نخواهند داشت و پرتو نور اسلام، همه را بی‌فروغ می‌سازد. اینک یک بار دیگر در این آیه تأمل کنیم:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَم نَأْيَعْبُدُونَ إِنِّي لَأَبْشُرُكُمْ بِشَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾.<sup>۲</sup>

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داد که در روی زمین، جانشین دیگرانشان سازد، همچنان که مردمی را که پیش از آنها بودند، جانشین دیگران کرد و دینشان را - که خود برایشان پسندیده است - استوار سازد و وحشتشان را به ایمنی بدل کند. مرا می‌پرسند و هیچ چیزی را با من شریک نمی‌کنند و آنها که از این پس ناسپاسی کنند، نافرمان‌اند.

پیروزی اسلام با بقای ادیان دیگر به صورت تابع و زیردست، منافات ندارد. معنای حکومت صالحان و سر سپردن به آیین حق و عبادت دور از شرک، این نیست که در چنان جامعه‌ای هیچ گناه کار و منحرفی نخواهد بود؛ بلکه بدین

۱. از علامه طباطبایی نقل شده که او پانزادها، کتاب مقدس هندوها را کتابی سرشار از توحید ناب می‌دانستند. دکتر شایگان در مورد پژوهش تطبیقی علامه طباطبایی در ادیان و مذاهب جهان، چنین می‌گوید: «علامه طباطبایی، سوای احاطه وسیع بر تمامی گستره فرهنگ اسلامی... با چنان حالت کشف و شهودی به تفسیر متون [ادیان دیگر] می‌پرداخت که گویی خود در نوشتن این متون، شرکت داشته است. هرگز در آنها تضادی با روح عرفان اسلامی نمی‌دید. با فلسفه هند، همان قدر اُخت و آمیخته بود که با جهان‌بینی چینی و مسیحی» (زیر آسمان‌های جهان: ص ۴۱ و ۴۲).

۲. نور: آیه ۵۵.

معناست که زمام حکومت، در دست مؤمنان صالح است و چهره عمومی جامعه، خالی از شرک است. انتهای این آیه شریف که فرموده: «هر کس کفر و ناسپاسی بورزد، از فاسقان و نافرمانان خواهد بود»، به این معناست که ممکن است کسانی نیز در همان زمان یافت شوند که وصف کفر و فسق، سزاوارشان باشد و چنین نیست که فقط صالحان بر روی زمین زندگی کنند.

#### ۴. تشابه سیره امام مهدی با سیره پیامبر

روش و سیره امام زمان عجل الله فرجه مشابه سیره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است. ایشان در دعوت به اسلام، از حکمت و اندرزهای نیک، استفاده می‌کرد، چنان که قرآن کریم، این شیوه را به ایشان تعلیم داده بود:

﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾<sup>۱</sup>

مردم را با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت بخوان و با بهترین شیوه با آنان، مجادله کن؛ زیرا پروردگار تو به کسانی که از راه او منحرف شده‌اند، آگاه‌تر است و هدایت‌یافتگان را بهتر می‌شناسد.

اما در جایی که شیوه حکمت و اندرز و استدلال، پاسخگو نیست، نوبت به روش‌های دیگر، همچون مباحثه می‌رسد. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْ تَهَلْ فَتَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾<sup>۲</sup>

از آن پس که به آگاهی رسیده‌ای، هر کس که در باره او با تو مجادله کند، بگو: بیاید تا ما فرزندان خود را و شما فرزندان خود را، ما زنان خود را و شما زنان خود را، ما برادران

۱. نحل: آیه ۱۲۵.

۲. آل عمران: آیه ۶۱.



خود را و شما برادران خود را حاضر آوریم. آن گاه دعا و تضرع کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان بفرستیم».

حال اگر این شیوه نیز پاسخگو نبود و معاندان، لجاجت کردند و هیچ طریق منطقی و نرمی را نپذیرفتند، نوبت به راه‌های سخت، مانند جنگ و الزام می‌رسد. خداوند متعال به پیامبرش دستور می‌دهد:

﴿وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ<sup>۱</sup>﴾

با آنها بجنگید تا دیگر، فتنه‌ای نباشد و دین، تنها دین خدا شود؛ ولی اگر از آیین خویش دست برداشتند، تجاوز جز بر ستم‌کاران، روا نیست».

جهاد برای رفع فتنه و ظلم است. این حکم هم در زمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مصداق داشت و هم در آینده، مصداق خواهد داشت. در حدیث ابو نصر به نقل از امام صادق علیه السلام سنت‌هایی که امام زمان علیه السلام از پیامبران دارد، ذکر شده است. از جمله این سنت‌ها، چیزی است که از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به ایشان رسیده و آن، شمشیر است.<sup>۲</sup> این، کنایه از جهاد و مبارزه مسلحانه با ظالمان و محاربان است. همین مضمون به طرق دیگر، هم از امام صادق علیه السلام و هم از پدر بزرگوارش نقل شده است. در حدیث دیگری از امام باقر علیه السلام شباهت امام علیه السلام با پنج پیامبر بزرگ، بیان شده و در آن، شباهت ایشان با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله قیام مسلحانه ایشان و کشتن دشمنان خدا و رسول، ذکر شده است.<sup>۳</sup> بنا بر این، در اصل شباهت امام علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله در قیام مسلحانه، تردیدی نیست و احادیث در این زمینه، متعدد است.

اما این، بدان معنا نیست که هر مخالفی، اعم از محارب و غیر محارب، باید

۱. بقره: آیه ۱۹۳.

۲. متن این قسمت از حدیث، چنین است: «وَسُنَّةُ مِنْ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله فِي السَّيْفِ يَظْهَرُ بِهِ» (إنبات الوصية: ص ۲۶۷).

۳. «وَأَمَّا شَبَهُهُ مِنْ جَدِّهِ الْمُصْطَفَى صلی الله علیه و آله فَخَرُوجُهُ بِالسَّيْفِ وَ قَتْلُهُ أَعْدَاءَ اللَّهِ وَ أَعْدَاءَ رَسُولِهِ صلی الله علیه و آله وَ الْجَبَّارِينَ وَ الطَّوَاعِغِ وَ أَنَّهُ يُنْصَرُّ بِالسَّيْفِ وَ الرَّعْبِ» (ر.ک: ص ۴۶ ح ۱۶۶۴).

نابود شود. مخالفان، چند دسته‌اند: گروهی از آنان از سر لجاجت، با حق در می‌آویزند و گروهی از سر ناآگاهی با آن مخالف‌اند. حکم این دو گروه، بنا بر عقل و شرع، یکسان نیست. کار اصلی امام و حجت خدا، هدایت مردم است و بقیه کارها باید در پرتو هدایت، معنا پیدا کنند.

پیامبر ﷺ ضمن پیمودن مراحل یاد شده، همواره از پیشنهادهای صلح، حتی با کفار و مشرکان،<sup>۱</sup> استقبال می‌کرد و آن را فرصتی برای گسترش اسلام و رساندن پیام توحید به گوش همگان می‌دانست. با همین روش بود که به تدریج، شرک و کفر از شبه جزیره عربستان، محو شد و پیروان ادیان دیگر نیز تسلیم شدند و جزیه پرداختند.

با این بیان، می‌توان ادله دو گروه اول را جمع کرد. بازخوانی آن ادله در پرتو این فرضیه، راه جمع ادله را، آن گونه که گذشت، آسان می‌کند. ادله عام قرآنی طرفداران کثرت ادیان در جامعه مهدوی - که شامل عدم اکراه در دین، استقبال از پیشنهاد صلح، دستور به جدال احسن و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز است -، تماماً با فرضیه یاد شده، سازگار است. همه این موارد می‌توانند سیره امام زمان علیه السلام نیز به شمار آیند و در عمل، نیازی به الزام و اکراه در دین نباشد و مردم به واسطه رشدی که یافته‌اند و با مشاهده سیره کریمانه امام زمان علیه السلام، کم‌کم و گروه‌گروه، به دین اسلام متمایل می‌شوند و گم‌شده خویش را در آن می‌بینند. دعوت حکیمانه و جدال احسن نیز بر این روی آورد می‌افزاید. به دلیل این که عقول مردم در دوران امام زمان علیه السلام تکمیل می‌شود،<sup>۲</sup> همه یهودیان و مسیحیان با شنیدن استدلال‌های قوی اسلامی، ایمان می‌آورند. در این صورت، دیگر مسیحیت و یهودیت و دیگر ادیان الهی نیز باقی

۱. ماجرای صلح حدیبیه در این زمینه درس آموز است. در این صلح، بیمانی ده‌ساله بسته شد که مسلمانان از شر مشرکان در امان باشند و سال بعد به مکه بیایند. نتیجه این شد که مشرکان نتوانستند بر پیمان خود، باقی بمانند و دو سال بعد، مکه فتح شد (ر.ک: الطبقات الکبری: ج ۳ ص ۳۲۲).

۲. اشاره به حدیثی در این زمینه که امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند، دستش را بر سر بندگان می‌گذارد و عقول آنها را جمع می‌کند و خیال‌هاشان را کامل می‌گرداند» (الکافی: ج ۱ ص ۲۵).

نمی‌مانند.

در عین حال، ممکن است در اوایل کار، گروه‌هایی از اهل کتاب، جزیه دهند و بر آیین خود بمانند. همچنین ممکن است امام زمان علیه السلام در ابتدای کار برای اتمام حجت و شناساندن قابلیت‌ها و ظرفیت‌های امامت، بر اساس کتاب هر ملّتی با آنها احتجاج کنند و یا حتی میان آنها داوری کنند. این، موجب می‌شود که افراد منصف از پیروان ادیان دیگر، به ایشان و صلاحیت‌های امامت ایشان، ایمان آورند؛ امّا آنهایی که باقی می‌مانند، دو گروه خواهند بود: یا از آگاهان معاند هستند که باید با آنها جنگید و نابودشان ساخت، یا از ناآگاهانند که نیازمند گذر زمان یا حتی تبدیل نسل‌هاست. با گذشت یک یا دو نسل و با افزایش آگاهی‌های مردم و تربیت صحیح، این گروه نیز به تدریج از میان می‌روند و به جمع مؤمنان می‌پیوندند. در این جاست که دیگر جایی برای جزیه نمی‌ماند و آیات و احادیث مربوط به وحدت دین، مصداق پیدا می‌کند.

##### ۵. سختگیری بر معاندان

ممکن است بگویند که آیات قرآن که ناظر به برخوردهای مسالمت‌آمیز و صلح و دوستی با اهل کتاب‌اند، مربوط به قبل از ظهور امام مهدی علیه السلام و زمان تقیه است. در آن دوران، تقیه برداشته می‌شود<sup>۱</sup> و نیازی به چنین مصالحه‌ای با اهل کتاب نیست. همچنین احادیث فراوانی وجود دارند که بر سختگیری امام زمان علیه السلام دلالت دارند؛ مانند حدیثی که ابو بصیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده و در آن آمده است: «چه قدر نسبت به خروج قائم، تعجیل می‌کنید. پس به خدا سوگند که جز لباس زیر نمی‌پوشد و جز طعام خشک و سخت نمی‌خورد و جز شمشیر و مرگ زیر سایه

۱. اشاره به احادیثی دارد که می‌گویند با ظهور امام مهدی علیه السلام، دیگر نیازی به تقیه نیست. برای نمونه، این حدیث امام رضا علیه السلام است که می‌فرماید تا روز خروج قائم آل محمد علیهم السلام تقیه ادامه دارد و پیش از آن همه باید تقیه کنند (کتابة الأثر: ص ۲۷۴).

شمشیر، چیزی در کار نیست»<sup>۱</sup>.

لیکن این سخن، درست نیست؛ زیرا در زمان پیامبر ﷺ نیز نیازی به تقیه از اهل کتاب نبود و آن قدر قدرت داشتند که با آنها مصالحه نکنند؛ اما چنین نکردند. این نشان می‌دهد که بنای اولیه اسلام بر هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و مصالحه است و اگر چیزی بر خلاف آن باشد، نیازمند دلیل است. این موضع با حدیث ابو بصیر از امام صادق علیه السلام در مورد مشابهت سیره امام مهدی علیه السلام با سیره پیامبر ﷺ که با اهل کتاب با مسالمت، رفتار می‌کند،<sup>۲</sup> تقویت می‌شود. اگر هم چیزی در مورد تفاوت سیره گفته شده، مربوط به تفاوت شرایط است. مثلاً در روایت ابی خدیجه از امام صادق علیه السلام به نقل از امام علی علیه السلام چنین می‌خوانیم:

برای من جایز بود که فراریان دشمن را بکُشم و کار مجروحان را تمام کنم (کنایه از کشتن آنها)؛ اما این کار را به جهت سرنوشت یارانم ترک کردم تا اگر مجروح شدند، کشته نشوند. قائم می‌تواند فراریان را بکُشد و کار مجروحان را تمام کند.<sup>۳</sup>

یاران امام زمان علیه السلام، برخلاف یاران امام علی علیه السلام، زیر دست دشمن نخواهند افتاد و شرایط این دو امام بزرگوار، متفاوت است. طبیعتاً چنین برخورد قاطعی در برابر کسانی خواهد بود که زمینه اصلاح آنها وجود نداشته باشد و امکان پیوستن آنها به اردوگاه دشمن و تقویت بنیه نظامی اش برود. اما در صورتی که چنین نباشد، سیره امام علیه السلام هدایتگری و رأفت به بندگان است.

اما آنچه در مورد سختگیری‌های امام زمان علیه السلام گفته شده، ظاهراً مربوط به دسته‌هایی خاص از مردم لجوج و عنود، مانند برخی از مردم عرب است. این موضوع در تعدادی از احادیث، مورد توجه قرار گرفته است.<sup>۴</sup> در برخی از این

۱. الغیبه، نعمانی: ص ۲۳۶، الغیبه، طوسی: ص ۴۵۹، الخرائج والجرایح: ج ۳ ص ۱۱۵۵ ح ۶۱، عقد الدرر: ۲۲۸.

۲. ابو بصیر از امام صادق علیه السلام: «... يُسَالِمُهُمْ كَمَا سَالَمَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ» (المزار الکبیر: ص ۱۳۵).

۳. الغیبه، نعمانی: ص ۲۳۲.

۴. مانند: روایت زراره از امام صادق علیه السلام: «مَا بَقِيَ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْعَرَبِ إِلَّا الدَّيْحُ وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى حَلْقِهِ: مِثْلَ مَا»

احادیث، تصریح شده که میان اهل بیت علیهم السلام و قریش، چیزی جز شمشیر باقی نمانده است.<sup>۱</sup>

### ۶. بررسی ادله بقای ادیان تا قیامت

اما ادله خاص قرآنی طرفداران کثرت ادیان، دارای الفاظی صریح در بقای ظاهری ادیان دیگر است؛ چه آن آیات که بقای دشمنی میان یهودیان یا مسیحیان را بیان می‌کنند، چه آیاتی که ناظر به عذاب یهودیان است و چه آیات ناظر به برتری پیروان عیسی علیه السلام بر کافران و در تمام اینها قید «إلی یوم القیامة» آمده است؛ یعنی موارد یاد شده تا قیامت، جریان خواهد داشت.

ظاهر این آیات، حاکی از کثرت ادیان تا روز قیامت است. لیکن نمی‌توان گفت به دلیل استمرار برتری در این آیه تا روز قیامت (إلی یوم القیامة) باید همواره منکرانی باشند تا برتری پیروان، معنا پیدا کند؛ زیرا اثبات حکمی برای چیزی، مثبت وجود موضوع و مصداق آن در عالم واقع نیست. احکام بیان شده در متون دینی برای موضوعات، به صورت مشروط هستند؛ یعنی مشروط به وجود مصداق، آن حکم جریان پیدا می‌کند. مثلاً هنگامی که می‌گوییم «إِنِّی سَلِّمٌ لِّمَن سَأَلَکُمْ وَحَرْبٌ لِّمَن حَارَبَکُمْ إلی یومِ القیامة»،<sup>۲</sup> مقصودمان این نیست که بالفعل کسانی باشند که من تا قیامت در حال دوستی یا دشمنی با آنها باشم؛ بلکه مقصود این است که خود دوستی و دشمنی ادامه دارد، نه این که طرف‌های دوستی و دشمنی وجود داشته باشد. مثلاً در عین حال که اینک یزید و شمر و ابن زیاد در دنیا نیستند، من آنها را دشمن می‌دارم و از آنها بیزاری می‌جویم. در این جا نیز گفته می‌شود که میان آنها تا قیامت دشمنی است. این به معنای وجود بالفعل طرفین نیست؛ یعنی اگر یافت

«و عرب، جز ذبح، چیزی باقی نمانده است (و با دست به حلقش اشاره کردند)» (الغیبة، نعمانی: ص ۲۳۶).

۱. مانند روایت ابو بصیر از امام صادق علیه السلام: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَمْ یَکُنْ بَیْنَهُ وَبَیْنَ الْعَرَبِ وَ الْقَرِیشِ إِلَّا السَّیْفُ وَ مَا یَأْخُذُ مِنْهَا إِلَّا السَّیْفُ، وَ لَا یُعْطِیْهَا إِلَّا السَّیْفُ، وَ مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِخُرُوجِ الْقَائِمِ» (الغیبة، نعمانی: ص ۲۳۴).

۲. زیارت عاشورای امام حسین علیه السلام (کامل الزیارات: ص ۱۷۶).

شدند، دشمنی دارند.

همچنین باید در نظر داشت که این تعبیر، یک شیوه بیان تأکیدآمیز عرفی است که در بسیاری جاها کاربرد دارد و به معنای اصرار و استمرار در کاری است، نه به معنای تداوم زمانی آن تا قیامت.

وقتی که می‌گوییم «ابدأ چنین کاری نمی‌کنم»، مقصودمان این نیست که تا ابد هستیم و چنین نمی‌کنیم؛ بلکه می‌خواهیم تأکید و جدیت خود را در انجام ندادن آن کار، نشان دهیم. به عبارت دیگر، می‌خواهیم بگوییم تا وقتی که هستیم، این کار را انجام نمی‌دهیم.

بنا بر این، ضرورتی ندارد که تا روز قیامت، کسانی از اهل کتاب باشند که میانشان دشمنی برقرار باشد یا گروهی بر گروهی دیگر برتری داشته باشند.

#### ۷. جزیه در حکومت مهدوی

طرفداران نظریه وحدت دین در جامعه مهدوی، حدیثی را آورده‌اند که در آن، عبارت «یضع الجزیه» آمده است. به نظر آنها معنای این عبارت، برداشته شدن حکم جزیه است؛ اما همان طور که آمده، این متن را به گونه‌ای دیگر نیز ترجمه کرده‌اند و آن را به معنای مقرر داشتن جزیه و اخذ آن گرفته‌اند. به نظر می‌رسد با توجه به استعمالات ماده «وضع»، این معنا درست‌تر باشد؛ زیرا به گفته اهل لغت، وضع در برابر رفع است.<sup>۱</sup> هرگاه بخواهند آن را به معنای برداشتن بگیرند با «عن» متعدی می‌شود. مثلاً هنگامی که می‌خواهند بگویند بدهی یا مجازات یا جزیه از کسی برداشته شده، با تعبیر «وضع عن شخص ...» از آن یاد می‌کنند.<sup>۲</sup>

۱. لسان العرب: ج ۸ ص ۳۹۶.

۲. التحقيق فی کلمات القرآن الکریم: ج ۱۳ ص ۱۳۰. در قرآن کریم هم این گونه استعمال شده است:

﴿أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ وَوَضَعْنَا عَنكَ وَزِزْكَ: آیا سینهات را برایت گشاده نمودیم؟ و بار گران را از تو برداشتیم؟﴾ (انشراح: آیه ۲).

﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ ... وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ: آنان که از فرستاده الهی پیروی می‌کنند که ... بار گرانشان و غل و زنجیرهایشان را از آنها فرو می‌نهد﴾ (اعراف: آیه ۱۵۷).

گو این که ابن اثیر در النهایة، معنای اول را نیز ذیل حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله با همین مضمون می آورد. متن حدیث چنین است:

يُنزَلُ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ عليه السلام فَيَضَعُ الْجِزِيَةَ .

تفسیر او این است که همه مسلمان می شوند و دیگر کسی از اهل کتاب باقی نمی ماند که نیاز به گرفتن جزیه باشد.<sup>۱</sup> اما به نظر می رسد این معنا قابل دفاع نیست؛ زیرا با استعمالات ماده «وضع» در لغت عرب، سازگار نیست.

جهان در حال حاضر به گونه ای است که کسی جزیه نمی گیرد و کسی جزیه نمی پردازد. جزیه، حکمی تعطیل شده است. اگر امام زمان عج در شرایطی مشابه آنچه در آن هستیم، ظهور کنند، اتفاق جدیدی که می افتد، برداشته شدن حکم جزیه نیست؛ بلکه مقرر کردن و جاری ساختن حکم آن است. بنا بر این، حدیث را باید به گونه ای معنا کرد که با این وضع، سازگار باشد، مگر این که شرایط جهان به گونه ای تغییر کند که مانند گذشته بتوان جزیه گرفت. باورداشت چنین تغییری بدون حضور امام زمان عج بسی دشوار، بلکه نزدیک به محال است؛ زیرا مسیر حرکت جهان به سوی برداشته شدن هر چه بیشتر این گونه احکام و آزادی عمل و تساوی بیشتر افراد در انتخاب دین و آیین خود است. پس تغییری که با آمدن امام زمان عج اتفاق می افتد، مقرر داشتن و جاری ساختن حکم جزیه است، نه توقف اجرای آن؛ زیرا قبل از آمدن ایشان، جریان ندارد که با آمدن ایشان، متوقف شود.

### نتیجه

با مطالعه مجموع ادله این باب، می توان نتیجه گرفت که هیچ یک از فرضیه های وحدت دین یا کثرت ادیان در جامعه مهدوی نمی تواند با همه ادله، منطبق باشد. هر دو فرضیه بخشی از ادله را نادیده می گذارند؛ اما دو فرضیه بعدی سعی دارند تا میان ادله جمع کنند.

فرضیه وحدت دین و کثرت شرایع، می تواند تا حدی معقول باشد؛ اما برای پذیرش آن، نیاز به ادله و شواهدی بیشتر است. باید به این پرسش پاسخ داده شود که بقای شرایع دیگر با وجود شریعت برتر، چه فایده‌ای دارد؟ هنگامی که شریعت سهله و سَمَحَه اسلامی در اختیار همگان قرار می‌گیرد و از آن آگاهی می‌یابند، چه دلیلی دارد که برخی بخواهند بر شرایع گذشته خود، پافشاری کنند؟ این پافشاری، نتیجه‌ای جز محروم ماندن از فواید شریعت برتر ندارد.

البته تفاوت‌های فرهنگی و قومی، می تواند یکی از عوامل دل‌بستگی مردم به شرایع گذشته باشد، چنان که طرز پوشش و گویش افراد و اقوام مختلف، متفاوت است. ممکن است در شیوه‌های شرعی نیز پاره‌ای تفاوت‌ها مجاز باشد؛ اما با نگاهی به شریعت اسلام و اعمال آن و دعوت مردم به یکسانی و همراهی در مسائل شرعی، مانند نمازهای جماعت، مراسم حج و عمره و سایر اعمال جمعی در اسلام، در می‌یابیم که سیاست اسلام، حرکت به سمت وحدت و یک‌پارچگی است. بنا بر این، فرضیه وحدت دین و کثرت شرایع، ضمن این که می تواند میان ادله قرآنی و روایی جمع کند، اما موانعی بر سر راه دارد که موجب می‌شود نتوان آن را جدی تلقی کرد.

به نظر می‌رسد که فرضیه «محو تدریجی ادیان در جامعه مهدوی»، بتواند در قالب نظریه‌ای کارآمد و جامع، مورد دفاع قرار گیرد؛ زیرا هم توانسته میان ادله قرآنی و روایی، جمع کند و هم نظریه‌ای معقول و قابل پذیرش است. مانعی نیز در برابر آن وجود ندارد.



## الفصل الرابع

# السِّيَاسَاتُ الْإِجْمَاعِيَّةُ

١ / ٤

## تَوْطِيدُ الْعَلَاqَاتِ الْإِجْمَاعِيَّةِ عَلَى سِيَاسِ الْأَخِيَاءِ الذِّيِّ

١٨٢٨ . دلائل الإمامة : حَدَّثَنِي أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ هَارُونَ ، قَالَ : حَدَّثَنَا أَبِي هَارُونَ بْنُ مَوْسَى بْنِ أَحْمَدَ ، قَالَ : حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ النَّهَائِنْدِيِّ ، قَالَ : حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبِيدِ اللَّهِ الْقُمِّيُّ الْقَطَّانُ الْمَعْرُوفُ بِابْنِ الْخَزَّازِ ، قَالَ : حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زِيَادٍ ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْخُرَاسَانِيِّ ، قَالَ : حَدَّثَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحَسَنِ الرَّهْرِيِّ ، قَالَ : حَدَّثَنَا أَبُو حَسَّانَ سَعِيدُ بْنُ جَنَاحٍ ، عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام :

إِنَّ أَصْحَابَ الْقَائِمِ عليه السلام يَلْقَى بَعْضُهُمْ بَعْضًا كَأَنَّهُمْ بَنُو أَبِي وَأُمِّ ، وَإِنْ افْتَرَقُوا عِشَاءَ التَّفَاقُودِ .

١٨٢٩ . الخصال : حَدَّثَنَا أَبِي ، قَالَ : حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ ، قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنِ عَبِيدِ الْيَقْطِينِيِّ ، عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى ، عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَمُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ :

## فصل چهارم

# سیاست های اجتماعی

۱ / ۴

### استوار ساختن پونیه های اجتماعی بر پایه برادری نبی

۱۸۲۸. دلائل الإمامة - با سندش به نقل از ابو بصیر :- امام صادق علیه السلام فرمود: «یاران قائم، همدیگر را همچون برادران تنی دیدار می کنند و اگر شب از هم جدا شوند، صبح به دیدار یکدیگر می روند»<sup>۱</sup>.

۱۸۲۹. الخصال - با سندش به نقل از ابو بصیر و محمد بن مسلم :- امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم از جدش از پدرانش برایم نقل کرد که امیر مؤمنان علیه السلام در یک مجلس، چهارصد نکته به یارانش آموخت که به صلاح دین و دنیای مسلمان است. فرمود: «... و اگر قائم ما قیام کند، آسمان، بارانش را فرو می فرستد و زمین، گیاهش را بیرون می آورد و دشمنی، از دل های بندگان می رود»<sup>۲</sup>.

۱. دلائل الإمامة: ص ۵۵۴ ح ۵۲۶.

۲. الخصال: ص ۶۱۰ و ۶۲۶ ح ۱۰ (با دو سند معتبر)، تحف العقول: ص ۱۱۵، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۱۶

حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ جَدِّي، عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام عَلَّمَ أَصْحَابَهُ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَرْبَعِينَ بَابٍ مِمَّا يَصْلَحُ لِمُسْلِمٍ فِي دِينِهِ وَدُنْيَاهُ. قَالَ عليه السلام: ... وَلَوْ قَدَّ قَامَ قَائِمُنَا لَأَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطْرَهَا، وَلَا خَرَجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا، وَلَدَهَبَتِ الشَّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ.

١٨٣٠. الاختصاص : عنه<sup>١</sup>، عَنْ رَبِيعِيٍّ، عَنْ بَرِيدِ الْعَجَلِيِّ، قَالَ: قِيلَ لِأَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ عليه السلام: إِنَّ أَصْحَابَنَا بِالْكَوْفَةِ جَمَاعَةٌ كَثِيرَةٌ، فَلَوْ أَمَرْتَهُمْ لِأَطَاعوكَ وَأَتَّبَعوكَ.

فَقَالَ: يَجِيءُ أَحَدُهُمْ إِلَى كَيْسٍ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ مِنْهُ حَاجَتَهُ؟ فَقَالَ: لَا، قَالَ: فَهُمُ يَدِمَائِهِمْ أَبْخُلُ.

ثُمَّ قَالَ: إِنَّ النَّاسَ فِي هُدْنَةٍ، تُنَاكِحُهُمْ وَتُوَارِيهِمْ، وَيُقِيمُ عَلَيْهِمُ الْحُدُودَ، وَتُوَدِّي أَمَانَاتِهِمْ<sup>٢</sup>، حَتَّى إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَتِ الْمُرَامِلَةُ<sup>٣</sup>، وَيَأْتِي الرَّجُلُ إِلَى كَيْسٍ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ لَا يَمْنَعُهُ.

١٨٣١. مصادقة الإخوان : عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ، قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَذَكَرَ مُوَاسَاةَ الرَّجُلِ لِإِخْوَانِهِ وَمَا يَجِبُ لَهُمْ عَلَيْهِ، فَدَخَلَنِي مِنْ ذَلِكَ أَمْرٌ عَظِيمٌ عَرَفَ ذَلِكَ فِي وَجْهِهِ، فَقَالَ: إِنَّمَا ذَلِكَ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ، وَجَبَ عَلَيْهِمْ أَنْ يُجَهِّزُوا إِخْوَانَهُمْ وَأَنْ يُفَوَّوهُمْ.

١. أي أبان بن تغلب.

٢. في بحار الأنوار: «تُنَاكِحُهُمْ وَتُوَارِيهِمْ وَتُقِيمُ عَلَيْهِمُ الْحُدُودَ وَتُوَدِّي...».

٣. في المصدر: «الْمُرَامِلَةُ» والصحيح ما أثبتناه كما في بحار الأنوار.

۱۸۳۰. الاختصاص - با سندش به نقل از برید عجلی - : به امام باقر علیه السلام گفته شد: یاران ما در کوفه، گروهی فراوان اند و اگر به آنها فرمان دهی، از تو اطاعت و پیروی می‌کنند. امام علیه السلام فرمود: «یکی از آنها سراغ کیسه برادرش می‌آید تا حاجتش را از آن بردارد؟».

گفت: نه.

امام علیه السلام فرمود: «پس آنها به خونشان بخیل ترند».

سپس فرمود: «مردم با هم در سازش اند با آنها از دواج می‌کنید و از یکدیگر ارث می‌برید و حدود الهی بر آنها جاری می‌شود و امانت‌هایشان داده می‌شود، تا آن که قائم قیام کند و همراهی [و رفاقت] بیاید و مرد، سراغ کیسه برادرش می‌آید تا نیازش را بگیرد و او مانعش نمی‌شود».<sup>۱</sup>

۱۸۳۱. مصادقة الإخوان - به نقل از اسحاق بن عمار - : نزد امام صادق علیه السلام بودم که سهیم کردن برادران در مال و حقوق واجب آنان را ذکر نمود. من چنان از [فراوانی و سختی] آن حقوق، اندیشناک شدم که امام علیه السلام آن را در چهره‌ام دید و فرمود: «آن، تنها هنگام قیام قائم است که بر آنان واجب است که برادرانشان را تجهیز و آنان را تقویت کنند».<sup>۲</sup>

۱. الاختصاص: ص ۲۴، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۷۲ ح ۱۶۴.

۲. مصادقة الإخوان: ص ۱۳۸ ح ۳.

۲ / ۴

## نَسَمُ الْأَمْنِ

الكتاب

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» .<sup>۱</sup>

الحديث

۱۸۳۲. الغيبة للنعماني: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ بْنِ عُقَدَةَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَوْسُفَ بْنِ يَعْقُوبَ الْجُعْفِيِّ أَبُو الْحَسَنِ مِنْ كِتَابِهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مِهْرَانَ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ، عَنْ أَبِيهِ وَوَهَيْبٍ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - فِي مَعْنَى قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»، قَالَ -: نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ وَأَصْحَابِهِ.

۱۸۳۳. بحار الأنوار: عَنْ صَفْوَانَ أَنَّهُ لَمَّا طَلَبَ الْمَنْصُورُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام ، تَوَضَّأَ وَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ، ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ ، وَقَالَ : اللَّهُمَّ إِنَّكَ وَعَدْتَنَا عَلَى لِسَانِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَعَدَكَ الْحَقُّ ، أَنْكَ تُبَدِّلُنَا مِنْ بَعْدِ خَوْفِنَا أَمْنًا ، اللَّهُمَّ فَانْجِزْ لَنَا مَا وَعَدْتَنَا إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ .

قَالَ : قُلْتُ لَهُ : يَا سَيِّدِي فَأَيْنَ وَعَدَ اللَّهُ لَكُمْ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ : وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ...» .

۲ / ۴

## کترش امنیت

### قرآن

«خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید، و دینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت مبدل خواهد کرد. [آن چنان که] تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت و هر کس پس از آن به کفر گراید، آنان اند که نافرمان اند.»

### حدیث

۱۸۳۲. الغیبة، نعمانی - با سندش به نقل از ابو بصیر، در باره معنای سخن خدای ﷻ: «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید، و دینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت مبدل خواهد کرد، [آن چنان که] تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت» - امام صادق علیه السلام فرمود: «در باره قائم و اصحابش نازل شده است»<sup>۱</sup>.

۱۸۳۳. بحار الأنوار - به نقل از صفوان - چون منصور در پی امام صادق علیه السلام فرستاد، ایشان وضو گرفت و دو رکعت نماز گزارد. سپس سجده شکر به جا آورد و فرمود: «بار خدایا! تو از زبان پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله به ما وعده داده‌ای، و وعده تو راست است که بیم ما را به ایمنی مبدل می‌سازی. پس - خداوندا - آنچه را به ما وعده داده‌ای، تحقق بخش، که تو خُلفِ وعده نمی‌کنی».

من گفتم: سرورم! کدام وعده خدا به شما؟

فرمود: «این سخن خدای ﷻ که: «خدا به کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته

١٨٣٤. صحيح البخاري: حَدَّثَنَا مُسَدَّدٌ، حَدَّثَنَا يَحْيَى، عَنْ إِسْمَاعِيلَ، حَدَّثَنَا قَيْسٌ، عَنْ حَبَابِ بْنِ الْأَرَبِ، قَالَ: شَكُونَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَهُوَ مُتَوَسِّدٌ بُرْدَةً لَهُ فِي ظِلِّ الْكَعْبَةِ، فَقُلْنَا: أَلَا تَسْتَنْصِرُنَا، أَلَا تَدْعُو لَنَا؟

فَقَالَ: قَدْ كَانَ مِنْ قَبْلِكُمْ يُؤْخَذُ الرَّجُلُ فَيُحْفَرُ لَهُ فِي الْأَرْضِ فَيُجْعَلُ فِيهَا، فَيُجَاءُ بِالْمِنْشَارِ فَيُوضَعُ عَلَى رَأْسِهِ فَيُجْعَلُ نِصْفَيْنِ، وَيُمَشَّطُ بِأَمْشَاطِ الْحَدِيدِ مَا دُونَ لَحْمِهِ وَعَظْمِهِ، فَمَا يَصُدُّهُ ذَلِكَ عَنْ دِينِهِ، وَاللَّهِ، لَيَبْتَمَنَنَّ هَذَا الْأَمْرُ، حَتَّى يَسِيرَ الرَّكِبُ مِنْ صَنْعَاءَ إِلَى حَضْرَمَوْتَ لَا يَخَافُ إِلَّا اللَّهَ، وَالذُّنْبُ عَلَى غَنَمِهِ، وَلَكِنَّكُمْ تَسْتَعْجِلُونَ.

١٨٣٥. الغيبة للطوسي: أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْفَضْلِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُثْمَانَ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ رِزْقٍ، عَنْ يَحْيَى بْنِ الْعَلَاءِ الرَّازِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: يُنْتَجِحُ اللَّهُ تَعَالَى فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ رَجُلًا مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ، يَسُوقُ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ بَرَكَاتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، فَيُنزِلُ السَّمَاءَ قَطْرَهَا، وَيُخْرِجُ الْأَرْضَ بَدْرَهَا، وَتَأْمَنُ وَحُوشُهَا وَسِبَاعُهَا، وَيُمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتِ ظُلْمًا وَجَوْرًا.

١٨٣٦. الخصال: حَدَّثَنَا أَبِي، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ الْيَقْطِينِيِّ، عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَمُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ جَدِّي، عَنْ آبَائِهِ ﷺ أَنْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ عَلَّمَ أَصْحَابَهُ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَرْبَعِمِئَةَ بَابٍ مِمَّا يَصْلُحُ لِلْمُسْلِمِ فِي دِينِهِ وَدُنْيَاهُ، قَالَ ﷺ: ... وَلَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا لَأَنْزَلَتْ السَّمَاءُ قَطْرَهَا، وَأَخْرَجَتْ الْأَرْضَ نَبَاتَهَا، وَلَذَهَبَتْ الشَّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ، وَاصْطَلَحَتْ السَّبَاعُ وَالْبَهَائِمُ، حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ

کرده‌اند ، وعده داده است که حتماً آنان را در این زمین ، جانشین خواهد کرد ...»<sup>۱</sup> .

۱۸۳۴ . صحیح البخاری - با سندش به نقل از خُتَاب بن اَرت - : پیامبر خدا ﷺ بردش را زیرانداز خود کرده و در سایهٔ کعبه نشست بود که به ایشان شکایت کردیم و گفتیم : آیا برای ما کمک نمی‌طلبی ؟ آیا برای ما دعانمی‌کنی ؟

فرمود : «پیش از شما ، مرد را می‌گرفتند و چاله‌ای برایش در زمین می‌کنند و او را در آن قرار می‌دادند و ازّه می‌آوردند و بر سرش قرار می‌دادند و او را دو نیم می‌کردند و با شانه‌های آهنین ، پوستش را می‌تراشیدند و اینها هیچ یک ، او را از دینش باز نمی‌داشت . به خدا سوگند ، این امر (ولایت و حکومت ما) به سرانجام خواهد رسید تا آن جاکه سواره از صنعاء تا حضرموت می‌رود و جز از خدا نمی‌هراسد و گرگ ، چوپان گله‌اش است ؛ اما شما عجله می‌کنید»<sup>۲</sup> .

۱۸۳۵ . الغیبة ، طوسی - با سندش به نقل از یحیی بن علاء رازی - : شنیدم که امام صادق ﷺ می‌فرماید : «خداوند متعال ، در این اُمت ، مردی را پدید می‌آورد که از من است و من از اویم . خداوند متعال ، برکات آسمان‌ها و زمین را به دست او روان می‌کند و آسمان ، بارانش را فرو می‌فرستد و زمین ، بذرش را بیرون می‌دهد و حیوانات وحشی و درندگان ، ایمن و آسوده می‌شوند و زمین ، از عدل و داد پر می‌شود ، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است»<sup>۳</sup> .

۱۸۳۶ . الخصال - با سندش به نقل از ابو بصیر و محمد بن مسلم از امام صادق ﷺ ، از پدرش ، از جدش ، از پدرانش ﷺ - : امیر مؤمنان ﷺ در یک مجلس ، چهارصد نکته به یارانش آموخت که به صلاح دین و دنیای مسلمان است . فرمود : «... و اگر قائم ما قیام کند ، آسمان ، بارانش را فرو می‌فرستد و زمین ، گیاهش را بیرون می‌آورد و دشمنی ، از دل‌های بندگان می‌رود و درندگان و چارپایان با هم در صلح و صفایند ، تا آن جاکه زن از عراق تا شام می‌رود و پایش را جز روی

۱ . بحار الأنوار : ج ۵۱ ص ۶۴ ح ۶۵ .

۲ . صحیح البخاری : ج ۶ ص ۲۵۴۶ ح ۶۵۴۴ ، سنن ابی داوود : ج ۳ ص ۴۷ ح ۲۶۴۹ ، مسند ابن حنبل : ج ۷ ص ۴۵۰ ح ۲۱۱۱۴ ، صحیح ابن حبان : ج ۱۵ ص ۹۱ ح ۶۶۹۸ ، کنز العمال : ج ۱ ص ۲۶۳ ح ۱۳۲۰ : إعلام الوری : ج ۱ ص ۱۲۱ ، تاریخ یعقوبی : ج ۲ ص ۲۸ (این دو منبع با عبارت مشابه) ، بحار الأنوار : ج ۱۸ ص ۲۱۰ ح ۲۸ .

۳ . الغیبة ، طوسی : ص ۱۸۸ ح ۱۴۹ ، بحار الأنوار : ج ۵۱ ص ۱۴۶ ح ۱۶ .



لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ، وَعَلَى رَأْسِهَا زَيْنُهَا،<sup>١</sup> لَا يَهِيحُهَا سُبُعٌ وَلَا تَخَافُهُ.

١٨٣٧. الاختصاص : عنه<sup>٢</sup>، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هِلَالٍ، عَنْ أُمِّيَّةَ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ رَجُلٍ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَيُّمَا أَفْضَلُ نَحْنُ أَوْ أَصْحَابُ الْقَائِمِ عليه السلام؟

قَالَ: فَقَالَ لِي: أَنْتُمْ أَفْضَلُ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ، وَذَلِكَ أَنَّكُمْ تُمَسُونَ وَتُصَبِّحُونَ خَائِفِينَ عَلَى إِمَامِكُمْ وَعَلَى أَنْفُسِكُمْ مِنْ أَيْمَةِ الْجَوْرِ، إِنْ صَلَّيْتُمْ فَصَلَاتُكُمْ فِي تَقِيَّةٍ، وَإِنْ صُمْتُمْ فَصِيَامُكُمْ فِي تَقِيَّةٍ، وَإِنْ حَجَجْتُمْ فَحَجُّكُمْ فِي تَقِيَّةٍ، إِنْ شَهِدْتُمْ لَمْ تُقْبَلْ شَهَادَتُكُمْ - وَعَدَّ أَشْيَاءَ مِنْ نَحْوِ هَذَا مِثْلَ هَذِهِ -.

فَقُلْتُ: فَمَا تَتَمَنَّى الْقَائِمِ عليه السلام إِذَا كَانَ عَلَى هَذَا؟

قَالَ: فَقَالَ لِي: سُبْحَانَ اللَّهِ! أَمَا تُحِبُّ أَنْ يَظْهَرَ الْعَدْلُ، وَيَأْمَنَ السُّبُلُ، وَيُنْصَفَ الْمَظْلُومُ؟!!

١٨٣٨. الفتن : ثنا أَبُو عَمْرٍو، عَنِ ابْنِ لَهَيْعَةَ، عَنِ عَبْدِ الْوَهَّابِ بْنِ حُسَيْنٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ ثَابِتٍ، عَنِ أَبِيهِ، عَنِ الْحَارِثِ، عَنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله قَالَ:

إِذَا نَزَلَ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ وَقَتَلَ الدَّجَالَ، تَمَتَّعُوا حَتَّى يَحْبُوا<sup>٣</sup> لَيْلَةَ طُلُوعِ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا، وَحَتَّى تَمَتَّعُوا بَعْدَ خُرُوجِ الدَّابَّةِ<sup>٤</sup> أَرْبَعِينَ سَنَةً، لَا يَمُوتُ أَحَدٌ وَلَا يَمْرُضُ، وَيَقُولُ الرَّجُلُ لِغَنَمِهِ وَدَوَابِّهِ: إِذْهَبُوا فَارْعَوْا فِي مَكَانٍ كَذَا وَكَذَا وَتَعَالَوْا

١. في تحف العقول «زنيهاها» بدل «زينتها».

٢. الظاهر أن المراد منه أحمد بن محمد بن عيسى.

٣. هكذا في المصدر، وفي الملاحم والفتن: «تحبوا».

٤. راجع: ج ٧ ص ١٣٨ ح ١١٩٥ هامش ١.

سبزه نمی‌نهد و زیتش بر سرش است و نه درنده‌ای او را می‌ترساند و نه او از آن می‌ترسد»<sup>۱</sup>.

۱۸۳۷. الاختصاص - با سندش به نقل از امیه بن علی، از مردی - : به امام صادق علیه السلام گفتم: کدام یک برترند؟ ما یا یاران قائم علیه السلام؟

به من فرمود: «شما از یاران قائم علیه السلام برترید؛ زیرا شما صبح و شب بر امامتان و خودتان از حاکمان ستمگر، بیمناکید. اگر نماز بخوانید، تقیه‌ای می‌خوانید و اگر روزه بگیرید، روزه‌تان تقیه‌ای است و اگر حج بگذارید، حجتان تقیه‌ای است، و اگر شهادت دهید، شهادتان قبول نمی‌شود» و چند چیز دیگر مانند این را برشمرد.

گفتم: اگر چنین است، پس چرا ما آرزوی آمدن قائم را بکنیم؟!

به من فرمود: «سبحان الله! آیا دوست نداری که عدالت، آشکار شود و راه‌ها امن گردند و با مظلوم، انصاف ورزند؟!»<sup>۲</sup>.

۱۸۳۸. الفتن - با سندش به نقل از عبد الله - : پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هنگامی که عیسی بن مریم فرود می‌آید و دجال را می‌کشد، از زندگی بهره می‌برید تا شبی برسد که خورشید می‌خواهد از غرب طلوع کند، و پس از بیرون آمدن جنبنده<sup>۳</sup>. چهل سال بهره می‌برید، نه کسی می‌میرد و نه کسی بیمار می‌شود و مرد به گوسفندان و چارپایانش می‌گوید: "بروید و در فلان مکان بچرید و فلان ساعت بیاید" و گاو و گوسفند، میان دو کشتزار می‌روند و یک خوشه گندم و جوی آن را نمی‌خورند و یک شاخه آن را با سُمشان نمی‌شکنند، و مارها و عقرب‌ها آشکارند، [ولی] نه کسی را

۱. الفصال: ص ۶۱۱ و ۶۲۶ ح ۱۰ (با دو سند معتبر)، تحف العقول: ص ۱۱۵. بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۱۶

ح ۱۱.

۲. الاختصاص: ص ۲۰، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۱۴۴ ح ۶۲.

۳. ر.ک: ج ۷ ص ۱۳۹ ح ۱۱۹۵ پانوش ۱.

سَاعَةً كَذَا وَكَذَا، وَتَمُرُّ الْمَاشِيَّةُ بَيْنَ الزَّرْعَيْنِ لَا تَأْكُلُ مِنْهُ سُنْبَلَةً وَلَا تَكْسِرُ بِظِلْفِهَا عَوْداً، وَالْحَيَاتُ وَالْعَقَارِبُ ظَاهِرَةٌ لَا تُؤْذِي أَحَداً وَلَا يُؤْذِيهَا أَحَدٌ، وَالسَّبُعُ عَلَى أَبْوَابِ الدَّوْرِ تَسْتَطِعُهُمْ لَا تُؤْذِي أَحَداً، وَيَأْخُذُ الرَّجُلُ الصَّاعَ أَوْ الْمُدَّ مِنَ الْقَمْحِ أَوْ الشَّعِيرِ فَيَبْدُرُهُ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ، فَلَا حِرَاثَ وَلَا كِرَابَ، فَيَدْخُلُ مِنَ الْمُدِّ الْوَاحِدِ سَبْعُمِئَةَ مُدٍّ.

١٨٣٩. الفتن: قَالَ الْوَلِيدُ: عَنْ أَبِي رَافِعٍ إِسْمَاعِيلَ بْنِ رَافِعٍ، عَمَّنْ حَدَّثَهُ، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: تَأْوِي إِلَيْهِ أُمَّتُهُ كَمَا تَأْوِي النَّحْلَةُ يَعْسُو بِهَا، يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدلاً كَمَا مَلِئْتَ جَوْراً، حَتَّى يَكُونَ النَّاسُ عَلَى مِثْلِ أَمْرِهِمُ الْأَوَّلِ لَا يَوْقِظُ نَائِماً وَلَا يُهْرِيقُ دَمًا.

١٨٤٠. سنن ابن ماجه: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ الْمُحَارِبِيُّ، عَنْ إِسْمَاعِيلِ بْنِ رَافِعٍ، أَبِي رَافِعٍ، عَنْ أَبِي زُرْعَةَ الشَّيْبَانِيِّ يَحْتَى بِنِ أَبِي عَمْرٍو، عَنْ أَبِي أَمَامَةَ الْبَاهِلِيِّ، قَالَ: ... قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: فَيَكُونُ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهَا السَّلَام فِي أُمَّتِي حَكَمًا عَدلاً، وَإِمَامًا مُقْسِطًا، يَذُقُ الصَّلِيبَ<sup>١</sup>، وَيَذْبَحُ<sup>٢</sup> الْخَنْزِيرَ، وَيَضَعُ الْجِزْيَةَ، وَيَتْرُكُ الصَّدَقَةَ، فَلَا يَسْعَى عَلَى شَاةٍ وَلَا بَعِيرٍ، وَتُرْفَعُ الشَّحْنَاءُ وَالْتَبَاغُصُ، وَتُنزَعُ حُمَةُ<sup>٣</sup> كُلِّ ذَاتِ حُمَةٍ، حَتَّى يَدْخُلَ الْوَلِيدُ يَدَهُ فِي فِي الْحَيَّةِ فَلَا تَضُرُّهُ، وَتَفْرِقُ الْوَالِدَةَ الْأَسَدَ فَلَا يَضُرُّهَا، وَيَكُونُ الذَّنْبُ فِي الْعَنَمِ كَأَنَّهُ كَلْبُهَا، وَتَمَلَأُ الْأَرْضُ مِنَ السَّلْمِ كَمَا يَمَلَأُ الْإِنَاءُ مِنَ الْمَاءِ، وَتَكُونُ الْكَلِمَةُ وَاحِدَةً، فَلَا يُعْبَدُ إِلَّا اللَّهُ، وَتَضَعُ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا، وَتُسَلِّبُ

١. يَذُقُ الصَّلِيبَ، أَي يَكْسِرُهُ وَيَرْضَهُ (انظر: لسان العرب: ج ١٠ ص ١٠٠ «ذوق»).

٢. كَذَا، وَفِي تَفْسِيرِ ابْنِ كَثِيرٍ: «وَيَقْتُلُ الْخَنْزِيرَ»، وَهُوَ الْأَنْسَبُ بِالْمَقَامِ.

٣. الْحُمَةُ: بِالتَّخْفِيفِ: السُّمُّ وَقَدْ يَشَدُّدُ (النهاية: ج ١ ص ٤٤٦ «حمة»).

می‌آزارند و نه کسی آنها را می‌آزارد، و درندگان بر درِ خانه‌ها غذا می‌خواهند، بی آن که کسی را بیازارند.

و انسان، یک مَن یا یک مُد گندم یا جو را به روی زمین می‌پاشد و بی آن که شخمی بزند و راه آبی بکشد. هر تخم، هفتصد تخم می‌شود.<sup>۱</sup>

۱۸۳۹. الفتن - با سندش به نقل از ابو سعید خدری :- پیامبر ﷺ فرمود: «اَمّت به او پناه می‌برد، همان گونه که زنبور به ملکه خود پناه می‌برد. او زمین را از عدالت پر می‌کند، همان گونه که از ستم پر شده است، تا آن جا که مردم، مانند روزگار نخستینشان می‌شوند. نه خفته‌ای را بیدار می‌کند و نه خونی می‌ریزد».<sup>۲</sup>

۱۸۴۰. سنن ابن ماجه - با سندش به نقل از ابو امامه باهلی :- پیامبر خدا ﷺ فرمود: «عیسی بن مریم میان امتم، داوری دادگر و پیشوایی عدالت‌گستر است، صلیب را خرد می‌کند و خوک را می‌کشد و مالیات می‌گذارد و زکات را بر می‌دارد و گوسفند و شتری به خاطر آن گرفته نمی‌شود و کینه و دشمنی، رخت بر می‌بندند و زهر هر زهرداری گرفته می‌شود، تا آن جا که پسر بچه، دستش را در کام مار می‌کند و به او زبانی نمی‌رسد و دختر بچه، شیر را می‌راند؛ اما آن، آسیبی به او نمی‌زند، و گرگ در کنار گوسفندان، مانند سگ گله است و زمین مانند ظرف پر از آب، از صلح و دوستی موج می‌زند و همه یک‌پارچه می‌شوند و کسی جز خداوند، عبادت و اطاعت نمی‌شود و جنگ، فروکش می‌کند و فرمان‌روایی قریش به پایان می‌رسد و زمین به سان تشت نقره، درخشان و به سرسبزی روزگار آدم ﷺ می‌شود، تا آن جا که گروهی بر یک خوشه انگور گرد می‌آیند و سیرشان می‌کند و گروهی بر یک انار

۱. الفتن: ج ۲ ص ۵۷۹ ح ۱۶۱۹؛ الملاحم و الفتن: ص ۲۰۳ ح ۲۹۱.

۲. الفتن: ج ۱ ص ۳۵۸ ح ۱۰۴۰؛ الملاحم و الفتن: ص ۱۴۷ ح ۱۷۸.

قُرَيْشٌ مُلْكُهَا، وَتَكُونُ الْأَرْضُ كَفَانُورٍ<sup>١</sup> الْفِضَّةِ، تُنْبِتُ نَبَاتَهَا بِعَهْدِ آدَمَ، حَتَّى يَجْتَمِعَ النَّفْرُ عَلَى الْقِطْفِ<sup>٢</sup> مِنَ الْعِنَبِ فَيَشْبِعُهُمْ، وَيَجْتَمِعُ النَّفْرُ عَلَى الرِّمَانَةِ فَتَشْبِعُهُمْ، وَيَكُونُ الثَّوْرُ بِكَذَا وَكَذَا مِنَ الْمَالِ، وَتَكُونُ الْفَرَسُ بِالذَّرْبِهِمَاتِ.

١٨٤١. مسند ابن حنبل: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ، حَدَّثَنِي أَبِي، حَدَّثَنَا سُرَيْجٌ، قَالَ: حَدَّثَنَا فُلَيْحٌ، عَنِ الْحَارِثِ بْنِ فُضَيْلِ الْأَنْصَارِيِّ، عَنِ زِيَادِ بْنِ سَعْدٍ، عَنِ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَنْزِلُ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ إِمَامًا عَادِلًا وَحَكَمًا مُقْسِطًا، فَيَكْسِرُ الصَّلِيبَ، وَيَقْتُلُ الْخِنْزِيرَ، وَيُرْجِعُ السَّلْمَ، وَيَتَّخِذُ السُّيُوفَ مَنَاجِلَ، وَتَذْهَبُ حُمَةٌ كُلُّ ذَاتِ حُمَةٍ، وَتُنزِلُ السَّمَاءُ رِزْقَهَا، وَتُخْرِجُ الْأَرْضُ بَرَكَتَهَا، حَتَّى يَلْعَبَ الصَّبِيُّ بِالثُّعْبَانِ فَلَا يَضُرُّهُ، وَيُرَاعِي الْعَنَمَ الذَّنْبُ فَلَا يَضُرُّهَا، وَيُرَاعِي الْأَسَدَ الْبَقْرَ فَلَا يَضُرُّهَا.

٣ / ٤

## تَطَوُّرُ الصَّحَّةِ وَالْعِلَاجِ

١٨٤٢. الغيبة للنعماني: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَوْسُفَ بْنِ يَعْقُوبَ أَبُو الْحَسَنِ الْجُعْفِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مِهْرَانَ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ، عَنِ الْمُتَّضِلِّ بْنِ مُحَمَّدِ الْأَشْعَرِيِّ، عَنِ حَرِينِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ، عَنِ أَبِيهِ، عَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ﷺ أَنَّهُ قَالَ:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ الْعَاهَةَ، وَرَدَّ إِلَيْهِ قُوَّتَهُ.

١٨٤٣. مختصر بصائر الدرجات: عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ، عَنِ أَبِي جَمِيلَةَ، عَنِ أَبِي بَكْرِ

١. الفانور: الخوان. وقيل: هو طست من فضة أو ذهب (النهاية: ج ٣ ص ٤١٢ «فتر»).

٢. القطف: العنقود. وهو اسم لكل ما يقطف (النهاية: ج ٤ ص ٨٤ «قطف»).

فراهم می‌آیند و سیرشان می‌کند و یک گاو نر به فلان مقدار [اندک] و یک اسب با چند درهم کم ارزش معامله می‌شود»<sup>۱</sup>.

۱۸۴۱. مسند ابن حنبل - با سندش به نقل از ابو هریره - : پیامبر خدا ﷺ فرمود: «عیسی بن مریم به عنوان امام عادل و حاکم دادگستر فرود می‌آید و صلیب را می‌شکند و خوک را می‌کشد و صلح را باز می‌گرداند و شمشیرها را داس می‌کند و زهر هر حیوان زهرداری از میان می‌رود و آسمان، روزی‌اش را فرو می‌فرستد و زمین برکتش را بیرون می‌دهد، تا آن جا که کودک با مارهای بزرگ بازی می‌کند و زیبایی نمی‌بیند و گرگ، گلهٔ گوسفند را می‌چراند و به آن ضرری نمی‌زند و شیر، گاو را می‌چراند و به آن آسیبی نمی‌رساند»<sup>۲</sup>.

### ۳ / ۴

## پیشرفت بهداشت و درمان

۱۸۴۲. الغیبة، نعمانی - با سندش به نقل از حریز، از امام صادق ﷺ، از پدرش - : زین العابدین ﷺ فرمود: «هنگامی که قائم قیام کند، خداوند، کاستی و بیماری هر مؤمنی را برطرف می‌کند و نیرویش را به او باز می‌گرداند»<sup>۳</sup>.

۱۸۴۳. مختصر بصائر الدرجات - با سندش به نقل از ابو بکر حضرمی - : امام باقر ﷺ فرمود:

۱. سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۱۳۵۹ و ۱۳۶۲ ح ۴۰۷۷، تفسیر ابن کثیر: ج ۲ ص ۴۱۲، تاریخ دمشق: ج ۲ ص ۲۲۳ و ۲۲۵ ح ۴۶۷، الفتن: ج ۲ ص ۵۶۶ ح ۱۵۸۹، کنز العمال: ج ۱۴ ص ۲۹۵ ح ۳۸۷۴۲.  
 ۲. مسند ابن حنبل: ج ۳ ص ۵۳۰ ح ۱۰۲۶۵، تاریخ دمشق: ج ۴۷ ص ۴۹۶ ح ۱۰۳۱۲.  
 ۳. الغیبة، نعمانی: ص ۳۱۷ ح ۲، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۶۴ ح ۱۲۸.

الْحَضْرَمِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

مَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي مِنْ ذِي عَاهَةِ بَرِيٍّ، وَمِنْ ذِي ضَعْفٍ قَوِيٍّ.

۱۸۴۴. الخصال: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ الْكُوفِيِّ، عَنِ

الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرِ الْقَصْبَانِيِّ، عَنِ رَبِيعِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُسْلِيِّ، عَنِ الْحَسَنِ<sup>۱</sup> بْنِ ثُوَيْرِ بْنِ

أَبِي فَاخْتَةَ، عَنِ أَبِيهِ، عَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام، قَالَ:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا، أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْ شِبَعَتِنَا الْعَاهَةَ، وَجَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزُبُرِ<sup>۲</sup>

الْحَدِيدِ، وَجَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا، وَيَكُونُونَ حُكَّامَ الْأَرْضِ

وَسَنَامَهَا.

۱۸۴۵. الفتن: ثنا أَبُو عُمَرَ، عَنِ ابْنِ لَهْبَعَةَ، عَنِ عَبْدِ الْوَهَّابِ بْنِ حُسَيْنٍ، عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ ثَابِتٍ،

عَنِ أَبِيهِ، عَنِ الْحَارِثِ، عَنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله قَالَ:

إِذَا نَزَلَ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ وَقَتَلَ الدَّجَالَ، تَمَتَّعُوا حَتَّى يَحْبُوا<sup>۳</sup> لَيْلَةَ طُلُوعِ الشَّمْسِ

مِنْ مَغْرِبِهَا، وَحَتَّى تَمَتَّعُوا بَعْدَ خُرُوجِ الدَّابَّةِ أَرْبَعِينَ سَنَةً، لَا يَمُوتُ أَحَدٌ وَلَا

يَمْرَضُ.

ر.ك: ح ۱۸۴۶.

۴ / ۴

## نَوَسِعَةُ الظُّرُوفِ وَتَطْيِينُ قَوَائِمِهَا

۱۸۴۶. الإرشاد: رَوَى أَبُو بَصِيرٍ، عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام - فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ - أَنَّهُ قَالَ: إِذَا قَامَ

۱. الظاهر أنه تصحيف والصحيح «الحسين بن ثوير بن أبي فاختة».

۲. الزبيرة: القطعة من الحديد (النهاية: ج ۲ ص ۲۵۰ «زبر»).

۳. هكذا في المصدر، وفي الملاحم والفتن: «تحبوا».

«هر کس قائم خاندان ما را درک کند، از بیماری می‌رهد و از ضعف به قوت می‌رود».<sup>۱</sup>

۱۸۴۴. الخصال - با سندش به نقل از ثویر بن فاخته -: امام زین العابدین علیه السلام فرمود: «هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند تعالی بیماری و کاستی را از شیعیان ما می‌برد و دل‌هایشان را مانند پاره‌های آهن قرار می‌دهد و نیروی یک مرد آنان را مانند نیروی چهل مرد قرار می‌دهد و حاکمان و قلّه‌های برافراشته زمین می‌شوند».<sup>۲</sup>

۱۸۴۵. الفتن - با سندش به نقل از عبد الله -: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هنگامی که عیسی بن مریم فرود می‌آید و دجال را می‌کشد، از زندگی بهره می‌برید تا شبی برسد که خورشید می‌خواهد از غرب طلوع کند، و پس از بیرون آمدن جنبنده. چهل سال بهره می‌برید. نه کسی می‌میرد و نه کسی بیمار می‌شود».<sup>۳</sup>

ر.ک: ج ۱۸۴۶.

#### ۴ / ۴

### توسعه راه‌ها و اجرای قوانین رفت و آمد

۱۸۴۶. الإرشاد - به نقل از ابو بصیر، در حدیث طولانی -: امام باقر علیه السلام فرمود: «هنگامی که قائم قیام کند، به کوفه می‌رود و چهار مسجد را دز آن منهدم می‌کند و هیچ مسجد

۱. مختصر بصائر الدرجات: ص ۱۱۶ (با سند معتبر بنا بر معتبر بودن اسناد مؤلف)، الخرائج و الجرائح: ج ۲ ص ۸۳۹ ح ۵۴. بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۳۵ ح ۶۸.

۲. الخصال: ص ۵۴۱ ح ۱۴ (با سند معتبر). روضة الواعظین: ص ۳۲۳. مشکاة الأنوار: ص ۱۵۱ ح ۳۶۶. بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۱۶ ح ۱۲.

۳. الفتن: ج ۲ ص ۵۷۹ ح ۱۶۱۹؛ الملاحم و الفتن: ص ۲۰۳ ح ۲۹۱. نیز، برای دیدن همه حدیث، ر.ک: همین دانش‌نامه: ص ۳۲۵ ح ۱۸۳۸.



القَائِمُ عج سَارَ إِلَى الْكُوفَةِ فَهَدَمَ بِهَا أَرْبَعَةَ مَسَاجِدَ، فَلَمْ يَبْقَ مَسْجِدٌ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ لَهُ شَرْفٌ إِلَّا هَدَمَهَا وَجَعَلَهَا جَمَاءً، وَوَسَّعَ الطَّرِيقَ الْأَعْظَمَ، وَكَسَرَ كُلَّ جَنَاحٍ خَارِجٍ فِي الطَّرِيقِ، وَأَبْطَلَ الْكُنُفَ وَالْمَازِيبَ إِلَى الطُّرُقَاتِ، وَلَا يَتْرُكُ بَدْعَةً إِلَّا أزالَهَا، وَلَا سُنَّةً إِلَّا أَقَامَهَا.

١٨٤٧. تهذيب الأحكام: مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيْعٍ، عَنِ حَمَزَةَ بْنِ زَيْدٍ، عَنِ عَلِيِّ بْنِ سُؤَيْدٍ، عَنِ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عج، قَالَ: إِذَا قَامَ قَائِمُنَا عج، قَالَ: يَا مَعْشَرَ الْفُرْسَانِ، سِيرُوا فِي وَسْطِ الطَّرِيقِ، يَا مَعْشَرَ الرِّجَالِ، سِيرُوا عَلَى جَنْبَيْ الطَّرِيقِ، فَأَيُّمَا فَارِسٍ أَخَذَ عَلَى جَنْبَيْ الطَّرِيقِ فَأَصَابَ رَجُلًا عَيْبَ الزَّمَانِ الدِّيَّةَ، وَأَيُّمَا رَجُلٍ أَخَذَ فِي وَسْطِ الطَّرِيقِ فَأَصَابَهُ عَيْبٌ فَلَا دِيَّةَ لَهُ.

٥/٤

## رِضَا أَهْلِ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ

١٨٤٨. الغيبة للطوسي: مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ الْمُقْرِي، عَنِ الْمُقَانِعِيِّ، عَنِ بَكَارِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ زِيَادٍ، عَنِ الْقَلَاءِ بْنِ بَشِيرِ الْمُرَادِيِّ، عَنِ أَبِي الصَّدِّيقِ النَّاجِي، عَنِ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: أَبَشُرْكُمْ بِالْمَهْدِيِّ، يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَزَلْزَالٍ، يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَظُلْمًا، يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَسَاكِنُ الْأَرْضِ.

١٨٤٩. المستدرک علی الصحیحین: أَخْبَرَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى التَّمِيمِيُّ، أَنبَأَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ حَيْدَرِ الْجَمِيرِيِّ بِالْكُوفَةِ، حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ خَلِيفَةَ، حَدَّثَنَا أَبُو يَحْيَى عَبْدُ الْحَمِيدِ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْحَمَانِيُّ، حَدَّثَنَا عُمَرُ بْنُ

کنگره‌داری روی زمین نمی‌ماند، مگر آن که آن را منهدم و با خاک یکسانش می‌کند و راه‌های اصلی را توسعه می‌دهد و هر بخشی از بنا را که به درون راه آمده باشد، می‌شکند و سایه‌بان و ناودان‌هایی را که آبشان به راه‌ها می‌ریزند، بر می‌دارد و بدعتی را نمی‌گذارد، جز آن که لذت میانش می‌برد و سنتی را، جز آن که برپایش می‌دارد»<sup>۱</sup>.

۱۸۳۷. تهذیب الأحکام - با سندش به نقل از علی بن سوید - امام کاظم علیه السلام فرمود: «هنگامی که قائم ما قیام کند، می‌فرماید: «ای سوارگان در میانه راه! حرکت کنید. ای پیادگان در دو کناره راه! حرکت کنید. هر سواری از دو کناره راه حرکت کند و صدمه‌ای به کسی بزند، دیه‌اش را به عهده او می‌نهییم و هر پیاده‌ای در میانه راه حرکت کند و آسیبی ببیند، دیه‌ای ندارد»<sup>۲</sup>.

## ۵/۴

### رضایت زمینیان و آسمانیان

۱۸۴۸. الغیبة، طوسی - با سندش به نقل از ابو سعید خُدَری - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «شمارا به مهدی بشارت می‌دهم. میان اُمَّت برانگیخته می‌شود، هنگامی که اختلاف و زلزله فراوان شود. او زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است. ساکنان آسمان و زمین از او راضی می‌شوند»<sup>۳</sup>.

۱۸۴۹. المستدرک علی الصحیحین - با سندش به نقل از ابو سعید خُدَری - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «در آخر الزمان، بلایی سخت از سوی حاکمشان بر آنها فرود می‌آید که

۱. الإرشاد: ج ۲ ص ۳۸۵. الغیبة، طوسی: ص ۴۷۵ ح ۴۹۸ (با عبارات مشابه)، إعلام الوری: ج ۲ ص ۲۹۱.

کشف الغمة: ج ۳ ص ۲۵۶. روضة الواعظین: ص ۲۹۰. بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۳۹ ح ۸۴.

۲. تهذیب الأحکام: ج ۱ ص ۳۱۴ ح ۱۱۶۹.

۳. الغیبة، طوسی: ص ۱۷۸ ح ۱۳۶. دلائل الإمامة: ص ۴۷۱ ح ۴۶۳. بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۷۴ ح ۲۳.

عُبَيْدُ اللَّهِ الْعَدَوِيُّ، عَنِ مُعَاوِيَةَ بْنِ قُرَّةَ، عَنِ أَبِي الصِّدِّيقِ النَّاجِي، عَنِ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ، قَالَ:

قَالَ نَبِيُّ اللَّهِ ص: نَزَلُ بِأُمَّتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ بَلَاءٌ شَدِيدٌ مِنْ سُلْطَانِهِمْ لَمْ يُسْمَعْ بَلَاءٌ أَشَدُّ مِنْهُ، حَتَّى تَضِيقَ عَنْهُمْ الْأَرْضُ الرَّحْبَةَ، وَحَتَّى يَمَلَأَ الْأَرْضُ جَوْرًا وَظُلْمًا، لَا يَجِدُ الْمُؤْمِنُ مَلْجَأً يَلْتَجِئُ إِلَيْهِ مِنَ الظُّلْمِ، فَيَبْعَثُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ رَجُلًا مِنْ عِترَتِي، فَيَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتِ ظُلْمًا وَجَوْرًا، يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَسَاكِنُ الْأَرْضِ، لَا تَدَّخِرُ الْأَرْضُ مِنْ بَذْرِهَا شَيْئًا إِلَّا أَخْرَجْتَهُ، وَلَا السَّمَاءُ مِنْ قَطْرِهَا شَيْئًا إِلَّا صَبَّهُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا، يَعِيشُ فِيهَا سَبْعَ سِنِينَ أَوْ ثَمَانَ أَوْ تِسْعَ، تَتَمَتَّى الْأَحْيَاءُ الْأَمْوَاتَ مِمَّا صَنَعَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِأَهْلِ الْأَرْضِ مِنْ خَيْرِهِ.

١٨٥٠. المصنّف لعبد الرزاق: أَخْبَرَنَا عَبْدُ الرَّزَّاقِ قَالَ: أَخْبَرَنَا مَعْمَرٌ، عَنِ أَبِي هَارُونَ، عَنِ مُعَاوِيَةَ بْنِ قُرَّةَ، عَنِ أَبِي الصِّدِّيقِ النَّاجِي، عَنِ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ، قَالَ: ذَكَرَ رَسُولُ اللَّهِ ص بَلَاءٌ يُصِيبُ هَذِهِ الْأُمَّةَ، حَتَّى لَا يَجِدَ الرَّجُلُ مَلْجَأً يَلْجَأُ إِلَيْهِ مِنَ الظُّلْمِ، فَيَبْعَثُ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ عِترَتِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، فَيَمَلَأُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا كَمَا مِلْتِ ظُلْمًا وَجَوْرًا، يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَسَاكِنُ الْأَرْضِ، لَا تَدَّعُ السَّمَاءُ مِنْ قَطْرِهَا شَيْئًا إِلَّا صَبَّهُ مِدْرَارًا، وَلَا تَدَّعُ الْأَرْضُ مِنْ مَائِهَا شَيْئًا إِلَّا أَخْرَجْتَهُ، حَتَّى تَتَمَتَّى الْأَحْيَاءُ الْأَمْوَاتَ، يَعِيشُ فِي ذَلِكَ سَبْعَ سِنِينَ، أَوْ ثَمَانَ، أَوْ تِسْعَ سِنِينَ.

١٨٥١. دلائل الإمامة: أَخْبَرَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ خَالِدٍ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو الْحَسَنِ أَحْمَدُ بْنُ جَعْفَرٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عُبَيْدِ بْنِ عُتْبَةَ الْكِنْدِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنِي إِسْمَاعِيلُ بْنُ أَبَانَ الْوَرَّاقُ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُسْلِمِ الْمَلَانِي، عَنِ

سخت‌تر از آن شنیده نشده است، تا آن جا که زمین پهناور بر آنها تنگ می‌شود، و زمین از ظلم و ستم پر می‌شود، تا آن جا که هیچ کس پناهگاهی برای فرار از ظلم نمی‌یابد. پس خداوند، مردی را از خاندانم بر می‌انگیزد تا زمین را از عدل و داد پر کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است. ساکن آسمان و ساکن زمین [هر دو] از او راضی می‌شوند. زمین، هیچ بذری را در درون خود باقی نمی‌گذارد، جز آن که آن را می‌رویانند، آسمان، قطره‌ای از بارانش را نمی‌گذارد، جز آن که آن را به روانی فرو می‌ریزد. او بدین گونه، هفت یا هشت یا نه سال زندگی [و حکومت] می‌کند.<sup>۱</sup>

۱۸۵۰. المصنّف، عبد الرزّاق - با سندش به نقل از ابو سعید خُدَری - : پیامبر خدا ﷺ بلایی را یاد کرد که به این اُمّت می‌رسد تا آن جا که مرد، پناهگاهی نمی‌یابد که از ستم، به آن پناه ببرد. پس خداوند، مردی از خاندانم را بر می‌انگیزد و زمین را به دست او از عدالت پر می‌کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است. ساکنان آسمان و زمین، از او راضی اند و آسمان، قطره‌ای از بارانش را نمی‌گذارد، جز آن که بر او فرود می‌ریزد، و زمین، چیزی از آبش را نمی‌نهد، جز آن که برای او بیرون می‌دهد، تا آن جا که زندگان آرزو می‌کنند که مردگان [زنده و کنار آنها] بودند. هفت یا هشت یا نه سال در این وضعیت زندگی می‌کند.<sup>۲</sup>

۱۸۵۱. دلائل الإمامة - با سندش به نقل از ابو مسلم - : پیامبر خدا ﷺ فرمود: «به مهدی بشارتتان باد که او به هنگام اختلاف شدید مردم برانگیخته می‌شود. زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است. ساکنان آسمان و

۱. المستدرک علی الصحیحین: ج ۴ ص ۵۱۲ ح ۸۴۳۸، کتر العنّال: ج ۱۴ ص ۲۷۵ ح ۳۸۷۰۸: بشارة المصطفی: ص ۲۵۰.

۲. المصنّف، عبد الرزّاق: ج ۱۱ ص ۳۷۱ ح ۲۰۷۷۰، سیر أعلام النبلاء: ج ۱۵ ص ۲۵۳ ح ۱۰۵، العمدة: ص ۴۳۶ ح ۹۱۸، شرح الأخبار: ج ۳ ص ۳۸۵ ح ۱۲۶۱.

أَبِي الْحَجَّافِ، عَنِ خَالِدِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ، عَنِ مَطْرِ بْنِ الْوَرَّاقِ، عَنِ النَّاجِي - يَعْنِي أَبَا الصَّدِّيقِ - عَنِ أَبِي مُسْلِمٍ أَنَّهُ سَمِعَهُ يَقُولُ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَبْشِرُوا بِالْمَهْدِيِّ، فَإِنَّهُ يُبْعَثُ عَلَيَّ حِينَ اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ شَدِيدٍ، يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مِلْتَّ جَوْرًا وظُلْمًا، يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُو السَّمَاءِ وَسَاكِنُو الْأَرْضِ، وَيَمَلَأُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قُلُوبَ عِبَادِهِ غِنًى، وَيَسْعُهُمْ عَدْلُهُ.

١٨٥٢. المستدرک علی الصحیحین: أَخْبَرَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْمُؤَمَّلِ، حَدَّثَنَا الْفَضْلُ بْنُ مُحَمَّدٍ، حَدَّثَنَا نُعَيْمُ بْنُ حَمَادٍ، حَدَّثَنَا أَبُو يُوْسُفَ الْمُقَدِّسِيُّ، عَنِ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ أَبِي سُلَيْمَانَ، عَنِ عَمْرِو بْنِ شُعَيْبٍ، عَنِ أَبِيهِ، عَنِ جَدِّهِ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

فِي ذِي الْقَعْدَةِ تُجَادِبُ الْقَبَائِلُ وَتُغَادِرُ، فَيَنْهَبُ الْحَاجُّ، فَتَكُونُ مَلْحَمَةً بِمَنْ يَكْتُرُ فِيهَا الْقَتْلَى، وَيَسِيلُ فِيهَا الدَّمَاءُ، حَتَّى تَسِيلَ دِمَاؤُهُمْ عَلَيَّ عَقَبَةَ الْجَمْرَةِ، وَحَتَّى يَهْرَبَ صَاحِبُهُمْ فَيَأْتِي بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، فَيُبَايِعُ وَهُوَ كَارِهِ، يُقَالُ لَهُ: إِنْ أَيْتَ ضَرْبَنَا عُنُقَكَ، يُبَايِعُهُ مِثْلَ عِدَّةِ أَهْلِ بَدْرٍ، يَرْضَى عَنْهُمْ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَسَاكِنُ الْأَرْضِ.

راجع: ص ٢٦٠ ح ١٨٨٢.

٤ / ٦

## رَوَاةُ الْبَرَكَاتِ الْإِلَهِيَّةِ فِي النَّظَرِ الْإِجْمَاعِيِّ<sup>١</sup>

١٨٥٣. الكافي: أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ، عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ، عَنِ الرَّبِيعِ بْنِ مُحَمَّدِ الْمُسْلِيِّ، عَنِ أَبِي الرَّبِيعِ الشَّامِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ:

١. الظاهر أن عددا من روايات الباب ترتبط بالتكنولوجيا الحديثة واستخدامها في حكومة الإمام المهدي عج.

زمین، از او راضی اند و خداوند ﷻ دل‌های بندگانش را [به دست او] بی‌نیاز می‌کند و عدالت او، آنان را فرا می‌گیرد»<sup>۱</sup>.

۱۸۵۲. المستدرک علی الصحیحین - با سندش به نقل از جدّ عمرو بن شعیب - : پیامبر خدا ﷺ فرمود: «در ذی قعدة، قبیله‌ها با هم درگیر می‌شوند و به یکدیگر خیانت می‌کنند و حاجیان غارت می‌گردند و جنگی در مینا در می‌گیرد که کشته‌ها در آن فراوان می‌شود و سیل خون به راه می‌افتد، تا آن جا که خونشان به آخرین جمرة مینا می‌رسد و فرمانده‌شان می‌گریزد و به میان رکن [حجر الأسود] و مقام [ابراهیم] می‌آید و به زور با او بیعت می‌شود. به او گفته می‌شود: "اگر نپذیری، گردنت را می‌زنیم." به تعداد مجاهدان جنگ بدر با او بیعت می‌کنند. ساکنان آسمان و زمین از آنها راضی اند»<sup>۲</sup>.

ر.ک: ص ۳۶۱ ح ۱۸۸۳.

۶ / ۴

### نقش برکات الهی در توسعه اجتماعی<sup>۳</sup>

۱۸۵۳. الکافی - با سندش به نقل از ابوریع شامی - : شنیدم که امام صادق ﷺ می‌فرماید: «قائم ما، هنگامی که قیام کند، خداوند ﷻ شنوایی و بینایی شیعیان ما را چنان نیرو و بُردی می‌دهد که به پیک میان ایشان و قائم، نیاز نیست. قائم از همان جای خود با

۱. دلائل الإمامة: ص ۴۸۲ ح ۴۷۶.

۲. المستدرک علی الصحیحین: ج ۴ ص ۵۴۹ ح ۸۵۳۷، الفتن: ج ۱ ص ۳۴۱ ح ۹۸۶، کنز العمال: ج ۱۴ ص ۲۶۹ ح ۳۸۵۸۶.

۳. برخی احادیث این باب، ظاهراً مربوط به فتاوری‌های جدید و استفاده از آنها در حکومت مهدوی است.

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ، حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ يُكَلِّمُهُمْ، فَيَسْمَعُونَ وَيَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَهُوَ فِي مَكَانِهِ.

١٨٥٤. بحار الأنوار: [نقلًا عن السيّد عليّ بن عبد الحميد في كتاب الغيبة] بِإِسْنَادِهِ يَرْفَعُهُ إِلَى ابْنِ مُسْكَانٍ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَهُوَ بِالْمَشْرِقِ لَيَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ، وَكَذَا الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَشْرِقِ.

١٨٥٥. كمال الدين: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ الْبَرْمَكِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مَالِكٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ أَبِي الْجَارُودِ زِيَادِ بْنِ الْمُنْذِرِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْبَاقِرِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام - وَهُوَ عَلَى الْمِنْبَرِ -:

يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ أَبْيَضُ اللَّوْنِ، مُشْرَبٌ بِالْحُمْرَةِ، مُبْدَحُ الْبَطْنِ<sup>١</sup>، عَرِيضُ الْفَخِذَيْنِ، عَظِيمُ مُشَاشِ<sup>٢</sup> الْمَنْكَبَيْنِ، بَطْنُهُ شَامَتَانِ: شَامَةٌ عَلَى لَوْنِ جِلْدِهِ وَشَامَةٌ عَلَى شِبْهِ شَامَةِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله، لَهُ أَسْمَانِ: اسْمٌ يَخْفَى وَاسْمٌ يَعلُنُ، فَأَمَّا الَّذِي يَخْفَى فَأَحْمَدُ، وَأَمَّا الَّذِي يَعلُنُ فَمُحَمَّدُ، إِذَا هَزَّ رَأْيَتَهُ أَضَاءَ لَهَا مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، وَوَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَلَا يَبْقَى مُؤْمِنٌ إِلَّا صَارَ قَلْبُهُ أَشَدَّ مِنْ زُبْرِ الْحَدِيدِ، وَأَعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَى قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا، وَلَا يَبْقَى مَيِّتٌ إِلَّا دَخَلَتْ عَلَيْهِ تِلْكَ الْفَرَحَةُ فِي قَلْبِهِ وَهُوَ فِي قَبْرِهِ، وَهُمْ يَتَزَاوَرُونَ فِي قُبُورِهِمْ، وَيَتَبَاشَرُونَ بِقِيَامِ الْقَائِمِ

١. أي عريضها. والأبدح: الرجل الطويل. العريض الجنبين (أنظر: تاج العروس: ج ٤ ص ٨ «بدح»).

٢. عظيم المشاش: أي عظيم رؤوس العظام (النهاية: ج ٤ ص ٣٢٣ «مشش»).

آنان سخن می‌گویند و آنها صدایش را می‌شنوند و او را می‌بینند».<sup>۱</sup>

۱۸۵۴. بحار الأنوار - به نقل از سید علی بن عبد الحمید در کتاب الغیبة، با سندش که آن را به ابن مسکان می‌رساند - : شنیدم که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مؤمن در روزگار قائم علیه السلام، در مشرق است و برادرش را در مغرب می‌بیند و همین‌گونه کسی که در مغرب است، برادرش را در مشرق می‌بیند».<sup>۲</sup>

۱۸۵۵. کمال الدین - با سندش به نقل از ابو الجارود، از امام باقر علیه السلام از پدرش، از جدش امام حسین علیه السلام - : امیر مؤمنان علیه السلام بر بالای منبر فرمود: «در آخر الزمان، مردی از فرزندان من خروج می‌کند که سرخ و سفید، با شکمی عریض و ران‌هایی ستبر و چهارشانه است. دو خال در پشت اوست؛ خالی به رنگ پوستش و خالی به شکل خال پیامبر صلی الله علیه و آله. دو نام دارد: نامی پنهان و نامی آشکار. نام پنهانش، احمد و نام آشکارش، محمد است. هنگامی که پرچمش را به اهتزاز در آورد، از شرق تا غرب برای آن روشن می‌شود و دستش را بر سر بندگان خدا می‌نهد و مؤمنی نمی‌ماند، جز آن که دلش محکم‌تر از پاره‌های آهن می‌شود و خداوند متعال، نیروی چهل مرد را به او می‌دهد و مرده‌ای نمی‌ماند، جز آن که همان خوش‌حالی، در قبرش به دل او راه می‌یابد و در همان قبرها، همدیگر را زیارت می‌کنند و قیام قائم - که دروهای خدا بر او باد - را به هم مژده می‌دهند».<sup>۳</sup>

۱. الکافی: ج ۸ ص ۲۴۰ ح ۳۲۹ (با سند معتبر). مختصر بصائر الدرجات: ص ۱۱۷. الخرائج و الجرائح: ج ۲ ص ۸۴۰ ح ۵۸. الصراط المستقیم: ج ۲ ص ۲۶۲. بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۳۶ ح ۷۲.

۲. بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۹۱ ح ۲۱۳.

۳. کمال الدین: ص ۶۵۳ ح ۱۷. الخرائج و الجرائح: ج ۳ ص ۱۱۴۹ ح ۵۸. إعلام الوری: ج ۲ ص ۲۹۴. العدد القویة: ص ۶۴ ح ۸۹ (در این منبع، بخش پایانی حدیث آمده است). بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۳۵ ح ۴ (به نقل از الغیبة، طوسی).



صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ .

١٨٥٦ . الخصال : حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ ، قَالَ : حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ الْكُوفِيِّ ، عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ الْقَصْبَانِيِّ ، عَنْ رَبِيعِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُسْلِيِّ ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ ثَوْبِرِ بْنِ أَبِي فَاخِتَةَ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام ، قَالَ :

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْ شِبَعَتِنَا الْعَاهَةَ ، وَجَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزُبُرِ الْحَدِيدِ ، وَجَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا ، وَيَكُونُونَ حُكَّامَ الْأَرْضِ وَسِنَامَهَا .

١٨٥٧ . الكافي : مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ ، عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ ، عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ ، عَنْ أَبِي بَكْرِ الْحَضْرَمِيِّ ، عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ أَعْيُنَ ، قَالَ : قُتِّمْتُ مِنْ عِنْدِ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فَأَعْتَمَدْتُ عَلَى يَدَيْ فَبَكَيْتُ ، فَقَالَ : مَا لَكَ ؟ فَقُلْتُ : كُنْتُ أَرْجُو أَنْ أُدْرِكَ هَذَا الْأَمْرَ وَبِي قُوَّةٌ .

فَقَالَ : أَمَا تَرْضَوْنَ أَنَّ عَدُوَّكُمْ يَقْتُلُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَأَنْتُمْ آمِنُونَ فِي بُيُوتِكُمْ ، إِنَّهُ لَوْ قَدْ كَانَ ذَلِكَ أُعْطِيَ الرَّجُلَ مِنْكُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا ، وَجُعِلَتْ قُلُوبُكُمْ كَزُبُرِ الْحَدِيدِ ، لَوْ قَدَّفَ بِهَا الْجِبَالَ لَقَلَعْتَهَا ، وَكُنْتُمْ قُوَّامَ الْأَرْضِ وَخُزَّانَهَا .

١٨٥٨ . بصائر الدرجات : أَحْمَدُ بْنُ جَعْفَرٍ<sup>١</sup> ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ [ابن]<sup>٢</sup> مَالِكِ الْكُوفِيِّ ، قَالَ : حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ حَمَادِ الطَّائِبِيُّ ، عَنْ سَعْدِ ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ : حَدِيثُنَا صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ ، لَا يَحْتَمِلُهُ إِلَّا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ ، أَوْ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ ، أَوْ مُؤْمِنٌ مُتَّحَنٌ ، أَوْ مَدِينَةٌ

١ . في بحار الأنوار «أحمد بن محمد» .

٢ . لم ترد في المصدر وأثبتناها من مختصر بصائر الدرجات .

۱۸۵۶. الخصال - با سندش به نقل از ثویر بن ابو فاخته - : امام زین العابدین علیه السلام فرمود: «هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند تعالی کاستی و بیماری را از شیعیان ما می‌برد و دل‌هایشان را مانند پاره‌های آهن می‌کند و نیروی هر یک را برابر نیروی چهل مرد قرار می‌دهد و حاکمان و قلّه‌های برافراشته زمین می‌شوند»<sup>۱</sup>.

۱۸۵۷. الکافی - با سندش به نقل از عبد الملک بن أعین - : از نزد امام باقر علیه السلام بلند شدم و در هنگام بلند شدن، بر دستم تکیه کردم و گریستم. فرمود: «تو را چه می‌شود؟».

گفتم: امید داشتم تا نیرو دارم، این امر [قیام] را درک کنم.

فرمود: «آیا راضی نمی‌شوید که دشمنانتان به جان هم افتاده و یکدیگر را می‌کشند، در حالی که شما در خانه‌هایتان آسوده هستید. اگر این امر (قیام قائم) روی دهد، به هر یک از شما، نیروی چهل تن داده می‌شود و دل‌هایتان مانند پاره‌های آهن می‌شود، که اگر با آنها بر کوه‌ها بزنند، از جا کنده می‌شوند و شما حاکمان و حافظان زمین خواهید بود»<sup>۲</sup>.

۱۸۵۸. بصائر الدرجات - با سندش به نقل از سعد - : امام باقر علیه السلام فرمود: «حدیث ما، سخت و دشوار است. آن را جز فرشته‌ای مقرب یا پیامبری فرستاده شده یا مؤمنی آزموده شده یا شهری برج و بارودار تحمل نمی‌کند، و چون امر [قیام] ما روی دهد و مهدی ما بیاید، مردانِ پیرو ما، شجاع‌تر از شیر و بُران‌تر از نیزه خواهند شد و دشمن ما را

۱. الخصال: ص ۵۴۱ ح ۱۴. مشکاة الأنوار: ص ۱۵۱ ح ۳۶۶. روضة الواعظین: ص ۳۲۳. الصراط المستقیم: ج ۲ ص ۲۶۱. بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۱۶ ح ۱۲.

۲. الکافی: ج ۸ ص ۲۹۴ ح ۴۴۹ (با سند صحیح)، مختصر بصائر الدرجات: ص ۱۱۶ (به نقل از عبد الأعلى بن أعین)، الخرائج و الجرائع: ج ۲ ص ۸۳۹ ح ۵۵. بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۳۵ ح ۶۹.

حَصِينَةٌ، فَإِذَا وَقَعَ أَمْرُنَا وَجَاءَ مَهْدِينَا كَانَ الرَّجُلُ مِنَ شِيعَتِنَا أَجْرِي مِنْ لَيْثٍ، وَأَمْضَى مِنْ سِنَانٍ، يَطَأُ عَدُوَّنَا بِرِجْلَيْهِ وَيَضْرِبُهُ بِكَفَّيْهِ، وَذَلِكَ عِنْدَ نُزُولِ رَحْمَةِ اللَّهِ وَقَرَجِهِ عَلَى الْعِبَادِ.

۱۸۵۹. كشف الغمّة: عَنْ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام، قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُلْقِي فِي قُلُوبِ شِيعَتِنَا الرُّعْبَ، فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَظَهَرَ مَهْدِينَا، كَانَ الرَّجُلُ أَجْرًا مِنْ لَيْثٍ وَأَمْضَى مِنْ سِنَانٍ.

۱۸۶۰. كامل الزيارات: حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَامِرٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ سَعْدٍ، عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانَ، عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: كَأَنِّي بِالقَائِمِ عليه السلام عَلَى نَجْفِ الكُوفَةِ وَقَدْ لَبَسَ دِرْعَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم، فَيَنْتَفِضُ هَوِيَّهَا فَتَسْتَدِيرُ عَلَيْهِ فَيُعْشِيهَا بِخِدَاجَةٍ مِنْ إِسْتَبْرَقٍ، وَيَرْكَبُ فَرَسًا أَدْهَمَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ شِمْرًاخٌ<sup>۱</sup>، فَيَنْتَفِضُ بِهِ انْتِفَاضَةً لَا يَبْقَى أَهْلُ بَلَدٍ إِلَّا وَهُمْ يَرَوْنَ أَنَّهُ مَعَهُمْ فِي بِلَادِهِمْ، فَيَنْتَشِرُ<sup>۲</sup> رَايَةَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم، عَمُودُهَا مِنْ عَمُودِ العَرِشِ وَسَائِرُهَا مِنْ نَصْرِ اللَّهِ، لَا يَهْوِي بِهَا إِلَى شَيْءٍ أَبَدًا إِلَّا هَتَكَهُ<sup>۳</sup> اللَّهُ، فَإِذَا هَزَّهَا لَمْ يَبْقَ مُؤْمِنٌ إِلَّا صَارَ قَلْبُهُ كُرْبِرَ الحَدِيدِ، وَيُعْطَى المُؤْمِنُ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا، وَلَا يَبْقَى مُؤْمِنٌ إِلَّا دَخَلَتْ عَلَيْهِ تِلْكَ الفَرَحَةُ فِي قَبْرِهِ، وَذَلِكَ حِينَ يَنْزَاوِرُونَ فِي قُبُورِهِمْ وَيَتَبَاشِرُونَ بِقِيَامِ القَائِمِ، فَيَنْحَطُّ عَلَيْهِ ثَلَاثَ عَشَرَ أَلْفَ مَلِكٍ وَثَلَاثُمِئَةٍ وَثَلَاثَ عَشَرَ مَلَكًا.

۱. نَجْفِ الكُوفَةِ: هِيَ كَالْمِسْنَةِ تَمْنَعُ مَاءَ السَّيْلِ أَنْ يَلْعُوَ مَنَازِلَ الكُوفَةِ وَمَقَابِرَهَا (لسان العرب: ج ۹ ص ۳۲۳ «نجف»).

۲. الشِّمْرَاخُ: مِنَ العَرَبِ: مَا اسْتَدَقَّ وَطَالَ وَسَالَ مَقْبَلًا حَتَّى جَلَّ الخِشُومَ (لسان العرب: ج ۳ ص ۳۱ «شمرخ»).

۳. فِي المَصَادِرِ الأُخْرَى: «فَيَنْشُرُ» بَدَل «فَيَنْتَشِرُ».

۴. فِي المَصَادِرِ الأُخْرَى: أَهْلَكَهُ اللَّهُ.

لگدمال می‌کند و با دست‌ان خود، به آنها ضربه می‌زنند و این، به هنگام فرود آمدن رحمت خدا و گشایش او از کار بندگان است»<sup>۱</sup>.

۱۸۵۹. کشف الغمّة - به نقل از جابر -: امام باقر علیه السلام فرمود: «خداوند متعال در دل‌های شیعیان ما هراس می‌اندازد و چون قائم قیام کند و مهدی ما ظهور کند، آنها از شیر، شجاع‌تر و از نیزه، برّان‌تر خواهند شد»<sup>۲</sup>.

۱۸۶۰. کامل الزیارات - با سندش به نقل از ابان بن تغلب -: امام صادق علیه السلام فرمود: «گویی قائم را بر بلندی کوفه [= نجف] می‌بینم که زره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را به تن کرده و آن را تکان می‌دهد تا همه پیکرش را بگیرد و بر روی آن، دیبای ستبری افکنده و بر اسبی سیاه - که باریکه سفیدی میان چشمانش است - نشسته و اسب، او را حرکت می‌دهد و هیچ شهری نمی‌ماند، جز آن که اهلش می‌بینند که او (مهدی علیه السلام) همراه آنان و در شهرشان است. او پرچم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را که دسته‌اش از ستون‌های عرش خدا و دیگر اجزای آن، از یاری خداست، می‌گشاید و آن را بر سر کسی فرود نمی‌آورد، جز آن که خداوند، تکه تکه‌اش می‌کند و چون پرچم را به اهتزاز در می‌آورد، مؤمنی باقی نمی‌ماند، جز آن که دلش مانند پاره‌های آهن [محکم] می‌شود و [مردۀ] مؤمنی نمی‌ماند، جز آن که آن خوش‌حالی در همان قبرش به او می‌رسد و آن، هنگامی است که در قبرها، یکدیگر را زیارت می‌کنند و قیام قائم علیه السلام را به یکدیگر بشارت می‌دهند، و سیزده هزار و سیصد و سیزده فرشته بر او فرود می‌آیند»<sup>۳</sup>.

۱. بصائر الدرجات: ص ۲۴ ح ۱۷، مختصر بصائر الدرجات: ص ۱۲۳، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۱۸ ح ۱۷.

۲. کشف الغمّة: ج ۲ ص ۲۴۵، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۷۰ ح ۱۶۱.

۳. کامل الزیارات: ص ۲۳۳ ح ۲۴۸ (با سند معتبر)، دلائل الإمامة: ص ۴۵۷ ح ۴۲۷، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۲۸ ح ۴۸، نیز، ر. ک: همین دانش‌نامه: ج ۸ ص ۲۲۴ ح ۱۵۲۱.

١٨٤١. الاختصاص : فِي الْخَبَرِ ، قَالَ : قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام : يَكُونُ مِنْ شِيعَتِنَا فِي دَوْلَةِ الْقَائِمِ سَنَامُ الْأَرْضِ وَحُكَاْمُهَا ، يُعْطَى كُلُّ رَجُلٍ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا .

١٨٤٢. كمال الدين : بِهَذَا الْإِسْنَادِ ، عَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ عُمَرَ ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ : قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام : إِنَّهُ إِذَا تَنَاهَتْ الْأُمُورُ إِلَى صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ ، رَفَعَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى كُلَّ مُنْخَفِضٍ مِنَ الْأَرْضِ ، وَخَفِضَ لَهُ كُلَّ مُرْتَفِعٍ مِنْهَا ، حَتَّى تَكُونَ الدُّنْيَا عِنْدَهُ بِمَنْزِلَةِ رَاحَتِهِ ، فَأَيُّكُمْ لَوْ كَانَتْ فِي رَاحَتِهِ شَعْرَةٌ لَمْ يُبْصِرْهَا .

١٨٤٣. دلائل الإمامة : أَخْبَرَنِي أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ هَارُونَ بْنِ مُوسَى ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ أَبِي عَلِيٍّ مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ الْجَمِيرِيِّ ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ فَضِيلٍ ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَائِيِّ عليه السلام ، قَالَ :

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ ، يَأْمُرُ اللَّهُ الْمَلَائِكَةَ بِالسَّلَامِ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ ، وَالْجُلُوسِ مَعَهُمْ فِي مَجَالِسِهِمْ ، فَإِذَا أَرَادَ وَاحِدٌ حَاجَةً أَرْسَلَ الْقَائِمُ مِنْ بَعْضِ الْمَلَائِكَةِ أَنْ يَحْمِلَهُ ، فَيَحْمِلُهُ الْمَلِكُ حَتَّى يَأْتِيَ الْقَائِمَ ، فَيَقْضِي حَاجَتَهُ ثُمَّ يَرْدُّهُ ، وَمِنَ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ يَسِيرُ فِي السَّحَابِ ، وَمِنْهُمْ مَنْ يَطِيرُ مَعَ الْمَلَائِكَةِ ، وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي مَعَ الْمَلَائِكَةِ مَشْيًا .

راجع: ج ٨ ص ٢٧٠ (القسم الحادي عشر / الفصل الرابع / قوة القلب وشدة البدن).

١. أي محمد بن علي ماجيلويه ، عن محمد بن يحيى ، عن محمد بن الحسين ، عن محمد بن إسماعيل ، عن أبي إسماعيل السراج ، عن بشر بن جعفر .

۱۸۶۱. الاختصاص: روایت است که امام صادق علیه السلام فرمود: «در حکومت قائم علیه السلام، قله‌های برافراشته زمین و حاکمان آن، از شیعیان ماهستند به هر یک از آنها نیروی چهل مرد داده شده است».<sup>۱</sup>

۱۸۶۲. کمال‌الدین - باسندش به نقل از ابو بصیر - : امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که کارها به دست صاحب این امر (قیام و حکومت جهانی) بیفتد، خداوند - تبارک و تعالی - همه پستی‌های زمین را بالا می‌آورد و همه بلندی‌های زمین را پایین می‌برد تا دنیا برای او مانند کف دستش باشد. پس کدام یک از شما اگر مویی در کف دستش باشد، او را نمی‌بیند؟!».<sup>۲</sup>

۱۸۶۳. دلائل الإمامة - باسندش به نقل از محمد بن فضیل - : امام رضا علیه السلام فرمود: «هنگامی که قائم قیام کند، خداوند به فرشتگانش فرمان می‌دهد که بر مؤمنان سلام دهند و با آنان در مجلس‌هایشان بنشینند. پس چون هر کدام از آنها نیازی پیدا کند، قائم علیه السلام یکی از فرشتگان را می‌فرستد تا او را بیاورد و آن فرشته، او را با خود به نزد قائم علیه السلام می‌آورد و وی نیازش را برآورده می‌کند و سپس [فرشته] او را باز می‌گرداند. برخی از مؤمنان، میان ابرها سیر می‌کنند و برخی از آنها با فرشتگان پرواز می‌کنند و برخی همراه فرشتگان، پیاده می‌روند و برخی آنها از فرشتگان پیشی می‌گیرند و برخی از آنها در جایگاهی اند که فرشتگان، محاکمه خودشان را نزد آنها می‌آورند، و مؤمنان، نزد خداوند، گرمی‌تر از فرشتگان اند و قائم علیه السلام برخی از آنها را قاضی میان صد هزار فرشته می‌کند».<sup>۳</sup>

ر. ک: ج ۸ ص ۲۷۱ (بخش یازدهم / فصل چهارم / قوی دل و نیرومند).

۱. الاختصاص: ص ۸، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۷۲ ح ۱۶۴.

۲. کمال‌الدین: ص ۶۷۴ ح ۲۹، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۲۸ ح ۴۶.

۳. دلائل الإمامة: ص ۴۵۴ ح ۴۳۴.

## الفصل الخامس

# السِّيَاسَاتُ الْقِضَائِيَّةُ

١/٥

## قَبْعُ الْفَقْرَاءِ

١٨٦٤. الإرشاد: رَوَى الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتْ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا... وَتُظْهِرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا حَتَّى يَرَاهَا النَّاسُ عَلَى وَجْهِهَا، وَيَطْلُبُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ مَنْ يَصِلُهُ بِمَالِهِ وَيَأْخُذُ مِنْهُ زَكَاتَهُ فَلَا يَجِدُ أَحَدًا يَقْبَلُ مِنْهُ ذَلِكَ، اسْتَغْنَى النَّاسُ بِمَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ.

١٨٦٥. الإرشاد: رَوَى عَلِيُّ بْنُ عُقْبَةَ، عَنْ أَبِيهِ<sup>١</sup>، قَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عليه السلام حَكَمَ بِالْعَدْلِ، وَارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ، وَأَمِنَتْ بِهِ السُّبُلُ، وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا، وَرَدَّ كُلُّ حَقٍّ إِلَى أَهْلِهِ، وَلَمْ يَبْقَ أَهْلٌ دِينٍ حَتَّى يُظْهِرُوا الْإِسْلَامَ وَيَعْتَرِفُوا بِالْإِيمَانِ، أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: ﴿وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ﴾<sup>٢</sup> وَحَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَحُكْمِ مُحَمَّدٍ عليه السلام، فَحِينَئِذٍ تُظْهِرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا وَتُبْدِي

١. في كشف الغمّة: «علي بن عقبة عن أبي عبد الله عليه السلام».

٢. آل عمران: ٨٣.

# فصل پنجم

## سیاست های اقتصادی

۱/۵

### ریشه کن کردن فقر

۱۸۶۴. الإرشاد - به نقل از مفضل بن عمر -: شنیدم که امام صادق علیه السلام می فرماید: «قائم ما، هنگامی که قیام کند، زمین به نور پروردگارش روشن می شود... و زمین، گنج هایش را آشکار می کند، تا آن جا که مردم، آن گنج ها را روی زمین می بینند، و برخی از شما، در پی کسی هستند که با رساندن مالی به او، حق خویشاوندی را ادا کند و زکاتش را از او بپذیرد؛ ولی کسی را نمی یابد که از او بپذیرد. مردم با آنچه خداوند از فضل خویش، روزی شان کرده است، بی نیاز از چیزهای دیگر شده اند»<sup>۱</sup>.

۱۸۶۵. الإرشاد - به نقل از علی بن عقبه، از پدرش -: [امام علیه السلام] فرمود: «هنگامی که قائم قیام کند، به عدالت حکم می راند و ستم در روزگار او از میان می رود و راه ها امن می شوند و زمین، برکت هایش را بیرون می آورد و هر حقی به صاحبش باز گردانده می شود و گروندگان به هیچ دینی، باقی نمی مانند، مگر آن که اسلام را اظهار و به ایمان [به آن] اقرار می کنند. آیا سخن خداوند متعال را نشنیده ای که می فرماید: ﴿و هر که در آسمان ها و زمین است، خواه ناخواه تسلیم او خواهد شد و [همه] به سوی او باز

۱. الإرشاد: ج ۲ ص ۲۸۱، إعلام الوری: ج ۲ ص ۲۹۳، کشف الغمّة: ج ۳ ص ۲۵۴، روضة الواعظین: ص ۲۸۹، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۳۷ ذیل ج ۷۷.



بَرَكَاتِهَا، فَلَا يَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ مَوْضِعاً لِيَصَدَّقْتَهُ وَلَا لِيَبْرَهُ لِيُشْمُولَ الْغِنَى جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ.

ثُمَّ قَالَ: إِنَّ دَوْلَتَنَا آخِرُ الدُّوَلِ، وَلَمْ يَبَقْ أَهْلُ بَيْتِ لَهُمْ دَوْلَةٌ إِلَّا مَلَكَوْا قَبْلَنَا، لِئَلَّا يَقُولُوا إِذَا رَأَوْا سَيْرَتَنَا: إِذَا مَلَكَنا سِرْنَا بِمِثْلِ سَيْرَةِ هَؤُلَاءِ، وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾.

١٨٦٦. بحار الأنوار: [السيد علي بن عبد الحميد في كتاب الغيبة] بإسناده رَفَعَهُ إِلَى جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: إِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ وَدَخَلَ الْكُوفَةَ، بَعَثَ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ ظَهْرِ الْكُوفَةِ سَبْعِينَ أَلْفَ صِدِّيقٍ، فَيَكُونُونَ فِي أَصْحَابِهِ وَأَنْصَارِهِ وَيَزُودُ السَّوَادَ إِلَى أَهْلِهِ، هُمْ أَهْلُهُ، وَيُعْطِي النَّاسَ عَطَايَا مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ، وَيَرْزُقُهُمْ فِي الشَّهْرِ رِزْقَيْنِ،<sup>١</sup> وَيُسَوِّي بَيْنَ النَّاسِ حَتَّى لَا تَرَى مُتَحَاجِباً إِلَى الزَّكَاةِ، وَيَجِيءُ أَصْحَابُ الزَّكَاةِ بِزَكَاتِهِمْ إِلَى الْمَحَاوِجِ مِنْ شِيعَتِهِ فَلَا يَقْبَلُونَهَا، فَيُصِرُّونَهَا وَيَدُورُونَ فِي دُورِهِمْ، فَيَخْرُجُونَ إِلَيْهِمْ، فَيَقُولُونَ: لَا حَاجَةَ لَنَا فِي دَرَاهِمِكُمْ.

وساق الحديث إلى أن قال: وَيَجْتَمِعُ إِلَيْهِ أَمْوَالُ أَهْلِ الدُّنْيَا كُلُّهَا مِنْ بَطْنِ الْأَرْضِ وَظَهْرَهَا، فَيُقَالُ لِلنَّاسِ: تَعَالَوْا إِلَى مَا قَطَعْتُمْ فِيهِ الْأَرْحَامَ، وَسَفَكْتُمْ فِيهِ الدَّمَ الْحَرَامَ، وَرَكِبْتُمْ فِيهِ الْمَحَارِمَ. فَيُعْطِي عَطَاءً لَمْ يُعْطِهِ أَحَدٌ قَبْلَهُ.

١٨٦٧. مسند أبي يعلى: حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ عَبْدِ الْجَبَّارِ أَبُو أَيُّوبَ، حَدَّثَنَا سَهْلُ بْنُ عَامِرٍ، حَدَّثَنَا فَضِيلُ بْنُ مَرُوزِقٍ، عَنِ عَطِيَّةَ، عَنِ أَبِي سَعِيدٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: يَكُونُ

١. في أيام الإمام الباقر عليه السلام وبعده لفترة طويلة كان الناس يستلمون مبلغاً معيناً من بيت المال سنوياً، كما كانوا يستلمون حصة من المواد الغذائية في كل شهر، وهذا ما سيضاعفه الإمام المهدي عليه السلام.

گردانده می‌شوند؟! او میان مردم، به حکم داوود علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله و سلم قضاوت می‌کند و این هنگام است که زمین، گنج‌هایش را آشکار و برکت‌هایش را نمایان می‌کند و آن هنگام، کسی از شما، جایی برای دادن صدقه و احسان خویش نمی‌یابد؛ زیرا بی‌نیازی، همه مؤمنان را فرامی‌گیرد». سپس فرمود: «حکومت ما، آخرین حکومت خواهد بود و هیچ خاندانی نخواهند بود، جز آن که پیش از ما حاکم خواهند شد تا چون شیوه ما را دیدند، نگویند: اگر ما نیز حاکم می‌شدیم، مانند همین‌ها رفتار می‌کردیم، و آن همان سخن خدای متعال است: ﴿و فرجام، از آن بانقویان است﴾»<sup>۱</sup>.

. بحار الأنوار - به نقل از کتاب الغیبه‌ی سید علی بن عبد الحمید که او سندش را به جابر رسانده است - : امام باقر علیه السلام فرمود: «هنگامی که قائم ظهور می‌کند و به کوفه وارد می‌شود، خداوند متعال از پشت کوفه، هفتاد هزار صدیق (انسان راستین) را بر می‌انگیزد که جزو همراهان و یاران او می‌شوند و کوفه [و دشت عراق] را به اهلش که خود آنها هستند، باز می‌گرداند، و [امام] در سال، دو بار به مردم عطا می‌کند و در هر ماه، دو بار به آنها روزی می‌رساند<sup>۲</sup> و چنان میان مردم، مساوی توزیع می‌کند که کسی را نیازمند زکات نمی‌بینی، و پرداخت کنندگان زکات، زکاتشان را برای نیازمندان شیعه می‌آورند و آنان آن را نمی‌پذیرند و آنها به ایشان اصرار می‌کنند و در خانه‌هایشان می‌چرخند و به آنها می‌دهند؛ ولی آنها می‌گویند: ما نیازی به پول شما نداریم».

و حدیث ادامه دارد تا آن جا که فرمود: «و اموال همه اهل دنیا از دل زمین و روی آن، نزد او گرد می‌آید و به مردم گفته می‌شود: به سوی چیزی بیایید که به خاطر آن، قطع رحم کردید و خون حرام ریختید و مرتکب حرام‌ها شدید، و او صلی الله علیه و آله و سلم چنان عطا می‌کند که کسی پیش از او نکرده است»<sup>۳</sup>.

۱. الإرشاد: ج ۲ ص ۲۸۴، إعلام الوری: ج ۲ ص ۲۹۰، روضة الواعظین: ص ۲۹۱، كشف الغمة: ج ۳ ص ۲۵۵

(در این منبع، آمده است: به نقل از ابو عبد الله علیه السلام)، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۳۸ ح ۸۳.

۲. در روزگار امام باقر علیه السلام و مدت‌ها پیش از ایشان، مردم، از بیت المال، سهمیه مالی سالانه دریافت می‌کردند. چنان که ارزاق عمومی را در هر ماه می‌گرفتند که گونه‌ای یارانه به شمار می‌آید و امام مهدی علیه السلام آن را دو برابر می‌کند.

۳. بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۹۰ ح ۲۱۲.

فِي آخِرِ الزَّمَانِ عَلَى تَظَاهِرِ الْفَتَنِ وَانْقِطَاعِ مِنَ الزَّمَانِ، إِمَامٌ يَكُونُ أُعْطِيَ النَّاسَ،  
يَجِيئُهُ الرَّجُلُ فَيَحْثُو لَهُ فِي حِجْرِهِ، يَهْمُهُ مَنْ يَقْبَلُ مِنْهُ صَدَقَةٌ ذَلِكَ الْمَالِ، مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ  
أَهْلِهِ، لَمَا يُصِيبُ النَّاسَ مِنَ الْخَيْرِ.

١٨٦٨. مسند ابن حنبل: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ، حَدَّثَنِي أَبِي، حَدَّثَنَا وَكَيْعٌ، عَنِ شُعْبَةَ، عَنِ مَعْبُدِ بْنِ  
خَالِدٍ، قَالَ: سَمِعْتُ حَارِثَةَ بْنَ وَهَبٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

تَصَدَّقُوا فَإِنَّهُ يُوْشِكُ أَحَدُكُمْ أَنْ يُخْرَجَ بِصَدَقَتِهِ فَلَا يَجِدُ مَنْ يَقْبَلُهَا مِنْهُ.

١٨٦٩. صحيح البخاري: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْعَلَاءِ، حَدَّثَنَا أَبُو أُسَامَةَ، عَنِ بُرَيْدٍ، عَنِ أَبِي بَرَدَةَ،  
عَنِ أَبِي مُوسَى، عَنِ النَّبِيِّ ﷺ، قَالَ:

لَيَأْتِيَنَّ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَطُوفُ الرَّجُلُ فِيهِ بِالصَّدَقَةِ مِنَ الذَّهَبِ، ثُمَّ لَا يَجِدُ أَحَدًا  
يَأْخُذُهَا مِنْهُ.

١٨٧٠. صحيح البخاري: حَدَّثَنَا أَبُو الْيَمَانِ، أَخْبَرَنَا شُعَيْبٌ، حَدَّثَنَا أَبُو الزُّنَادِ، عَنِ عَبْدِ  
الرَّحْمَنِ، عَنِ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ﷺ:

لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَكْثُرَ فِيكُمْ الْمَالُ فَيَفِيضَ، حَتَّى يَهْمَ رَبُّ الْمَالِ مَنْ يَقْبَلُ  
صَدَقَتَهُ، وَحَتَّى يَعْرِضَهُ فَيَقُولُ الَّذِي يَعْرِضُهُ عَلَيْهِ: لَا أَرَبَ لِي.

١٨٧١. صحيح البخاري: حَدَّثَنَا قُتَيْبَةُ بْنُ سَعِيدٍ: حَدَّثَنَا اللَّيْثُ، عَنِ ابْنِ شِهَابٍ، عَنِ ابْنِ  
الْمُسَيَّبِ: أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا هُرَيْرَةَ يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، لَيُوشِكَنَّ أَنْ يَنْزَلَ فِيكُمْ ابْنُ مَرْيَمَ حَكَمًا مُقْسِطًا، فَيَكْسِرَ  
الصَّلِيبَ، وَيَقْتُلَ الْخِنْزِيرَ، وَيَضَعَ الْجِزْيَةَ، وَيَفِيضَ الْمَالُ حَتَّى لَا يَقْبَلَهُ أَحَدٌ.

راجع: ص ٢٥٨ (تقسيم الأموال العامة بين الناس بالسوية).

۱۸۶۷. مسند ابی یعلیٰ - با سندش به نقل از ابوسعید - پیامبر خدا ﷺ فرمود: «در آخر الزمان و در پی فتنه های پیاپی و از هم گسستن زمان، پیشوایی می آید که به مردم، بسیار عطا می کند. مردم نزد او می آید و او در دامنش [پول] می ریزد و آن مرد، اندیشناک آن است که زکات آن را چه کند، و چه کسی صدقه آن مال را از او می پذیرد، از بس که به مردم، مال و خیر می رسد».<sup>۱</sup>

۱۸۶۸. مسند ابن حنبل - با سندش به نقل از حارثه بن وهب - پیامبر خدا ﷺ فرمود: «صدقه دهید که نزدیک است کسی از شما، صدقه اش [یا زکاتش] را بیاورد تا بدهد؛ اما کسی را نیابد که از او بپذیرد».<sup>۲</sup>

۱۸۶۹. صحیح البخاری - با سندش به نقل از ابو موسی - پیامبر ﷺ فرمود: «روزگاری بر مردم می آید که انسان می گردد تا طلا صدقه بدهد؛ ولی کسی را نمی یابد که آن را از او بگیرد».<sup>۳</sup>

۱۸۷۰. صحیح البخاری - با سندش به نقل از ابو هریره - پیامبر ﷺ فرمود: «قیامت بر پانمی شود، تا آن که مال در میان شما چندان فراوان می گردد که سرریز می کند و صاحب مال، اندیشناک یافتن پذیرنده صدقه است و حتی آن را عرضه می کند؛ ولی آن که به او عرضه شده است، می گوید: نیازی ندارم».<sup>۴</sup>

۱۸۷۱. صحیح البخاری - با سندش به نقل از ابو هریره - پیامبر خدا ﷺ فرمود: «سوگند به آن که جانم به دست اوست، نزدیک است که پسر مریم علیها السلام چون حاکمی دادگستر میان شما فرود آید و صلیب را بشکند و خوک را بکشد و جزیه را بردارد<sup>۵</sup> و مال، چندان فراوان شود که هیچ کس آن را نپذیرد».<sup>۶</sup>

ر. ک: ص ۳۵۹ (تقسیم اموال عمومی میان مردم به طور یکسان).

۱. مسند ابی یعلیٰ: ج ۲ ص ۳۶ ح ۱۱۰۰.

۲. مسند ابن حنبل: ج ۶ ص ۴۵۲ ح ۱۸۷۵۴، مسند ابی یعلیٰ: ج ۲ ص ۱۷۲ ح ۱۴۷۱، المصنف، ابن ابی شیبه: ج ۳ ص ۵ ح ۱۰، منتخب مسند عبد بن حمید: ص ۱۷۴ ح ۴۷۹.

۳. صحیح البخاری: ج ۲ ص ۵۱۲ ح ۱۲۴۸، صحیح مسلم: ج ۲ ص ۷۰۰ ح ۵۹، صحیح ابن حبان: ج ۱۵ ص ۱۷۳ ح ۶۷۶۹، کنز العمال: ج ۱۴ ص ۲۲۲ ح ۳۸۴۸۲.

۴. صحیح البخاری: ج ۲ ص ۵۱۲ ح ۱۲۴۶، صحیح مسلم: ج ۲ ص ۷۰۱ ح ۶۱، مسند ابی یعلیٰ: ج ۶ ص ۱۷ ح ۶۲۹۲، مسند ابن راهویه: ج ۱ ص ۳۹۸ ح ۴۳۶، کنز العمال: ج ۱۴ ص ۲۰۴ ح ۳۸۴۰۱.

۵. ر. ک: ص ۳۱۳ (جزیه در حکومت مهدوی).

۶. صحیح البخاری: ج ۲ ص ۷۷۴ ح ۲۱۰۹، صحیح مسلم: ج ۱ ص ۱۳۵ ح ۲۴۲، سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۱۴۶۳ ح ۴۰۷۸، مسند ابن حنبل: ج ۳ ص ۶۴۲ ح ۱۰۹۴۴ و ص ۲۹ ح ۷۲۷۳، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۸۲ ح ۱۹۳.

٢ / ٥

## اِسْتِيفَاءُ الْأَمْوَالِ الْعَامَّةِ

١٨٧٢. الكافي: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ أَبِي خَالِدِ الْكَابُلِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع، قَالَ: وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ ع: ﴿إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾، أَنَا وَأَهْلُ بَيْتِي الَّذِينَ أَوْرَثَنَا اللَّهُ الْأَرْضَ وَنَحْنُ الْمُتَّقُونَ، وَالْأَرْضُ كُلُّهَا لَنَا، فَمَنْ أَحْيَا أَرْضاً مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَلْيَعْمَرْهَا وَلْيُوَدِّ خَرَاجَهَا إِلَى الْإِمَامِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، وَلَهُ مَا أَكَلَ مِنْهَا، فَإِنْ تَرَكَهَا أَوْ أَخْرَبَهَا وَأَخَذَهَا رَجُلٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ مِنْ بَعْدِهِ فَعَمَّرَهَا وَأَحْيَاهَا، فَهُوَ أَحَقُّ بِهَا مِنَ الَّذِي تَرَكَهَا، يُؤَدِّي خَرَاجَهَا إِلَى الْإِمَامِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي وَلَهُ مَا أَكَلَ مِنْهَا، حَتَّى يَظْهَرَ الْقَائِمُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي بِالسَّيْفِ، فَيَحْوِبُهَا فَيَحْوِبُهَا؟ وَيَمْنَعُهَا وَيُخْرِجُهُمْ مِنْهَا، كَمَا حَوَاهَا رَسُولُ اللَّهِ ص وَمَنْعَهَا، إِلَّا مَا كَانَ فِي أَيْدِي شِيعَتِنَا فَإِنَّهُ يُقَاتِعُهُمْ عَلِيُّ مَا فِي أَيْدِيهِمْ وَيَتْرُكُ الْأَرْضَ فِي أَيْدِيهِمْ.

١٨٧٣. تهذيب الأحكام: مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ، قَالَ: سَمِعْتُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ الْجَبَلِ يَسْأَلُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ رَجُلٍ أَخَذَ أَرْضاً مَوَاتاً تَرَكَهَا أَهْلِهَا، فَعَمَّرَهَا وَأَكْرَى أَنْهَارَهَا وَبَنَى فِيهَا بُيُوتاً وَغَرَسَ فِيهَا نَخْلاً وَشَجَرًا. قَالَ: فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع يَقُولُ:

۲/۵

## استیفای اموال عمومی

۱۸۷۲. الکافی - باسندش به نقل از ابو خالد کابلی -: امام باقر علیه السلام فرمود: «در کتاب علی علیه السلام آمده

است: «زمین، از آن خداست. آن را به هر کس از بندگان که بخواهد، ارث می‌دهد و فرجام

[بهشت] برای پرهیزگاران است». من و خاندانم، کسانی هستیم که خداوند، زمین را

میراث ما کرده است و آن پرهیزگاران، ما هستیم و تمام زمین، متعلق به ماست.<sup>۱</sup>

بنا بر این، هر یک از مسلمانان که زمینی را احیا می‌کند، باید آبادش گرداند و

خراج آن را به امام از خاندان من پردازد و هر چه از [حاصل] آن زمین بخورد، حقّ

اوست. چنانچه او زمین را رها کند یا آبادش نکند و سپس یکی دیگر از مسلمانان

آن را بگیرد و آباد و احیایش کند، او به آن زمین از کسی که رهایش کرده، اولویت

دارد و خراجش را به امام از خاندان من می‌پردازد و آنچه از [حاصل و درآمد] آن

بخورد، حقّ اوست تا آن گاه که قیام کننده به شمشیر از خاندان من ظهور کند و آن

زمین‌ها را در اختیار بگیرد و از تصرف در آنها منع نماید و تصرف کنندگان را از آنها

بیرون کند، همان گونه که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله زمین‌ها را در اختیار گرفت و از تصرف در

آنها منع کرد، مگر زمین‌هایی که در دست شیعیان ماست که به صورت مقاطعه در

اختیارشان می‌گذارد و زمین در دستشان باقی می‌ماند.<sup>۲</sup>

۱۸۷۳. تهذیب الأحکام - باسندش به نقل از عمر بن یزید -: شنیدم که مردی از اهالی کوهستان

[شمال عراق] از امام صادق علیه السلام در باره مردی می‌پرسد که زمین بایری را

۱. ظاهراً از این جا به بعد، کلام خود امام باقر علیه السلام است.

۲. الکافی: ج ۱ ص ۴۰۷ ح ۱ و ج ۵ ص ۲۷۹ ح ۵، الاستبصار: ج ۳ ص ۱۰۸ ح ۲۸۳ (همه این منابع با سند

صحیح)، تفسیر العیاشی: ج ۲ ص ۲۵ ح ۶۶، تأویل الآیات الظاهرة: ج ۱ ص ۱۷۷ ح ۱۵، بحار الأنوار: ج ۵۲

مَنْ أَحْيَا أَرْضاً مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَهِيَ لَهُ وَعَلَيْهِ طَسَقُهَا<sup>١</sup> يُؤَدِّبُهُ إِلَى الْإِمَامِ فِي حَالِ الْهُدَى،  
فَإِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ عليه السلام فَلْيُوطِّنْ نَفْسَهُ عَلَى أَنْ تُؤْخَذَ مِنْهُ.

١٨٧٢. الكافي: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ،  
قَالَ: رَأَيْتُ مِسْمَعاً بِالْمَدِينَةِ وَقَدْ كَانَ حَمَلَ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام تِلْكَ السَّنَةَ مَالاً فَرَدَّه  
أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، فَقُلْتُ لَهُ: لِمَ رَدَّ عَلَيْكَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْمَالَ الَّذِي حَمَلْتَهُ إِلَيْهِ؟ قَالَ: فَقَالَ  
لِي: إِنِّي قُلْتُ لَهُ حِينَ حَمَلْتُ إِلَيْهِ الْمَالَ: إِنِّي كُنْتُ وَوَلَّيْتُ الْبَحْرَيْنِ الْعَوْصَ، فَأَصَبْتُ  
أَرْبَعِمِئَةَ أَلْفٍ دِرْهَمٍ وَقَدْ جِئْتُكَ بِخَمْسِيهَا بِثَمَانِينَ أَلْفٍ دِرْهَمٍ وَكَرِهْتُ أَنْ أَحْبِسَهَا  
عَنْكَ، وَأَنْ أُعْرِضَ لَهَا وَهِيَ حَقُّكَ الَّذِي جَعَلَهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي أَمْوَالِنَا.

فَقَالَ: أَوْ مَا لَنَا مِنَ الْأَرْضِ وَمَا أَخْرَجَ اللَّهُ مِنْهَا إِلَّا الْخُمْسُ يَا أبا سَيَّارٍ؟ إِنَّ  
الْأَرْضَ كُلُّهَا لَنَا، فَمَا أَخْرَجَ اللَّهُ مِنْهَا مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ لَنَا.  
فَقُلْتُ لَهُ: وَأَنَا أَحْمِلُ إِلَيْكَ الْمَالَ كُلَّهُ.

فَقَالَ: يَا أبا سَيَّارٍ، قَدْ طَيَّبْنَا لَكَ وَأَحْلَلْنَاكَ مِنْهُ فَضُمَّ إِلَيْكَ مَالَكَ، وَكُلُّ مَا فِي  
أَيْدِي شِيعَتِنَا مِنَ الْأَرْضِ فَهُمْ فِيهِ مُحَلَّلُونَ حَتَّى يَقَوْمَ قَائِمُنَا، فَيَجْبِيهِمْ طَسَقٌ مَا كَانَ  
فِي أَيْدِيهِمْ وَيَتْرَكَ الْأَرْضَ فِي أَيْدِيهِمْ، وَأَمَّا مَا كَانَ فِي أَيْدِي غَيْرِهِمْ فَإِنَّ كَسْبَهُمْ مِنَ  
الْأَرْضِ حَرَامٌ عَلَيْهِمْ حَتَّى يَقَوْمَ قَائِمُنَا، فَيَأْخُذُ الْأَرْضَ مِنْ أَيْدِيهِمْ وَيُخْرِجُهُمْ صَغَرَةً.  
قَالَ عُمَرُ بْنُ يَزِيدَ: فَقَالَ لِي أَبُو سَيَّارٍ: مَا أَرَى أَحَدًا مِنْ أَصْحَابِ الضِّيَاعِ وَلَا

١. الطَّسَقُ: مَا يُوَضَعُ مِنَ الْوِظْفِيَّةِ عَلَى الْجِرْبَانِ مِنَ الْخِرَاجِ الْمَقْرَرِ عَلَى الْأَرْضِ. فَارْسِي مَعْرَبٌ (لسان العرب: حج

گرفته که صاحبانش آن را رها کرده و رفته‌اند و آن‌گاه آبادش نموده و جوی‌هایش را کشیده و افزوده و اتاق‌هایی در آن ساخته و نهالی نشانده و نخلی کاشته است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرمود: هر کس زمینی از مؤمنان را احیا کند، برای اوست و مالیاتش<sup>۱</sup> را در روزگار صلح باید به حاکم [مسلمانان] بپردازد و چون قائم ظهور کند، خود را آماده کند که آن زمین [ممکن است از آن دیگری باشد و] از او گرفته شود».<sup>۲</sup>

۱۸۷۴. الکافی - با سندش به نقل از عمر بن یزید -: مسمع را در مدینه دیدم. او در آن سال، مبلغی وجوهات را خدمت امام صادق علیه السلام آورده و ایشان نپذیرفته بود. به او گفتم: چرا امام صادق علیه السلام وجوهاتی را که برایش بردی، به تو برگرداند؟

گفت: وقتی پول‌ها را خدمتش بردم، به ایشان گفتم: غواصی [مروارید] بحرین به من واگذار شده بود که از طریق آن، چهارصد هزار درهم به دست آوردم و خمس آن - یعنی هشتاد هزار درهم - را خدمت شما آوردم؛ چون خوش نداشتم آن را که حق شماست و خداوند - تبارک و تعالی - در اموال ما مقرر داشته است، از شما باز دارم و در آن دخل و تصرف کنم! فرمود: «آیا از زمین و آنچه خداوند از آن در آورده، تنها یک پنجم، مال ماست؟ ای ابو سیار! زمین تماماً متعلق به ماست. پس هر چه خداوند از آن در آورده، از آن ماست». به ایشان گفتم: من همه آن مبلغ را خدمتتان خواهم آورد.

فرمود: «ای ابو سیار! ما آن را بر تو حلال و گوارا کردیم. پس این پول‌هایت را هم برای خودت بردار. هر زمینی که در دست شیعیان ماست، برایشان حلال است تا آن‌گاه که قائم علیه السلام ظهور کند که مالیات آنچه را در اختیار دارند، از آنها می‌گیرد و زمین را در دست آنها باقی می‌گذارد. اما زمین‌هایی که در دست غیر شیعیان است، درآمدش هم برایشان حرام است و زمانی که قائم ما ظهور کند، زمین را از آنها می‌گیرد و با ذلت و خواری بیر و نشان می‌کند». ابو سیار به من گفت: [با این حساب] من فکر نمی‌کنم غیر از من، هیچ یک از صاحبان املاک و کارگزاران [دولتی] حلال بنخورد، مگر کسی که امامان علیهم السلام آن را برایش حلال کرده

۱. در متن حدیث، «طسوق» آمده است که معرب «تشک» فارسی است و آن، مالیاتی است که بر حسب مقدار زراعت، از مالک مزرعه دریافت می‌کنند و به آن خراج هم می‌گویند (ر.ک: لغت‌نامه دهخدا).

۲. تهذیب الأحکام: ج ۴ ص ۱۴۵ ح ۴۰۴ (با سند معتبر)، وسائل الشیعة: ج ۶ ص ۲۸۲ ح ۱۳.



مِمَّن يَلِي الْأَعْمَالَ يَأْكُلُ حَلَالًا غَيْرِي، إِلَّا مَنْ طَبَّيَا لَهُ ذَلِكَ.

٣ / ٥

## اسْتِعْمَالُ ذَخَائِرِ الْأَغْنِيَاءِ فِي بَيْتِ الْفِيَامِ

١٨٧٥. الكافي: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ مُعَاذِ بْنِ كَثِيرٍ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:

مُوسِعٌ عَلَيَّ شِيعَتِنَا أَنْ يُنْفِقُوا مِمَّا فِي أَيْدِيهِمْ بِالْمَعْرُوفِ، فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا حَرَّمَ عَلَيَّ كُلَّ ذِي كَنْزٍ كَنْزُهُ، حَتَّى يَأْتِيَهُ بِهِ فَيَسْتَعِينُ بِهِ عَلَيَّ عَدُوَّهُ، وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾<sup>١</sup>.

٤ / ٥

## اسْتِخْرَاجُ كُنُوزِ الْأَرْضِ

١٨٧٦. المصنّف لعبد الرزاق: أَخْبَرَنَا عَبْدُ الرَّزَّاقِ، عَنْ مَعْمَرٍ، عَنْ قَنَادَةَ، يَرْفَعُهُ إِلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله. قَالَ [فِي ذِكْرِ الْمَهْدِيِّ عليه السلام]: فَيَسْتَخْرِجُ الْكُنُوزَ، وَيَقْسِمُ الْمَالَ، وَيُلْقِي الْإِسْلَامَ بِجِرَانِهِ إِلَى الْأَرْضِ.

١٨٧٧. الإرشاد: رَوَى الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتْ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا... وَتُظْهِرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا حَتَّى يَرَاهَا النَّاسُ عَلَيَّ وَجْهَهَا.

١٨٧٨. الاحتجاج: عَنْ زَيْدِ بْنِ وَهْبِ الْجُهَنِيِّ عَنِ الْإِمَامِ الْحَسَنِ عليه السلام: إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ لِي ذَاتَ يَوْمٍ - وَقَدْ رَأَيْتَنِي فَرِحًا -: ... وَتُنزِلُ السَّمَاءُ بَرَكَتَهَا، وَتُظْهِرُ لَهُ الْكُنُوزَ.

باشند<sup>۱</sup>.

۳/۵

### به‌کارگیری اندوخته‌های توألمران در آغاز قیام

۱۸۷۵. الکافی - با سندش به نقل از معاذ بن کثیر - شنیدم که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «شیعیان ما مجازند که آنچه را در اختیار دارند، به نیکویی هزینه کنند و چون قائم ما قیام کند، بر هر صاحب اندوخته‌ای، اندوخته‌اش را حرام می‌کند تا آن که آن را برای او (قائم علیه السلام) بیاورد و او آن را علیه دشمنش به کار گیرد، و آن، همان سخن خدای تعالی است که: «و کسانی را که طلا و نقره می‌اندوزند و آن را در راه خدا هزینه نمی‌کنند، به عذابی دردناک بشارت بده»<sup>۳</sup>.

۴/۵

### آشکار شدن گنج‌های زمین

۱۸۷۶. المصنّف، عبد الرزاق - با سندش به نقل از قتاده، در یادکرد مهدی علیه السلام - پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «گنج‌ها را بیرون می‌کشد، مال را تقسیم می‌کند و اسلام، سینه و گردن به زمین می‌چسباند (همه جا را فرا می‌گیرد)»<sup>۴</sup>.

۱۸۷۷. الإرشاد - به نقل از مفضل بن عمر - شنیدم که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «قائم ما، هنگامی که قیام کند، زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود... و زمین، گنج‌هایش را آشکار می‌کند تا آن جا که مردم، آن گنج‌ها را روی زمین می‌بینند»<sup>۵</sup>.

۱۸۷۸. الاحتجاج - به نقل از زید بن وهب جُهَنی، از امام حسن علیه السلام - امیر مؤمنان علیه السلام یک روز که

۱. در ترجمه احادیث این باب، از ترجمه جناب شیخی از الکافی استفاده شد (م).

۲. الکافی: ج ۱ ص ۴۰۸ ح ۳ (با سند معتبر)، تهذیب الأحکام: ج ۴ ص ۱۴۴ ح ۴۰۳ (در این منبع، از عبارت «قال عمر بن یزید» تا پایان حدیث، نیامده است).

۳. الکافی: ج ۴ ص ۶۱ ح ۴ (با سند معتبر)، تهذیب الأحکام: ج ۴ ص ۱۴۴ ح ۴۰۲ (با سندهای معتبر)، تفسیر العیاشی: ج ۲ ص ۸۷ ح ۵۴، بحار الأنوار: ج ۷۳ ص ۱۴۳ ح ۲۳.

۴. المصنّف، عبد الرزاق: ج ۱۱ ص ۳۷۱ ح ۲۰۷۶۹، الفتن: ج ۱ ص ۳۵۸ ح ۱۰۳۷، الملاحم و الفتن: ص ۱۴۶ ح ۱۷۶.

۵. الإرشاد: ج ۲ ص ۳۸۱، نیز، برای دیدن همه حدیث، ر.ک: همین دانش‌نامه: ص ۳۴۶ ح ۱۸۶۴.

١٨٧٩. الخرائج والجرائح: قَالَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عليه السلام فِي قَوْلِهِ: ﴿وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَهْرَهُ وَبَاطِنَهُ﴾<sup>١</sup>: الظَّاهِرَةُ: الإِمَامُ الظَّاهِرُ، وَالبَاطِنَةُ: الإِمَامُ الغَائِبُ، يَغِيبُ عَن أَبْصَارِ النَّاسِ شَخْصَهُ، تَظْهَرُ لَهُ كُنُوزُ الأَرْضِ، وَيَقْرُبُ عَلَيْهِ كُلُّ بَعِيدٍ.

راجع: ص ٢٥٠ ح ١٨١٤

و ص ٢٥٤ ص ١٨١٧

و ص ٣٦٢ ح ١٨٨٥

## ٥ / ٥

### تَقْسِيمُ الأَمْوَالِ العَامَةِ بَيْنَ النَّاسِ بِالسَّوِيَّةِ

١٨٨٠. الكافي: الحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنِ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهورٍ، عَنِ حَمَادِ بْنِ عُثْمَانَ، عَنِ أَبِي حَمزَةَ، قَالَ: سَأَلْتُ أبا جَعْفَرٍ عليه السلام: مَا حَقُّ الإِمَامِ عَلَى النَّاسِ؟ قَالَ: حَقُّهُ عَلَيْهِمْ أَنْ يَسْمَعُوا لَهُ وَيُطِيعُوا. قُلْتُ: فَمَا حَقُّهُمْ عَلَيْهِ؟ قَالَ: يَتَقَسَّمُ بَيْنَهُمْ بِالسَّوِيَّةِ وَيَعْدِلُ فِي الرِّعَايَةِ، فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فِي النَّاسِ، فَلَا يُبَالِي مَنْ أَخَذَ هَاهُنَا وَهَاهُنَا.

١٨٨١. الخصال: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الحَسَنِ القَطَّانُ، وَمُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَانِيُّ، وَعَلِيُّ بْنُ مُوسَى الدَّقَّاقُ، وَالحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ هِشَامِ المُكْتَبِ، وَعَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الوَرَّاقُ، قَالُوا: حَدَّثَنَا أَبُو العَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا القَطَّانُ، قَالَ: حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا تَمِيمُ بْنُ بَهلولٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ حَكِيمٍ، عَنِ ثَوْرِ بْنِ يَزِيدَ، عَنِ مَكحولٍ، قَالَ:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام: لَقَدْ عَلِمَ المُسْتَحْفِظُونَ مِنْ أَصْحَابِ

مرا خوش حال دید، فرمود: «... آسمان، برکنش را فرو می‌فرستد و گنج‌های نهان برایش پدیدار می‌شوند»<sup>۱</sup>.

۱۸۷۹. الخرائج والجرایح: امام موسی بن جعفر علیه السلام در باره سخن خداوند: «و نعمت‌های آشکار و نهانش را بر شما فراوان و کامل داده است» فرمود: «نعمت آشکار، امام ظاهر و نعمت نهان، امام غائب است که پیکرش از دیدگان مردم نهان می‌شود و گنج‌های نهفته زمین برایش آشکار می‌گردند و هر دوری (دست‌نیافتنی) برایش نزدیک می‌شود»<sup>۲</sup>.

ر.ک: ص ۲۵۱ ح ۱۸۱۴

و ص ۲۵۵ ص ۱۸۱۷

و ص ۳۶۳ ح ۱۸۸۵.

## ۵/۵ تقسیم اموال عمومی میان مردم به طور یکسان

۱۸۸۰. الکافی - با سندش به نقل از ابو حمزه - : از امام باقر علیه السلام پرسیدم: حق امام بر مردم چیست؟ فرمود: «حَقَّش بر آنان، گوش به فرمان او بودن و اطاعت از اوست».

گفتم: حق مردم بر او چیست؟

فرمود: «تقسیم یکسان [ثروت] میان ایشان و عدالت‌ورزی میان توده، که چون این گونه اطاعت و میان مردم عدالت شد، دیگر اهمیتی ندارد کسی از این سو و آن سو چیزی برگیرد»<sup>۳</sup>.

۱۸۸۱. الخصال - با سندش به نقل از مکحول - : امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «یاران نگهدار [دین] پیامبر، محمد صلی الله علیه و آله و سلم، می‌دانند که میان ایشان مردی نیست که فضیلتی داشته باشد، جز آن که من در آن، شریک و از او برتر هستم، و من هفتاد فضیلت دارم که هیچ کدام از اصحاب در آنها با من شریک نیستند... و اما فضیلت پنجاه و سوم: خداوند - تبارک و تعالی -

۱. الاحتجاج: ج ۲ ص ۶۹ ح ۱۵۸. نیز برای دیدن همه حدیث، ر.ک: همین دانش‌نامه: ص ۳۷۹ ح ۱۹۰۸.

۲. الخرائج والجرایح: ج ۳ ص ۱۱۶۵ ح ۶۴. بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۶۴ ح ۶۵.

۳. الکافی: ج ۱ ص ۴۰۵ ح ۱. بحار الأنوار: ج ۲۷ ص ۲۴۴ ح ۴.

النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ عليه السلام أَنَّهُ لَيْسَ فِيهِمْ رَجُلٌ لَهُ مَنْقَبَةٌ إِلَّا وَقَدْ شَرِكْتُهُ فِيهَا وَفَضَلْتُهُ، وَلِي سَبْعُونَ مَنْقَبَةً لَمْ يَشْرِكْنِي فِيهَا أَحَدٌ مِنْهُمْ... وَأَمَّا الثَّالِثَةُ وَالْخَمْسُونَ: فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَنْ يَذْهَبَ بِالدُّنْيَا حَتَّى يَقُومَ مِنَّا الْقَائِمُ، يَقْتُلُ مُبْغِضِينَا، وَلَا يَقْبَلُ الْجِزْيَةَ، وَيَكْسِرُ الصَّلِيبَ وَالْأَصْنَامَ، وَتَضَعُ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا، وَيَدْعُو إِلَى اخْتِزَالِ الْمَالِ فَيَقْسِمُهُ بِالسَّوِيَّةِ، وَيَعْدِلُ فِي الرَّعِيَّةِ.

١٨٨٢. علل الشرائع: حَدَّثَنَا أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ، عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ، عَنِ سُفْيَانَ بْنِ عَبْدِ الْمُؤْمِنِ الْأَنْصَارِيِّ، عَنِ عَمْرِو بْنِ شَمْرِ، عَنِ جَابِرٍ، قَالَ: أَقْبَلَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام وَأَنَا حَاضِرٌ، فَقَالَ: رَحِمَكَ اللَّهُ، اقْبِضْ هَذِهِ الْخَمْسِمِئَةَ دِرْهَمٍ فَضَعْهَا فِي مَوْضِعِهَا فَإِنَّهَا زَكَاةٌ مَالِي.

فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: بَلْ خُذْهَا أَنْتَ فَضَعْهَا فِي جِيرَانِكَ وَالْأَيْتَامِ وَالْمَسَاكِينِ، وَفِي إِخْوَانِكَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ، إِنَّمَا يَكُونُ هَذَا إِذَا قَامَ قَائِمُنَا، فَإِنَّهُ يَقْسِمُ بِالسَّوِيَّةِ، وَيَعْدِلُ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ، الْبِرِّ مِنْهُمْ وَالْفَاجِرِ.

١٨٨٣. مسند ابن حنبل: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ، حَدَّثَنِي أَبِي، ثنا عَبْدُ الرَّزَّاقِ، ثنا جَعْفَرٌ، عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ زِيَادٍ، ثنا الْعَلَاءُ بْنُ بَشِيرٍ، عَنِ أَبِي الصَّدِّيقِ التَّاجِي، عَنِ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: أَبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ، يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَزَلْزَلٍ، فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَظُلْمًا، يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَسَاكِنُ الْأَرْضِ، يَقْسِمُ الْمَالَ صِحَاحًا.

فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: مَا صِحَاحًا؟ قَالَ: بِالسَّوِيَّةِ بَيْنَ النَّاسِ.

دنیا را از میان نمی‌برد تا قائم ما قیام کند و دشمنان ما را بکشد. او جزیه نمی‌پذیرد و صلیب و بت‌ها را می‌شکند و [چون] جنگ فرو بنشیند و به گرفتن مال فرا بخواند، آن را یکسان تقسیم می‌کند و میان مردم عدالت می‌ورزد»<sup>۱</sup>.

۱۸۸۲. **علل الشرائع** - با سندش به نقل از جابر - : مردی نزد امام باقر علیه السلام آمد و من حاضر بودم که گفت: خدا رحمت کند! این پانصد درهم را بگیر و آن را در جای مناسبش مصرف کن؛ که آن، زکات مال من است.

امام باقر علیه السلام به او فرمود: «بلکه تو آن را بگیر و برای همسایگان، یتیمان، بینوایان و برادران مسلمانان مصرف کن، که این [گونه زکات دادن به امام]، تنها هنگامی است که قائم ما قیام کند. او آن را یکسان تقسیم می‌کند و میان خلق خدای رحمان، نیکوکار و بدکارشان، عدالت می‌ورزد»<sup>۲</sup>.

۱۸۸۳. **مسند ابن حنبل** - با سندش به نقل از ابو سعید خُدَری - : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «شما را به مهدی بشارت می‌دهم، هنگامی که میان مردم، اختلاف و زلزله‌ها واقع شد، او میان امتم برانگیخته می‌شود و زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است، ساکنان آسمان و زمین از او راضی می‌شوند و مال را به درستی قسمت می‌کند».

مردی به ایشان گفت: مقصود از تقسیم درست چیست؟

فرمود: «میان مردم، یکسان قسمت می‌کند»<sup>۳</sup>.

۱. الخصال: ص ۵۷۲-۵۷۸ ح ۱، بحار الأنوار: ج ۳۱ ح ۴۴۳ ح ۲.

۲. علل الشرائع: ص ۱۶۱ ح ۲. نیز، برای دیدن همه حدیث، ر.ک: ص ۴۰۹ ح ۱۹۳۴.

۳. مسند ابن حنبل: ج ۴ ص ۷۵ ح ۱۱۳۲۶، کز العمال: ج ۱۴ ص ۲۶۱ ح ۲۸۶۵۳، کشف الغمّة: ج ۳ ص ۲۷۳ و

۲۶۱ (با عبارت مشابه)، دلائل الإمامة: ص ۴۷۱ ح ۴۶۳، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۹۲ ح ۳۸.

٦/٥

### حَرِيمُ رِيحِ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ

١٨٨٢. تهذيب الأحكام: أبو الحسين مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الْأَسَدِيِّ، عَنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ النَّخَعِيِّ، عَنْ عَمِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ التَّوْفَلِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: عَنْ الْخَبْرِ الَّذِي رُوِيَ أَنَّ مَنْ كَانَ بِالرَّهْنِ أَوْ تَقَى مِنْهُ بِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فَأَنَا مِنْهُ بَرِيءٌ؟ فَقَالَ: ذَلِكَ إِذَا ظَهَرَ الْحَقُّ، وَقَامَ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ عليهم السلام.

قُلْتُ: فَالْخَبْرُ الَّذِي رُوِيَ أَنَّ رِيحَ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ رِبَاءٌ، مَا هُوَ؟

فَقَالَ: ذَلِكَ إِذَا ظَهَرَ الْحَقُّ وَقَامَ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ عليهم السلام، فَأَمَّا الْيَوْمَ فَلَا بَأْسَ أَنْ يَبِيعَ مِنَ الْأَخِ الْمُؤْمِنِ وَيَرَبِّحَ عَلَيْهِ.

٧/٥

### عِمْرَانُ بِقَاعِ الْأَرْضِ كُلِّهَا

١٨٨٥. كمال الدين: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عِصَامٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكَلْبِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ الْعَلَاءِ، قَالَ: حَدَّثَنِي إِسْمَاعِيلُ بْنُ عَلِيِّ الْقَزْوِينِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ عَاصِمِ بْنِ حَمِيدِ الْحَنَاطِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمِ التَّفَفِيِّ:

سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيِّ الْبَاقِرِ عليه السلام يَقُولُ: الْقَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ، مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ، تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ وَتُظَهَّرُ لَهُ الْكُنُوزُ، يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ، وَيُظَهِّرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا قَدْ عُمِرَ.

۶/۵

## ممنوعیت سود گرفتن مؤمن از مؤمن

۱۸۸۴. تهذیب الأحکام - با سندش به نقل از علی بن سالم، از پدرش - : از امام صادق علیه السلام درباره روایتی پرسیدم که نقل شده است که: هر کس اعتمادش به رهنی که از برادر دینی اش می‌گیرد، بیشتر از اعتمادش به خود او باشد، من از او بیزارم. فرمود: «این برای هنگامی است که حق آشکار می‌شود و قائم ما اهل بیت، قیام می‌کند».

گفتم: روایتی که نقل شده است که: سود مؤمن از مؤمن ریاست، چیست؟ فرمود: «آن نیز برای هنگامی است که حق آشکار می‌شود و قائم ما اهل بیت، قیام می‌کند؛ اما امروز، مشکلی نیست که مؤمن به مؤمن چیزی بفروشد و از او سود بگیرد».<sup>۱</sup>

۷/۵

## آباد کردن بیه زمین

۱۸۸۵. کمال الدین - با سندش به نقل از محمد بن مسلم ثقفی -: شنیدم که امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید: «قائم ما با هراس [افتادن در دل دشمنش] یاری و با نصرت الهی تأیید می‌گردد، زمین زیر پایش در می‌نوردد و گنج‌ها برایش آشکار می‌شوند و فرمان‌روایی اش شرق و غرب را در بر می‌گیرد و خداوند تعالی دین خود را با او بر همه دین‌ها غلبه می‌دهد، هر چند مشرکان را ناخوش آید و ویرانی‌ای در زمین نمی‌ماند، جز آن که آباد می‌شود».<sup>۲</sup>

۱. تهذیب الأحکام: ج ۷ ص ۱۷۸ ح ۷۸۵، کتاب من لایحضره الفقیه: ج ۳ ص ۳۱۳ ح ۴۱۱۹.

۲. کمال الدین: ص ۳۳۰ ح ۱۶، إعلام الوری: ج ۲ ص ۲۹۱، کشف الغمّة: ج ۳ ص ۳۲۴، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۱۹۱ ح ۲۴. نیز، برای دیدن همه حدیث، ر. ک: همین دانش‌نامه: ج ۷ ص ۲۸۸ ح ۱۳۹۵.



١٨٨٦. مصباح الزائر: ذَكَرَ الْعَهْدَ الْمَأْمُورَ بِهِ فِي زَمَانِ الْغَيْبَةِ: رُوِيَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ ع:.... وَاعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ، وَأَحْيِ بِهِ عِبَادَكَ، فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ: ﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ﴾<sup>١</sup>

١٨٨٧. ينابيع المودة عن الإمام علي - فِي صِفَةِ الْمَهْدِيِّ ع -: وَتُعْمَرُ الْأَرْضُ وَتَصْفُو وَتَزْهُو الْأَرْضُ بِمَهْدِيِّهَا وَتَجْرِي بِهِ أَنْهَارُهَا.

٨ / ٥

## إِعْطَاءُ الْمَالِ مِنْ دُونِ حَسَبٍ

١٨٨٨. صحيح مسلم: حَدَّثَنِي زُهَيْرُ بْنُ حَرْبٍ، حَدَّثَنَا عَبْدُ الصَّمَدِ بْنُ عَبْدِ الْوَارِثِ، حَدَّثَنَا أَبِي، حَدَّثَنَا دَاوُدَ، عَنْ أَبِي نَضْرَةَ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ وَجَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَا: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ خَلِيفَةٌ يَقْسِمُ الْمَالَ وَلَا يَعُدُّهُ.

١٨٨٩. صحيح مسلم: حَدَّثَنَا نَصْرُ بْنُ عَلِيٍّ الْجَهْزَمِيُّ، حَدَّثَنَا بِشْرُ بْنُ الْمُفَضَّلِ، وَحَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ حِجْرٍ السَّعْدِيُّ، حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ (يَعْنِي ابْنَ عَلِيَّةَ) كِلَاهُمَا عَنْ سَعِيدِ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ أَبِي نَضْرَةَ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مِنْ خُلَفَائِكُمْ خَلِيفَةٌ يَحْنُو الْمَالَ حَنِيئًا لَا يَعُدُّهُ عَدَدًا.

١٨٩٠. صحيح مسلم: حَدَّثَنَا زُهَيْرُ بْنُ حَرْبٍ وَعَلِيُّ بْنُ حُجْرٍ (وَاللَّفْظُ لِزُهَيْرٍ) قَالَا: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ الْجَرِيرِيِّ، عَنْ أَبِي نَضْرَةَ، قَالَ: كُنَّا عِنْدَ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، فَقَالَ: يَوْشِكُ أَهْلَ الْعِرَاقِ أَنْ لَا يُجْبَى إِلَيْهِمْ قَفِيرٌ<sup>٢</sup> وَلَا دِرْهَمٌ، قُلْنَا: مِنْ أَيْنَ ذَلِكَ؟ قَالَ: مِنْ قَبْلِ الْعَجَمِ، يَمْنَعُونَ ذَلِكَ، ثُمَّ قَالَ: يَوْشِكُ أَهْلَ الشَّامِ أَنْ لَا يُجْبَى إِلَيْهِمْ

١. الروم: ٤١.

٢. القفيز: مكيال يتواضع الناس عليه وهو عند أهل العراق ثمانية مكاكيك (النهاية: ج ٤ ص ٩٠ «قفز»).

۱۸۸۶. مصباح الزائر: ذکر عهدی که در روزگار غیبت به آن امر شده است. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «... پروردگارا! سرزمین‌هایت را به دست او آباد و بندگانت را به وسیله او زنده کن، که تو به راستی گفته‌ای: «تباهی در خشکی و دریا، به دلیل دستاوردهای [گناهان] مردم، پدیدار شده است»<sup>۱</sup>».

۱۸۸۷. بنایع المودة - در وصف امام مهدی علیه السلام :- امام علی علیه السلام فرمود: «زمین به وسیله مهدی، آباد و خرم می‌شود و به وسیله او چشمه‌سارها روان می‌گردند»<sup>۲</sup>.

۸ / ۵

## بخش مال، بدون حساب

۱۸۸۸. صحیح مسلم - با سندش به نقل از ابو سعید و جابر بن عبد الله :- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«در آخر الزمان، خلیفه‌ای خواهد بود که مال را تقسیم می‌کند، بی آن که بشمارد»<sup>۳</sup>.

۱۸۸۹. صحیح مسلم - با سندش به نقل از ابو سعید :- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «یکی از خلفای

شما، خلیفه‌ای است که مال را عطا می‌کند، بی آن که آن را بشمارد»<sup>۴</sup>.

۱۸۹۰. صحیح مسلم - با سندش به نقل از ابو نضره :- نزد جابر بن عبد الله بودیم که گفت:

نزدیک است که برای عراقیان، نه محصولی از خراج زمین بیاورند و نه درهمی!

گفتیم: این از کجا می‌شود؟

گفت: از سوی عَجَم (ایرانیان). آنان آن را جلو می‌گیرند. سپس گفت: نزدیک

۱. روم: آیه ۴۱.

۲. مصباح الزائر: ص ۴۵۵. نیز برای دیدن همه حدیث، ر.ک: همین دانش‌نامه: ج ۶ ص ۲۴۰ ح ۱۰۸۱.

۳. بنایع المودة: ج ۳ ص ۲۲۸.

۴. صحیح مسلم: ج ۴ ص ۲۲۳۵ ح ۶۹. مستد این حنبلی: ج ۴ ص ۷۸ ح ۱۱۳۳۹، المستدرک علی الصحیحین:

ج ۴ ص ۵۰۱ ح ۸۴۰۱، مستد ابی بعلی: ج ۲ ص ۷۳ ح ۱۲۱۱، کنز العمال: ج ۱۴ ص ۲۶۴ ح ۳۸۶۶۰: العمدة:

ص ۴۲۴ ح ۸۸۸، کشف الغمة: ج ۳ ص ۲۷۳، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۱۰۴.

۵. صحیح مسلم: ج ۴ ص ۲۲۳۵ ح ۶۸، مستد این حنبلی: ج ۴ ص ۱۲۱ ح ۱۱۵۸۱، کنز العمال: ج ۱۴ ص ۲۶۶

ح ۳۸۶۷۲: العمدة: ص ۴۲۴ ح ۸۸۷، کشف الغمة: ج ۳ ص ۲۷۳، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۹۲ ح ۳۸.

دینارٌ ولا مُدِيٍّ<sup>١</sup>، قُلْنَا: مِنْ أَيْنَ ذَاكَ؟ قَالَ مِنْ قِبَلِ الرُّومِ. ثُمَّ أَسَكَتَ هُنَيْئَةً، ثُمَّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: يَكُونُ فِي آخِرِ أُمَّتِي خَلِيفَةٌ يُحِثِي الْمَالَ حِثْيًا لَا يَعُدُّهُ عَدْدًا.

١٨٩١. مسند ابن حنبل: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ، حَدَّثَنِي أَبِي، ثنا عَبْدُ الرَّزَّاقِ، ثنا جَعْفَرُ، عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ زِيَادٍ، ثنا الْعَلَاءُ بْنُ بَشِيرٍ، عَنِ أَبِي الصَّدِّيقِ النَّاجِي، عَنِ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: يَمَلَأُ اللَّهُ قُلُوبَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ غِنًى، وَيَسْعُهُمْ عَدْلُهُ حَتَّى يَأْمُرَ مُنَادِيًا فَيُنَادِي فَيَقُولُ: مَنْ لَهُ فِي مَالٍ حَاجَةٌ؟ فَمَا يَقُومُ مِنَ النَّاسِ إِلَّا رَجُلٌ، فَيَقُولُ: إِبْتِ السَّدَانَ - يَعْنِي الْخَازِنَ - فَقُلْ لَهُ: إِنَّ الْمَهْدِيَّ يَأْمُرُكَ أَنْ تُعْطِيَنِي مَالًا، فَيَقُولُ لَهُ: أُحِثُّ، حَتَّى إِذَا جَعَلَهُ فِي حِجْرِهِ وَأَبْرَزَهُ نَدِمَ، فَيَقُولُ: كُنْتُ أَجْشَعُ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ نَفْسًا، أَوْ عَجَزَ عَنِّي مَا وَسِعَهُمْ<sup>٢</sup>.

قَالَ: فَيُرَدُّهُ، فَلَا يَقْبَلُ مِنْهُ. فَيَقَالُ لَهُ: إِنَّا لَا نَأْخُذُ شَيْئًا أُعْطِينَاهُ، فَيَكُونُ كَذَلِكَ سَبْعَ سِنِينَ أَوْ ثَمَانَ سِنِينَ أَوْ تِسْعَ سِنِينَ.

١٨٩٢. الغيبة للنعماني: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ عَيْسَى الْقُوهِسْتَانِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا بَدْرُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ بَدْرِ الْأَنْمَاطِيُّ فِي سَوْقِ اللَّيْلِ بِمَكَّةَ - وَكَانَ شَيْخًا نَفِيسًا مِنْ إِخْوَانِنَا الْفَاضِلِينَ، وَكَانَ مِنْ أَهْلِ قَرْوِينَ - فِي سَنَةِ خَمْسٍ وَسِتِّينَ وَمِئَتَيْنِ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي إِسْحَاقَ بْنُ بَدْرِ، قَالَ: حَدَّثَنِي جَدِّي بَدْرُ بْنُ عَيْسَى، قَالَ: سَأَلْتُ أَبِي عَيْسَى بْنَ مُوسَى - وَكَانَ رَجُلًا مَهِيأً - فَقُلْتُ لَهُ: مَنْ أَدْرَكَتَ مِنَ التَّابِعِينَ؟ فَقَالَ: مَا أَدْرِي مَا تَقُولُ لِي، وَلَكِنِّي كُنْتُ بِالْكَوْفَةِ فَسَمِعْتُ

١. المُدِيٌّ: من المكابيل معروف، وهو مكيال ضخم لأهل الشام وأهل مصر (لسان العرب: ج ١٥ ص ٢٧٤ «مدي»).

٢. في بحار الأنوار: «أعجز عما وسعهم».

است که برای شامیان نیز نه پولی بیاورند و نه محصولی!

گفتم: این از چه ناحیه‌ای می‌شود؟ گفت: از سوی روم.

سپس اندکی ساکت ماند و گفت: پیامبر خدا ﷺ فرمود: «در آخر الزمان، خلیفه‌ای خواهد بود که مال را بی آن که بشمارد، عطا می‌کند»<sup>۱</sup>.

۱۸۹۱. مسند ابن حنبل - با سندش به نقل از ابو سعید خُدَری - : پیامبر خدا ﷺ فرمود: «خداوند، دل‌های اُمَّتِ مُحَمَّدٍ ﷺ را بی نیاز و توانگر می‌کند و عدالت مهدی ﷺ آنان را فرا می‌گیرد تا آن جا که به کسی فرمان می‌دهد که ندا دهد و بگوید: کسی نیاز مالی دارد؟ و از میان مردم، جز یک مرد بر نمی‌خیزد. به او می‌فرماید: "نزد خزانه‌دار برو و به او بگو: مهدی به تو فرمان می‌دهد که مالی به من بدهی" و [او نزد خزانه‌دار می‌رود و] به وی می‌گوید: اندکی به من ببخش. و چون مال را بیرون می‌آورد و در دامنش می‌ریزد، پشیمان می‌شود و می‌گوید: من حریص‌ترین فرد اُمَّتِ مُحَمَّدٍ هستم. آیا آنچه به همه رسیده، مرا کافی نیست؟!»

او سپس آن مال را باز می‌گرداند و از او قبول نمی‌کنند و به او گفته می‌شود: ما چیزی را که بخشیدیم، باز پس نمی‌گیریم. این وضعیت [حکومتداری]، هفت یا هشت یا نه سال هست»<sup>۲</sup>.

۱۸۹۲. الغیبة، نعمانی - با سندش به نقل از بدر بن عیسی - : از پدرم عیسی بن موسی - که مردی باهویت بود - ، پرسیدم: کدام یک از تابعیان را درک کرده‌ای؟

گفت: من نمی‌دانم چه به من می‌گویی؛ اما در کوفه بودم که شنیدم پیرمردی در مسجد کوفه از عبد خیر، حدیث نقل می‌کند که او گفت: شنیدم که امیر مؤمنان علی بن ابی طالب - که درودهای خدا بر او باد - می‌فرماید: «پیامبر خدا ﷺ به من فرمود: ای امامان

۱. صحیح مسلم: ج ۴ ص ۲۲۳۴ ح ۶۷، مسند ابن حنبل: ج ۵ ص ۵۶ ح ۱۴۴۱۳، صحیح ابن حبان: ج ۱۵ ص ۷۵ ح ۶۶۸۲، کنز العمال: ج ۱۴ ص ۲۶۳ ح ۲۸۶۵۹؛ العدة: ص ۴۲۴ ح ۸۸۵، كشف الغمة: ج ۳ ص ۲۷۲، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۹۱ ح ۳۸.

۲. مسند ابن حنبل: ج ۴ ص ۷۵ ح ۱۱۳۲۶، کنز العمال: ج ۱۴ ص ۲۶۱ ح ۲۸۶۵۳؛ كشف الغمة: ج ۳ ص ۲۷۳ و ص ۲۶۱ (با عبارت مشابه)، دلائل الإمامة: ص ۴۷۱ ح ۴۶۳، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۹۲ ح ۳۸.

شَيْخاً فِي جَامِعِهَا يَتَحَدَّثُ عَنْ عَبْدِ خَيْرٍ، قَالَ: سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ:

قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا عَلِيُّ، الْأَيْمَةُ الرَّاشِدُونَ الْمُهْتَدُونَ الْمَعْصُومُونَ مِنْ وُلْدِكَ أَحَدَ عَشَرَ إِمَاماً وَأَنْتَ أَوْلَهُمْ، وَآخِرُهُمْ اسْمُهُ اسْمِي، يَخْرُجُ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأْتَ جَوْرًا وَظُلْماً، يَأْتِيهِ الرَّجُلُ وَالْمَالُ كُدُسًا<sup>١</sup>، فَيَقُولُ: يَا مَهْدِيُّ، أَعْطِنِي، فَيَقُولُ: خُذْ.

١٨٩٣. الفتن: حَدَّثَنَا ضَمْرَةٌ، عَنِ ابْنِ شَوْذَبٍ، عَنِ مَطْرِ، قَالَ: ذُكِرَ عِنْدَهُ عَمْرُو بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ، فَقَالَ: بَلَّغْنَا أَنَّ الْمَهْدِيَّ يَصْنَعُ شَيْئاً لَمْ يَصْنَعُهُ عَمْرُو بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ، قُلْنَا: مَا هُوَ؟ قَالَ: يَأْتِيهِ رَجُلٌ فَيَسْأَلُهُ فَيَقُولُ: أَدْخُلْ بَيْتَ الْمَالِ فَخُذْ، فَيَدْخُلُ فَيَأْخُذُ فَيَخْرُجُ، فَيَرَى النَّاسَ شِبَاعاً فَيَنْدَمُ، فَيَرْجِعُ إِلَيْهِ فَيَقُولُ: خُذْ مَا أُعْطَيْتَنِي، فَيَأْبَى وَيَقُولُ: إِنَّا نَعْطِي وَلَا نَأْخُذُ.

١٨٩٤. سنن ابن ماجه: حَدَّثَنَا نَصْرُ بْنُ عَلِيٍّ الْجَهْضَمِيُّ، ثنا مُحَمَّدُ بْنُ مَرْوَانَ الْعَقِيلِيُّ، ثنا عُمَارَةُ بْنُ أَبِي حَفْصَةَ، عَنْ زَيْدِ الْعَمِيِّ، عَنْ أَبِي صَدِيقِ النَّاجِي، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ، أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ: يَكُونُ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ، إِنْ قَصُرَ فَسَبْعٌ وَإِلَّا فَتَسْبَعُ، فَتَنْعَمُ فِيهِ أُمَّتِي نِعْمَةً لَمْ يَنْعَمُوا مِثْلَهَا قَطُّ، تُؤْتَى أَكْلُهَا<sup>٢</sup> وَلَا تَدَّخِرُ مِنْهُمْ شَيْئاً، وَالْمَالُ يَوْمئِذٍ كُدُوسٌ<sup>٣</sup>، فَيَقُومُ الرَّجُلُ فَيَقُولُ: يَا مَهْدِيُّ، أَعْطِنِي، فَيَقُولُ: خُذْ.

١٨٩٥. سنن الترمذي: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ بَشَّارٍ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ، حَدَّثَنَا شُعْبَةُ، قَالَ:

١. أي: الحب المحصود المجموع: أي يجمع عنده المال كما يجمع الحب المحصود.

٢. هي المستدرک علی الصحیحین: «تؤتی الأرض أكلها».

٣. أي المجتمع المتراکم.

راه‌یافته هدایت شده معصوم، از فرزندان تو هستند؛ یازده امام، و تو اوّل همهٔ آنانی، و آخرین ایشان، همانا من است، قیام می‌کند و زمین را از عدالت پر می‌کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است. مرد پیش او می‌آید و در حالی که مال نزدش انباشته شده است، می‌گوید: ای مهدی! به من عطا کن. می‌گوید: بردار [، بدون آن که حسابش را داشته باشد].<sup>۱</sup>

۱۸۹۳. الفتن - با سندش به نقل از ابن شوذب - : نزد مَطَر از عمر بن عبد العزیز یاد شد. او گفت: به من خبر رسیده است که مهدی کاری می‌کند که عمر بن عبد العزیز آن کار را نکرده است. گفتیم: آن کار چیست؟

گفت: مردی نزدش می‌آید و از او درخواست [مالی] می‌کند. امام علیه السلام به او می‌فرماید: «داخل بیت المال شو و بردار». او نیز داخل می‌شود و بر می‌دارد و بیرون می‌آید و مردم را سیر می‌بیند. پشیمان می‌شود و به سوی مهدی علیه السلام باز می‌گردد و می‌گوید: آنچه را به من عطا کردی، بگیر. اما امام علیه السلام نمی‌پذیرد و می‌فرماید: «ما عطا می‌کنیم و نمی‌گیریم».<sup>۲</sup>

۱۸۹۴. سنن ابن ماجه - با سندش به نقل از ابو سعید خُدَری - : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مهدی، در امت من است، اگر کم باشد، هفت، و گرنه، نه سال حکومت خواهد کرد و در آن، امتم چنان رفاهی خواهند داشت که مانند آن را هیچ گاه نداشته‌اند، خوردنی‌ها را به آنها می‌دهد و هیچ چیز را از ایشان نمی‌اندوزد، و مال در آن روزگار، انباشته است. مرد برمی‌خیزد و می‌گوید: ای مهدی! به من عطا کن، و او می‌گوید: "بردار"».<sup>۳</sup>

۱۸۹۵. سنن الترمذی - با سندش به نقل از ابو سعید خُدَری - : بیمناک حوادث پس از پیامبرمان بودیم و آن را از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرسیدیم. فرمود: «مهدی، در امت من است. قیام

۱. النبیة، نعمانی: ص ۹۲ ح ۲۳، بحار الأنوار: ج ۳۶ ص ۲۸۱ ح ۱۰۱.

۲. الفتن: ج ۱ ص ۳۵۷ ح ۱۰۲۳.

۳. سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۱۳۶۶ ح ۴۰۸۳، المستدرک علی الصحیحین: ج ۴ ص ۶۰۱ ح ۸۶۷۵، الفتن: ج ۱ ص ۲۶۰ ح ۱۰۴۸، روضة الواعظین: ص ۵۳۲، نیز، ر.ک: همین دانش‌نامه: ص ۲۸۲ ح ۱۹۱۲.

سَمِعْتُ زَيْدًا الْعَمِّيَّ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الصَّدِّيقِ النَّاجِيَّ يُحَدِّثُ عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ، قَالَ: خَشِينَا أَنْ يَكُونَ بَعْدَ نَبِيِّنَا حَدَّثَ، فَسَأَلْنَا نَبِيَّ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: إِنَّ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيِّ، يَخْرُجُ يَعِيشُ خَمْسًا أَوْ سَبْعًا أَوْ تِسْعًا - زَيْدُ الشَّائِكُ - قَالَ: قُلْنَا: وَمَا ذَاكَ؟ قَالَ: سِنِينَ، قَالَ: فَيَجِيءُ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَيَقُولُ: يَا مَهْدِيُّ، أَعْطِنِي أَعْطِنِي، قَالَ: فَيَحْنِي لَهُ فِي ثَوْبِهِ مَا اسْتَطَاعَ أَنْ يَحْمِلَهُ.

١٨٩٦. كشف الغمّة: عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَوْفٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

لَيَبْعَثَنَّ اللَّهُ مِنْ عِزَّتِي رَجُلًا، أَفْرَقَ الشَّيَا، أَجْلَى الْجِبْهَةِ، يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا، يَفِيضُ الْمَالَ فَيَضًا.

١٨٩٧. الفتن: حَدَّثَنَا الْوَلِيدُ، عَنْ سَعِيدٍ، عَنْ قَتَادَةَ، عَنْ أَبِي نَضْرَةَ، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ، عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ [فِي ذِكْرِ الْمَهْدِيِّ ﷺ]: يَحْنِي الْمَالَ حَتَّى لَا يَعُدَّهُ عَدًّا، يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا.

راجع: العنوان الآتي (دور البركات الالهية في التطور الإقتصادي).

٩ / ٥

## دَوْرُ الْبَرَكَاتِ الْإِلَهِيَّةِ فِي النَّظَرِ الْإِقْصَادِيِّ

١٨٩٨. المصنّف لابن أبي شيبية: أَبُو مُعَاوِيَةَ وَابْنُ نُمَيْرٍ، عَنْ مُوسَى الْجُهَنِيِّ، عَنْ زَيْدِ الْعَمِّيِّ، عَنْ أَبِي الصَّدِّيقِ النَّاجِيِّ، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

يَكُونُ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ، إِنْ طَالَ عُمُرُهُ أَوْ قَصُرَ عُمُرُهُ يَمْلِكُ سَبْعَ سِنِينَ أَوْ ثَمَانِي

می‌کند و پنج یا هفت یا نه،<sup>۱</sup> زندگی [و حکومتداری] می‌کند».

گفتیم: پنج یا هفت یا نه چه؟

فرمود: «سال» و نیز فرمود: «مرد نزد او می‌آید و می‌گوید: ای مهدی! به من عطا

کن، به من عطا کن. و او برایش آن قدر در لباسش می‌ریزد که نمی‌تواند ببرد».<sup>۲</sup>

۱۸۹۶. كشف الغمة - به نقل از عبد الرحمان بن عوف -: پیامبر خدا ﷺ فرمود: «خداوند، مردی

از عترتم را بر خواهد انگیخت که دندان‌های پیش او، از هم جدا و پیشانی‌اش بلند

است. زمین را از عدالت، پر می‌کند و مال را سرازیر می‌نماید».<sup>۳</sup>

۱۸۹۷. الفتن - با سندش به نقل از ابو سعید خُدَری، در یادکرد مهدی ﷺ -: پیامبر ﷺ فرمود:

«مال را عطا می‌کند، بی آن که آن را بشمرد و زمین را از عدالت پر می‌کند، همان

گونه که از ظلم و ستم پر شده است».<sup>۴</sup>

و.ک: عنوان بعدی (نقش برکات الهی در توسعه اقتصادی).

۹/۵

## نقش برکات الهی در توسعه اقتصادی

۱۸۹۸. المصنّف، ابن ابی شیبّه - با سندش به نقل از ابو سعید خُدَری -: پیامبر خدا ﷺ فرمود:

«مهدی، در امت من است. اگر عمرش به درازا کشد یا کوتاه شود، هفت سال یا

هشت سال یا نه سال فرمان‌روایی می‌یابد و زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همان

گونه که از ستم پر شده است و آسمان، بارانش را فرو می‌ریزد و زمین، برکتش را

۱. شک از زید است که روایت را از ابو سعید خُدَری نقل کرده است.

۲. سنن الترمذی: ج ۴ ص ۵۰۶ ح ۲۲۲۲، کنز العمال: ج ۱۴ ص ۲۶۲ ح ۳۸۶۵۴؛ كشف الغمة: ج ۳ ص ۲۶۸،

العمدة: ص ۴۲۵ ح ۹۱۷، الطرائف: ص ۱۷۸ ح ۲۸۱ وفيهما ذيله من «فيجي...»، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۸۷

ح ۳۸.

۳. كشف الغمة: ج ۳ ص ۲۶۰، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۸۰ ح ۳۷.

۴. الفتن: ج ۱ ص ۳۵۸ ح ۱۰۳۹.



سِنِينَ أَوْ تِسْعَ سِنِينَ، فَيَمْلُؤُهَا قِسْطاً وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا، وَتُمْطِرُ السَّمَاءُ مَطَرَهَا، وَتُخْرِجُ الْأَرْضُ بَرَكَتَهَا، قَالَ: وَتَعِيشُ أُمَّتِي فِي زَمَانِهِ عَيْشًا لَمْ تَعِشْهُ قَبْلَ ذَلِكَ.

١٨٩٩. مسند ابن حنبل: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ، حَدَّثَنِي أَبِي، ثنا ابنُ نُمَيْرٍ، ثنا موسى - يَعْنِي الْجُهَنِيَّ - قَالَ: سَمِعْتُ زَيْدًا الْعَمِيَّ، قَالَ: ثنا أَبُو الصَّدِّيقِ النَّاجِي، سَمِعْتُ أَبَا سَعِيدِ الْخُدْرِيَّ، قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: يَكُونُ مِنْ أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ، فَإِنْ طَالَ عُمُرُهُ أَوْ قَصُرَ عُمُرُهُ عَاشَ سَبْعَ سِنِينَ، أَوْ ثَمَانَ سِنِينَ، أَوْ تِسْعَ سِنِينَ، يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلًا، وَتُخْرِجُ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا، وَتُمْطِرُ السَّمَاءُ قَطْرَهَا.

١٩٠٠. المصنّف لعبد الرزاق: أَخْبَرَنَا عَبْدُ الرَّزَّاقِ، قَالَ: أَخْبَرَنَا مَعْمَرٌ، عَنْ أَبِي هَارُونَ، عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ قُرَّةَ، عَنْ أَبِي الصَّدِّيقِ النَّاجِي، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ قَالَ: ذَكَرَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بَلَاءَ يُصِيبُ هَذِهِ الْأُمَّةَ، حَتَّى لَا يَجِدَ الرَّجُلُ مَلْجَأً يَلْجَأُ إِلَيْهِ مِنَ الظُّلْمِ، فَيَبِيعُ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ عِتْرَتِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، فَيَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا، يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَسَاكِنُ الْأَرْضِ، لَا تَدْعُ السَّمَاءُ مِنْ قَطْرِهَا شَيْئًا إِلَّا صَبَّتْهُ مِدْرَارًا، وَلَا تَدْعُ الْأَرْضُ مِنْ مَائِهَا شَيْئًا إِلَّا أَخْرَجَتْهُ، حَتَّى تَتَمَّتِيَ الْأَحْيَاءُ الْأَمْوَاتِ، يَعِيشُ فِي ذَلِكَ سَبْعَ سِنِينَ، أَوْ ثَمَانَ، أَوْ تِسْعَ سِنِينَ.

١٩٠١. المعجم الأوسط: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سَلَمَةَ، عَنْ أَبِي الْوَاصِلِ، عَنْ أَبِي الصَّدِّيقِ النَّاجِي، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ يَزِيدِ السَّعْدِيِّ - أَحَدِ بَنِي بَهْدَلَةَ - عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ:

يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أُمَّتِي، يَقُولُ بِسُنَّتِي، يُنْزِلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ الْقَطْرَ مِنَ السَّمَاءِ، وَتُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضُ مِنْ بَرَكَتِهَا، تَمْلَأُ الْأَرْضُ مِنْهُ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا

بیرون می‌دهد» و نیز فرمود: «اَمْتَم در روزگار او، چنان زندگی [مرفه‌ی] می‌کنند که پیش از آن نکرده‌اند».<sup>۱</sup>

۱۸۹۹. مسند ابن حنبل - با سندش به نقل از ابو سعید خُدَری - : پیامبر خدا ﷺ فرمود: «مهدی، در اَمْت من است. اگر عمرش به درازا کشد یا کوتاه شود، هفت سال یا هشت سال یا نه سال فرمان‌روایی می‌یابد. زمین را از عدل و داد پر می‌کند و زمین، سبزی خود را بیرون می‌دهد و آسمان، باران خود را فرو می‌ریزد».<sup>۲</sup>

۱۹۰۰. المصنّف، عبد الرزّاق - با سندش به نقل از ابو سعید خُدَری - : پیامبر خدا ﷺ بلائی را یاد کرد که به این اَمْت می‌رسد، تا آن جا که مرد، پناهگاهی نمی‌یابد که از ستم به آن پناه برد. پس خداوند، مردی از خاندانم را بر می‌انگیزد و زمین را به دست او از عدالت پر می‌کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است. ساکنان آسمان و زمین از او خشنودند و آسمان، قطره‌ای از بارانش را نمی‌گذارد، جز آن که بر او فرو می‌ریزد، و زمین، چیزی از آبش را نمی‌نهد، جز آن که برای او بیرون می‌دهد، تا آن جا که زندگان، آرزو می‌کنند که مردگان، زنده [و کنار آنها] بودند. او هفت، یا هشت یا نه سال در این وضعیت زندگی می‌کند.<sup>۳</sup>

۱۹۰۱. المعجم الأوسط - با سندش به نقل از ابو سعید خُدَری - : شنیدم که پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید: «مردی از اَمْتَم قیام می‌کند که طبق سنّت من سخن می‌گوید و خداوند ﷻ برایش از آسمان، باران فرو می‌فرستد و زمین، برکت‌هایش را برایش بیرون می‌دهد. زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است.

۱. المصنّف، ابن ابی شیبّه: ج ۸ ص ۶۷۸ ح ۱۸۴. المهدي المنتظر في ضوء الأحاديث والآثار الصحيحة: ص ۱۷۶.

۲. مسند ابن حنبل: ج ۴ ص ۵۴ ح ۱۱۲۱۲. المهدي المنتظر في ضوء الأحاديث والآثار الصحيحة: ص ۱۷۶ ح ۵.

۳. المصنّف، عبد الرزّاق: ج ۱۱ ص ۲۷۱ ح ۲۰۷۷۰. سير أعلام النبلاء: ج ۱۵ ص ۲۵۳ ش ۱۰۵. الطرائف:

ص ۱۷۷ ح ۲۸۰. العمدة: ص ۴۳۶ ح ۹۱۸. شرح الأخبار: ج ۳ ص ۳۸۵ ح ۱۲۶۱. بحار الأنوار: ج ۵۱

وظُلماً، يَعْمَلُ عَلَىٰ هَذِهِ الْأُمَّةِ سَبْعَ سِنِينَ، وَيَنْزِلُ بَيْتَ الْمَقْدِسِ.

١٩٠٢. الغيبة للطوسي: مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ الْمُقْرِي، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْعَبَّاسِ الْمُقَانِعِيِّ، عَنْ بَكَارِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ سُفْيَانَ الْجَرِيرِيِّ، عَنْ عَبْدِ الْمُؤْمِنِ، عَنِ الْحَارِثِ بْنِ حَصِيرَةَ، عَنْ عُمَارَةَ بْنِ جُوَيْنِ الْعَبْدِيِّ، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ عَلَى الْمِنْبَرِ:

إِنَّ الْمَهْدِيَّ مِنْ عِتْرَتِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ، يُنْزِلُ لَهُ مِنَ السَّمَاءِ قَطْرَهَا، وَتُخْرَجُ لَهُ الْأَرْضُ بِذَرِّهَا، فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلَأَهَا الْقَوْمُ ظُلْمًا وَجَوْرًا.

١٩٠٣. المستدرک علی الصحیحین: أَخْبَرَنِي أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الْمَحْبُوبِي بِمَرَوْ، ثنا سَعِيدُ بْنُ مَسْعُودٍ، ثنا النَّضْرُ بْنُ شُمَيْلٍ، ثنا سُلَيْمَانُ بْنُ عُبَيْدٍ، ثنا أَبُو الصَّدِّيقِ النَّاجِي، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: يَخْرُجُ فِي آخِرِ أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ، يَسْقِيهِ اللَّهُ الْغَيْثَ، وَتُخْرَجُ الْأَرْضُ نَبَاتِهَا، وَيُعْطِي الْمَالُ صِحَاحًا، وَتُكْتَبُ الْمَاشِيَّةُ، وَتَعْظُمُ الْأُمَّةُ، يَعِيشُ سَبْعًا أَوْ ثَمَانِيًا، يَعْنِي حُجْبًا.

١٩٠٤. الخصال: حَدَّثَنَا أَبِي، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ الْيَقْطِينِيِّ، عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَمُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ جَدِّي، عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام: أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام عَلَّمَ أَصْحَابَهُ فِي

هفت سال بر این اَمّت، فرمان‌روایی می‌کند و در بیت المقدّس فرود می‌آید.<sup>۱</sup>

۱۹۰۲. الغیبة، طوسی - با سندش به نقل از ابو سعید خُدَری - : شنیدم که پیامبر خدا ﷺ بر منبر می‌فرماید: «مهدی از عترتم، از خاندان من است، در آخر الزمان قیام می‌کند، آسمان، بارانش را برایش فرو می‌فرستد و زمین، بذرش را برایش بیرون می‌دهد، و زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همان‌گونه که قوم [ستمکار]، آن را از ظلم و ستم پر کرده‌اند».<sup>۲</sup>

۱۹۰۳. المستدرک علی الصحیحین - با سندش به نقل از ابو سعید خُدَری - : پیامبر خدا ﷺ فرمود: «در آخر اَمّت، مهدی قیام می‌کند. خداوند برایش باران می‌فرستد و زمین، رویدنی‌اش را بیرون می‌دهد، و او مال را به درستی و یکسان تقسیم می‌کند و گله‌های گاو و گوسفند فراوان می‌شوند و اَمّت با عظمت می‌گردد. او هفت یا هشت سال [فرمان‌روایی و] زندگی می‌کند».<sup>۳</sup>

۱۹۰۴. الخصال - با سندش به نقل از ابو بصیر و محمّد بن مسلم - : امام صادق ﷺ فرمود: «پدرم از جدّش از پدرانش برایم نقل کرد که: امیر مؤمنان ﷺ در یک مجلس، چهارصد نکته به یارانش آموخت که به صلاح دین و دنیای مسلمان است. فرمود: ... و اگر قائم ماقیام کند، آسمان، بارانش را فرو می‌فرستد و زمین، گیاهش را بیرون می‌آورد و دشمنی، از دل‌های بندگان می‌رود و درندگان و چارپایان با هم

۱. المعجم الأوسط: ج ۲ ص ۱۵ ح ۱۰۷۵، كشف الغمة: ج ۳ ص ۲۶۲، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۸۲.

۲. الغیبة، طوسی: ص ۱۸۰ ح ۱۳۸، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۷۴ ح ۲۵.

۳. المستدرک علی الصحیحین: ج ۴ ص ۶۰۱ ح ۸۶۷۳، کنز العمال: ج ۱۴ ص ۲۷۳ ح ۳۸۷۰۰، كشف الغمة: ج ۳ ص ۲۶۰ (با عبارت مشابه)، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۸۱.

مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَرْبَعِمِئَةِ بَابٍ، مِمَّا يَصْلُحُ لِلْمُسْلِمِ فِي دِينِهِ وَدُنْيَاهُ، قَالَ عليه السلام: ... وَلَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا لَأَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطْرَهَا، وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا، وَلَذَهَبَتِ الشَّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ، وَاصْطَلَحَتِ السَّبَاعُ وَالْبَهَائِمُ، حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ، وَعَلَى رَأْسِهَا زَيْنَتُهَا لَا يَهِيْجُهَا سَبْعٌ وَلَا تَخَافُهُ.

١٩٠٥. كشف الغمة: عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله أَنَّهُ قَالَ: يَكُونُ مِنْ أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ، إِنْ قَصَرَ عُمُرُهُ فَسَبْعَ سِنِينَ وَإِلَّا فَمَنْ أَوْ إِلَّا فَتِسْعَ، تَنْتَعَمُ أُمَّتِي فِي زَمَانِهِ نَعْمَاءً لَمْ يَنْتَعَمُوا مِثْلَهُ قَطُّ، الْبَرُّ وَالْفَاجِرُ، يُرْسِلُ اللَّهُ السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا، وَلَا تَدْخِرُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِنْ نَبَاتِهَا.

١٩٠٦. الاختصاص: حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ مَعْقِلٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَاصِمٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْزُوقٍ، عَنْ عَامِرِ السَّرَّاجِ، عَنْ سُفْيَانَ الثَّوْرِيِّ، عَنْ قَيْسِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ طَارِقِ بْنِ شِهَابٍ: سَمِعْتُ حُدَيْفَةَ يَقُولُ:

سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَقُولُ: إِذَا كَانَ عِنْدَ خُرُوجِ الْقَائِمِ، يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: أَيُّهَا النَّاسُ! قَطَعَ عَنْكُمْ مِدَّةَ الْجَبَّارِينَ، وَوَلِيَ الْأَمْرَ خَيْرُ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ فَالْحَقُوا بِمَكَّةَ، فَيَخْرُجُ النَّجْبَاءُ مِنْ مِصْرَ، وَالْأَبْدَالُ مِنَ الشَّامِ، وَعَصَائِبُ الْعِرَاقِ، رُهْبَانُ بِاللَّيْلِ لِيُوثَ بِالنَّهَارِ، كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ، فَيَبَايَعُونَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، قَالَ عِمْرَانُ بْنُ الْحُصَيْنِ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، صِفْ لَنَا هَذَا الرَّجُلَ.

قال: هُوَ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ، كَأَنَّهُ مِنْ رِجَالِ شَنْوَةَ<sup>٢</sup>، عَلَيْهِ عَبَاءَتَانِ

١. في تحف العقول «زنبيلها» بدل «زينتها».

٢. شنوءة - بالفتح ثم الضم وواو ساكنة ثم همزة مفتوحة وها -: مخلاف باليمن، بينها وبين صنعاء اثنان وأربعون فرسخاً تنسب إليها قبائل من الأزرد يقال لهم أزد شنوءة (معجم البلدان: ج ٣ ص ٣٦٨).

در صلح و صفایند، تا آن جاکه زن از عراق تا شام می‌رود و پایش را جز روی سبزه نمی‌نهد و زینتش بر سرش است و نه درنده‌ای بر او می‌شورد و نه او از آن می‌ترسد.<sup>۱</sup>

۱۹۰۵. کشف الغمّة - به نقل از ابو سعید خُدَری -: پیامبر ﷺ فرمود: «مهدی، از اَمّت من است. اگر عمرش کوتاه باشد، هفت سال و گرنه، هشت یا نُه [سال فرمان‌روایی می‌کند]. اَمّتم، چه نیک و چه بد، در روزگار او چنان برخوردار از نعمت خواهند بود که هرگز مانند آن، نعمت ندیده‌اند. خداوند، آسمان را بر آنها ریزان می‌کند و زمین، چیزی از رویدنی‌هایش را ذخیره نمی‌کند [و همه را بیرون می‌دهد].»<sup>۲</sup>

۱۹۰۶. الاختصاص - باسندش به نقل از حدیثه -: شنیدم که پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید: «آن‌گاه که وقت خروج قائم می‌شود، منادی‌ای از آسمان ندا می‌دهد: "ای مردم! مدّت حکومت جبّاران بر شما به پایان رسید و بهترین فرد اَمّت محمّد، حکومت را به دست گرفته است. به مکه بروید". گروهی از نجیبان مصر و نیکان شام و گروه‌های [زاهد و دنیاگریز] عراق بیرون می‌روند که راهبان شب و شیران روزند و دل‌هایشان گویی پاره‌های آهن است، و با او میان رکن [حجر الأسود] و مقام [ابراهیم] بیعت می‌کنند».

عمران بن حصین گفت: ای پیامبر خدا! این مرد را برای ما توصیف کن.

پیامبر ﷺ فرمود: «او مردی از فرزندان حسین است و مانند مردان قبیلهٔ شَنُوئه،<sup>۳</sup> قذبلند است. دو عباي سپید کم‌پرز بر تن دارد، همان‌من است و این هنگام است که

۱. الخصال: ص ۶۱۱ و ۶۲۶ ح ۱۰ (با دو سند معتبر)، تحف العقول: ص ۱۱۵، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۱۶ ح ۱۱.

۲. کشف الغمّة: ج ۳ ص ۲۵۷، الملاحم و الفتن: ص ۲۷۹ ح ۴۰۵، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۷۸ ح ۳۷، الفردوس: ج ۵ ص ۴۵۷ ح ۸۷۳۷.

۳. شَنُوئه، قبیله‌ای در یمن و از تیره‌های قبیلهٔ بزرگ آزد بوده و فرزندان شَنُوئه، عبد الله بن کعب آزدی اند که به بلندی قد، مشهور بوده‌اند.

قَطَوَاتِيَّتَانِ، اسْمُهُ اسْمِي، فَعِنْدَ ذَلِكَ تَفْرَحُ الطُّيُورُ فِي أَوْكَارِهَا، وَالْحَيْتَانُ فِي بِحَارِهَا، وَتَمُدُّ الْأَنْهَارُ، وَتَقِيضُ الْعُيُونُ، وَتُنْبِتُ الْأَرْضُ ضِعْفَ أَكْلِهَا، ثُمَّ يَسِيرُ مُقَدَّمَتُهُ جَبْرَائِيلُ، وَسَاقِيهِ إِسْرَافِيلُ، فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلِئْتَ جَوْرًا وَظُلْمًا.

١٩٠٧. كَشَفَ النِّعْمَةُ: عَنِ أَبِي سَعِيدٍ الْخَدْرِيِّ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ:

يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ فِي أُمَّتِي، يَبْعَثُهُ اللَّهُ غِيَاثًا لِلنَّاسِ، تَنْعُمُ الْأُمَّةُ، وَتَعِيشُ الْمَاشِيَةُ، وَتُخْرِجُ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا، وَيُعْطَى الْمَالُ صِحَاحًا.

١٩٠٨. الْاِحْتِجَاجُ: عَنِ زَيْدِ بْنِ وَهَبِ الْجُهَنِيِّ عَنِ الْإِمَامِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَام: إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَام قَالَ

لِي ذَاتَ يَوْمٍ - وَقَدْ رَأَيْتَنِي فَرِحًا -: يَا حَسَنُ أَتَفْرَحُ، كَيْفَ بِكَ إِذَا رَأَيْتَ أَبَاكَ قَتِيلًا؟ أَمْ كَيْفَ بِكَ إِذَا وَلِيَ هَذَا الْأَمْرَ بَنُو أُمَّيَّةَ، وَأَمِيرُهَا الرَّحْبُ الْبُلْعُومُ، الْوَاسِعُ الْأَعْفَاجِ، يَا كُلُّ وَلَا يَشْبَعُ، يَمُوتُ وَلَيْسَ لَهُ فِي السَّمَاءِ نَاصِرٌ وَلَا فِي الْأَرْضِ عَازِرٌ، ثُمَّ يَسْتَوْلِي عَلَى غَرْبِهَا وَشَرْقِهَا، يَدِينُ لَهُ الْعِبَادُ وَيَطْوُلُ مُلْكُهُ، يَسْتَنْ بِسُنَنِ الْبِدْعِ وَالضَّلَالِ، وَيُمِيتُ الْحَقَّ وَسُنَّةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، يَقْسِمُ الْمَالَ فِي أَهْلِ وِلَايَتِهِ، وَيَمْنَعُهُ مَنْ هُوَ أَحَقُّ بِهِ، وَيَذِلُّ فِي مُلْكِهِ الْمُؤْمِنُ، وَيَقْوَى فِي سُلْطَانِهِ الْفَاسِقُ، وَيَجْعَلُ الْمَالَ بَيْنَ أَنْصَارِهِ دَوْلًا، وَيَتَّخِذُ عِبَادَ اللَّهِ حَوْلًا، يَدْرُسُ فِي سُلْطَانِهِ الْحَقَّ، وَيُظْهِرُ الْبَاطِلَ وَيُلْعَنُ الصَّالِحِينَ، وَيُقْتَلُ مَنْ نَآوَاهُ عَلَى الْحَقِّ، وَيَدِينُ مَنْ وَالَاهُ عَلَى الْبَاطِلِ.

فَكَذَلِكَ حَتَّى يَبْعَثُ اللَّهُ رَجُلًا فِي آخِرِ الزَّمَانِ، وَكَلَّبَ مِنَ الدَّهْرِ، وَجَهْلٍ مِنَ النَّاسِ، يُؤَيِّدُهُ اللَّهُ بِمَلَائِكَتِهِ، وَيَعْصِمُ أَنْصَارَهُ، وَيَنْصُرُهُ بِآيَاتِهِ، وَيُظْهِرُهُ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ حَتَّى يَدِينُوا طَوْعًا وَكَرْهًا، يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، وَنُورًا

پرندگان در لانه‌هایشان و ماهیان در دریاها تخم می‌گذارند (تولید مثل آنها افزایش می‌یابد) و رودها طولانی و آب چشمه‌ها سرازیر می‌شود و زمین، دو برابر محصول می‌دهد. آن‌گاه در پیش روی او جبرئیل و در کنارش اسرافیل حرکت می‌کنند و زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همان‌گونه که از ظلم و ستم پر شده است.<sup>۱</sup>

۱۹۰۷. کشف الغمة - به نقل از ابو سعید خُدَری - : پیامبر خدا ﷺ فرمود: «مهدی، در اَمّت من قیام می‌کند. خداوند، او را به فریادرسی مردم روانه می‌کند، اَمّت در ناز و نعمت می‌شوند و گلّه‌گاو و گوسفند فراوان می‌شوند و زمین، رویدنی‌اش را بیرون می‌دهد و امام اموال را درست تقسیم می‌کند».<sup>۲</sup>

۱۹۰۸. الاحتجاج - به نقل از زید بن وهب جُهَنی، از امام حسن علیه السلام - : امیر مؤمنان، یک روز که مرا خوش حال دید، فرمود: «ای حسن! آیا خوش حالی می‌کنی؟ چگونه خواهی بود، وقتی پدرت را کشته بینی، یا وقتی بنی امیه به حکومت برسند و زمامدارشان گلوگشاد شکم‌کنده‌ای باشد که بخورد و سیر نشود و در حالی که نه در آسمان، باوری و نه در زمین، عذرپذیری داشته باشد، بمیرد و آن‌گاه، بر شرق و غرب زمین، مستولی شود و بندگان به [اطاعت] او گردن نهند؟! پادشاهی‌اش طولانی می‌شود و بدعت و گم‌راهی را بنیان می‌نهد و حق و سنّت پیامبر خدا را از بین می‌برد. اموال را در بین دوستدارانش تقسیم می‌کند و از مستحقّش دریغ می‌دارد. مؤمن در حکومتش خوار می‌گردد و فاسق در پادشاهی‌اش قوی می‌شود. اموال را در بین یارانش می‌چرخاند و بندگان خدا را نوکر می‌گیرد. در حکومتش حق، مندرس و باطل، آشکار می‌گردد، صالحان، لعن می‌شوند و هر که در راه حق با او دشمنی ورزد، کشته می‌شود و هر که او را بر باطلش به ولایت گیرد، صاحب قدرت می‌گردد.

و این‌گونه خواهد بود تا خداوند، مردی را در آخر الزمان برانگیزد؛ در روزگار سخت و جهالت مردم. خداوند، او را با فرشتگانش استوار می‌دارد و یارانش را محفوظ می‌دارد و با نشانه‌هایش یاری‌اش می‌دهد و او را بر زمینیان، چیره می‌کند تا خواه ناخواه به

۱. الاختصاص: ص ۲۰۸، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۰۴ ح ۷۳.

۲. کشف الغمة: ج ۳ ص ۲۶۰، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۸۱ ح ۳۷.



وَبُرْهَانًا، يَدِينُ لَهُ عَرْضُ الْبِلَادِ وَطَوْلُهَا، لَا يَبْقَى كَافِرٌ إِلَّا آمَنَ بِهِ، وَلَا طَالِحٌ إِلَّا صَلَحَ، وَتَصَطَّلِحُ فِي مُلْكِهِ السَّبَاعُ، وَتُخْرِجُ الْأَرْضُ نَبْتَهَا، وَتُنزِلُ السَّمَاءُ بَرَكَتَهَا، وَتَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ، يَمْلِكُ مَا بَيْنَ الْخَافِقَيْنِ أَرْبَعِينَ عَامًا، فَطُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ أَيَّامَهُ، وَسَمِعَ كَلَامَهُ.

١٩٠٩. الخرائج والجرائح: عَنْ أَبِي سَعِيدٍ شُهَيْلِ بْنِ زِيَادٍ، حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ، حَدَّثَنَا ابْنُ فَضِيلٍ، حَدَّثَنَا سَعْدُ الْجَلَّابُ، عَنْ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام لِأَصْحَابِهِ قَبْلَ أَنْ يُقْتَلَ: ... لَا يَبْقَى عَلَيَّ وَعِجِ الْأَرْضِ أَعْمَى وَلَا مَقْعَدٌ وَلَا مُبْتَلَى إِلَّا كَشَفَ اللَّهُ عَنْهُ بَلَاءَهُ بِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، وَلَتَنْزِلَنَّ الْبَرَكَاتُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ، حَتَّى أَنْ الشَّجَرَةَ لَتَقْصِفُ بِمَا يُرِيدُ اللَّهُ فِيهَا مِنَ الثَّمَرِ، وَلَيَأْكُلَنَّ ثَمَرَةَ الشِّتَاءِ فِي الصَّيْفِ، وَثَمَرَةَ الصَّيْفِ فِي الشِّتَاءِ، وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا﴾<sup>٢</sup>. ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ لَيَهْبُ لِشِيعَتِنَا كَرَامَةً لَا يَخْفَى عَلَيْهِمْ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانَ فِيهَا، حَتَّى أَنْ الرَّجُلَ مِنْهُمْ يُرِيدُ أَنْ يَعْلَمَ عِلْمَ أَهْلِ بَيْتِهِ، فَيُخْبِرُهُمْ بِعِلْمِ مَا يَعْمَلُونَ.

١٩١٠. تفسير العياشي: عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى الْجَبَلِيِّ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: يُقَاتِلُونَ وَاللَّهِ حَتَّى يُوَحِّدَ اللَّهُ وَلَا يُشْرَكَ بِهِ شَيْئًا، وَحَتَّى تَخْرُجَ الْعَجُوزُ الضَّعِيفَةُ مِنَ الْمَشْرِقِ تُرِيدُ الْمَغْرِبَ وَلَا يَنْهَاهَا أَحَدٌ، وَيُخْرِجُ اللَّهُ مِنَ الْأَرْضِ بَذَرَهَا، وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ قَطْرَهَا، وَيُخْرِجُ النَّاسَ خَرَاجَهُمْ عَلَيَّ رِقَابِهِمْ إِلَى الْمَهْدِيِّ عليه السلام، وَيُوسِّعُ اللَّهُ عَلَيَّ شِيعَتِنَا وَلَوْلَاهُ

١. الطالحي: خلاف الصالح (مجمع البحرين: ج ٢ ص ١١٠٨ «طالح»).

٢. الأعراف: ٩٦.

اطاعت او گردن نهند. او زمین را از عدل و داد و نور و برهان، پر می‌کند.

سرزمین‌ها در طول و عرض جغرافیایی به حکم او در می‌آیند و کافری نمی‌ماند، جز آن که به او ایمان می‌آورد و بدکاری نیست، جز آن که صالح می‌شود و در فرمان‌روایی او، درندگان با هم در صلح و صفا به سر می‌برند، و زمین، گیاهش را بیرون می‌دهد و آسمان، برکتش را فرو می‌فرستد و گنج‌های نهان برایش پدیدار می‌شوند. میانه دو افق (شرق و غرب) را چهل سال در اختیار دارد. خوشا به حال کسی که روزگار او را دریابد و سخن او را بشنود!»<sup>۱</sup>

۱۹۰۹. الخرائج و الجرائح - با سندش به نقل از جابر، از امام باقر علیه السلام :- حسین بن علی رضی الله عنه پیش از شهادتش به یارانش فرمود: «... روی زمین، کور و زمینگیر و گرفتاری نخواهد ماند، مگر آن که خداوند، گرفتاری او را به دست ما اهل بیت، برطرف خواهد کرد، و برکت از آسمان به زمین فرود خواهد آمد تا آن که درخت، زیر بار میوه‌ای که خدا می‌خواهد، خم می‌شود (می‌شکند) و میوه زمستان در تابستان و میوه تابستان در زمستان خورده می‌شود، و آن، سخن خدای متعال است: ﴿و اگر اهل آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و تقوا می‌ورزیدند، برکت‌هایی را از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم؛ اما آنان دروغ انگاشتند﴾. سپس خداوند به شیعیان ما کرامتی می‌بخشد که هیچ چیزی در زمین و در دل آن، از ایشان پنهان نمی‌ماند، حتی از آنان مردی می‌خواهد از خانواده‌اش خبر بگیرد و به آنها آنچه را می‌کند، خبر می‌دهد».<sup>۲</sup>

۱۹۱۰. تفسیر العیاشی - به نقل از عبد الأعلى جبلی :- امام باقر علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند، آنها می‌جنگند تا آن که خدا یگانه دانسته شود و به او شرک نوزند و تا آن که پیرزن ناتوان از شرق آهنگ غرب کند و کسی او را باز ندارد، و خداوند، بذره‌های زمین را بیرون می‌آورد و بارانش را از آسمان فرو می‌فرستد و مردم مالیاتشان را بر دوش خود برای مهدی علیه السلام می‌برند و خداوند بر شیعیان ما گشایش می‌دهد و اگر این گونه نبود که

۱. الاحتجاج: ج ۲ ص ۶۹-۱۵۸، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۲۸۰ ح ۶.

۲. الخرائج و الجرائح: ج ۲ ص ۸۴-۸۵۰ ح ۶۳، مختصر بصائر الدرجات: ص ۳۶، بحار الأنوار: ج ۵۳ ص ۶۱ ح ۵۲.

ما يُدْرِكُهُمْ مِنَ السَّعَادَةِ لَبَّغُوا، فَبَيْنَا صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ قَدْ حَكَمَ بِبَعْضِ الْأَحْكَامِ، وَتَكَلَّمَ بِبَعْضِ الشُّنَنِ، إِذْ خَرَجَتْ خَارِجَةٌ مِنَ الْمَسْجِدِ يُرِيدُونَ الْخُرُوجَ عَلَيْهِ، فَيَقُولُ لِأَصْحَابِهِ: انْطَلِقُوا فَتَلَحُّقُوا بِهِمْ فِي التَّمَارِينِ، فَيَأْتُونَهُ بِهِمْ أُسْرَى لِيَأْمُرَ بِهِمْ فَيَذْبَحُونَ، وَهِيَ آخِرُ خَارِجَةٍ تَخْرُجُ عَلَى قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام.

١٩١١. الغيبة للطوسي: أحمد بن إدريس، عن علي بن الفضل، عن أحمد بن عثمان، عن أحمد بن رزق، عن يحيى بن العلاء الرازي، قال: سمعتُ أبا عبد الله عليه السلام يقول: يُنْبِئُ اللهُ تَعَالَى فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ رَجُلًا مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ، يَسُوقُ اللهُ تَعَالَى بِهِ بَرَكَاتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، فَيَنْزِلُ السَّمَاءَ قَطْرَهَا، وَيُخْرِجُ الْأَرْضَ بَدْرَهَا، وَتَأْمَنُ وَحُوشُهَا وَسِبَاعُهَا، وَيُمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتِ ظُلْمًا وَجَوْرًا، وَيَقْتُلُ حَتَّى يَقُولَ الْجَاهِلُ: لَوْ كَانَ هَذَا مِنْ ذُرِّيَةِ مُحَمَّدٍ عليه السلام لَرَجِمَ.

١٩١٢. المعجم الأوسط: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي خَيْثَمَةَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو بَرِيدٍ الْجَرَمِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مَرْوَانَ، عَنْ هِشَامِ بْنِ حَسَّانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِيرِينَ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ: إِنَّ رَسُولَ اللهِ عليه السلام قَالَ:

يَكُونُ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ إِنْ قَضَرَ فَسَبْعُ وَإِلَّا فَثَمَانُ وَإِلَّا فَتِسْعُ، تَنْعُمُ أُمَّتِي فِيهِ نِعْمَةٌ لَمْ يَنْعَمُوا مِثْلَهَا، يُرْسِلُ اللهُ السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا، وَلَا تَدْخُرُ الْأَرْضُ بِشَيْءٍ مِنَ النَّبَاتِ وَالْمَالِ كُدُوسٍ، يَقَوْمُ الرَّجُلُ فَيَقُولُ: يَا مَهْدِيُّ اعْطِنِي، فَيَقُولُ: خُذْهُ.

راجع: ص ٢٥٠ ح ١٨١٤

وص ٣٢٢ ح ١٨٢٥

وص ٣٢٢ ح ١٨٢٨

وص ٣٢٢ ح ١٨٤٩

وص ٣٤٦ ح ١٨٦٥

وج ٦ ص ٢٦٠ ح ١٠٩١.

خداوند متعال، آنان را از این همه سعادت برخوردار نمی‌کرد، طغیان می‌کردند و در همان هنگام که صاحب این امر به برخی احکام، حکم می‌کند و برخی سنت‌ها را بر زبان می‌آورد، شورشگرانی از مسجد [الحرام] خروج می‌کنند، و قائم علیه السلام به یارانش می‌فرماید: "بروید و به آنها در بازار خرمافروشان [نزدیک به مسجد الحرام] برسید" و آنها شورشیان را اسیر می‌گیرند و نزد مهدی علیه السلام می‌آورند تا در باره‌شان فرمان دهد، و آنها را می‌کشند و آنان آخرین شورشگران خروج کننده بر قائم خاندان محمد صلی الله علیه و آله اند.<sup>۱</sup>

۱۹۱۱. الغیبة، طوسی - با سندش به نقل از یحیی بن علای رازی - شنیدم که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «خداوند متعال در این امت، مردی را پدید می‌آورد که از من است و من از اویم. خداوند متعال، برکات آسمان‌ها و زمین را به دست او روان می‌کند و آسمان، بارانش را فرو می‌فرستد و زمین، بذرش را بیرون می‌دهد و حیوانات وحشی و درندگان، امنیت می‌یابند و زمین از عدل و داد پر می‌شود، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است و می‌کشد تا آن جا که جاهل می‌گوید: اگر او از خاندان محمد صلی الله علیه و آله بود، رحم می‌کرد».<sup>۲</sup>

۱۹۱۲. المعجم الأوسط - با سندش به نقل از ابو سعید خدری - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مهدی در امت من است. اگر کم باشد، هفت و گرنه، هشت، و گرنه نه [سال] حکومت خواهد کرد که در آن، امتم چنان رفاهی خواهند داشت که مانند آن را هیچ گاه نداشته‌اند. خداوند، آسمان را بر آنها ریزان و پُرباران می‌کند و زمین، هیچ چیز از گیاهان را از آنان نمی‌اندوزد، و مال در آن روزگار، انباشته است و مرد بر می‌خیزد و می‌گوید: "ای مهدی! به من عطا کن" و او می‌گوید: بردار».<sup>۳</sup>

راجع: ص ۲۵۱ ح ۱۸۱۴

وص ۳۲۳ ح ۱۸۳۵

وص ۳۲۵ ح ۱۸۳۸

وص ۳۳۳ ح ۱۸۴۹

وص ۳۴۷ ح ۱۸۶۵

وج ۶ ص ۲۶۱ ح ۱۰۹۱.

۱. تفسیر العیاشی: ج ۲ ص ۵۶ و ۶۱ ح ۴۹، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۴۱ ح ۹۱.

۲. الغیبة، طوسی: ص ۱۸۸ ح ۱۴۹، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۱۴۶ ح ۱۶.

۳. المعجم الأوسط: ج ۵ ص ۳۱۱ ح ۵۴۰۶، کنز العمال: ج ۱۴ ص ۲۷۴ ح ۳۸۷۰۶، نیز، ر.ک: همین دانش‌نامه:

ص ۳۶۹ ح ۱۸۹۴.

## الفصل السادس

# السِّيَاسَاتُ الْقَضَائِيَّةُ

١ / ٦

## تَجْدِيدُ الْفَضَاءِ

١٩١٣ . الغيبة للنعماني : أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ، قَالَ : حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ زَكْرِيَّا بْنِ شَيْبَانَ، قَالَ : حَدَّثَنَا يَوْسُفُ بْنُ كُلَيْبٍ، قَالَ : حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ، عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدِ الْحَنَاطِ، عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الشُّمَالِيِّ، قَالَ : سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ عليه السلام يَقُولُ :

لَوْ قَدْ خَرَجَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام ... يَقُومُ بِأَمْرِ جَدِيدٍ وَ سُنَّةٍ جَدِيدَةٍ وَ قَضَاءٍ جَدِيدٍ عَلَى الْعَرَبِ شَدِيدٌ لَيْسَ شَأْنُهُ إِلَّا الْقَتْلَ وَ لَا يَسْتَتِيبُ أَحَدًا وَ لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَأَنَّهُمْ .

١٩١٤ . الغيبة للنعماني : أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدِ الْحَنَاطِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع يَقُومُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ جَدِيدٍ وَ كِتَابٍ جَدِيدٍ وَ قَضَاءٍ جَدِيدٍ عَلَى الْعَرَبِ شَدِيدٌ لَيْسَ شَأْنُهُ إِلَّا السَّيْفَ لَا يَسْتَتِيبُ أَحَدًا وَ لَا يَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَأَنَّهُمْ .

## فصل ششم

# سیاست های قضایی

### ۱/۶ آیین قضایی جدید

۱۹۱۳. الغیبة، نعمانی - با سندش به نقل از ابو حمزه ثمالی -: شنیدم که امام محمد باقر علیه السلام می فرماید: «اگر قائم خاندان محمد خروج کند...، به امری نوین و سنتی نو و طریقه ای جدید و قضایی تازه قیام خواهد نمود که بر عرب گران خواهد بود. کار او جز کشتن [معاند] نیست و توبه هیچ کس [از آنان] را نمی پذیرد و در کار خدا از سرزنش هیچ خرده گیری باک ندارد»<sup>۱</sup>.

۱۹۱۴. الغیبة، نعمانی - با سندش به نقل از ابو بصیر -: امام باقر علیه السلام فرمود: «امام قائم که قیام کند، امری نو و کتابی نو و قضاوتی نو خواهد داشت و بر عرب سخت خواهد گرفت. بجز شمشیر، کاری نخواهد داشت. نه توبه کسی را می پذیرد و نه در اجرای امر خداوند، از ملامت کسی باک دارد»<sup>۲</sup>.

۱. الغیبة، نعمانی: ص ۲۳۴ ح ۲۲، مختصر بصائر الدرجات: ص ۲۱۳، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۴۸ ح ۹۹.

۲. الغیبة، نعمانی: ص ۲۳۳ ح ۱۹، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۵۴ ح ۱۱۴.

١٩١٥. الخصال: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا حَمْرَةُ بْنُ الْقَاسِمِ الْعَلَوِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عِمْرَانَ الْبَرْقِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْهَمْدَانِيُّ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ أَبِي الْحَسَنِ عليهما السلام قَالَا: لَوْ قَدْ قَامَ الْقَائِمُ لَحَكَمَ بِثَلَاثٍ لَمْ يَحْكَمْ بِهَا أَحَدٌ قَبْلَهُ يَقْتُلُ الشَّيْخَ الزَّانِيَّ وَ يَقْتُلُ مَانِعَ الزَّكَاةِ وَ يُورِثُ الْأَخَ أَخَاهُ فِي الْأُطْلَةِ.

١٩١٦. الكافي: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُونٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ: دَمَانٍ فِي الْإِسْلَامِ حَلَالٌ مِنَ اللَّهِ لَا يَقْضِي فِيهِمَا أَحَدٌ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ قَائِمَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَإِذَا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ قَائِمَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ حَكَمَ فِيهِمَا بِحُكْمِ اللَّهِ لَا يُرِيدُ عَلَيْهِمَا بَيْتَةَ الزَّانِي الْمُخْصَنُ يَرْجُمُهُ وَ مَانِعَ الزَّكَاةِ يَضْرِبُ عُنُقَهُ

٢ / ٦

### الْقَضَاءُ بِقَضَاءِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عليهما السلام

١٩١٧. الكافي: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ مَنْصُورٍ، عَنْ فَضْلِ الْأَعُورِ، عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَدَّاءِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: يَا أَبَا عُبَيْدَةَ، إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام حَكَمَ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ لَا يَسْأَلُ بَيْتَهُ.

١٩١٨. كمال الدين: بِهَذَا الْإِسْنَادِ ٢ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

سَيَأْتِي فِي مَسْجِدِكُمْ ثَلَاثُمِئَةٍ وَثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا - يَعْنِي مَسْجِدَ مَكَّةَ - يَعْلَمُ أَهْلُ

١. الظاهر أنه تصحيف، والصحيح «فضيل الأعور».

٢. أي محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد عليه السلام قال حدثنا محمد بن الحسن الصفار عن يعقوب بن يزيد عن محمد بن أبي عمير عن أبان بن عثمان.

۱۹۱۵. الخصال - با سندش به نقل از علی بن ابی حمزه - امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام فرمودند: «اگر امام قائم قیام کند، سه فرمان می‌دهد که هیچ کس پیش از او چنین فرمان‌هایی نداده است: پیرمرد زناکار را می‌کشد و آن را که زکات ندهد، می‌کشد و برادر را از برادر در اظله<sup>۱</sup> ارث می‌دهد»<sup>۲</sup>.

۱۹۱۶. الکافی - با سندش به نقل از ابان بن تغلب - امام صادق علیه السلام به من فرمود: «دو خون در اسلام از جانب خدای - تبارک و تعالی - حلال است، که هیچ کس در باره آن قضاوت نمی‌کند، تا زمانی که خدای تعالی قائم ما اهل بیت را مبعوث فرماید. پس چون خدای تعالی قائم ما اهل بیت را مبعوث کرد، او در باره آن دو به حکم خدای تعالی حکومت می‌کند: یکی زانی محصن است که او را سنگسار می‌سازد و دیگر مانع الزکات است که گردش را می‌زند»<sup>۳</sup>.

## ۲/۶

### قضاوت به شیوه داوود و سلیمان علیهما السلام

۱۹۱۷. الکافی - با سندش به نقل از ابو عبیده - امام باقر علیه السلام فرمود: «ای ابو عبیده! هنگامی که قائم خاندان محمد صلی الله علیه و آله و سلم قیام می‌کند، به شیوه داوود و سلیمان قضاوت می‌کند و بینه نمی‌طلبند»<sup>۴</sup>.

۱۹۱۸. کمال الدین - با سندش به نقل از ابان بن تغلب - امام صادق علیه السلام فرمود: «در این مسجدها (مسجد مکه) سیصد و سیزده مرد می‌آیند که مکیان می‌دانند پدران مکیان و اجدادشان، و اجدادشان، آنها را به دنیا نیاورده‌اند (/ اهل مکه نیستند). شمشیرهای آنان به

۱. شاید مقصود از «اظله» عالم ذر باشد، چنان که در احادیث از آن عالم، به «ظلال» و «اظله» تعبیر شده است. بنا بر این، معنای حدیث، چنین است که اشخاصی که در آن عالم با یکدیگر برادر بوده‌اند و خداوند در میان آنان برادری و محبت قرار داده است، در زمان ظهور دولت مهدوی علیه السلام از یکدیگر ارث می‌برند و یا این که مقصود از «اظله»، سایه‌های این عالم و کنایه از مسکن و خانه باشد؛ یعنی از خانه برادر سهمی هم به برادر می‌دهد تا سایه‌سری داشته باشد.

۲. الخصال: ص ۱۶۹ ح ۲۲۳، مختصر بصائر الدرجات: ص ۱۷۰، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۰۹ ح ۲.

۳. الکافی: ج ۳ ص ۵۰۳ ح ۵، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۱۱ ح ۱۵۸۹، کمال الدین: ص ۶۷۱ ح ۲۱، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۷۱ ح ۱۶۲.

۴. الکافی: ج ۱ ص ۳۹۷ ح ۱ (با سند حسن مثل صحیح)، بصائر الدرجات: ص ۲۵۹ ح ۵ (با سند صحیح)، بحار الأنوار: ج ۲۳ ص ۸۵ ح ۲۸.



مَكَّةَ أَنَّهُ لَمْ يَلِدْهُمْ آبَاؤُهُمْ وَلَا أجدَادُهُمْ، عَلَيْهِمُ السُّيُوفُ، مَكْتُوبٌ عَلَى كُلِّ سَيْفٍ كَلِمَةٌ تَفْتَحُ أَلْفَ كَلِمَةٍ، فَيَبْعَثُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى رِيحًا فَتُنَادِي بِكُلِّ وَاِدٍ: هَذَا الْمَهْدِيُّ، يَقْضِي بِقَضَاءِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عليهما السلام (و) لَا يُرِيدُ عَلَيْهِ بَيِّنَةٌ.

١٩١٩. بصائر الدرجات: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ، عَنْ فَضِيلِ الْأَعْوَرِ، عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ، عَنْهُ عليه السلام قَالَ:

إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ حَكَمَ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ، لَا يَسْأَلُ النَّاسَ بَيِّنَةً.

١٩٢٠. الكافي: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ أَبَانٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:

لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنِّي، يَحْكُمُ بِحُكْمِ آلِ دَاوُدَ وَلَا يَسْأَلُ بَيِّنَةً، يُعْطِي كُلَّ نَفْسٍ حَقَّهَا ٢.

١٩٢١. الكافي: إِسْحَاقُ، قَالَ: حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ طَرْيَفٍ، قَالَ: إِخْتَلَجَ فِي صَدْرِي مَسْأَلَتَانِ أَرَدْتُ الْكِتَابَ فِيهِمَا إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ عليه السلام، فَكَتَبْتُ أَسْأَلُهُ عَنِ الْقَائِمِ عليه السلام إِذَا قَامَ بِمَا يَقْضِي؟....

فَجَاءَ الْجَوَابُ: سَأَلْتَ عَنِ الْقَائِمِ، فَإِذَا قَامَ قَضَى بَيْنَ النَّاسِ بِعِلْمِهِ كَقَضَاءِ دَاوُدَ عليه السلام لَا يَسْأَلُ الْبَيِّنَةَ....

١٩٢٢. الإرشاد: رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَجَلَانَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ، حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ

١. أي الإمام الباقر عليه السلام.

٢. في بصائر الدرجات: «حكما» بدل «حقها».

دوششان است و بر هر شمشیر، کلمه‌ای نوشته شده که هزار کلمه (حکمت) را می‌گشاید و خداوند - تبارک و تعالی - بادی را می‌فرستد که در هر وادی ندا می‌دهد: این، مهدی علیه السلام است. به شیوه داوود و سلیمان قضاوت می‌کند و برای آن، بی‌نه نمی‌خواهد»<sup>۱</sup>.

۱۹۱۹. بصائر الدرجات - با سندش به نقل از ابو عبیده -: امام [باقر علیه السلام] فرمود: «هنگامی که قائم خاندان محمد قیام می‌کند، به شیوه داوود و سلیمان قضاوت می‌کند و از مردم، بی‌نه نمی‌طلبد»<sup>۲</sup>.

۱۹۲۰. الکافی - با سندش به نقل از ابان -: شنیدم که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «دنیا از میان نمی‌رود تا مردی از من قیام کند که به شیوه آل داوود قضاوت می‌کند و بی‌نه نمی‌طلبد. به هر کس حَقِّش را می‌دهد»<sup>۳</sup>.

۱۹۲۱. الکافی - با سندش به نقل از حسن بن ظریف -: دو مسئله در ذهنم خلجان می‌کرد و می‌خواستم آنها را در نامه‌ای به امام عسکری علیه السلام بنویسم. پس نوشتم و از ایشان پرسیدم: قائم علیه السلام، هنگامی که قیام کند، به چه شیوه قضاوت می‌نماید؟ ...

پاسخ چنین آمد: «از قائم پرسیده بودی. او وقتی قیام می‌کند، میان مردم به علمش قضاوت می‌کند، و مانند شیوه قضاوت داوود، بی‌نه نمی‌طلبد»<sup>۴</sup>.

۱۹۲۲. الإرشاد - به نقل از عبد الله بن عجلان -: امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که قائم خاندان محمد - که بر او و بر ایشان درود باد - قیام کند، میان مردم به شیوه داوود علیه السلام قضاوت می‌کند، نیازمند بی‌نه نیست. خداوند متعال به او الهام می‌کند و او به

۱. کمال الدین: ص ۶۷۱ ح ۱۹ (با سند صحیح)، الغیبه، نعمانی: ص ۳۱۳ ح ۵ (با عبارت مشابه) و ص ۳۱۵ ح ۷.

بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۲۸۶ ح ۱۹. نیز، ر. ک: همین دانش‌نامه: ج ۸ ص ۲۸۶ ح ۱۵۹۴

۲. بصائر الدرجات: ص ۲۵۹ ح ۳ (با سند صحیح)، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۲۰ ح ۲۴.

۳. الکافی: ج ۱ ص ۳۹۷ ح ۲ (با سند معتبر)، بصائر الدرجات: ص ۲۵۸ ح ۱، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۲۰ ح ۲۲.

۴. الکافی: ج ۱ ص ۵۰۹ ح ۱۳، الإرشاد: ج ۲ ص ۳۳۱، التائب فی المناقب: ص ۵۶۵ ح ۵۰۴، إعلام الوری: ج ۲ ص ۱۴۵، الخرائج و الجرائح: ج ۱ ص ۴۳۱ ح ۱۰، بحار الأنوار: ج ۵۰ ص ۲۶۴ ح ۲۴.

لَا يَحْتَاجُ إِلَى بَيِّنَةٍ، يُلْهِمُهُ اللَّهُ تَعَالَى فَيَحْكُمُ بِعِلْمِهِ، وَيُخَيِّرُ كُلَّ قَوْمٍ بِمَا اسْتَبْطَنُوهُ، وَيَعْرِفُ وَرَثَتَهُ مِنْ عَدُوِّهِ بِالتَّوَسُّمِ، قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى: ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ \* وَإِنَّهَا لِبَسْبِيلٍ مُّقِيمٍ﴾<sup>١</sup>.

١٩٢٣. الإرشاد: رَوَى عَلِيُّ بْنُ عُقْبَةَ، عَنْ أَبِيهِ<sup>٢</sup>، قَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عليه السلام حَكَمَ بِالْعَدْلِ، وَارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ، وَأَمِنَتْ بِهِ السُّبُلُ، وَأَخْرَجَتْ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا، وَرَدَّ كُلَّ حَقٍّ إِلَى أَهْلِهِ، وَلَمْ يَبْقَ أَهْلُ دِينٍ حَتَّى يُظْهِرُوا الْإِسْلَامَ وَيَعْتَرِفُوا بِالْإِيمَانِ، أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: ﴿وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ﴾<sup>٣</sup> وَحَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَحُكْمِ مُحَمَّدٍ عليه السلام.

١٩٢٤. بحار الأنوار: بِإِسْنَادِهِ (إِلَى كِتَابِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ) رَفَعَهُ إِلَى جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِنَّمَا سُمِّيَ الْمَهْدِيُّ لِأَنَّهُ يُهْدَى إِلَى أَمْرِ خَفِيِّ حَتَّى إِنَّهُ يُبْعَثُ إِلَى رَجُلٍ لَا يَعْلَمُ النَّاسَ لَهُ ذَنْبًا فَيَقْتُلُهُ حَتَّى إِنْ أَحَدَهُمْ يَتَكَلَّمُ فِي بَيْتِهِ فَيَخَافُ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْهِ الْجِدَارُ.

١. الحجر: ٧٥ و ٧٦.

٢. في كشف الغمّة: «علي بن عقبة عن أبي عبدالله عليه السلام».

٣. آل عمران: ٨٣.

علمش حکم می‌کند و به هر گروهی، آنچه را در درونشان مخفی کرده‌اند، خیر می‌دهد و دوستش را از دشمنش با نگاه به سیما و نشان می‌شناسد. خداوند سبحان متعال فرموده است: ﴿بی‌گمان، در این، نشانه‌هایی برای هوشمندان است و [آثار] آن، بر سر راهی پابرجاست﴾<sup>۱</sup>.

۱۹۲۳. الإرشاد - به نقل از علی بن عقبه، از پدرش: [امام علیه السلام] فرمود: «هنگامی که قائم قیام کند، به عدالت حکم می‌راند و در روزگار او، ستم از میان می‌رود و راه‌ها امن می‌شوند و زمین، برکت‌هایش را بیرون می‌آورد و هر حقی به صاحبش بازگردانده می‌شود و گروندگان به هیچ دینی باقی نمی‌مانند، مگر آن که اظهار اسلام می‌کنند و به ایمان [به آن] اقرار می‌آورند. آیا سخن خداوند متعال را نشنیده‌ای که می‌فرماید: ﴿و هر که در آسمان‌ها و زمین است، خواه ناخواه تسلیم او خواهد شد و [همه] به سوی او بازگردانده می‌شوند﴾؟! و میان مردم به حکم داوود علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله و سلم قضاوت می‌کند»<sup>۲</sup>.

۱۹۲۴. بحار الأنوار - به نقل از کتاب فضل بن شاذان، از جابر -: امام باقر علیه السلام فرمود: به این جهت، او مهدی نامیده شده است که به امور پنهان هدایت می‌گردد، تا آن جا که گاه به سراغ کسی می‌فرستد که مردم او را بی‌گناه می‌دانند و او را به قتل می‌رساند<sup>۳</sup> و تا آن جا که بعضی از مردم، هنگامی که درون خانه خود سخن می‌گویند، می‌ترسند دیوار بر ضد آنها شهادت دهد»<sup>۴</sup>.

۱. الإرشاد: ج ۲ ص ۲۸۶، إعلام الوری: ج ۲ ص ۲۹۲، كشف الغمة: ج ۳ ص ۲۵۶، روضة الواعظین: ص ۲۹۱، الصراط المستقیم: ج ۲ ص ۲۵۴ (در این منبع، بخش پایانی حدیث، از «خداوند سبحان» نیامده است)، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۳۹ ح ۸۶.

۲. الإرشاد: ج ۲ ص ۲۸۴، إعلام الوری: ج ۲ ص ۲۹۰. نیز، برای دیدن همه حدیث ر.ک: ص ۳۴۶ ح ۱۸۶۵.

۳. زیرا از گناه نهایی او همانند قتل نفس که موجب قصاص می‌شود، آگاه است.

۴. بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۹۰ ح ۲۱۲، سرور أهل الإیمان: ص ۱۱۲.

## تیسین شیوہ داوری اوود و سلیمان علیہ السلام<sup>۱</sup>

احادیثی که ملاحظه شد، روش قضاوت امام مهدی علیه السلام پس از ظهور را به روش قضاوت داوود و سلیمان و یا آل داوود تشبیه کرده است. در این احادیث، مشخصه این گونه قضاوت را: عدم مطالبه بینه، داوری بر اساس علم، حق را به ذی حق رساندن، الهام الهی و امور پنهان را آشکار ساختن، دانسته است.

در برخی احادیث، امیر مؤمنان علیه السلام نیز برخی قضاوت‌های خود را به قضاوت داوود تشبیه کرده است. درباره روش قضاوت داوود و سلیمان، آگاهی‌های روشنی در اختیار ما نیست.

آیات قرآن، دانستن زبان پرندگان،<sup>۲</sup> برخورداری از دانش ویژه<sup>۳</sup> و نیز داشتن نوعی قدرت غیبی<sup>۴</sup> را برای داوود اثبات می‌کند. همچنین نمونه‌ای از داوری داوود را برای متخاصمان نقل می‌کند که ظاهراً مورد تأیید قرآن نیست.<sup>۵</sup>

احادیث اسلامی نیز اطلاع دقیق و روشنی در اختیار ما قرار نمی‌دهند. از این رو، فهم این تشبیه در احادیث مهدوی، دشوار است و تنها طریق ما برای فهم و تبیین

۱. به قلم پژوهشگر ارجمند، حجة الاسلام والمسلمین مهدی مهریزی.

۲. نمل: آیه ۱۶.

۳. نمل: آیه ۱۵.

۴. انبیاء: آیه ۷۹، سبأ: آیه ۱۰، ص: آیه ۱۷-۱۹.

۵. ص: آیه ۲۱-۲۴.

این احادیث، یافتن قراین و شواهد است.

در احادیث، نمونه‌هایی از قضاوت داوود بیان شده که می‌توان آنها را به دو گروه تقسیم کرد و می‌تواند در فهم احادیث مهدویت، سودمند باشد.

۱. استفاده از علم غیب الهی و قضاوت بر پایه آن که در این حدیث بازگو شده است.

ابو حمزه از امام باقر علیه السلام نقل کرده که ایشان فرمود: داوود علیه السلام از خداوند تقاضا کرد که یکی از داورى‌های جهان آخرت را به وی نشان دهد. خطاب آمد: ای داوود! این موضوع را من به احدی از بندگانم نشان نمی‌دهم و نباید کسی غیر از من به آنها آگاه باشد. این، باعث انصراف داوود نشد و [بار دیگر] از خداوند تقاضا کرد یکی از قضاوت‌های جهان آخرت را به وی نشان دهد. جبرئیل نازل شد و به داوود گفت:

ای داوود! تو از خداوند چیزی را خواسته‌ای که تاکنون هیچ پیامبری درخواست نکرده. ای داوود! آنچه تو خواسته‌ای احدی از بندگان خدا بر آن آگاهی ندارد. و نباید کسی غیر از خداوند بر اساس آنان حکم کند. ولی خداوند خواسته تورا اجابت کرد و آنچه را که خواسته بودی، به تو عنایت کرده است. ای داوود! فردا صبح دو نفر به نزد تو می‌آیند. داورى در بین آن به سان داورى آخرت خواهد بود.

گفت: هنگامی که صبح شد و داوود در مجلس قضاوت نشست، پیرمردی از در وارد شد و جوانی را می‌کشید و در دست آن جوان، یک خوشه انگور بود. پیرمرد به داوود گفت: ای پیامبر خدا! این جوان، داخل تاکستان من شده و انگورهای مرا خراب کرده و بدون اجازه من از آن خورده و این خوشه انگور را بدون اجازه من برداشته است.

داوود علیه السلام رو به جوان کرد و گفت: در مقابل ادعای این پیرمرد چه می‌گویی؟ جوان اقرار کرد که این کار را کرده است.

در همان هنگام، خداوند به داوود وحی فرمود: ای داوود! اگر من یکی از

داوری‌های آخرت را برای تو کشف کنم و تو به واسطه آن، میان پیرمرد و جوان داوری کنی، هم خودت نمی‌توانی آن داوری را تحمل کنی و هم قومت آن را قبول نمی‌کنند.

ای داوود! این پیرمرد شاکلی، مدّتی قبل به بستان پدر این جوان تجاوز کرد و پدرش را در همان باغ کشت و بستان پدر او را غصب کرد و چهل هزار درهم بول از او برداشت و او را در کنار همان بستان دفن نمود. پس شمشیر به دست این جوان بده و به او امر کن گردن این پیرمرد را بزنند و بعد برود فلان محل، باغ را بکنند و مالش را هم از آن جا در بیاورد.

امام علیه السلام فرمود: داوود از این وحی به وحشت افتاد. علما و یاران خود را دور هم جمع کرد و وحی خداوند را به آنان گفت و قضاوت را هم طبق دستور خداوند، انجام داد.<sup>۱</sup>

این مضمون، به صورت‌های دیگری نیز نقل شده است که در برخی از آنها داوود از خداوند می‌خواهد که این حکم برداشته شود. مانند این حدیث:

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: داوود علیه السلام گفت: خداوند! حق را آن طوری که در نزد خودت است، به من نشان بده تا من روی همان حقیقت، میان مردم حکم کنم. خطاب آمد: ای داوود! تو طاقت چنین کاری را نداری. بعد داوود التماس زیادی به خداوند کرد تا خداوند قدرت درک حقیقت را به وی عطا کرد. فردایش شخصی آمد و شخصی دیگری را هم همراه خود آورد و گفت: این شخص، مال مرا برده است. خداوند به داوود وحی فرمود: که این شخص مدّعی، پدر آن شخص مدّعی علیه را کشته. پس داوود به آن دومی دستور داد که به قصاص قتل پدرش، او را بکشد و مالش را هم ببرد.

بعد امام علیه السلام فرمود: مردم بنی اسرائیل از این قضاوت داوود تعجب کردند و با یکدیگر سخن گفتند، تا به گوش داوود هم رسید. لذا داوود از خداوند درخواست نمود که این تکلیف را از وی بردارد.

خداوند به داوود وحی فرمود که: فقط در میان مردم با اتکای به دلایل و شواهد قضاوت کن. اگر دلیلی نبود، آنها را موظف کن برای اثبات حقیقت خویش به نام من سوگند بخورند.<sup>۱</sup>

در برخی احادیث نیز خداوند می فرماید: مردم طاقت چنین حکمی را ندارند، مانند این حدیث:

امام صادق علیه السلام فرمود: داوود علیه السلام دعا می کرد که خداوند علم قضاوت میان مردم را آن طور که به حقیقت در نزد خدای تعالی وجود دارد، به او تعلیم دهد. خداوند متعال به او وحی کرد: ای داوود! مردم تحمل این حکم را نخواهند داشت و من به زودی چنین خواهم کرد. دو مرد برای دادخواهی به نزد او آمدند و یکی از دیگری شکایت داشت. دستور داد که شاکی، گردن متهم را بزند! این امر بر مردم دشوار آمد و گفتند: مردی از ظلم کسی شکایت می کند و او دستور می دهد ظالم، گردن مظلوم را بزند. داوود عرضه داشت: پروردگارا! مرا از این ورطه هلاکت نجات بده. آن گاه خدای متعال به او وحی کرد: ای داوود! خودت از من خواستی که مطابق نفس الامر و حقیقتی که نزد من است، میان مردم قضاوت کنی و مدعی، پدر مدعی علیه را کشته، تو هم فرمان قتل مدعی را صادر کردی. پدر مدعی علیه در فلان باغ و زیر تخته سنگی<sup>۲</sup> مدفون است. به آن محل برو و او را به نام صدا کن. جواب تو را خواهد داد.

داوود با خوش حالی بی سابقه ای خارج شد و به بنی اسرائیل گفت گشایش حاصل شد و به همراه آنان به آن مکان رفت و به درخت رسید. صدا زد فلانی! او هم گفت: لبیک ای نبی خدا! برسید: چه کسی تو را کشته؟ گفت: فلانی.

بنی اسرائیل گفتند: شنیدیم و ما هم همان را می گوئیم (پذیرفتند). خداوند وحی کرد: ای داوود! مردم طاقت داورى بر اساس واقع را ندارند. از مدعی بیته بخواه و مدعی علیه را قسم بده.<sup>۳</sup>

۱. الکافی: ج ۷ ص ۴۱۴-۴۱۵ ح ۳.

۲. در بحار الأنوار «زیر درختی» آمده.

۳. قصص الأنبياء: ص ۲۰۰ ص ۲۵۷، بحار الأنوار: ج ۱۴ ص ۵.



۲. نمونه دوم از قضاوت‌های داوود، استفاده از فنون تجربی، روان‌شناسانه و عقلایی بازجویی، برای اقرار و کشف حقیقت است که در این روایت، منعکس شده است:

امام باقر علیه السلام فرمود: امیر مؤمنان وارد مسجد شد. جوانی گریان که جمعی در اطرافش بودند و وی را آرام کردند با ایشان مواجه شد. علی علیه السلام فرمود: «چه چیزی تو را به گریه انداخته است؟».

گفت: ای امیر مؤمنان! شریح قاضی درباره من داوری‌ای انجام داده که نمی‌فهمم چگونه است!

این گروه، همراه پدرم به سفر رفتند. اینان برگشتند و پدرم برنگشت. از آنان در باره وی پرسیدم.

گفتند: مُرد. از اموالش پرسیدم. گفتند: مالی به جا نگذاشت. آنان را پیش شریح آوردم و شریح، سوگندشان داد [و آنان را تبرئه کرد] و من می‌دانم ای امیر مؤمنان! که پدرم با ثروت فراوان به سفر، عازم شد.

امیر مؤمنان علیه السلام، به آنان فرمود: «برگردید». همگی به همراه جوان به نزد شریح برگشتند.

امیر مؤمنان علیه السلام، به شریح فرمود: «شریح! چگونه بین اینان داوری کردی؟».

شریح گفت: ای امیر مؤمنان! این جوان، علیه این افراد، ادعا کرده آنان، عازم سفری شده‌اند و پدر او نیز همراهشان بوده است. آنان برگشته‌اند و پدر او برنگشته است. من از آنان در باره پدر وی پرسیدم. گفتند: مرده است. از آنان در باره اموال او پرسیدم. گفتند: مالی به جا نگذاشته است. به جوان گفتم: آیا برای ادعایت شاهدی داری؟ گفت: نه. بنا بر این، آنان را سوگند دادم و آنان، سوگند خوردند [که حقیقت را گفته‌اند].

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «هیئات، ای شریح! در این نوع پیشامدها، چنین داوری می‌کنی؟!».

گفت: ای امیر مؤمنان! پس چگونه [باید داوری کرد]؟!

امير مؤمنان عليه السلام فرمود: «به خدا سوگند، در باره آنان داورى اى خواهم نمود که پيش از من، کسى جز داوود پيامبر، چنين داورى نکرده است! اى قنبر! شُرطه الخَميس<sup>۱</sup> را برايم فرا بخوان.»

قنبر، آنان را فرا خواند. على عليه السلام بر هر کدام آنان، يکى از افراد شُرطه را مأمور ساخت و آن گاه به آنان نگرست و فرمود: «چه گمان مى کنيد؟ آيا گمان مى کنيد که من نمى دانم با پدر اين جوان چه کرده ايد؟ اگر چنين باشد که من نادان خواهم بود!». آن گاه فرمود: «اينان را از هم جدا کنيد و سرهايشان را بپوشانيد».

آنها را جدا کردند و در حالى که سرهايشان با لباس هايشان پوشانده شده بود، هر يک را در کنار يکى از ستون هاى مسجد، سر پا نگه داشتند.

آن گاه [امير مؤمنان عليه السلام] اکاتبش (عبید الله بن ابی رافع) را فرا خواند و فرمود: «کاغذ و دواتى بياور».

امير مؤمنان عليه السلام، در جايگاه داورى نشست و مردم در اطرافش نشستند. آن گاه به مردم فرمود: «هر گاه من تکبير گفتم، شما هم تکبير بگويد» و افزود: «راه را باز کنيد».

سپس يکى از آنان را فرا خواند و در مقابل خود نشاند و صورت وى را باز کرد. آن گاه به عبید الله بن ابی رافع فرمود: «اقرار وى و هر آنچه را مى گويد، بنويس».

سپس [على عليه السلام] به بازجويى او پرداخت و از وى پرسيد: «در چه روزى با پدر اين جوان از خانه هايتان بيرون رفتيد؟».

مرد گفت: در فلان روز.

[على عليه السلام] پرسيد: «در کدام ماه؟». گفت: در فلان ماه.

[على عليه السلام] پرسيد: «در کدام سال؟». گفت: در فلان سال.

[على عليه السلام] پرسيد: «به کجا رسیده بوديد که پدر اين جوان درگذشت؟». گفت: به فلان جا.

[على عليه السلام] پرسيد: «در خانه چه کسى درگذشت؟». گفت: در خانه فلانى فرزند

۱. نیروهای ویژه نظامی؛ گروهی شجاع و مخلص از شیعیان على عليه السلام که با او بر سر بهشت، پیمان بسته بودند.

فلانی .

[علی علیه السلام] پرسید: «بیماری اش چه بود؟». گفت: فلان بیماری را داشت .

[علی علیه السلام] پرسید: «چند روز بیمار بود؟». گفت: چند روزی .

[علی علیه السلام] پرسید: «چه روزی درگذشت؟ چه کسی وی را غسل داد؟ چه کسی کفنش کرد؟ با چه چیزی کفنش کردید؟ چه کسی بر وی نماز گزارد؟ و چه کسی [برای دفن او] درگورش رفت؟» .

امیر مؤمنان علیه السلام، هنگامی که از وی هر چه می‌خواست، پرسید، تکبیر گفت و مردم، همه تکبیر گفتند . باقی‌مانده متهمان به دودلی افتادند و تردید نکردند که دوستشان علیه آنان و علیه خودش اقرار کرده است .

علی علیه السلام دستور داد که سر وی را بیوشانند و او را به زندان ببرند . آن‌گاه دیگری را فراخواند و در پیش خود نشانند و صورتش را باز کرد فرمود: «هرگز! پنداشته‌اید من نمی‌دانم چه کار کرده‌اید؟» .

او گفت: ای امیر مؤمنان! من یکی از این افراد بودم و از کشتنش ناخشنود بودم . و به این شیوه، اقرار کرد .

آن‌گاه، علی علیه السلام [همه آنان را یکی پس از دیگری فراخواند . همه آنان به قتل و تصرف اموال] پدر آن جوان اقرار کردند . آن‌گاه آن‌را که به زندان فرستاده بود، باز گرداند و او نیز اقرار کرد . علی علیه السلام آنان را به پرداخت مال و قصاص، ملزم ساخت .

شَریح گفت: ای امیر مؤمنان! جریان داوری داوود پیامبر، چگونه است؟  
علی علیه السلام فرمود: «داوود پیامبر، گذرش به گروهی از کودکان افتاد که با هم بازی می‌کردند و یکی [از هم‌بازی‌های خود] را مات الدین (دین مُرده) صدا می‌زدند .  
کودکی هم [از میان آنان] جواب می‌داد .

داوود علیه السلام آنان را صدا کرد و [به آن کودک] گفت: ای پسر! نامت چیست؟ او پاسخ داد: مات الدین .

داوود علیه السلام پرسید: چه کسی تو را به این نام، نامیده است؟ گفت: مادرم .

داوود عليه السلام نزد مادر وی رفت و به وی گفت: ای زن! نام این پسر چیست؟ پاسخ داد: مات الدین.

[داوود عليه السلام] از وی پرسید: چه کسی این نام را بر او نهاده است؟ پاسخ داد: پدرش. داوود عليه السلام پرسید: جریان، از چه قرار بوده است؟ زن گفت: پدرش همراه گروهی به سفر رفت و این بچه در شکم من بود. آنان برگشتند و شوهر من برنگشت. از آنان در باره وی پرسیدم. گفتند: مُرد.

به آنان گفتم: اموالش کجاست؟ گفتند: چیزی به جا نگذاشته است. گفتم: آیا وصیتی هم به شما کرد؟ گفتند: آری. احتمال می داد که تو بارداری. [از این رو، وصیت کرد:] دختر یا پسری را که به دنیا می آوری، مات الدین (دین مُرده) نام گذاری کن. من نیز همین نام را بر او گذاشتم. داوود عليه السلام گفت: گروهی را که با شوهرت به سفر رفته بودند، می شناسی؟ گفت: آری.

[داوود عليه السلام] پرسید: آنان مرده اند، یا زنده اند؟ گفت: زنده اند.

داوود عليه السلام گفت: پیش آنان برویم.

سپس با زن، نزد آنان رفت و آنان را از خانه هایشان بیرون کشید و در بین آنان به همین گونه داورى کرد و پرداخت مال و خون بها را بر گردن آنان گذاشت و به زن گفت: نام پسر را "عاش الدین (دین زنده)" بگذار.<sup>۱</sup>

با توجه به نمونه هایی که از قضاوت و داورى داوود عليه السلام نقل شد، می توان گفت آنچه قضاوت داوودی محسوب می شد - که ویژه ایشان بود و وی را از دیگران ممتاز می کرد - قضاوت بر پایه علم غیب الهی و دیگری قضاوت بر پایه فنون بازجویی علم آور است. البته قضاوت بر اساس بینه و قسم، و طیفه عمومی و متداول داوود عليه السلام بوده، چنان که دستور پیامبران پیش از او و بعد از او نیز بوده است و در ذیل چند روایت نیز بدان اشاره شد. حال می توان گفت قضاوت مهدوی که تشبیه به

قضاوت داوود شده نیز به یکی از این دو صورت خواهد بود:

۱. این که خداوند به مهدی عج توانایی‌های ماورایی و غیبی اعطا می‌کند که واقعیت‌ها از منظری فراتر از عالم ماده برایش مکشوف می‌شود و این اجازه را می‌یابد که بر اساس همان کشف و واقعیت‌ها داوری کند.

پیامبران و امامان دیگر گرچه به اذن خدا، آن بُعد کشف و واقعیت را می‌توانستند دارا باشند، ولی مجاز به اعمال آن در این عالم نبوده‌اند.

۲. دومین احتمال، آن است که مضمون و محتوای این احادیث را تعبیر و نشانه‌ای از رشد دانش انسانی در آن برهه از تاریخ بدانیم. چنان که انسان امروزی، برای کشف جرم به راه‌هایی دست یافته که در گذشته نبود. مانند انگشت‌نگاری، چهره‌نگاری، تجزیه و تحلیل ژن (DNA) و دیگر اجزای بدن که به واسطه آن، به سهولت و دقت، نتایجی بهتر و دقیق‌تر از سوگند و بی‌نه در مقام قضا و داوری به دست می‌آید. این رشد علمی در زمان حکومت امام مهدی عج به بالاترین حد می‌رسد و راه‌هایی دقیق‌تر و سریع برای بشر مکشوف می‌شود و امام زمان عج و یارانش از آنها استفاده می‌کنند.

با توجه به این که احتمال اول برای داوود ع نیز به صورت نادر اتفاق افتاد و امری فراگیر و همگانی نشد و خداوند به داوود تأکید کرد که خودش و جامعه‌اش طاقت و تحمل آن را ندارند و داوود هم درخواست کرد آن حکم برداشته شود، در باره قضاوت‌های امام مهدی عج نیز احتمال دوم، طبیعی‌تر و سازگارتر است؛ زیرا احتمال دوم، دو امتیاز به همراه دارد: یکی جنبه اقناعی آن برای انسان‌ها و مخاطبان و دیگری قابلیت تعمیم و توسعه به دیگر قاضیان و داوران منصوب از طرف امام مهدی عج. برای هر دو امتیاز می‌توان از احادیث اسلامی نیز شاهد آورد.

برای جنبه اقناعی می‌توان به احادیثی استناد کرد که در مورد داوود ع گزارش شد؛ زیرا پس از درخواست داوود از خداوند که بتواند بر اساس علم غیب قضاوت

کند، خداوند به وی فرمود: «مردم توان و ظرفیت تحمل آن را ندارند و یا تو توان تحمل آن را نداری!»<sup>۱</sup>

برای امتیاز دوم نیز به احادیث همین نوشتار می توان استناد جست؛<sup>۲</sup> چرا که مفهوم این احادیث، آن است که قاضیان منصوب از طرف امام مهدی علیه السلام نیز مانند ایشان قضاوت می کنند. از این رو می توان گفت عمده قضاوت های مهدی علیه السلام با استفاده از روش های فنی و نوین است<sup>۳</sup> که ضمن کشف حقیقت، برای مخاطبان نیز قابل هضم است. گرچه قضاوت بر پایه علم غیب الهی، به صورت نادر و اندک، بُعدی ندارد و قابل انکار نیست.

۱. ر.ک: ص ۴-۳۹۵.

۲. ر.ک: ص ۳۹۶-۳۹۹.

۳. اکثر قضاوت های شگفت نقل شده از امیر مؤمنان علیه السلام نیز از همین گونه است (ر.ک: الکافی: ج ۷ ص ۴۲۲ ح ۴ و ص ۴۲۳-۴۲۵ ح ۶-۹).

۳ / ۶

## تَوْفِيرُ الْإِمْكَانَاتِ لِلْقَضَاءِ الدَّفِينِ السَّبْعِ

۱۹۲۵. الغيبة للنعماني: حَدَّثَنَا أَبُو سُلَيْمَانَ أَحْمَدُ بْنُ هُوْدَةَ: قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو إِسْحَاقَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ إِسْحَاقَ النَّهْأَوَنْدِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ حَمَادِ الْأَنْصَارِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام، عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ بَعَثَ فِي أَقَالِيمِ الْأَرْضِ، فِي كُلِّ إِقْلِيمٍ رَجُلًا، يَقُولُ: عَهْدُكَ فِي كَفِّكَ، فَإِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ أَمْرٌ لَا تَفْهَمُهُ وَلَا تَعْرِفُ الْقَضَاءَ فِيهِ، فَانظُرْ إِلَى كَفِّكَ وَاعْمَلْ بِمَا فِيهَا.

قَالَ: وَيَبْعَثُ جُنْدًا إِلَى الْقُسْطَنْطِينِيَّةِ، فَإِذَا بَلَغُوا الْخَلِيجَ كَتَبُوا عَلَى أَقْدَامِهِمْ شَيْئًا وَمَشَوْا عَلَى الْمَاءِ، فَإِذَا نَظَرَ إِلَيْهِمُ الرُّومُ يَمْشُونَ عَلَى الْمَاءِ، قَالُوا: هَؤُلَاءِ أَصْحَابُهُ يَمْشُونَ عَلَى الْمَاءِ، فَكَيْفَ هُوَ؟ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَفْتَحُونَ لَهُمْ أَبْوَابَ الْمَدِينَةِ، فَيَدْخُلُونَهَا، فَيَحْكُمُونَ فِيهَا مَا يَشَاؤُونَ.

۱۹۲۶. دلائل الإمامة: بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي عَلِيِّ النَّهْأَوَنْدِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الرَّعْفَرَانِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو طَالِبٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: إِذَا قَامَ قَائِمُنَا، بَعَثَ فِي أَقَالِيمِ الْأَرْضِ، فِي كُلِّ إِقْلِيمٍ رَجُلًا، فَيَقُولُ لَهُ: عَهْدُكَ فِي كَفِّكَ وَاعْمَلْ بِمَا تَرَى.

۴ / ۶

## نَزْعُ قَضَائِ السَّوِّ

۱۹۲۷. شرح نهج البلاغة لابن ميثم: قَالَ عَلِيُّ عليه السلام: إِعْلَمُوا عِلْمًا يَقِينًا، أَنَّ الَّذِي يَسْتَقْبِلُ قَائِمَنَا

۳/۶

## فراهم‌سازی امکانات برای قضاوت دقیق و سریع

۱۹۲۵. الغیبة، نعمانی - با سندش به نقل از محمد بن جعفر بن محمد رضی الله عنه از پدرش :- امام صادق رضی الله عنه فرمود: «هنگامی که قائم قیام کند، به هر یک از مناطق زمین، کسی را می‌فرستد و به او می‌گوید: "عهدنامه‌ات در کف دستت است، هنگامی که کاری بر تو پیش آمد که آن را نفهمیدی و حکم آن را ندانستی، به کف دستت بنگر و به آن [عهدنامه] عمل کن".

و لشکری را به قسطنطنیه روانه می‌کند که چون به خلیج می‌رسند، بر پاهایشان چیزی می‌نویسند و بر آب راه می‌روند، و چون رومیان به آنها می‌نگرند که روی آب راه می‌روند، می‌گویند: اینها که یاران اویند، روی آب راه می‌روند. خود او چگونه است؟! این هنگام است که دروازه‌های شهر را برایشان می‌گشایند و آنها به آن وارد می‌شوند و به آنچه می‌خواهند، حکم می‌کنند.<sup>۱</sup>

۱۹۲۶. دلائل الإمامة - با سندش به نقل از ابان بن تغلب :- امام باقر رضی الله عنه فرمود: «هنگامی که قائم ما قیام کند، به هر یک از مناطق زمین مردی را روانه می‌کند و به او می‌گوید: "عهدنامه‌ات در کف دستت است. به آنچه می‌بینی، عمل کن".<sup>۲</sup>

۴/۶

## برکناری قاضیان ناشایست

۱۹۲۷. شرح نهج البلاغة، ابن میثم: علی رضی الله عنه فرمود: «به یقین، بدانید، آنچه از کارهای

۱. الغیبة، نعمانی: ص ۳۱۹ ح ۸، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۶۵ ح ۱۴۴.

۲. دلائل الإمامة: ص ۴۶۶ ح ۴۵۲.



مِنْ أَمْرِ جَاهِلِيَّتِكُمْ لَيْسَ بِدُونِ مَا اسْتَقْبَلَ الرَّسُولَ مِنْ أَمْرِ جَاهِلِيَّتِكُمْ - وَذَلِكَ أَنَّ الْأُمَّةَ كُلَّهَا يَوْمئِذٍ جَاهِلِيَّةٌ - إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ، فَلَا تَعَجَّلُوا فَيُعَجَّلَ الْخَوْفُ بِكُمْ، وَاعْلَمُوا أَنَّ الرَّفَقَ يُمْنٌ وَفِي الْأَنَاءِ بَقَاءٌ وَرَاحَةٌ، وَالْإِمَامَ أَعْلَمُ بِمَا يُنْكَرُ، وَلِعَمْرِي لَيَنْزِعَنَّ عَنْكُمْ قُضَاءَ السَّوَاءِ.

٥/٦

### اِخْتِيَارُ الْقُضَاةِ الصَّالِحِينَ

١٩٢٨. صحيح البخاري: حَدَّثَنَا قُتَيْبَةُ بْنُ سَعِيدٍ: حَدَّثَنَا اللَّيْثُ، عَنِ ابْنِ شِهَابٍ، عَنِ ابْنِ الْمُسَيَّبِ: أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا هُرَيْرَةَ يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، لَيُوشِكَنَّ أَنْ يَنْزَلَ فِيكُمْ ابْنُ مَرْيَمَ حَكَمًا مُقْسِطًا.

١٩٢٩. سنن ابن ماجه: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ الْمُحَارِبِيُّ، عَنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ رَافِعٍ، أَبِي رَافِعٍ، عَنِ أَبِي زُرْعَةَ الشَّيْبَانِيِّ يَحْيَى بْنِ أَبِي عَمْرٍو، عَنِ أَبِي أَمَامَةَ الْبَاهِلِيِّ، قَالَ: ... قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: فَيَكُونُ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ ﷺ فِي أُمَّتِي حَكَمًا عَدْلًا، وَإِمَامًا مُقْسِطًا.

١٩٣٠. الملاحم والفتن: عن الامام الصادق ﷺ - في حديث يذكر فيه أصحاب القائم - ... فهؤلاء ثلاثمائة وثلاثة عشر رجلاً، يجمعهم الله عز و جل بمكة في ليلة واحدة... فقال أبو بصير: :: جُعِلْتُ فِدَاكَ، لَيْسَ عَلَى ظَهْرِهَا مُؤْمِنٌ غَيْرُ هَؤُلاءِ؟ قَالَ: بَلَى، وَلَكِنَّ هَذِهِ الْعِدَّةَ الَّتِي يَخْرُجُ فِيهَا الْقَائِمُ ﷺ، وَهُمْ التَّجْبَاءُ وَهُمْ الْفُقَهَاءُ وَهُمْ الْحُكَّامُ وَهُمْ الْقُضَاةُ الَّذِينَ يَمْسَحُ بَطُونَهُمْ وَظُهُورَهُمْ فَلَا يَشْكُلُ عَلَيْهِمْ حُكْمٌ.

جاهلی‌تان که قائم ما با آن رو به‌رو می‌شود، کمتر از آن چیزی نیست که پیامبر ﷺ با آن رو به‌رو شد و این از آن روست که امت، همگی در آن روز، بر امر جاهلیت اند، جز آن که خداوند، رحم کند. پس عجله نکنید، که اگر عجله کنید، بیم و هراس به سویتان می‌شتابد و بدانید که [نرمی و] همراهی، برکت است و در تأنی و درنگ، بقا و آسایش، و امام به آنچه انکار می‌کند، داناتر است و به جانم سوگند، مهدی ﷺ قاضیان بدکار را از گردن شما باز می‌کند»<sup>۱</sup>.

## ۵/۶ کرنش قاضیان صالح

۱۹۲۸. صحیح البخاری - باسندش به نقل از ابو هریره - : پیامبر خدا ﷺ فرمود : «سوگند به آن که جانم به دست اوست، نزدیک است که پسر مریم ﷺ چون حاکمی دادگستر میان شما فرود آید»<sup>۲</sup>.

۱۹۲۹. سنن ابن ماجه - باسندش به نقل از ابو امامه باهلی - : پیامبر خدا ﷺ فرمود : «عیسی بن مریم میان امتم، داوری دادگر و پیشوایی عدالت‌گستر است»<sup>۳</sup>.

۱۹۳۰. الملاحم والفتن - در حدیثی که اصحاب قائم را بیان می‌کند - : «امام صادق ﷺ فرمود : «... پس سیصد و سیزده مرد هستند، که خداوند، آنها را در یک شب در مکه گرد هم می‌آورد...».

ابو بصیر گفت: فدایت شوم! غیر از این عده، در روی زمین مؤمنی نخواهد بود؟ فرمود: «چرا؛ ولی این عده‌ای که قائم ﷺ در میان آنها می‌آید، از نجیبان و فقیهان و حاکمان و قاضی‌هایی هستند که ظاهر و باطنشان یکی است و هیچ حکمی بر آنها

۱. شرح نهج البلاغه، ابن میثم: ج ۳ ص ۹ خطبه ۹۹. نیز، برای دیدن همه حدیث، ر.ک: همین دانش‌نامه: ص ۱۹۴ ح ۱۷۵۲.

۲. صحیح البخاری: ج ۲ ص ۷۷۴ ح ۲۱۰۹. صحیح مسلم: ج ۱ ص ۱۳۵ ح ۲۴۲. نیز، برای دیدن همه حدیث ر.ک: همین دانش‌نامه: ص ۳۵۰ ح ۱۸۷۱.

۳. سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۱۳۵۹. نیز، برای دیدن همه حدیث، ر.ک: همین دانش‌نامه: ص ۲۲۶ ح ۱۸۴۰.

١٩٣١ . تفسیر العیاشی : عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى الْجَبَلِيِّ (الْحَلَبِيِّ خ ل) قَالَ : قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام : ... ثُمَّ يَرْجِعُ إِلَى الْكُوفَةِ فَيَبْعَثُ الثَّلَاثِمِئَةَ وَالْبِضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا إِلَى الْآفَاقِ كُلِّهَا ، فَيَمْسَحُ بَيْنَ أَكْتافِهِمْ وَعَلَى صُدُورِهِمْ ، فَلَا يَتَعَايُونَ فِي قَضَاءِ

راجع: ص ٢٢٦ ح ١٨٢٢ .

٦ / ٦

## اسْتِنْصَالُ الرَّشَاءِ

١٩٣٢ . الملاحم لابن المنادي : بَلَّغَنِي عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ سُلَيْمَانَ بْنِ حَيَّانَ بْنِ مُسْلِمِ بْنِ هِلَالِ الذَّبَّاسِ الْكُوفِيِّ ، قَالَ : تَبَّأَ عَلِيُّ بْنُ أَسْبَاطِ الْمَقْرِيِّ ، قَالَ : نَبَأَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ الْعَبْدِيُّ ، عَنْ سَعْدِ الْإِسْكَافِيِّ ، عَنْ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ ، قَالَ : خَطَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام بِالْكُوفَةِ ، فَحَمِدَ اللَّهُ تَعَالَى وَأَثْنَى عَلَيْهِ ، ثُمَّ قَالَ : ... لَيْسَتْ خَلِيفَةٌ لِي بَعِيدَاتِ الْمَدَى ، دَامِغَاتِ الْمُنَافِقِينَ ، فَارْجَاتِ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ ، أَلَا إِنَّ ذَلِكَ كَائِنٌ عَلَيَّ رَغِمَ الرَّاغِمِينَ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ .

٧ / ٦

## قَضَاءُ الْمُرَأْفَةِ بَيْنَهَا

١٩٣٣ . الغيبة للنعماني : أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ هُوْدَةَ الْبَاهِلِيُّ ، قَالَ : حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ إِسْحَاقَ النَّهَّائِنْدِيُّ ، قَالَ : حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ حَمَّادِ الْأَنْصَارِيِّ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ ، عَنْ حُمْرَانَ بْنِ أَعْيَنَ ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ :

كَأَنِّي بِدِينِكُمْ هَذَا لَا يَزَالُ مُتَخَضِّضًا<sup>١</sup> يَفْحَصُ بِدَمِيهِ ، ثُمَّ لَا يَرُدُّهُ عَلَيْكُمْ إِلَّا

١ . الخضضة: التحريك ، متخضضاً: أي متحركاً غير ثابت (ال نظر: النهاية: ج ٢ ص ٢٩ «خضض»).

مشکل نمی‌شود»<sup>۱</sup>.

۱۹۳۱. تفسیر العیاشی - به نقل از عبد‌الأعلی جیلی (/حلبی) :- امام باقر علیه السلام فرمود: «... و سپس به کوفه باز می‌گردد و سیصد و ده و اندی مرد را به همه سو [برای اداره عالم] روانه می‌کند و بر شانه‌ها و سینه‌هایشان دست می‌کشد و در هیچ حکمی [و قضاوتی] در نمی‌ماند»<sup>۲</sup>.

ر.ک: ص ۳۲۹ ح ۱۸۴۱.

## ۶ / ۶ ریشه‌کن ساختن رشوه

۱۹۳۲. الملاحم، ابن منادی - با سندش به نقل از اصبع بن نباته - : امیر مؤمنان علیه السلام در کوفه سخنرانی کرد و خدای متعال را حمد و ثنا نمود و آن گاه فرمود: «... بی‌تردید، خداوند، خلیفه‌ای را جانشین خواهد کرد که بر هدایت، استوارگام می‌ایستد و برای حکمش رشوه نمی‌گیرد و دعوتش به گاه فراخوان، تا دور دست‌ها می‌رود و منافقان را از میان می‌برد و هر چند برای مؤمنان دیر می‌نماید؛ اما علی رغم میل ناخشنودان، می‌آید [و پرده غیبت می‌درد]. ستایش به خدای جهانیان می‌زیبد»<sup>۳</sup>.

## ۷ / ۶ قضاوت زمان «خانه‌ها»

۱۹۳۳. الغیبة، نعمانی - با سندش به نقل از حمران بن اعین - : امام باقر علیه السلام فرمود: «گویی دیتان را می‌بینم که در خون خود غلتیده است و دست و پا می‌زند و آن را جز مردی

۱. الملاحم و الفتن: ص ۳۷۸ - ۳۷۸ ح ۵۶۴.

۲. تفسیر العیاشی: ج ۲ ص ۵۶ ح ۴۹.

۳. الملاحم، ابن منادی: ص ۳۰۴ و ۳۰۷ ح ۲۵۴، کنز العمال: ج ۱۴ ص ۵۹۵ ح ۳۹۶۷۹.

رَجُلٌ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ، فَيُعْطِيكُمْ فِي السَّنَةِ عَطَاءَيْنِ، وَيَرْزُقُكُمْ فِي الشَّهْرِ رِزْقَيْنِ، وَتُوتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ، حَتَّىٰ إِنَّ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِي فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَىٰ وَسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

٨ / ٦

## الْفَضَاءُ بَيْنَ أَهْلِ الْأَيَاتِ السَّمَاوِيَّةِ وَطِبْفَاكِهِمْ

١٩٣٢. علل الشرائع: حَدَّثَنَا أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ، عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ، عَنِ سُفْيَانَ بْنِ عَبْدِ الْمُؤْمِنِ الْأَنْصَارِيِّ، عَنِ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ، عَنِ جَابِرٍ، قَالَ: أَقْبَلَ رَجُلٌ إِلَىٰ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام وَأَنَا حَاضِرٌ، فَقَالَ: رَحِمَكَ اللَّهُ اقْبِضْ هَذِهِ الْخَمْسَمِئَةَ دِرْهَمٍ فَضَعْهَا فِي مَوْضِعِهَا فَإِنَّهَا زَكَاةٌ مَالِي.

فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: بَلْ خُذْهَا أَنْتَ فَضَعْهَا فِي جِيرَانِكَ وَالْأَيْتَامِ وَالْمَسَاكِينِ، وَفِي إِخْوَانِكَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ، إِنَّمَا يَكُونُ هَذَا إِذَا قَامَ قَائِمُنَا فَإِنَّهُ يَقْسِمُ بِالسَّوِيَّةِ وَيَعْدِلُ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ، الْبَرِّ مِنْهُمْ وَالْفَاجِرِ، فَمَنْ أَطَاعَهُ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَمَنْ عَصَاهُ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ، فَإِنَّمَا سُمِّيَ الْمَهْدِيُّ لِأَنَّهُ يَهْدِي لِأَمْرِ حَقِيٍّ، يَسْتَخْرِجُ التَّوْرَةَ وَسَائِرَ كُتُبِ اللَّهِ مِنْ غَارٍ بِأَنْطَاكِيَّةٍ<sup>١</sup>، فَيَحْكُمُ بَيْنَ أَهْلِ التَّوْرَةِ بِالتَّوْرَةِ، وَبَيْنَ أَهْلِ الْإِنْجِيلِ بِالْإِنْجِيلِ، وَبَيْنَ أَهْلِ الزَّبُورِ بِالزَّبُورِ، وَبَيْنَ أَهْلِ الْفُرْقَانِ بِالْفُرْقَانِ، وَتُجْمَعُ إِلَيْهِ أَمْوَالُ الدُّنْيَا كُلُّهَا مَا فِي بَطْنِ الْأَرْضِ وَظَهْرِهَا، فَيَقُولُ لِلنَّاسِ: تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا قَطَعْتُمْ فِيهِ الْأَرْحَامَ، وَسَفَكْتُمْ فِيهِ الدَّمَاءَ، وَرَكِبْتُمْ فِيهِ مَحَارِمَ اللَّهِ، فَيُعْطِي شَيْئاً لَمْ يُعْطِ أَحَدٌ كَانَ قَبْلَهُ.

١. أنطاكية قصبه العواصم من النغور الشاميه (ر.ك: معجم البلدان: ج ٥ ص ٤٢١). لم تزل أنطاكية قصبه العواصم من النغور الشاميه وهي من أعيان البلاد وامهاتها موصوفه بالنزاهه والحسن وطيب الهواء (المعجم البلدان: ج ١ ص ٢٤٤).

از ما خاندان پیامبر ﷺ، به شما باز نمی‌گرداند. او در هر سال، دو بار عطایتان می‌دهد و در هر ماه، دو بار به شما روزی می‌رساند و در روزگارش حکمت نصیبتان می‌شود، تا آن جا که زن در خانه‌اش به کتاب خدای متعال و سنت پیامبر خدا، حکم می‌کند»<sup>۱</sup>.

۸ / ۶

## تساوت میان پیروان ادیان آسمانی بر پایه کتابشان

۱۹۳۴. **علل الشرائع** - با سندش به نقل از جابر - : مردی نزد امام باقر علیه السلام آمد و من حاضر بودم که گفت: خدا رحمت کند! این پانصد درهم را بگیر و آن را در جای مناسبش مصرف کن؛ که آن زکات مال من است.

امام باقر علیه السلام به او فرمود: «بلکه تو آن را بگیر و برای همسایگانت، یتیمان، بینوایان و برادران مسلمانان مصرف کن، که این [زکات دادن به امام]، تنها هنگامی است که قائم ما قیام کند. او آن را یکسان تقسیم می‌کند و میان خلق خدای رحمان، نیکوکار و بدکارشان، عدالت می‌ورزد. هر کس او را اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده است و هر کس او را نافرمانی کند، خدا را نافرمانی کرده است، و از آن رو مهدی نامیده شد که به امری نهان راه‌نمایی می‌کند، تورات و دیگر کتاب‌های آسمانی را از غاری در انطاکیه<sup>۲</sup> بیرون می‌کشد و میان اهل تورات به تورات، میان اهل انجیل، به انجیل، میان اهل زبور به زبور و میان اهل فرقان به فرقان، حکم می‌کند و همه دارایی‌های دنیا، از درون و روی زمین، نزد او گرد می‌آیند و به مردم می‌گوید: بیایید به سوی چیزی که به خاطرش از خویشانان بریدید و خون‌ها ریختید و مرتکب محارم الهی شدید. پس چندان عطا می‌کند که کسی پیش از او عطا نکرده است»<sup>۳</sup>.

۱. الغیبة، نعمانی: ص ۲۳۸ ح ۳۰، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۵۲ ح ۱۰۶.

۲. انطاکیه، از شهرهای مهم روم باستان در شام بود که اکنون شهری مشهور در غرب ترکیه و در بیست کیلومتری دریای مدیترانه است.

۳. علل الشرائع: ص ۱۶۱ ح ۳، الغیبة، نعمانی: ص ۲۳۷ ح ۲۶ (با عبارت مشابه. در این منبع، بخش آغازین حدیث تا «این [زکات دادن به امام]، تنها» نیامده است)، شرح الأخبار: ج ۳ ص ۳۹۷ ح ۱۲۷۸، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۲۹ ح ۲.

## پژوهشی درباره سیره حکومتی امام مهدی علیه السلام

نخستین نکته قابل توجه در تبیین سیره حکومتی امام مهدی علیه السلام و سیاست‌های دولت ایشان، این است که سیره حکومتی مهدوی، دقیقاً همان سیره حکومتی نبوی و علوی است، با این تفاوت که در دوران نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله و حکومت امام علی علیه السلام بستر لازم برای اجرای کامل سیاست‌های آن بزرگوار، فراهم نبود؛ لیکن در عصر ظهور امام مهدی علیه السلام آمادگی‌های لازم در جامعه جهانی برای اجرای سیاست‌های ایشان، به طور کامل وجود دارد.

یکی از برجسته‌ترین یاران امام باقر علیه السلام به نام محمد بن مسلم می‌گوید: از ایشان پرسیدم هنگامی که قائم قیام کرد، بر اساس چه سیره و روشی میان مردم رفتار می‌کند؟ ایشان فرمود:

بَسِيرَةٍ مَا سَارَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَتَّى يُظْهَرَ الْإِسْلَامَ.<sup>۱</sup>

به همان سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله [عمل می‌کند] تا این که اسلام را چیره نماید.

حَمَّادُ بْنُ عَثْمَانَ نَزَّاهُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَقَلَ كَرْدَهُ كَمَا نَقَلَ حَدِيثِي مِمَّنْ قَالَ:

أَنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ لَبَسَ لِبَاسَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَسَارَ بِسِيرَتِهِ.<sup>۲</sup>

هنگامی که قائم ما قیام کند، جامه علی علیه السلام را می‌پوشد و مطابق سیره علی علیه السلام رفتار خواهد نمود.

۱. ر.ک: ص ۱۴۰ ح ۱۶۹۶.

۲. ر.ک: ج ۸ ص ۲۱۰ ح ۱۵۲۲.

احادیث دیگری نیز با تعبیرهای گوناگون و با صراحت، تأکید دارند که پایه‌های اصلی سیاست‌ها و برنامه‌های حکومت امام مهدی علیه السلام، رهنمودهای کتاب خدا و سنت خاتم انبیاست. پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

القَائِمُ مِنْ وُلْدِي اِسْمُهُ اِسْمِي ، وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي ، وَ شِمَائِلُهُ شِمَائِلِي ، وَ سُنَّتُهُ سُنَّتِي ، يُقِيمُ النَّاسَ عَلَى مِلَّتِي وَ شَرِيعَتِي ، وَ يَدْعُوهُمْ اِلَى كِتَابِ رَبِّي صلی الله علیه و آله.<sup>۱</sup>

قائم، از فرزندان من است. نام او، نام من، کنیه او، کنیه من، اخلاق او، اخلاق من و شیوه او، شیوه من است. مردم را به دین و آیین من، و امی دارد و آنها را به کتاب پروردگار صلی الله علیه و آله فرا می‌خواند.

و نیز می‌فرماید:

هُوَ رَجُلٌ مِّنِّي اِسْمُهُ كَاسْمِي ، يَحْفَظُنِي اللهُ فِيهِ وَ يَعْمَلُ بِسُنَّتِي .<sup>۲</sup>

او مردی از [خاندان] من است. نام او، نام من است. خداوند [دین] مرا با او حفظ می‌کند و به سنت من عمل می‌کند.

همچنین امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

اِنَّ الدُّنْيَا لَا تَذَهَبُ حَتَّى يَبْعَثَ اللهُ رَجُلًا مِّنْ اَهْلِ الْبَيْتِ ، يَعْمَلُ بِكِتَابِ اللهِ ، لَا يَرَى فِيكُمْ مُنْكَرًا اِلَّا اَنْكَرَهُ .<sup>۳</sup>

دنیا پایان نمی‌یابد تا آن که خدای صلی الله علیه و آله، مردی از ما اهل بیت را برانگیزد که به کتاب خدا عمل می‌کند. [هیچ] کار زشتی را میان شما نمی‌بیند، جز این که آن را انکار می‌کند.

در نهج البلاغه از امام علی علیه السلام در توصیف امام مهدی علیه السلام آمده است:

يُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ .<sup>۴</sup>

۱. ر.ک: ص ۱۳۸ ح ۱۶۹۳.

۲. ر.ک: ص ۱۴۲ ح ۱۷۰۰.

۳. ر.ک: ص ۱۳۶ ح ۱۶۹۰.

۴. ر.ک: ص ۱۳۸ ح ۱۶۹۴.



[او] آنچه از قرآن و سنت را که مرده است، زنده می‌کند.

آنچه گفته شد و دیگر احادیثی که در فصل یکم بخش دوازدهم آمده، بازگو کننده این حقیقت‌اند که فلسفه مهدویت، چیزی جز احیای احکام الهی و سنت نبوی، و به اجرا در آوردن ارزش‌های اصیل اسلامی نیست.

بنا بر این، اگر هیچ گزارشی هم از سیره حکومتی امام مهدی علیه السلام وجود نداشته باشد، با در نظر گرفتن سیره حکومتی پیامبر اکرم و امیر مؤمنان، سیره حکومتی امام مهدی علیه السلام را - به استثنای مواردی که زمان و مکان در آنها دخیل هستند - می‌توان پیش‌بینی کرد؛ ولی افزون بر این، خوش‌بختانه اسناد ارزنده‌ای از پیشگویی‌های خاندان رسالت در دست است که با تکیه بر آنها، سیره حکومتی امام مهدی علیه السلام حتی در موارد استثنایی، به روشنی قابل تبیین است.

### رمز حکومت بر دل‌ها

گفتنی است بررسی سیره نبوی و علوی در حکومت، نشان می‌دهد که روش حکومتی آنان، حکومت بر دل‌هاست و رمز محبوبیت آنها را باید در همین شیوه جستجو کرد.

از بنیادی‌ترین عناصر اسلام که برنامه تکامل انسان به شمار می‌رود، محبت است. نقش محبت در تحقق حکومت اسلامی و برنامه‌هایی که خداوند سبحان برای پیشرفت جامعه انسانی رقم زده، به حدی است که امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ؟! إِنَّ اللَّهَ تعالى يَقُولُ: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾<sup>۱</sup>.

آیا دین، جز محبت است؟! خداوند تعالى می‌فرماید: «بگو: اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید تا خداوند، دوستان بدارد».

۱. آل عمران: آیه ۳۱.

۲. الخصال: ص ۲۱ ح ۷۴.

از نگاه امام علی علیه السلام، ستون‌های اصلی اسلام، یعنی اصول برنامه‌های تکامل‌آفرین این آیین، بر پایه محبت خداوند سبحان، استوار است. او اسلام را چنین توصیف می‌فرماید:

إِنَّ هَذَا الْإِسْلَامَ دِينُ اللَّهِ الَّذِي اصْطَفَاهُ لِنَفْسِهِ، وَ اصْطَنَعَهُ عَلَى عَيْنِهِ، وَ أَصْفَاهُ خَيْرَةً خَلَقِهِ، وَ أَقَامَ دَعَائِمَهُ عَلَى مَحَبَّتِهِ.<sup>۱</sup>

این اسلام، آیین خداست که آن را برای خود برگزید، و بر دیده‌اش پرورید، و بهترین آفریدگانش را ویژه [ابلاغ] آن گرداند، و ستون‌هایش را بر دوستی خود، استوار کرد.

علاقه مسلمانان به پیامبر خدا، اهل بیت آن بزرگوار و کسانی که به نیابت از آنان رهبری جامعه اسلامی را به دست می‌گیرند، در حقیقت، جلوه‌های محبت مردم به خداوند سبحان اند. از این رو، در زیارت خاندان رسالت، خطاب به آنان می‌گوییم:

وَ مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ.<sup>۲</sup>

هر کس شما را دوست بدارد، خدا را دوست داشته است.

بر این اساس، پایگاه اصلی حکومت اسلامی، فراتر از بیعت و رأی مردم است و حکومت مهدوی، مانند حکومت نبوی و علوی، حکومت بر دل‌هاست<sup>۳</sup> و ریشه در ارادت و عشق و محبت نسبت به مردم دارد و مبدأ این عشق، سیره و شیوه زندگی شخصی آنها در ایام قدرت و سیاست‌های مدیریتی آنها در دوران حکومت است.

### شیوه زندگی شخصی اهل بیت علیهم السلام

یکی از عوامل عشق و علاقه مردم به اهل بیت علیهم السلام سیره آنها در زندگی شخصی

۱. نهج البلاغه: خطبه ۱۹۸، بحار الأنوار: ج ۶۸ ص ۳۴۴ ح ۱۶.

۲. تهذیب الاحکام: ج ۶ ص ۹۷، نیز، رک: دانش‌نامه قرآن و حدیث: ج ۱۰ ص ۴۰۰ (فصل نهم / دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام، دوست داشتن خداست) همه حب الله.

۳. رک: دانش‌نامه امیر المؤمنین: ج ۳ ص ۲۹۴ (مبانی حکومت بر دل‌ها).

و در دوران قدرت و حکومت است. آنها نه تنها از هر گونه امتیازطلبی دوری می‌جستند؛ بلکه مانند بینواترین مردم، زندگی می‌کردند.

یکی از یاران امام صادق علیه السلام به نام مُعَلَّى بن خُنَیس می‌گوید: به ایشان عرض کردم: حکومت [بنی عباس و نعمت‌های] آنان را به یاد آوردم و با خود گفتم اگر حکومت در دست شما بود، ما هم در کنار شما زندگی خوشی داشتیم!

امام علیه السلام در پاسخ فرمود:

هِيَاهَ يَا مُعَلَّى! أَمَا وَاللَّهِ إِنْ لَوْ كَانَ ذَاكَ، مَا كَانَ إِلَّا سِيَاسَةَ اللَّيْلِ وَ سِيَاحَةَ النَّهَارِ، وَ  
لُبْسَ الْجَشِيبِ وَ أَكْلَ الْجَشِيبِ.<sup>۱</sup>

ای معلی، هرگز چنین نیست! به خدا سوگند، اگر چنان [که گفتم]، حکومت در دست ما [بود]، چیزی جز سیاست شب و تکاپو و روزه‌داری روز و پوشیدن لباس زبر و خوردن غذای ناگوار [نصیب ما] نمی‌شد.

در روایت دیگری، مُفَضَّل بن عمر، یکی دیگر از یاران امام صادق علیه السلام می‌گوید: در طواف نزد ایشان بودم. امام علیه السلام نگاهی به من کرد و فرمود:

مَا لِي أَرَاكَ مَهْمُومًا مُتَغَيِّرَ اللَّوْنِ؟

چرا تو را اندوهناک و رنگ‌پریده می‌بینم؟!

گفتم: فدایت شوم، وقتی قدرت، سلطنت و عظمت بنی عباس و امکاناتی را که در اختیار آنهاست، ملاحظه می‌کنم، با خود می‌گویم که اگر حکومت در دست شما بود، ما هم در کنار شما از این امکانات، برخوردار بودیم.

امام علیه السلام فرمود:

يَا مُفَضَّلُ، أَمَا لَوْ كَانَ ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ إِلَّا سِيَاسَةَ اللَّيْلِ، وَ سِيَاحَةَ<sup>۲</sup> النَّهَارِ، وَ أَكْلَ  
الْجَشِيبِ، وَ لُبْسَ الْجَشِيبِ شِبْهَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام وَ إِلَّا قَالَتَارُ، فَزَوِي ذَلِكَ عَنَّا،

۱. الکافی: ج ۱ ص ۴۱۰ ح ۲، الدعوات: ص ۲۹۶ ح ۶۰، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۴۰ ح ۸۸.

۲. فی المصدر: «سباحة»، وما أثبتناه هو الصحيح كما فی بحار الأنوار.

فَصِرْنَا نَأْكُلُ وَ نَشْرَبُ ، وَ هَلْ رَأَيْتَ ظُلَامَةً جَعَلَهَا اللَّهُ نِعْمَةً مِثْلَ هَذَا؟!<sup>۱</sup>

ای مُفَضَّل! اگر چنین روزی پیش بیاید، همانند سیره امیر مؤمنان علیه السلام، چیزی جز سیاست شب و تکاپو و روزه‌داری روز و خوردن غذای ناگوار و پوشیدن لباس زبر [نصیب ما] نخواهد شد. در غیر این صورت، [کیفر عمل نکردن پیشوایان به وظیفه خود] آتش گوزخ است. اکنون که این حق از ما سلب شده، ما [هم مثل دیگران] می‌خوریم و می‌آشامیم [و زندگی می‌کنیم]. آیا دیده‌ای که خداوند، این گونه ستمی را تبدیل به نعمت کرده باشد؟!

در حدیثی دیگر از شخصی به نام عمرو بن شمر آمده است: نزد امام صادق علیه السلام بودم. خانه ایشان مملو از جمعیت بود. مردم، مرتب از او سؤال می‌کردند و ایشان نیز به همه پرسش‌ها پاسخ می‌داد. با دیدن این صحنه، گریه‌ام گرفت. در گوشه‌ای از خانه مشغول گریه کردن بودم که امام علیه السلام متوجه شد و فرمود: «چرا گریه می‌کنی؟». گفتم: فدایت شوم! چرا گریه نکنم؟! آیا در میان این امت، کسی مانند شما وجود دارد؟ [با این دانش گسترده] در خانه شما، بسته شده و پرده بر شما افکنده شده است [و جامعه نمی‌تواند به طور شایسته از برکات وجود شما بهره‌مند شود]. امام علیه السلام فرمود:

لَا تَبْكُ يَا عَمْرُو ، نَأْكُلُ أَكْثَرَ الطَّيِّبِ ، وَ نَلْبَسُ اللَّيِّنَ ، وَ لَوْ كَانَ الَّذِي تَقُولُ لَمْ يَكُنْ إِلَّا أَكْلُ الْجَشِيبِ وَ لَبَسُ الْحَشَنِ مِثْلُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام ، وَ إِلَّا فَمُعَالَجَةُ الْأَغْلَالِ فِي النَّارِ .<sup>۲</sup>

ای عمرو! گریه نکن. [در شرایط کنونی که حکومت در دست ما نیست، می‌توانیم مانند دیگران زندگی کنیم]، از بیشتر غذاهای پاکیزه، استفاده کنیم و لباس نرم بپوشیم؛ ولی اگر شرایط به گونه‌ای بود که تو می‌گویی، همانند امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام، چیزی جز خوردن غذای ناگوار و پوشیدن لباس زبر [نصیب ما] نبود؛ وگرنه گرفتاری آتش [دوزخ] را در بی داشت.

۱. الغيبة، نعمانی: ص ۲۹۷ ح ۷، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۵۹ ح ۱۲۷.

۲. الغيبة، نعمانی: ص ۲۹۷ ح ۸، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۶۰ ح ۱۲۸.

## شیوه زندگی پیشوایان عدل

بر پایه مفاد این احادیث، ساده‌زیستی و همسان‌سازی سطح زندگی، بویژه در خوراک و پوشاک، با زندگی بینواترین مردم جامعه، وظیفه اختصاصی برای امیر مؤمنان علیه السلام نیست؛ بلکه تکلیف الهی همه پیشوایان عدالت‌گستر و حق‌محور است. این حقیقت با صراحت بیشتری در احادیث دیگر، مورد تأکید قرار گرفته است:

إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَى أُمَّةِ الْعَدْلِ أَنْ يُقَدِّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ، كَيْ لَا يَسْتَبِيحَ بِالْفَقِيرِ فَقْرُهُ.<sup>۱</sup>

خداوند تعالی بر پیشوایان دادگر، واجب فرموده است که خود را با مردم ناتوان و تهی‌دست، برابر سازند تا فقر [و مستمندی]، تنگ‌دست را به هیجان نیاورد و او را به طغیان و اندارد.

هنگامی که احنف بن قیس بر معاویه وارد می‌شود و در برابر خود، غذاها و شراب‌های گوناگون می‌بیند، اشک در چشمانش حلقه می‌زند. معاویه می‌پرسد: چرا گریه می‌کنی؟

احنف می‌گوید: از علی در شگفتم!

معاویه می‌پرسد: چگونه؟

احنف پاسخ می‌دهد: هنگام افطار بر علی وارد شدم. به من فرمود: «برخیز و با حسن و حسین، غذا بخور». سپس به نماز ایستاد و پس از نماز، از کیسه‌ای که همراه داشت و در آن را محکم بسته بود، نان جوی بیرون آورد.

به ایشان گفتم: ای امیر مؤمنان! من از تو بخلی به یاد ندارم؛ اما نان جو را چنان در کیسه بسته‌ای که هیچ بخیلی چنین نمی‌کند!

فرمود: «در کیسه را از سر بخل نبسته‌ام؛ لیکن از آن می‌ترسم که حسن و حسین، نانم را به روغن، آغشته کنند و نرم سازند».

۱. الکافی: ج ۱ ص ۴۱۱ ح ۳، نهج البلاغه: خطبه ۲۰۹، بحار الأنوار: ج ۴۰ ص ۳۳۶ ح ۱۹.

به او گفتیم: آیا اگر چنین کنند، حرام است؟ فرمود:

عَلَىٰ أَيْمَةِ الْحَقِّ أَنْ يَتَأَسَّوْا بِأَضْعَفِ رَعِيَّتِهِمْ حَالًا فِي الْأَكْلِ وَاللِّبَاسِ ، وَلَا يَتَمَيَّزُونَ عَلَيْهِمْ بِشَيْءٍ لَا يَقْدِرُونَ عَلَيْهِ ؛ لِيَرَاهُمْ الْفَقِيرُ فَيَرْضَىٰ عَنِ اللَّهِ تَعَالَىٰ بِمَا هُوَ فِيهِ ، وَ يَرَاهُمْ الْغَنِيُّ فَيَزِدَادُ شُكْرًا وَ تَوَاضَعًا .<sup>۱</sup>

بر پیشوایان حق، واجب است که در خوراک و پوشاک، به تهی دست‌ترین رعایای خود، تأسی کنند و با چیزی که در توان ایشان نیست، خود را از آنان برتر قرار ندهند، تا اگر فقیری به ایشان نگرست، از حال خویش خشنود گردد و اگر توانگری ایشان را دید، بر سپاس‌گزاری و فروتنی‌اش افزوده شود.

مسئله مهم این جاست که چه کسی می‌تواند با این که همه امکانات کشوری را در اختیار دارد، همچون تهی دست‌ترین مردم زندگی کند؟!

زندگی کردن مانند فقیرترین مردم، برای توانگران، در مقام گفتار، شعاری است زیبا و بسیار شیرین و پُر جاذبه؛ ولی انجام دادن آن، بسیار دشوار است و تنها از کسی ساخته است که نفس امّاره‌اش را کشته باشد و به گفته امام علی علیه السلام در نخستین گام در مسیر عدالت، از دام هوس، رهیده باشد؛<sup>۲</sup> کسی مانند آن بزرگوار که می‌فرمود:

أَلَا وَإِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ اِكْتَفَىٰ مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمْرِيهِ وَ مِنْ طَعْمِهِ بِقَرَصِيهِ ... أَأَفْتَعُ مِنْ نَفْسِي بِأَنْ يُقَالَ : هَذَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ، وَ لَا أَشَارُ كُهُمْ فِي مَكَارِهِ الدَّهْرِ ، أَوْ أَكُونَ أُسْوَةً لَهُمْ فِي جُشُوبَةِ الْعَيْشِ ! فَمَا خُلِقْتُ لِيشغَلَنِي أَكْلُ الطَّيِّبَاتِ ، كَالْبَهِيمَةِ الْمَرْبُوطَةِ ؛ هَمُّهَا عَافِيهَا ، أَوْ الْمُرْسَلَةِ ؛ شُغْلُهَا تَقْمُمُهَا ، تَكْتَرِسُ مِنْ أَعْلَافِهَا ، وَ تَلْهَوُ عَمَّا يُرَادُ بِهَا .<sup>۳</sup>

بدان که پیشوای شما از دنیای خویش به دو جامه فرسوده، و از خوراکش به دو قرص نان بسنده نموده است. آیا خویشتن را به همین خرسند سازم که بگویند:

۱. تذکرة الخواص: ص ۱۱۰.

۲. «قَدْ أَلَزَمَ نَفْسَهُ الْعَدْلَ فَكَانَ أَوَّلَ عَدْلِهِ نَفْيُ الْهَوَىٰ عَنِ نَفْسِهِ ؛ خُود رَا بَهِ عَدْلٍ پَا یَبِنْدِ سَاخْتَه اسْت وَ نَخْسْتِنِ عَدَالَتِ اُو ، اَیْنِ اسْت کِه هُوس رَا از خُود ، دُور سَاخْتَه اسْت (نَهجِ الْبَلَاغَه: خُطْبَه ۸۷).

۳. نهج البلاغة: نامه ۴۵، بحار الأنوار: ج ۴۰ ص ۳۴۰ ح ۲۷.

«این، امیر مؤمنان است» و در ناگواری‌های روزگار، شریک آنان نباشم؟! یا در تلخ‌کامی‌ها پیشاپیش آنان گام برندارم؟! مرا نیافریده‌اند تا خوردنی‌های گوارا سرگرم سازد؛ مانند چارپای بسته که تنها به علف می‌پردازد، یا همچون حیوان رها شده‌ای که خاک‌روبه‌ها را به هم زند و شکم خود را از علف‌های آن، پُر می‌سازد و از عاقب کار خویش، غافل است.

بنا بر این، رهبران سیاسی جامعه اسلامی موظف‌اند در دوران حاکمیت، زندگی شخصی خود را با زندگی بینواترین مردم تحت رهبری خود، همسان سازند و این وظیفه، اختصاص به امیر مؤمنان علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام ندارد؛ بلکه هر کس زمام امور جامعه اسلامی را به دست گیرد تا هنگامی که در جامعه، فقیر وجود داشته باشد، باید مانند آنها زندگی کند.

### شیوه زندگی امام مهدی علیه السلام در آغاز قیام

امام مهدی علیه السلام نیز به پیروی از سیره جدش امیر مؤمنان علیه السلام در آغاز قیام، از ساده‌ترین لباس‌ها استفاده می‌نماید. امام صادق علیه السلام ضمن حدیثی در تبیین معیار انتخاب لباس، در دوره‌های مختلف می‌فرماید:

فَخَيْرُ لِبَاسٍ كُلِّ زَمَانٍ لِبَاسُ أَهْلِهِ، غَيْرَ أَنْ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ لَبَسَ لِبَاسَ عَلِيِّ علیه السلام وَ سَارَ بِسِيرَتِهِ.<sup>۱</sup>

پس بهترین لباس هر روزگار، لباس اهل همان زمان است؛ اما چون قائم ماقیام کند، مانند علی علیه السلام لباس می‌پوشد و به سیره او رفتار می‌کند.

در ادامه حدیث یاد شده، به این نکته اشاره است که نه تنها لباس امام مهدی علیه السلام در آغاز قیام، مشابه لباس امیر مؤمنان است؛ بلکه به طور کلی ایشان در همه زمینه‌ها از ساده‌زیستی جدش پیروی می‌نماید. در واقع، اصلاحات دولت مهدوی و سیاست‌های تحوّل‌آفرین امام مهدی علیه السلام از همین نقطه آغاز می‌شود.

بنا بر این، زمینه‌سازان حکومت مهدوی نیز باید اصلاحات اجتماعی را از همین جا آغاز کنند و به تعبیر دیگر، زندگی شخصی رهبران و مدیران ارشد جامعه اسلامی، باید الگوی بر پا داشتن ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی باشد. این شیوه زندگی، موجب عشق و علاقه مردم به آنان، و آمادگی روانی جامعه برای اجرای سیاست‌های حکومتی آنهاست.

### مبادی پیشرفت همه‌جانبه در دولت مهدوی

نکته دیگری که پیش از پرداختن به سیره و سیاست‌های حکومتی امام مهدی علیه السلام توجه به آن ضروری است، تبیین مبادی پیشرفت‌های سریع و همه‌جانبه و معجزه‌آسا در دوران حکومت ایشان است.

بر پایه آنچه در احادیث اهل بیت علیهم السلام آمده، در جامعه مهدوی، پیشرفت‌های بی‌نظیری در همه زمینه‌های زندگی، بویژه در ابعاد علمی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، امنیتی و قضایی، پدید خواهد آمد. این مبادی پیشرفت، عبارت‌اند از:

#### ۱. سیاست‌های مدیریتی امام مهدی علیه السلام

بی‌شک، رهبری مبتنی بر احاطه علمی، و سیاست‌های صحیح مدیریتی امام مهدی علیه السلام نقش بی‌بدیلی در پیشرفت سریع و همه‌جانبه جامعه در دوران حکومت ایشان خواهد داشت. از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود:

إِذَا تَنَاهَيْتِ الْأُمُورَ إِلَى صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ، رَفَعَ اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - كُلَّ مُنْخَفِضٍ مِنَ الْأَرْضِ، وَخَفِضَ لَهُ كُلُّ مَرْتَفِعٍ مِنْهَا، حَتَّى تَكُونَ الدُّنْيَا عِنْدَهُ بِمَنْزِلَةِ رَاحِيَةِ، فَأَيُّكُمْ لَوْ كَانَتْ فِي رَاحِيَةِ شَعْرَةٍ لَمْ يُبْصِرْهَا.<sup>۱</sup>

هنگامی که کارها به دست صاحب این امر (قیام و حکومت جهانی) بیفتد، خداوند - تبارک و تعالی - هر پستی زمین را بالا می‌آورد و هر بلندی زمین را پایین می‌برد.



تا دنیا برای او مانند کفِ دستش باشد. پس کدام یک از شما اگر مویی در کف دستش باشد، آن رانمی‌بیند؟

این حدیث،<sup>۱</sup> حاکی از احاطه کامل علمی امام بر همه اموری است که باید تحت اشراف رهبری او مدیریت شود. بدیهی است تصمیم‌های سیاسی و اجرایی مبتنی بر این علم و آگاهی، با در نظر گرفتن مصونیت آن امام عج از خطا و اشتباه، زمینه‌ساز پیشرفت‌های سریع، و پدید آمدن تمدن نوین و بی نظیر اسلامی به رهبری آن بزرگوار خواهد بود.

## ۲. امدادهای ویژه الهی

دومین مبدأ اساسی پیشرفت‌های شگفت در دولت مهدوی، امدادی‌های ویژه الهی است.

خداوند سبحان، وعده داده هر گاه مردم ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند، برکات الهی از آسمان و زمین آنها را فرا خواهد گرفت:

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ  
وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾<sup>۲</sup>

و اگر اهل آبادی‌ها ایمان آورده، پروا پیشه کرده بودند، مسلماً [درهای] برکت‌هایی از آسمان و زمین بر آنان می‌گشودیم؛ ولیکن [پیام‌ها و نشانه‌های ما را] تکذیب کردند. ما هم آنان را به کیفر کردارشان مجازات کردیم.

این آیه اشاره به این سنت الهی است که تعهد و پایبندی مردم به ارزش‌های اعتقادی، اخلاقی و عملی، موجب امدادهای ویژه الهی و پدید آمدن انواع نعمت‌های مادی و معنوی و زمینی و آسمانی است.

۱. گفتنی است: استناد به این حدیث به دلیل خصوصیت ارتباط آن با حکومت امام مهدی عج است؛ و گرنه روایات در باره احاطه علمی امامان معصوم عج، فراوان است. علاقه‌مندان برای آگاهی از این احادیث، می‌توانند به کتاب اهل بیت عج در قرآن و حدیث، مبحث «علوم اهل بیت» مراجعه فرمایند.

۲. اعراف: آیه ۹۶.

بر پایه این سنت آفریدگار، در دوران حاکمیت جهانی اسلام به رهبری مهدی آل محمد علیهم السلام که ارزش های الهی به طور کامل در جامعه استقرار می یابد، در های انواع برکت مادی و معنوی، از زمین و آسمان، بر انسان گشوده می شود و امدادهای ویژه و بی نظیر الهی، همراه با قیام امام مهدی علیه السلام آغاز خواهد شد و به تدریج، زندگی فردی و اجتماعی جهانیان را در همه زمینه ها، فرا خواهد گرفت.

بر این اساس، سیاست های حکومتی مهدوی، در کنار امدادهای ویژه الهی به مردمان عصر ظهور، پیشرفت همه جانبه و بی نظیری را در این دوران، پدید خواهد آورد و از این رو، برای تبیین سیاست نامه امام مهدی علیه السلام امدادهای ویژه الهی را نیز باید در نظر گرفت.

توضیح بیشتر این مطلب در ادامه این بحث و ضمن گزارش سیاست های حکومتی امام علیه السلام، بویژه در پایان سیاست های اجتماعی و اقتصادی، خواهد آمد. و اینک، سیاست نامه امام مهدی علیه السلام:

# ۱ سرنوشت سازترین سیاست‌ها

انقلاب مهدوی، بزرگ‌ترین انقلابی است که گستره آن، سراسر جهان را فرا خواهد گرفت و در پرتو آن، همه ارزش‌های انسانی و اسلامی بر همه جهانیان حاکم خواهد شد. بنا بر این، سیره و سیاست‌های حکومتی امام مهدی عج، می‌تواند الگو و الهام‌بخش برای انقلاب‌های زمینه‌ساز حکومت جهانی ایشان باشد.

در این باره، سخن را با تبیین سرنوشت‌سازترین سیاست‌های حکومتی آن بزرگوار، آغاز می‌کنیم:

## ظلم‌ستیزی و عدالت‌محوری

مهم‌ترین شاخصه‌های قیام مهدوی و سرنوشت‌سازترین سیاست‌های حکومت امام مهدی عج، ظلم‌ستیزی، مبارزه با سران استکبار، و تأمین عدالت فراگیر فردی و اجتماعی است.

اصولاً ظلم‌ستیزی و عدالت‌گستری، مهم‌ترین حکمت بعثت همه انبیای الهی است. خداوند سبحان می‌فرماید:

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ. ۱﴾

همانا پیامبران خود را با دلایلی روشن فرستادیم و با ایشان کتاب [آسمانی] و میزان [سنجش حق و باطل] فرو فرستادیم تا مردم به عدالت قیام کنند.

در این باره چند نکته قابل توجه است:

### ۱-۱. پیوند عدالت‌گستری و رهبری معصوم

عدالت اجتماعی را حکمتِ بعثت انبیا دانستن، بدین معناست که تنها در حکومت انبیا و اوصیای معصوم آنها، تحقق عدالت اجتماعی به معنای حقیقی و کامل آن، امکان‌پذیر است. تجربه تاریخی قیام مدعیان داد‌گستری نیز، این واقعیت را تأیید می‌نماید. در حدیثی که به سند معتبر از امام صادق علیه السلام نقل شده، آمده است:

مَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى لَا يَبْقَى صِنْفٌ مِنَ النَّاسِ إِلَّا وَقَدْ وُلُوا عَلَى النَّاسِ ، حَتَّى لَا يَقُولَ قَائِلٌ : إِنَّا لَوْ وُلِينَا لَعَدَلْنَا ، ثُمَّ يَقُومُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ وَالْعَدْلِ .<sup>۱</sup>

این امر (قیام) روی نمی‌دهد تا آن‌که هیچ گروهی از مردم نماند، جز آن‌که بر مردم حکومت کند، برای این که کسی نگوید: «اگر ما حاکم می‌شدیم، عدالت می‌ورزیدیم». سپس قائم به حق و عدالت، قیام می‌کند.

آری! امام مهدی علیه السلام هنگامی ظهور می‌کند که مردم جهان، انواع حکومت‌های مدّعی عدالت و آزادی و حقوق بشر را تجربه کرده باشند و عملاً به این نتیجه برسند که جز با رهبری انبیا و اوصیای آنان، نمی‌توان عدالت اجتماعی را به مفهوم حقیقی و کامل آن، در جهان برقرار ساخت.

### ۱-۲. پیوند عدالت‌گستری و ظلم‌ستیزی

عدالت‌گستری بدون ظلم‌ستیزی و مبارزه با سران استکبار، امکان‌پذیر نیست. از این رو، همه انبیای الهی در نخستین گام، جهت تحقق عدالت اجتماعی با ستمگرانِ مستکبر و مُتَرَف، درگیر می‌شدند. نخستین برنامه قیام امام مهدی علیه السلام نیز - که ذخیره الهی برای ریشه‌کن کردن ظلم و فساد و تباهی است - پیکار با جبّاران است. در حدیثی نبوی آمده است:

أَيْهَا النَّاسُ! قَطَّعَ عَنْكُمْ مَدَّةَ الْجَبَّارِينَ، وَوَلِيَ الْأَمْرَ خَيْرُ أُمَّةٍ مُحَمَّدٌ فَالْحَقُوا بِمَكَّةَ،  
فَيَخْرُجُ النَّجْبَاءُ مِنْ مِصْرَ، وَالْأَبْدَالُ مِنَ الشَّامِ، وَغَصَابَةُ الْعِرَاقِ، رُهْبَانُ بِالسَّلِيلِ  
لِيُوثَ بِالنَّهَارِ، كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ رُبْرُ الْحَدِيدِ، فَيُبَايِعُونَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، قَالَ عِمْرَانُ  
بْنُ الْحُصَيْنِ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! صِفْ لَنَا هَذَا الرَّجُلَ.

قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: هُوَ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ، كَأَنَّهُ مِنْ رِجَالِ شَنْوَةَ، عَلَيْهِ عَبَاءُ تَانٍ  
قَطَاوَيْتَانِ، اسْمُهُ اسْمِي، فَعِنْدَ ذَلِكَ تَفْرَحُ الطُّيُورُ فِي أَوْكَارِهَا، وَالْحَيْتَانُ فِي  
بِحَارِهَا، وَتَمُدُّ الْأَنْهَارُ، وَتَفِيضُ الْعُيُونُ، وَتُنْبِتُ الْأَرْضُ ضِعْفَ أَكْلِهَا، ثُمَّ تَسِيرُ  
مُقَدَّمَتُهُ جَبْرَيْلُ، وَسَاقِيهِ إِسْرَافِيلُ، فَيَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا  
وظُلْمًا.<sup>۱</sup>

[هنگام قیام مهدی، منادی از آسمان ندا می‌دهد]: ای مردم! مدت حکومت  
جباران بر شما به پایان رسید و بهترین فرد امت محمد، حکومت را به دست  
گرفته است، به مکه بروید. و گروهی از نجیبان مصر و نیکان شام و گروه‌های  
[زاهد و دنیاگریز] عراق، بیرون می‌روند که راهبان شب و شیران روزند و  
دل‌هایشان، گویی پاره‌های آهن است و با او میان رُکن [حجر الأسود] و مقام  
[ابراهیم]، بیعت می‌کنند. عمران بن حصین گفت: ای پیامبر خدا! این مرد را  
برای ما توصیف کن.

پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «او مردی از فرزندان حسین علیه السلام است و مانند مردان قبیله  
"شَنْوَةَ"<sup>۲</sup>، قدبلند است. دو عباى سپید کم‌پرز بر تن دارد، همنام من است. پس  
این هنگام است که پرندگان در لانه‌هایشان و ماهیان در دریاها تخم می‌گذارند و  
رودها طولانی و آب چشمه‌ها سرریز و سیل آسا می‌شود و زمین، دو برابر  
محصول می‌دهد، آن‌گاه جبرئیل در پیش روی او و اسرافیل در کنارش حرکت  
می‌کنند و زمین را از عدل و داد، پُر می‌کند، همان‌گونه که از ظلم و ستم، پُر شده

۱. ر.ک: ص ۳۷۶ ح ۱۹۰۶.

۲. شَنْوَةَ، قبیله‌ای در یمن و از تیره‌های قبیله بزرگ اَزْد و فرزندان شَنْوَةَ بن عبد الله بن کعب اَزْدی اند که به  
بلندی قد، مشهور بوده‌اند.

است».

سیاست قاطع ظلم ستیزی حکومت مهدوی، به گونه ای است که در فاصله ای کوتاه پس از قیام امام علیه السلام، جهان پُر از ظلم و جور، سرشار از عدل و داد می گردد؛ عدالتی که به درون همه خانه ها نفوذ خواهد کرد<sup>۱</sup> و نیک و بد را فرا خواهد گرفت.

بدین سان، جامعه بشری که در نتیجه ظلم جباران، در معنا مُرده است، با عدالت حکومت مهدوی سرشار از حیات می گردد. در حدیثی از امام صادق علیه السلام در تبیین آیه: ﴿أَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا؛ بدانید که خدا زمین را پس از مرگش زنده می کند﴾<sup>۲</sup>، آمده:

أَيُّ يُحْيِيهَا اللَّهُ بِعَدْلِ الْقَائِمِ عِنْدَ ظُهُورِهِ، بَعْدَ مَوْتِهَا بِجَوْرِ أَيْمَةِ الضَّلَالِ.<sup>۳</sup>

یعنی پس از آن که زمین به سبب ستم پیشوایان گمراهی می میرد، خداوند، آن را با عدالت قائم به گاه ظهورش، زنده می کند.

### ۱- ۳. ظلم ستیزی، مبدأ همه اصلاحات

آغاز شدن قیام انبیا و خاتم اوصیا، با ظلم ستیزی و دعوت به عدالت اجتماعی، حاکی از آن است که از منظر همه ادیان راستین الهی، ظلم، بزرگ ترین منکر و عدل، بزرگ ترین معروف است.

بر این اساس، هدف گیری مبارزاتی و اصلاحاتی امام مهدی علیه السلام نشان می دهد که اگر بساط ظلم در جهان برچیده شود، طومار همه مفسد و تباهی ها به صورت ریشه ای، پیچیده می شود، و اگر عدالت اجتماعی در جهان استقرار یابد، همه ارزش های انسانی و اسلامی در جامعه تحقق می یابد و بدین سان، جامعه انسانی از

۱. ر.ک: ص ۲۲۵ (فصل دوم / چشمگیرترین نمودهای عدالت امام مهدی علیه السلام).

۲. حدید: آیه ۱۷.

۳. ر.ک: ص ۲۰۲ ح ۱۷۶۳.

زندگی معنوی و حقیقی برخوردار می‌گردد.

بنا بر این، حکومتی که می‌خواهد برای حکومت جهانی اسلام به رهبری امام مهدی علیه السلام زمینه‌سازی کند، باید مبارزه با ظلم و استکبار را در صدر سیاست‌ها و برنامه‌های حکومتی خود قرار دهد و همه نهاد‌های تقنینی، اجرایی و قضایی آن، در جهت تحقق هر چه بیشتر عدالت اجتماعی برنامه‌ریزی کنند؛ چرا که نابودی ظلم، ریشه‌کن کردن همه ضد ارزش‌ها، و احیای عدل، زنده کردن همه ارزش‌هاست.

#### ۱-۴. عدالت‌گستری، جامع ارزش‌ها

در فرهنگ قرآن و حدیث، عدل، شامل انواع ارزش‌های اعتقادی، اخلاقی و عملی است. همچنین ظلم، انواع ضد ارزش‌های اعتقادی، اخلاقی و عملی را در بر می‌گیرد.<sup>۱</sup>

بنا بر این، نخستین سیاست و اصلی‌ترین شعار حکومت مهدوی، یعنی ظلم‌ستیزی و عدالت‌گستری، جامع همه ارزش‌ها، و نافی همه ضد ارزش‌های اعتقادی، اخلاقی و عملی است. این حدیث متواتر، بازگو کننده اصلی‌ترین سیاست‌های امام مهدی علیه السلام است:

يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا.<sup>۲</sup>

زمین را از عدل و داد، پُر می‌کند، آن‌چنان‌که از ظلم و ستم، پُر شده باشد.

این سخن، بدین معناست که پس از پُر شدن زمین از انواع ضد ارزش‌های اعتقادی، اخلاقی و عملی، در نتیجه سیاست‌های حکومتی امام مهدی علیه السلام، ارزش‌های اعتقادی، اخلاقی و عملی، جهان را فرا خواهد گرفت.

۱. برای توضیح این مطلب، ر.ک: دانش‌نامه عقاید اسلامی: ج ۸ ص ۸-۱۴.

۲. ر.ک: ص ۱۷۴ ح ۱۷۲۵.

## سیاست‌های فرهنگی<sup>۲</sup>

حکومت مهدوی، در حقیقت، مقدمهٔ یک انقلاب عمیق فرهنگی است؛ زیرا علاوه بر این که هدف اصلی این حکومت، سالم‌سازی فضای فرهنگی و حاکم ساختن ارزش‌های انسانی و اسلامی بر جامعه است، تعمیق و تداوم انقلاب اجتماعی، بدون تحوّل فرهنگی امکان‌پذیر نیست. بنا بر این، سیاست‌های فرهنگی، بنیادی‌ترین سیاست‌های حکومتی امام مهدی علیه السلام است.

برجسته‌ترین این سیاست‌ها که در احادیث اهل بیت علیهم السلام مورد اشاره قرار گرفته، عبارت است از:

### ۲ - ۱. توسعه و تعمیق معرفت و بصیرت

بی‌تردید، علم و آگاهی، بینش و بصیرت، اساسی‌ترین پایه‌های تمدن نوین اسلامی است. همهٔ آیات و احادیثی که مردم را به تعقل و تفکر، و دانش و بینش دعوت می‌کنند،<sup>۱</sup> دلیل این مدّعاست و جمع‌بندی آنها را در دو حدیث پیامبر اکرم و امیر مؤمنان علیهم السلام می‌توان ملاحظه کرد. در حدیثی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمده:

خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْعِلْمِ، وَ شَرُّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْجَهْلِ.<sup>۲</sup>  
خیر دنیا و آخرت، با دانش، و شرّ دنیا و آخرت، با نادانی است.

از امام علی علیه السلام نیز نقل شده که فرمود:

۱. ر.ک: دانش‌نامهٔ عقاید اسلامی، جلد یکم و دوم.

۲. روضة الواعظین: ص ۱۷.



الْعِلْمُ أَصْلُ كُلِّ خَيْرٍ ، الْجَهْلُ أَصْلُ كُلِّ شَرٍّ .<sup>۱</sup>

دانش، بنیاد هر خیر، و نادانی، ریشه هر شرّی است.

نخستین پایه‌های ارزش‌های اسلامی، خردورزی است.<sup>۲</sup> شخص مسلمان در هر اقدامی که می‌خواهد انجام دهد، نیاز به شناخت و معرفت دارد. امام علی علیه السلام، خطاب به یکی از یارانش به نام گمیل می‌فرماید:

مَا مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَ أَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ .<sup>۳</sup>

هیچ حرکتی نیست، مگر آن‌که در آن، نیازمند شناختی هستی.

مهم‌ترین ویژگی‌های منتظران راستین و زمینه‌سازان حکومت مهدوی، رشد و کمال خرد و معرفت است. در این باره از امام زین‌العابدین علیه السلام نقل شده:

وَالْمُنْتَظَرِينَ لظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ ؛ لِأَنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ ، مَا صَارَتْ بِهِ الْعَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ ...<sup>۴</sup>

و منتظران ظهورش، از مردم هر روزگار دیگری برترند؛ زیرا خداوند - تبارک و تعالی - چنان عقل و فهم و معرفتی به آنان داده که غیبت برای آنان به سان مشاهده است.

بدین سان، تکیه‌گاه اصلی انقلاب مهدوی، معرفت و بصیرت است، و مبارزه با انحرافات و تلاش برای پدیدآوران جامعه آرمانی اسلام، از همین نقطه آغاز خواهد شد. در این باره، امام علی علیه السلام تعبیر بسیار لطیفی دارد و می‌فرماید:

حَتَّى إِذَا وَافَقَ وَارِدُ الْقَضَاءِ انْقِطَاعَ مَدَّةِ الْبَلَاءِ حَمَلُوا بِصَائِرِهِمْ عَلَى أَسْيَافِهِمْ وَدَانُوا لِزُبَيْهِمْ بِأَمْرِ وَاعِظِهِمْ .<sup>۵</sup>

۱. غرر الحکم: ج ۸۱۸ و ۸۱۹.

۲. از امام علی علیه السلام نقل شده: «قواعد الإسلام سبعة: فأولها العقل...؛ پایه‌های اسلام هفت تا است. نخستین آنها عقل است.» (تحف العقول: ص ۱۹۶).

۳. تحف العقول: ص ۱۷۱، بشارة المصطفى: ص ۲۵ عن کمیل بن زیاد، بحار الأنوار: ج ۷۷ ص ۲۶۷ ح ۱.

۴. ر.ک: ج ۵ ص ۳۴۶ ح ۹۳۵.

۵. نهج البلاغة: خطبة ۱۵۰، بحار الأنوار: ج ۲۹ ص ۶۱۶ ح ۲۹.

تا هنگامی که قضا [و قدر]، موافق پایان یافتن مدّت بلا شد، بصیرت و آگاهی خویش را بر شمشیرشان می‌نهند [و با بصیرت، سلاح خود را در برخورد با دشمن به کار می‌گیرند] و به فرمان اندرزگوی خویش (امام مهدی علیه السلام)<sup>۱</sup> از پروردگار خود، اطاعت می‌کنند.

جهانی شدن انقلاب مهدوی و تداوم آن نیز نیازمند رشد علم و آگاهی است و از این رو، بنیادی‌ترین اقدامات فرهنگی در حکومت امام مهدی علیه السلام، توسعه و تعمیق معرفت و بصیرت جامعه است.

ثقة الإسلام کلینی علیه السلام از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَصَحَّ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ، فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ، وَكَمَلَتْ بِهِ أَعْلَانُهُمْ<sup>۲</sup>.

هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند دستش را بر سر بندگان می‌نهد و عقل‌های ایشان را با آن، جمع می‌کند و خرده‌هایشان با او کامل می‌شود.

این سخن، بدین معناست که هم‌زمان با قیام امام مهدی علیه السلام، نخستین لطف و عنایت خداوند سبحان به مردم، رشد عقلی و تکامل علمی آنهاست.

در حدیثی دیگر از امام صادق علیه السلام نقل شده که می‌فرمود:

الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ حَرْفًا، فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ، فَلَمْ يَعْرِفْ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ، فَإِذَا قَامَ الْقَائِمُ علیه السلام أَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ حَرْفًا فَبَيَّنَّهَا فِي النَّاسِ، وَصَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّى يَبَيَّنَّهَا سَبْعَةً وَعِشْرِينَ حَرْفًا<sup>۴</sup>.

۱. گفتنی است که برخی شارحان نهج البلاغه، به قرینه جملات بعدی خطبه، مقصود از «اندرزگو» را پیامبر صلی الله علیه و آله گرفته‌اند؛ لیکن به نظر می‌رسد که آن جملات، بخش دیگری از سخنان امام علیه السلام است که توسط سید رضی، انتخاب و تقطیع شده و بلافاصله پس از بخش مورد نظر ما قرار گرفته است و همان‌طور که در منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه (ج ۹ ص ۱۳۲) آمده و به قرینه عنوان خطبه، مقصود، بقیة الله الأعظم امام مهدی - ارواحنا فداه - است.

۲. فی الخرائج والمجرائح: «أخلاقهم» بدل «أعلامهم».

۳. ر.ک: ص ۲۳۲ ح ۱۷۹۱.

۴. الخرائج والمجرائح: «جزاء» و «حرفان» بدل «جزأ» و «حرفاً».

۵. ر.ک: ص ۲۳۴ ح ۱۷۹۴.

علم، بیست و هفت حرف است و همه آنچه پیامبران آورده‌اند، دو حرف است و مردم تاکنون، جز دو حرف را نشناخته‌اند. چون قائم قیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را بیرون می‌آورد و میان مردم، منتشر می‌کند و دو حرف [قبلی] را هم به آنها ضمیمه می‌کند تا همه بیست و هفت حرف را منتشر سازد.

بی‌تردید، رشد معجزه‌آسای اندیشه و عقل، و پیشرفت مافوق تصور علم در حکومت مهدوی، زمینه‌ساز پیشرفت همه‌جانبه و موجب رسیدن به قلّه جامعه آرمانی و تمدن نوین اسلامی است.

## ۲-۲. آشنای کامل با معارف قرآن

قرآن، خلاصه معارف مورد نیاز انسان است. امام علی علیه السلام با تعبیر بلندی در توصیف این کتاب آسمانی می‌فرماید:

سَلُونِي عَنِ الْقُرْآنِ فَإِنَّ فِي الْقُرْآنِ عِلْمَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، لَمْ يَدْعَ لِقَائِلٍ مَقَالًا، وَلَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ، وَ لَيْسُوا بِوَاحِدٍ، وَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ وَاحِدًا مِنْهُمْ عَلَّمَهُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ إِيَّاهُ، وَ عَلَّمَنِيهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ثُمَّ لَا يَزَالُ فِي بَقِيَّتِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ<sup>۱</sup>.

از من، درباره قرآن بپرسید؛ چراکه دانش اولین و آخرین، در قرآن است. [قرآن] برای هیچ گوینده‌ای [جای] سخن نگذاشته است و تأویل آن را جز خدا و استواران در دانش، کسی نمی‌داند و اینان، یک نفر نیستند. پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یکی از ایشان بود که خداوند سبحان، آن را به او آموخت و پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم آن را به من آموخت و [تأویل قرآن] در فرزندان [معصوم] او تا روز قیامت، باقی خواهد ماند.

امام علیه السلام در این سخن، چند نکته بسیار مهم را در باره معارف قرآن، یادآور شده: اول. دانش گذشتگان و آیندگان در قرآن شریف خلاصه شده، به گونه‌ای که

۱. تأویل الآيات الظاهرة: ج ۲ ص ۵۵۵ ح ۱۰، تفسیر فرات: ص ۶۸ ح ۳۸، کتاب سلیم بن قیس: ج ۲ ص ۹۴۲ ح ۷۸ (هر دو منبع با عبارت مشابه).

مَدْعِیان علم و معرفت در مقابل این کتاب آسمانی حرف تازه‌ای ندارند.

دوم. معارف عمیق و گسترده قرآن، ویژه پیامبر صلی الله علیه و آله است و او، این معارف را به امام علی علیه السلام تعلیم فرموده و این میراث علمی در خاندان او تا قیامت، باقی است.

سوم. مردم برای آشنایی کامل با معارف قرآن، راهی جز مراجعه به اهل بیت علیهم السلام ندارند.

روشن است که در دوران کوتاه نبوت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، زمینه لازم برای تبیین کامل معارف قرآن برای همه مردم، وجود نداشت و از این رو، پیامبر صلی الله علیه و آله حقایق این کتاب آسمانی را به امام علی علیه السلام تعلیم فرمود تا به امامان اهل بیت علیهم السلام منتقل شود و در فرصت‌های مناسب در اختیار قرآن‌پژوهان قرار گیرد؛ لیکن در دوران امامت سایر امامان اهل بیت نیز، به دلیل اختناق سیاسی، چنین فرصتی پدید نیامد.

بنا بر این، در دولت جهانی اهل بیت علیهم السلام که زمینه برای بیان حقایق قرآن به طور کامل فراهم است، یکی از سیاست‌های اصولی حکومت مهدوی، آشنا کردن مردم با حقایق این کتاب آسمانی است و با توجه به این که آگاهی از ترتیب نزول آیات قرآن، نقش مؤثری در فهم معارف آن دارد، یکی از اقدامات اساسی امام علیه السلام، تعلیم قرآن بر اساس این ترتیب است.<sup>۱</sup>

## ۲-۳. توسعه مساجد و مراکز فرهنگی

گسترش آشنایی با معارف قرآنی و توسعه و تعمیق معرفت و مفاهیم دینی، نیازمند مراکز گسترده تعلیم و تربیت است. لذا در حکومت امام مهدی علیه السلام توسعه مراکز فرهنگی از سیاست‌های مهم و بنیادی شمرده می‌شود. بنا بر این، آنچه در احادیث در باره ساختن مساجد بزرگ در حکومت مهدوی آمده،<sup>۲</sup> اشاره به این معناست.

۱. ر.ک: ص ۲۳۵ (آموزش قرآن بر اساس نزول آن).

۲. ر.ک: ص ۲۳۷ (ساختن مسجدهای بزرگ).

## ۲-۴. مبارزه قاطع با فساد و انحراف

بی‌تردید، نخستین برنامه دولت امام مهدی علیه السلام، مبارزه با مفساد اجتماعی و انحرافات اعتقادی، اخلاقی و عملی است. رشد عقلی و عملی جامعه، و آشنایی با معارف اصیل قرآن، در حقیقت، مقدمه این پیکار بزرگ است. تعمیق و گسترش ایمان نیز، بدون این جهاد فرهنگی، امکان‌پذیر نیست و این مبارزه، یکی از مصادیق روشن این آیه شریف است:

﴿الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾<sup>۱</sup>

«کسانی که اگر به آنها در زمین توانایی دهیم، نماز بر پا می‌دارند و زکات می‌دهند و به نیکوکاری، فرمان می‌دهند و از زشت‌کاری، باز می‌دارند؛ و فرجام همه کارها از آن خداوند است».

در حدیثی از امام باقر علیه السلام در تبیین آیه یاد شده آمده است:

هَذِهِ الْآيَةُ لِأَلِ مُحَمَّدٍ الْمَهْدِيِّ وَأَصْحَابِهِ، يُمَلِّكُهُمُ اللَّهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا، وَ يُظَهِّرُ الدِّينَ، وَ يُمَيِّتُ اللَّهُ ﷻ بِهِ وَ بِأَصْحَابِهِ الْبِدْعَ وَ الْبَاطِلَ، كَمَا أَمَاتَ السَّفَهَةَ الْحَقَّ، حَتَّى لَا يُرَى أَتْرُ مِنْ الظُّلْمِ، وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ.<sup>۲</sup>

این آیه، برای خاندان محمد - مهدی و یارانش - است. خداوند، مشرق و مغرب زمین را به تسلط آنها در می‌آورد و دین را چیره می‌کند و خداوند ﷻ به دست او و یارانش، بدعت‌گذاران و باطل‌پویان را می‌میراند، همان‌گونه که نابخران، حق را می‌رانداند تا آن جا که اثری از ستم، دیده نشود و به نیکی فرمان می‌دهند و از زشتی باز می‌دارند؛ و فرجام همه کارها از آن خداوند است.

در این جا این سؤال قابل طرح است که سیاست حکومت مهدوی در برخورد با

۱. حج: آیه ۴۱.

۲. ر.ک: ص: ۲۴۰ ح ۱۸۰۲.

ناهنجاری‌ها دفعی است یا تدریجی؟ به عبارت دیگر، آیا امام مهدی علیه السلام پس از ظاهر شدن، بلافاصله مبارزه با انواع مفسد و ناهنجاری‌ها را هم‌زمان آغاز می‌کند یا این که اصلاحات مورد نظر خود را به تدریج و با برنامه‌ریزی و زمان‌بندی ویژه‌ای مدیریت می‌نماید؟

با در نظر گرفتن مفاد احادیثی که تأکید دارند بر این که سیره حکومت امام مهدی علیه السلام مبتنی بر سیره حکومت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی علیه السلام است، در پاسخ سؤال مذکور می‌توان گفت: در حکومت مهدوی، مبارزه با بخشی از مفسد، دفعی است و مبارزه با بخشی دیگری از ناهنجاری‌ها، تدریجی خواهد بود.

در سیره نبوی و علوی، مفسد اجتماعی بر دو دسته تقسیم گردیده است: دسته اول، مفسدی که زمینه اجتماعی لازم برای مبارزه فوری با آنها فراهم بود. در این گونه موارد، هم‌زمان با آغاز مسئولیت، مبارزه با ناهنجاری‌ها نیز آغاز شد؛ مانند مبارزه با شرک و ظلم.

دسته دوم، مفسدی که زمینه اجتماعی لازم برای مبارزه فوری با آنها فراهم نبود. در این گونه موارد، بیکار با ناهنجاری‌ها تدریجی بود؛ مانند این که در عصر نبوت، بخشی از مقررات اسلام، به تدریج نازل می‌شد. همچنین امام علی علیه السلام مبارزه با مفسد اداری و اقتصادی را از نخستین روزهای حکومت، آغاز کرد؛ اما از آن جا که زمینه برای بخشی از اصلاحات فرهنگی آماده نبود، می‌فرمود:

لَوْ قَدِ اسْتَوَتْ قَدَمَايَ مِنْ هَذِهِ الْمَدَاجِصِ لَغَيَّرْتُ أَشْيَاءَ.<sup>۱</sup>

اگر باهام در این لغزشگاه استوار ماند، اموری را تغییر خواهم داد.

بدین سان، در حکومت علوی مبارزه با شماری از انحرافات، منوط به فراهم شدن زمینه‌های لازم گردید.<sup>۲</sup>

۱. ر.ک: دانش‌نامه امیر المؤمنین علیه السلام: ج ۳ ص ۵۷۲ ح ۱۳۴۸.

۲. برای توضیح بیشتر، ر.ک: دانش‌نامه امیر المؤمنین علیه السلام: ج ۳ ص ۲۸۶ (سیاست علوی در رویارویی با

بر این اساس، به نظر می‌رسد در حکومت مهدوی نیز، مبارزه با بخشی از انحرافات، دفعی است و هم‌زمان با ظهور امام مهدی علیه السلام آغاز می‌شود؛ اما تصحیح فرهنگ عمومی با برنامه‌ریزی ویژه‌ای، به تدریج تحقق خواهد یافت.

## ۲-۵. ریشه‌کن کردن گمراهی

رشد علم و آگاهی، آشنایی با معارف اصیل قرآن، و مبارزه اصولی با انواع انحرافات اعتقادی، اخلاقی و عملی، سبب می‌شود که در حکومت مهدوی، گمراهی (ضلالت) از جامعه بشر، ریشه‌کن گردد. این معنا، در احادیث، به گشوده شدن دزهای ضلالت به وسیله امام مهدی علیه السلام، تعبیر شده:

فَيَبْعَثُ اللَّهُ ﷻ مِنْهُمَا [الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ علیه السلام] مَنْ يَفْتَحُ حُصُونِ الضَّلَالَةِ.<sup>۱</sup>

و خداوند تعالی از نسل حسن و حسین، کسی را بر می‌انگیزد که دزهای گمراهی و دل‌های سر بسته را می‌گشاید.

در حدیثی دیگر، با تعبیر دیگری آمده:

وَ إِنَّمَا سُمِّيَ الْقَائِمُ مَهْدِيًّا لِأَنَّهُ يَهْدِي إِلَى أَمْرِ قَدْ ضَلُّوا عَنْهُ.<sup>۲</sup>

قائم از آن رو «مهدی» نامیده شد که به امری ره‌نمون می‌شود که به آن، راه نیافته‌اند.

همچنین در توصیف امام مهدی علیه السلام می‌خوانیم:

يَعْطِفُ الْهَوَى عَلَى الْهُدَى إِذَا عَطَفُوا الْهُدَى عَلَى الْهَوَى.<sup>۳</sup>

هوس را دنباله‌رو هدایت می‌کند، هنگامی که [مردم] هدایت را پیرو هوس کرده‌اند.

بدین سان، هدایت و راهیابی به صراط مستقیم و راه درست، مقصد اعلای

﴿انحراف‌ها﴾.

۱. ر.ک: ص ۲۴۲ ح ۱۸۰۶.

۲. ر.ک: ص ۲۴۴ ح ۱۸۰۸.

۳. ر.ک: ص ۱۹۴ ح ۱۷۵۳.

انسانیت، جهان را فرا خواهد گرفت.

## ۲- ۶. پایان دادن به دولت ابلیس

با ریشه کن شدن گمراهی، زمینه‌های سلطه شیطان به طور اصولی از بین می‌رود. این معنا در برخی از احادیث به پایان یافتن دولت ابلیس در جهان و روی کار آمدن دولت خدا، تعبیر شده است. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده:

مَا زَالَ مَذْخَلَقَ اللهُ آدَمَ دَوْلَةً لِلَّهِ وَ دَوْلَةً لِابْلِيسَ . فَأَيْنَ دَوْلَةُ اللهِ؟ أَمَا هُوَ إِلَّا قَائِمٌ  
وَاجِدٌ.<sup>۱</sup>

هماره، از روزگار آفرینش آدم، دولتی از آن خدا و دولتی از آن ابلیس بوده است. پس دولت خداوند کجاست؟! آن نیست، جز [دولت] یگانه قائم [آل محمد].

در حدیثی دیگر، روی کار آمدن دولت خدا به وسیله امام مهدی علیه السلام، به ظهور دولت اهل بیت علیهم السلام تعبیر شده است. متن این حدیث که به سند معتبر از امام صادق علیه السلام نقل شده، چنین است.

لِكُلِّ أُنَاسٍ دَوْلَةٌ يَرْقُبُونَهَا وَ دَوْلَتُنَا فِي آخِرِ الدَّهْرِ تَنْظَهُرُ.<sup>۲</sup>

هر مردمی را دولتی است که چشم به راهش هستند و دولت ما در پایان روزگار، پدیدار می‌شود.

آری! دولت امام مهدی علیه السلام همان دولت خداوند سبحان، و دولت خاتم پیامبران و خاندان بزرگوار اوست که در آخر زمان، به حکومت پیروان شیطان، پایان خواهد داد.

## ۲- ۷. تعمیق و تکامل ایمان

ایمان به مبدأ و معاد، و باورهای سعادت‌آفرین، فرایند به کارگیری خرد<sup>۳</sup> و علم و

۱. ر.ک: ص ۲۴۴ ح ۱۸۰۹.

۲. الأمالی، صدوق: ص ۵۷۸ ح ۷۹۱، روضة الواعظین: ص ۲۳۴، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۱۴۳ ح ۳.

۳. ر.ک: دانش نامه عقاید اسلامی: ج ۱ ص ۳۲۳ (آثار خرد).



حکمت است. <sup>۱</sup> قرآن کریم با صراحت اعلام می‌فرماید:

﴿وَيَزِيَّ الَّذِينَ أُوْتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَيَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ  
الْغَزِيِّزِ الْحَمِيدِ﴾. <sup>۲</sup>

«و کسانی که از دانش، بهره یافته‌اند، می‌دانند که آنچه از جانب پروردگارت به سوی  
تو نازل شده، حق است و به راه آن عزیزستوده [صفات] راهبری می‌کند».

سیاست فرهنگی حکومت امام مهدی علیه السلام به گونه‌ای است که با از بین رفتن  
ریشه‌های گم‌راهی، انسان‌ها نه تنها می‌توانند به حقایق ایمانی دست یابند، بلکه با  
بهره‌گیری از قوت خرد، و توسعه علم و حکمت به بالاترین قلّه ایمان، صعود  
می‌نماید. در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم:

إِنَّكُمْ مُؤْمِنُونَ وَلَكِنْ لَا يَكْمُلُ إِيمَانُكُمْ حَتَّى يَخْرُجَ قَائِمُنَا، فَعِنْدَهَا يَجْمَعُ اللَّهُ  
أَحْلَامَكُمْ فَتَكُونُونَ مُؤْمِنِينَ كَامِلِينَ. <sup>۳</sup>

شما مؤمن هستید؛ اما ایمانتان کامل نمی‌شود تا قائم ما قیام کند. آن هنگام،  
خداوند، عقل‌هایتان را جمع می‌کند و مؤمنانی کامل می‌شوید.

جامعه‌ای که از عقل و ایمان برخوردار باشد، طبعاً از نظر اخلاق و رفتار، جامعه  
نمونه انسانی است. <sup>۴</sup>

## ۲-۸. زنده کردن معنوی زمین

فراگیر شدن عدالت و ایمان در جامعه، و آشنا شدن مردم با معارف اصیل و  
حیات‌بخش الهی، سبب می‌شود جامعه بشر با ارزش‌های معنوی زنده گردد،  
همان‌طور که باران بهار، زمین مُرده را زنده می‌نماید. قرآن کریم، به این معنا اشاره

۱. همان: ج ۲ ص ۳۲۶ (آثار دانش).

۲. سبأ: آیه ۶.

۳. رک: ص ۲۴۸ ح ۱۸۱۲.

۴. برای آگاهی از ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری اهل ایمان، رک: دانش‌نامه قرآن و حدیث: ج ۸ ص ۳۲۹  
(فصل هشتم: ویژگی‌های مؤمن).

می فرماید:

﴿أَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا.﴾<sup>۱</sup>

بدانید که خداوند، زمین را پس از مرگش زنده می کند.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه یاد شده، آمده:

أَيُّ يُحْيِيهَا اللَّهُ بِعَدْلِ الْقَائِمِ عِنْدَ ظُهُورِهِ، بَعْدَ مَوْتِهَا بِجَوْرِ أُثْمَةِ الضَّلَالِ. <sup>۲</sup>

یعنی پس از آن که زمین به سبب ستم پیشوایان گمراهی می میرد، خداوند، آن را با عدالت قائم به گاه ظهورش، زنده می کند.

طبق حدیثی دیگر، امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید:

يُحْيِيهَا اللَّهُ بِعَدْلِ الْقَائِمِ بَعْدَ مَوْتِهَا - بِمَوْتِهَا كَفَرُ أَهْلِهَا - وَالْكَافِرُ مَيِّتٌ. <sup>۳</sup>

خداوند تعالی آن را به دست قائم علیه السلام زنده می کند، پس از آن که مرده است و مرگش، کفر ورزیدن اهل آن است؛ چرا که کافر، مرده است.

و در حدیثی دیگر از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمده که خداوند سبحان، در معراج، ضمن

مطالبی خطاب به او می فرماید:

وَ بِالْقَائِمِ مِنْكُمْ أَعْمُرُ أَرْضِي بِتَسْبِيحِي وَ تَهْلِيلِي، وَ تَقْدِيسِي وَ تَكْبِيرِي وَ تَمْجِيدِي، وَ بِهَ أَطَهِّرُ الْأَرْضَ مِنْ أَعْدَائِي وَ أَوْرَثُهَا أَوْلِيَائِي، وَ بِهَ أَجْعَلُ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِئِي السُّفْلَى وَ كَلِمَتِي الْعُلْيَا، وَ بِهَ أَحْيِي عِبَادِي وَ بِلَادِي بِعِلْمِي. <sup>۴</sup>

و با قائم شما زمینم را با تسبیح، تهلیل، تقدیس، تکبیر و تمجیدم، آباد می کنم و به دست او، زمین را از دشمنانم پاک می کنم و آن را برای اولیایم به ارث می گذارم، و به دست او، کلمه کافران به من را فرو آورده و کلمه خود را بالا می برم و به دست او، بندگان و سرزمین هایم را با علم خود [بالا می برم].

۱. حدید: آیه ۱۷.

۲. ر.ک: ص ۲۰۲ ح ۱۷۶۳.

۳. ر.ک: ص ۲۵۰ ح ۱۸۱۳.

۴. ر.ک: ص ۲۵۰ ح ۱۸۱۴.

همه این احادیث، به این حقیقت اشاره دارند که زندگی زمین در آبادانی ظاهری آن خلاصه نمی‌شود؛ بلکه زندگی باطنی و معنوی زمین، بسی مهم‌تر و ارزشمندتر از زندگی ظاهری آن است. تحقق این زندگی، تنها با فراگیر شدن ارزش‌های دینی و در رأس آنها ایمان و عدالت، در دوران حکومت امام مهدی عج امکان‌پذیر است.

## ۲- ۹. فراگیر شدن حکومت اسلامی در جهان

سیاست‌های فرهنگی حکومت مهدوی، در کنار نابودی جباران و ستمگران، به طور طبیعی زمینه را برای حکومت جهانی اسلام به رهبری قائم آل محمد عج فراهم می‌سازد. در حدیثی از پیامبر ص آمده:

الْأَيُّمَةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ، أَوْلَهُمْ أَنْتَ يَا عَلِيُّ، وَ آخِرُهُمُ الْقَائِمُ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَلَيَّ  
يَدِيهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا.<sup>۱</sup>

امامان پس از من، دوازده تن هستند: نخستین آنها تو هستی - ای علی -، و آخرین آنها، قائمی که خداوند تبارک مشرق و مغرب زمین را به دست او فتح می‌کند. در حدیثی دیگر از پیامبر ص، در توصیف حکومت جهانی امام مهدی عج آمده:

وَ تُشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِهِ، وَ يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ.<sup>۲</sup>

و زمین از نورش روشن می‌شود و حکومتش، شرق و غرب را در بر می‌گیرد.

احادیث فراوان دیگری نیز، فراگیر شدن حکومت مهدوی در همه جهان را تأیید

می‌نمایند.<sup>۳</sup>

## ۲- ۱۰. اتحاد ادیان

قرآن کریم در سه آیه تأکید می‌فرماید که دین اسلام در نهایت، بر همه ادیان غلبه خواهد کرد. در سوره توبه، آمده:

۱. ر.ک: ص ۲۵۲ ح ۱۸۱۶.

۲. ر.ک: ص ۲۵۴ ح ۱۸۱۹.

۳. ر.ک: ص ۲۵۳ (فصل سوم / فراگیر شدن حکومت اسلامی).

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾<sup>۱</sup>

اوست که پیامبرش را به هدایت و دین حق فرستاد تا آن دین را بر همه ادیان، پیروز گرداند، هر چند مشرکان را ناخوش آید.

در سوره صف، تعبیر اندکی متفاوت است:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا﴾<sup>۲</sup>

اوست که پیامبرش را به هدایت و دین حق فرستاد تا آن دین را بر همه ادیان، پیروز گرداند، و خدا، بر صدق پیامبرش گواهی بسنده است.

غلبه اسلام بر همه ادیان، در سوره انفال با این تعبیر مورد تأکید قرار گرفته است:

﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ﴾<sup>۳</sup>

و با آنها بجنگید تا فتنه‌ای نباشد و دین به کلی از آن خدا باشد.

همه این آیات، به روشنی دلالت دارند که سیاست نظام اسلامی این است که

جامعه جهانی در نهایت، به وحدت ادیان دست یابد و اسلام ناب، تنها دین حاکم بر جهان باشد. احادیث اهل بیت علیهم السلام بویژه احادیثی که در تفسیر آیات یاد شده از خاندان رسالت نقل شده‌اند، با صراحت اعلام می‌کنند که این حادثه بزرگ در عصر حکومت امام مهدی علیه السلام تحقق خواهد یافت.<sup>۴</sup> امام باقر علیه السلام در تبیین آیه ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾<sup>۵</sup> می‌فرماید:

إِنَّ ذَلِكَ يَكُونُ عِنْدَ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ، فَلَا يَبْقَى أَحَدٌ إِلَّا أَقْرَبَ بِمُحَمَّدٍ.<sup>۶</sup>

۱. توبه: آیه ۳۳. صف: آیه ۹.

۲. فتح: آیه ۲۸.

۳. انفال: آیه ۳۹، و ر. ک. بقره: آیه ۱۱۳.

۴. ج ۲ ص ۷۳ (بخش دوم / فصل پنجم / ظهور دین حق در جهان).

۵. توبه: آیه ۳۳.

۶. ر. ک. ص ۲۶۲ ح ۱۸۲۵.

آن،<sup>۱</sup> به هنگام قیام مهدی خاندان محمد صلی الله علیه و آله است که کسی نمی‌ماند، جز آن که به [رسالت] محمد صلی الله علیه و آله اقرار می‌کند.

همچنین در تفسیر آیه «وَقَتْلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ»<sup>۲</sup> از امام صادق علیه السلام روایت شده که خطاب به مفضل می‌فرماید:

فَوَاللَّهِ يَا مُفَضَّلُ لَيُرْفَعَنَّ عَنِ الْمِلَلِ وَالْأَدْيَانِ الْإِخْتِلَافُ، وَ يَكُونُ الدِّينُ كُلُّهُ وَاحِدًا.<sup>۳</sup>  
به خدا سوگند - ای مفضل -، [قائم] اختلاف را از میان ملت‌ها و دین‌ها بر می‌دارد  
و همه دین‌ها یکی می‌شوند.

نکته قابل توجه این که براساس آنچه از روایات اهل بیت علیهم السلام استنباط می‌شود، اتحاد ادیان در حکومت مهدوی، اجباری نیست؛ بلکه سیاست‌های فرهنگی امام مهدی علیه السلام به گونه‌ای است که توده مردم جهان، به تدریج و با آغوش باز، اسلام را خواهند پذیرفت.<sup>۴</sup>

۱. اشاره است به آیه «دین، به طور کامل، از آن خدا می‌شود...».

۲. انفال: آیه ۳۹.

۳. ر.ک: ص ۲۶۲ ح ۱۸۲۷.

۴. برای توضیح این مطلب ر.ک: ص ۲۶۷ (وحدت و یا کثرت ادیان در حکومت مهدوی) مراجعه فرمایید.

## سیاست های اجتماعی<sup>۳</sup>

سومین بخش از برجسته ترین سیاست های حکومتی امام مهدی علیه السلام، سیاست های اجتماعی آن بزرگوار است که رضایت عمومی جهانیان را در پی خواهد داشت. در این قسمت، ابتدا به تبیین نکاتی قابل توجه در باره این سیاست ها که در نصوص اسلامی بدانها اشاره شده، می پردازیم و در پایان، در باره نقش امدادهای الهی در پیشرفت های اجتماعی توضیحی خواهیم آورد:

### ۳-۱. تقویت روابط اجتماعی بر پایه برادری دینی

یکی از سیاست های اصولی اسلام برای زدودن کینه ها، نزدیک کردن دل ها و منسجم کردن هواداران خود، تقویت روابط اجتماعی بر پایه پیوند برادری دینی است. این اقدام سیاسی - الهی، در صدر اسلام، زمینه ساز پیدایش نخستین حکومت اسلامی به رهبری پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شد و بار دیگر، در آخر زمان، زمینه ساز حکومت جهانی اسلام به رهبری مهدی آل محمد علیهم السلام و توسعه و تداوم آن خواهد گردید:

### ۳-۱-۱. نقش برادری دینی در تأسیس نخستین حکومت اسلامی

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پس از بعثت، دو بار از طرح برادری دینی جهت تأسیس حکومت اسلامی بهره گرفت: یک بار قبل از هجرت در مکه و بار دوم، پس از هجرت در مدینه.

این اقدام سیاسی - الهی، بخصوص پس از هجرت مسلمانان به مدینه، در

تأسیس نخستین حکومت اسلامی، نقشی بنیادین داشت؛ زیرا جامعه اسلامی، از یک سو با خطر مشرکان قریش و عموم بت‌پرستان و همچنین خطر یهود مدینه - که در داخل و خارج شهر، زندگی می‌کردند و ثروت و امکانات فراوانی داشتند - مواجه بود و از سوی دیگر، نیروهای تازه‌مسلمان، دچار از هم گسیختگی بودند؛ چرا که دو طایفه اوس و خزرج، با هم دشمنی و کینه دیرینه داشتند و میان مهاجران و انصار نیز از نظر فکری و فرهنگی، اختلاف وجود داشت.

در این جا بود که آیه اخوت: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾<sup>۱</sup> در حقیقت، مؤمنان، برادران [یکدیگر] اند، نازل شد و پیامبر اسلام، با الهام الهی، همچون سیاستمداری پخته و کارآزموده، با به کارگیری مجدد طرح برادری دینی، میان مسلمانان و بویژه مهاجران و انصار، وحدت سیاسی و معنوی ایجاد کرد و بدین سان بر معضل اختلافات داخلی فائق آمد و با انسجام پیروان خود در برابر دشمنان اسلام، حکومت اسلامی را بنیان نهاد.<sup>۲</sup>

### ۳-۱-۲. نقش برادری دینی در حکومت جهانی اسلام

بر پایه احادیثی که در منابع معتبر شیعه و سنی آمده، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پیش‌بینی فرموده که در آخر زمان، مسلمانانی بسی بافضیلت‌تر از مسلمانان صدر اسلام، پدید خواهند آمد و آنان را به دلیل قوت ایمان و سرسختی در مسئولیت‌پذیری برادر خود می‌نامد. متن یکی از این احادیث که از امام باقر علیه السلام نقل شده، چنین است:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله ذَاتَ يَوْمٍ وَ عِنْدَهُ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِهِ: اللَّهُمَّ لَقِّنِي إِخْوَانِي - مَرَّتَيْنِ - .

فَقَالَ مَنْ حَوْلَهُ مِنْ أَصْحَابِهِ: أَمَا نَحْنُ إِخْوَانُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟!

فَقَالَ: لَا، إِنَّكُمْ أَصْحَابِي، وَإِخْوَانِي قَوْمٌ مِنْ آخِرِ الزَّمَانِ آمَنُوا بِي وَ لَمْ يَزُونِي، لَقَدْ

۱. حجرات: آیه ۱۰.

۲. برای توضیح بیشتر، ر.ک: دانش‌نامه قرآن و حدیث: ج ۲ (برادری).

۳. فی بحار الآثار: «فی»، وهو الأصبوب.

عَرَفْنَاهُمْ اللَّهُ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُخْرِجَهُمْ مِنْ أَصْلَابِ آبَائِهِمْ وَ  
 أَرْحَامِ أُمَّهَاتِهِمْ، لِأَحَدِهِمْ أَشَدُّ بَقِيَّةً عَلَى دِينِهِ مِنْ خَرَطِ الْقَتَادِ<sup>۱</sup> فِي اللَّيْلَةِ الظُّلْمَاءِ، أَوْ  
 كَالْقَابِضِ عَلَى جَمْرِ الْعُضَى<sup>۲</sup>، أَوْلَيْكَ مَصَابِيحُ الدُّجَى، يُنَجِّهِمُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ عَبْرَاءَ  
 مُظْلِمَةٍ<sup>۳</sup>.

روزی پیامبر خدا ﷺ، در حالی که جماعتی از یارانش نزد ایشان بودند، دو بار  
 فرمود: «بار خدایا! مرا با برادرانم ملاقات ده».

یارانش که پیرامون ایشان بودند، گفتند: مگر ما برادران تو نیستیم، ای پیامبر  
 خدا؟!

فرمود: «نه. شما یاران منید. برادران من، مردمانی از آخر زمان هستند که با آن که  
 مرانندیده‌اند، به من ایمان آورده‌اند. خداوند، آنان را پیش از آن که از پشت پدران  
 و ارحام مادرانشان بیرون آورد، با نام و نام پدرانشان به من شناساند. هر یک از  
 ایشان، بر دینش، پایدارتر از کشیدن شاخ و برگ خار مغیلان با دست در شب تار  
 است، یا همانند کسی است که اخگر چوب درخت شوره‌گرز [که دیر خاموش  
 می‌شود] در دست گرفته باشد. آنان، چراغ‌های تاریکی‌اند. خداوند، ایشان را از  
 هر فتنه تیره و تار، می‌رهاند».

به نظر می‌رسد مقصود پیامبر ﷺ از بزرگ‌مردانی که در این حدیث و احادیث  
 مشابه، آنان را برادران خود می‌نامد، همان کسانی‌اند که خداوند سبحان،  
 ویژگی‌های آنان را در این آیه، بیان کرده است:

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْ يَزْتَدُّ مِنْكُمْ عَن دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ  
 وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ  
 وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَسِعَ عَلِيمٌ<sup>۴</sup>.

۱. القَتَاد: شجر له شوك، وفي المثل: «ومن دونه خَرَطِ الْقَتَادِ» (الصالح: ج ۲ ص ۵۲۱ «قتد»).

۲. الْعُضَى: شجرٌ، من الأثل، خشبه من أصلب الخشب، وجره يبقى زماناً طويلاً لا ينطفئ (المعجم الوسط: ج ۲  
 ص ۶۵۵ «غضى»).

۳. بصائر الدرجات: ص ۸۴ ح ۴ (به نقل از ابو بصیر)، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۱۲۳ ح ۸.

۴. مانده: آیه ۵۴.



ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر کس از شما از دینش برگردد، [بداند] خداوند به زودی گروهی را بیاورد که ایشان را دوست دارد و ایشان، او را دوست دارند، با مؤمنان، فروتن، و بر کافران، سرفرازند؛ در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌هراسند. این، فضل خداست. آن را به هر که بخواهد، می‌دهد؛ و خدا، گشایشگر داناست. ﴿

در این آیه، خداوند سبحان، ضمن تهدید جمعی از همراهان پیامبر صلی الله علیه و آله که در باورهای دینی و دفاع از ارزش‌های اسلامی استوار نبودند، با صراحت اعلام می‌فرماید در آینده تاریخ، گروهی به یاری این آیین خواهند شتافت که خدا، آنها را دوست دارد و آنان نیز خدا را دوست دارند، با اهل ایمان، فروتن و مهربان‌اند و در برابر کافران معاند، سرفراز و قاطع، در راه اقامه ارزش‌های دینی پیکار می‌کنند و از سرزنش ملامتگران نمی‌هراسند.<sup>۱</sup>

بی تردید، کامل‌ترین مصادیق این پیشگویی، یاران امام مهدی عج هستند؛ بلکه در تفسیر القمی ذیل جمله «يُجِبُّهُمْ وَيُجِبُّونَهُ» آمده:

نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ عج وَأَصْحَابِهِ «يُجَبِّهُدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ»<sup>۲</sup>  
[این آیه] در باره قائم عج و یارانش نازل شده است که «در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌هراسند».

یاران امام مهدی عج در اثر تکامل عقل و ایمان، در بالاترین مراتب برادری دینی قرار می‌گیرند، به گونه‌ای که شایستگی پیدا می‌کنند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از آنان با عنوان برادر خود یاد کند. در حدیثی که با سند معتبر از زید زَرَّاد نقل شده، وی می‌گوید: به امام صادق عج گفتم: ما می‌ترسیم که مؤمن نباشیم.  
امام عج فرمود: «چرا این گونه فکر می‌کنید؟».

۱. آیات ۱۳۳ سوره نساء و ۳۸ سوره محمد صلی الله علیه و آله نیز اشاره به این پیشگویی است.

۲. تفسیر القمی: ج ۱ ص ۱۷۰، بحار الأنوار: ج ۳۱ ص ۵۷۷ ح ۷.

گفتم: چون میان خود کسی را نمی یابیم که برادرش نزد او بر درهم و دینارش، مقدم باشد، و مادرهم و دینار را نزد خود بر برادر دینی مان - که با دوستی امیر مؤمنان گرد آورده است -، مقدم می یابیم. امام علیه السلام فرمود:

كَلَّا، إِنَّكُمْ مُؤْمِنُونَ وَلَكِنْ لَا يَكْمُلُ إِيمَانُكُمْ حَتَّىٰ يَخْرُجَ قَائِمُنَا، فَعِنْدَهَا يَجْمَعُ اللَّهُ  
أَحْلَامَكُمْ فَتَكُونُونَ مُؤْمِنِينَ كَامِلِينَ.<sup>۱</sup>

هرگز [این گونه نیندیش]! شما مؤمن هستید؛ اما ایمانتان کامل نمی شود تا قائم ما قیام کند که آن هنگام، خداوند، عقل هایتان را جمع می کند و مؤمنانی کامل می شوید.

در حدیثی دیگر از امام صادق علیه السلام آمده:

إِنَّ أَصْحَابَ الْقَائِمِ علیه السلام يَلْقَىٰ بَعْضُهُمْ بَعْضًا كَأَنَّهُمْ بَنُو أَبِي وَأُمِّ، وَإِنْ افْتَرَقُوا عِشَاءَ  
التَّقْوَا غُدْوَةً.<sup>۲</sup>

یاران قائم، همدیگر را همچون برادران تنی دیدار می کنند و اگر شب از هم جدا شوند، صبح به دیدار یکدیگر می روند.

و بدین سان در عصر ظهور، دشمنی ها، جای خود را به دوستی می دهد<sup>۳</sup> و روابط اجتماعی برادرانه میان یاران امام مهدی علیه السلام به قدری تقویت می شود که وقتی کسی نیاز به پول پیدا می کند، از جیب برادر دینی خود برمی دارد و او مانع نمی شود.<sup>۴</sup>

به عبارت دیگر، جامعه مهدوی، زندگی بهشتیان را در دوران حکومت امام عصر علیه السلام تجربه می کند، همان طور که خداوند در توصیف اهل بهشت فرموده:

﴿وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُّتَقَابِلِينَ.<sup>۵</sup>

۱. ر.ک: ص ۲۴۸ ح ۱۸۱۲.

۲. ر.ک: ص ۳۱۶ ح ۱۸۲۸.

۳. ر.ک: ص ۳۱۶ ح ۱۸۲۹ و ص ۳۲۶ ح ۱۸۴۰.

۴. ر.ک: ص ۳۱۸ ح ۱۸۳۰.

۵. حجر: آیه ۴۷.

هر گونه غل (حسد، کینه و دشمنی) را از سینه آنها بر می‌کنیم، در حالی که برادرانه بر روی تخت‌ها در مقابل هم قرار گیرند».

### ۳-۲. تأمین امنیت فراگیر

امنیت، یکی از نیازهای اولیه و حیاتی هر جامعه است که در نظام الهی - سیاسی اسلام، از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.<sup>۱</sup>

### ۳-۲-۱. پیوند امنیت با فلسفه رسالت و امامت

پیوند امنیت اجتماعی با فلسفه رسالت و امامت در احادیث اسلامی، حاکی از نقش اساسی آن در تحقق آرمان‌های بلند نظام اسلامی است. در حدیثی آمده که پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ به این سؤال که «خداوند برای چه تو را فرستاده؟» می‌فرماید:

بِأَنْ تَوْصَلَ الْأَرْحَامَ، وَ تُحَقِّنَ الدَّمَاءَ، وَ تُؤَمِّنَ السُّبُلَ، وَ تُكَسِّرَ الْأَوْثَانَ، وَ يُعْبَدَ اللَّهُ وَ حِدَّةٌ لَا يُشْرَكَ بِهِنَّ شَيْءٌ.<sup>۲</sup>

[خداوند] برای پیوند خویشاوندان، حفظ خون‌ها، امنیت راه‌ها، شکستن بت‌ها و پرستش خدای یگانه و بی‌انبار [، مرا فرستاده است].

همچنین، امام علی علیه السلام را رمز امنیت برای پیروان آن می‌داند<sup>۳</sup> و یکی از اهداف خود را از پذیرش زمامداری، تأمین امنیت اجتماعی ذکر کرده است و می‌فرماید:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافَسَةً فِي سُلْطَانٍ، وَ لَا تِيْمَاسَ شَيْءٍ مِن فَضُولِ الْحُطَامِ، وَ لَكِن لِنُرْدَ الْمَعَالِمِ مِن دِينِكَ، وَ نُظْهِرَ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ، فَيَأْمَنَ

۱. برای آگاهی بیشتر از اهمیت امنیت از نگاه اسلام، ر.ک: دانش‌نامه قرآن و حدیث: ج ۷ (امنیت).

۲. مسند ابن حنبل: ج ۶ ص ۵۳ ح ۱۳، ۱۷۰، مسند الشاميين: ج ۲ ص ۳۰ ح ۸۶۳، تاریخ دمشق: ج ۴۶ ص ۲۶۲.

۳. الحمد لله الذي شرع الإسلام... فعمله أمناً لمن علقه: ستایش، ویژه‌ی خدایی است که اسلام را تشریح فرمود... و آن را موجب امنیت برای کسانی که به آن تمسک جویند، قرار داد (نهج البلاغه: خطبه ۱۰۵).

الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ، وَ تَقَامَ الْمُعْطَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ.<sup>۱</sup>

بار خدایا! تو می دانی که آنچه از ما سر زد، از سر قدرت طلبی یا برای به دست آوردن چیزی از دارایی بی ارزش دنیا نبود؛ بلکه برای این بود که نشانه های دینت را باز گردانیم و در شهر هایت، آبادانی پدیدار سازیم تا بندگان ستم دیده ات در امنیت باشند و احکام بر زمین مانده ات بر پا داشته شوند.

### ۳-۲-۲. شهر نمونه در امنیت

قرآن کریم، مرکز طلوع خورشید تابناک اسلام را «البلد الامین؛ شهر امن» نامیده و اسلام، مقررات ویژه ای برای اجتناب از هر گونه نزاع، جنگ و خونریزی در این سرزمین مقدس، وضع کرده است،<sup>۲</sup> به گونه ای که در این شهر، نه تنها انسان ها، بلکه حیوانات، پرندگان و گیاهان نیز از امنیت برخوردارند.

می توان گفت: مکه، در حقیقت، شهر نمونه اسلامی در امنیت است و دیگر شهرهای مسلمان نشین باید از این شهر نمونه و أم القرای جهان اسلام، الگو بگیرند. مسلمانان باید تلاش کنند تا دیگر بلاد اسلامی را از امنیت لازم، برخوردار نمایند، چنان که در دوران حکومت مهدوی، امنیت کامل بر جهان، حاکم خواهد شد.

### ۳-۲-۳. نوید امنیت فراگیر

قرآن کریم، یکی از بالاترین نویدهایی که به جامعه برین ایمانی داده، دستیابی به امنیت کامل فراگیر است:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا.<sup>۳</sup>

۱. نهج البلاغة: خطبة ۱۳۱، تحف العقول: ص ۲۳۹ (به نقل از امام حسین علیه السلام، با عبارت مشابه)، بحار الأنوار: ج ۳۴ ص ۱۱۱ ح ۹۴۹؛ تذكرة الخواص: ص ۱۲۰ (به نقل از عبد الله بن صالح العجلي).  
 ۲. برای اطلاع از این مقررات، به منافع فقهی مراجعه فرمایید.  
 ۳. نور: آیه ۵۵.

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین، جانشین قرار دهد، همان‌گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است، به سودشان مستقر کند و بپوشان را به ایمنی مبدل گرداند تا مرا عبادت کنند و چیزی را با من، شریک نسازند.<sup>۱</sup>

بر پایه حدیثی، امام صادق علیه السلام در تبیین این آیه می‌فرماید:

نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ وَأَصْحَابِهِ.<sup>۱</sup>

در باره قائم و یارانش نازل شده است.

بنا بر این، امنیت فراگیر در زمینه‌های مختلف فردی و اجتماعی، که یکی از اهداف بزرگ رسالت انبیا و امامت اوصیای آنهاست، تنها در حکومت جهانی مهدوی که آئینه تمام‌نمای حاکمیت اسلام ناب است، تحقق خواهد یافت. در جامعه موعود مهدوی، نه تنها مردم از ستم کردن دیگران به آنها امنیت دارند؛ بلکه از شرّ درندگان و گزندگان نیز در امان خواهند بود و حتی در میان حیوانات وحشی و اهلی نیز امنیت برقرار می‌شود، تا آن جا که گرگ، چوپانی می‌کند!<sup>۲</sup>

### ۳-۲-۴. سیاست‌های امنیتی

هر چند گزارش روشنی از پیشگویی‌های اهل بیت علیهم السلام در باره سیاست‌های امنیتی امام مهدی علیه السلام در دست نیست؛ ولی با توجه به اصل کلی پیش‌گفته، سیره مهدوی هماهنگ با سیره نبوی و علوی است و سیاست‌های امنیتی حکومتی امام مهدی علیه السلام، همان سیاست‌هایی است که پیامبر خدا و امیر مؤمنان در دوران حاکمیت خود داشتند. برجسته‌ترین این سیاست‌ها به طور خلاصه،<sup>۳</sup> عبارت‌اند از:

۱. ر.ک: ص ۲۲۰ ح ۱۸۳۲.

۲. ر.ک: ص ۲۲۰ (گسترش امنیت).

۳. برای آگاهی از مشروح سیاست‌های امنیتی امام علی علیه السلام، ر.ک: دانش‌نامه امیر المؤمنین علیه السلام؛ ج ۳ ص ۴۲۲ و

الف - برنامه‌ریزی جهت دستیابی به اطلاعات و شناخت‌های لازم از تهدیدهای امنیتی و عوامل آنها؛

ب - برخورداری از ابزارها و امکانات باز دارنده دشمن؛

ج - تقویت مادی و معنوی نیروهای مسلح؛

د - برنامه‌ریزی جهت تبدیل تهدیدهای امنیتی به فرصت؛

ه - اجتناب از درگیری بدون ضرورت با دشمن؛

و - هشیاری در برابر توطئه‌های ضد امنیتی؛

ز - رعایت ارزش‌های اخلاقی در کشف توطئه‌های ضد امنیتی؛

ح - برخورد قاطع و ریشه‌ای با تهدیدهای امنیتی.

گفتنی است که با توجه به نقش زمان و مکان در سیره اهل بیت علیهم السلام ممکن است در برخی از موارد، سیاست‌های حکومتی امام مهدی علیه السلام با سیاست‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام متفاوت باشد؛ لیکن بی تردید، اصول حاکم بر آنها، تفاوتی ندارند.

### ۳-۳ - بهداشت و درمان برای همه

بهداشت و درمان، همانند امنیت، از نیازهای اولیه و حیاتی جامعه انسانی است. لذا در احادیث اهل بیت علیهم السلام این دو نیاز در کنار هم مورد توجه قرار گرفته‌اند. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده:

نِعْمَتَانِ مَكْفُورَتَانِ: ۱- الْأَمْنُ وَالْعَافِيَةُ. ۲

دو نعمت‌اند که قدرشان ناشناخته است: امنیت و سلامت.

«ج ۴ ص ۲۵۷ (سیاست‌های امنیتی).

۱. به علت غفلت مردم از عظمت این دو نعمت، قدرشناسی یا سپاس‌گزاری نمی‌شود (ر.ک: بحار الأنوار: ج ۸۱ ص ۱۷۰).

۲. الخصال: ص ۳۴ ح ۵ (به نقل از اسماعیل بن مسلم از امام صادق علیه السلام از اجدادش علیهم السلام)، بحار الأنوار: ج ۸۱ ص ۱۷۰ ح ۱.

در عصر حکومت امام مهدی علیه السلام، شکوفایی دانش به اوج خود خواهد رسید،<sup>۱</sup> بویژه علم بهداشت و درمان، که در نصوص اسلامی، جایگاهی مشابه علم ادیان دارد.<sup>۲</sup> بهره‌گیری از این دانش، در کنار امنیت فراگیر، آرامش روانی و تغذیه سالم، به طور طبیعی سبب می‌شود که بهترین شرایط بهداشتی و درمانی بر جامعه جهانی در عصر ظهور، حاکم گردد و مردم از سلامت کامل و طول عمر خوبی برخوردار گردند، احادیث متعددی این مدعا را تأیید می‌نمایند که در این جا به شماری از آنها اشاره می‌شود:

یک. امام علی علیه السلام:

فِي قِصَّةِ الْمَهْدِيِّ ... وَ تَطْوُلُ الْأَعْمَارُ .<sup>۳</sup>

در حکومت مهدی... عمرها طولانی می‌شود.

دو. امام صادق علیه السلام:

إِنَّ قَائِمًا إِذَا قَامَ... وَ يُعَمَّرُ الرَّجُلُ فِي مُلْكِهِ حَتَّى يُوَلِّدَ لَهُ أَلْفَ ذَكَرٍ لَا يُوَلِّدُ فِيهِمْ أُتْنَى .<sup>۴</sup>

هنگامی که قائم ما قیام کند،... مردم در سایه فرمان‌روایی او عمری طولانی خواهند داشت، به گونه‌ای که [از برخی اشخاص] هزار فرزند پسر متولد می‌شود و در میان آنها دختر وجود ندارد.

سه. امام باقر علیه السلام:

مَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي مِنْ ذِي عَاهَةِ بَرِيءٍ ، وَ مِنْ ذِي ضَعْفٍ قَوِي .<sup>۵</sup>

۱. ر.ک: ص ۲۳۳ (گسترش مرزهای دانش).

۲. ر.ک: دانش‌نامه احادیث پزشکی: ج ۱ ص ۳۲ (اهمیت دانش پزشکی). پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «دانش بر دو گونه است: دانش دین‌ها و دانش بدن‌ها».

۳. عقد الدرر: ص ۱۵۹، الزام الناصب: ص ۳۶۱، القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر، ابن حجر: ص ۵۴.

۴. الغيبة، طوسی: ص ۴۶۸ ح ۴۸۴، إعلام الوری: ج ۲ ص ۲۹۳، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۳۰ ح ۵۲.

۵. ر.ک: ص ۳۲۸ ح ۱۸۴۳.

هر کس قائم خاندان ما را درک کند، از بیماری می‌رهد و از ضعف به قوت می‌رود.

چهار. امام زین العابدین علیه السلام:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ الْعَاهَةَ، وَرَدَّ إِلَيْهِ قُوَّتَهُ<sup>۱</sup>.

هنگامی که قائم قیام کند، خداوند، کاستی و بیماری هر مؤمنی را برطرف می‌کند و نیرویش را به او باز می‌گرداند.

پنج. امام زین العابدین علیه السلام:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا، أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ، وَجَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ، وَجَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا، وَيَكُونُونَ حُكَّامَ الْأَرْضِ وَسَنَامَهَا<sup>۲</sup>.

هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند عَلَيْهِ السَّلَام، بیماری و کاستی را از شیعیان ما می‌برد و دل‌هایشان را مانند پاره‌های آهن قرار می‌دهد و نیروی یک مرد از آنان را مانند نیروی چهل مرد، قرار می‌دهد و حاکمان و قلّه‌های برافراشته زمین می‌شوند.

گفتنی است این احادیث، هر چند از نظر سند، از اعتبار لازم برخوردار نیستند؛ ولی مضمون آنها با توجه به فضای زندگی عصر ظهور، اجمالاً قابل قبول هستند.

### ۳-۴. جلب رضایت جهانیان

مهم‌ترین نکته در سیاست‌های اجتماعی امام مهدی علیه السلام، توجه به رضایت عموم مردم جهان است. این معنا در چند حدیثی که در منابع معتبر حدیثی شیعه و سنی نقل شده، مورد تأکید قرار گرفته است. متن یکی از این دسته احادیث که شیخ طوسی نقل کرده، چنین است:

۱. ر.ک: ص ۳۲۸ ح ۱۸۴۲.

۲. ر.ک: ص ۳۳۰ ح ۱۸۴۴.



أَبَشْرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ، يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَلْزَالٍ، يَمَلَأُ الْأَرْضَ  
عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا، يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ.<sup>۱</sup>  
شما را به مهدی بشارت می‌دهم؛ میان ائمت برانگیخته می‌شود، هنگامی که  
اختلاف و زلزله فراوان شود، زمین را از عدل و داد، پُر می‌کند، همان‌گونه که از  
ظلم و ستم، پُر شده است. ساکنان آسمان و زمین، از او راضی می‌شوند.

این سخن، در حقیقت، تابلوی تمام‌نمای سیاست‌های اجتماعی، بلکه  
سیاست‌های حکومتی امام مهدی علیه السلام است و برای تبیین آن، چند نکته قابل توجه  
است:

### ۳-۴-۱. مردمی‌ترین حکومت

رضایت عموم جهانیان، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های حکومت مهدوی است. بنا بر  
این، حکومت امام مهدی علیه السلام تحمیلی نیست؛ بلکه مردمی‌ترین حکومتی خواهد بود  
که بشر آرزوی آن را دارد.

### ۳-۴-۲. اهتمام به رضایت همگانی در نظام اسلامی

تأمین نیازها و خواست‌های جامعه، و جلب رضایت توده مردم در محدوده  
ارزش‌های اسلامی، در حکومت مهدوی، یک اصل اساسی است. بدین جهت،  
این اصل باید در همه سیاست‌ها و برنامه‌های حکومتی، ساری و جاری باشد. این  
نکته در دستور العمل‌های حکومتی امام علی علیه السلام به مالک اشتر نیز مورد تأکید قرار  
گرفته است.<sup>۲</sup>

### ۳-۴-۳. امکان تأمین رضایت همگانی در محدوده مقررات

جلب رضایت توده مردم در چارچوب مقررات اسلامی، از مهم‌ترین اهداف نظام

۱. ر.ک: ص ۳۳۲ ح ۱۸۴۸.

۲. ر.ک: دانش‌نامه امیرالمؤمنین علیه السلام؛ ج ۴ ص ۱۹۷ (اهتمام به خشنودی مردم).

اسلامی است که در حکومت مهدوی به طور کامل، تحقق خواهد یافت.

### ۳-۴-۴. نقش عدالت محوری در تأمین رضایت همگانی

ظلم ستیزی و عدالت محوری، بیشترین نقش را در تأمین رضایت عمومی دارد. لذا این دو معنا، در متن حدیث یاد شده به هم پیوند خورده اند.

### ۳-۴-۵. تأمین رضایت ساکنان زمین و آسمان

مقررات اسلامی، ریشه در فطرت انسان ها دارند و به همین جهت، جلب رضایت توده مردم در محدوده ارزش های دینی امکان پذیر است. رضایت جهانیان از حکومت مهدوی، علتی جز به اجر در آوردن صحیح مقررات اسلامی ندارد و تأکید بر این که حکومت امام مهدی علیه السلام، علاوه بر تأمین رضایت ساکنان زمین، موجبات رضایت اهل آسمان را نیز فراهم می کند، اشاره به این معناست.

### ۳-۴-۶. نقش امدادهای الهی در پیشرفت اجتماعی

عوامل پیشرفت های اجتماعی در حکومت مهدوی، همانند عوامل پیشرفت در سایر زمینه ها<sup>۱</sup> به دو دسته تقسیم می شود:

عوامل ظاهری، مانند: آنچه تاکنون بدان اشاره شد؛ عوامل باطنی، مانند: پابندی به اصول و ارزش های دینی که بر اساس سنت الهی، امدادهای ویژه الهی را در پیدایش معجزه گونه توانمندی های فردی و پیشرفت های اجتماعی می گردد. در این جا به برجسته ترین آنها که در شماری از احادیث آمده، اشاره می شود:

### الف - افزایش توانمندی های ارتباطی

در حدیثی که به سند معتبر از امام صادق علیه السلام نقل شده، ایشان می فرماید:

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ لِيَسْمَعِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ، حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَ

۱. ر.ک: ص ۴۱۹ (مبادی پیشرفت های همه جانبه در دولت مهدوی).

بَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٍ يُكَلِّمُهُمْ، فَيَسْمَعُونَ وَ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ.<sup>۱</sup>  
 قائم ماهنگامی که قیام کند، خداوند ﷺ، شنوایی و بینایی شیعیان ما را چنان نیرو  
 و توانی می‌دهد که نیازی به پیک میان ایشان و قائم نیست. قائم از همان جای  
 خود با آنان سخن می‌گوید و آنها صدایش را می‌شنوند و او را می‌بینند.

بر پایه حدیثی دیگر، امام صادق (ع) می‌فرماید:

إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَ هُوَ بِالْمَشْرِقِ لَيَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ، وَ كَذَا الَّذِي  
 فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَشْرِقِ.<sup>۲</sup>  
 مؤمن در روزگار قائم ﷺ در مشرق است و برادرش را در مغرب می‌بیند و همین  
 گونه، کسی که در مغرب است، برادرش را در مشرق می‌بیند.

این احادیث را دو گونه می‌توان معنا کرد:

۱. مردم در دوران حکومت امام مهدی (عج) با بهره‌گیری از فن‌آوری‌های روز،  
 می‌توانند با ایشان و با یکدیگر، ارتباط برقرار کنند. در این صورت، این احادیث،  
 پیشگویی از وسایل ارتباطی عصر مهدوی است.

۲. مردم در عصر ظهور، بدون این که نیاز به ابزار ارتباطی داشته باشند، می‌توانند  
 با هم ارتباط برقرار نمایند، همان گونه که پیش از عصر ظهور نیز برخی از اولیای  
 الهی از توانمندی‌های خارق‌العاده سمعی و بصری برخوردارند.

به نظر می‌رسد احتمال دوم به ظاهر این روایات، نزدیک‌تر است؛ بلکه می‌توان  
 گفت: حدیث اول، تقریباً صریح در این معناست. در این صورت، توانمندی ارتباط  
 با یکدیگر از راه دور، بدون ابزارهای فنی، حاکی از عنایت ویژه خداوند سبحان به  
 جامعه عصر ظهور خواهد بود.

**ب - افزایش توانمندی‌های جسمی اهل ایمان**

بر پایه شماری از احادیث،<sup>۳</sup> اهل ایمان پس از قیام امام مهدی (عج) از توانمندی

۱. ر.ک: ص ۳۳۶ ح ۱۸۵۳.

۲. ر.ک: ص ۳۳۸ ح ۱۸۵۴.

۳. ر.ک: ص ۳۳۷ (نقش برکات الهی در توسعه اجتماعی).

جسمی خارق العاده‌ای برخوردار خواهند شد. در یکی از این احادیث به سند معتبر از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود:

إِنَّهُ لَوْ قَدْ كَانَ ذَلِكَ أُعْطِيَ الرَّجُلَ مِنْكُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا.<sup>۱</sup>

اگر این امر (قیام) روی دهد، به هر یک از شما، نیروی چهل تن داده می‌شود.

بدیهی است که نیرومندی جسمی انسان تا این حد - همان طور که در متن این حدیث و دیگر احادیث آمده -، اعطایی است و جز با عنایت ویژه الهی تحقق نمی‌یابد.

### ج - افزایش توانمندی روحی اهل ایمان

در دولت امام مهدی علیه السلام، مؤمنان، افزون بر توانمندی جسمی، از نیروی روحی فوق العاده‌ای نیز برخوردار هستند. در ادامه حدیثی که پیش از این بدان اشاره شد، امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

وَجُعِلَتْ قُلُوبُكُمْ كَزُبُرِ الْحَدِيدِ، لَوْ قَدَفَ بِهَا الْجِبَالُ لَقَلَعَتْهَا.<sup>۲</sup>

و دل‌هایتان مانند پاره‌های آهن می‌شود که اگر با آنها بر کوه‌ها بزنند، از جا کنده می‌شوند.

در حدیثی دیگر از امام باقر علیه السلام آمده:

فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَظَهَرَ صَهْدِيْنَا، كَانَ الرَّجُلُ أَجْرًا مِنْ لَيْثٍ وَ أَمْضَى مِنْ سِنَانٍ.<sup>۳</sup>

و چون قائم، قیام کند و مهدی ما ظهور کند، آنها از شیر، شجاع‌تر و از نیزه، بران‌تر خواهند شد.

در احادیث دیگری نیز تعبیر یاد شده، تکرار شده است.

### د - توانمندی ارتباط با فرشتگان

در دوران آرمانی حکومت امام مهدی علیه السلام، نه تنها به گونه‌ای خارق العاده،

۱. ر.ک: ص ۳۴۰ ح ۱۸۵۷.

۲. ر.ک: همان.

۳. ر.ک: ص ۳۴۲ ح ۱۸۵۹.

توانمندی‌های جسمی، روحی و ارتباطی اهل ایمان، افزایش می‌یابد، بلکه از همه مهم‌تر، آنان می‌توانند با فرشتگان، ارتباط برقرار نمایند. از امام رضا علیه السلام روایت شده که فرمود:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ، يَأْمُرُ اللَّهُ الْمَلَائِكَةَ بِالسَّلَامِ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ، وَ الْجُلُوسِ مَعَهُمْ فِي مَجَالِسِهِمْ، فَإِذَا أَرَادَ وَاحِدٌ حَاجَةً أَرْسَلَ الْقَائِمُ مِنْ بَعْضِ الْمَلَائِكَةِ أَنْ يَحْمِلَهُ، فَيَحْمِلُهُ الْمَلَكُ حَتَّى يَأْتِيَ الْقَائِمَ، فَيَقْضِي حَاجَتَهُ ثُمَّ يَرْدُهُ، وَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ يَسِيرُ فِي السَّحَابِ، وَ مِنْهُمْ مَنْ يَطِيرُ مَعَ الْمَلَائِكَةِ، وَ مِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي مَعَ الْمَلَائِكَةِ مَشْيًا، وَ مِنْهُمْ مَنْ يَسْبِقُ الْمَلَائِكَةَ، وَ مِنْهُمْ مَنْ تَتَحَاكَمُ الْمَلَائِكَةُ إِلَيْهِ، وَ الْمُؤْمِنُونَ أَكْرَمُ عَلَى اللَّهِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ، وَ مِنْهُمْ مَنْ يُصَيِّرُهُ الْقَائِمُ قَاضِيًا بَيْنَ مِئَةِ أَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ<sup>۱</sup>. هنگامی که قائم قیام کند، خداوند به فرشتگانش فرمان می‌دهد که بر مؤمنان، سلام دهند و در مجلس‌هایشان، با آنها بنشینند، و چون هر کدام از آنها نیازی پیدا کند، قائم علیه السلام یکی از فرشتگان را می‌فرستد تا او را بیاورد و آن فرشته، او را با خود به نزد قائم علیه السلام می‌آورد و نیایش را برآورده می‌کند و سپس، او را باز می‌گرداند. برخی از مؤمنان، میان ابرها سیر می‌کنند و برخی از آنها با فرشتگان، پرواز می‌کنند و برخی همراه فرشتگان، پیاده می‌روند و برخی آنها از فرشتگان، پیشی می‌گیرند و برخی از آنها در جایگاهی‌اند که فرشتگان، محاکمه خودشان را نزد آنها می‌آورند، و مؤمنان نزد خداوند، گرامی‌تر از فرشتگان‌اند و قائم علیه السلام برخی از آنها را قاضی میان صد هزار فرشته می‌کند.

بی‌تردید، پیشرفت جامعه ایمانی از نظر مادی و معنوی تا این حد، مبدای جز عنایت ویژه الهی ندارد و بارزترین مصادیق برکت‌های آسمانی است که در آیه ۹۶ سوره اعراف، خداوند سبحان، وعده آن را به مؤمنان پروا پیشه داده است.

## سیاست های اقتصادی

یکی از برجسته ترین ویژگی های جامعه مهدوی، پیشرفت اعجازگونه اقتصادی است؛ پیشرفتی که نه تنها با پیشرفت معنوی منافات ندارد، بلکه در رشد و تکامل معنوی سهیم خواهد بود. بدین سان، جامعه بشری برای نخستین بار، در دوران حکومت مهدی علیه السلام، در اوج کمالات معنوی، بالاترین مراتب رفاه مادی را نیز، تجربه خواهند کرد.

### عوامل پیشرفت اقتصادی عصر ظهور

بر پایه آنچه از بررسی احادیث اهل بیت علیهم السلام استنباط می شود، عوامل مختلفی در دستیابی جامعه عصر ظهور به پیشرفت اقتصادی جامع، مؤثرند. این عوامل را به دو دسته می توان تقسیم کرد:

#### ۱. سیاست های حکومتی

سیاست های حکومتی مؤثر در پیشرفت اقتصادی را نیز، به دو بخش می توان تقسیم کرد:

#### ۱-۱. سیاست های غیرمستقیم

بخش اول از سیاست های پیشرفت اقتصادی، سیاست هایی است که به صورت غیرمستقیم، موجب پیشرفت اقتصادی است که مهم ترین آنها عبارت اند از:

۱-۱-۲. پیشرفت علم و فن‌آوری؛

۱-۱-۳. تقویت روابط اجتماعی بر پایه برادری دینی؛

۱-۱-۴. تأمین امنیت فراگیر و همه‌جانبه.

به طور کلی با اندکی تأمل، روشن می‌شود که همه سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی حکومت مهدوی که پیش از این تبیین شد، به صورت غیرمستقیم، در پیشرفت پایدار اقتصادی جامعه عصر ظهور، نقش مؤثر دارند.

#### ۱-۲. سیاست‌های مستقیم

نکته قابل توجه در تبیین سیاست‌هایی که به طور مستقیم در پیشرفت اقتصادی جامعه مهدوی مؤثرند، این است که سیاست‌های امام زمان علیه السلام، به تناسب شرایط اقتصادی جامعه، متغیر خواهند بود. برای مثال، سیاست امام علیه السلام در برخورد با اموال ثروتمندان در آغاز قیام و پس از استقرار حکومت - چنان که توضیح خواهیم داد - متفاوت است. با در نظر گرفتن این نکته، مهم‌ترین سیاست‌هایی که به طور مستقیم در شکوفایی و پیشرفت اقتصادی جامعه مهدوی، ایفای نقش می‌نمایند، عبارت‌اند از:

#### ۱-۲-۱. فقرزدایی و رفاه عمومی

اصلی‌ترین سیاست‌های اقتصادی دولت مهدوی، ریشه‌کن کردن فقر و ایجاد رفاه عمومی است. سایر سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی این حکومت، زمینه‌ساز تحقق این آرمان بزرگ جامعه انسانی است. احادیث فراوانی از موفقیت این سیاست، پیشگویی کرده‌اند. که آنها را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد:

دسته اول، روایاتی که به طور مطلق، پیشگویی کرده‌اند زمانی خواهد آمد که نیازمندی وجود نخواهد داشت که صدقه قبول کند؛ مانند آنچه از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده

که فرمود:

يَأْتِيَنَّ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَطُوفُ الرَّجُلُ فِيهِ بِالصَّدَقَةِ مِنَ الذَّهَبِ ، ثُمَّ لَا يَجِدُ أَحَدًا  
يَأْخُذُهَا مِنْهُ .<sup>۱</sup>

روزگاری بر مردم در می آید که انسان می گردد تا طلا صدقه بدهد، ولی کسی را نمی یابد که آن [صدقه] را از او بگیرد.

دسته دوم، احادیثی که توضیح داده اند این رویداد مهم اقتصادی، در دولت امام مهدی علیه السلام، در جهان پدید خواهد آمد؛ مانند آنچه از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

إِنَّ قَائِنًا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا ... وَتُظْهِرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا حَتَّى يَرَاهَا  
النَّاسُ عَلَى وَجْهَيْهَا ، وَيَطْلُبُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ مَنْ يَصَلُّهُ بِمَالِهِ وَيَأْخُذُ مِنْهُ زَكَاتَهُ فَلَا يَجِدُ  
أَحَدًا يَقْبَلُ مِنْهُ ذَلِكَ ، اسْتَغْنَى النَّاسُ بِمَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ .<sup>۲</sup>

قائم ماهنگامی که قیام کند، زمین به نور خداوندگارش روشن می شود... و زمین، گنج هایش را آشکار می کند تا آن جا که مردم، آن گنج ها را روی زمین می بینند و برخی از شما، در پی کسی هستند که با رساندن مالی به او، حَقّ خویشاوندی بگذارد و زکاتش را از او بپذیرد، ولی کسی را نمی یابد که از او بپذیرد. مردم با آنچه خداوند از فضل خویش، روزی شان کرده است، از چیزهای دیگر بی نیاز شده اند.

## ۱-۲-۲. استرداد اموال عمومی و ثروت های نامشروع

یکی از خطرناک ترین آفاتی که اقتصاد مطلوب اسلامی را تهدید می کند، تصرف غاصبانه در اموال عمومی و انباشته شدن ثروت های نامشروع است. در حکومت امام مهدی علیه السلام، نه تنها تصرف غاصبانه در منابع ملی، مجاز نیست، بلکه همه اموالی

۱. ر.ک: ص ۳۵۰ ح ۱۸۶۹.

۲. ر.ک: ص ۳۴۶ ح ۱۸۶۴.



که از این طریق به دست آمده، استرداد می‌گردند. از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا اِضْمَحَلَّتِ الْقَطَائِعُ فَلَا قَطَائِعَ.<sup>۱</sup>

هنگامی که قائم ما قیام کند، زمین‌های پیشکشی [سلاطین] از بین می‌رود و تبولی نخواهد بود.

کلمه «قطائع» که در متن حدیث آمده، اشاره به زمین‌هایی از اراضی خراجی است که زامداران به نزدیکان خود بذل و بخشش می‌کرده‌اند.

در حدیثی دیگر از امام باقر علیه السلام آمده:

إِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ وَ دَخَلَ الْكُوفَةَ ... وَ يَرُدُّ السَّوَادَ إِلَى أَهْلِهِ.<sup>۲</sup>

هنگامی که قائم ظهور می‌کند و به کوفه در می‌آید... زمین‌های سواد<sup>۳</sup> را به اهلس باز می‌گرداند.

بدیهی است موارد یاد شده، تنها نمونه‌ای از اقدامات حکومتی امام مهدی علیه السلام جهت پیشگیری از تصرف در ثروت‌های ملی و یا استرداد اموال نامشروع است. در موارد مشابه نیز قطعاً به همین صورت، عمل خواهد شد؛ بلکه بر اساس احادیث معتبر<sup>۴</sup>، همه زمین، ملک حکومتی امام علیه السلام است و هنگامی که ایشان ظهور کند، بر اساس مصالح عمومی جامعه اسلامی می‌تواند در آن تصرف نماید. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام يَقُولُ: مَنْ أَحْيَا أَرْضاً مِنْ الْمُؤْمِنِينَ فَهِيَ لَهُ وَ عَلَيْهِ طَسُقُهَا

۱. ر.ک: ص ۲۲۶ ح ۱۷۸۷.

۲. ر.ک: ص ۳۴۸ ح ۱۸۶۶.

۳. سواد، نام دو موضع است: یکی در نزدیکی بلقاست که به مناسبت سیاهی سنگ‌هایش چنین نام‌گذاری کرده‌اند و دیگری، عبارت است از روستاهای عراق و ضیاع‌هایی که در دوره عمر بن خطاب به دست مسلمانان افتاد و به مناسبت داشتن نخلستان‌ها و کشتزارهای سبز، چنین نامی به آنها داده شده است.

۴. ر.ک: ص ۲۵۲ (استیفای اموال عمومی).

يُؤَدِّيهِ إِلَى الْإِمَامِ فِي حَالِ الْهُدَى، فَإِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ عليه السلام فَلْيُؤْتِنِ نَفْسَهُ عَلَى أَنْ تُوَخَّذَ مِنْهُ.<sup>۱</sup>

امیر مؤمنان علیه السلام می فرمود: «هر کس زمینی از مؤمنان را احیا کند، برای اوست و مالیاتش<sup>۲</sup> را در روزگار صلح باید به حاکم [مسلمانان] بپردازد و چون قائم ظهور کند، خود را آماده کند که [ممکن است] آن زمین از او گرفته شود».

بی تردید، این اقدام، نقش مؤثری در پیشگیری از انباشته شدن ثروت و پدید آوردن عدالت اقتصادی خواهد داشت.

### ۱-۲-۳. به کارگیری اندوخته‌های ثروتمندان

یکی از نخستین اقدامات امام مهدی علیه السلام در آغاز قیام، بهره‌گیری از اندوخته‌های ثروتمندان، برای تأمین هزینه‌های پیکار با ستمگران است. در حدیثی که با سندهای معتبر از امام صادق علیه السلام نقل شده، می‌خوانیم:

مُوسِعُ عَلَى شِيعَتِنَا أَنْ يُنْفِقُوا مِمَّا فِي أَيْدِيهِمْ بِالْمَعْرُوفِ، فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا حَرَّمَ عَلَى كُلِّ ذِي كَنْزٍ كَنْزَهُ، حَتَّى يَأْتِيَهُ بِهِ فَيَسْتَعِينَ بِهِ عَلَى عَدُوِّهِ، وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عز وجل: ﴿وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾<sup>۳</sup>.

شیعیان ما مجازند آنچه را در اختیار دارند، به نیکویی هزینه کنند، و چون قائم ما قیام کند، بر هر صاحب اندوخته‌ای، اندوخته‌اش را حرام می‌کند تا آن که آن را برای قائم بیاورد و او، آن را علیه دشمنش به کار گیرد، و آن، همان سخن خداوند عز وجل است: ﴿و کسانى را که طلا و نقره می‌اندوزند و آن را در راه خدا هزینه نمی‌کنند، به عذابی دردناک، بشارت بده﴾.

۱. ر.ک: ص ۳۵۲ ح ۱۸۷۳.

۲. در متن حدیث «طسق» آمده است که معرب «تشک» فارسی است و آن، مالیاتی است که بر حسب مقدار زراعت از مالک مزرعه دریافت می‌کنند و به آن، خراج هم می‌گویند (ر.ک: لغت‌نامه دهخدا).

۳. توبه: آیه ۳۴.

۴. ر.ک: ص ۳۵۳ ح ۱۸۷۵.

در تبیین این سخن امام عج چند نکته قابل توجه است.

۱. مقصود از اندوخته‌هایی که تصرف در آنها توسط امام مهدی عج تحریم می‌شود، اندوخته‌های حلال است؛ زیرا حرمت تصرف در اندوخته‌های نامشروع قبل از قیام و بعد از قیام ایشان، تفاوتی ندارد. بنا بر این، سیاست امام عج، این است که علاوه بر باز پس گرفتن اموال نامشروع از غاصبان آنها، اندوخته‌های حلالی را که در اختیار توانگران پیرو اهل بیت علیهم‌السلام است نیز در صورت ضرورت، اخذ کند.

۲. این اقدام، تنها در آغاز قیام امام مهدی عج است؛ اما پس از استقرار حکومت ایشان، پیشرفت اقتصادی جامعه به گونه‌ای است که نیازی به این گونه اقدامات نیست.

۳. بنا بر نظریه فقهایی که معتقدند در عصر غیبت، ولی فقیه جامع شرایط رهبری، اختیاراتی مشابه اختیارات حکومتی امام معصوم دارد، پیش از قیام امام مهدی عج نایبان عام ایشان نیز در صورت ضرورت، می‌توانند اندوخته‌های حلال ثروتمندان را در جهت مصالح نظام اسلامی و مقابله با دشمنان به کار گیرند.

#### ۱-۲-۴. استخراج منابع زیرزمینی

یکی از منابع بسیار مهم ثروت ملی، منابع زیرزمینی است که در احادیث اهل بیت علیهم‌السلام از آن به «کنوز الأرض؛ گنج‌های زمین»، تعبیر شده است. احادیث متعددی به بهره‌برداری کامل حکومت مهدوی از این منابع، اشاره دارد. از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده که در تبیین اقدامات امام مهدی عج در دوران حکومت می‌فرماید:

فَيَسْتَخْرِجُ الْكُنُوزَ، وَيَقْسِمُ الْمَالَ، وَيُلْقِي الْإِسْلَامَ بِجَرَانِهِ إِلَى الْأَرْضِ.<sup>۱</sup>

[قائم،] گنج‌ها را بیرون می‌کشد، مال را تقسیم می‌کند و اسلام، سینه و گردن به زمین می‌چسباند [و همه جا را فرا می‌گیرد].

در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام آمده:

و تَظْهَرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا حَتَّى يَرَاهَا النَّاسُ عَلَى وَجْهِهَا.<sup>۱</sup>

و زمین، گنج‌هایش را آشکار می‌کند تا آن جا که مردم، آن گنج‌ها را روی زمین می‌بینند.

در تبیین این گونه احادیث، چند نکته قابل توجه است:

۱. در حکومت مهدوی، ابزار پیشرفته برای اکتشاف و استخراج معادن زیرزمینی به کار گرفته می‌شود.

۲. علاوه بر بهره‌گیری از ابزار پیشرفته، عنایات ویژه الهی نیز، در اکتشاف ذخایر زیرزمینی، مؤثر است.

۳. چه بسا ذخایر ارزشمندی که در زیر زمین و یاروی آن وجود دارد که تا آن هنگام برای بشر ناشناخته مانده است و در حکومت امام مهدی علیه السلام، این گونه منابع نیز به آسانی کشف می‌شوند و مورد بهره‌برداری قرار خواهند گرفت.

## ۱-۲-۵. توزیع عادلانه ثروت ملی

یکی از سیاست‌های اصولی دولت مهدوی، توزیع ثروت‌های عمومی به طور مساوی در میان مردم و ایجاد عدالت اقتصادی است. این اقدام، یکی از حقوقی است که مردم بر امام و رهبر جامعه اسلامی دارند. امام باقر علیه السلام در پاسخ به این سؤال که: «حَقَّ مَرْدَمٍ بِرِئَاسَةِ إِمَامٍ چيست؟»، می‌فرماید:

يَقْسِمُ بَيْنَهُمْ بِالسَّوِيَّةِ وَيَعْدِلُ فِي الرِّعَايَةِ.<sup>۲</sup>

تقسیم یکسان [ثروت] میان ایشان و عدالت‌ورزی میان توده مردم.

در احادیث فراوانی تأکید شده که در حکومت امام مهدی علیه السلام، مردم به این حق

۱. ر.ک: ص ۳۵۶ ح ۱۸۷۷.

۲. ر.ک: ص ۳۵۸ ح ۱۸۸۰.

خود، خواهند رسید. در حدیثی از امام علی علیه السلام آمده که ایشان در توصیف اقدامات قائم علیه السلام می‌فرماید:

وَ يَدْعُو إِلَىٰ أَخْذِ الْمَالِ فَيَقْسِمُهُ بِالسَّوِيَّةِ، وَ يَعْدِلُ فِي الرَّعِيَّةِ.<sup>۱</sup>

و به اخذ مال فرا می‌خواند، آن را یکسان تقسیم می‌کند و میان مردم، عدالت می‌ورزد.

همچنین از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که در این باره می‌فرماید:

يَقْسِمُ الْمَالَ صِحَاحًا.

[قائم،] مال را به درستی قسمت می‌کند.

مردی از ایشان پرسید: مقصود از «تقسیم درست» چیست؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«ثروت را به طور مساوی میان مردم تقسیم می‌نماید».<sup>۲</sup>

تأکید این احادیث بر تقسیم ثروت‌های عمومی به طور مساوی در میان مردم و آوردن عدالت در کنار مساوات، اشاره به این است که مقتضای عدل، این است که اموال و امکانات عمومی، به طور مساوی در اختیار همگان قرار گیرد و هیچ نوع امتیازی نمی‌تواند موجب تبعیض در بهره‌گیری از بیت‌المال گردد.

#### ۱-۲-۶. تحریم سودگرفتن مؤمن از مؤمن

شیخ طوسی در کتاب تهذیب الأحکام از ابو حمزه بطائنی روایت کرده که او می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: نقل شده که «سودگرفتن مؤمن، از مؤمن ریاست». آیا این حدیث، صحیح است؟ امام علیه السلام فرمود:

ذَٰكَ إِذَا ظَهَرَ الْحَقُّ وَ قَامَ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، فَأَمَّا الْيَوْمَ فَلَا بَأْسَ أَنْ يَسْبِعَ مِنَ الْأَخِ  
الْمُؤْمِنِ وَ يَرِيحَ عَلَيْهِ.<sup>۳</sup>

۱. ر.ک: ص ۳۵۸ ح ۱۸۸۰.

۲. ر.ک: ص ۳۶۰ ح ۱۸۸۳.

۳. ر.ک: ص ۳۶۲ ح ۱۸۸۴.

آن نیز برای هنگامی است که حق، ظهور کند و قائم ما اهل بیت قیام کند؛ اما امروز، مشکلی نیست که مؤمن به مؤمن چیزی بفروشد و از او سود بگیرد.

بر پایه مفاد این حدیث، یکی از سیاست‌های اقتصادی دولت مهدوی، تحریم سود گرفتن مؤمن از مؤمن در معاملات است. گفتنی است با توجه به ضعف سند این حدیث، نمی‌توان به طور قاطع در این باره اظهار نظر کرد؛ ولی با در نظر گرفتن این که در عصر غیبت نیز سود گرفتن از مؤمن به استثنای مواردی خاص، کراهت دارد،<sup>۱</sup> می‌توان گفت: پیشرفت‌های اقتصادی در دولت امام مهدی علیه السلام به تدریج به گونه‌ای خواهد بود که مردم، نیازی به سود گرفتن در معاملات ندارند. در این شرایط اقتصادی، معاملات، صرفاً برای خدمت به یکدیگر صورت می‌گیرد، و سود گرفتن مؤمن از مؤمن، ممنوع می‌گردد.

### ۱-۲-۷. عمران و آبادانی زمین

یکی از درخواست‌های منتظران ظهور امام مهدی علیه السلام از خداوند سبحان، در عصر غیبت، عمران و آبادانی شهرهاست. در «دعای عهد» می‌خوانیم:

وَ اعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ، وَ أَحْيِي بِهِ عِبَادَكَ، فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ: ﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ﴾<sup>۲، ۳</sup>

بار خدایا! سرزمین هایت را به دست او (امام مهدی علیه السلام) آباد و بندگانت را زنده کن که تو به راستی گفته‌ای: «تباهی در خشکی و دریا به دلیل دستاوردهای [گناهان] مردم، پدیدار شده است».

۱. سود گرفتن از مؤمن، کراهت دارد، جز در مورد ضرورت یا در صورتی که خرید مشتری برای تجارت باشد [نه مصرف]، یا این که مشتری، جنسی را بیش از یکصد درهم بخرد که در این صورت، گرفتن سود به اندازه هزینه یک روز، کراهت ندارد (ر.ک: تحریر الوسیله: ج ۱ ص ۵۰۱ مسئله ۲۲).

۲. روم: آیه ۴۸.

۳. ر.ک: ص ۳۶۲ ح ۱۸۸۶.

این دعا، از دعاهایی است که قطعاً مستجاب می‌گردد. سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی و عمرانی دولت مهدوی، در کنار امدادهای ویژه الهی، سبب می‌شود که هیچ نقطه‌ای در زمین، ویران نماند. امام باقر ع در توصیف ویژگی‌های دوران حکومت مهدی عج می‌فرماید:

فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا قَدْ عُمِرَ.<sup>۱</sup>

ویرانی در زمین نمی‌ماند، جز آن که آباد می‌شود.

### ۱-۲-۸. ابعاد عمران و آبادانی عصر ظهور

با تأمل در احادیث یاد شده و شماری از احادیثی که در ادامه بحث خواهد آمد،<sup>۲</sup> روشن می‌شود که عمران و آبادانی در عصر ظهور، از جامعیت ویژه‌ای برخوردار است و ابعاد مختلفی دارد که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

۱. در دولت مهدوی، آبادانی، سراسر زمین را فرا خواهد گرفت، به گونه‌ای که نقطه‌ای ویران در زمین یافت نخواهد شد.

۲. پیشرفت علم کشاورزی و باغداری، و سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های صحیح، در کنار نزول برکات خاص الهی، موجب می‌شود سراسر زمین از سرسبزی و طراوتی بی‌نظیر، برخوردار گردد.

۳. نیرو و سرمایه‌های جامعه به جای هزینه شدن برای اسلحه و مهمات جنگی، برای رونق کشاورزی و ساخت ابزار تولید به کار می‌رود. این رویکرد کارآمد و مفید به زیبایی در تعبیر نمادین تبدیل شمشیر به داس نمود یافته است.<sup>۳</sup>

۴. بافت‌های فرسوده در نقاط مسکونی، بازسازی خواهد شد و با امکانات مناسب زندگی، مجهز خواهد گردید.

۱. ر.ک: ص ۳۶۲ ح ۱۸۸۵.

۲. ر.ک: ص ۳۷۱ (نقش برکات الهی و پیشرفت اقتصادی).

۳. ر.ک: ص ۳۲۸ ح ۱۸۴۱.

۵. محیط زیست، از انواع آلودگی‌ها پاک‌سازی خواهد شد، به گونه‌ای که نه تنها جامعه انسانی می‌تواند زندگی سالم و شادابی داشته باشد، بلکه حیوانات صحرا و دریا نیز از پاکی و سلامت زیستی مناسب، بهره‌مند می‌شوند.

۶. از همه مهم‌تر، فضای فرهنگی سالم و معنویت حاکم بر جامعه، بیش از هر چیز دیگر به حیات حقیقی و آبادانی واقعی جهان، خواهد افزود. از این رو، در «دعای عهد»، پس از درخواست «عمرانِ بلاد» به وسیله ظهور ولی الله الأعظم، از خداوند سبحان می‌خواهیم که از این طریق، زندگی و حیات جدیدی به بندگان خود عنایت فرماید؛ زیرا همان‌طور که آلودگی‌های مادی، محیط زیستِ تن را تباه می‌کند، مفاسد اعتقادی، اخلاقی و عملی، محیط رشد و شکوفایی جان را فاسد می‌نماید و در یک جمله: با ظهور امام عصر علیه السلام، آبادی ظاهری و باطنی، جهان را فرا خواهد گرفت.

## ۲. امدادهای ویژه الهی

دسته دوم از عوامل پیشرفت‌های اقتصادی، امدادهای ویژه الهی است. پیش از این، توضیح دادیم که خداوند سبحان، وعده داده است که هر گاه مردم ایمان بیاورند و تقوا پیشه سازند، برکات الهی از زمین و آسمان، جامعه را فرا خواهند گرفت.<sup>۱</sup> بر پایه این سنت ثابت آفرینش، پیشرفت‌های اقتصادی عصر ظهور، آن گونه که در احادیث اهل بیت علیهم السلام آمده، به دو صورت خواهد بود:

### ۲-۱. نزول باران رحمت

بخشی از امدادهای الهی عصر ظهور - که در روایات فراوانی<sup>۲</sup> مورد تأکید قرار گرفته -، نزول فراوان باران‌های مفید و ثمربخش است.

۱. ر.ک: ص ۴۱۹ (مبادی پیشرفت‌های همه جانبه در دولت مهدوی).

۲. ر.ک: ص ۳۷۱ (نقش برکات الهی در توسعه اقتصادی).



ابن ابی شیبیه در کتاب المصنّف، در این باره از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود:

تُمْطِرُ السَّمَاءُ مَطَرَهَا، وَ تُخْرِجُ الْأَرْضُ بَرَكَتَهَا. ۱

آسمان، بارانش را فرو می‌ریزد و زمین، برکتش را بیرون می‌دهد.

نیز از ایشان روایت کرده که فرمود:

وَ تَعِيشُ أُمَّتِي فِي زَمَانِهِ عَيْشاً لَمْ تَعِشْهُ قَبْلَ ذَلِكَ. ۲

آتمم در روزگار او، چنان زندگی [مرفهی] می‌کند که پیش از آن نکرده است.

و در گزارشی دیگر از پیامبر صلی الله علیه و آله آورده:

لَا تَدْعُ السَّمَاءُ مِنْ قَطْرِهَا شَيْئاً إِلَّا صَبَّتْهُ مِدْرَاراً، وَ لَا تَدْعُ الْأَرْضُ مِنْ مَائِهَا شَيْئاً إِلَّا

أَخْرَجَتْهُ، حَتَّى تَتَمَّتِيَ الْأَحْيَاءُ الْأَمْوَاتِ. ۳

آسمان، قطره‌ای از بارانش را نمی‌گذارد، جز آن که بر او فرو می‌ریزد، و زمین،

چیزی از آبش را نمی‌نهد، جز آن که برای او بیرون می‌دهد، تا آن جا که زندگان،

آرزو می‌کنند که مردگان زنده.

## ۲-۲. برکات استثنایی زمین

افزون بر آسمان که با باران رحمت به یاری اقتصاد جامعه مهدوی می‌آید، زمین نیز

در پیشرفت اقتصادی آن دوران، کمک می‌نماید. تعبیرهایی مانند:

وَ لَا تَدْعُ الْأَرْضُ مِنْ مَائِهَا شَيْئاً إِلَّا أَخْرَجَتْهُ. ۴

و زمین، چیزی از آبش را نمی‌نهد، جز آن که برای او بیرون می‌دهد.

تُخْرِجُ الْأَرْضُ بَرَكَتَهَا. ۵

زمین، برکتش را بیرون می‌دهد.

۱. ر.ک: ص ۳۷۰ ح ۱۸۹۸.

۲. همان جا.

۳. ر.ک: ص ۳۷۲ ح ۱۹۰۰.

۴. ر.ک: همان جا.

۵. ر.ک: ص ۳۷۰ ح ۱۸۹۸.

وَلَا تَدَّخِرُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِنْ نَبَاتِهَا ۱.

زمین، چیزی از روییدنی هایش را ذخیره نمی‌کند [و همه را بیرون می‌دهد].

تُنْبِتُ الْأَرْضُ ضِعْفَ أَكْلِهَا ۲.

زمین، دو برابر، محصول می‌دهد.

و تعبیرهای مشابهی که در باره برکات زمین در دوران حکومت امام مهدی علیه السلام در احادیث آمده، به نقش امدادهای الهی در پیشرفت اقتصادی جامعه مهدوی، به وسیله زمین، اشاره دارد.

همچنین در حدیثی از امام باقر علیه السلام در تبیین آیه ۹۶ از سوره اعراف که پیش از این بدان اشاره شد، نقل شده که فرمود:

لَا يَبْقَى عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ أَعْمَى وَلَا مُقْعَدٌ وَلَا مُبْتَلَى إِلَّا كَسَفَ اللَّهُ عَنْهُ بَلَاءٌ بِنَا أَهْلِ الْبَيْتِ، وَ لَنْزِلَ الْبَرَكَاتُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ، حَتَّى أَنْ الشَّجَرَةَ لَتَقْصِفُ بِمَا يُرِيدُ اللَّهُ فِيهَا مِنَ الثَّمَرِ، وَ لَيَأْكُلَنَّ ثَمَرَةَ الشَّتَاءِ فِي الصَّيْفِ، وَ ثَمَرَةَ الصَّيْفِ فِي الشَّتَاءِ، وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَنَكِينٌ كَذَّبُوا﴾ ۳، ۴.

روی زمین، کور و زمینگیر و گرفتاری نخواهد ماند، مگر آن که خداوند، گرفتاری او را به دست ما اهل بیت، برطرف خواهد کرد و برکت از آسمان به زمین، فرود خواهد آمد تا آن که درخت، زیر بار میوه‌ای که خدا می‌خواهد، خم می‌شود (/ می‌شکند) و میوه زمستان در تابستان و میوه تابستان در زمستان، خورده می‌شود، و آن سخن خدای متعال است: ﴿و اگر اهل آبادی‌ها ایمان آورده،

۱. ر.ک: ص ۳۷۶ ح ۱۹۰۵.

۲. ر.ک: ص ۳۷۶ ح ۱۹۰۶.

۳. اعراف: آیه ۹۶.

۴. ر.ک: ص ۳۸۰ ح ۱۹۰۹.

تقوا می‌ورزیدند، برکت‌هایی را از آسمان و زمین، برایشان می‌گشودیم؛ اما آنان دروغ انگاشتند».

بر پایه این حدیث، برکات استثنایی زمین در پیشرفت‌های اقتصادی دوران ظهور، همانند پیشرفت‌های اجتماعی این دوران<sup>۱</sup> که در نتیجه پایبندی مردم به ارزش‌های دینی پدید خواهد آمد، مافوق تصوّر کنونی ماست.

## سیاست های نظامی

پیش از اشاره به سیاست نظامی دولت مهدوی، چند نکته قابل توجه است:

اول. تحوّل عظیمی که در نظام سیاسی جهان، در آینده تاریخ به رهبری امام مهدی عج پدید می آید، کودتا نیست که قدرت نظامی در آن سرنوشت ساز باشد؛ بلکه یک انقلاب عمیق و فراگیر فرهنگی است که زمینه های آن، در طول تاریخ به تدریج در جامعه فراهم گردیده است. اصلی ترین حکمت غیبت ایشان - همان طور که پیش از این، تبیین شد -<sup>۱</sup> این است که بسترهای لازم برای تحقق چنین انقلاب فراگیری فراهم گردد.

دوم. بی شک، نصرت ویژه الهی، در پیروزی نهضت جهانی امام عصر عج نقش مؤثری دارد؛ اما این بدان معنا نیست که پس از فراهم شدن بسترهای اجتماعی، این نهضت از طریق اعجاز به پیروزی می رسد و نیازی به قدرت نظامی و سیاست های صحیح جنگی ندارد؛ بلکه سنّت الهی ایجاب می کند که قدرت نظامی نیز در کنار نصرت الهی و زمینه اجتماعی، در پیروزی نهضت مهدوی مؤثر باشد. احادیثی که قیام امام مهدی عج را گزارش کرده اند نیز مؤید این نظریه اند.

سوم. اطلاعات ما در باره امکانات و تجهیزات نظامی، و سیاست های جنگی در قیام مهدوی، بسیار محدود است. روایاتی که در این باره به ما رسیده، اطلاعات

۱. ر.ک: ج ۶ ص ۱۹ (پژوهشی در باره مهم ترین وظیفه پیروان اهل بیت عج در عصر غیبت).

کامل و متقنی را در اختیار ما قرار نمی‌دهند. به نظر می‌رسد نه ضرورت ایجاب می‌کرده و نه حکمت اقتضا می‌کرده که اطلاعات دقیق نظامی این قیام، پیشگویی شود. از این رو، آنچه به طور کلی می‌توان در این باره مطرح کرد، این است که سیاست‌های اصولی امام مهدی (عج) در جنگ، همان سیاست جنگی پیامبر (ص) و امام علی (ع) است؛<sup>۱</sup> اما برخی از سیاست‌های جنگی امام مهدی (عج) که به طور خاص در احادیث به آنها اشاره شده، عبارت‌اند از:

### ۱. بهره‌گیری از نیروهای جوان و توانمند

بر پایه شماری از احادیث،<sup>۲</sup> اکثر قریب به اتفاق سپاهیان امام مهدی (عج) را جوانان تشکیل می‌دهند. از امام علی (ع) روایت شده که فرمود:

إِنَّ أَصْحَابَ الْقَائِمِ شَبَابٌ لَا كَهُولَ فِيهِمْ إِلَّا كَالْكُحْلِ فِي الْعَيْنِ، أَوْ كَالْمِلْحِ فِي الزَّادِ، وَ  
أَقْلُ الزَّادِ الْمِلْحُ.<sup>۳</sup>

یاران قائم، جوان‌اند و پیران میان آنان نیستند، جز به اندازه‌ی سرمه چشم یا نمک در توشه که کمترین اندازه را میان ره‌توشه دارد.

در باره سیاست بهره‌گیری از نیروهای جوان در انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) چند نکته قابل توجه است:

#### ۱-۱. سیاست جوان‌گرایی در ادیان الهی

از نگاه قرآن و احادیث اهل بیت (ع)، جوانی، بهار خودسازی و سازندگی است. از این رو، جوان‌گرایی، سیاستی است حکیمانه که در همه ادیان الهی مورد توجه بوده است.

۱. برای آگاهی از سیاست‌های جنگی امام علی (ع) می‌توانید به جلد چهارم دانش‌نامه امیرالمؤمنین (ع): فصل نهم مراجعه فرمایید.

۲. ر.ک: ج ۸ ص ۲۶۹ (ویژگی‌های یاران امام).

۳. ر.ک: ج ۸ ص ۲۶۸ ح ۱۵۷۵.

خداوند سبحان، پیامبران خود را از میان جوانان، انتخاب کرده است. پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله نیز برای جذب قشر جوان به آیین اسلام، اهمیت ویژه‌ای قائل بود. از این رو، غالب هواداران ایشان در آغاز بعثت، جوانان بودند. نخستین نماینده فرهنگی - پیامبر صلی الله علیه و آله، یعنی مُصْعَب بن عُمَیر، جوانی نارس بود. نخستین فرماندار پیامبر صلی الله علیه و آله پس از فتح شهر مکه، جوانی ۲۱ ساله به نام عَتَاب بن اَسید بود.

همچنین آخرین کسی که پیامبر صلی الله علیه و آله او را به فرماندهی سپاه اسلام برای جنگ با روم منصوب کرد، جوانی هجده ساله به نام اُسامه بود<sup>۱</sup> و مهم‌تر آن که ایشان، در سال پایانی عمر شریف خود، از طرف خداوند متعال، مأموریت یافت تا امام علی علیه السلام را که در آن وقت، جوانی تقریباً ۳۲ ساله بود، برای رهبری آینده جهان اسلام، معرفی کند و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در غدیر خم، این فرمان الهی را اجرا کرد.<sup>۲</sup>

امام مهدی علیه السلام نیز هنگام قیام، با آن که صدها سال از عمر شریفش گذشته، با شکل و شمایل جوان ظاهر می‌شود و سیاست جوان‌گرایی در یاران و کارگزاران در حکومت مهدوی، از جمله سپاهیان، یکی از سیاست‌های اصولی است.

## ۱-۲. توانمندی فوق العاده جسمی و روحی سپاهیان

سپاهیان امام مهدی علیه السلام، افزون بر برخوردارگی از نشاط و شادابی جوانی، از نظر جسمی و روحی نیز، فوق العاده نیرومند هستند. در این باره از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

وَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ لَيُعْطَى قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا، وَإِنَّ قَلْبَهُ لَأَشَدُّ مِنْ زُبُرِ الْحَدِيدِ، وَ لَوْ مَرَّوَا بِجِبَالِ الْحَدِيدِ لَقَلَعُوهَا.<sup>۳</sup>

به هر یک از آنان (سپاهیان قائم)، نیروی چهل مرد عطا می‌شود و دلش از پاره

۱. برای آشنایی با منابع مطالبی که مطرح شده، ر.ک: حکمت‌نامه جوان: ص ۴۱ (فصل یکم: بهار زندگی).

۲. ر.ک: دانش‌نامه امیرالمؤمنین علیه السلام: ج ۲ ص ۲۲۷-۳۵۴.

۳. ر.ک: ج ۸ ص ۲۷۰ ح ۱۵۷۸.

آهن، محکم‌تر است و اگر بر کوه‌های آهن بگذرند، آنها را از جامی کنند.

در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام در باره ویژگی‌های یاران امام مهدی علیه السلام آمده است:

لِيُوتَ بِالنَّهَارِ، رُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ، كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ رُبْرُ الْحَدِيدِ، يُعْطَى الرَّجُلُ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا، لَا يَقْتُلُ أَحَدًا مِنْهُمْ إِلَّا كَافِرًا أَوْ مُنَافِقًا، وَقَدْ وَصَفَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى بِالتَّوَسُّمِ فِي كِتَابِهِ الْعَزِيزِ بِقَوْلِهِ: ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّمُنْتَوِسِّمِينَ﴾<sup>۱</sup>.

شیران روز و شب زنده‌داران شب هستند و گویی دل‌هایشان پاره‌های آهن است. به هر کدام از مردانشان، نیروی چهل مرد داده شده و هیچ یک از آنان را جز کافریا منافق نمی‌کشد و خداوند متعال، آنها را به نشانه‌شناسی و فراست، توصیف کرده است، آن‌جا که در کتاب عزیزش فرموده است: ﴿بی‌گمان، در این، نشانه‌هایی برای نشانه‌شناسان است﴾.

این حدیث، دلالت دارد بر این که سپاهیان امام مهدی علیه السلام، علاوه بر توانمندی جسمی و روحی، از بینش و بصیرتی فوق‌العاده برخوردارند که در برخورد با دشمنان، اشتباه نمی‌کنند. از این رو، جز کسانی که سزاوار قتل هستند، به دست آنها کشته نمی‌شوند.

### ۱-۳. بهره‌گیری از مدیریت و تجربه سال‌خوردگان

سیاست جوان‌گرایی در حکومت امام مهدی علیه السلام، قطعاً به معنای استفاده نکردن مطلق از سال‌خوردگان نیست. بر پایه احادیث فراوانی، شمار قابل توجهی از سال‌خوردگان که از دنیا رفته‌اند، هم‌زمان با قیام ایشان، زنده می‌شوند و تعدادی از آنها در شمار ۳۱۳ تن یاران ویژه امام علیه السلام هستند که در مناصب کلیدی، اجرایی و قضایی منصوب می‌شوند.<sup>۲</sup>

۱. حجر: آیه ۷۵.

۲. ر.ک: ج ۸ ص ۲۷۶ ح ۱۵۸۶.

۳. ر.ک: ج ۸ ص ۲۱۵ (فصل چهارم / یاران امام علیه السلام).

## ۲. نقش زنان در قیام مهدوی

بر پایه شماری از احادیث، زنان نیز در قیام جهانی امام مهدی علیه السلام شرکت دارند که جمعی از آنها جزو کسانی هستند که پس از مرگ، رجعت کرده‌اند:

### ۱-۲. جمعی از زنان، در شمار خواص اصحاب امام

در حدیثی از امام باقر علیه السلام، تعداد پنجاه زن در شمار خواص اصحاب امام مهدی علیه السلام ذکر شده‌اند:

يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ مِنْهَا [الْمَدِينَةَ] عَلَى سُنَّةِ مُوسَى خَائِفًا يَتَرَقَّبُ، حَتَّى يَقْدَمَ مَكَّةَ...  
وَيَجِيءُ وَاللَّهُ ثَلَاثُمِئَةٍ وَبِضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا. فِيهِمْ خَمْسُونَ امْرَأَةً يَجْتَمِعُونَ بِمَكَّةَ عَلَى  
غَيْرِ مِيعَادٍ، فَرَعَاكَفَرَعَ الْخَرِيفِ، يَتَّبِعُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا، وَهِيَ الْآيَةُ الَّتِي قَالَ اللَّهُ: ﴿أَتَيْنَ  
مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا﴾<sup>۱</sup>.

مهدی از مدینه به همان گونه که موسی بیمناک و مراقب بیرون رفت، بیرون می‌آید تا به مکه برسد... و به خدا سوگند، سیصد و ده و اندی نفر می‌آیند که پنجاه زن در میان آنان هستند. همه آنان بی آن که وعده‌ای در میان باشد، مانند ابرهای پراکنده پاییزی از هر سوگرد می‌آیند و پشت سرهم می‌رسند، و این، همان آیه الهی است: ﴿هر جا که باشید، خداوند همه شما را می‌آورد﴾.

بی‌شک، تعدادی که در این حدیث به آن اشاره شده، شمار یاران خاص امام مهدی علیه السلام است؛ وگرنه، تعداد همه یاران ایشان، خیلی بیش از اینهاست. این مطلب در برخی از احادیث نیز، مورد تأکید قرار گرفته است.

### ۲-۲. رجعت شماری از بانوان

در حدیثی از امام صادق علیه السلام شمار زنانی که پس از مرگ، هنگام قیام امام مهدی علیه السلام رجعت می‌کنند و سپاه ایشان را پشتیبانی می‌نمایند، سیزده تن ذکر شده است. متن



حدیث، چنین است:

يَكْرَهُ مَعَ الْقَائِمِ عج ثَلَاثَ عَشْرَةَ امْرَأَةً. قُلْتُ: وَ مَا يَصْنَعُ بِهِنَّ؟ قَالَ: يُدَاوِينَ الْجُرْحَى، وَ يَقْمَنُ عَلَى الْمَرْضَى كَمَا كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص. قُلْتُ: فَسَمَّيْنَهُنَّ لِي؟ فَقَالَ: الْقِنَوَاءُ بِنْتُ رُشَيْدٍ، وَ أُمُّ أَيْمَنَ، وَ حَبَابَةُ الْوَالِيَّةِ، وَ سَمِيَّةُ أُمِّ عَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ، وَ زُبَيْدَةُ، وَ أُمُّ خَالِدِ الْأَحْمَسِيِّ، وَ أُمُّ سَعِيدِ الْخَنْفِيَّةِ، وَ صَبَانَةُ الْمَاشِطَةِ، وَ أُمُّ خَالِدِ الْجُهَيْنِيِّ. ۱

[امام عج فرمود: «سیزده زن همراه قائم هستند». گفتم: با کمک آنها چه می‌کند؟ فرمود: «آنان، زخمی‌ها را مداوا می‌کنند و بیماران را نگاه می‌دارند، همان گونه که با پیامبر خدا ص بودند». گفتم: آنها را برایم نام ببر.

فرمود: «قینوا دختر رشید، ام ایمن، حبابه والبی، سمیه مادر عمار یاسر، زُبیده، ام خالد احمسی، ام سعید خنفی، صبانۀ ماشطه و ام خالد جهنی [از آنان هستند]».

احتمالاً این تعداد از زنان نیز، از خواص یاران امام هستند که مسئولیت پشتیبانی جنگ در پرستاری از رزمندگان مجروح را به عهده خواهند داشت؛ زیرا در غیر این صورت، با توجه به گستردگی نبرد، تعداد یاد شده، برای پرستاری از همه مجروحان، کافی نیست.

باری! حدیث نخست، به نقش زنان در مدیریت نهضت مهدوی و حدیث دوم، به نقش آنان در صحنه نبرد، اشاره دارد و بر این اساس، در صورتی که صدور احادیث یاد شده را بپذیریم، یکی از سیاست‌های امام مهدی عج بهره‌گیری از زنان شایسته، در ستاد جنگ خواهد بود.

### ۳. ساز و برگ نظامی در قیام مهدوی

یکی از مسائل مهم در تبیین سیاست‌های نظامی امام مهدی عج، این است که سیاست ایشان در بهره‌گیری از ساز و برگ و ابزار نظامی چیست؟

پیش از این اشاره کردیم که پیروزی قیام مهدوی از طریق اعجاز نیست؛ بلکه سنت الهی ایجاب می نماید که قدرت نظامی، در کنار نصرت ویژه الهی، و پدید آمدن زمینه اجتماعی، در پیروزی این نهضت، نقش مؤثر و تعیین کننده داشته باشد. بنا بر این، در قیام امام مهدی علیه السلام، از ساز و برگ نظامی و تجهیزات جنگی، استفاده خواهد شد. پرستی که در این باره مطرح است، این که از چه نوع تجهیزات نظامی در این قیام، استفاده خواهد شد، ابزار جنگی متناسب با عصر ظهور یا ابزار جنگی صدر اسلام؟

برای پاسخ به این سؤال، ابتدا در باره مفاد احادیثی که در این باره وارد شده، توضیح مختصری خواهیم داد و در ادامه به ارزیابی اجمالی سند و تحلیل مقصود از آنها خواهیم پرداخت:

### ۳-۱. مضمون احادیث

احادیثی را که موضوع ساز و برگ نظامی قیام مهدوی در آنها مطرح شده، به سه دسته می توان تقسیم کرد:

دسته اول، احادیثی که تصریح کرده اند امام مهدی علیه السلام و یارانش با شمشیر با دشمنان می جنگند؛ مانند این حدیث که تجهیزات جنگی امام مهدی علیه السلام را چنین توصیف کرده است:

دِرْعُهُ دِرْعُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ السَّابِغَةُ وَ سَيْفُهُ سَيْفُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذُو الْقَفَّارِ.<sup>۱</sup>

زره [امام مهدی علیه السلام] زره پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و شمشیر او شمشیر پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ذوالقفار است.

و در حدیثی دیگر، درباره سلاح جنگی یاران امام علیه السلام آمده:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ نَزَلَتْ سُيُوفُ الْقِتَالِ عَلَى كُلِّ سَيْفٍ اسْمُ الرَّجُلِ وَ اسْمُ أَبِيهِ.<sup>۲</sup>

۱. الغيبة، نعمانی: ص ۳۰ ح ۳۲.

۲. الغيبة، نعمانی: ص ۲۵۲ ح ۴۵، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۰۹ ح ۱۲۱.

هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند، شمشیرهای جنگ، نازل می‌گردد، بر هر شمشیری نام مرد [رزمنده] و نام پدرش نوشته شده است.

و در حدیثی دیگر، در باره قدرت سلاح یاران امام علیه السلام آمده:

لَهُمْ سَيْوُفٌ مِنْ حَدِيدٍ غَيْرِ هَذَا الْحَدِيدِ، لَوْ صَرَبَ أَحَدُهُمْ بِسَيْفِهِ جَبَلًا لَقَدَّهُ حَتَّى يَفْصَلَهُ.<sup>۱</sup>

آنان، شمشیرهایی را از آهن، نه این آهن [معمولی]، آهنی که اگر یکی از آنان به کوهی بزند، آن را می‌درد و جدا می‌کند.

و در حدیثی دیگر، در باره سلطه امام مهدی علیه السلام بر دشمنان، آمده است:

يُعْشَاهُمْ الْقَائِمُ بِالسَّيْفِ.<sup>۲</sup>

قائم علیه السلام با شمشیر بر آنها سلطه می‌یابد.

این دسته از احادیث بسیار فراوانند و همگی بر این معنا تأکید دارند که سلاح نبرد امام مهدی علیه السلام و یارانش، شمشیر است.

دسته دوم، احادیثی که دلالت دارند سپاهیان امام علیه السلام، همانند رزمندگان صدر اسلام، از چارپایان استفاده می‌کنند و افزون بر این، مواد غذایی و نوشیدنی‌های آنان و نیز علوفه مرکب‌هایشان از طریق اعجاز، تأمین می‌گردد.<sup>۳</sup>

دسته سوم، حدیثی که در آن آمده است هنگامی که امام مهدی علیه السلام قیام می‌کند، به نقطه‌ای از میدان کوفه اشاره کرده، می‌فرماید: «این جا را بکنید» و از آن جا دوازده هزار زره و دوازده هزار کلاهخود بیرون می‌آورند. سپس ایشان، دوازده هزار نفر را دعوت می‌کند و این لباس‌ها را بر آنها می‌پوشاند و بر آنها می‌فرماید: «هر کس را دیدید که مثل شما لباس نپوشیده، او را بکشید!».<sup>۴</sup>

۱. مختصر بصائر الدرجات: ص ۸۵، بصائر الدرجات: ص ۵۱۲ ح ۴، بحار الأنوار: ج ۵۴ ص ۳۳۳ ح ۱۷.

۲. الکافی: ج ۸ ص ۵۰ ح ۱۳، نواب الأعمال: ص ۲۴۸ ح ۱۰، بحار الأنوار: ج ۲۴ ص ۳۱۰ ح ۱۶.

۳. ر.ک: ج ۸ ص ۳۸۹ (پشتیبانی لشکر و ابزار جنگی).

۴. ر.ک: الاختصاص: ص ۳۳۴.

## ۳-۲. ارزیابی احادیث

احادیث دسته اول - همان طور که اشاره شد - فراوانند و از نظر سند نیز شماری از آنها معتبرند؛<sup>۱</sup> لیکن دسته دوم از احادیث، نه فراوانند و نه از نظر سندی اعتبار دارند.

اما حدیثی که در دسته سوم ذکر شده، از نظر سند، بسیار ضعیف و مفاد ظاهری آن نیز، غیر قابل قبول است؛ زیرا امکان ندارد که امام علیه السلام چنین دستوری را صادر نماید.

با تأمل در این احادیث، در جمع بندی آنها می توان گفت: هر چند همان طور که اشاره شد، مفاد برخی از این احادیث، غیر قابل قبول است و به طور کلی، جزئیات مربوط به ساز و برگ نظامی قیام مهدوی، دلیل قاطعی ندارد، لیکن باید پذیرفت که همه احادیثی که جریان قیام مهدوی را گزارش کرده اند، بر این معنا اتفاق دارند که تنها سلاح مورد استفاده در این قیام، «شمشیر» است؛ اما این که مقصود از به کارگیری شمشیر در این قیام چیست، دو احتمال مطرح شده است:

احتمال اول این که «شمشیر»، در معنای حقیقی آن به کار رفته است. در این صورت، این سؤال پیش می آید که چگونه می توان با استفاده از شمشیر بر سلاح های پیشرفته مستکبران، فائق آمد؟

در پاسخ این سؤال نیز احتمالات مختلفی ذکر شده، مانند این که:

شمشیر در قیام مهدوی، قدرت خارق العاده ای پیدا می کند، چنان که در حدیثی اشاره شد که شمشیر یاران امام مهدی علیه السلام از جنس آهن های معمولی نیست و قدرتی دارد که می تواند کوه را بشکافد<sup>۲</sup>، یا این که آمده است شمشیرهای آنان،

۱. ر.ک: ج ۹ ص ۹۹ (قاطعیت امام علیه السلام در رویارویی با مستکبران).

۲. بصائر الدرجات: ص ۴۹ ج ۴، بحار الأنوار، ج ۵۷ ص ۳۳۲ ح ۱۷.

۳. بصائر الدرجات: ص ۴۹۰ ج ۴، بحار الأنوار، ج ۵۷ ص ۳۳۲ ح ۱۷.

شمشیرهای خاصی است که از آسمان نازل می‌شود.<sup>۱</sup>

توجیه دیگر این که در آن زمان، تسلیحات پیشرفته از کار خواهد افتاد و مردم به ناگزیر، در جنگ از همان ابزارهای جنگی ابتدایی استفاده خواهند کرد. توجیهات مشابه دیگری نیز مطرح شده که دلیل روشن و قاطعی برای اثبات هیچ یک از آنها وجود ندارد.

احتمال دوم، این است که «شمشیر» در این احادیث، نماد ابزار جنگی روز، و کنایه از قدرت نظامی است و علت این که در احادیث از ابزار جنگی روز به «شمشیر» تعبیر شده، این است که در تاریخ صدور حدیث یاد شده، شمشیر، سلاح کارآمد آن دوران بوده، و برای مردم آن زمان، سلاح‌های پیشرفته امروز، قابل فهم نبوده است، همان طور که چه بسا در آینده نیز سلاح‌هایی اختراع شود که در حال حاضر برای مردم این زمان، قابل تصور نیست و در قیام امام مهدی عج همان ابزار مورد استفاده واقع شود.

گفتنی است دلیل روشنی بر هیچ یک از احتمالات و توجیهات یاد شده، وجود ندارد. بنا بر این، آنچه مسلم است این که ساز و برگ نظامی قیام مهدوی، فوق العاده کارآمد خواهد بود و در این قیام از ابزار نامشروع، مانند ابزار جنگی کشتار جمعی، استفاده نخواهد شد؛ اما سیاست جنگی امام مهدی عج منطبق با کدام یک از احتمالات گذشته است، نمی‌توان در این باره اظهار نظر قطعی کرد.

#### ۴. قاطعیت کامل در برخورد با مستکبران

قیام حضرت مهدی عج نماد کامل جمال و جلال الهی است. او با کسانی که با حق، ستیزه‌جویی نکنند، در نهایت رأفت و مهربانی، رفتار خواهد کرد؛ اما با مستکبران و معاندان حق و عدل، با نهایت قاطعیت، برخورد خواهد نمود. همه احادیثی که

۱. النبیة، نعمانی: ص ۲۴۴ ح ۴۵، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۲۵۶ ح ۱۲۱.

امام مهدی علیه السلام را با عنوان «صاحب السیف؛ صاحب شمشیر» توصیف کرده‌اند، تأکید می‌کنند که او «لا ینظر إلیّ بالسیف؛ جز با شمشیر، ظاهر نمی‌شود» که این احادیث، به قاطعیت کامل امام علیه السلام در برخورد با حق‌ستیزان مستکبر، اشاره دارد.<sup>۱</sup>

نکات قابل توجه درباره این سیاست، عبارت‌اند از:

#### ۴-۱. برخورد قاطعانه با مدعیان دروغین تشیع

بر پایه حدیثی معتبر، امام مهدی علیه السلام قبل از برخورد با دیگران، با قاطعیت با مدعیان دروغین تشیع، برخورد می‌کند و آنان را از بین می‌برد. در حدیثی که با سند معتبر از امام صادق علیه السلام نقل شده، آمده:

لَوْ قَامَ قَائِمُنَا بَدَأَ بِكَذَّابِي الشَّيْعَةِ فَنَقَلَهُمْ.<sup>۲</sup>

اگر قائم ما قیام کند، از دروغگویان شیعه می‌آغازد و آنها را می‌کشد.

این اقدام، حاکی از آن است که خطر تظاهرکنندگان به تشیع از دیگر توطئه‌گران، بیشتر است.

#### ۴-۲. ریشه‌کن کردن فتنه

برخورد قاطع و ریشه‌ای امام مهدی علیه السلام با انواع توطئه‌ها سبب می‌شود زمین از فتنه و فتنه‌گران، تهی شود و دین خداوند سبحان، بر سراسر جهان، حاکم گردد و کامل‌ترین مصادیق آیه: «وَقَتْلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ»<sup>۳</sup> با آنان بجنگید تا آن‌گاه که فتنه‌ای نماند و دین، یکسره برای خدا باشد،<sup>۴</sup> تحقق یابد.

#### ۴-۳. رعایت دقیق ارزش‌های اخلاقی در برخورد با دشمنان

یکی از نکات بسیار مهم در سیاست‌های جنگی امام مهدی علیه السلام، توجه کامل به

۱. ر.ک: ص ۷۹ (فصل هشتم / رویارویی با دشمن).

۲. ر.ک: ص ۸۶ ح ۱۶۸۶.

۳. بقره: آیه ۱۹۳.

۴. ر.ک: ص ۸۹ (برافکندن فتنه از بیخ و بن).

ارزش‌های اخلاقی است، به گونه‌ای که در برخی از احادیث آمده:

لا يوقظُ نائماً ولا يُهريقُ دماً.<sup>۱</sup>

[قائم] نه خفته‌ای را بیدار می‌کند و نه خونی [به ناحق] می‌ریزد.

بدیهی است که قیامی که هدف آن، ظلم‌ستیزی، عدالت‌محوری و به اجرا در آوردن کامل ارزش‌های الهی است، نمی‌تواند ذره‌ای از صراط مستقیم حق و عدل، منحرف شود. از این رو، احادیثی که دلالت دارند بر این که «امام مهدی علیه السلام آن قدر می‌کشد که مردم می‌گویند اگر او فرزند فاطمه بود به ما رحم می‌کرد»،<sup>۲</sup> نمی‌توانند صحیح باشند.

۱. الفتن: ج ۱ ص ۳۵۸ ح ۱۰۴۰.

۲. ر.ک: ص ۸۶ ح ۱۶۸۵. برای توضیح بیشتر، ر.ک: ص ۹۲ (تحلیلی بر احادیث کشتار در قیام مهدوی).

## ۷ سیاست های قضایی

از منظر قرآن کریم، قضاوت و داوری میان مردم، در اصل، حقّ خداوند سبحان است و تنها افراد خاصی به نمایندگی از او حقّ داوری دارند:

﴿يَتَذَكَّرُونَ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ﴾<sup>۱</sup>

ای داوود! ما تو را خلیفه [و نماینده] خود در زمین قرار دادیم. پس میان مردم، به حق داوری کن. ﴿

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود:

إِتَّقُوا الْحُكْمَةَ: فَإِنَّ الْحُكْمَةَ إِنَّمَا هِيَ لِلْإِمَامِ الْعَالِمِ بِالْقَضَاءِ، الْعَادِلِ فِي الْمُسْلِمِينَ، لِنَبِيِّ أَوْ وَصِيِّ نَبِيِّ<sup>۲</sup>.

از داوری کردن بپرهیزید؛ زیرا [منصب] داوری در حقیقت، از آن امامی است که در قضاوت، دانا باشد و در میان مسلمانان به عدالت، حکم کند؛ از آن پیامبر یا وصی پیامبر است.

به دلیل اهمیت فوق العاده منصب قضاوت، امام علی علیه السلام به شریح قاضی فرمود:  
يَا شُرَيْحُ، قَدْ جَلَسْتَ مَجْلِسًا لَا يَجْلِسُهُ إِلَّا نَبِيُّ أَوْ وَصِيُّ نَبِيِّ أَوْ شَقِيٌّ<sup>۳</sup>.

۱. ص: آیه ۲۴.

۲. الکافی: ج ۷ ص ۴۰۶ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۲۱۷ ح ۵۱۱، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۳ ص ۵ ح ۳۲۲۲.

۳. الکافی: ج ۷ ص ۴۰۶ ح ۲، تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۲۱۷ ح ۵۰۹، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۳ ص ۵ ح ۳۲۲۳.



ای شریح! تو در جایی نشسته‌ای که جز پیامبر یا وصی پیامبر و یا شقاوتمند در آن  
جانمی‌نشیند.

بر این اساس، قوه قضائیه در نظام سیاسی - الهی مهدوی، از مهم‌ترین نهادهای  
حکومتی است.

روشن است تحقق اصلی‌ترین شعارهای قیام امام مهدی (عج) یعنی عدالت  
اجتماعی نیز، تنها در پرتو تشکیلات قضایی قوی و سالم، امکان‌پذیر است.  
بر پایه احادیث اهل بیت (ع)، قوه قضائیه در حکومت امام مهدی (عج) از نظر  
سیاست‌های قضایی، امکانات مورد نیاز قضا، و کارآمدی قضات، در بالاترین سطح  
ممکن قرار دارند. البته این احادیث به اندازه‌ای نیستند که بتوان در همه این زمینه‌ها،  
نظر قاطعی ارائه کرد؛ لیکن به هر حال، تشکیلات قضایی مهدوی را با توجه به آنها  
می‌توان چنین توصیف کرد:

#### ۷-۱. نوسازی سازمان قضایی

نخستین سیاست قضایی در دولت مهدوی، بازسازی و نوسازی تشکیلات قضایی  
است. از امام باقر (ع) روایت شده که در توصیف اقدامات قائم آل محمد (ع) پس از  
قیام، می‌فرماید:

يَقُومُ بِأَمْرِ جَدِيدٍ وَ سُنَّةٍ جَدِيدَةٍ وَ قَضَاءٍ جَدِيدٍ.<sup>۱</sup>

به امری نو، روشی نو و شیوه قضایی جدیدی قیام می‌کند.

برای توضیح این حدیث، چند نکته قابل توجه است:

یک. امکان اجرای عدالت به معنای کامل و همه‌جانبه آن در روزگاری که اسلام  
همه جهان را فرا گرفته، ایجاب می‌کند سیره قضایی در حکومت امام مهدی (عج) با  
سیره نبوی و علوی، تفاوت داشته باشد. به عبارت دیگر، در دوران حکومت

پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام، قضاوت، بر پایه موازین ظاهری داوری انجام می شد؛ زیرا جامعه، تاب و تحمل داوری برحسب واقع را نداشت؛ اما در عصر ظهور، با در نظر گرفتن رشد عقلی، علمی و فرهنگی جامعه، داوری برحسب واقع، امکان پذیر است. از این رو، اجرای عدالت واقعی به طور کامل، مورد توجه دستگاه قضایی است.

دو. نوآوری قضایی عصر ظهور، می تواند شامل شیوه اثبات حق و کشف جرم و حتی احکام جدید قضایی باشد، چنان که در برخی احادیث آمده است.<sup>۱</sup>

سه. نوآوری قضایی، منافاتی با خاتمیت نبوت ندارد؛ زیرا بر اساس شماری از احادیث،<sup>۲</sup> بیان شماری از احکام در عصر نبوت به مصلحت جامعه نبوده است و همان طور که برخی از فقهای بزرگ فرموده اند،<sup>۳</sup> ظاهر این گونه اخبار، این است که مصلحت الهی اقتضا کرده تا شماری از احکام تا زمان ظهور امام مهدی علیه السلام مخفی بماند.<sup>۴</sup>

## ۷-۲. داوری بر پایه علم

برجسته ترین نوآوری قضایی در نظام مهدوی، داوری بر پایه علم است. در سیره نبوی، «بینه» و «قسم»، مبنای قضاوت و دادرسی بود و این سیره، همچنان تا ظهور امام مهدی علیه السلام در تشکیلات قضایی اسلامی ادامه خواهد داشت؛ اما در دولت مهدوی که سراسر جهان را فرا خواهد گرفت، با در نظر گرفتن امکان دستیابی به عدالت واقعی و کامل - همان طور که اشاره شد -، دادرسی بر اساس علم قاضی

۱. ر.ک: ص ۳۹۲ (فصل ششم / تبیین شیوه داوری داوود و سلیمان).

۲. مانند: «أُسْكُنُوا عَمَّا سَكَتَ اللهُ؛ در آنچه خدا سکوت کرده، سکوت کنید» یا «أُسْكُنُوا عَنِّي مَا سَكَتَ عَنْكُمْ؛ در آنچه من ساکت ماندم، شما هم ساکت باشید» (ر.ک: دانش نامه عقاید اسلامی: ج ۳ ص ۱۵۱ ح ۲۴۰۸ و ۲۴۱۲).

۳. مصباح الأصول (تقریرات آیه الله خویی)، کتاب فروشی داوری: ص ۲۷۱.

۴. ر.ک: ص ۱۵۸ (تبیین برخی از تعبیرات در باره مبانی حکومتی امام مهدی علیه السلام).

خواهد بود. این معنا در چند حدیث صحیح و معتبر، مورد تأکید قرار گرفته است.<sup>۱</sup>  
امام باقر علیه السلام فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ علیه السلام حَكَمَ بِحُكْمِ دَاوُودَ وَ سُلَيْمَانَ لَا يَسْأَلُ بَيِّنَةً.<sup>۲</sup>

هنگامی که قائم خاندان محمد قیام می‌کند، به شیوه داوود و سلیمان علیه السلام قضاوت می‌کند و بیینه نمی‌طلبد.

در حدیث دیگری از امام عسکری علیه السلام آمده:

إِذَا قَامَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ - عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ - ، حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُودَ لَا يَحْتَاجُ إِلَى بَيِّنَةٍ ، يُلْهِمُهُ اللَّهُ تَعَالَى فَيَحْكُمُ بِعِلْمِهِ.<sup>۳</sup>

هنگامی که قائم خاندان محمد - که بر او و بر ایشان درود باد - قیام کند، میان مردم به شیوه داوود علیه السلام قضاوت می‌کند، نیازمند بیینه نیست، خداوند متعال به او الهام می‌کند و بر اساس علمش حکم می‌کند.

با توجه به این که امام مهدی علیه السلام نمی‌تواند شخصاً به دعاوی همه دادخواهان، رسیدگی کند، این سؤال قابل طرح است که: قضا بر پایه علم، اختصاص به شخص ایشان دارد یا در دستگاه قضایی ایشان، همه قضات موظف‌اند بر اساس علم خود عمل کنند؟

شاید نتوان به این پرسش، پاسخ دقیقی داد؛ لیکن بعید نیست که از ظاهر مفاد احادیث یاد شده، خصوصاً با در نظر گرفتن ویژگی‌های قضات آن دوران و امکاناتی که در اختیار آنان قرار می‌گیرد، بتوان استنباط کرد که در حکومت مهدوی، همه قضات بر اساس علم خود، داوری خواهند کرد. توضیح بیشتر در ادامه بحث، خواهد آمد.

۱. ر.ک: ص ۳۸۷ (قضاوت به شیوه داوود و سلیمان).

۲. ر.ک: ص ۳۸۶ ح ۱۹۱۷.

۳. ر.ک: ص ۳۸۸ ح ۱۹۲۲.

## ۷-۳. فراهم ساختن امکانات دادرسی دقیق و سریع

یکی از اقدامات بسیار مهم در تشکیلات قضایی دولت مهدوی، فراهم ساختن امکانات لازم برای قضاوت صحیح و سریع و عادلانه است. از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ بَعَثَ فِي أَقَالِيمِ الْأَرْضِ ، فِي كُلِّ إِقْلِيمٍ رَجُلًا ، يَقُولُ : عَهْدُكَ فِي كَفِّكَ ، فَإِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ أَمْرٌ لَا تَفْهَمُهُ وَلَا تَعْرِفُ الْقَضَاءَ فِيهِ ، فَانظُرْ إِلَى كَفِّكَ وَاعْمَلْ بِمَا فِيهَا .<sup>۱</sup>

هنگامی که قائم قیام کند، به هر یک از مناطق زمین، کسی را می‌فرستد و به او می‌گوید: پیمان‌نامه‌ات در کف دست است، هنگامی که کاری بر تو در آمد که آن را نفهمیدی و حکم آن را ندانستی، به کف دست بنگر و به آن [پیمان‌نامه] عمل کن.

مقصود از جمله «عهدک فی کفک» - که در این حدیث و حدیثی دیگر آمده -، دستور العمل کامل و جامعی است که پاسخ هر سؤالی در آن وجود دارد و در نظام مهدوی، در اختیار حکام و قضات، قرار می‌گیرد و آنها با مراجعه به آن، در اسرع وقت، می‌توانند از حکم صحیح موضوع مورد نیاز خود، آگاه شوند.

اما ماهیت این دستور العمل جامع چیست و چگونه در اختیار قضات قرار می‌گیرد؟

در پاسخ به این پرسش، دو احتمال، قابل توجه است:

یک. مقصود از دستور العمل جامعی که در اختیار قضات و حکام قرار می‌گیرد، دانش ویژه‌ای است که به برکت دولت مهدوی توسط خداوند سبحان به قلب آنان، افاضه می‌گردد و با افاضه آن دانش، برای تشخیص حق، نیازی به بیّنه و برهان نخواهند داشت. مؤید این احتمال، احادیثی است که در تبیین ویژگی‌های قضات

بلندپایه حکومت امام مهدی (عج) خواهد آمد.<sup>۱</sup>

دو. مقصود از دستور العمل جامعی که در دسترس آنان قرار داده می‌شود، این است که دستگاه قضایی و مدیریتی آن دوران، مجهز به سامانه اطلاع‌رسانی بسیار پیشرفته‌ای خواهد شد که قادر است همه اطلاعات مورد نیاز آنان را با دقت کامل و در اسرع وقت، در اختیارشان قرار دهد.

#### ۷-۴. برکناری قاضیان ناشایسته

نخستین اقدام عملی امام مهدی (عج) برای اصلاح قوه قضائیه، برکناری قضات ناشایسته است. از امام علی (ع) روایت شده که ضمن برشمردن اقدامات ایشان می‌فرماید:

وَلِعَمْرِي لَيَنْزِعَنَّ عَنْكُمْ قُضَاةَ السَّوِّءِ.<sup>۲</sup>

و به جانم سوگند، [مهدی (عج)] قاضیان بدکار را از [گردن] شما باز می‌کند.

واژه «لینزعن» در متن حدیث، از ریشه «نزع» به معنی برکندن چیزی از جای خود است و همراه شدن آن با «لام» و «نون» تأکید، اشاره به این معناست که در تشکیلات قضایی مهدوی، قضات ناشایسته، ریشه‌کن می‌شوند و جای آنها را قضات صالح و شایسته پر خواهند کرد.

#### ۷-۵. انتخاب قاضیان شایسته

بی‌تردید، سیاست شایسته‌سالاری در گزینش قضات، نقشی بنیادین در پدید آوردن نهاد قضایی قوی و سالم و کارآمد دارد و از این رو، در حکومت امام مهدی (عج)، شخص ایشان و بهترین یاران و کارگزاران دولت مهدوی، قاضی معرفی شده‌اند. در رأس تشکیلات قضایی، شخص امام مهدی (عج) قرار دارد. ایشان علاوه بر

۱. ر.ک: ص ۴۰۳ (فراهم‌سازی امکانات برای قضاوت دقیق و سریع).

۲. ر.ک: ص ۴۰۲ ح ۱۹۲۷.

رهبری نظام، در همه ابعاد - همان طور که اشاره شد - در موارد لازم، متصدی امر قضا نیز خواهد شد.

در مرتبه پس از ایشان، عیسی علیه السلام قضاوت خواهد کرد. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود:

لَيُوشِكَنَّ أَنْ يَنْزَلَ فِيكُمْ ابْنُ مَرْيَمَ حَكَمًا مُقْسِطًا.<sup>۱</sup>

نزدیک است که پسر مریم علیه السلام چون حاکمی دادگستر، میان شما فرود آید.

بدین سان، شاید بتوان گفت ریاست قضا در دولت مهدوی با عیسی علیه السلام است.

در مرتبه پس از عیسی علیه السلام، ۳۱۳ نفر یاران خاص امام مهدی علیه السلام هستند که به اعجاز ایشان، نسبت به مسائل قضایی احاطه علمی پیدا می کنند. در این باره از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود:

هَذِهِ (الْعِدَّةُ) الَّتِي يُخْرِجُ اللَّهُ فِيهَا الْقَائِمَ علیه السلام، هُمُ النَّجَبَاءُ وَالْقُضَاةُ وَالْحُكَّامُ وَالْفُقَهَاءُ فِي الدِّينِ. يَمَسُحُ بُطُونَهُمْ وَظُهُورَهُمْ فَلَا يَسْتَبِيهُ عَلَيْهِمْ حُكْمٌ.<sup>۲</sup>

اما این افرادی که خداوند، قائم علیه السلام را در جمع ایشان ظاهر می سازد، نجیبان، حاکمان و فقیهان در دین اند و قائم علیه السلام دستی بر سینه و پشت آنان می کشد و در حکمی به اشتباه نمی افتند.

در مرتبه چهارم، قضاتی هستند که از طریق امکانات ویژه قضایی که در اختیار آنان قرار می گیرد - و پیش از این توضیح داده شد -، از مسائل قضایی آگاه می شوند.<sup>۳</sup>

## ۶-۷. ریشه کن کردن رشوه خواری

یکی از سیاست های اصولی امام مهدی علیه السلام ریشه کن کردن انواع رشوه خواری در

۱. ر.ک: ص ۴۰۴ ح ۱۹۲۸.

۲. ر.ک: ص ۴۰۴ ح ۱۹۳۰.

۳. ر.ک: ص ۳۸۳ (فراهم ساختن امکانات دادرسی دقیق و سریع).

نظام حکومتی، بویژه در تشکیلات قضایی است؛ اما به دلیل این که خطر رشوه‌خواری در دستگاه قضایی به مراتب بیش از سایر نهادهای حکومتی است، در برخی از احادیث، این موضوع مورد تأکید قرار گرفته است. امام علی علیه السلام در ضمن خطبه‌ای می‌فرماید:

لَيْسَتْ خَلِيفَةُ اللَّهِ خَلِيفَةً يَثْبُتُ عَلَى الْهُدَى، وَلَا يَأْخُذُ عَلَى حُكْمِهِ الرِّشَاءُ.<sup>۱</sup>

بی‌تردید، خداوند، خلیفه‌ای را جانشین خواهد کرد که بر هدایت، استوار گام می‌ایستد و برای حکمش رشوه نمی‌گیرد.

در تبیین این حدیث، دو نکته قابل توجه است:

یک. مقصود از «لَا يَأْخُذُ عَلَى حُكْمِهِ الرِّشَاءُ»؛ برای حکمش رشوه نمی‌گیرد، این است که در نظام قضایی مهدوی، رشوه‌خواری به طور مطلق، وجود نخواهد داشت.

دو. تأکید بر این که در حکومت آرمانی مهدوی، رشوه‌خواری در دستگاه قضا از بین خواهد رفت، اشاره به این است که پایان دادن به رشوه‌خواری، خصوصاً در تشکیلات قضا، کار ساده‌ای نیست و تنها در حکومت امام مهدی علیه السلام این آرزو تحقق خواهد یافت.

## ۷-۷. قضاوت زنان

مشهور فقهای امامیه بر این باورند که زنان، نمی‌توانند متصدی منصب قضا شوند، هر چند واجد شرایط قضاوت باشند؛ بلکه برخی ادعا کرده‌اند که این نظریه، مورد اجماع و اتفاق فقهاست.<sup>۲</sup> افزون بر فقهای امامی، مالکیان، شافعیان و حنبلیان از

۱. ر.ک: ص ۴۰۶ ح ۱۹۳۲.

۲. گفتنی است، ظاهر این مسئله در منافع فقهی مأثور قدما، مانند: مقنعه، متع، هدایه، نهاییه و فقه الرضا مطرح نشده است تنها مرحوم شیخ طوسی در کتاب خلاف و مبسوط - که فروع اجتهادی مستنبط را در آن جمع‌آوری

مذاهب اهل سنت نیز معتقدند که زنان به طور مطلق نمی توانند متصدی امر قضاوت شوند؛ اما در مذهب حنفیه، جز در موارد حدود و قصاص، زنان می توانند قضاوت کنند. همچنین محمد بن جریر طبری، معتقد بوده که فرقی میان زن و مرد در جواز تصدی منصب قضا وجود ندارد.<sup>۱</sup>

بر پایه حدیثی از امام باقر علیه السلام در دولت امام مهدی علیه السلام، هنگامی که علم و حکمت توسعه یافت، زنان می توانند براساس کتاب خدا و سنت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم قضاوت کنند. در این حدیث، امام علیه السلام ضمن بیان برکات دولت مهدوی می فرماید:

و تُوْتَوْنَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ، حَتَّىٰ إِنَّ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِي فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَىٰ وَ سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم.<sup>۲</sup>

و در روزگارش، حکمت نصیبتان می شود تا آن جا که زن در خانه اش بر اساس کتاب خدای متعال و سنت پیامبر خدا، حکم می کند.

برای توضیح این حدیث، چند نکته قابل توجه است:

یک. می توان گفت: در دولت مهدوی، شرایط لازم برای تصدی امر قضاوت توسط زنان، فراهم می گردد.

دو. مقید کردن قضاوت زن در خانه، اشاره به این است که تصدی امر قضا نباید آنها را از مهم ترین وظیفه آنها که مدیریت خانه و پرورش انسان های صالح است، غافل کند. بدیهی است در این زمینه، تفاوتی میان تصدی امر قضا و سایر مسئولیت ها وجود ندارد.

سه. برخی احتمال داده اند که مراد از قضاوت زن در خانه، تدبیر امور فرزندان و

« کرده - . معترض آن گردیده است. وی نیز در کتاب خلاف بر این مسئله ادعای اجماع نکرده است. بنا بر این، ثبوت اجماع در این مسئله، به گونه ای که کاشف تلقی آن از معصوم باشد، مشکل است.

۱. ر.ک: دراسات فی ولایة الفقیه: ج ۱ ص ۳۳۵ و ۳۳۶.

۲. ر.ک: ص ۴۰۶ ح ۱۹۳۳.



حکم کردن میان آنان در امور زندگی و تربیت و تأدیب در محیط خانواده باشد؛<sup>۱</sup> اما باید گفت: این احتمال علاوه بر این که خلاف ظاهر حدیث است، اختصاصی به دولت امام مهدی علیه السلام ندارد.

## ۷-۸. داوری ویژه برای پیروان ادیان

بر پایه حدیثی که در علل الشرائع و الغیبة نعمانی از امام باقر علیه السلام نقل شده، یکی از سیاست‌های قضایی دولت مهدوی، این است که برای پیروان ادیان آسمانی، بر اساس کتاب خود آنها داوری خواهد کرد. متن حدیث، این است:

فَأَمَّا سُمِّيَ الْمَهْدِيُّ لِأَنَّهُ يَهْدِي لِأَمْرِ حَفِيٍّ، يَسْتَخْرِجُ التَّوْرَةَ وَ سَائِرَ كُتُبِ اللَّهِ مِنْ غَارٍ بِأَنْطَاكِيَّةَ، فَيَحْكُمُ بَيْنَ أَهْلِ التَّوْرَةِ بِالتَّوْرَةِ، وَ بَيْنَ أَهْلِ الْإِنْجِيلِ بِالْإِنْجِيلِ، وَ بَيْنَ أَهْلِ الزَّبُورِ بِالزَّبُورِ، وَ بَيْنَ أَهْلِ الْفُرْقَانِ بِالْفُرْقَانِ.<sup>۲</sup>

از آن رو مهدی نامیده شده که به امری نماند، راه‌نمایی می‌کند، تورات و دیگر کتاب‌های آسمانی را از غاری در انطاکیه بیرون می‌کشد و میان اهل تورات به تورات، میان اهل انجیل به انجیل، میان اهل زبور به زبور و میان اهل فرقان (قرآن) به فرقان حکم می‌کند.

نکات قابل توجه در باره این حدیث، عبارت‌اند از:

یک. این سیاست قضایی، در واقع، همان سیاست امیر مؤمنان علیه السلام است که در آغاز خلافت، ضمن یک سخنرانی اعلام فرمود:

أَمَّا وَاللَّهِ لَوْ تَوَيْتُ لِيَ الْوَسَادِ لَحَكَمْتُ بَيْنَ أَهْلِ التَّوْرَةِ بِتَوْرَاتِهِمْ، وَ بَيْنَ أَهْلِ الْإِنْجِيلِ بِإِنْجِيلِهِمْ، وَ أَهْلِ الزَّبُورِ بِزُبُورِهِمْ، وَ أَهْلِ الْقُرْآنِ بِقُرْآنِهِمْ، حَتَّى يَزْهَرَ كُلُّ كِتَابٍ مِنْ هَذِهِ الْكُتُبِ وَ يَقُولُ: يَا رَبِّ، إِنَّ عَلَيْنَا قَضَى بِقَضَائِكَ.<sup>۳</sup>

۱. ر.ک: دلیل تحریر الوسیله (الكلام في مسألة ولاية الفقيه): ج ۳ ص ۱۷۴.

۲. ر.ک: ص ۴۰۸ ح ۱۹۲۴.

۳. الإرشاد: ج ۱ ص ۳۴، التوحيد: ص ۳۰۵ ح ۱، الأمالي، صدوق: ص ۴۲۲ ح ۵۶۰، الاحتجاج: ج ۱ ص ۶۰۹

سوگند به خدا، اگر تکیه گاهی (مسندی) برایم نهاده شود، در بین اهل تورات با توراتشان، در بین اهل انجیل با انجیلشان، در بین اهل زبور با زبورشان و در بین اهل قرآن با قرآنشان، داوری خواهم کرد تا آن جا که هر یک از این کتاب ها سر بر آورَد و بگوید: «پروردگارا! علی علیه السلام به حکم تو داوری کرد».

بنا بر این، سیاست قضایی دولت مهدوی در تعامل با پیروان ادیان آسمانی، همانند سیاست قضایی حکومت علوی، حاکی از برخورد مسالمت آمیز اسلام با پیروان سایر ادیان آسمانی است.

دو. همان طور که در متن حدیثی که سیاست قضایی امام مهدی علیه السلام را در مورد پیروان ادیان آسمانی بیان کرده، آمده، قضاوت ایشان بر اساس احکام کتاب های اصیل آسمانی خواهد بود، نه بر اساس کتاب های تحریف شده.

سه. به نظر می رسد افزایش دانش و بینش عمومی، سیاست برخورد منطقی و مسالمت آمیز دولت مهدوی با پیروان سایر ادیان، و آگاهی یافتن آنان از کتاب های اصیل و تحریف نشده خود، عواملی است که سبب می شوند به تدریج، همه یا اکثر قاطع پیروان ادیان، به آیین اسلام، گرایش پیدا کنند و همان طور که در شماری از احادیث آمده، دین اسلام در جهان، فراگیر شود و جامعه بشر به آرمان وحدت ادیان، دست یابد.<sup>۱</sup>

۱. ح ۱۳۸، الاختصاص: ص ۲۳۵، روضة الواعظین: ص ۱۲۲، المناقب، ابن شهر آشوب: ج ۲ ص ۳۸ کَلِّهَا نحوه ور. ک التّفصّل المختارة: ص ۲۲۲ و شرح نهج البلاغة: ج ۲۰ ص ۲۸۳ ح ۲۴۲.  
۱. ر.ک: ص ۲۶۷ (وحدت و کثرت ادیان در حکومت مهدوی).



# فهرست تفصیلی

۷	فصل پنجم: همیاری عیسی بن مریم <small>علیه السلام</small> .....
۷	۱/۵ فرود آمدن عیسی <small>علیه السلام</small> برای یاری امام <small>علیه السلام</small> .....
۱۰	تبیین روایات فرود آمدن عیسی <small>علیه السلام</small> از آسمان .....
۱۳	۲/۵ نماز خواندن عیسی <small>علیه السلام</small> پشت سر امام <small>علیه السلام</small> .....
۲۷	۳/۵ مدّت ماندن عیسی <small>علیه السلام</small> .....
۳۲	نقد روایت: «لا مهدی إلا عیسی <small>علیه السلام</small> » .....
۳۷	فصل ششم: پرچم امام مهدی <small>علیه السلام</small> .....
۳۷	۱/۶ پرچمش پرچم پیامبر خداست .....
۴۱	۲/۶ شعار یاران امام <small>علیه السلام</small> .....
۴۳	۳/۶ نوشته‌های روی پرچم امام <small>علیه السلام</small> .....
۴۳	۴/۶ هراس آفرینی پرچم امام <small>علیه السلام</small> .....
۵۱	۵/۶ چیرگی پرچم امام <small>علیه السلام</small> .....
۵۵	تبیین ویژگی‌های پرچم قیام از منظر احادیث .....
۵۶	۱. مقدّس بودن و انتساب آن به خداوند .....
۵۶	۲. شعار پرچم، نماد توحید .....
۵۷	۳. ایجادکننده هراس در دل دشمنان .....
۵۸	۴. استوار کردن دل مؤمنان .....
۵۸	۵. همراهی فرشتگان و نصرت الهی .....

- فصل هفتم: گزارش‌های در باره سخنان امام عج در آغاز قیام ..... ۶۱
- فصل هشتم: رویارویی با دشمن ..... ۷۹
- ۱ / ۸ قاطعیت امام عج در رویارویی با مستکبران ..... ۷۹
- ۲ / ۸ قاطعیت امام عج در رویارویی با مدعیان دروغین تشیع و محبت اهل بیت عج ..... ۸۷
- ۳ / ۸ برافکندن فتنه از بیخ و بن ..... ۸۹
- تحلیلی بر احادیث کشتار در قیام امام مهدی عج ..... ۹۲
- الف - حکمت تأخیر در قیام امام مهدی عج ..... ۹۳
- ب - شدت، معیار قرآنی در رفتار با مخالفان ..... ۹۵
۱. فضاشناسی صدور احادیث کشتار در قیام امام مهدی عج ..... ۹۸
۲. ارزیابی احادیث کشتار در قیام امام مهدی عج ..... ۹۹
- دسته اول: جنگ با فتنه‌گران ..... ۱۰۰
۱. همراهی با شمشیر ..... ۱۰۰
- ۱/۱. صاحب سیف ..... ۱۰۰
- ۲/۱. شمشیر، میراثی از محمد ص ..... ۱۰۱
- ۳/۱. شمشیر، از نشانه‌های ظهور ..... ۱۰۱
- ۴/۱. هشت ماه با شمشیر ..... ۱۰۲
- ۵/۱. صاحب سیف، میراث‌دار سنت ..... ۱۰۲
- ۶/۱. جفر سرخ، معیار داوری صاحب سیف ..... ۱۰۳
- ارزیابی ..... ۱۰۵
- معنا و مقصود ..... ۱۰۵
۲. نبرد مسلحانه ..... ۱۰۹
- مفهوم و مقصود ..... ۱۱۱
- دفع فتنه، راهبرد قرآنی ..... ۱۱۱
- شرط مقابله مسلحانه با فتنه ..... ۱۱۲
- دسته دوم: گردن زدن مخالفان ..... ۱۱۳

۱۱۵	..... مفهوم و مقصود
۱۱۶	..... دستة سوم: عدم ترحم امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۱۹	..... فصل نهم: پاسخ به چند پرسش
۱۱۹	..... ۱ / ۹ مدت حکومت امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۱۹	..... زمان‌های ذکر شده
۱۲۴	..... تعابیر به کار رفته
۱۲۷	..... نظریه‌ها
۱۲۸	..... بررسی
۱۲۹	..... اختلاف زمان به دلیل تنوع موضوعات
۱۳۰	..... گسترش ظرف زمان (هر سال، معادل ۱۰ یا ۲۰ سال)
۱۳۱	..... مخفی نگاه داشتن
۱۳۱	..... مقدار حکومت: کوتاه یا بلند

### بخش دوازدهم: سیره حکومتی امام مهدی علیه السلام

۱۳۷	..... فصل یکم: بنیادهای سیره حکومتی امام مهدی
۱۳۷	..... ۱ / ۱ عمل به کتاب خدا
۱۳۹	..... ۲ / ۱ احیای سنت و سیره پیامبر خدا <small>صلی الله علیه و آله</small>
۱۵۱	..... ۳ / ۱ احیای ارزش‌های اسلامی
۱۵۸	..... تبیین برخی از تعبیرات درباره مبانی حکومتی امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۵۹	..... ۱. امر جدید
۱۶۰	..... ۲. کتاب جدید
۱۶۱	..... ۳. قضای جدید
۱۶۲	..... ۴. سنت جدید
۱۶۲	..... ۵. دعای جدید
۱۶۳	..... ۶. استیناف الإسلام جدیداً
۱۶۳	..... ۷. سلطان جدید
۱۶۴	..... اصل اول: توجه به محکّمات و مسلمّات کتاب و سنت

- اصل دوم: واقعیت‌های تاریخی جهان اسلام ..... ۱۶۴
- فصل دوم: سرنوشت سازترین سیاست ..... ۱۶۹
- ۱ / ۲ مبارزه با مستکبران ..... ۱۶۹
- ۲ / ۲ زنده کردن زمین با عدالت ..... ۱۷۱
- الف - احادیث پیامبر ص ..... ۱۷۱
- ب - احادیث امام علی ع ..... ۱۸۹
- ج - احادیث فاطمه ع ..... ۱۹۷
- د - احادیث امام حسن ع ..... ۱۹۷
- هـ - احادیث امام حسین ع ..... ۱۹۹
- و - احادیث امام زین العابدین ع ..... ۱۹۹
- ز - احادیث امام باقر ع ..... ۲۰۱
- ح - احادیث امام صادق ع ..... ۲۰۳
- ط - احادیث امام کاظم ع ..... ۲۱۵
- ی - احادیث امام رضا ع ..... ۲۱۷
- ک - احادیث امام جواد ع ..... ۲۱۷
- ل - احادیث امام هادی ع ..... ۲۱۹
- م - احادیث امام حسن عسکری ع ..... ۲۲۱
- ۳ / ۲ چشمگیرترین نمودهای عدالت امام مهدی عج ..... ۲۲۵
- الف - نخستین پرتو عدالت ..... ۲۲۵
- ب - عدالت با نیکوکار بدکار ..... ۲۲۵
- ج - مبارزه با تصرف‌های نامشروع زمین خواری ..... ۲۲۷
- د - عدالت فردی و اجتماعی ..... ۲۲۹
- هـ - عدالت در خانواده ..... ۲۳۱
- فصل سوم: سیاست‌های فرهنگی ..... ۲۳۳
- ۱ / ۳ گسترش مرزهای دانش و خردورزی ..... ۲۳۳
- ۲ / ۳ آموزش قرآن بر اساس نزول آن ..... ۲۳۵

۲۳۷	.....	۳/۳	ساختن مسجدهای بزرگ
۲۴۱	.....	۴/۳	رویاریابی با بدعت‌ها
۲۴۳	.....	۵/۳	فتح سنگرهای گم‌راهی
۲۴۵	.....	۶/۳	پایان حکومت مستکبران
۲۴۷	.....		ملاحظه
۲۴۹	.....	۷/۲	تعمیق و تکامل ایمان
۲۴۹	.....	۸/۶	زنده کردن زمین با علم و ایمان و عدل
۲۵۳	.....	۹/۳	فراگیر شدن حکومت اسلامی در تمام جهان
۲۶۱	.....	۱۰/۳	وحدت ادیان
۲۶۷	.....		وحدت و باکثرت ادیان در حکومت مهدوی
۲۶۷	.....		چکیده
۲۶۹	.....		کثرت ادیان آسمانی در جامعه مهدوی
۲۶۹	.....		الف - ادله عام قرآنی
۲۶۹	.....		۱. عدم اکراه در دین
۲۷۳	.....		۲. دستور به جدال احسن با اهل کتاب
۲۷۳	.....		۳. هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در حاکمیت اسلام
۲۷۵	.....		۴. قرآن کریم و استقبال از پیشنهاد صلح
۲۷۸	.....		ب - ادله خاص قرآنی
۲۷۸	.....		۱. حکایت قرآن از بقای دشمنی بین یهودیان و نیز بین نصارا تا روز قیامت
۲۷۹	.....		۲. برتری پیروان واقعی عیسی <small>علیه السلام</small> بر کافران و یهودیان تا قیامت
۲۸۱	.....		۳. استمرار کیفر یهودیان تا قیامت
۲۸۳	.....		ج - ادله روایی
۲۸۳	.....		۱. مشابهت روش امام زمان <small>علیه السلام</small> با سیره پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>
۲۸۵	.....		۲. گرفتن جزیه از اهل کتاب در جامعه مهدوی
۲۸۷	.....		۳. داوری میان پیروان ادیان بر اساس کتاب خودشان



- ۲۸۷ ..... وحدت دین در جامعه مهدوی
- ۲۸۷ ..... الف - ادله قرآنی
- ۲۸۷ ..... ۱. اسلام، تنها دین مورد پذیرش خداوند متعال
- ۲۸۸ ..... ۲. پیروزی اسلام بر همه ادیان
- ۲۹۰ ..... ۳. نزول عیسی علیه السلام و ایمان آوردن همه اهل کتاب
- ۲۹۳ ..... ب - احادیث اسلامی
- ۲۹۳ ..... ۱. تجدید حیات اسلام و پیروی همه مردم از آن
- ۲۹۶ ..... ۲. تفاوت سیره امام زمان با سیره پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۲۹۷ ..... ۳. الزام و اجبار به تغییر دین
- ۲۹۸ ..... ۴. برداشته شدن جزیه
- ۳۰۰ ..... وحدت دین و کثرت شرایع
- ۳۰۲ ..... محو تدریجی تعدد ادیان در جامعه مهدوی
- ۳۰۳ ..... ۱. مفروضات بحث
- ۳۰۴ ..... ۲. سیر از کثرت به وحدت
- ۳۰۶ ..... ۳. چگونگی پیروزی اسلام بر سایر ادیان
- ۳۰۷ ..... ۴. تشابه سیره امام مهدی با سیره پیامبر
- ۳۱۰ ..... ۵. سختگیری بر معاندان
- ۳۱۲ ..... ۶. بررسی ادله بقای ادیان تا قیامت
- ۳۱۳ ..... ۷. جزیه در حکومت مهدوی
- ۳۱۴ ..... نتیجه
- ۳۱۷ ..... فصل چهارم: سیاست‌های اجتماعی
- ۳۱۷ ..... ۱ / ۴ استوار ساختن پیوندهای اجتماعی بر پایه برادری دینی
- ۳۲۱ ..... ۲ / ۴ گسترش امنیت
- ۳۲۹ ..... ۳ / ۴ پیشرفت بهداشت و درمان
- ۳۳۱ ..... ۴ / ۴ توسعه راه‌ها و اجرای قوانین رفت و آمد

۳۳۳	۵/۴ رضایت زمینیان و آسمانیان
۳۳۷	۶/۴ نقش برکات الهی در توسعه اجتماعی
۳۴۷	فصل پنجم: سیاست‌های اقتصادی
۳۴۷	۱/۵ ریشه‌کن کردن فقر
۳۵۳	۲/۵ استیفای اموال عمومی
۳۵۷	۳/۵ به‌کارگیری اندوخته‌های توانگران در آغاز قیام
۳۵۷	۴/۵ آشکار شدن گنج‌های زمین
۳۵۹	۵/۵ تقسیم اموال عمومی میان مردم به‌طور یکسان
۳۶۳	۶/۵ ممنوعیت سودگرفتن مؤمن از مؤمن
۳۶۳	۷/۵ آباد کردن همه زمین
۳۶۵	۸/۵ بخشش مال، بدون حساب
۳۷۱	۹/۵ نقش برکات الهی در توسعه اقتصادی
۳۸۵	فصل ششم: سیاست‌های قضایی
۳۸۵	۱/۶ آیین قضایی جدید
۳۸۷	۲/۶ قضاوت به شیوه داوود و سلیمان <small>علیهما السلام</small>
۳۹۲	تبیین شیوه داوری داوود و سلیمان <small>علیهما السلام</small>
۴۰۳	۳/۶ فراهم‌سازی امکانات برای قضاوت دقیق و سریع
۴۰۳	۴/۶ برکناری قاضیان ناشایست
۴۰۵	۵/۶ گزینش قاضیان صالح
۴۰۷	۶/۶ ریشه‌کن ساختن رشوه
۴۰۷	۷/۶ قضاوت زنان در خانه‌ها
۴۰۹	۸/۶ قضاوت میان پیروان ادیان آسمانی بر پایه کتابشان
۴۱۰	پژوهشی در باره سیره حکومتی امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۴۱۲	رمز حکومت بر دل‌ها
۴۱۳	شیوه زندگی شخصی اهل بیت <small>علیهم السلام</small>

- ۴۱۶ ..... شیوه زندگی پیشوایان عدل
- ۴۱۸ ..... شیوه زندگی امام مهدی عج در آغاز قیام
- ۴۱۹ ..... مبادی پیشرفت همه‌جانبه در دولت مهدوی
- ۴۱۹ ..... ۱. سیاست‌های مدیریتی امام مهدی عج
- ۴۲۰ ..... ۲. امدادهای ویژه الهی
- ۴۲۲ ..... (۱) سرنوشت‌سازترین سیاست‌ها
- ۴۲۲ ..... ظلم‌ستیزی و عدالت‌محوری
- ۴۲۳ ..... ۱-۱. پیوند عدالت‌گستری و رهبری معصوم
- ۴۲۳ ..... ۲-۱. پیوند عدالت‌گستری و ظلم‌ستیزی
- ۴۲۵ ..... ۱-۳. ظلم‌ستیزی، مبدأ همه اصلاحات
- ۴۲۶ ..... ۱-۴. عدالت‌گستری، جامع ارزش‌ها
- ۴۲۷ ..... (۲) سیاست‌های فرهنگی
- ۴۲۷ ..... ۲-۱. توسعه و تعمیق معرفت و بصیرت
- ۴۳۰ ..... ۲-۲. آشنای کامل با معارف قرآن
- ۴۳۱ ..... ۲-۳. توسعه مساجد و مراکز فرهنگی
- ۴۳۲ ..... ۲-۴. مبارزه قاطع با فساد و انحراف
- ۴۳۴ ..... ۲-۵. ریشه‌کن کردن گم‌راهی
- ۴۳۵ ..... ۲-۶. پایان دادن به دولت ابلیس
- ۴۳۵ ..... ۲-۷. تعمیق و تکامل ایمان
- ۴۳۶ ..... ۲-۸. زنده کردن معنوی زمین
- ۴۳۸ ..... ۲-۹. فراگیر شدن حکومت اسلامی در جهان
- ۴۳۸ ..... ۲-۱۰. اتحاد ادیان
- ۴۴۱ ..... (۳) سیاست‌های اجتماعی
- ۴۴۱ ..... ۳-۱. تقویت روابط اجتماعی بر پایه برادری دینی
- ۴۴۱ ..... ۳-۱-۱. نقش برادری دینی در تأسیس نخستین حکومت اسلامی

- ۴۴۲ ..... ۳-۱-۲. نقش برادری دینی در حکومت جهانی اسلام
- ۴۴۶ ..... ۳-۲. تأمین امنیت فراگیر
- ۴۴۶ ..... ۳-۲-۱. پیوند امنیت با فلسفه رسالت و امامت
- ۴۴۷ ..... ۳-۲-۲. شهر نمونه در امنیت
- ۴۴۷ ..... ۳-۲-۳. نوید امنیت فراگیر
- ۴۴۸ ..... ۳-۲-۴. سیاست‌های امنیتی
- ۴۴۹ ..... ۳-۳. بهداشت و درمان برای همه
- ۴۵۰ ..... یک. امام علی علیه السلام
- ۴۵۰ ..... دو. امام صادق علیه السلام
- ۴۵۰ ..... سه. امام باقر علیه السلام
- ۴۵۱ ..... چهار. امام زین العابدین علیه السلام
- ۴۵۱ ..... پنج. امام زین العابدین علیه السلام
- ۴۵۱ ..... ۳-۴. جلب رضایت جهانیان
- ۴۵۲ ..... ۳-۴-۱. مردمی‌ترین حکومت
- ۴۵۲ ..... ۳-۴-۲. اهتمام به رضایت همگانی در نظام اسلامی
- ۴۵۲ ..... ۳-۴-۳. امکان تأمین رضایت همگانی در محدوده مقررات
- ۴۵۳ ..... ۳-۴-۴. نقش عدالت‌محوری در تأمین رضایت همگانی
- ۴۵۳ ..... ۳-۴-۵. تأمین رضایت ساکنان زمین و آسمان
- ۴۵۳ ..... ۳-۴-۶. نقش امدادهای الهی در پیشرفت اجتماعی
- ۴۵۳ ..... الف- افزایش توانمندی‌های ارتباطی
- ۴۵۴ ..... ب- افزایش توانمندی‌های جسمی اهل ایمان
- ۴۵۵ ..... ج- افزایش توانمندی روحی اهل ایمان
- ۴۵۵ ..... د- توانمندی ارتباط با فرشتگان
- ۴۵۷ ..... (۴) سیاست‌های اقتصادی
- ۴۵۷ ..... عوامل پیشرفت اقتصادی عصر ظهور

- ۴۵۷ ..... ۱. سیاست‌های حکومتی
- ۴۵۷ ..... ۱-۱. سیاست‌های غیرمستقیم
- ۴۵۸ ..... ۲-۱. سیاست‌های مستقیم
- ۴۵۸ ..... ۱-۲-۱. فقرزدایی و رفاه عمومی
- ۴۵۹ ..... ۱-۲-۲. استرداد اموال عمومی و ثروت‌های نامشروع
- ۴۶۱ ..... ۱-۲-۳. به‌کارگیری اندوخته‌های ثروتمندان
- ۴۶۲ ..... ۱-۲-۴. استخراج منابع زیرزمینی
- ۴۶۳ ..... ۱-۲-۵. توزیع عادلانه ثروت ملی
- ۴۶۴ ..... ۱-۲-۶. تحریم سودگرفتن مؤمن از مؤمن
- ۴۶۵ ..... ۱-۲-۷. عمران و آبادانی زمین
- ۴۶۶ ..... ۱-۲-۸. ابعاد عمران و آبادانی عصر ظهور
- ۴۶۷ ..... ۲. امدادهای ویژه الهی
- ۴۶۷ ..... ۱-۲. نزول باران رحمت
- ۴۶۸ ..... ۲-۲. برکات استثنایی زمین
- ۴۷۱ ..... (۶) سیاست‌های نظامی
- ۴۷۲ ..... ۱. بهره‌گیری از نیروهای جوان و توانمند
- ۴۷۲ ..... ۱-۱. سیاست جوان‌گرایی در ادیان الهی
- ۴۷۳ ..... ۱-۲. توانمندی فوق‌العاده جسمی و روحی سپاهیان
- ۴۷۴ ..... ۱-۳. بهره‌گیری از مدیریت و تجربه سال‌خوردگان
- ۴۷۵ ..... ۲. نقش زنان در قیام مهدوی
- ۴۷۵ ..... ۱-۲. جمعیت از زنان، در شمار خواص اصحاب امام
- ۴۷۵ ..... ۲-۲. رجعت شماری از بانوان
- ۴۷۶ ..... ۳. ساز و برگ نظامی در قیام مهدوی
- ۴۷۷ ..... ۱-۳. مضمون احادیث
- ۴۷۹ ..... ۲-۳. ارزیابی احادیث

۵۰۵	فهرست تفصیلی
۴۸۰	۴. قاطعیت کامل در برخورد با مستکبران
۴۸۱	۴-۱. برخورد قاطعانه با مدعیان دروغین تشیع
۴۸۱	۴-۲. ریشه کن کردن فتنه
۴۸۱	۴-۳. رعایت دقیق ارزش های اخلاقی در برخورد با دشمنان
۴۸۳	(۷) سیاست های قضایی
۴۸۴	۷-۱. نوسازی سازمان قضایی
۴۸۵	۷-۲. داوری بر پایه علم
۴۸۷	۷-۳. فراهم ساختن امکانات دادرسی دقیق و سریع
۴۸۸	۷-۴. برکناری قاضیان ناشایسته
۴۸۸	۷-۵. انتخاب قاضیان شایسته
۴۸۹	۷-۶. ریشه کن کردن رشوه خواری
۴۹۰	۷-۷. قضاوت زنان
۴۹۲	۷-۸. داوری ویژه برای پیروان ادیان

